



فرهنگ اصطلاحات علوم

و تمدن اسلامی

فارسی - انگلیسی

تدوین

محمد تقی اکبری، احمد رضوانی، محمد تقی منشی فارسی

حسن سلطانی، فره و دیگران

«گروه ترجمه بنیاد پژوهشهای اسلامی»

ویراسته

بهاءالدین خرمشاهی



بنیاد پژوهش‌های اسلامی
آشنایان در سخن‌های



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

Call No. _____

Acc. No. _____

Date _____

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last date stamped above. An over-due charge of .06 P. will be levied for each day, if the book is kept beyond that day.

0164

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

Call No. _____

Acc. No. _____

Date _____

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last date stamped above. An over-due charge of .06 P. will be levied for each day, if the book is kept beyond that day.

فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی

(فارسی - انگلیسی)

تدوین

محمدتقی اکبری، احمد رضوانی، محمدتقی منشی طوسی
حسن سلطانی فر، و دیگران

ویراسته

بهاء الدین خرمشاهی

Islam - Terminology
~~Persian Language~~ - Persian Language - Dictionaries - English

فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی / گرد آورندگان محمد تقی اکبری... [و دیگران] . -
 مشهد : آستان قدس رضوی ، بنیاد پژوهشهای اسلامی ، ۱۳۷۰ .
 ۷۱۰ ص .

۱ . اسلام - واژه نامه ها - انگلیسی .
 الف . اکبری ، محمد تقی ، گرد آورنده .
 ۲ . اسلام - اصطلاحها - انگلیسی .

۲۹۷/۰۳

BP ۵/۵

563745
 16-3-09
 Date

297.03
 K5204

Price Rs 350/-



فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی (فارسی - انگلیسی)
 محمد تقی اکبری ، احمد رضوانی ، محمد تقی منشی طوسی ، حسن سلطانی فر
 بهاء الدین خرمشاهی
 بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی ، مشهد ، صندوق پستی ۹۱۷۳۵/۳۶۶
 ۵۰۰۰ نسخه

چاپ اول ، ۱۳۷۰

موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

حق چاپ محفوظ است

[Handwritten signature]

نام کتاب :
 گرد آورندگان :
 ویراستار :
 ناشر :
 تیراژ :
 تاریخ انتشار :
 چاپ :

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ویراستار

سپاس خداوند جان آفرین را که به توفیق پیدا و پنهانش فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی صورت تألیف، و طبع و انتشار یافت. فرهنگی که در دست دارید برابرنامه اصطلاحات علوم و فنون و کلمات فرهنگدار پرتداول و پرتواتر تمدن اسلامی است.

این فرهنگ در دو روایت فارسی - انگلیسی، و انگلیسی - فارسی تدوین شده است. مراد از فارسی، فارسی و عربی توأم است. زیرا اغلب اصطلاحات علوم و معارف و فنون اسلامی به زبان عربی است و به همان صورت اصلی عربی قرنهایست که در سراسر جهان اسلام و مخصوصاً ایران رواج داشته است.

در تدوین این فرهنگ، در مرتبه بعد از فرهنگ و تمدن اسلامی، برای فرهنگ و تمدن ایران اسلامی، تأکید قائل بوده ایم. نیز برای زبان فارسی، در درجه بعد از زبان عربی که زبان علمی و اصطلاحی سراسر جهان اسلام است.

در فرهنگ اسلامی و ایرانی و در قلمرو زبان عربی و فارسی، با آنکه تنظیم و تدوین فرهنگهای توضیح دار نظیر کتاب الحدود ابن سینا و تعریفات میرسید شریف جرجانی و کشاف اصطلاحات الفنون تهانوی سابقه دارد، ولی پیشینه «برابرنامه» به

شکل فرهنگ حاضر، در ایران در حدود دو و حداکثر سه دهه بیشتر نیست. در سالهای اخیر مرکز نشر دانشگاهی در زمینه علوم محض و علوم تجربی به آن اهتمام دارد.

در زمینه فلسفه و علوم اجتماعی و انسانی تاکنون چند «برابرنامه» انتشار یافته است. از همه قدیمتر و اصیلتر و روشمندتر واژه‌نامه فلسفی، تدوین سهیل محسن افغان است که اهم لغات و اصطلاحات فلسفی (اسلامی) را به فارسی و عربی با برابر نهاده‌های انگلیسی، فرانسه، پهلوی، یونانی، لاتین به دست داده است (چاپ دوم تهران، نشر نقره، ۱۳۶۲، ۳۳۲ ص). دیگر واژگان فلسفه و علوم اجتماعی، برابر نهاده‌های مترجمان و مؤلفان ایرانی. ویرایش داریوش آشوری. جلد اول انگلیسی - فارسی، جلد دوم فرانسه - فارسی (تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۵۵)؛ و دیگر فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی، انگلیسی - فارسی از انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی (تهران، بدون تاریخ)، که اخیراً ویرایش و گسترش یافته و «روز آمد» شده و معادلات و برابر نهاده‌های بیش از سیصد متن ترجمه شده از انگلیسی به فارسی را در زمینه فلسفه و علوم اجتماعی و علوم انسانی، با ذکر مأخذ هر واژه، تا پایان سال ۱۳۶۷ به دست می‌دهد و در حال حاضر در مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تحت طبع است و اینجانب همکاری ناچیزی در ویرایش آن داشته‌ام.

جدیدترین معادل‌نامه و اصطلاحنامه تخصصی در زمینه علوم انسانی، تا به امروز فرهنگ اصطلاحات صناعات ادبی، تألیف دکتر محمد طباطبائی است (مشهد، بنیاد فرهنگی رضوی، ۱۳۶۷).

در زمینه نزدیک‌تر به فرهنگ حاضر، چند فرهنگ اصطلاحات اسلامی نیز در دو دهه اخیر در ایران انتشار یافته است که بعضی از آنها - با جرح و تعدیل و نظر نقادانه - جزو منابع فرهنگ حاضر بوده و مشخصات آنها در فهرست منابع یاد شده است.

ساختمان این فرهنگ

اندیشه تدوین فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی در سال ۱۳۶۶ در بنیاد

پژوهشهای اسلامی، وابسته به آستان قدس رضوی، به منظور تسهیل کار پژوهندگان و اسلامشناسان و ایرانشناسان سراسر جهان و مخصوصاً محققان و مترجمان مسلمان شکل گرفت. تدوین کنندگان اصلی این فرهنگ آقایان محمدتقی اکبری، احمد رضوانی، محمدتقی منشی طوسی، حسن سلطانی فر هستند. چند تن دیگر از همکاران بنیاد پژوهشهای اسلامی آقایان احمد نمایی، حسن لاهوتی، محمدحسین نظری نژاد، عباس هوتکانی، محمدرحیم رحیم زاده و علی آخشینی در استخراج واژه ها و سایر مراحل تدوین این اثر با گـروه نخست همکاری مستمر داشته اند. بدینوسیله بنیاد پژوهشهای اسلامی و ویراستار سپاس خود را از یاریهای این عزیزان عرضه می دارند. تدوین کنندگان اصلی به ابتکار خود، و بعدها با مشورت اینجانب، منابع معتنا بهی از ترجمه های متون عربی به انگلیسی، نظیر فی المثل ترجمه های معتبر قرآن مجید، یا نهج البلاغه، یا مقدمه ابن خلدون، یا متون فارسی ترجمه شده به انگلیسی نظیر اخلاق ناصری، مثنوی معنوی، یا کشف المحجوب هجویری را برگرفته و با مقابله متن اصلی و ترجمه انگلیسی، از کلماتی که کلیدی و اصطلاح یا اصطلاح گونه تشخیص داده اند، فیش تهیه کرده و آنها را به اصطلاح «خارج نویس» کرده اند.

برای آنکه معلوم باشد هر لغت از چه منبعی اخذ شده، يك شماره ردیف مسلسل یا «كد» به هر منبع داده اند. طبعاً این شماره ها برابر با شماره های ردیف منابع در فهرست منابع است. یعنی شماره «۱» ترجمه انگلیسی تفسیر المیزان است و شماره «۱۰۰» ترجمه انگلیسی آربری از قرآن مجید و شماره «۱۲۹»: واژه نامه راه و ساختمان و معماری تدوین آقای مهندس حبیب معروف.

اینجانب در تابستان سال ۱۳۶۶ که به دعوت بنیاد پژوهشهای اسلامی، برای بحث و تبادل نظر درباره مسائل مختلف مربوط به ترجمه و ویرایش و آماده سازی متون به آن مؤسسه رفته بودم، دستنویس اولیه این فرهنگ را اجمالاً مطالعه و مرور کردم و به دوست دانشورم آقای محمدتقی منشی طوسی که سرپرستی این کار را با همکاری گروه یاد شده به عهده داشتند، پیشنهاد کردم که منابع بیشتری از جمله دایرة المعارف اسلام (به انگلیسی، طبع لیدن) و دهها متن اساسی دیگر که در زمینه معارف و فرهنگ و تمدن اسلامی رأساً به انگلیسی نوشته شده است، یا متونی که از

فارسی و عربی به انگلیسی ترجمه شده است، به این طرح افزوده شود و افزوده شد تا تعداد منابع به بیش از دو برابر آنچه در سال اول بود، بالغ گردید. از يك منبع غیر کتابی نیز در این کار با کمال احتیاط استفاده شده و آن رأی و نظر و تشخیص و پیشنهاد پژوهشگران است (علامت اختصاری آن «پ»).

گفتنی است که یازده منبع از میان این منابع برگه‌های استخراج شده از کتابهای نامبرده زیر است که زیر نظر استاد فرزانه جناب آقای دکتر مهدی محقق، به همت دانشجویان دوره فوق لیسانس دانشگاه تربیت مدرس فراهم شده است:

۱. تهافت الفلاسفه
۲. تهافت التهافت
۳. شرح عقائد النسفية
۴. دلالة الحائرين ابن میمون
۵. عرشیه ی ملاصدرا
۶. التعرف
۷. الدرة الفاخرة
۸. ارشاد شیخ مفید
۹. فصول قشیری
۱۰. دانشنامه علائی
۱۱. مواقف نفری

برگه‌های مستخرج از این منابع که حاوی تقریباً چهار هزار اصطلاح فلسفی، کلامی، عرفانی و منطقی بود، در سایر برگه‌ها ادغام شد و فرهنگ حاضر را از نظر علوم معقول بسیار غنی کرد؛ با تشکر از استاد دکتر محقق و دانشجویان دانشپژوه ایشان.

این توضیح نیز لازم است که کار واژه‌گزینی در اصل مبتنی بر مقابله متون فارسی و عربی با ترجمه انگلیسی آنها بوده است؛ مگر در مواردی که در يك متن انگلیسی مثلاً دایرة المعارف اسلام يك اصطلاح فارسی یا عربی آوانویسی یا به تعبیر دقیقتر حرف به حرف نویسی (transliteration) شده و معادل انگلیسی آن هم در جنب

آن آمده باشد، یا در مواردی که فقط به واژه نامه کتابها یا پانوشتهای آنها اکتفا شده است.

دامنه شمول و محتویات فرهنگ

فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی شامل کلمات کلیدی و اصطلاحات علوم اسلامی و علوم انسانی قدیم و کلمات فرهنگداری است که نمایانگر وجهی از فرهنگ و تمدن اسلام است. به عبارت دیگر علومى چون طب، داروشناسی، گیاهشناسی، کشاورزی، نجوم، شیمی در آن راه ندارد، مگر اصطلاحاتی از آنها که تداول عام یافته و جزو اطلاعات و معارف عمومی قدما بوده است و به متون نظم و نثر یا فرهنگها و دایرةالمعارفها راه یافته بوده است.

مراد از اصطلاحات علوم اسلامی، در درجه اول کلمات کلیدی قرآن مجید است (نظیر: اسوه، اصحاب کهف، اصنام، ام الكتاب، امی)؛ و اصطلاحات علم تفسیر و تجوید (نظیر: متشابه، ترتیل، انزال، تنزیل، تفسیر، تأویل، غُنه)؛ علم حدیث (نظیر: اسناد، تواتر، ثابت، ثقه، راوی، جرح، تعدیل، مرسل)؛ علم اصول فقه (نظیر: اجتهاد، تقلید، اعلم، اجماع، جری، حَظَر)؛ علم فقه (نظیر: اشربه، اعتکاف، افلاس، ایقاعات، متعه)؛ علم منطق (نظیر: اشتراط، تلازم، تمثیل، متناقض، متواطی)؛ فلسفه (نظیر: اشتداد، تکون و تکوین، جوهر، حیّز، صدور)؛ علم کلام (نظیر: اقنوم، اسماء الحسنی، الحاد، متکلم، مجبّره)؛ تصوف و عرفان (نظیر: اشراق، انانیت، انس، اوتاد، جذبه، مجذوب)؛ علم اخلاق (نظیر: انصاف، تواضع، جبن، ایثار، صدق)؛ صرف و نحو و دستور زبان فارسی (نظیر: اسم، اشتقاق، ضمیر، اجوف، تشبیه، ثلاثی مجرد، مخارج حروف)؛ علوم بلاغی، شامل معانی، بیان، بدیع، عروض و قافیه (نظیر: اطناب، اعنات، التفات، ایهام، بدیع، بראعت استهلال، ردالصدر علی العجز، ردالعجز علی الصدر)؛ تاریخ (نظیر: اصناف، اغالبه، امتیاز تنباکو، انقلاب مشروطیت، انقلاب اسلامی ایران)؛ جغرافیا (نظیر: اقلیم، اقیانوس، بیت المقدس، بحرالمیت، بین النهرین، جَزَر)؛ ریاضیات (نظیر: حساب، ضرب، تقسیم، اصم، اعداد متحابه، جذر، مجذور)؛ نجوم (نظیر: برج، حمل، ثور، جوزا...؛ نجم، اعتدال، اوج، ارتفاع،

اهله قمر)؛ طب (نظیر: بلغم، سودا، قراباذین، مالیخولیا، بلسان، داغ)؛ و حتی علوم غریبه (نظیر: رمل، جفر، نیرنجات، افسون، طلسم، تعویذ، اصابت العین). چنانکه اشاره شد اصطلاحات علوم انسانی نیز به فراوانی در این فرهنگ وارد شده است. مراد از علوم انسانی، علوم و معارفی است که در فرهنگ اسلام و ایران سابقه تعلیم و تعلم دارد، ولی مستقیماً جزو علوم شرعی نیستند نظیر: فلسفه، اغلب علوم بلاغی و ادبی و زبانی علی الخصوص صرف و نحو و دستور زبان و تاریخ و جغرافیا.

همچنین اصطلاحات مهم و معروف فنونی چون معماری، نقاشی، تذهیب، خطاطی، موسیقی، صحافی و کتابسازی نیز در این فرهنگ گردآوری شده است، ولی نه در حدی که بسیار تخصصی باشد.

ویژگیهای دیگر و طرز استفاده

۱. تنظیم فرهنگ حاضر به صورت الفبائی حرف به حرف است.
۲. «ال» در اول کلمات و نیز در درج کلام به حساب نیامده است.
۳. از اول کلمات انگلیسی غالباً to, an, a, the حذف شده است، تا اخلاقی در امر الفبائی کردن یا تشخیص حدود کلمات پیش نیاورد (مخصوصاً در روایت انگلیسی - فارسی)
۴. الف مقصوره (= ی) همانند «ی» منظور شده است.
۵. غالباً در برابر هر اصطلاح عربی، فارسی عمدتاً يك معادل انگلیسی و نیز در روایت انگلیسی - فارسی برابر هر کلمه انگلیسی حتی المقدور يك کلمه عربی یا فارسی بیشتر یاد نشده است و به ندرت و به ضرورت، گاه دو یا چند معادل یاد شده است.
۶. برای راهنمایی بیشتر و بازشناسی آسانتر بسیاری از اصطلاحات (ولی نه همه آنها) حروف اختصاری علم و فن یا زمینه کاربرد آن اصطلاح یاد شده است. نظیر فی المثل: اخ. برای اخلاق؛ منط. (منطق)، فل. (فلسفه)، تخ. (تاریخ)، جغ. (جغرافیا). فهرست کامل این حروف اختصاری - که غالباً از فهرست اختصارات فرهنگ فارسی (معین) اقتباس و با افزودن کاستهائی نسبت به آن

تنظیم شده، پس از پیشگفتار در صفحه‌ای جداگانه یاد خواهد شد. در این میان فقط کلمات قرآنی است که تبرکاً همین لفظ (یعنی کلمه «قرآنی») به طور کامل در برابر آنها یاد شده است. چه تعیین حرف اختصاری دیگر هم برای آن دشوار بود. چنانکه «ق» سالهاست که در عرف و تداول فارسی حرف اختصاری و علامت «قمری» یا «هجری قمری» است.

امروز علامت پیکان (←) برای ارجاع فراوان به کار می‌رود و در کتب مرجع تداول تام پیدا کرده است. با این حساب، این علامت (←) یعنی «نگاه کنید به»، و (نیز ←) یعنی «نیز نگاه کنید به». علامت (←) يك مترادف را — که مدخل اصلی قرار نگرفته است — به مدخل اصلی ارجاع می‌دهد؛ و علامت (نیز ←) مدخلهای مشابه و به نوعی هم‌موضوع یا هم‌حوزه را به همدیگر ربط و پیوند می‌دهد.

ویراستاری

اهم کارهایی که در ویرایش انجام گرفته فهرست‌وار عبارتند از:

۱. همکاری و مشورت در انتخاب متون و منابع
۲. واریسی یکایک مدخلها و برابر نهاده‌ها و مقابله آنها با بیش از ۱۰ منبع جدید (فرهنگها و دایرة المعارفها) برای آنکه اگر اصطلاح مهمی از قلم افتاده، یعنی در منابع اولیه و اصلی در کار نبوده است، در این مرحله استدراک و بازیابی شود. از این رهگذر بیش از سه هزار اصطلاح مهم و پر مراجعه و «با فرهنگ» به این مجموعه افزوده شده است. مخصوصاً کمال دقت به عمل آمده که کلیه یا حداکثر اصطلاحات و مفاهیم کلیدی قرآن مجید در این فرهنگ راه یابد.
۳. حذف کلمات و عباراتی که در حوزه هدف فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی قرار نمی‌گرفت و صرفاً به پیروی از منابع در دستنویس اولیه فرهنگ راه یافته بود، و بسیاری از این گونه کلمات که بیشتر واژه عادی بود تا «اصطلاح» يك علم و فن خاص، حذف شد.
۴. ساختن معادل برای اصطلاحات و کلمات کلیدی مهم که معادل انگلیسی آنها در هیچیک از منابع، و نیز منابع آزاد دیگر یافت نشده، نظیر «خارج»، «سطح»،

«آیه الله»، «استصحاب»، «درایت» و چندین مورد دیگر که با علامت پ (که علامت اختصاری «پیشنهاد» است) متمایز شده است.

۵. اعرابگذاریهای لازم و مفید برای درست تر خواندن بعضی کلمات و اصطلاحات.

۶. افزودن توضیح کوتاه و لازم برای شناساندن يك اصطلاح یا فرق نهادن بین اصطلاحات مشابه. فی المثل توضیحی که در معرفی ستون حنانه آمده است.

۷. افزودن توضیحات ریشه شناسی در بعضی موارد فی المثل طسق یا عبقری.

۸. تعیین و تصریح به قرآنی بودن يك کلمه یا اصطلاح. نظر به اینکه در فرهنگ و

تمدن اسلامی، متنی مهم تر و مؤثرتر و فرهنگ آفرین تر و تمدن سازتر و در عین

حال قدیمتر و اصیل تر از قرآن نداریم، به دلایل و وجوه عدیده، تصریح به قرآنی

بودن واژه ها، حائز کمال اهمیت است. این کار با دقت و استقصای تمام، در

روایت یا مجلد فارسی - انگلیسی این فرهنگ انجام گرفته است. خوب است این

شیوه، ولو اینکه مبتکر آن در عصر جدید مستشرقان و اسلام شناسان غربی بوده

باشند، در تحقیقات مشابه فرهنگی و لغوی رسم شود.

۹. بررسی صحت املا و ضبط اصطلاحات و ساختمان نحوی عبارات، چه فارسی و

عربی، چه انگلیسی.

۱۰. تعیین «فاصله به جا» یعنی فاصله قانونی بین کلمات، در مورد واژگان و معادل‌های

مرکب، که امری به ظاهر ساده، یا حتی به چشم نیامدنی، و در واقع امری بسیار

حساس و دشوار است و به کلی غیر قیاسی و غیر قانونمند است و در موارد تردید،

یا تشتت ضبطها، چاره ای جز مراجعه مکرر به فرهنگهای اصیل انگلیسی از جمله

وبستر سه جلدی بزرگ و OED نیست.

به این مثالها توجه کنید: thanksgiving, almsgiving به همین صورت که نوشته

شده، یعنی بیفاصله نوشته می شوند، ولی law giving که همان ساختار و ساختمان

دستوری را دارد، با فاصله نوشته می شود.

مثال دیگر notebook, guidebook, handbook هر سه به همین صورت بدون

فاصله نوشته می شوند، ولی travel book به معنای سفرنامه - که با کمال تعجب در

هیچ واژه نامه معتبر یا غیر معتبر انگلیسی ثبت یعنی وارد نشده است! - با فاصله

نوشته می‌شود.

مثال جالب توجه دیگر: common sense وقتی که اسم است با فاصله نوشته می‌شود، چنانکه هم‌اکنون با فاصله نوشته شد. ولی هنگامی که به صورت صفت در می‌آید، به صورت‌های زیر و بدون فاصله نوشته می‌شود:

– commonsense

– commonsensical

۱۱. تعیین حروف بزرگ آغازین یعنی مسألة باريك و بفرنج capitalization این مورد از مورد پیشین آسانتر نیست، و فرهنگ‌های معتبر هم اتفاق نظر و یکنواختی ندارند. این مورد را هم با ذکر مثال بهتر می‌توان نشان داد. god یعنی «اله»؛ و الله باید با G به صورت God باشد. deity یعنی الوهیت و ربوبیت و خدایگانی به معنای عام و غیر مشخص، ولی Deity یعنی الهیت و حتی توسعاً برابر با خداست. divine یعنی لاهوتی یا الوهی به معنای عام و تا حدودی مبهم، اما Divine یعنی الهی و خدائی. heaven یعنی آسمان، ولی Heaven یعنی بهشت. scripture مطلق متن و نوشته معنی می‌دهد، ولی Scripture (با اس بزرگ) یعنی کتاب مقدس (عهدین).

M در Muslim یا Moslem همواره باید بزرگ باشد.

یا pilgrimage با p كوچك یعنی مطلق زیارت و سیاحت، اما Pilgrimage (با پی بزرگ) در متون اسلامی یعنی حج گزاردن و Pilgrim (با پی بزرگ) یعنی حاج. همینطور ویراستار يكايك اجزاء اسماء الله الحسنى و نام سوره‌های قرآن را با حروف آغازین بزرگ در فرهنگ حاضر وارد کرده است. این رشته سر دراز دارد، بهتر است این بحث را در همینجا به پایان ببریم.

۱۲. حذف اعلامی که معادل انگلیسی آنها، همانا حرف نویسی یا دگرنویسی کلمات و اصطلاحات اسلامی است به الفبای انگلیسی مانند Thamud (ثمود) یا Harut (هاروت) یا Haman (هامان). ولی آنجا که املاي يك اسم در سنت اروپائی یا غیر اسلامی با اسلامی فرق داشته است حفظ شده‌اند، مانند: Ager (هاجر)، Aaron (هارون)، Mary (مریم)، Jesus (عیسی)، Galen (جالینوس) یا همچنین Arzachel

(زرقالی، منجم مسلمان اسپانیائی قرن پنجم).

در مورد املاي انگلیسی «قرآن» گفتنی است که انگلیسی زبانان آن را به دو صورت Koran, Qur'an می نویسند. در فرهنگ حاضر بسته به منبعی که منقول عنه بوده است، هر دو شکل به کار برده شده است.

یاد و سپاس

ویراستار در کلیه مراحل اصلاح و آماده سازی و بازنگری این فرهنگ از همکاری و اشراف علمی هیئت مدیره بنیاد پژوهشهای اسلامی و مدیر فاضل آن بنیاد جناب حجة الاسلام والمسلمین علی اکبر الهی خراسانی و معاونت فرهنگی آستان قدس و پژوهشگران این طرح به ویژه آقای محمدتقی منشی طوسی برخوردار بوده است. همچنین از مشورت و نظرهای اصلاحی و ارشادی و انتقادی سروران دانشور آقایان دکتر مهدی محقق، دکتر احمد طاهری عراقی، کامران فانی، و شهرام پازوکی بهره مند بوده است.

مسئولان محترم مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس نیز در تولید و طبع و نشر این اثر نهایت حوصله و همت را مبذول داشته اند. سلیقه و ظرافتی که در حروفچینی و صفحه آرایی و تولید فنی فرهنگ مشهود است، حاصل تجربه و هنرمندی آقایان بیوک رضائی و مجید گوهری است. والحمدلله اولاً و آخراً.

بهاء الدین خرمشاهی

تهران، نوروز ۱۳۷۰.

نشانه‌های اختصاری

اخ.	اخلاق	سی.	سیاست
ادا.	اداری	ع.	عربی
ادب.	ادبیات	عر.	عروض
اق.	اقتصاد	عرف.	عرفان
باز.	بازرگانی	فق.	فقه
بانک.	بانکداری	فل.	فلسفه
بع.	بدیع	قرآنی	واژه قرآنی
پ.	پیشنهاد گروه تهیه کننده و ویراستار	قص.	قصص
پز.	پزشکی	کل.	کلام (علم)
تجو.	تجوید	گیا.	گیاه شناسی
تخ.	تاریخ	مس.	موسیقی
تص.	تصوف	معم.	معماری
ج.	جمع	مق.	مقابل
جف.	جغرافیا	منط.	منطق
جل.	جلدسازی	نج.	نجوم
حد.	حدیث (علم)	نقا.	نقاشی
حس.	حساب	هن.	هنر
حق.	حقوق	←	نگاه کنید به:
دس.	دستور زبان	نیز ←	نیز نگاه کنید به:
رض.	ریاضی		

Call No. _____

Acc. No. _____

Date _____

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last date stamped above. An over-due charge of .06 P. will be levied for each day, if the book is kept beyond that day.

فهرست منابع

(در متن فرهنگ فقط به شماره‌های ردیف این منابع اشاره شده است)

1. *Al - Mizan, An Exegesis of the Quran*, by al - Allamah as - Sayyid Mohammad Husayn at - Tabataba'i, translated by Sayyid Saeed Akhtar Rizvi, Vol. 1, Tehran, WOFIS, 1983.
2. *Nahj Al - Balaghah*, by Amir Al - Mu'minin Ali Ibn Abi Talib, translated by Seyd Ali Raza, Tehran, World Organization For Islamic Services (WOFIS), 1979.
3. *Nahjul Balagha*, by Imam Ali, translated by S. Ali Raza, Qum, Ansariyan Publication, 1981.
4. *Polarization around the character of Ali Ibn Abi Talib*, by Murtada Mutahary, translated by Board of Writing, Translation and Publication, Tehran, WOFIS, 1981.
- 5 (1-2-3-4). *Iqtisādunā, Our Economics*, by Muḥammad Bāqir Aṣ - Ṣadr, English translation, (translated from Arabic by WOFIS), Volume one (part one, part two), Volume two (part one, part two), Tehran, World Organization For Islamic Services, first edition, 1982/1402.
6. *Alkafi*, by Ash - shaykh Abu Ja'far Muhammad Ibn Ya'qūb Ibn Ishāq Al - Kulaynī Ar - Razi, translated and published by World Organization For Islamic

Services, vol. 1, part 2, Tehran 1982.

7- *Holy Qur'an*, translated by M.H. Shakir, New York, Tahrike Tarsile Qur'an inc. 1985.

8. *The Constitution of the Islamic Republic of Iran*, translated by I.P.O. Tehran, Islamic Propagation Organization (I.P.O).

9. *Spiritual Sayings*, by Ayatullah Murtaza Mutahari, translated by Dr. Alauddin Pazargadi, Tehran, Islamic Propagation Organization, 1983.

10. *The Philosophy of Kalam*, by Austryn Wolfson, Cambridge, Massachusetts and London, Harvard University Press, 1976.

۱۱. سیر فلسفه در ایران، اثر محمد اقبال لاهوری، ترجمه امیر حسین آریانپور، نشر سوم، تهران، موسسه فرهنگی منطقه ای با همکاری سازمان انتشارات بامداد، ۱۳۵۴.

12. *Shi'a*, by Allamah Sayyid Muhammad Husayn Tabataba'i, translated by Seyyed Hossein Nasr, Qum, Ansarian Publication, 1981.

13. *Three Muslim Sages*, by Seyyed Hossein Nasr, Cambridge, Massachusetts, Harvard University Press, 1964.

14. *Muslim Saints and Mystics*, by Farid al - Din 'Attar, translated by A.J. Arberry, Persian Heritage Series, London and Boston, Routledge & Kegan Paul, 1966, Reprinted 1973.

15. *The Rights of Women in Islam*, by Murtada Mutahari, translated by Board of Writing, translation and Publication, first edition, Tehran, World Organization For Islamic Services, 1981.

16. *Society and History*, by Murtada Mutahhari, translated and published by Islamic Propagation Organization, 2nd edition, Tehran, 1985.

17. *Logic*, by W. Stanley Jevons, New York, American book Company.

18. *The Ilahi - nama or Book of God of Farid al - Din 'Attar*, translated by John Andrew Boyle, Persian Heritage Series, Manchester University Press, 1976.

19. *Nuzhat - al - Qulub* (the geographical part of), by Hamd - allah Mustawfi of Qazwin, translated by G. le Strange, London, Luzac & Co., 1919.

20. *The Practical Laws of Islam*, an Abridged Version of Imam Khomeini's

- Taudhih - al - Masa'il, translated and published by I.P.O., 2nd Edition, Tehran, Islamic Propagation Organization, 1985/1406.
21. *The Kashf al - Mahjub, the Oldest Persian Treatise on Sufism*, by 'Ali b. Uthman al - Jullabi al - Hujwiri, translated by R.A. Nicholson, London, 1911.
22. *The Jewels of the Qur'an, Al - Ghazali's Theory*, translated by Muhammad Abul Quasem, London, Kegan Paul International, 1983.
23. *The Recitation and Interpretation of the Qur'an, Al - Ghazali's Theory*, translated by Muhammad Abul Quasem, London, Kegan Paul International, 1982.
24. *A Shi'ite Creed: (I'tiqadatu'l - Imamiyyah)*, by ash - Shaykh as - Saduq, translated by Asaf A.A. Fyzee, Tehran, WOFIS, 1982.
25. *Gulistan of Seikh Sa'di*, translated by Major R.P. Anderson, Pakistan, Iran Pakistan Institute of Persian Studies, 1984.
- 26-1. *A Literary History of Persia, Vol. I, from the Earliest Times until Firdawsi*, by Edward G. Browne, Cambridge, 1969.
- تاریخ ادبی ایران، ج ۱، اثر ادوارد جی براون، ترجمه علی پاشا صالح، تهران، انتشارات کتابخانه ابن سینا، ۱۳۳۵.
- 26-2. *A Literary History of Persia, Vol. II, from Firdawsi to Sa'di*, by Edward G. Browne, Cambridge, 1969.
- تاریخ ادبی ایران، ج ۲، اثر ادوارد جی براون، ترجمه علی پاشا صالح، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸.
27. *Modern Islamic Political Thought*, by Hamid Enayat, London, Macmillan Press, 1982.
- اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، اثر حمید عنایت، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۲.
28. *A Sufi Martyr, The Apologia of 'Ain al Qudat al - Hamadhani*, translated by A.J. Arberry, London, George Allen & Unwin Ltd., 1972.
- دفاعیات عین القضاة همدانی، ترجمه و تحشیه دکتر قاسم انصاری، تهران، کتابخانه منوچهری، ۱۳۶۰.

29. *A Few Words on Knowing ALLAH*, translated by Mohammad Javad Mohammadi Towfigh, Tehran, 1363.

30. *Glimpses of the Nahj al - Balaghah*, by Martyr Murtada Mutahhari, translated by 'Ali Quli Qara'i, Al - TAWHID, vol. III, No.1, Tehran, October - December 1985.

31. *A Comprehensive Persian - English Dictionary*, by F. Steingass, Seventh impression, London, Routledge & Kegan Paul, 1984.

۳۲. حدود یا تعریفات ابن سینا، تصنیف ابن سینا، ترجمه محمدمهدی فولادوند، انتشارات انجمن فلسفه ایران، شماره ۵۰، شهریور ۱۳۵۸.

33. *The Glory of The Shia World, the Tale of a Pilgrimage*, by Sir Percy Molesworth Sykes assisted by Khan Bahadur Ahmad Din Khan, London, Macmillan, 1910.

34. *Gulshan i Raz (The Mystic Rose Garden)*, by Mahmud Shabistary, translated by E.H. Whinfield, Pakistan, Iran - Pakistan Institute of Persian Studies, 1978.

۳۵. شناخت مقدماتی ستارگان، اثر اس.ان. لی پینکات و جی.ام. جوزف، ترجمه و اقتباس توفیق حیدرزاده، گیتاشناسی، شماره انتشاراتی ۱۴۶.

۳۶. نجوم به زبان ساده، اثر مایروگانی، ترجمه محمدرضا خواجه پور، انتشارات گیتاشناسی، شماره انتشاراتی ۱۱۵.

۳۷. فرهنگ اصطلاحات معارف اسلامی (فارسی - انگلیسی)، اثر محمدعلی طالقانی، تهران، ۱۳۵۷.

38. *Dictionary of Islam*, by Thomas Patrick Hughes, first Indian edition, oriental reprint, New Delhi, 1976.

39. *Handbook of Muslim Jurisprudence*, by Ibn - Abu - Zayd, translated by Alexander David Russell & Abdullah - al - Mamum Suhraavady, Delhi, Seema, 1976.

۴۰. واژه نامه فلسفه، گردآورنده سهیل محسن افنان، چاپ دوم، نشر نقره، ۱۳۶۲.

41. *The Qur'an in Islam*, by M.H. Tabataba'i, translated by Alaedin Pazargadi, Tehran, Islamic Propagation Organization, 1984/1405.

۴۲. فرهنگ اصطلاحات اسلامی، فارسی - انگلیسی، اثر سید علی محمد نقوی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۰.
۴۳. فرهنگ مترجم، اثر غلامحسین صدری افشار و دیگران، تهران، نشر آفتاب، ۱۳۶۳.
۴۴. علم و دین، اثر ایان باربور، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
45. *Shorter Encyclopaedia of Islam*, edited by H.A.R. Gibb and J.K. Kramers, Leiden, E.J. Brill, 1965.
۴۶. عرفان و فلسفه، اثر و.ت. استیس، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۵۸.
47. *State and Government in Medieval Islam*, by Ann K.S. Lambton, London, Oxford University Press, 1985.
48. *Encyclopaedia Iranica*, Vol. 1, fascicle 1. edited by Ehsan Yarshater, London, Routledge & Kegan Paul, 1982.
49. *The Religious Reformers in Islam*, by Huseyin Hilmi Isik, Istanbul, Isik Kitabevi, 1976.
- 50- *The Islamic Threat to the Soviet State*, by Alexander Bennigson and Marie Broxup, London & Sydney, Croom Helm Ltd., 1985.
51. *Islam in the World*, by Malise Ruthven, England, Penguin, 1984.
52. *The Bustan of Sheikh Moslehedin Saadi Shirazi*, translated by G.M. Wickens, published by the Iranian National Commission for Unesco, No. 46.
53. *Ibn Taimiya's Struggle against Popular Religion*, by Mohammad Omar Memon, Hungary, Mouton & Co. 1976.
54. *Islamic Science, an illustrated study*, by Seyyed Hossein Nasr, World of Islam Festival Publishing Co. Ltd., 1976.
55. *Hafiz of Shiraz: A Selection from his poems*, translated by Herman Bicknell, Tehran, Islamic Publications and Educational Organization, 1976.
56. *The Wisdom of the Throne*, by Mulla Sadra, translated by James Winston Morris, Princeton University Press, 1981.

57. *Ghazali's Theory of Virtue*, by Mohamed A. Sherif, State University of New York Press, 1975.

58. *Sufi Essays*, by Seyyed Hossein Nasr, London, George Allen & Unwin Ltd., 1972.

59. *An Introduction to Islamic Cosmological Doctrines*, by Seyyed Hossein Nasr, Cambridge, Massachusetts, Harvard University Press, 1964.

60. *The Life of Ibn Sina, A Critical Edition and Annotated Translation*, by William E. Gohlman, first Edition, Published by State University of New York Press, 1974.

۶۱. فرهنگ حقوق انگلیسی به فارسی، اثر بهمن کشاورز، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۶.

62. *The Roots of Religion*, by Islamic Institute, Qum, Islamic Institute, 1982.

۶۳. مجمع اللغات، فرهنگ مصطلحات به چهار زبان: عربی، فارسی، فرانسه، انگلیسی، ترجمه و تنظیم بخش فارسی آیت الله زاده شیرازی، دکتر سیدمرتضی و دیگران، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، زمستان ۱۳۶۳.

64. *The Holy Qur'an*, translated by A. Yusuf Ali, U.S.A., Amana Corp, 1983.

65. *A Grammar of the Arabic Language*, (translated from the German of Caspari and edited with numerous additions and Corrections) by W. Wright, third Edition (revised by W. Robertson Smith and M.J. De Goeje), Cambridge, London, Cambridge University Press, 1967.

66. *Sufi Expressions of the Mystic Quest*, by Laleh Bakhtiar, London, Thames and Hudson, 1976.

67. *Book XX of Al - Ghazali's Ihya Ulum Al - Din*, translated by L. Zolondek, Netherlands, Leiden E.J. Brill, 1963.

68. *Religion and State in Iran*, by Hamid Algar, Berkeley and Los Angeles, University of California Press, 1969.

۶۹. اخلاق ناصری، اثر خواجه نصیرالدین طوسی، به تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی - علیرضا حیدری، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، بهمن ماه ۱۳۶۰.

69. *The Naserean Ethics*, by Nasir ad - Din Tusi, translated by G.M. Wickens,

London, George Allen & Unwin Ltd., 1964.

70. *An Introduction to Modern Literary Arabic*, by David Cowan, Cambridge University Press, 1958.

71. *Studies in Arabic and Persian Medical Literature*, by Dr. Muhammad Zubayr Siddiqi, Calcutta, Calcutta University 1959.

72. *A Grammar of the Persian Language*, by Duncan Forbes, Calcutta, Brown & Co., 1876.

73. *Ten Decades of Ulama's Struggle*, by Aqiqi Bakhshayeshi, translated by Alaedin Pazargadi, first edition, Tehran, Islamic Propagation Organization, 1985/1405.

۷۴. فرهنگ گیتاشناسی، گردآورنده و مترجم عباس جعفری، چاپ اول، تهران، مؤسسه گیتاشناسی، ۱۳۶۰.

۷۵. فرهنگ علوم اقتصادی انگلیسی به فارسی، اثر دکتر منوچهر فرهنگ، چاپ چهارم، تهران، انتشارات آزاده، ۱۳۶۳.

۷۶. اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، اثر مارتین مکدرموت، ترجمه احمد آرام، تهران، ۱۳۶۳.

۷۷. فرهنگ اصطلاحات مدیریت، فارسی - انگلیسی، انگلیسی - فارسی، اثر محمد طباطبائی، چاپ دوم، تهران، کتابفروشی دهخدا، ۱۳۵۲.

۷۸. واژه‌نامه مصور هنرهای تجسمی، اثر پرویز مرزبان و حبیب معروف، تهران، سروش، ۱۳۶۵.

79. *A Shi'ite Anthology*, by Allamah Sayyid Muhammad Husayn Tabataba'i, translated by William C. Chitick, Qum, Iran, Ansariyan Publication, 1982.

80-1. *The Encyclopaedia of Islam, New Edition*, edited by: H.A.R. Gibb, J.H. Kramers, E. Levi-Provençal, J. Schacht, Vol. I, A - B, Leiden, E.J. Brill, 1986.

80-2. *The Encyclopaedia of Islam, New Edition*, edited by: B. Lewis, Ch. Pellat and J. Schacht, Vol. II, C-G, Leiden, E.J. Brill, 1983.

80-3. *The Encyclopaedia of Islam, New Edition*, edited by: B. Lewis, V.L. Menage, Ch. Pellat and J. Schacht, Vol. III, H - IRAM, Leiden, E.J. Brill, 1986.

80-4. *The Encyclopaedia of Islam, New Edition*, edited by: E. Van Donzel, B.

Lewis and Ch. Pellat, C.E. Bosworth, Vol. IV, Leiden, E.J. Brill, 1978.

80-5. *The Encyclopaedia of Islam, New Edition*, edited by: C.E. Bosworth, E. Van Donzel, B. Lewis and Ch. Pellat, Vol. V, Leiden, E.J. Brill, 1986.

81. *Islamic Rationalism, the Ethics of 'Abd al - Jabbar*, by George Faldo Hourani, Oxford, Clarendon Press, 1971.

82-4. *The Cambridge History of Iran*, Vol. 4, edited by R.N. Frye, Cambridge University Press, 1975.

82-5. *The Cambridge History of Iran*, Vol. 5, edited by J.A. Boyle, Cambridge University Press, 1968.

83. *The Origin of Muhammadan Jurisprudence*, by Joseph Schacht, London, Oxford University Press, 1967.

84. *The Life of Muhammad, A Translation of Ibn ISHAQ's Sirat Rasul Allah*, translated by A. Guillaume, Karachi, Oxford University Press, 1980.

85. *An Introduction to Islamic Law*, by Joseph Schacht, Oxford University Press, 1982.

86. *A History of Islamic Law (2)*, by N.J. Coulson, Edinburgh, Edinburgh University Press, 1946.

87. *The Glorious Koran*, bilingual edition, translated by Marmaduke Pickthal, Printed in Great Britain, Reproduced by photo - lithography from the Hyderabad Edition by W.& J. Mackay Ltd. Chatham Kent, George Allen & Unwin.

88. *Introduction to the Qur'an*, by Bell and Watt, Revised and enlarged by W. Montgomery Watt, Edinburgh, Edinburgh University Press, 1970.

89. *What is Sufism?*, by Martin Lings, London, George Allen & Unwin Ltd., 1975.

90. *The Doctrine of Sufis*, by Abu Bakr al - Kalabadhi translated by A.J. Arberry, Cambridge University, 1935.

التعرف لمذهب اهل التصوف، اثر ابوبکر محمد الکلاباذی، قاهره، ۱۳۸۰ ق.

91. *Islamic Philosophy and Theology*, by M. Montgomery Watt, Edinburgh, Edinburgh University Press, 1979.

92. *The Metaphisica of Avicenna (Ibn Sina)*, translated by Parviz Morewedge, Persian Heritage Series, London, Routledge & Kegan Paul, 1973.
93. *A History of Islamic Philosophy*, by Majid Fakhry, London, Longman New York, Columbia University Press, 1983.
۹۴. مدخل منطق صورت، اثر غلامحسین مصاحب، چاپ دوم، انتشارات حکمت، پائیز ۱۳۶۶.
۹۵. فرهنگ فلسفی، اثر دکتر جمیل صلیبا، ترجمه منوچهر صانعی درّه بیدی، اضافات و نشر: انتشارات حکمت، پائیز ۱۳۶۶.
۹۶. یادداشت‌هایی در باب فصوص الحکم ابن عربی، اثر ا. نیکلسون، با مقدمه و ترجمه اوانس اوانسیان، تهران، بعثت، ۱۳۶۳.
۹۷. کشف اصطلاحات الفنون، تألیف الشیخ الاجل المولوی محمداعلی بن علی التهانوی، المجلد الثانی، بنگال، کلکته، ۱۸۶۲.
- A Dictionary of the Technical Terms Used in the sciences of the Musulmans*, part II, edited by: Mowlawies Mohammad Wajih, Abdal - Haqq, and Gholam Kadir, published by the Asiatic society of Bengal, 1862.
۹۸. الشفاء، المنطق، ۴ - القیاس، اثر ابن سینا، راجعه و قدم له الدكتور ابراهیم مدکور، به تحقیق سعید زاید، قاهره، ۱۳۸۳ هـ / ۱۹۶۴ م، قم، ایران، ۱۴۰۴ هـ.
- The Propositional Logic of Avicenna*, a translation from *al - Shefa'*; *al - Qiyas*, translated by Nabil Shehaby, Boston U.S.A/Dor Dreht - Holland, D. Reided publishing Company, 1973.
۹۹. مقدمه، اثر عبدالرحمن ابن خلدون، ترجمه محمدپروین گنابادی، جلد اول و دوم، چاپ چهارم، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
- المقدمه، العلامة ابن خلدون، الطبعة الرابعة، لبنان، بیروت، احیاء التراث العربی
- The Muqaddimah, An Introduction to History*, by Ibn Khaldun, translated from the Arabic by Franz Rosenthal, in three Volumes, Bollingen Series XL III, Second Edition, U.S.A, Princeton University Press, 1967.
100. *The Koran Interpreted*, translated by Arthur J. Arberry, London, Oxford University Press, 1964.
101. *The Encyclopaedia of Islam, New edition*, edited by: C.E. BOS worth, E.

Van Donzel, B. Lewis And Ch. Pellat, Supplement, Fascicules 1-2, 3-4, 5-6, Leiden, E.J. Brill, 1980, 1981, 1982.

۱۰۲. شرح غررالفرائد، معروف به شرح منظومه حکمت، قسمت امور عامه و جوهر و عرض، اثر حاجی ملاهادی سبزواری، به تصحیح و مقدمه و تعلیقات مهدی محقق و توشی هیکوایزوتسو، تهران، ۱۳۴۸.

۱۰۳. مثنوی معنوی، اثر جلال الدین محمد بن محمد بن الحسین البلخی ثم الرومی، تصحیح رینولد، ا.، نیکلسون، به اهتمام دکتر نصرالله پورجوادی، تهران، ۱۳۶۳ (چهار جلدی).

Mathnawi, by Jalalu'ddin Rumi, translated by Reynold A. Nicholson, E.J.W. Gibb Memorial Series, 1977, (three Volumes).

۱۰۴. تهافت الفلاسفه، تألیف غزالی.

Al - Ghazali's *Tahafut Al - falasifah* [= *Incoherence of the Philosophers*], translated by Sabih Ahmad Kamali. Lahore, Pakistan Philosophical congress, 1963.

۱۰۵. تهافت التهافت، اثر ابن رشد، به کوشش دکتر سلیمان دنیا.

Tahafut al - Tahafut, by Averroes, translated by S.V.D. Bergh, London. Trustees of the «E.J.W. Gibb Memorial» 1954.

۱۰۶. شرح العقائد النسفیة، اثر التفتازانی.

A Commentary on the Creed of Islam, by Al - Taftazani. Translated with Introduction and Notes by Earl Edgar Elder. New York, Books for Libraries. A Division of Arno Press, 1980.

۱۰۷. دلالة الحائرین، اثر موسی ابن میمون.

The Guide for the Perplexed, by M. Maimonides. Translated by M. Fridlander, London, 1881, 1904.

۱۰۸. الدرة الفاخرة، اثر نورالدین عبدالرحمن الجامی.

al - Durrat al - Fakhira, translated by N. Heer

۱۰۹. الارشاد، اثر شیخ مفید.

Kitab al - Irshad, by Shaykh al - Mufid, translated by I.K.A. Howard, London, 1981.

۱۱۰. الفصول، اثر قشیری.
Al - Fusul. By Qushairi. Translated by Richard M. Frank.
۱۱۱. دانش نامه علائی، اثر ابن سینا، به تصحیح احمد خراسانی.
The Metaphysica, by Avicenna, translated by Parviz Morewedge, London, Routledge & Kegan Paul, 1973.
112. *Companion to the Qur'an*, Based on the Arberry translation, by W. Montgomery Watt, London, George Allen and Unwin Ltd. 1967.
113. *The Qur'an and its Interpreters*, Vol.1, by Dr. Mahmoud M. Ayoub, Albany, State University of New York Press, 1984.
114. *Tadhkirat Al - Muluk; A Manual of Safavid Administration*, Translated and explained by V. Minorsky, Cambridge, E.J.W. Gibb Memorial Trust, 1980.
115. *Art of Islam, Language and Meaning*, by Titus Burckhardt, England, World of Islam Festival Publishing Company, 1976.
- هنر اسلامی، زبان و بیان، اثر تیتوس بورکهارت، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات سروش (صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران)، ۱۳۶۵.
۱۱۶. صحافی و جلدهای اسلامی، اثر دانکن هال دین، ترجمه هوش آذر آذرنوش، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۶.
۱۱۷. مصطلحات الفلسفة، باللغات الفرنسیة و الانجلیزیة و العربیة، اثر: ابوالعلا عقیفی، زکی نجیب محمود، عبدالرحمن بدوی، محمد ثابت الفندی، قاهره، ۱۹۶۴.
۱۱۸. کتاب المواقف، ویلیه کتاب المخاطبات لمحمد بن عبدالجبار بن الحسن النفری. بعناية و تصحیح و اهتمام ارثر یوحنا آربری. القاهرة، دارالکتب المصریة، ۱۹۳۴.
The Mawaqif and Mukhatabat of Muhammad Ibn 'Abdi' l - Jabbar Al - Niffari. Edited by Arthur John Arberry. London, Cambridge University Press, 1935.
۱۱۹. کتاب المخاطبات [همراه با کتاب المواقف طبع و ترجمه شده است. به مشخصات کتاب پیشین - شماره ۱۱۸ - مراجعه کنید].
۱۲۰. فرهنگ جامع فارسی - انگلیسی، تألیف سلیمان حیم، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۶۴.
121. *A Dictionary of Modern Written Arabic*, by Hans Wehr, edited by J. Milton Cowan, Wiesbaden, Otto Harrassowitz, 1971.

122. *Arabic - English Lexicon*, by E.W. Lane, 2nd Edition, Cambridge, The Islamic Texts Society, 1984.

۱۲۳. القاموس العصري، عربی - انگلیزی، تألیف الیاس انطون الیاس، و ادوار ا. الیاس، الطبعة التاسعة، القاهرة، المطبعة العصرية، ۱۹۶۵.

۱۲۴. فرهنگ فارسی، تألیف دکتر محمد معین، ۶ جلد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶.

۱۲۵. دایرة المعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، تهران، فرانکلین، ۱۳۴۵.

126. *Arabic - English and English - Arabic Dictionary*, by John Wortabet and Harvey Porter.

تجدید چاپ به طریقه افسست، تهران، ققنوس، ۱۳۶۴.

۱۲۷. القاموس الفلکی انگلیزی - عربی، تألیف منصور حناجر داق، لبنان، مکتبة لبنان، ۱۹۵۰.

۱۲۸. فرهنگ اصطلاحات صناعات ادبی، تألیف دکتر محمد طباطبائی، مشهد، بنیاد فرهنگی رضوی، ۱۳۶۷.

۱۲۹. واژه نامه راه و ساختمان و معماری، انگلیسی - فارسی و فهرست الفبائی لغات و ترکیبات فارسی، تدوین مهندس معروف، ویرایش دوم، تهران، چاپخانه بهمن، ۱۳۶۴.

water	۲۰	آب
rain water	پ	آب باران (فق.)
running water	۲۰، ۱۲۹	آب جاری (فق.)
water of well	پ	آب چاه (فق.)
water of life	۳۱، ۱۰۳	آب حیات (قص.)
well spring of life	۳۴	
		آب حیوان ← آب حیات
		آب زندگانی ← آب حیات
purifying water	۱۰۳	آب طهور (فق.)
under - Kurr water	پ	آب قلیل
Kurr water	پ	آب کُر (فق.)
mixed water	پ	آب مضاف (فق.)
pure water; clean water	پ	آب مطلق (فق.)
ancestors, forefathers; fathers	۶، ۷، ۲۴، ۸۷	آباء (قرآنی)
forebears	۹۹	
cistern; water reservoir	۱۲۹	آب انبار
		آبدست ← وضو
canal	۷۴	آبراهه (جغ.) [نیز ← قنات]
urinal; water closet	۱۲۹	آبریزگاه (نیز ← مستراح)
pregnancy	۱۲۰	آبستنی (فق.)
cascade; fall	۱۲۹	آبشار (جغ.)
runaway slave	۸۵	آبق (فق.) [مشتقی از این ماده به صورت آبق در قرآن به کار رفته است.]

small pox	۷۱	آبله (پز.)
climate, weather	۱۲۰	آب و هوا
irrigation	۷۴.۱۲۹	آبیاری
subbing; subsoil irrigation	۱۲۹	آبیاری زیرزمینی
fire-worshipper	۱۰۳	آپوکریف ← ابوکریف آتش پرست (کل.)
Hell-fire	۱۰۹	آتش دوزخ (نیز ← جهنم؛ جحیم)
volcano	۱۲۹	آتشفشان (جف.)
meteorology	۶۹	آثار علوی [= کائنات جَوّ]
meteorological phenomena	۸۰	آثار علویه (فل.)
fired brick	۸۰-۵	آجر
insulating brick	۷۸	آجر عایق (معم.)
pressed brick; repressed brick	۷۸	آجر فشاری (معم.)
queen closer	۷۸	آجر قلمدانی (معم.)
enamelled brick	۱۲۹	آجر کاشی (معم.)
glazed brick	۱۲۹	آجر لعابدار (معم.)
whole brick	۷۸. ۱۲۹	آجر مربع (معم.)
sundried brick	۷۸	آجر مشمس (معم.)
brickmaker	۱۲۹	آجرپز (معم.)
brickworks	۷۸	آجرپزی (معم.)
brickmaking; fire bricks	۱۲۹	آجر تراش (معم.)
brick cutter	۱۲۹	آجر فرش
paver; brick paving; pavement brick; paviour	۱۲۹	آجر کاری
brickworks	۱۲۹	آحاد
units	۱۰۸	آخر [الآخر، اسم الهی] (قرآنی)
The Last;	۱۱. ۴۵. ۸۰. ۸۷	آخر الزمان (کل.)
the end of Time, the last day	۳۱	آخرت (قرآنی)
the Hereafter	۲۹. ۸۷. ۱۰۰	
next world	۱۰۹. ۲	

futurity	۲۵	
the next life	۳	
the Last Day	۸۷	
religious chief	۸۰ - ۵	آخوند
religious teacher	۴۲	
rites; etiquette	۱۶	آداب
arts; ethical injunction; rules of civility	۸۰	
prescriptions	۹۰	
manners	۷۵.۵۷	
civilities; ceremonies	۳۱	
rules of discipline	۲۱	
canonical prayer	۸۰ - ۴	آداب الصلوة (فق.)
elimination	۲۰	آداب تخلی (فق.)
liturgy	۱۱۵	آداب دینی
manners of travel	۵۷	آداب سفر (فق.)
manners of singing and ecstasy	۵۷	آداب سماع و وجد (تصد.)
arts of worship	۶۷	آداب عبادات (فق.)
Adam	۴۳	آدم [حضرت آدم] (قرآنی)
		آدینه ← جمعه
ornament	۱۲۹	آذین
general votes of people	۸	آراء عمومی (سی.)
mausoleum	۷۸ و ۱۱۵	آرامگاه (نیز ← قبر؛ مقبره)
tomb	۱۲۹	
		آرزاكل ← زرقالی
avarice	۱۶.۱۸	آز (اخ.)
manumit	۳۹	آزاد کردن بنده (نیز ← اعتاق؛ عتاق)
ransom a slave	۱۰۰	
emancipation of slave	۲۲	

freedom	۸	آزادی (سید) نیز ← عتق آزادی اراده ← اختیار
threshold; sublime court	۱۰۳	آستان
sacred threshold	۳۳	آستان قدس
threshold; shrine	۹۵، ۱۱۵، ۱۲۹	آستانه
sill	۱۲۹	
paper paste-down	۱۱۶	آستر بدرقه (جلد)
floor; stair well	۱۲۹	آشکوب (معمد)
Assyria	۲۶	آشور (جفد)
strongholds	۸۰ - ۴	آطام [= دژها، استحکامات]
corruptions	۲۱	آفات (اخذ)
sensual corruptions	۲۱	آفات طبع (اخذ)
cankers of the soul	۲۱	آفات نفس (اخذ)
heavens	۳۴	آفاق (قرآنی)
macrocosm and microcosm; horizons and one's own soul	۱۲	آفاق و انفس [جهان کبیر و جهان صغیر]
extrovertive	۴۶	آفاقی (عرفد)
disease	۹۲	آفت (اخذ، پز)
impediment	۹۰	
contamination	۲۱	
Creator	۴، ۳۱، ۹۲	آفریدگار (نیز ← خالق)
Demiurge	۹۵	
created being	۱۱	آفریده (نیز ← مخلوق)
creation	۴۰	آفرینش (نیز ← خلق) آفریننده ← آفریدگار
gangrene; phagedaenic ulcer	۷۱	آکله [خوره، پز] نیز ← غانغرایا [= قانقاریا]
clan, house	۵۱	آل
offspring; prosterity	۳۸	

آلت صید ۵

family	۱۰۹	
descendant	۲	
the house of Abraham; the family of Abraham	۸۷	آل ابراهیم (ع) (قرآنی)
the progeny of Ibrahim	۶ - ۲	
Talibids	۴۵	آل ابوطالب [= طالبيان]
Buyids	۴۲	آل بویه
Buwayhids	۲۶ - ۱	
the house of David	۸۷	آل داود (قرآنی)
the family of Dawood	۷	
Ziyarids	۲۶ - ۱	آل زیار
the family of Imran	۴۲، ۸۷	آل عمران (قرآنی)
the house of Imran	۲۳، ۱۰۰	
the people of Pharaoh	۶۴	آل فرعون (قرآنی)
Pharaoh's folk	۸۷	
the progeny of Muhammad	۶ - ۲	آل محمد (ص)
the family of Muhammad	۴، ۹۹	
the house of Moses	۸۷	آل موسی (ع) (قرآنی)
folk of Moses	۱۰۰	
the family of the Prophet	۸۰	آل نبی
the house of Aaron	۸۷	آل هارون (ع) (قرآنی)
Aaron's folk	۱۰۰	
bounties	۷، ۶ - ۲	آلاء (قرآنی)
favours	۸۷	
ceiling batten	۱۲۹	آلت [= توفال] (معم.)
instrument; means	۱۰۴	آلت
organ	۴۰	
mechanism	۹۵	
panoply of war	۱۴	آلت حرب
horn socket	۱۲۹	آلت صید

canonic organon	٩٧	آلت قانونیه
protractor	١٢٩	آلت نقاله
one who orders to obey God's command	١٦	آل فراگانوس ← فرغانی
forgiveness; absolution	٣١	آمر به معروف
pray forgiveness	٤	آمرزش (نیز ← استغفار)
the river Oxus; Amu Darya	٨٠	آمرزش خواستن (نیز ← استغفار)
amen; so be it	١١٣	آمودریا [= جیحون]
moment; unit of time	١٠٢	آمین
nows	١٠	آن [= لحظه]
		آنات (کل.)
		آناتولیا ← آناتولی
Asia Minor	٧٨	آناتولی
Anatolia	٨٠	آناکساگوراس ← انکساگورس
	١٢٠	آهار (نقا.)
starch	٧٨	آهک (معم.)
size	٧٨، ١٢٩	آهک زنده
lime	٧٨، ١٢٩	آهک مرده
quick lime	١٢٩	آهکزی
air slaked lime; slaked lime	١٢٩	آهکزی
lime burner	٧٨، ١٢٩	آیات (قرآنی) (نیز ← آیه) ١. به ٨٧
lime burning; lime works		معنی جملات قرآن ٢. پدیده های ٨٧
1. verses V : revelations		شگرف، و گاه معجزه]
2. sign V : portents		آیات الحفظ
	٣٨	آیات الهی
verses of protection	٢٩	آیات بینات
divine signs	٥٦	آیات خدا
clear signs	١٠٣	آیات قرآنی
God's signs	١٦	
Quranic verses		

greatest of signs	۳۴	آیات کبری
allegorical verses	۷، ۸۷	آیات متشابهات
ambiguous verses	۱۰۰	
decisive verses	۷	آیات محکمت
clear verses	۱۰۰	
		آیت ← آیه
verse of victory	۳۸	آیه الفتح
the Throne verse	۱۱۳	آیه الكرسي
the verse of the Throne	۲۲	
the verse of inheritances	۳۸	آیه الموارث
1. miraculous sign of God	۱۰۱	آیه الله [۱]. معنای قدیمی این کلمه
2. title of chief mudjtahids in hierarchy of Shii clergy (ed.)		آیت الهی و حاکی از چیزی است که شگرف و ممتاز باشد [۲]. معنایی که در عصر جدید در تشیع اثنی عشری یافته است، مقام ممتازی در روحانیت است، و به مجتهدان بزرگ و مرجع تقلید اطلاق می گردد.]
1. verse	۱۰۰	آیه [۱]. به معنی جمله ای از قرآن،
revelation	۸۷	۲. نشانه ای شگرف از نعمت یا
2. sign	۱۰۰	قدرت الهی، گاه شبیه به معجزه [
miraculous sign	۴ - ۸۰	
prostration verse	۴۲	آیه سجده
		آیه متشابه ← آیات متشابهات
		آیه محکم ← آیات محکمت
abrogated verse	۴۱، ۹۹	آیه منسوخ
abrogative verse	۴۱	آیه ناسخ
abrogating verse	۹۹	
mirror	۱۲۹	آینه

الف

coalition	۶۱	اتلاف
the seven leading names of God	۴۲	ائمة الاسماء [= حى، عالم، مرید، قادر، سمیع، بصیر، متکلم]
the leading names	۳۸	
authorities on tradition	۴۲	ائمة الحديث
Leaders of error	۱۰۹	ائمة الضلال
the Imams (leaders) of unbelief	۶ - ۲، ۷	ائمة الكفر (قرآنى)
the Imams (leaders) of right guidance	۶ - ۲	ائمة الهدى
guides to salvation	۸۰ - ۴	
permissibility	۲۱	اباحت [= اباحه]
permission; antinomianism; allowances	۸۰ - ۳	
the cultivation of the land permissible	۸۰ - ۴	اباحت الزراعة
innovating	۴۵	اباحه ← اباحت
try; affliction	۷، ۸۷، ۱۱۸	ابتداء
ineffable joy	۸۰ - ۴	ابتلاء (قرآنى)
(to) pray humbly	۸۷، ۱۰۰	ابتهاج (اخذـ.)
supplication	۱۰۳	ابتهاج (قرآنى. تصـ.) (نیز ← ۸۷، ۱۰۰)
		مباهله

lamentation	۱۲۱	
purchase	۱۲۱	
arithmetical arrangement of the Arabic alphabet	۳۸	ابتیاع ابجد
future eternity; eternity without end	۱۱	ابد (فل.) [ابد به صورت «ابدأ» به معنای هرگز یا همیشه، درقرآن مجید به کار رفته است]
eternity	۹۵، ۱۱۸	
post-eternity	۴۰	
everlastingness	۱۰۳	
direct creation	۴۰	ابداع (کل.)
absolute creation; primordial innovation	۸۰ - ۳	
reoriginating	۲۶ - ۲	ابداع (بع.)
creative	۹۳	ابداعی (فل.)
the elect	۵۲	أبدال (تص.)
the righteous; the substitutes	۸۰ - ۵	
permutation	۲۸	إبدال (دس.)
assimilation; regressive assimilation	۱۲۸	إبدال (تجو.)
without end	۱۱۳	أبدی (فل.) (نیز ← ابد)
eternal	۴	
everlasting	۱۰۸	ابدیت
everlasting nature of the world	۱۰۴	ابدیت عالم
acquittance	۸۵	ابراء (قرآنی)
heal	۷، ۸۷	
the pious	۱۴، ۸۰، ۱۰۰	ابرار (قرآنی)
the righteous	۲۴، ۸۷	
the (spiritually) free	۱۰۳	
Abraham	۴۳، ۸۷، ۱۰۰	ابراهیم (ع) (قرآنی)
Abraham the Friend of God	۱۹	ابراهیم خلیل الله

leper	ابرص (قرآنی) (نیز — برص) ۱۰۰
Abraha	ابرّه (قرآنی) ۸۷
silk-embroidery	ابریشم دوزی (هند.) ۷۸
ewer	ابریق [جمع این کلمه به صورت ۴ - ۸۰ اباریق قرآنی است. خود کلمه ابریق، معرب کلمه آبریز فارسی است ← فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی]
See	ابصار (قرآنی) ۷، ۸۷
vision	۱۲
refutation	ابطال (فل.) (قرآنی) ۱۱، ۹۵، ۱۰۵
nullification	۴۰
abolishing	۹۰
reducing to the absurd	۸۰
disproving	۹۷ ابطال (منط.)
deliver; communicate	۶، ۷، ۸۷ ابلاغ (قرآنی)
disseminate	۷۷
fallen angel; devil	۱۱۲ ابلیس (قرآنی)
Satan	۲
Iblis	۱۴، ۱۰۰، ۱۰۳
needy traveller	۸۰ - ۲ ابن السبیل (قرآنی)
wayfarer	۸۷، ۸۰، ۴۲
Barhebraeus	۱۲۵ ابن العبری [= با رهبرایوس]
son of the (present) time	۱۰۳ ابن الوقت
Avempace	۴۲ ابن باجه
Avendeuth	۱۳ ابن داوود
Averroes	۳۷، ۹۹ ابن رشد
Averroism	۱۱ ابن رشدگرایی [= مکتب ابن رشد]

Avicenna	۴۰	ابن سینا
Avicennism	۱۱	ابن سیناگرایی [= مکتب ابن سینا]
categories; classifications	۸۰ - ۲	ابن طفیل ← ابوبکر بن طفیل
headings	۱۲	ابواب
gateways to God	۵۶	ابواب الله
The Father of mankind	۸۰، ۱۰۳	ابوالبشر
the Sphinx	۴۲	ابوالهول
Abubacer	۴۲	ابوبکر بن طفیل
fatherhood	۱۰۴	ابوت [مصدر از آب]
Apocrypha	۱۲۵	ابوکریرفا [= ابوکریرف: ملحقات
obscurity, ambiguity, vagueness	۱۲۱	کتابهای عهد قدیم و جدید]
thumb	۱۲۱، ۱۲۶	ابهام (ادب)
following	۷، ۴۵، ۹۸	ابهام (انگشت)
unquestioning submission to	۸۳	اپیکور ← افیغورس
tradition		اتباع (قرآنی)
union	۱۰۸، ۹۵، ۸۰، ۱۱	اتحاد (تص.)
unity	۲، ۸۰	
communion	۳۴	
unification	۸۰ - ۳	
solidarity	۲۹	
oneness	۱۰۳	
identification	۴۵	
Pan Islamism	۲۷	اتحاد اسلام
Substantial union	۱۱	اتحاد حقیقی
identity of subject and object	۱۱	اتحاد عاقل و معقول
identity of the knower and the known	۱۱	اتحاد عالم و معلوم

۱۲ اتحاد عقل و عاقل و معقول

اتحاد عقل و عاقل و معقول ۱۱

union of the intellect, intelligent
and intelligible

unity of matter and form

trade guild

qualification

joint

finger joint

tenon and mortise joint

dovetail joint

continuity

conjunction; contact

union

coupling

connection

union with God

complete connection

incomplete connection

deficient connection

incidence

chance connection

casualism

piety; virtuousness

perfection

skillful elaboration

۱۰۲ اتحاد ماده و صورت

۷۵ اتحادیه اصناف (ا.ف.)

۱۰۲ اتصاف (ف.د.)

۱۲۹ اتصال [در درودگری]

۱۲۹ اتصال انگستی [چوبکاری]

۱۲۹ اتصال کام و زبانه

۱۲۹ اتصال دم چلچله

۵۹ اتصال (منط.)

۹۳

۹۰

۱۲۹

۹۸.۱۲۹

۴۲

۹۸

۹۸

۹۸

۱۰۲

۹۸

۱۱

۱۲۰

۸۷

۱۲۶

اتصال بالله

اتصال تام (منط.)

اتصال غیر تام (منط.)

اتصال ناقص (منط.)

اتفاق (ف.د.)

اتفاق (منط.)

اتفاق گرایی

اتقاء (قرآنی)

اتقان (قرآنی)

اتقان صنع، برهان ← برهان اتقان

صنع

۱۱ اتم گرایی [ذره گرایی؛ فلسفه ذری]

۴

۸

اتهام

atomism

accusation

charge

crimination	۶۱	اتهام جنایت (حق.)
charge of complicity	۶۳	اتهام شرکت در جرم (حق.)
accomplish; achieve	۱۲۱	اتیان [= انجام، اجرا (قرآنی)]
furniture	۱۲۰، ۱۲۲	اثاث (قرآنی)
affirmation	۱۰۴، ۱۱، ۱۰۳	اثبات [مق. نفی]
confirm	۸۰ - ۴	
proof	۱۱	
effect	۶۲، ۱۰۳	اثر (فل. کل.)
trace	۱۱۸، ۱۱۹، ۷۹	
the sacred relic	۳۸	اثر الشریف
mechanics	۱۱۱	اثقال [علم]
sin	۴۲، ۸۰، ۸۷	اثم (قرآنی)
Twelvers	۴۲، ۴۵، ۹۹	اثنا عشریه (نیز ← شیعه)
Twelveans	۳۸	
duality	۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۸	اثنیت (کل.)
ether	۴۰	اثیر (فل.)
aether	۱۱، ۱۰۳	
answer	۷، ۸۷، ۱۰۳	اجابت مشتقات این کلمه در قرآن
hire	۳۸، ۴۵	مجید به کار رفته است.
lease	۱۵، ۱۱۴، ۱۲۹	اجاره (فق.)
contract of hire or lease	۸۰ - ۲، ۸۶	
the hire of service	۸۰ - ۳	اجاره اعمال
the hire of things	۸۰ - ۳	اجاره اعیان
period of hire	۶۱	مدت اجاره
rental	۶۱	اجاره بها
authorisation	۴۵، ۸۰، ۱۰۱	اجازه
ratification; licence	۸۰	
sanction; permit; diploma of initiation	۴۵	

hearth; ingle	۷۸	اجاق (معم.)
fire place; oven	۱۲۹	
families	۸۰ - ۴	اجاق [در طبقه بندی ایل]
choose	۷ و ۸۷	اجتناء [مشتقات این کلمه در قرآن]
		مجید به کار رفته است. [نیز ← (مجتبی)]
collectedness; collection	۱۰۲	اجتماع (فل.)
aggregation	۱۰	اجتماع (کل.)
religious community	۱۱	اجتماع دینی [أمت]
agreement of two opposites	۱۰۲	اجتماع متقابلین
assembling and combining	۵۹	اجتماع و ترکیب (کل.)
exertion	۳۸، ۱۰۳	اجتهاد (اصول فق.)
discretion	۸۳	
independent reasoning; indi- vidual reasoning	۸۵	
independent judgement	۲۸، ۹۳	
wage	۶، ۸۵، ۱۰۰	اجر (قرآنی)
reward (for pious deeds)	۸۰	
an ample reward	۱۴	اجر جزیل
an immense reward	۸۷	اجر عظیم
execution	۶۱	اجرا (حق.)
heavenly bodies	۱۱، ۹۷	اجرام فلکی [= الاجرام الفلکیة]
adequate payment	۵	اجرت المثل (فق.)
assize rent	۶۱	اجرت المسمى [اجارة معین و مسلم]
parts	۱۰، ۹۶، ۱۰۲	أجزاء (کل.)
constituent parts of a definition	۱۰۲	اجزاء حدیه (فل.)
concrete parts	۱۰۲	اجزاء عینیّه (فل.)
parts of speech	۱۲۸	اجزاء کلام (دس.)

atoms	۹۶	اجزاء لا یتجزی
combined parts	۱۰	اجزاء مؤلفه (کل.)
parts of a real composite	۱۰۲	اجزاء مرکب حقیقی (فل.)
bodies	۸۰-۵	اجساد
bodies	۸۰-۵	اجسام
viscous substances	۸۰-۵	اجسام الدهنیة
celestial and terrestrial bodies	۴۲، ۱۰۴	اجسام و اجرام [= الاجسام السماویة والارضیة]
term	۸۵، ۱۰۰	اجل (قرآنی)
fate	۵۲	
span of life	۱۰	
end	۱۱۳	
death	۱۰۳	
life's final term	۹۹	
appointed end (term, time)	۷، ۵۶، ۸۷	اجل مسمی (قرآنی)
extended term	۷۹	اجل ممدود
consensus	۱۱، ۴۵، ۹۹، ۱۰۸، ۱۱۰	اجماع (فق.) [این کلمه ریشه اصلی ولی غیر اصطلاحی در قرآن دارد]
unanimity	۹۵، ۸۰	
combination	۲۸	اجماع (کل.)
epitome	۳۴	اجمال
genera	۱۰، ۹۹، ۱۰۴، ۱۰۵	اجناس (منط. فل.)
classes	۶۹	
kinds of virtues	۶۹	اجناس فضایل (اخ.)
foreigner	۳۸	اجنبی (فق.)
stranger; third party	۸۵	
hollow	۲۸	اجوف (دس.)
hired servant	۸۵	اجیر (فق.)

hired worker, employee	۶۱.۱۲۱	احادیث ← حدیث
encompass; preserve	۸۷.۹۷.۱۰۰	احاطه (قرآنی)
reduction	۴۰	احالت
rabbis	۸۴	احبار (قرآنی)
jewish scribes	۱۶	
learned men	۳۱	
frustration	۹۵	احباط [= حبط. (قرآنی)]
cancellation	۴۵	
make to fail	۱۰۰	
seclusion	۷۹	احتجاب
argumentation	۱۱	احتجاج (نیز ← حجت؛ محاجه)
dialectic	۱۳	
argument	۱۰۵.۱۰۷	
cupping; scarifying	۳۱	احتجام (= حجامت) (پز.)
agony; being at the point of death	۴۲	احتضار (فق.) (نیز ← مراسم احتضار)
hoarding; monopoly	۳۱.۴۲.۹۹	احتکار (فق.)
hoarding up	۳۸	
cornering the goods	۶۳	احتکار کالا
occupation	۱۲۱	احتلال [= اشغال]
Seminal emission	۴۲	احتلام (فق.) [= حُلْم]
pollutio nocturna	۳۸	
puberty	۳۹	
nocturnal pollution	۳۱	
contingency	۴	احتمال (منط. فل.)
probability	۱۱	
precaution	۴۲.۸۵	احتیاط (اخل.)
Precious stones	۱۲۰	احجار کریمه [= سنگهای قیمتی]

riddle, puzzle, enigma	۱۲۱	جواهرات [
One	۷، ۸۷، ۱۰۳، ۱۱۳	أُحْجِيَّة
absolutely unique	۲۴	أَحَد (قرآنی)
single	۹۶	
The One	۸۰	الْأَحَد [اسم الهی] (غیر قرآنی)
The Absolute One	۱۱	
creation	۴۲	احداث
temporal production of a thing	۱۰۵	
existence	۱۰۴	
mourning	۳۹	احداد [ترك زينت پس از فوت شوهر]
One of two good things; good alternatives	۸۷	احدى الحسنين (قرآنی)
unity; concord	۳۸	احديت
singleness	۱۰۸	
oneness	۸۰	
essential Oneness	۱۰۸	الاحدية الذاتية (عر.)
unitary in being	۱۱۰	
dilemma	۱۱	احراج [برهان ذوالحدین]
the noble	۱۸	احرار (نیز ← حرّ)
the ingenuous	۳۱	
the righteous	۱۰۳	
consecration	۱۱۳، ۱۰۹	إِحْرَام (فق.) (قرآنی)
state of ritual taboo	۱۱۲	
state of ritual consecration	۵۱	
pilgrim sanctity	۱۰۰	
pilgrim garment	۸۴	
pilgrim's garb	۳۱، ۴۲	

confederates	۴۲، ۸۸، ۱۰۰، ۱۱۲	احزاب (قرآنی)
The Clans	۸۷	الاحزاب [سوره]
The Allies	۷	
sentiment	۲۹	احساس (فد. کد.)
sensation	۱۱	
kindness	۶۹، ۸۷، ۹۰	احسان (اخذ.) (قرآنی)
goodness	۸۰ - ۴	
benevolence	۵۷	
The Best of Creators	۸۷	احسن الخالقین (اسم الهی) (قرآنی)
fairest stature	۱۵	احسن تقویم (قرآنی)
best stature	۵۸، ۸۷	
most excellent in constitution	۱۰۳	
best order	۱۰۸	احسن نظام
enumeration	۷۹، ۹۲	احصاء (قرآنی)
numbering; describing	۳۱	
comprehensiveness	۱	
the hindering of the pilgrimage	۴۲	احصار الحج (فد.)
keeping a wife	۴۲	احصان (قرآنی)
marrying; chastity	۱۲۰	
calling	۶۱	احضار (حق.)
Summons	۶۱	احضاریه (حق.)
writ of summons	۶۳	احضاریه کتبی
The Sand - Dunes	۸۹، ۱۰۰	احقاف [سوره]
The Sandhills	۷	
adjudication	۶۱	احقاق حق
judgements; legal provisions	۴۵	احکام (فد.)
ordinances	۱۰۳	
primary real rules	۲۷	احکام اولیه حقیقه
secondary rules	۲۷	احکام ثانویه

secondary apparent rules	۲۷	احکام ثانویہ ظاہریہ
five qualifications	۸۰، ۸۵	احکام خمسہ
constitutional and administrative laws	۸۵	احکام سلطانیہ
revealed judgements	۸۱	احکام سمعیہ
revealed prescripts	۴۵	احکام شرعیہ
ordinances of the law	۲۱	احکام شریعت
Ten Commandments; The Decalogue	۴۳	احکام عشرہ [دہ فرمان]
intellectual judgments	۶۹	احکام عقلی [احکام عقلیہ]
rational judgments	۸۱	
religious injunctions	۴۱	احکام مذہبی
astrology	۳۶	احکام نجوم
The most just of Judges	۸۷	احکم الحاکمین (اسم الہی) (قرآنی)
The most just of Rulers	۴۲	
states	۱۱۳، ۴۲	احوال (فل۔ کل۔)
spiritual states	۵۸	
modes	۱۰، ۸۰، ۱۰۱	
the states of the soul	۱۰۴	احوال النفس
revival	۲۷، ۹۳	احیاء (قرآنی)
bringing to life; re-establish; revive	۴	
cultivation of waste land	۶۱	احیاء اراضی موات [= احیاء
		الموات] (نیز ← زمین موات)
reviving dead lands	۴۲	
revival of the dead lands;		
revivification of dead lands	۸۰-۵	
cultivating waste land	۸۵	
extortion	۶۱	اِخَاذِی (حق۔)
intimidation	۶۱	اِخَاَفَہ (حق۔) (نیز ← ارعاب؛ تخويف)
assumption	۸۰-۵	اِخَالِه

brotherliness	۸۰-۴	اِخاوه
traditions	۹۱	اَخبار [نیز ← حدیث]
genuine traditions	۲۱	اخبار صحاح
prophecies and information of unseen	۱	اخبار غیبی
information	۸۰ - ۴	اِخبار
Traditionists	۴۲	اخباریون (کل.)
historians	۲۶ - ۱	اخباریین [= مورخان]
trials	۱۰۷	اِختبار
circumcision	۹۹	اِختتان [= ختنه]
		اِخترگوئی ← احکام نجوم
		اِخترشناسی ← نجوم
palpitation	۷۱	اِختلاج (پز.)
embezzlement	۶۱	اِختلاس (حق.)
misappropriation	۸	
doctrinal difference	۸۰، ۴	اِختلاف (فق.)
divergences between schools	۸۰، ۴	اِختلاف مذاهب
Parallax	۳۶، ۱۲۹	اِختلاف منظر (نج.)
invention	۸۷، ۱۰۰	اِختلاق (قرآنی)
suppression of beliefs	۱۵	اِختناق (سی.)
choice	۴۰، ۸۰، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۸	اِختیار (اخ. فل.)
free will	۱۱، ۹۰، ۱۰۳	
full power	۶۱	اِختیار تام (حق.)
certain positions adopted	۸۰	اِختیارات
arbitrary	۱۱	اِختیاری
free	۸۰، ۴	
voluntary	۴۵	اِختیارِیَه
		اُخدود ← اصحاب اُخدود
embarkation on the way	۸۰-۵	اِخذ الطریق
expulsion	۸۷	اِخراج (قرآنی)

Other worldly	۴۲	اُخروی
the lowest rank	۱۰۴	اِخسَ (منط.)
more peculiar	۹۷	اِخصَ (منط.)
most proper	۱۰	
more particular	۸۰-۵	
letter of advice	۶۳	اِخْطاریّه (حق.)
to lower one's voice	۱۲۱	اِخْفَات (قرآنی) (مق. جهر، با صدای آهسته خواندن نماز)
		(فق.)
sincerity	۱۶، ۴۲، ۹۰، ۱۰۳	اِخْلَاص (ا.خ.) (قرآنی)
loyalty	۴۲، ۹۵	
devotion	۱۰۳	
Sincere Religion	۱۰۰	اِخْلَاص [سوره]
The Unity	۸۷	
four-fold humours	۱۱	اِخْلَاط اربعه (نیز ← خلط)
morals	۱۱، ۹۵	اِخْلَاق
morality	۱۶	
ethics	۱۱، ۸۰	
Islamic ethics	۸	اِخْلَاق اسلامی
good character quality	۵۷	اِخْلَاق حَسَن
fair virtues; commandable moral qualities	۴۲	اِخْلَاق حمیده
bad character qualities	۵۷	اِخْلَاق ردیثه
spiritual ethics	۱۱	اِخْلَاق روحانی
excellent ethics	۱	اِخْلَاق فاضله
commandable character traits	۵۷	اِخْلَاق محموده
ethical	۱۶	اِخْلَاقی
five parts	۲۳	اِخْمَاس (نیز ← تخمیس)
Brethren of Purity	۴۰	اِخْوَان الصفا
Muslim Brothers	۲۷	اِخْوَان المسلمین

brotherhood	۴۲	اخوت
the select	۲۴	اخيار (قرآنی)
the elect	۷	
the chosen ones	۴۲	
payment	۳۸، ۸۰	اداء (قرآنی)
accomplishment	۸۰	
satisfaction; completing (prayers...)	۳۸	
tool; syncategorematic	۹۷	ادات (نیز ← ادوات)
particle; instrument	۴۰	
connective	۹۴	
words of comparison	۱۲۸	ادات تشبیه (بع.)
administration	۸۰ - ۵	اداره
register office	۷۵	اداره ثبت اسناد
fulfil	۶	ادا [انجام دادن وظیفه]
perform	۲۱	
		ادالیه ← انطالیه
May God prolong	۴۲	ادام الله
performing obligatory duties	۲۱	ادای فرایض (نیز ← اتیان؛ فریضه؛ فرض)
	۸۰ - ۲	ادای نذر (نیز ← نذر)
fulfill a vow	۳۸	
perform a vow	۶۹، ۱۰۳	ادب
discipline	۴۷	
courtesy; urbanity	۶۹	
literature	۸۰ - ۳	
belles lettres	۴۰	
education; culture	۱۶	ادبار
disaster	۴۶، ۸۱، ۹۵، ۹۹، ۱۰۲	ادراك (قل. کل.)
perception	۱۰۲	
cognition		

comprehension	۱۰	
percept	۱۱	
perception by essence	۶۹	ادراك بذات
immediate perception	۱۱	ادراك بى واسطه
sense perception; sensuous perception	۱۱	ادراك حسى
sensual perception	۹۹	
intellectual perception	۱۰۷	ادراك عقلى
non - sensory perception	۱۱	ادراك غير حسى
Adrianople	۴۲	ادرنه (جف.)
Enoch	۴۲.۴۵	ادريس (قرآنى)
Andreas	۴۵	
Idrisids	۹۹	ادريسيان (= ادارسه)
assimilation	۸۰-۵.۱۲۸	ادغام (تجو.)
regressive assimilation	۱۲۸	
contraction	۲۸	
arguments	۱۰۵.۱۰۴	ادلّه (نيز ← برهان؛ كتاب؛ سنت؛ عقل؛ اجماع)
proofs	۸۰-۳.۱۰۶	
traditional or authoritative proofs	۸۰-۳	ادلّه سمعيّه
intellectual proofs	۱۰	ادلّه عقلى
rational proofs	۸۰-۳	
decisive proofs	۱۰۶	ادلّه قطعى
question words; interrogatives	۱۲۸	ادوات استفهام (دس.)
periods of revolution	۸۰ - ۴	ادوار
composite drugs; compound drugs	۸۰-۵	ادويه مركبه (پز.)
simple drugs	۸۰-۵	ادويه مفرده (پز.)
revealed religions	۱۲	اديان آسمانى [= اديان وحيانى]
learned	۳۱	اديب

proclamation	۶۴.۸۷.۱۰۰	اذان (قرآنی)
call to prayer	۲۲.۶۸.۸۲	
announcement	۴۵.۸۰	
prayer call	۴۲	
acknowledgment	۱۰۶	اذعان [مشتقی از این کلمه به صورت مذعنین در قرآن به کار رفته است.]
leave	۶.۸۷	اذن (قرآنی)
permission	۲۹.۶۱.۸۵	
authori zation	۸۰-۳	
consent	۳۹	
authority of the sacred law	۱۰۴	اذن شرع
simple permission	۶۱	اذن محض (حق.)
discipleship	۵۸	ارادت (تصد.)
fellowship	۴	
devotion to God	۲۱	
will	۵۷.۱۰۴.۱۰۵.۱۰۷.۱۰۸	اراده (اخذ. فلد.) (قرآنی)
desire	۹۰	
act of willing	۱۱۰	
eternal will	۱۰۵	اراده ازلیه
Divine Will	۹۶	اراده الهی
temporal will	۱۰۵	اراده حادثه
will of the agent	۱۰۵	اراده فاعل
eternal will	۱۰۵	اراده قدیمه
personal will	۱۱	اراده متشخص
voluntary	۱۱	ارادی
volitional	۱۰۴	
non - volitional	۱۰۴	غیر ارادی
the vilest; the lowest	۱۶	اراذل (قرآنی)

the meamest	۷	
the most abject	۸۷	
waste - lands	۴۲	اراضی موات (نیز ← احیاء)
		(اراضی موات)
masters	۱۳	ارباب (نیز ← رب)
men that have true dreams	۱۰۷	ارباب احلام صادق
masters of species	۱۳	ارباب انواع
mystics	۲۱	ارباب حال
artisans	۶۱	ارباب حِرَف
general public	۷۷	ارباب رجوع
military men	۹۹	ارباب سیوف
the military	۴ - ۸۰	
law officers	۳۱	ارباب شرع
masters of theurgies	۱۳	ارباب طلسم
masters of mystery	۳۴	ارباب معنی
forty days (of spiritual retreat)	۵۸	اربعینات (تصد.) (نیز ← چله)
earnest money	۸۵	اُربُون [بیعانه] [در عربی این کلمه را به صورت عربون می نویسند]
communication	۱۱	ارتباط
reaction (ism)	۱۲۱	ارتجاع (سیب.)
reactionary	۱۵	ارتجاعی (سیب.)
improvisation	۴۰	ارتجال
departure	۴۲	ارتحال (نیز ← رحلت)
pass away	۱۲۱	
apostatize	۶۱	ارتداد (فق. کل.) (نیز ← رِدّه)
apostasy	۴۲	
become renegade	۶۴	
bribery	۶۱	ارتشاء (حق. فق.) (نیز ← راشی)
sucking; taking the suck	۳۱	ارتضاع (فق.) (نیز ← رضاع)

altitude	۸۰-۵۳۶	ارتفاع (نجـ.)
height	۱۲۹	
		ارتفاع نقیضین ← امتناع ارتفاع نقیضین
easement	۶۱	ارتفاق (حقـ.)
perpetration	۴	ارتکاب
in the very act	۶۱	در حین ارتکاب (حقـ.)
plunging; diving	۳۱	ارتماس (فقـ.)
inheritance	۸۰-۱۰۹	ارث (فقـ.)
heritage	۶	
legatee	۳۹	ارث بر (فقـ.)
inherit	۶	ارث بردن (فقـ.)
bequeath	۱۵	ارث گذاشتن (فقـ.)
relations by the mother; uterine kindred	۳۱-۸۷	ارحام [= خویشاوند] (قرآنی) (نیز ← اولوالارحام)
The Most Merciful of all merciful	۱۰۰	ارحم الراحمین (اسم الهی) (قرآنی)
vilest; lowest		ارذل [جمع این کلمه به صورت ۱۶ الارذلون و ارذل قرآنی است]
means of subsistence	۸۰-۳	ارزاق
Araxes	۱۹	ارس [رود] (جغـ.)
		ارسال رسل ← رسول؛ رسالت
proverbial commission	۲۶	ارسال المثل (بعـ.)
paroemia	۱۲۸	
Aristotle	۴۰	ارسطاطالیس [ارسطو]
Aristotelianism	۱۱	ارسطوگرایی (نیز ← آیین مشاء، فلسفه ارسطو)
sash; sash window	۷۸-۱۲۹	اُرسی (معمـ.)
guidance	۱۰۳-۱۰۹	ارشاد

spiritual guidance	۵۸	
innovative guidance	۱۲	
soil, land	۸۰-۵	ارض (قرآنی)
earth	۷، ۸۷، ۱۰۳	
Calabria	۸۰ - ۴	ارض الكبيره
God's earth	۱۰۳	ارض الله (قرآنی)
Allah's earth	۷	
Holy Land	۸۰ - ۵	ارض المقدسه
terrestrial	۴۲	ارضی
territorial	۱۲۹	
terrorising	۲۷	ارعاب (نیز ← اخافه؛ رعب)
pillars	۶، ۴۲، ۱۰۶، ۱۱۴	اركان (نیز ← ركن)
corner stones	۸۰ - ۲	
columns	۲	
foundations	۴۲	
first principles	۶۰	
foundations of faith	۴۲	اركان الايمان
five pillars of the prayers	۴۲	اركان الخمسه
		ارم ← بهشت شداد
		ارواح ← روح
		اروقه ← رواق
wrapper	۶۷	ازار
dado	۷۸	ازاره (معم.)
cause to swerve	۱۰۰	ازاغه (قرآنی) (نیز ← زیغ؛ ۱۰۰)
		زائغین)
remove	۱۰۷	ازاله
defloration	۶۱	ازاله بکارت (فق. حق.)
marriage	۲۰	ازدواج (فق. حق.) (نیز ← نکاح)
permanent marriage	۱۵	ازدواج دائم

temporary marriage; fixed term marriage	۱۵	ازدواج موقت
coupling of premises	۴۲	ازدواج (فل. منط.).
Azraquites	۴۲	ازرقیه (کل.).
obsolescence	۷۸	از کارافتادگی ساختمان (معم.).
pre-eternity	۴۰، ۴۵، ۸۰	ازل (فل.).
eternity	۱۰۳، ۱۰۶	
eternity without beginning	۱۱	
casting lots	۴۲	ازلام (قرآنی) (فق.).
divining - arrows	۱۰۰	
pre - eternal	۵۹	ازلی (فل.).
without beginning	۱۱۳	
eternity	۴۵، ۸۰، ۱۰۵	ازلیت (فل.).
pre - existence	۲۹	
beginninglessness	۷۹	
perenniality	۸۰ - ۳	
Smyrna	۴۲	ازمیر (جف.).
Nicaea	۸۰ - ۴	ازنیق [نیقیه] (جف.).
pure companions	۵۶	ازواج مطهره (قرآنی).
Draco	۳۵	اژدها [از صور فلکی] (نج.).
foundation	۹۵	اساس
element; corner - stone	۱۲۹	
<i>fons et origo</i>	۴۶	اسّ اساس
foundation of foundation	۱۰۴	اساس الاساس
fables of the ancients	۸۰ - ۳	اساطیر الاولین (قرآنی).
old world tales	۸۸	
fairy tales of the ancients	۱۰۰	
causes	۱۰، ۸۰، ۹۰، ۱۰۵	اسباب (کل.).
means	۶	

causal means	۶	اسباب علی
occasions of revelation	۸۸	اسباب نزول [= شأن نزول]
Tribes	۴۲، ۱۰۰	اسباط (قرآنی)
province; county ; shire	۷۷	استان
		استانیول ← اسلامبول
governor - general	۷۷	استاندار
despotism	۱۶	استبداد (سی.)
Short Despotism	۷۳	استبداد صغیر (سی.)
replacement, substitution	۱	استبدال (قرآنی)
confirmation of emptiness	۸۰	استبراء (فق.)
waiting period of a female slave after a change owner	۸۵	
silk embroidery	۸۷	استبرق (قرآنی)
brocade	۱۲۱	
exploitation	۲۹	استثمار (سی.)
exploiter	۱۶	استثمارگر (سی.)
exception	۸۰ - ۴، ۹۵	استثنا [به معنای گفتن «ان شاء الله»] اصطلاحی قرآنی است.
exclusion	۷۵	
saving clause	۱۰۳	
saying 'In Sha'a Allah' [if God wills]	پ	
fulfillment	۱۲۱	استجابت (قرآنی)
answering	۳۱، ۱۲۰	
menstrual irregular discharges	۴۲	استحاضه (فق.)
metamorphosis	۹۲، ۱۱۱	استحالت [= استحاله]
transformation	۹۹	
transubstantiation	۵۶	
impossibility	۱۰۵	
preference	۴۷، ۸۳، ۸۵	استحباب [اصل این کلمه به معنای]

دوست داشتن یا خوش (تر)
داشتن چیزی، قرآنی است، ولی
معنای نفل و نافله، که در جنب
سایر احکام خمس یافته است
قرآنی نیست
استحسان (فق.)

preference	۸۳	
approbation	۴۲، ۹۵	
approval	۴۲، ۹۰	
juristic preference	۲۷، ۸۶	
adjuring; causing to swear	۳۱	استحلاف (نیز ← حلف) (فق.)
considering a thing lawful	۳۱	استحلال (نیز ← حِلّ) (فق.)
taking a bath	۳۱	استحمام (نیز ← حمام)
bibliomancy; stichomancy	۳۱	استخاره (فق.)
asking favours	۳۸	
ask a blessing	۲۱	
formulate a prayer to obtain a favour	۵ - ۸۰	
pond; pool ; reservoir; water reservoir	۱۲۹	استخر (معم.)
natatorium	۷۸	استخر سرپوشیده (معم.)
succession	۱۶ ←	استخلاف (قرآنی) (نیز ← جانشینی؛ خلافت)
make to succeed	۸۷	
carcass; frame work	۷۸	استخوانبندی بنا (معم.)
miracles wrought by the assistance of the Devil with the permission of God	۳۸	استدراج (قرآنی)
consigning to punishment	۳۱	
emendation	۳۱	استدراك

563745
16-3-09

to make up for	۱۲۳	
reasoning	۱۷.۹۵	استدلال
inference	۸۰	
inductive reasoning	۱۷	استدلال استقرائی
posteriori reason	۱۱	استدلال اِنّی
reasoning by analogy	۱۷	استدلال تمثیلی
circular reasoning	۱۱	استدلال دوری [مصادره به مطلوب]
rational demonstration	۱۳	استدلال عقلی
fallacy	۱۷ ←	استدلال غلط (نیز ← مغالطه)
deductive reasoning	۱۷	استدلال قیاسی
logical reasoning	۳۴	استدلال منطقی
eavesdrop	۱	استراق سمع
returning	۳۸	استرجاع (نیز: گفتن انا لله وانا اليه راجعون)
saying «inna li - llahi wa - inna ilaihi rajiun»	پ	
pray for rain; supplication for rain	۵ - ۸۰	استسقا (قرآنی)
prayer for rain	۳۸.۴۵	
pray for water	۷.۶۴	
asking for water	۷.۸۷	
dropsy	۷۱	استسقاء (پز.) (نیز ← مستسقی)
submission to God	۱۱۳	استسلام
consultation	۴۲	استشاره
oriental studies	۱۲۱	استشراق (نیز ← مستشرق)
imploring (one) to intercede	۳۱	استشفاع (نیز ← شفاعت؛ شفیع)
seeking of a cure	۱۲۱	استشفاء (نیز ← شفا)

obtestation	۶۱	استشهاد (حق.)
recitation	پ	استشهاد (ادب.)
summoning witnesses	۱۲	
authorizing the previous state	پ	استصحاب (فق.)
consideration of the public interest	۸۶	استصلاح (فق.)
taking the public interest into account	۸۵	
subjugation		استضعاف [مشتقات این کلمه در ۱۶ قرآن مجید به کار رفته است.]
capacity		استطاعت [مشتقات این کلمه در ۲۴، ۸۰ قرآن مجید به کار رفته است.] نیز ← مستطیع
ability	۳۱، ۴۵، ۸۰	
power	۳۱، ۸۰	
free will	۱۰۷	
digression; divagation; excursus	۱۲۱	استطراد
seek refuge [to God]	۶۴، ۸۷	استعاذه (قرآنی)
metaphor	۸۰، ۱۲۸	استعاره (بع.)
submerged metaphor	۱۲۸	استعاره بالکنایه
		استعاره تملیحیه ← تهکم
		استعاره تهکمی ← تهکم
oxymoron; antisyzygy	۱۲۸	استعاره عنادیه
simple metaphor	۱۲۸	استعاره مجرد
telescoped metaphor; complex metaphor; Subdued metaphor	۱۲۸	استعاره مرکب
elegant metaphor	۸۰	استعاره مستحسنه
ungainly metaphor	۸۰	استعاره مستهجنه
absolute metaphor; antimetaphor;	۱۲۸	استعاره مطلقه

paralogical metaphor		
seeking aid (help) (from God)	۳۸ ، ۴۲ ، ۸۷	استعانت (قرآنی)
subdue; enslavement	۹۹	استعباد
preparedness	۶۶ ، ۹۹ ، ۱۰۲	استعداد (فل.)
disposition	۴۰ ، ۸۰	
predisposition	۱۰۸	
mustering; passing in review and inspection of the troops	۸۰	استعراض [عرض؛ سان دیدن]
resignation	۳۱	استعفاء
colonialism		استعمار [در اصل به معنای آباد کردن است و يك بار در قرآن به کار رفته است.] (سب.)
colonizers	۷۳	استعمارگران (سب.)
usage	۸۰ - ۵	استعمال [= کاربرد]
orision; calling upon; asking for help	۴۶ ، ۸۷ ، ۱۰۰	استغاثه (قرآنی)
intercessory petition; call for succor	۵۳	
absorption [in God]	۴۶ ، ۹۵ ، ۱۰۳	استغراق (تص.)
seeking to be drowned	۸۹	
seeking (asking) [God's] for- giveness	۲ ، ۴۲ ، ۸۷	استغفار (قرآنی)
asking for divine pardon	۱	
implore forgiveness	۸۷	
God's pardon	۴۵	
penitence	۹	
forgiveness	۱۰۹	
to pray God to forgive; ask pardon of God	۱۰۳	استغفار کردن

pray forgiveness	۱۰۰	
I seek God forgiveness; God forbid!	۴۲	استغفر الله
God pardon my error	۲۴	
God forgive me!	۳۱	
I ask God's forgiveness and I repent towards Him	۸۴	استغفر الله واتوبُ اليه
self sufficiency	۱۸	استغنا (قرآنی)
sufficiency	۱۰	
consult [a lawyer or a mufti]; ask for pronouncement	۳۱، ۶۴، ۸۷، ۱۰۰ ←	استفتاء (فق.) (قرآنی) نیز ← افتاء؛ فتویٰ.
taking a legal opinion	۳۱	
reference	۶۱	استفتاء کردن (حق.)
to seek judgement	۸۷، ۱۰۰	استفتاح (حق.) (قرآنی)
ask questions	۶۱	استفسار کردن
question	۱۲۸	استفهام (دس.)
interrogation	۸۰، ۱۲۸	استفهام (بع.)
erotesis	۱۲۸	
straightness	۴۰	استقامت (قرآنی)
straightforwardness	۹۹	
steadfastness	۲۱	
imitation	۱۲۸	استقبال (عر.)
opposition of sun and moon	۸۰	استقبال (نج.)
orientation toward Qibla (Mecca, Ka'aba)		استقبال (فق.) (نیز ← قبله)
induction	۶۹، ۹۴، ۹۵، ۹۷، ۹۸	استقراء
exhaustive study	۸۰ - ۵	
incomplete induction	۱۱	استقراء ناقص
stand still; stay fast	۸۷، ۱۰۰	استقرار (قرآنی)

research	۴۰	استقصاء
deep investigation	۶۱	
independence	۸، ۹۴	استقلال
commutativity	۹۴	استقلال از ترتیب عوامل (منط.)
autonomy	۹۵	استقلال ذاتی [خودمختاری]
arrogance	۳۱، ۸۷	استکبار [اخذ.] (قرآنی)
asking or ordering one to write; dictating	۳۱	استکتاب (فقه. حق.)
touching the Black Stone of the K'abah with hand or mouth	۳۱	استلام حجر [دست سودن و بوسیدن حجر الاسود] (فقه.)
adopting	۳۱	استلحاق (فقه.)
annexation	۱۲۱	
implication	۱۱، ۹۴	استلزام (منط.)
necessitate	۹۷	
strict implication	۹۴	استلزام اکید
material implication	۹۴	استلزام مادی
falling on one's back; decubitus	۳۱	استلقاء (ستان خفتن؛ طاقباز خوابیدن)
giving ear to	۱۰۰	استماع (قرآنی)
enjoyment; love of pleasure	۱۲۱	استمتاع (فقه.) (قرآنی)
receiving the usufruct enjoy- ment (of a woman)	۳۱	
duration; continuum	۱۱	استمرار
perpetuity	۱۰۴	
perpetuity of development and procreation	۱۰۴	استمرار توالد و تناسل
four - dimensional continuum	۱۱	استمرار چهار بعدی
sounding one's temper or inten- tion; asking an opinion	۳۱	استمزاج
masturbation	۴۲	استمناء

petitioning for a delay; begging	۳۱	استمهال
respite; asking for time		
quote; refer to, dependence	ب	استناد
deduction	۴۲، ۸۰	استنباط
inference; presumption	۴۲	
drawing a conclusion	۳۱	
deduce	۶	استنباط کردن
inference	۱۷، ۹۴	استنتاج (منط.)
deduction	۹۴، ۹۵	
inductive inference	۱۷	استنتاج استقرایی
immediate inference; eduction	۹۴	استنتاج بی واسطه
mathematical deduction	۱۱	استنتاج ریاضی
deductive inference	۱۷	استنتاج قیاسی
abstersion	۳۸	استنجاء (فقه.)
purification after easing nature	۴۲	
		اُسْتَنْ حَنَانَه ← ستون حنانه
hydromancy		استنزال [تسخیر جن و ملک و ۴ - ۸۰ روح]
epigraphy; (to) recompose; (to)	۸۷، ۱۰۰، ۱۱۵	استنساخ (قرآنی)
record		
transcription; reproduction	۴۲	
drawing up water through the	۳۱	استنشاق (فقه.)
nostrils		
interrogation	۶۱	استنطاق (حق.)
disdaining; refusing	۳۱، ۸۷	استنکاف (قرآنی)
abstention	۶۱	
equator	۸۰، ۹۹	استوا (جغ.)
celestial equator	۷۴	استواء عالم (جغ.)
being seated	۲۸	استواء (قرآنی)

cylinder; drum	۱۲۹	استوانه
mockery	۲۴	استهزاء (اخذ.) (قرآنی)
deride	۸۷	استهزاء کردن
scoff at	۱۰۰	
sinking; depreciation	۷۵	استهلاك
appearing of or seeing the new moon	۱۲۲	استهلال [= دیدن ماه نو] (فق.)
receiving; taking possession	۸۵	استیفا
accountability	۲۷	استيضاح (سیب.)
interpellation	۶۱	
domination	۹۹	استیلا
claim of offspring	۳۸	استیلا (فق.)
Issac	۲، ۱۰۰	اسحاق (قرآنی)
Leo	۳۶، ۹۹	اسد (نجم.)
Leo Minor	۳۶	اسد اصغر (نجم.)
the most solid and concise (proof)	۱۰۲	اسد الاخصر (فل.)
The Lion of God; The Victorious	۴۵	اسد الله الغالب [عمدتاً لقب علی بن ابی طالب (ع)]
night journey	۱۱۲	اسراء (نیز ← معراج) (قرآنی)
The Night - Journey	۸۰، ۸۸، ۱۰۰	اسراء [الاسراء، سوره] [نام دیگر این سوره بنی اسرائیل است.]
The Children of Israel	۸۷	
eternal mysteries	۵۸	اسرار الست
the secrets of God	۱۰۴	اسرار الهی
divine mysteries	۵۸	
secrets of the self	۸۰ - ۳	اسرار خودی [اصطلاح علامه محمد اقبال]
divine mysteries	۲۱	اسرار ربانی

the secrets of the Kingdom of heaven	۱۰۴	اسرار ملکوت السموات
immoderation	۸۰	اسراف (اخلد.) (قرآنی)
wastage	۸	
extravagance	۳۸	
prodigality	۹۹	اسرافکاری
Seraphiel	۱۰۳	اسرافیل (قرآنی)
Jacob, Israel	۳۸، ۸۷، ۱۰۰	اسرائیل (قرآنی، لقب یعقوب (ع))
The Speediest of Reckoners	۵۶، ۸۷	اسرع الحاسبین (اسم الهی) (قرآنی)
The Most Swift of Reckoners	ب	
astrolabe	۴۲، ۸۰	اسطرلاب (نجد.)
linear astrolabe	۸۰	اسطرلاب خطی
flat astrolabe	۸۰	اسطرلاب مسطح
element	۳۲، ۹۵، ۱۰۷	اسطقس [آخشیج] (فلد.)
substratum	۴۶	
stoicheion; primary element	۱۱، ۸۰	
myth	۴۲	اسطوره [جمع این کلمه به صورت اساطیر کلمه ای قرآنی است.]
fable	۸۷	
foreign money	۷۵	اسعار (فقد.)
1. journeys	۸۰ - ۳، ۸۷	اسفار [قرآنی ۱. جمع سفر یعنی
2. tomes; books	۸۷، ۹۹	مسافرتها ۲. جمع سیفر یعنی کتابها]
four journeys	۹۳	اسفار اربعه [عرف. و نیز نام بزرگترین اثر صدر المتألهین شیرازی]
Pentateuch	۴۴	اسفار خمسہ [تورات] (کلد.)
lowest point	۱۱	اسفل السافلین (قرآنی)

the lowest of the low	۵۸ .۸۷	
relinquishment (of a claim)	۸۵	اسقاط (حق.)
rejection	۲۸	اسقاط (عرف.)
Asclepius	۱۳	اسقلپیوس
caelum	۳۵	اسکنه (نج.)
predecessors	۱۲۰	اسلاف
Islam; submission; total surren- der (to God)	۸۰ - ۴ .۸۴ .۸۸	اسلام (قرآنی)
mixed Islam	پ	اسلام التقاطی
accept Islam	۳ .۸۴	اسلام آوردن
choose Islam	۴	
Constantinople	۴۲	اسلامبول [= استنبول / استانبول / قسطنطنیه]
Islamicist	۵۸	اسلام شناس
armoury	۱۱۵	اسلحه خانه
style	۹۵	اسلوب
technique; method	۱۲۹	
asteismus	۱۲۸	اسلوب الحکیم [= القول
stylized	۱۱۶	بالموجب] (بع.)
arabesque	۷۸ .۱۱۶	اسلوب دار (جل.)
noun	۶۵	اسلمی (هن.)
noun of indication; demonstra- tive pronoun	۶۵	اسم (دس.)
The Greatest Name (of God)	۵۶	اسم اعظم (عرف.)
Tetragrammaton	۱۰۷	
The Exalted Name of God	۳۸	
Name of Majesty	۸۰ - ۴	اسم جلالی (عرف.)
Name of Beauty	۸۰	اسم جمالی (عرف.)

collective noun	۶۵	اسم جمع (دست.)
common noun	۶۵	اسم جنس (دست.)
generic noun	۵۳	
noun of time	۶۵	اسم زمان (دست.)
numeral adjective; noun of number	۶۵	اسم عدد (دست.)
proper noun	۶۵	اسم عَلم [خاص] (دست.)
proper name	۹۷	
concrete noun	۶۵	اسم عین [ذات] (دست.)
active participle	۷۰	اسم فاعل (دست.)
noun - agent	۱	
abstract noun of quality	۶۵	اسم کیفیت (دست. فل.)
diminutive	۶۵	اسم مصغر (دست.)
abstract noun	۶۵	اسم معنی (دست.)
participle	۶۵	اسم مفعول (دست.)
passive participle	۷۰	
noun of place	۶۵	اسم مکان (دست.)
referred noun	۶۵	اسم منسوب (دست.)
relative pronoun; noun that is united with a relative clause	۶۵	اسم موصول (دست.)
noun of kind or manner	۶۵	اسم نوع (دست. فل.)
Divine Attributes	۴۵	اسماء [نامها و صفات خداوند]
The Names Most Beautiful	۱۰۰، ۱۱۲	اسماء الحسنی (قرآنی) [نیز ← ۱۰۰، ۱۱۲]
		یکایک اسماء الحسنی در این فرهنگ.
The Most Beautiful Names (of God)	۳۷، ۵۷، ۸۰، ۱۰۲	
the assimilation names of God	۱۰۲	اسماء الله التشبییه
the purifying names of God	۱۰۲	اسماء الله التنزیهیه
Divine names	۹۶	اسماء الهی [نیز ← یکایک اسماء]

		الهی در این فرهنگ.]
universal Divine names	۵ - ۸۰	اسماء کلی الهی
Ishmael	۸۷، ۱۰۰	اسماعیل (قرآنی)
Ismael	۲	
Isma'ilism	۱۲	اسماعیلیّه (کلیّ)
Asmara; Asmera	۴۳	اسمره / اسمرا [پایتخت اریتره، و منسوب به آنجا]
nominal	۹۵	اسمی
nominalism	۹۵	اسمیت [= نام انگاری؛ اصالت تسمیه]
refering	۹۷	اسناد (حدّ)
attribution	۴۸	
proper transmission	۱۱۳	
chain of transmitters of a tradition	۴۲	اسناد حدیث
chain of traditionists	۴۵	
sound tradition	۶	اسناد صحیح
predicative	۶۵	اسنادی (دست)
example	۴۲، ۱۰۰	اُسوه (قرآنی)
exemplar	۴۴	
paradigm	۲۷	
noble paradigm; good example; goodly pattern	۲۷، ۸۷، ۱۰۰	اُسوه حسنه (قرآنی)
captive	۸۰، ۱۰۰	اسیر (قرآنی)
prisoner	۴، ۸۷	
sign	۴۰، ۹۵، ۱۰۸	اشاره
allusion; point	۸۰-۴، ۹۰	
indication	۳۴، ۹۲	
allegory	۲۱	
Divine suggestion	۱۰۳	اشاره الهی

sensible indication	۹۲	اشاره حسی
intelligible indication	۹۲	اشاره عقلی
conclusive act	۸۵	اشاره معهوده (فق.)
Ash'arites	۱۲	اشاعره (کل.)
satiation	۴	اشباع
Seville; Sevilla	۴۲، ۹۹	اشبیلیه [در اسپانیا، = سویل]
intensification; increase	۱۲۱	اشتداد (فل.)
trade; barter; commerce	۳۱	اشترء (قرآنی)
condition	۹۸	اشتراط (منط.)
provision	۱۲۱	
community	۸۰ - ۳	اشتراک
joint ownership	۸۵	
commonness; association	۱۶	
participation	۱۰	
subscription	۱۲۱	
socialism	۱۲۱	اشتراکیه
employment	۷۵	اشتغال
derivation	۴۰، ۵۶، ۸۰، ۹۵، ۱۲۸	اشتقاق (دس.)
multiclination; paregmenon; plyptoton	۱۲۸	اشتقاق (بع.)
etymology	۸۰ - ۴	
the portents (signs) of the Day of Judgment	۱۲۱	اشراط الساعة
notables; nobles	۸۰، ۹۹	اشراف
illumination	۱۱، ۳۷، ۹۵، ۱۰۲، ۱۱۳	اشراق (عرف. فل.) [این کلمه اصل قرآنی دارد ولی معنای اصطلاحی آن قرآنی نیست.] (نیز ← شیخ اشراق)
shining forth	۱۱۳	
intuition	۲۳	

intelligible irradiations	۸۰	اشراقات
illuminationist	۱۳، ۸۰	اشراقی
illuminate	۱۱	
adepts of illuminative wisdom	۸۰ - ۴	اشراقیون
		اشراك ← شرك
drinkables	۳۸	اشربه (فق.)
superior	۱۱	اشرف
the most illustrious of the prophets	۷۲	اشرف انبیاء
Ash'arites	۹۹	اشعریہ
radiation; rays	۳۶	اشعہ (نجم.)
the wretched	۵۶	اشقیاء
I testify that there is no god besides Allah	۴۵	اشہد ان لا اله الا الله
I testify that Mohammad is the Apostle of Allah	۴۵	اشہد ان محمداً رسول الله
evil eye	۴۲	اصابت العين [= چشم زخم]
authenticity	۹۵	اصالت (فل.)
essentiality; primariness	۱۶	
priority	۵۶	
principality	۱۱، ۱۳، ۱۰۲	
materialism	۹۵، ۱	اصالت مادہ
principality of essence	۱۳	اصالت ماہیت
basicality of being	۸۰ - ۵	اصالت وجود
priority of being	۵۶	
companions	۴، ۱۰۹	اصحاب [بہ ویژه یاران پیامبر (ص) وائمہ (ع) نیز صحابہ]
associates	۶	
friends	۱۰۷	
traditionists	۱۰۹	اصحاب آثار

People of the Ditch	۴۵	اصحاب اخدود (قرآنی)
Men of the Pit	۱۰۰	
People of the Grove	۴۲	اصحاب ایکه (قرآنی)
People of the Thicket	۱۰۰	
partisans of unity	۱۰	اصحاب توحید
criminals	۹۹	اصحاب جرایم
Owners of the Garden; Dwel- lers of the Gorden	۸۷	اصحاب جنت (قرآنی)
Inhabitants of Paradise	۱۰۰	
followers of tradition; traditionists	۴۷، ۸۰	اصحاب حدیث
partisans of traditions	۴۷	
those who use reason; the people of personal opinion; fol- lowers of opinion	۸۰	اصحاب رأی
People of the Ditch; People of the Wall	۸۰	اصحاب رس (قرآنی)
the Men of Er-Rass	۱۰۰	
The Dwellers in Ar-Rass	۸۷	
People of the Inscription	۱۲۴	اصحاب رقیم (قرآنی)
Sabbath - men	۱۰۰	اصحاب سبت (قرآنی)
Sabbath - breakers	۸۷	
Sabbatarians	۴۳	
Inhabitants of the Blaze	۱۰۰	اصحاب سعیر (قرآنی)
		[=دوزخیان]
Biographers of Prophet	۱۰۹	اصحاب سیر [= سیره نویسان]
The People of the Left (hand)	۱، ۱۰۳	اصحاب شمال [اصحاب مشنمه]
Companions of the Ledge	۵۸	اصحاب صفه
partisans of the most advantageous reasoning creatures	۸۱	اصحاب صلاح
	۸۰	اصحاب عقول

the guild of the educated	۸۰	اصحاب عمامه
Men of the Elephant	۱۰۰، ۱۱۲	اصحاب فیل (قرآنی)
The People of the Elephant	۴۲	
Privileged Ones of the Cloak	۴۵	اصحاب کسا
the experts in disputation	۶	اصحاب کلام
Men of the Cave	۱۰۳، ۱۱۲	اصحاب کهف (قرآنی)
The People of the Cave	۴۵، ۸۷	
The Seven Sleepers of Ephesus	۴۳، ۴۵	
The Companions of the Cave	۳۱	
School of Love	۶۹	اصحاب محبت
Men of Midian	۱۰۰	اصحاب مدین (قرآنی)
		اصحاب مشتمه ← اصحاب شمال
		اصحاب میمنه ← اصحاب یمین
Owners of the Fire; Dwellers of the Fire	۸۷	اصحاب نار (قرآنی)
Inhabitants of the Fire	۱۰۰	
The People of the Right Hand	۱	
choosing	۸۷، ۱۱۸، ۱۱۹	اصحاب یمین
electness	۲۱	اصطفاء (قرآنی)
technical term	۸۰ - ۲	
term	پ	اصطلاح
minor	۹۷	
the pure	۲۱	اصفر
root	۳۴، ۸۱، ۹۲، ۹۷، ۱۱۱	اصفیا
fundamental; origin	۱۰۳	اصل
essence	۲۹، ۴۵	
source	۸۱، ۸۳	
principle	۴۰، ۱۰۲	
substance	۴۵	

nature of a transaction	۸۵	اصل [مق. وصف]
axiom	۱۱، ۹۴	اصل متعارف [امر بدیهی]
postulate	۱۱، ۹۴	اصل مسلم
		اصل موضوع ← اصل مسلم
reform	۴، ۸۰، ۸۷	اصلاح (قرآنی)
reformism	۸۰ - ۴	
reconciliation	۶۴، ۸۷	
make peace	۶۴	اصلاح کردن
most pious	۱۱۴	اصلح
most suitable or fitting	۸۰	
most advisable	۳۱	
root and seed	۶۱	اصله و حبّه (حق.)
hypotheses	۱۰۷	اصلین
incommensurable	۲۸	اصم (حس.)
irrational; surd	۱۲۵	
guilds	۱۲۰	اصناف
idols	۸۷، ۱۰۷	اصنام (قرآنی)
interjections	۶۵	اصوات (دس.)
roots; principles	۶۵، ۸۵، ۱۰۴	اصول (نیز نام علم اصول فقه)
legal theory; fundamental dogmas	۸۰	
fundamentals of belief	۹۳	
major sources of law; roots of law	۸۶	
theology		علم اصول. [= اصول عقاید؛ با اصول فقه اشتباه نشود]
dogmatic theology	۸۰	علم دین
theological principles	۸۹	
fundamentals of religion	۴۲	
principles of the faith	۳۷	
Creed	۴۴	

sources of the law	۸۰	علم شرع
principles of belief	۱۵	علم عقاید
tenets	۱۳	
Principles of (Islamic) jurisprudence	۴۸، ۹۹	علم فقه
ethic - juristic methodology;	۸۰	
legal methodology		
Roots of Jurisprudence	۴۲، ۸۶	
Sources of Jurisprudence	۵۳	
methodology of Jurisprudence	۱۰۱	
Principles of the Law	۸۲	
specialist in first principles	۲۸	اصولی [در اصطلاح قدما به متکلمین و در اصطلاح متأخرین به مجتهدین گفته می شود.]
theoretician in law	۸۰	اصولی [عالم به اصول فقه] اضافت ← اضافه
relation	۴۰، ۵۶، ۹۵، ۱۱۱	اضافه (کل.)
correlation	۴۰	
annexation	۶۵	اضافه (دس.)
genitive case	۱۲۸	
illuminative relation	۵۶، ۱۰۲	اضافه اشراقیه
appositive genitive	۱۲۸	اضافه بیانی [= توضیحی]
descriptive genitive	۱۲۸	اضافه تخصیصی
proper or real annexation	۶۵	اضافه حقیقی (دس.)
improper annexation	۶۵	اضافه غیر حقیقی (دس.)
categorical relation	۱۰۲	اضافه مقولیه
possessive genitive	۱۲۸	اضافه ملکی
relative	۱۰۸	اضافیه
sacrificed animal	۴۲	أُضحیه [گوسفند یا حیوان دیگری

که در عید اضحی قربانی کنند.

جمع: اضاحی

contraries	۱۰۵	اضداد (فلـ).
opposite contraries	۱۰۵	اضداد متقابله
constraint	۴۲، ۸۰	اضطرار (قرآنی)
coercion	۷۹، ۸۰	
compulsion	۸۰	
exigency	۶۱	اضطرار (حقـ).
constrained	۸۰ - ۴	اضطراری
confused dreams	۹۹	اضغاث احلام (قرآنی)
jumbled dreams	۸۷، ۱۲۴	
misguidance	۱	اضلال (قرآنی)
leading astray	۸۸، ۱۰۰	
mislead	۱۰۳	
implicit statement	۹۸	اضمار (منطـ).
imply	۸۰	اضمار (دسـ).
obedience	۶، ۴۲، ۸۷	اطاعت (قرآنی)
submission	۴۲	
binding obedience	۶	اطاعت مفروضه
room	۱۲۹	طاق
living room; dwelling room	۱۲۹	طاق نشیمن
dining room; triclinium	۱۲۹	طاق ناهارخوری
		اُطراد ← مُطرَد
feeding; giving victuals	۳۱، ۸۷ ←	اطعام (فقـ) (قرآنی) (نیز ← ۳۱، ۸۷)
		طعام
absoluteness	۴۰	اطلاق (فلـ).
absolutism	۱۶	
suppositio materialis	۹۴	اطلاق عینی (منطـ).
suppositio formalis	۹۴	اطلاق وضعی (منطـ).

generalities	۴۵	اطلاقات
tranquility; (to) feel secure	۵۸	اطمینان (تص.) [= املاى قرآنى]
		آن اطمینان است.
peace of mind	۶۲	اطمینان خاطر
periphrasis; ambage; circumlocution	۱۲۸	اطناب (بع.)
tautology	۱۲۸	اطناب حمل (بع.)
inanimate matter	۳۴	اطوار جمادى
modes of being	۳۴	اطوار وجود
the Clean	۱۰۷	أطهار
statement	۷۵	اظهار (حق.)
manifesto	۳۱	اظهارنامه
reconversion	۶۱	اعادة مالکیت
restoration of life	۱۰۴	اعادة حیات
taking under one's (God's) protection	۳۱	اعاذه (قرآنى)
craving the protection of	۸۷	
lending	۳۱	اعاره (عاريه دادن)
emancipation (of slave)	۴۲، ۶۱	اعتاق (نیز ← آزاد کردن بنده؛
		عتاق)
manumission	۳۱، ۱۲۰	
authenticity	۱۶	اعتبار
subjective consideration	۱۰۲	اعتبار (فل.)
consideration	۱۰، ۸۰	
credit	۷۵	اعتبار (اق.)
letter of credit	۶۳	اعتبارنامه (باز.)
credential	۳۱	
imaginary	۳۴	اعتبارى (فل.)
hypostatized	۱۶	
aggression	۴۲، ۱۰۰	اعتداء (قرآنى)
right degree	۸۰ - ۵	اعتدال

moderation; temperance	۴۲	
equilibrium	۵۷، ۱۱۳	
equinox	۳۶	اعتدال (نجد.)
autumnal equinox	۳۶، ۳۷	اعتدال پاییزی
		اعتدال خریفی ← اعتدال پاییزی
spring equinox	۳۷، ۱۱۵	اعتدال ربیعی
equinox	۴۲	اعتدال لیل و نهار
Justification with excuse; (to)	۸۰-۳، ۸۷، ۱۰۰	اعتذار (قرآنی)
make excuse		
objection	۱۰۵	اعتراض
confession; acknowledge	۶۱	اعتراف (قرآنی)
confess	۴	
seclusion	۴۲، ۸۰	اعتزال (نیز معتزلی بودن یا شدن
		← معتزله)
keeping aloof	۴۲	
withdrawal	۱۰۹	
separation	۱۱	
strike	۷۵	اعتصاب (سیب.)
wild cat strike	۷۵	اعتصاب نادرست (اق.)
(to) hold fast; cling	۶، ۸۷	اعتصام [= تمسك] (قرآنی)
faith	۱۰۷	اعتقاد
conviction	۱۱۱	
spiritual retreat	۸۰	اعتكاف (فقه.) [مشتقات دیگر این
		کلمه: عكف و عاكف و معكوف
		در قرآن مجید به کار رفته است.]
spiritual retirement	۴۲	
cleave (to the mosque)	۱۰۰	
retire from the world (in a holy	۳۷	
shrine or mosque)		

rise	۱۶	اعتلا
exaltation	۷۳	
self - transcending	۴۴	اعتلاء نفس
impulse	۴۰	اعتماد
		اعتماد (قرآنی) ← حج عمره
addiction	۳۱، ۱۲۰	اعتیاد
miracle	۱	اعجاز
the inimitability of Kur'an	۵ - ۸۰	اعجاز قرآن
Outlandish; foreign (er)	۸۷	اعجمی (قرآنی)
non-Arabic; non-Arab; Persian	۱۲۱	
amicable numbers	۱۲۵	اعداد متحابه (رض.)
non - existence; annihilation	۴ - ۸۰، ۱۲۰	اعدام (فل.)
execution	پ	اعدام (فق. حق.)
grammatical inflection; desinential inflexion	۸۰	اعراب (دست.)
declension	۶۵	
1. Bedouins	۱۰۰	اعراب [۱]. کلمه‌ای قرآنی به
2. Arabs	۱۲۰	معنای بادیه نشینان عرب ۲. قوم
		و نژاد عرب علی‌الاطلاق
an Arab of the desert	۳۱	اعرابی (نیز ← بادیه نشین)
turning one's back on	۲۱	اعراض (قرآنی)
aversion	۸۷، ۱۰۰	
desertion	۸۷	
turn aside	۱۰۳	
phenomena	۹۶	اعراض [ج. عَرَض] (منط.)
accidents	۵، ۹۶، ۱۰۲، ۱۰۴ - ۸۰	
accident in the peculiar sense of the term	۱۰	اعراض خاصه
essential accidents	۹۷	اعراض ذاتیه

accidents in the general sense of the term	۱۰	اعراض عامه
foreign accidents	۹۷	اعراض غریبه
relative accidents	۱۰۲	اعراض نسبیّه
elevated places	۸۰	اعراف (قرآنی)
Purgatory	۲۴	
Battlements; Ramparts	۱۰۰	
Place or wall between the Hell and Paradise	۴۲	
The Heights	۸۷, ۸۸	اعراف [سوره]
indigence; being poor	۳۱, ۶۱, ۱۲۰	اعسار (حق). (نیز ← عسر)
tenths; decimals; decades	۱۲۰	اعشار
descendants	۳۱	اعقاب (نیز ← سلاله; ذریه; زاد وولد)
posterity	۲	
vowel contraction	۱۲۸	اعلال (تجو).
manifesto	۶۱	اعلامیه (حق).
recovery advice	۷۵	اعلامیه وصول
proclamation; declaration	۶۱	اعلان (قرآنی)
declaration of war	۶۱	اعلان جنگ
declaration of bankruptcy	۶۱	اعلان ورشکستگی
best aware	۸۷	اعلم (قرآنی)
most learned	۲۷	
The Most High	۴۵	اعلی [الأعلى اسم الهی] (قرآنی)
The Exalted	۴۲, ۸۷, ۸۸, ۱۰۰	
higher place	۱۱	اعلی علیین
topmost heights of Heaven	۱۴	
highest of the high	۵۹	
more general; extensive	۹۷	اعّم (منط.).

more universal	۸۰ - ۵	
acts	۴۳	اعمال (قرآنی)
works	۴۵، ۱۱۸	
deeds	۸۰	
the galleys	۶۱	اعمال شاقه (حق).
good works	۴۵	اعمال صالح
perfect rhyme; full rhyme	۱۲۸	اعنات (عر.)
contortion	۷۸	اعوجاج (معم.)
I take refuge in (with) God	۴۲، ۱۰۰	اعوذ بالله (قرآنی)
allah forbid	۸۷	
standing property	۶۱	اعیان [مق. عرصه]
notables	۸۰	اعیان [اشراف]
real objects	۱۰۴	اعیان (فل.)
entities	۹۳	
concrete entities	۱۱۰	
substances	۱۰۶	
essences	۹۶، ۱۱۵	
immutable essences	۵۴، ۱۱۵	اعیان ثابته
fixed entities	۹۳	
permanent archetypes	۱۱، ۱۰۲	
archetypes	۳۷	
external objects	۴۴	اعیان خارجی
the Aghalabid	۹۹	اغالبه [= بنو الاغلب: سلسله ای از سلاطین عرب شمال آفریقا... دایرة المعارف فارسی]
aims	۸۰ - ۵	اغراض
exaggeration	۳۱	اغراق
hyperbole	۱۲۸	اغراق (بع.)
Greek; Grecian	۱۲۳	اغریقی [= یونانی]

elusion	۶۱	اغفال (حق.)
beguile	۶۱	اغفال کردن
fainting; coma	۱۲۰, ۱۲۵	اغما
connivance	۱۲۰	اغماض
seduction	۳۱, ۱۲۰	اغوا
hyperbole	۱۰۷	اغیاء
divine gift	۱۲	افاضه آسمانی
metrical feet	۱۲۸	افاعیل عروضی
awakening; recovery	۱۰۰, ۱۲۰, ۱۲۱	افاقه (قرآنی)
liar; imposter	۸۷, ۱۰۰	افاك (قرآنی)
great liar	۴۵	
Apamea	۴۲	افامیه [= فامیه، شهری قدیمی و ویران شده در غرب سوریه]
hearts	۸۷, ۱۱۸	افنده (قرآنی)
giving decree	۷	افتاء (قرآنی) (نیز ← فتوی؛ استفتاء)
opening	۱۲۰	افتتاح
calumny; invention	۹, ۸۷	افترا (قرآنی)
fabrication; false allegation	۵۳	
forging (against)	۱۰۰	
belie	۶۱	
separation	۱۰, ۱۶, ۹۰	افتراق (نیز ← تفریق)
contrast	۹۶	
segregation	۱۰	
separability	۵۶	
parting	۱۰۴	
dissociation	۱۶	
privation	۱۱۳	افتقار (نیز ← فقر)
separation	۴۵	افراد

excess	۶۱، ۹۵	افراط (نیز ← فرط)
hyperbole	۴۰	
excess and defect	۳۴	افراط و تفریط (نیز ← تفریط)
go to extremes	۶۱	افراط و تفریط کردن
Protagores	۴۲	افروطاغورس [= پروتاگوراس]
exorcism	۳۸	افسون
charms	۲۴	
spells	۱۰۳	
most meritorious	۱۰۱، ۱۰۹	افضل
most excellent	۴۷	
breaking a fast	۳۱	افطار (فقه)
actions	۴۲، ۱۰۷	افعال
verbs	۶۵	
voluntary actions	۴۲	افعال اختیاری
verbs of surprise or wonder	۶۵	افعال تعجب (دس)
verbs of sense	۶۵	افعال حس (دس)
verbs of beginning	۶۵	افعال شروع (دس)
involuntary actions	۴۲	افعال غیر اختیاری
verbs of praise and blame	۶۵	افعال مدح و ذم (دس)
verbs of appropinquation	۶۵	افعال مقاربه (دس)
horizon	۳۵، ۱۰۳	افق
higher (uppermost) horizon; super heavenly site	۸۰، ۸۷، ۱۰۰	الافق الاعلی (قرآنی)
loftiest track	۴۲	
clear horizon	۷، ۸۷	الافق المبین (قرآنی)
slander	۸۷	افک (قرآنی)
become destitute	۳۹	افلاس (فقه)
Plato	۴۳، ۸۰	افلاطون
Plato the metaphysician	۶۹	افلاطون الهی

Platonism	۱۱	افلاطون گرایی (نیز ← فلسفه آکادمی)
Neo - Platonism	۱۱	افلاطون گرایی نو [نوافلاطون گرایی]
spheres	۱۰۴، ۱۰۷	افلاک (نجد.) [مفرد این کلمه - فَلَک - کلمه ای قرآنی است.]
heavens	۱۳	
visible heavens	۱۳	افلاک مرئی
astronomical heavens	۱۳	افلاک نجومی
astronomer	۲۱	افلاکی (نجد.)
celestial	۱۰۳	
Plotinism	۱۱	افلوپین گرایی [آیین پلوتینوس]
Epicures	۴۰	افیغورس [= اپیکور]
opium	۱۲۰	افیون (بز.)
nearest kindred	۳۱	اقارب (نیز ← اقربا؛ ارحام؛ اولوالارحام)
reversal (of a sale)	۸۵	اقاله (فقد.)
mutual consent	۴ - ۸۰	
dissolution of contract	۴۲	
cancelling a bargain	۳۱	
districts	۵ - ۸۰	اقلیم (نیز ← اقلیم)
Seven Zones	۹۹	اقلیم هفتگانه
perform	۱۰۹	اقامه (قرآنی)
establish	۲۳	
cause to stand	۳۸	
establishment of a congregation	۲۳	اقامه جماعت
perform the prayer	۶	اقامه نماز
Godhead	۱۰۶	اقانیم (کل.) (نیز ← اقنوم)
essences	۳۸	

three essences	۳۸	اقانیم ثلاثه
prosperity	۲۵	اقبال
borrow; seek	۸۷، ۱۰۰	اقتباس (قرآنی)
participation	۴۰	اقتباس
adaptation	۱۲۰	
quotation	۲۶	اقتباس [استشهاد] (بع.)
imitation, follow	۶۷، ۸۷، ۱۰۰	اقتدا (قرآنی)
improvisation; proposition	۱۲۱	اقتراح
conjunctive	۹۵	اقترائی
division	۱۰۲	اقتسام (فل.)
real (not imaginary) division	۱۰۲	اقتسام فکّی (فل.)
imaginary division	۱۰۲	اقتسام وهمی
economy	۷۵	اقتصاد
moderation	۴۲	اقتصاد (به معنای میانه روی) نیز
		← مقتصد
requirement; requiring	۱۰۲	اقتضاء
essential requirement	۱۰۲	اقتضاء ذاتی
requirement coming from something else	۱۰۲	اقتضاء غیری
		اقرار باذین ← قرابادین
confession	۳۸، ۴۵، ۸۵، ۸۶	اقرار (حق. فق.)
acknowledgement	۳۸، ۸۰، ۸۵	
affirmation	۸۰	
admission	۴۰، ۸۶	
recognition of relationship	۸۰ - ۳	اقرار بالنسب
recognition of marriage	۸۰ - ۳	اقرار بالنکاح
acknowledge	۶	اقرار کردن
abond	۶۱	اقرار نامه
kindred	۳۷	اقربا (نیز ← اقارب)

اقريطش (جف.) [= کِرت ← ۹۹

دايرة المعارف فارسی]

Crete

اقسام اعتباریه

distinctions made by reason

۴ - ۸۰

إقطاع (اق.)

fief

۳ - ۵ . ۵ - ۸۲

اقلیت

minority

۸

اقلیت دینی

religious minority

۸

اقلیدس

Euclid

۴۲

اقلیم (جف.)

clime

۸۰ . ۱۹

climate

۵۹ . ۱۲۵ . ۱۲۹

region

۲ - ۸۰

zone

۹۹

province

۴ - ۸۰

اقناع

satisfaction

۱۲۰ . ۱۲۱

person

۱۰ . ۱۰۶

اقنوم (کل.) (نیز ← اقانیم)

hypostasis

۴۲ . ۹۵

essence

۴۲

Aconite

۴۲

اقونیطون [گیاهی مخدر و مسکن
که قسمی از آن را تاج الملوك
گویند.]

اقیانوس (جف.)

ocean

۱۲۹

major

۹۷

اکبر

(to) earn; acquiring

۴۵ . ۸۷

اكتساب (قرآنی)

acquisition

۶۱ . ۹۱ . ۹۵ . ۱۰۳

اكتسابی

aquired

۱۰۶

اكتشاف

discovery; exploration

۱۲۰

اکثریت

majority

۶۱

اکثریت تام

full majority

۶۱

اکرام (اخ.) (قرآنی)

(to) honour; munificence

۸۷ . ۱۰۰ . ۱۰۳

generosity

۸۰

grace	١٠٣	
grace of God	١٠٣	اکرام حق
compulsion	١٠٠، ٨٧، ٩٠، ٤٢	اکراه (اخ. فق.) (قرآنی)
duress	١٠١، ٨٥، ٣٧	
coercion	١٢١	
fawful duress	١٠١	اکراه بحق
grave duress	١٠١	اکراه تام
unlawful duress	١٠١	اکراه غیر مشروع
slight duress	١٠١	اکراه ناقص
enforced	٢٧	اکراهیه [از انواع تقیه]
The Most Generous	١٠٠	اکرم (اسم الهی) (قرآنی)
elixir	٤	اکسیر (نیز ← کیمیا)
alchemy	١٢٠، ٣١	
spheres	١١١	
eating carrion	٤٢	اکل میتہ
most perfect or complete	٤٢	اکمل
blind; born blind	١٢١، ٨٧	اکمه (قرآنی)
generated bodies	٤٢	اکوان (فل.)
modes of being	١٠	
confusion; ambiguity; obscurity	١٢١، ٣١	التباس [مشتقاتی از این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
commitment	٩٥	التزام
nexus	٩٧	
be bound over	٦١	التزام دادن
bind over	٦١	التزام گرفتن
turning from one person to another	٢٦	التفات (بع.)
apostrophe; a versio	١٢٨	
take notice of	٢٥	التفات کردن
eclecticism	٩٥	التقاط

eclectic	١١	التقاطی
eclecticism	٢٧	التقاطیگری
heresy	٢١، ٤٥	الحاد (کل.)
atheism	١١، ٩٥	
joining; annexation	٧، ٤١، ١٢٠	الحاق (قرآنی)
merging	١٢٩	
		الحمد لله ← ردیف الفبائی ح م د
reductio ad impossible	١٢٨	الردّ علی الامتناع (منط.)
obligation	٩٥	الزام
refute	٩٧	
world of pre-existence	١٠٣	أَلَسْتُ (تصد.) [اصل این اصطلاح از آیه ١٧٢ سورة اعراف از عبارت الست بربکم؟ - آیا من پروردگار شما نیستم؟ - گرفته شده است.]
annulment	١٥	الغاء
abolition	٩	
abrogation	٤١	
puzzles	٨٠ - ٣	الغاز [نیز ← لُغَز]
mere verbal utterances	١٠	الفاظ (کل.)
words	٣١، ١٢٠	
alphabet	١٢٠	الفبا
pornography	١٢٠	الفیه و شلفیه
injecting; (to) cast down	٤٢، ٨٧، ١٠٨	القاء (قرآنی)
inspiration	٨٠ - ٣	
infusing	٤٢	
		القول بالموجب ← اسلوب الحکیم (بع.)
alcohol	١٢٠، ١٢٥	الکل [اصل این کلمه، کلمه الکُحُل عربی است.]

God ;Allah	٨٠ ,٨٧ ,١٠٠	الله (قرآنى)
God knoweth best	١٠٣	الله اعلم
God is most great	٨٠	الله اكبر
God is the greatest	٤٢	
God most high	١٠٣	الله تعالى
pain	٩٥ ,١٠٤	آلم (نيز ← اليم)
eternal pain	١٠٤	آلم السرمدى
transient pain	١٠٤	آلم المنقضى
Tablets of Musâ.	٦	المثنى (← رديف الفبائى مثنى)
lumber; timber	٧٨ ,١٢٩	الواح موسى (ع)
plank; carcassing timber	١٢٩	الوار (معم.)
divinity	١٤ ,٨٠ ,٩٦ ,٩٩	الوهيت [= الوهة] (نيز ← الهيت)
God ship; Godhead; deity	١١ ,٣١	
God [= god]	٨٧ ,١٠٣	
deity	٣٤ ,٨٠	اله (اسم الهى) (قرآنى)
The God of Men (mankind)	٨٧ ,١٠٠	اله الناس (اسم الهى) (قرآنى)
inspiration	١١ ,٤٥ ,٨٧ ,٩٥ ,٩٩ ,١٠٣ ,١٢٨	الهام (قرآنى)
afflatus	١٢٨	
divine revelation	٨٠	
minor inspiration	٤٥	
instinctive desire	٩٩	
O God!; O Allah!	٨٧ ,١٢١	اللهم (قرآنى)
Divine, divine	٤٠	الهى [= الوهى]
theology	٣١ ,٨٠ ,٩٣	الهيات
metaphysics	٣١ ,٤٢ ,٩٢ ,١٠٧	
rational theology	٨٠	
Aristotle's metaphysics	٤٢	الهيات ارسطو
godhood	١٠	الهيت (نيز ← الوهيت)

godhead	٢١	
holiness	٨٠ - ٥	
Elias	٧.٤٥.٨٧.١٠٠	الياس (قرآنى)
Elijah	٤٢.١١٣	
Elija	٣٨	
Elisha	١١٣	اليسع (قرآنى)
infinite regress; infinite series	١٠٥	الى غير النهايه
endlessly	٣١	
commandership; leadership	٩٩	امارت
governorship	١٢	
governance	٢	
mother; source; origin	٣١.٥٥.٨٧	ام (قرآنى)
Mother of all Woes	٥٥	ام الخبائث [غالباً كناية از شراب است.]
Mother of the Qur'an	١١٣	ام القرآن
The Source of the Book	١	
Mother of Cities	٤٥.١٠٠	ام القرى [مكه] (قرآنى)
Mother of Villages	٨٧.٩٩	
Mother of the Book	٢٤.٨٠.٩٩.١١٣	ام الكتاب (قرآنى)
Essence of the Book	٦.١٠٠	
The Source of Ordinance	٨٧	
Mother of the Faithful	١٢	ام المؤمنين [لقب همسران پیامبر (ص)]
a female slave who has born a child to her master (owner)	٤٢.٨٥	ام ولد (فق.)
bringing to death		اماته (قرآنى)
umlaut	١٢٨	اماره ← نفس اماره
imam	٤٥.١٠٩	اماله (تجو.) امام (قرآنى)

leader	۱۶.۸۵.۸۷.۱۱۲	
caliph	۸۵	
leader of a religious community;	۱۱۲	
model; example to be followed		
guide	۶	
Grand Imam	۸۲ - ۴	امام اعظم
prayer leader	۴	امام جماعت
Silent Imam	۴۵	امام صامت
Just Imam	۱۰۹	امام عادل
Sinful Imam	۱۰۹	امام فاجر
clear register; clear model	۴۲. ۸۷	امام مبین (قرآنی)
prophetic Imam	۴۵	امام ناطق
Imamate	۴۲. ۸۰. ۹۹. ۱۰۹	امامت
leadership	۴۲	
custodianship	۲۷	
imamate of the inferior	۹۱	امامت المفضول
The offspring of an Imam; a	۱۲۰	امامزاده
shrine, where a descendent of		
an Imam is buried		
Shi'as; Twelvers	۴۲	امامیه
security	۴۵. ۸۰ - ۵	امان
protection	۴۲. ۸۰. ۱۱۹	
safety	۸۰	
asylum; giving shelter	۴۲	
trust	۴۲. ۸۰. ۸۵. ۸۷. ۱۰۰	امانت (قرآنی)
deposit	۴۲. ۸۵	
trustworthiness	۲	
faithfulness	۱۰۳	
Divine deposit	۶۹	امانت ربانی

deposited	۶۱	آماني
		اميد و کلس ← انبا ذقلس
empire	۱۲۰	امپراطوري
Ottoman Empire	پ	امپراطوري عثماني
community	۴۵، ۸۰، ۸۷، ۱۰۳، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۳	امت (قرآني)
nation	۳۱، ۸۷، ۱۰۷، ۱۱۲	
people	۳۱، ۴۵	
sect; religious community; coreligionists	۳۱	
community of believers	۴۲، ۵۱	
Muslim community	۸۰ - ۳	
followers	۳	
The People of Ahmad	۱۰۳	امت احمد [= مسلمانان]
examination; test; probation	۲۱، ۸۷، ۱۲۱	امتحان (قرآني)
Divine visitation	۳۱	امتحان الهي
mingling; combination	۱۰۴	امتزاج
incorporation	۲۱	
impossibility	۱۳، ۱۰۲	امتناع (فد. کد. منط.)
negative necessity	۱۱	
law of non - contradiction	پ	امتناع اجتماع نقیضین (منط.)
law of excluded middle	پ	امتناع ارتفاع نقیضین (منط.)
impossibility by itself	۱۰۲	امتناع بالذات
absolute impossibility	۱۱	امتناع مطلق
Tobacco Concession	۷۳	امتیاز تنباکو (تخ.)
transit privilege	۷۵	امتیاز عبور (اق.)
concession deed	۶۱	امتیازنامه (حق.)
similitudes; precedent	۸۰ - ۴، ۸۷	امثال (قرآني)
allegories	۱۰۷	
proverbs	۳۱	
commandment	۸۰، ۸۷	امر (قرآني)

command	۱۰۸، ۱۱۸	
Divine commandment	۵۹	
Divine order	۸۰	
Divine decree	۴	امر الهی
enjoin the good	۲۷، ۸۰	امر به معروف (قرآنی) [=]
		الامر بالمعروف]
enjoin right conduct	۱۶، ۸۷	
bid for good / bid to good	۳، ۶	
bid to honour	۱۰۰	
command for good	۲	
obligatory command	۱۰	امر تکلیف (کل-)
creative command	۱۰	امر تکوین (کل-)
negative entity		امر عدمی
conditional imperative;	۱۱	امر مشروط
hypothetical imperative		
abstinence	۲۱، ۴۵	امساک (اخ-)
niggadliness	۱۰۳	
thriftiness	۷۵	
(to) retain in honour ;honourable retention	۱۵، ۸۷	امساک به معروف (قرآنی)
mingling; thickend fluid;ingred-	۸۰-۴، ۸۷، ۱۰۰	امشاج (قرآنی)
dients		
signature	۱۲۰	امضاء [نوشتن نام به طرز مخصوص که معروف است.]
ratification	۸۵	امضاء [به معنای تأیید و تقریر، نه علامت پای نامه‌ها و اسناد]
possibility	۱۱، ۹۷، ۱۰۲، ۱۰۵	امکان (فل- منط-)
contingency	۱۰۸	
potentiality	۶۹	

more special possibility	١٠٢	امكان اخصّ (فلـ).
possibility through preparedness	١٠٢	امكان استعدادی (فلـ).
future possibility	١٠٢	امكان استقبالی (فلـ).
possibility by itself	١٠٢	امكان بالذات (فلـ).
possibility by something else	١٠٢	امكان بالغير (فلـ).
temporal possibility	١٠٤	امكان زمانی
pure possibility	١٠٥	امكان صرف
bare possibility	١٠٤	
material potentiality	١١	امكان مادی
abstract possibility	١١	امكان مجرد
absolute possibility	١١	امكان مطلق
spatial possibility	١٠٤	امكان مکانی
occurring possibility	١٠٢	امكان وقوعی
possibility and reality	١١	امكان و واقع
desire	١٨	آمل (قرآنی)
hope	٧، ٨٧	
1. dictation; transmission	١٢١	املاء [١]. بر دیگران خواندن
2. orthography	٨٠	ونویسندن [٢]. شیوة کتابت،
		تقریباً برابر با رسم الخط]
penury	٨٧	املاق (قرآنی)
private estates	٨٠ - ٥	املاك خاصّه (تخ.)
crown lands	٨٠ - ٤	املاك خالصه [دولتی] (تخ.)
public domain	٧٥	
		املاك دولتی ← املاك خالصه
security	٩٠، ١١٨	امن (قرآنی)
safety	٨٧، ١١٣	
trustees	٨٢ - ٥	امناء
faithful ones	٣١	
superintendents	٣١	

security	٤	امنيّت
the deceased	٩	اموات (قرآنى)
landed properties; real properties; immovables		اموال غير منقول (حق).
personal effects; res mobiles	٧٥	اموال منقول (حق).
movable properties; movables	١٢٠, ١٢١	
physical things	١٠٤	امور طبيعیه
general principles	٨٠ - ٢	امور عامه (كل. فل.)
ontology	پ	
Umayyids	٤	امويان [= بنى اميه]
Umayyads	٩٩	
a female slave	٤٥	أمه
		أُمّه ← اُمّت
(giving a) respite	٨٧, ١٠٠	امهات ← ام
of the common folk; illiterate	٢١, ٩٨, ١٠٠	امهال (قرآنى)
who can neither read nor write; unlettered	٤٢, ٨٧, ١١٣	امى (قرآنى)
unschooled	٤٢	
commander	٤٨, ٨٠	امير
military commander	٤٧	
commander -in - chief	٤٢, ٨٠	امير الامرا
senior amirate	٨٢ - ٤	
Chief Emir	٨٠	
admiral	١٢٠	امير البحر
Commander of the Faithful	٤٢, ٤٥, ٩٩, ١٠٣, ١٠٩	امير المؤمنين
Commander of the Believers	٤, ٨٠, ١١٠	
The Leader of the Believers	٦	
Commander of the Truly Faithful	٥٦	

Commander of all people	۹۹	امیرالناس
trust worthy	۴۲ .۸۰ .۸۴	امین (قرآنی)
trusty	۱۰۳	
trustee; trusted	۴۲ .۸۷	
depository	۶۱	
justice of the peace	۶۱	امین صلح
trustee stock	۷۵	سهم امین
The Common folk	۱۱۲	امیون [برابر با امیین]
the Gentiles	۸۷	امیین (قرآنی)
selfhood	۹۳	انائیت (تصد.)
repentance	۲۳ .۸۷	انابت [انابه] (قرآنی)
conversion	۵۸	
		انابه ← انابت
folk	۸۷	اناس (قرآنی)
Analitiques	۴۲	انالوطیقا [تحلیلات] (منط.)
I-ness	۱۱ .۸۰	انائیت (تصد. اخ.)
egoism	۹۵	
egotism; self worship	۳۱	
self assertion	۴۴	
Empedocles	۱۳ .۴۲	انباذقلس [امپدوکلس]
		انبیاء (← نبی)
The Prophets	۸۷	انبیاء (الانبیاء. سوره)
alembic	۳۱	انبیق [لفظ آلامبیک اروپائی، از همین کلمه است. اصل انبیق، کلمه یونانی آمبیکس است.]
retort	۱۲۹	
productivity	۹۸	انتاج
attention	۹۵	انتباه (تصد.)
wakening of the spirit	۱۸	

tropism	۹۵	انتحاء [گرایش]
commit suicide	۶۱	انتحار کردن (فقه.)
plagiarism; literary theft	۱۲۱، ۱۲۳	انتحال (نیز ← سرقت ادبی)
copying	۱۲۸	
election	۶۱	انتخابات (حقه.)
electorate	۶۱	حوزه انتخابات
elector	۶۱	انتخاب کننده (حقه.)
extraction; abstraction	۱۰۲	انتزاع (فلسفه.)
expectation; (to) await	۸۷، ۱۲۰	انتظار (قرآنی)
self-discipline	۵۷	انتظام
orderliness	۴۶	
criticism	۱۱	انتقاد
transition	۱۱	انتقال
metempsychosis	۱۱	انتقال نفس [تناسخ]
defilements	۹۰	انجاس
decision	۱۰	انجزام (کلمه.)
Evangel	۱۱۲	انجیل (قرآنی)
Gospel	۴۲، ۴۵، ۸۰، ۸۷، ۱۰۰، ۱۰۳	
Luke	۴۳	انجیل لوقا
Mathew	۴۳	انجیل متی
Mark	۴۳	انجیل مرقس
John	۴۳	انجیل یوحنا
subsumption	۱۰۲	اندراج (فلسفه.)
Book of Advice	۴۷	اندرزنامه
seraglio	۷۸	اندرونی (معم.)
indoor; thalamus	۱۲۹	
Andalusia	۱۹، ۱۲۵	اندلس
ejaculation (sperm)	۴۲	انزال (فقه.)
(to) send down the Book; (to)	۸۷، ۱۰۰	انزال کتاب (قرآنی)

reveal the Scripture		
aversion	۴	انزجار
retreat	۴	انزوا (تصد.)
intimacy	۲۸، ۸۹، ۹۰، ۱۱۸	اُنس (اخ. تصد.)
familiarity	۵۸، ۱۱۹	
fellowship of God	۴۵	
intimate ease	۸۰ - ۴	
mankind	۱۰۰، ۱۰۳	اِنس (قرآنی)
humankind	۸۷	
human being	۴۲	
kinship	۸۷، ۱۰۰	انساب (قرآنی) نیز ← علم
		انساب
man	۸۷، ۸۸، ۹۵، ۹۶، ۱۰۰	انسان (قرآنی)
Micro Anthrope	۳۷	انسان صغیر
Man of Soul	۵۶	انسان طبیعی
Man of Intellect	۵۶	انسان عقلی
Macro Anthrope	۳۷	انسان کبیر
Great Man	۹۶	
meg anthrope	۸۰	
Man-in-general	۱۰۴	انسان مطلق
		انسان فرهیخته ← انسان آراسته
Universal or Perfect Man	۵۸	انسان کامل
The most Perfect human being	۸۰	
primal man	۱۱	انسان نخستین
a man of soul	۵۶	انسان نفسانی
humanity	۱۱	انسانیت
humanhood	۱۶	
humanness	۴۰	
closure	۱۶	انسداد

product; command; creation	۸۰ - ۴, ۸۷, ۱۰۰	انشاء (فل.) (قرآنی)
construction	۹۵	
interjection	۹۷	
composition	۱۲۰	
if God Will(s)	۲۱, ۸۰, ۹۹, ۱۱۲	انشاء (ادب)
if it pleases God	۸۰ - ۳	ان شاء الله
if Allah Will(s)	۸۷	
God - Willing	۴۲	
if it be the will of Allah	۴۵	
The Expansion	۷	انشراح [سوره]
The Expanding	۸۸	
connection, diverging; service	۱۲۹	انشعاب (معم.)
branch; signing intersection		
The Sundering	۸۷	انشقاق [سوره]
The Rending	۸۸, ۱۰۰	
The Bursting Asunder		
idols; sculptures	۳۸, ۸۷	انصاب (قرآنی)
The Helpers	۶, ۴۵, ۸۰, ۸۴, ۱۰۶	انصار [مق. مهاجرین] (قرآنی)
Ansar	۴, ۸۷	
The Helpers of the Prophet	۴۵	انصار النبی
equity	۸۰ - ۳, ۹۵	انصاف (اخ.)
fairness	۹۹	
impartial judgement	۸۰ - ۳	
justice	۲۱	
Cattle	۸۷, ۸۸, ۱۰۰	انعام [سوره]
to bestow financial award	۸۰ - ۳, ۸۷	انعام (قرآنی)
grants; present	۱۱۴	
bounty	۱۰۳	
bestow	۶۴	انعام کردن

annihilation	۱۰۴	انعدام (نیز ← اعدام؛ امحاء)
reflection	۱۲۵	انعکاس
spend; expending	۴۲، ۸۷	انفاق (قرآنی)
prodigality	۱۰۳	
disbursing	۳۱	
payment of the alms - tax	۲۷	
The Spoils of War	۷، ۸۷	أنفال [سوره]
spoils	۴۲، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰، ۱۱۲	انفال [غنائم جنگی] (قرآنی)
disunion	۶۱	انفصال (حق-)
separation	۷۷	انفصال (ادا-)
The Cleaving	۸۷	انقطاع [سوره]
The Cleaving Asunder	۷	
The Splitting	۸۸، ۱۰۰	
affection	۵۶، ۱۰۲، ۱۰۷	انفعال
passivity	۱۱، ۱۰۵	
passion	۱۱	
passive	۱۰۷	انفعالیه
separation	۱۰۸، ۱۲۰	انفکاک
contraction	۴۲	انقباض (تصد-)
divisibility	۵۶	انقسام
revolution	۹۵	انقلاب (نیز ← الثورة)
transformation	۵۶، ۱۰۲	انقلاب (فل-)
Islamic Revolution of Iran	پ	انقلاب اسلامی ایران (تخ-)
Constitutional Revolution	۲۷	انقلاب مشروطیت (تخ-)
revolutionary	۱۶	انقلابی (سی-)
Solstices	۷۴ و ۱۲۵	انقلابین (جف-)
denial	۳۹، ۱۰۳، ۱۱۹	انکار (حق-، فق-)
disbelief	۱۰۳	
negation	۶۱	

negate	۲۹	انکار کردن
abnegate	۶۱	
		انکار وجود ماسوی الله ←
		لاکونیت
Anaxagoras	۴۲	انکساغورس [= اناکساگوراس]
Aquileia	۹۹	انکلایه (جف.)
lights	۱۱۹	انوار
rays	۱۰۳	
The Lordly Lights; the Lights of Divine Commandment	۱۰۲	انوار اسفهبديه (فل.)
Rays of God	۱۰۳	انوار حق
dominant lights	۹۳	انوار قاهره
victorious lights	۱۰۲	
regent lights	۱۳	انوار مدبره
ministering lights	۹۳	
lights of revelation	۵۶	انوار وحی
species	۶۹.۹۹.۱۰۴.۱۰۵	انواع
Prior Analytics	۹۸	انولوطیقای قدیمه (منط.)
egoity	۸۰ - ۳	انیت
This - ness	۹۵	
existence	۱۰۵	
pimpinella anisum; anise	۱۲۰. ۱۲۵	انیسون (گیا. پز.)
the elements of the sciences	۸۰ - ۴	اوائل الصناعات
Stakes	۸۰	اوتاد (تص.)
prop; pillar; four great saints	۴۲	
apogee	۴۰. ۹۹. ۱۰۴	اوج (نج.)
zenith	۴۰. ۱۰۳	
peak	۴. ۱۲۹	
apex	۱۲۹	

اورشلیم ← بیت المقدس [=]

[قدس]

meters

اوزان عروضی (نیز ← علم ۳۷

عروض)

middle term

۹۷

اوسط (منط.)

properties

۸۰ - ۵

اوصاف

qualities

۲۱، ۱۰۸

contrary qualities

۱۰۸

اوصاف متضاده

blameworthy qualities

۲۱

اوصاف مذموم

religious endowments

۸۲ - ۴

اوقاف (فق.)

The First

اول [الاول اول. اسم الهی] ۱۱، ۴۵، ۸۰، ۸۷

(قرآنی)

primary being

۵۶

اول الوجود

the first existence

۹۲

those having foresight

۴۲

اولواالبصار (قرآنی)

men possessed of eyes

۱۰۰

those who are akin

۸۷

اولواالارحام (قرآنی)

those related by blood

۱۰۰

men possessed of minds

۱۰۰

اولواالالباب [اولی الالباب]

(قرآنی)

men of understanding

۴۲، ۸۷

the great personages

۲۵

those in authority

۶، ۸۷، ۱۰۰

اولوالامر (قرآنی)

the people in authority

۹۹

political and religious chiefs;

۸۰ - ۴

legitimate custodians of authority

those possessed of authority

۴۷

Holders of Authority

۲۷

Possessors of determination

۱۲، ۴۲

اولوالعزم (قرآنی)

Arch - prophets	٤٢	
Steadfast Seers	٥٢	
possessors of constancy	٣٨ , ١٠٠	
primitive theologians	١٠٦	اولون
precedence	٦	اولويت
preponderance	١٠٢	
superiority		
saints; friends	٤٢, ٨٠, ٨٧, ٩٩, ١٠٤, ١١٠, ١١٨	اولياء (قرآنى)
favourites of God	٣٨ , ٤٢	
patrons	٩٠	
God's saints; friends of Allah	٨٧ , ٩٩	اولياء الله (قرآنى)
minions of the devil	٨٧	اولياء شيطان (قرآنى)
Axioms	٩٧	اوليات (منط.)
First principles	٤٢ , ٩٥ , ٩٧	
primary premises	٤٢	
men possessed of eyes	١٠٠, ٤٢	اولى الابصار اولوا الابصار اولى الالباب ← اولوا الالباب اولى الامر ← اولوا الامر
primity	١١٨	اولية
fancies	١٠٦	اوهام
disdain; scorn, despise	٨٧ , ٩٠ , ١٠٠	اهانت (قرآنى)
being directed right; being guided	٣١ , ٨٧ , ١٠٠	اهتداء (قرآنى)
wicked thoughts	٩٠	اهجاس (تصد.)
Pyramids	١٢٥	اهرام (جف.)
Devil	١٠٣	اهرمين [اهريمن]
people; family	١١٢	اهل
people of Hereafter	١٠٨	اهل الآخرة
individual reasoning	١٠٩	اهل الآراء

people of God	٣١	اهل الله
heretics	٣١	اهل اهواء
innovators	١٠٤	اهل البدع
people of insight	٩٩	اهل البصر
People of house; The Prophet's House; Muhammad's descen dants		اهل البيت (قرآنی)
The Prophet's Family	٨٢، ٤٢	
Folk of Household	٨٧	
worthy to be feared; sinfearing men; fount of fear	٨٧، ١٠٠، ١٠٧	اهل التقوى (قرآنی) [در قرآن مجید این اصطلاح، نه به عنوان صفتی برای مؤمنان، بلکه برای خداوند به کار رفته است.]
the virtuous	٤٢	
partisans of traditions	٨٠، ٤٢	اهل الحديث
people of tradition	٤٥	
traditionists	٨٠، ٨٦	
Men of God	٨٠، ٤٥، ٤٢	اهل الحق [از فرقه های اسلامی که علی اللهی ها شعبه ای از آنها هستند.]
Followers of Truth	٤٢	
Men of Truth	١٠٥	
People of Truth	١٠، ١٠٨	
prominent members of community	٤٢	اهل الحل و العقد
people who are qualified to unbind and to bind	٨٠	
people who loose and bind	٢٧	
people of remembrance	١٠٠، ٦	اهل الذکر (قرآنی)
possessors of edification	٨٠	

protected people	٨٠ - ٥	اهل الذمه [معاهدون]
people of the covenant or obligation; protégés in accor- dance with an agreement	٤٥	
the tributary	١٩	
party of reasoning	٨٤	اهل الرأي
representatives of opinion (reasoning)	٩٩	
historians	١٠٩	اهل السير
people of justice and divine oneness	١١٣	اهل العدل والتوحيد [نامى كه معتزله برخود نهادند]
Muslims	١٠٩	اهل القبلة
Ka'bites	١٤	
People of The Book	٤١، ٤٢، ٤٣، ٤٥، ١٠٠، ١١٢	اهل الكتاب (قرآنى)
People of The Scripture	٤٢، ٤٥، ٨٧	
Followers of The Book	٢٩	
Scriptural men	٣٩	
Possessors of The Scripture	٨٠	
people of spiritual intuition	٥٤	اهل الكشف
The Seven Sleepers	٩٩	اهل الكهف (نيز ← اصحاب كهف)
worthy to forgive; fount of Mercy	٨٧، ١٠٠	اهل المغفرة (اسم الهى) (قرآنى)
people of the Hell; dweller in the Fire	٤٢، ٨٧	اهل النار (نيز ← اصحاب نار)
people of (destined for) the Fire	١٠٣	
men of insight; experts	٤٢	اهل النظر
the sagacious	٣١	
those who apply reasoning;	٨٠	
those who have professed dialectic		

Libertines	٤٢	اهل الهواء
people of certainty	٥٦	اهل اليقين
people of the Gospel	١٠٠	اهل انجيل
the blessed	٤٢	اهل بهشت (نيز ← اصحاب جنت)
the people of Paradise	١٠٣	
the inhabitants of Paradise	١٠٠	
people of revelation	٩٩	اهل تجلى
people of equality	٨٢	اهل تسويه
monotheists	٢٤	اهل توحيد
the people of unity and justice	٨٠	اهل توحيد و عدل
		اهل جنت ← اهل بهشت
people of the sanctuary	٨٤	اهل حرم
men of heart	٣٤, ١٠٣	اهل دل
the denizens of Hell	١٤	اهل دوزخ (نيز ← اصحاب نار؛ اهل النار)
followers of (Mohammedan)	١٠٣	اهل دين
religion		
voluptuary	٣١	اهل ذوق
people following ascetic practices	١٢	اهل رياضت
God - intoxicated men	٩٦	اهل سُكر
The Sunnis	٤	اهل سنت
Sunnites	٤٢	
men of tradition and community	٨٠	اهل سنت و جماعت
polytheists	٢٤	اهل شرك
sceptics	٢٤	اهل شك
Shiites		اهل شيعه
People of the Veranda	٢١	اهل صفه
followers of formal religion	١٤	اهل ظاهر

exoterist	۴۲	
learned; learned person	۳۱	اهل علم
the dead	۳۱	اهل قبور
The People of the Cloak	۸۰	اهل کسا (نیز ← اصحاب کسا)
the learned	۶۹	اهل معرفت
possessed of the knowledge of God	۳۱	
followers of reality	۱۰۳	اهل معنی
the new moons	۱۰۰	اهله (قرآنی)
phases of the moon	۷۴	اهله قمر (نجم.)
carelessness	۵۷	اهمال (اخ.)
indefiniteness	۹۸	اهمال (منط.)
desires	۱۰۶	اهواء
hallowed substances	۸۰ - ۵	ایارجات (پز.) [انواع ملین و مسهل]
province	۸۰	ایالت
The Days of God; Divine Days	۱۰۰، ۱۰۲	ایام نیز ← یوم ایام الله (قرآنی)
The Days of Allah	۸۷	
the days of bright nights	۴۲	ایام البیض
the white days	۲۱	
tree days following the Day of Immolation - sacrifice - (10 th of zu'lhijja) during the hadj	۱۲۱، ۱۲۲	ایام التشریق
certain days	۱۰۷	ایام المحظوره
the season of sacrifice during the pilgrimage	۴۲	ایام النحر
altruism	۳۷، ۵۷، ۸۰، ۹۵	ایبری (شبه جزیره) ← اندلس ایثار (اخ.) (قرآنی)

self sacrifice	۱۶	
preference	۲۱، ۸۷	
affirmation	۲۸، ۳۱، ۵۶، ۶۱، ۹۵، ۹۸، ۱۰۲	ایجاب (منط.)
necessitation	۱۰۲، ۱۰۸	
offer	۸۰، ۸۵	ایجاب (فق.)
making definite; binding; due	۸۰	
positive	۳۷	ایجابی
something mandatory; compulsory	۵۳	
originating	۲۹	ایجاد
bringing into existence	۱۰۳	
Creation	۷۵، ۱۰۳، ۱۰۵	
God's act of creation	۱۰۵	ایجاد الباری
conciseness	۲۳	ایجاز (ادب.)
abridgement; epitome	۳۱	
concision	۸۰	
brevity; brevitās	۱۲۸	
brachiology	۱۲۸	ایجاز مُخل [= اخلاص: ۱۲۸ اختصار مُخل]
suggestion	۹۵	ایحاء (نیز ← وحی)
persecution; vexation; molestation	۶۱، ۸۷	ایذاء (حق.) (قرآنی)
battery	۶۱	ایراد ضرب و جرح (حق.)
God	۹۲، ۱۱۱	ایزد (نیز ← الله)
God Almighty	۹۲، ۱۱۱	ایزد تعالی
Divine	۳۴	ایزدی (نیز ← الهی)
admonishing; making a will or testament	۳۱	ایصاء (فق.) [= وصیت کردن؛ نیز ← وصیت؛ وصی؛ موصی]
cadence	۶۱	ایقاع (ادب. مس.) [هماهنگ ساختن آوازه‌ها]
rhythm	۴۰، ۹۵، ۱۲۸	

measure	۱۲۸	
onesided dispositions	۴۵	ایقاعات (حق. فق.)
being sure; Knowing for certain	۳۱	ایقان (قرآنی)
certitude	۱۱	
Thicket	۱۱۲	ایکه (نیز ← اصحاب ایکه)
nomadic tribe	۴۸، ۸۰	ایل (تخ.)
forswear a woman (one's wife)	۸۷، ۱۰۰	ایلاء (فق.) (قرآنی)
oath of sexual abstention	۲۸	
oath of abstinence from inter- course by the husband	۸۵	
forswear	۸۷	
faith	۶، ۸۰، ۸۷، ۹۵، ۱۰۳	ایمان (قرآنی)
belief	۲، ۱۱۰	
believe	۶	ایمان داشتن
safe	۱۰۳	ایمن [تلفظ و املای اصلی قرآنی این کلمه آمن است]
secure	۶	
security	۱۰۳	ایمنی
porch	۳۳، ۶۶، ۱۲۹	ایوان (معم.)
portico	۵۲، ۱۲۹	
balcony; access balcony; veranda	۱۲۹	
vaulted hall	۹۹	
arched hall; niche - like hall	۴۵	
veranda	۱۲۹	ایوان برونی (معم.)
loggia	۱۲۹	ایوان درونی
peristyle	۷۸، ۱۲۹	ایوان ستوندار (معم.)
colonnade	۱۲۹	
Golden Porch	۳۳	ایوان طلا
Hall of the Chosroes	۱۹	ایوان کسری

Reception Hall of Khosraw

۹۹

Job

۷.۴۵.۸۷.۱۰۰.۱۰۳.۱۱۲ آیوب (ع) (قرآنی)

ambiguity

۴۴.۴۵.۸۰ ایهام (ادب. هند.)

homonymy; amphibological

ایهام (بع.) [= توریه؛ تخییل؛ تخیل؛ ۲۶

congruity

توهیم]

amphiboly; paronomasia; pun

۱۲۸

ب

section	۸۰ - ۴	باب [فصل]
gate	۸۴.۸۷.۱۰۳	باب (قرآنی)
mode	۱۱۵	باب (دس.)
verbal mode	۱۱۵	باب فعل
Babylon	۱۹.۱۰۰	بابل (قرآنی)
Babylonian	۱۳	بابلی
swamp	۷۴.۱۲۹	باتلاق (جف.)
marsh; bog; mire	۱۲۹	
dues; tribute; toll	۸۰ - ۳.۱۲۰	باج (نیز ← جزیه؛ خراج)
toll charge	۱۲۹	
vela; sail	۳۵.۱۲۰	بادبان [شراع] (نجد.)
Creator	۱۱۰	بادی [= کنایه از خداوند]
initiator	۴۰	
Bedouin	۲.۸۵	بادیه نشین [= عرب بدوی، ۲.۸۵]
		اعرابی] (نیز ← اعراب)
		باذاخوث ← بطلیوس
The Benefactor		بار [البار] (اسم الهی) (غیر قرآنی) ۴۵

public audience	۳۱	بار عام
audience - chamber	۵۲	بارگاه
The Creator	۳۱.۴۵.۸۰.۸۷.۱۱۰	با رهبر ایوس ← ابن العبری باری [الباری] (اسم الهی) (قرآنی)
The Producer	۸۰	
The Maker	۱۰۰	
Demiurgus	۹۳	
market; bazaar	۱۲۰. ۱۲۹	بازار
falconry; hawking	پ	بازداری / بازیاری
tribulation	۸۷	بأساء (قرآنی)
The Spreader	۴۵	باسط [الباسط] (اسم الهی و غیر قرآنی)
He who expands	۸۰	
print; stamp	۷۸	باسمه (هند.)
wood block; wood cut; wood - engraving	۷۸	باسمه چوبی (هند.)
null and void	۲۴.۴۵.۸۰.۸۵	باطل (قرآنی)
falsehood	۱۶.۸۷.۱۰۹.۱۱۸	
false	۴۰.۴۵.۹۵	
wrong	۲. ۴۵	
The Inward; The Hidden; The Latent	۸۰. ۸۷ (اسم الهی)	باطن [الباطن] (اسم الهی) (قرآنی)
inward (state or aspect)	۵۴.۸۵.۹۰.۱۰۳.۱۱۸	باطن
innermost part	۶. ۸۰	
interior; esoteric	۳۱. ۸۰	
intrinsic	۳۱	
hidden meaning	۸۰ - ۴	
esoteric	۴۰. ۹۵	باطنی
latent	۴	

mystic	۱۱	
esoterism	۲۷	باطنیگری
Esoterics	۸۲ - ۴	باطنیّه
Batīnīs		
The Revivifier	۸۰	باعث [الباعث] (اسم الهی) (غیرقرآنی)
The Sender of the dead from the grave	۴۵	
rebel	۴۷، ۸۵	باغی
The Eternal; Who permanes	۸۰	باقی [الباقی] (اسم الهی غیرقرآنی)
The Enduring	۴۵	
Subsistent	۲۱	
Everlasting	۱۰۳	
virgin	۴۲	باکره (فقه.)
solar; penthouse; upper floor	۱۲۹	بالاخانه (معم.)
impromptu	۴	بالبدیهه (نیز ← بدیهه گونی، بدیهه سرانی)
analogousness	۱۰۸	بالتشکیک
essentially	۳۱، ۱۰۵	بالذات
intrinsically; by nature	۱۶	بالطبع
accidental	۱۰۵	بالعرض
adult	۴۵، ۱۰۱	بالغ (نیز ← بلوغ)
of full age; major	۸۰	
full - grown	۴۵	
in actuality	۵۶	بالفعل
in fact; actually; effectually	۳۱	
passive intellect	۸۰ - ۴	بالقوه
in potency	۵۶	
metonymically	۸۰ - ۴	بالکنایه
habitual	۹۲	بالمملکه

roof	۷۸ . ۱۲۹	
bank	۷۵	بام
mortgage bank	۷۵	بانك
pawn bank	۷۵	بانك رهنی
interest-less bank; interest-free bank		بانك كارگشایی
		البانك [البنك] اللاربوی [= بانك پ
		غیر ربوی: اصطلاح شهید
		سید محمد باقر صدر]
author	۲۹	بانی
vendor; seller	۳۱ . ۳۷	بایع (فقد.)
the well of Job	۴۵	بئر آیوب
idol	۲ . ۱۰۳ . ۱۰۹	بت (کل.)
idolater	۹ . ۱۰۳	بت پرست (کل.)
idol - worshipper	۱۲	
idolatry	۳۴	بت پرستی (نیز ← عبادت الاوثان)
idol temple	۳۱	بتخانه
pagoda	۵ - ۸۲	
iconoclast	۴ - ۸۰ . ۴۲	بت شکن
idol - breaker	۴	
Virgin		بتول [نیز لقب حضرت فاطمه و
		حضرت مریم علیهما السلام
		است.]
kidnapper	۶۱	بچه دزد (حق.)
aborted fetus	۲۰	بچه سقط شده
infanticide	۱۵	بچه کشی [گاه کنایه از سقط
		جنین]
pure; genuine; unmixed	۳۱	
inquiry	۴۰ . ۹۷	بحث
debate	۲۹ . ۳۱	بحث
dispute	۳۱	

discussion	١٢	
discourse; polemic	١	
the discursive	٩٣	بحثیه
metre (meter)	٢٨ . ١٢٨	بحر (عر.) (نیز ← اوزان ١٢٨ . ٢٨ عروضي؛ علم عروضی)
measure	١٢٨	
complete meter; acatalectic meter	١٢٨	بحر سالم [= وزن سالم]
sea	٤٢	بحر [دریا]
Blue Nile River	٤٣	بحر الازرق [نیل آبی]
White Nile River	٤٣	بحر الابيض [نیل سفید]
White Sea	٤٢	
The Red Sea	٤٢	بحر الاحمر
Green Sea	٨٠	بحر الاخضر
Black Sea	٤٢	بحر الاسود
Adriatic Sea	٩٩	بحر البنادقه
Bahral - Jebel	٤٣	بحر الجبل
Archipelago	٤٢	بحر الجزائر
Mediterranean Sea	٤٣	بحر الروم [= دریای شام]
Angareb	٤٣	بحر السلام
Sea of Darkness	٨٠	بحر الظلمات
Bahr al - Arab	٤٣	بحر العرب
		بحر القلزم ← بحر الاحمر
Atlantic Ocean	٣٧	بحر المحيط
Surrounding Sea	٨٠ . ٩٩	
Circumambient Ocean	٣١	
Dead Sea; Bahret Lut; Lacus	٤٣	بحر المیت [بحر لوط]
Asphaltites		
Indian Ocean	٨٠	بحر الهند
Caspian Sea	٤٢	بحر خزر

Navy; marine	۸۰ . ۱۲۰	بحریہ
God be praised	۳۱	بحمد اللہ
thanks (be) to God	۱۲۰	
Nebuchadnezzar	۴۲ . ۸۰ . ۹۹	بخت نصر
avarice	۳۱ . ۸۰ . ۸۷ . ۱۰۳	بخل (قرآنی)
parsimony; stinginess	۳۱	
incens; fumigation		
niggardly	۱۰۰	بخور (بز.)
miser	۴	بخیل (اخل.)
appearance; emergence	۴۵	
change in an earlier divine ruling	۸۰	بداء (کل.)
evidence	۹۵	
impious; irreligious; heretic	۳۱	بداہت
full moon	۳۱ . ۸۰ - ۴	بددین
Badr	۸۷	بدر (نج.)
innovation	۴۲ . ۴۵ . ۸۰ . ۸۶ . ۹۹ . ۱۱۳	بدر (جف.)
novelty	۴۲ . ۴۵ . ۱۱۴	بدعت
heresy	۴۲ . ۴۵ . ۹۳ . ۱۰۹	
heretical practice	۸۲	
good innovation	۴۵	بدعت حسنہ
evil innovation	۴۵	بدعت خبیثہ
innovator	۹۹	بدعت گزار
garments and ensembles	۸۰ - ۴	بدلہ [حلہ]
ideal body	۱۱	بدن مثالی (فل. کل.)
pastoral nomads of Arabian	۸۰	بدو
blood, speech, and culture		
Bedouin; nomad	۴۲ . ۱۰۹	بدوی
debter	۲۰	بدھکار
debt	۷۵	بدھی (اق.)

The Originator of the heavens
and the earth

بدیع السماوات والارض (اسم ۸۹، ۸۷)

الهی (قرآنی)

بدیع (ادب.) (نیز ← علم بدیع)

rhetorical ornaments

۳ - ۸۰

rhetoric

۱۲۸

بدیع لفظی ← صنایع لفظی

بدیع معنوی ← صنایع معنوی

improvisation

۱۲۰

بدیهه گوئی، بدیهه سرانی

self evident

۱۱

بدیهی

immediate perceptions

۱۰۶

بدیهیات

postulates

۱۶

by itself

۱۱، ۱۰۵

بذاته

through his essence

۱۰۸

wit; witticism; joke

۳۱، ۱۲۰

بذله (ادب.)

Benign ;All-benign

۸۷، ۱۰۰

بَر [البَر، اسم الہی] (قرآنی)

piety

۸۰، ۸۷، ۱۰۰

بِر (قرآنی)

pious goodness

۸۰

pious contributions

۱۱۴

kindness

۲۱

acquittance

۴۲، ۱۰۰، ۱۱۲

برائت (قرآنی)

immunity

۸۷، ۱۱۳

disassociation

۱۱۳

innocence; being free (from

۳۱

faults)

acquittal; clearance from obli-

۶۱

برائت ذمّه

gation

trade draft

برات تجاری (اقد.) (نیز ← چک؛ ۷۵

سفته)

order bill of exchange

۷۵

برات حواله ای (اقد.)

brother	۳۹	
brother uterine	۳۹	برادر بطنی [برادر مادری یا رحمی یا امی]
foster brother	۱۲۰	برادر رضاعی
brother german	۳۹	برادر شقیق [برادر اصلی، از يك پدر و مادر]
brother consanguinean	۳۹	برادر صلبی [برادر پدری]
amblysia; diorthosis	۱۲۸	براعت استهلال (بع، عر.)
Heavenly horse	۱۴	بُراق [مرکبی که پیامبر (ص) سوار بر آن به معراج رفت.]
Barmecides	۱۴، ۲۶، ۹۹	برامکه
Berber	۹۹	بربر
tower; station of a planet; sign of zodiac	۳۱	برج
peel; tower	۱۲۹	
fortress	۴۵	
bastion	۲۵	
zodiac	۴۰	
Leo	۹۹	برج اسد (نج.)
bartizan	۷۸	برج پرچم (معم.)
stair tower; stair turret	۷۸	برج پلکانی (معم.)
barbican; light house	۷۸	برج دیده بان (معم.)
tower clock	۱۲۹	برج ساعت (معم.)
raised work	۷۸	برجسته کاری (معم.)
repoussé work	۱۱۶	برجسته کاری (جل.)
Jupiter	۴۲	برجیس (نج.) [= مشتری]
enslavement	۹	بردگی (فق.)
servitude	۱۶	
slave	پ	
captive	۱۰۳	برده (فق.)

barrier; isthmus	۱۳، ۸۰، ۸۷، ۸۹، ۱۰۰	برزخ (قرآنی) (نیز ← عالم برزخ)
intermediate world	۱۱، ۱۰۸	
intermediate state	۴۲، ۱۰۳	
Purgatory	۴۲، ۹۹	
interval; partition	۴۲	
Hades	۳۴	
barrier	۱۰۳	
illuminating	۴۵	برزخ (فلد. اشراق)
Perseus	۳۶، ۱۲۵	برشاوش (نجد.) [= برشاوش]
leprosy	۷۱	برص (نیز ← ابرص)
Pergamos; Pergamum	۱۲۴، ۱۲۵	برغمه [= پرگاموس / پرگاموم: شهری باستانی در شمال غربی آسیای صغیر]
veil	۱۸، ۴۵	برقع
Proclus	۱۳	برقلس [= پروکلوس]
Praclete	۸۴	برقلیطس
blessing	۶، ۴۵، ۵۱، ۸۰، ۹۹، ۱۱۳	برکت [جمع این کلمه به صورت برکات در قرآن مجید به کار رفته است.]
divine grace	۵۸، ۱۱۳	
sanctity	۵۱	
Parmenides	۴۰	برمکیان ← برامکه
brass	۱۲۹	برمنیدس [= پارمنیدس]
braze	۱۲۹	برنج آلیاژ
Constellations	۸۰، ۸۹، ۱۰۰	برنج پوش کردن
celestial signs	۳۸	برنیک ← بنغازی
The Mansions of the Stars	۷، ۸۷	بروج (قرآنی)
		بروج [سوره]

raised up towers	۱۰۰	بروج مشیدہ (قرآنی)
demonstration	۱۱.۴۰.۹۳.۹۷.۱۱۱	برهان (قرآنی)
proof	۱۱.۲۱.۳۴.۴۵.۸۷.۱۰۵	
demonstrative proof	۱۰۵	
decisive proof; clear demonstration	۸۰	
demonstrative syllogism		
argumentation	۴۰	
argument	۴۴.۹۹	
evidence	۲۱.۱۰۳	
reasoning	۴۲	
argument from design	۴۴	برهان اتقان صنع
posteriori demonstration	۱۱	برهان انّی
posteriori reasoning	۴۲	
quatic demonstration	۹۷	
demonstration of movement	۲۹	برهان حرکت
proof by reductio ad absurdum	۱۱	برهان خُلف
demonstration per-impossible	۴۲	
dilemma	۱۱	برهان ذوالحدّین [= احراج، ۱۱ برهان ذوالوجهین] برهان ذوالوجهین ← برهان ذوالحدّین
intellectual proof	۲۱	برهان عقلی
proof of Divine Grace	۲۹	برهان عنایت
teleological argument	۶۶	برهان غائی
proof of human nature	۲۹	برهان فطرت
convincing proof	۴۲	برهان قاطع
causal proof; priory reasoning	۴۲	برهان لمّی
priori demonstration	۱۱	
propter demonstration	۹۷	

argumentation of order	۲۹	برهان نظم
demonstration of necessity and possibility	۲۹	برهان وجوب و امکان
cosmological argument	۴۴	برهان هستی
demonstrable	۴۴	برهانی
Post and Intelligence; verdu	۳۱، ۸۰، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۳	برید
courier; mail		
clear of obligation; discharged	۴۲	بری الذمه
the simples	۱۰۴	بسانط (فل.)
sanctuary; asylum	۸۰	بست
dilation of the heart; relaxation	۸۰	بسط
expand	۴۵	
in the name of God, the Merciful, the Benefactor (the Compassionate)	۸۰ و ۱۰۰	بسم الله الرحمن الرحيم [کلمه ۸۰ و ۱۰۰] بسم الله الرحمن الرحيم بر سر ۱۱۳ سورة قرآن مجید - جز سورة براءت یا توبه - آمده است و يك بار دیگر در سورة نمل آیه ۳۰ ظاهر گردیده است.]
sacrificed; slaughtered		بشمل [قربانی، یا حیوان ذبح شده، ۳۱ مشتق از بسم الله است چون هنگام ذبح بسم الله گفته می شود] بشملة [بسم الله گفتن]
to utter the invocation «in the name of God»	۱۲۱	
mobilization	۱۲۹	بسیج
general mobilization	۶۱	بسیج عمومی
simple	۳۷، ۹۲، ۹۵	بسیط
indivisible (whole)	۴۲، ۹۷	
glad tidings	۶۴، ۸۷، ۱۰۳	بشارت
good tidings	۶	

humanity	٤٢، ١١٩	بشریت
mankind	٤٢	
human nature	٢١	
fleshy nature	١٤	
bearer of good tidings	١٠٠	بشیر (قرآنی)
bringer of glad tidings	٨٧	
bearer of glad tidings	٤٤	
announcer	٨٨	
tidings - bearer and warner	٥٢	بشیر و نذیر (قرآنی)
evident proofs; sights	٣١	بصائر (قرآنی)
eye; sight	٨٧	بصر [= چشم] (قرآنی)
act of vision	١١٠	بصر [= بینائی]
The Seer	١٩، ٤٥، ٨٠، ٨٧، ١٠٨	بصیر [البصیر] (اسم الهی)
		(قرآنی)
The All - seeing	٤٢	
The Seeing	١٠٦	
The Clearsighted	٨٠	
The Discerning	٩٩	
insight	٤٢، ١١٩	بصیرت (قرآنی)
sure knowledge	٨٧، ١٠٠	
perception; prudence	٤٢	
spiritual insight	١٠٣	
poor merchandise	٨٧	بضاعت مزجاة (قرآنی)
absurdity; falsity; vanity	٣١	بطالت (اخلد.)
intimate	٨٧، ١٠	بطانة (قرآنی) [= دوست نزدیک و محرم]
putty	٧٨	بطانه (معم.)
boastfulness; exulting; insolence;	٣١، ٨٧، ١٢٠	بَطَر (قرآنی)
petulance		

Patriarch	۱۲۵، ۱۲۰، ۳۱	بطریق [= بَطْرَك، بطريرك]
nulity	۸۰، ۶۱، ۳۷	بطلان (فد. منط.)
vanity; falseness	۳۱	
falsity	۱۱	
Ptolemy	۹۹، ۲۶	بطليموس
Ptolemaeus	۳۷	
Badajoz	۱۲۵	بَطْلُوس [= باذاخوث، شهری در
		غرب اسپانیا]
belly -division	۴ - ۸۰	بطن [درقبيله]
sub - tribe	۲۸	
Merch	۳۵	بطن الحوت (نج.)
quickenning of the dead	۱۰۶	بعث (قرآنی) (نیز ← باعث)
resurrection	۴۰، ۸۷	
reinfusion or resurgence	۱۰۴	بعث و نشور
mission	۸۴، ۳۱	بعثت
embassy	۳۱	
dimension	۱۰۶، ۹۵، ۳۲	بُعد
extension	۳۲	
remoteness	۱۰	
farness	۱۱۹	
right ascension	۳۶	بعد (نج.)
postscript [=P.S.]	۱۲۰	بعدالتحریر
Heliopolis	۱۲۵، ۱۲۱	بعلبك [= هلیوپولیس]
exactly; word by word	۳۱	بعینه
prostitution	۱۰۱، ۱۰۰	بغاء (قرآنی)
whoredom	۸۷	
rebels	۴۵، ۴۲	بغات (نیز ← باغی)
oppressers	۴۵	
hatred	۹۰، ۶	بغض (اخل.)

insolence	۱۰۰	بغی (قرآنی)
rebellion	۸۷	
subsistence	۲۱، ۴۵، ۸۰، ۸۹، ۱۱۳	بقا
permanence	۳۴، ۸۰	
existence	۶، ۴۵	
continuance	۲۸، ۱۱۸	
duration	۱۰، ۹۳	
continuity of entity	۱۰۴	بقاء الذات
Hippocrates	۳۷، ۱۰۱	بقراط
The Cow	۸۷، ۸۸، ۱۰۰	بقرة [سوره]
The Heifer	۶۴	
convent	۳۱	بقعه (معمـ)
Sacellum; shrine; turbeh	۷۸	
		بقوت ← بالقوه
remnants; what has escaped the swords	۴۲	بقية السيف
God's remainder	۱۰۰	بقية الله (قرآنی)
weeping; lamentation	۳۱	بكاء [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
weeper	۳۱	بكاء [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
virginity	۱۵	بکارت (فقـ)
immature	۸۷	بکر (قرآنی)
virgin	۳۹	
misfortune	۴	بلاء (قرآنی)
trial	۸۷، ۱۱۳	
affliction	۲۱، ۵۷	
calamity	۲	
woe	۱۰۳	

tribulation	۱۱۰	
nave; palace	۸۰, ۹۹	بلاط
Battle of Poitiers	۸۰	بلاط الشهداء [جنگی بین شارل مارتل و عبدالرحمن غافقی]
irrevocable	۱۵	بلاعزل
exgratia	۶۱	بلاعوض
deliverance	۱۰۰	بلاغ (قرآنی)
message	۸۷	
conveyance	۶۴	
The Message	۴۲	بلاغ [البلاغ. از اسامی قرآن کریم]
rhetorics	۲, ۹۹	بلاغت (ادب.)
eloquence	۸۰	
decorum	۱۲۸	بلاغت کلام
eloquence	۱۲۸	بلاغت متکلم
stylistic form	۹۹	
immediate	۱۱	بلافصل
without how	۸۰	بلاکیف (فل.)
ask not how	۹۳	
without enquiring how	۴۵	
without enquiring how and without making comparison	۴۵	بلاکیف ولا تشبیه
nightingale	۸۰	بلبل (نیز ← مرغ سحر)
The Land	۸۸, ۱۰۰	بلد [سوره]
The City	۸۷	
dead land	۸۷	بلد میت (قرآنی)
municipality	۸۰	بلدیّه
balm	۷۱	بلسان (پز. قدیم)
phlegm; humour; lymph	۷۱, ۱۲۰	بلغم (پز. قدیم)

phlegmatic	۳۷	بلغمی
Bilkis; Queen of Sheba	۳۳.۸۰.۱۲۱.۱۲۵	بلقیس [= ملکه سبا]
puberty	۱۵	بلوغ (نیز ← بالغ)
bricklayer; mason	۱۲۹	بنا
the constellation of the Bear	۳۱	بنات النعش (نج.)
daughter	۱۲۰	بنت [شکل دیگر این کلمه به صورت «ابنت» و جمع آن بنات قرآنی است.]
a two - year - old she camel	۴۲	بنت لبون (فق.)
port; harbour	۳۱. ۱۲۰	بندر
pointing	۷۸	بندکشی (معم.)
tuck pointing	۷۸	بندکشی تزینی (معم.)
submission	۲۱	بندگی
servitude; devotion	۳۱	
slave	۴. ۱۰۳	بنده
servant	۱۰۳	
servant of God	۱۰۳	بنده حق
Banghazi; Benghazi; Bengasi;	۴۳	بنغازی [= برنیک]
Berenice		
Children of Adam	۱۹.۸۷.۱۰۰	بنی آدم (قرآنی)
mankind	۱۸	
Idrisids	۹۹	بنی ادريس
Israelites	۷. ۴۲. ۹۹	بنی اسرائيل (قرآنی)
Children of Israel	۸۷. ۱۰۰. ۱۱۳	
Aghlabids	۴۲	بنی اغلب (نیز ← اغالبه)
Aftasids	۴۲	بنی افطس
Benjamin	۴۲. ۱۲۰	بنیامین
Umayyads	۴۲. ۸۵	بنی امیه
strongly constructed building	۹۹	بنیان مرصوص (قرآنی)

solid structure	۸۷	
Jurhamites	۱۹	بنی جرهم
Hasanids	۴۵	بنی حسن
Husainids	۴۵	بنی حسین
Zayyanids	۴۲	بنی زیان
Abbadids	۴۲، ۱۲۵	بنی عباد
Abbasids	۸۵، ۹۹	بنی عباس
Wadids	پ	بنی عبدالواد
uncle's son (s); cousin(s)	۱۲۰	بنی عم
Children of Esau	۹۹	بنی عیسو
Qahtabah family	۹۹	بنی قحطبه
The Midrarid	۹۹	بنی مدرار
Midyanites	۹۹	بنی مدین
Marinids	پ	بنی مرین
Hashemites; Hasimite	۴۳	بنی هاشم
hemorrhoids; emerods	۳۱، ۱۲۰، ۱۲۳	بواسیر (پز.)
grounds of procedure	۵ - ۸۰	بواعث
		بوالبشر ← ابوالبشر
		بوالعجب ← ابوالعجب
		بوالفضول ← ابوالفضول
		بودجه ← بیت المال
		بوزانتیون ← بیزانس
poetics	۱۲۸	بوطیقا [= بوطیقی؛ فن شعر]
trumpet	۱۲۶	بوق
urination	۲۰	بول (فق.)
urine	۳۱	
endemic	۱۲۹	بومی
beasts; brutes; wild beasts	۳۱	بهائم (نیز ← بهیمه)
brute beasts	۵۶	

calumny	۵۲، ۸۷، ۱۰۰	بهتان (قرآنی)
affront	۹۹	
false accusation	۳۱	
beatitude	۴۶	بهجت (قرآنی)
joy	۸۷	
		بهرام ← مریخ
		به رکوع رفتن ← رکوع
interest	۷۵	بهره [= نزول]
		به سجده رفتن ← سجده؛ سجود
Paradise	۴۰	بهشت (نیز ← جنت)
Heaven	۲۰	
the «Iram» of Shaddad	۱	بهشت شداد
garden of Eden	۲۹	بهشت عدن
Paradisical	۳۱	بهشتی
		به ملکه ← بالملکه
avalanche	۷۴، ۱۲۹	بهمن (جف.)
beast; wild beast; brute	۳۱	بهیمه (نیز ← بهائم)
the beast of the flocks	۱۰۰	بهیمه الانعام (قرآنی)
the beast of cattle	۸۷	
exposition	۴۰، ۱۰۰	بیان (قرآنی)
explanation	۴	علم بیان ← علم بیان
demonstration	۱۰	بیان (کل.)
couplet	۲ - ۲۶	بیت [شعر]
verse; distich	۱۲۸	
line	۸۰	
house	۳۷	بیت [خانه]
House of mourning	۳۷	بیت الاحزان
		بیت الادب ← بیت الخلاء
Common room	۸۰ - ۴	بیت الجماعه

Sacred (Forbidden) House	۲,۸۷,۱۱۳	
House of Sanctity	۵۲	بیت الحرام (قرآنی)
Holy House	۱۰۰	
Temple of Mecca	۳۱	
academy	۸۰ - ۵	بیت الحکمه
toilet; water - closet	۱۲۱	بیت الخلاء
house of Mercy	۶	بیت الرحمه
Ancient House	۸۷,۱۰۰	بیت العتیق (قرآنی)
spider's house	۸۷	بیت العنکبوت (قرآنی)
cobweb	۱۲۶	
Bethlehem; Baytlahm	۴۳	بیت اللحم
House of God	۱۰۴	بیت الله
Muslim public treasury	۲	بیت المال
Treasury of the Muslims	۴	
public treasury	۸۵, ۱۰۳	
state treasury	۴۵	
treasury	۸۰	
populous house	۱۱۳	بیت المعمور (قرآنی)
The House inhabited	۱۰۰	
Frequented temple	۱۸	
inhabited house	۳۸	
immortal mansion	۸۴	
Jerusalem	۲۱	بیت المقدس [= قدس]
passing the night	۳۱, ۱۲۰	بیتوته
unveiled; immodest	۳۱	بی حجاب (فقد)
(spiritual) wakefulness	۱۰۳	بیداری (عرف)
irreligious	۴	بی دین
infidle	۳۱	
irreligiosity	۱۳	بی دینی

banner	۲	بیرق
Byzantine	۳۷، ۱۲۵ ←	بیزانس [= بوزانتیون] (نیز ← روم)
Baysan; Beisan; Bet - shan; Bet she'an; Scythopolis	۴۳	بیزره ← بازداري / بازیاری بیسان [بیت شان، سکوتوپولیس]
veterinarian	۱۲۱، ۱۲۳	بیطار (پز.)
veterinary medicine	۵ - ۸۰	بیطره
trafficking	۶، ۱۰۰	بیع (فق.) (قرآنی)
sale	۱۵	
barter	۳۸، ۸۵	
exchange	۸۵	
commerce	۴۵	
exchange of obligation for obligation	۸۵	بیع الدین بالدین (فق.)
contract of barter in dates	۸۵	بیع العرایا (فق.)
sale of real property with the right of redemption	۸۵	بیع العهده (فق.)
purchase on credit	۴۵	بیع العینه (فق.)
sale on credit	۸۰	
sale of the air	۸۶	بیع الهواء (فق.)
advanced sale	۶۱	بیع سَلَم (فق.)
conditional sale	۶۱	بیع شرط (فق.)
mortgaging	۱۱۴	
earnest money; down payment	۳۱	بیعانه (فق.)
hand money	۷۵	
church; synagogue	۱۲۱	بیعة [جمع این کلمه به صورت بَیْع در قرآن به کار رفته است] بیعت (نیز ← مبیعه)

allegiance	١٠٩	
swearing allegiance	٣١	
oath of allegiance	٩٩	
homage; covenant	٨٠	
pledge of war	٨٠	بيعت الحرب
pledge of Good pleasure	٨٠ - ٣	بيعت الرضوان
pledge of women	٨٠	بيعت النساء
double sale; a group of devices for evading the prohibition of interest	٨٥	بيعتان في بيع (فقد.)
pay allegiance; swear allegiance	٢ . ٣١	بيعت کردن
secure allegiance	٢	بيعت گرفتن
unconditioned	١٠٣	بی کیف
constable	٦٨	بیگلربیگی
mental hospital	٨٠ - ٥	بیمارخانه
hospital		بیمارستان [= مارستان] (نیز ← دارالشفاء)
insurance	٧٥	بیمه
		بینات ← بینہ
book (form)	پ	بین الدفتین
twilight	٧٤	بین الطلوعین (فقد. نج.)
Mesopotamia	٤٣	بین النهرین (جف.)
The Clear Proof	٨٧	بینہ [سوره]
The Clear Evidence	٧	
The Clear Sign	١٠٠	
evidence	٣١ . ٨٥ . ٨٨	بینہ (فقد.)
clear sign	٦ . ١٠٠ . ١١٢	
evident proof	٣١	
clear proof (of Allah's sovereignty)	٨٧	

۱۰۳ پروکسیمای قنطورس

infinity	۱۲۵	بینهایت (رض.)
without an intermediary	۲۹	بی واسطه
immediate	۱۱	
divisions and workshops	۱۱۴	بیوتات
royal workshops	۸۰ - ۴	
venerated buildings	۹۹	بیوت عظیمه [بیت الحرام، بیت العتیق، بیت المقدس]
		بیوت معظم ← بیوت عظیمه
پ		
priest	۳۱	پادری
		پارا کلتوس ← فارقلیط
		پاراقلیط ← فارقلیط
antidote; antitoxin; bezoarstone	۳۱، ۱۲۵	پادزهر
		پارمنیدس ← برمنیدس
paddle	۱۲۹	پارو
worship	۳۰، ۳۱، ۱۰۹	پرستش (نیز ← عبادت)
service	۳۰	
adore	۶۴	پرستش کردن
compass	۱۲۵	پرگار (هند.)
compasses	۳۱، ۱۲۰، ۱۲۹	
		پرگاموس / پرگاموم ← برغمه
		پروناگوراس ← افروطاغورس
sustainer; Creator	۲	پروردگار
Proxima Centauri	۳۶	پروکسیمای قنطورس (نج.)

		پروکلوس ← برقلس
sieve; riddle	۱۲۹	پرویزن
Pleiades	۲۵	پروین (نجـ) [= ثریا]
pious	۲	پرهیزگار (اخلـ)
God - fearing	۳	
piety	۲۹	پرهیزگاری (نیز ← اتقاء)
austerity	۹۹	
peri	۵۵	پری (نیز ← جن)
fairy	۵۲	
appellee	۶۱	پژوهشخوانده [= مستأنف علیه] (حقـ)
appellant	۶۱	پژوهشخواه [= مستأنف] (حقـ)
adoption	۱۲۰	پسرخواندگی (نیز ← تبنی)
adopted son	۱۲۰	پسرخوانده (فقـ)
Saint Peter the Apostle	۴۳، ۱۲۵	پطرس رسول [پطرس حواری]
Peter the disciple	۸۴	
bridge	۱۲۵، ۱۲۹	پل (معمـ)
bridging	۷۸	پُلبندی (معمـ)
bridge building	۱۲۹	پل سازی
Sirat (the bridge over Hell leading to Paradise)	۶	پل صراط
the five holy Ones	۳۱	پنج تن پاک
weft	۱۱۵	پود [مقـ تار]
parchment; vellum	۱۱۶	پوست (جلـ)
prophet	۸	پولس ← پطرس رسول
apostle	۳۰	پیامبر
Holy Prophet	۴۱	پیامبر اکرم [غالباً کنایه از پیامبر اسلام (ص)]

		پیامبر اولوالعزم ← اولوالعزم
		پیتاگوراس ← فیثاغورث
master	۴۵	پیر (تص.)
Sufi master	۵۱	
spiritual director	۲۱، ۸۰	پیر طریقت
Sufi Shaykh	۴	
spiritual guide	۲۵	
perfect spiritual director	۸۰	پیر کامل
Keeper of the tavern	۴	پیر مغان (قص.)
Wise Magi	۵۸	
Aged Magian	۵۵	
Joseph's Coat	۴۳	پیراهن یوسف (قص.)
follow	۶	پیروی کردن
anticum	۷۸	پیشخان (معم.)
counter; porch	۱۲۹	
tetrastyle	۷۸	پیشخان چهارستونی (معم.)
loggia	۷۸	پیشخان ستوندار
heptastyle	۷۸	پیشخان هفت ستونی
prayer - leader	۶۸	پیش نماز (فق.)
leader in prayer; chaplain	۳۱	
prophet	۴	پیغمبر
the Prophet of Islam		پیغمبر اسلام (ص)
		پیغمبر اولوالعزم ← اولوالعزم
Last Prophet	۴	پیغمبر خاتم
image	۱۲۹	پیکر
sculptor	۱۲۹	پیکر تراش
sculpture	۱۱۵، ۱۲۹	پیکر تراشی
sculpture	۱۲۹	پیکر سازی [= پیکره سازی]
		پیمان ← عهد، تعاهد، معاهده، بیعت

ت

repentant	۶۴، ۱۲۰	تائب (نیز ← توبه؛ تواب)
penitent	۱۴، ۱۲۰	
followers	۸۴، ۱۰۶	تابعون / تابعین
successors	۸۰	
immediate successors	۹۳	
men of the second generation	۹۹	
disciples of the companions	۱	
Ark; Coffin	۶۴، ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۰	تابوت (قرآنی)
Ark of the Covenant	۹۹، ۱۱۵	تابوت عهد (نیز ← سکینه)
		تاج الملوك ← اقونیطون
merchant	۳۱	تاجر
felon - wort	۳۱، ۱۲۰	تاجریزی (گیا، پز.)
wrap	۱۱۵	تار [مقد. بود]
texture	۷۸	تار و بود
history	۱۱	تاریخ [علم]
era; chronology	۴۵	تاریخ (عهد، دوره)
date	۷۵	
Arab; Arabic	۳۱، ۱۲۰	تازی
lash; whip	۳۱	تازیانه
scourge	۴۵	تازیانه زدن
Canes Venatici	۳۵	تازیها (نجد.)
hall	۷۸، ۱۲۹	تالار (معم.)
Salle	۱۲۹	
audience hall	۷۸	تالار بار عام

تأليف ١٠٧

consequent	١٧، ٩٤، ٩٥، ٩٨، ١٠٢، ١٠٤	تألي (منط.)
successor; apodasis; thesis	٩٤	
sorrow	٢٩	تأثر
impression	٩٦، ١٠٦	تأثير
affection; effect	٤٠	
influence	٨١	
efficacy	٨٠ - ٣	
reciprocal causation	١٦	تأثير متقابل
influence and effect	٢٩	تأثير و تأثر
postponement	١٠٤	تأخر
posterity	١٠٥	
posteriority	١١، ١٠٤	
delay	٦١	تأخير
courtesy	٤٥	تأدب (اخلد.)
correction	٦١	تأديب (اخلد.)
transmission; leading to	٤٠	تأديه
annoyance	٦١	تأذي (حق.)
The ninth day of Moharram	١٢٠	تاسوعا
imitation; following	١٢٠	تأسي
establishment; foundation; institution	٣١، ١٢٠	تأسيس
emphasis of praise by apparent censure	٢٦ - ٢	تأكيد المدح بما يشبه الذم (بع.)
I swear by God	١٢٦	تالله
being devout and pious	٣١	تأله
theosophy	٩٣، ١٠٢	
deification	٨٩	
compilation	٦١	تأليف (حق.)
combination	٤٠، ٩٨	تأليف (منط.)
harmony	٤٠	تأليف [در خلق]

harmonious company of creatures	۸۰ - ۴	
compile	۶۱	تألیف کردن
deism; deification	۹۵	تألیه
apotheosis	۲۷	
(putting in) the feminine gender	۳۱، ۱۲۰	تأنیث (دست)
nationalisation	۲۷	تأمیم [= ملی کردن]
analysis	۸۰ - ۴	تأول
interpretation	۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۸	تأویل (قرآنی)
	۲، ۲۳، ۸۰، ۸۷	
allegorical interpretation	۱۰، ۳۷، ۴۵	
esoteric exegesis	۱۲	
esoteric interpretation	۳۷	
esoteric commentary	۸۲ - ۴	
hermeneutics	۲۷	
		تأویلات ← تأویل
(God's) support	۵۷، ۸۷	تأیید (قرآنی)
aid	۱۰۳	
Divine aid; God's aid	۱۰۳	تأیید الهی
		تأیید حق ← تأیید الهی
		تأیید خدا ← تأیید الهی
letter of confirmation	۶۳	تأییدیه (حق)
fever	۷۱	تب (پز)
recurrent fever	۱۲۰	تب راجع (پز. قدیم)
acute fever	۷۱	تب شدید (پز. قدیم)
hectic fever; consumption	۱۲۰	تب لازم (پز. قدیم)
chronic fever	۷۱	تب مزمن (پز. قدیم)
quartan fever	۷۱	تب نوبتی چهار روزه (پز. قدیم)
		تب نوبتی سه روزه (پز. قدیم)
tertian fever	۷۱	تب نوبتی سه روزه (پز. قدیم)

semitertian	۷۱	تب نوبتی سه یا چهار روزه
		(پز. قدیم)
intermittent fever	۱۲۰	تب نوبه (پز. قدیم)
Blessed be God	۱۰۰	تبارک الله (قرآنی)
Blessed be Allah	۶۴	
collusion	۶۱	تبانی (حق.)
collude	۶۱	تبانی کردن (حق.)
heterogeneousness	۹۷	تباین
difference	۱۰۲	
particular heterogeneousness	۹۷	تباین جزئی
difference of complete separation	۱۰۲	تباین عزلی
Universal heterogeneousness	۹۷	تباین کلی
difference of attributes	۱۰۲	تباین وصفی
Tibet	۱۹	تبت (جغ.)
		تبت [سوره] ← لهب
evaporation	۱۲۵	تبخیر
(to) change; (to) alter; transfor- mation	۸۷.۹۵.۱۰۰	تبدیل (قرآنی)
conservation; alleviation	۵ - ۸۰	تبدیل [در قرائت]
squandering	۶۴.۸۷.۹۹	تبذیر (اخل.) (قرآنی)
extravagance	۵۷	
wanton	۶۴	
exculpate	۸۷	تبرئه (قرآنی)
acquittal	۶۱	تبرئه (حق.)
exonerate	۱۵	تبرئه کردن
an act of volunteering	۸۱	تبرع
blessing	۳۱.۴۵.۱۰۷	تبرک
benediction	۳۱	
as a blessing; as a sacred relic	۳۱	تبرکاً

dissociate (from)	۸۰ - ۳	تبرى (قرآنى)
disown	۸۷	
exoneration	۶۱	تبرى (حق)
denounce	۴	تبرى جستن
refrigeration	۱۲۹	تبريد
congratulation		تبريك
followers	۴۲	تبع
The follwers of the followers	۴۲	تبع التابعين
(third generation of the Mus-		
lims after the Prophet)		
subordination	۴۲	تبعيت
banishment	۶۱	تبعيد
banish	۶۱	تبعيد کردن
refutation	۱۲۸	تبكيت (منط.)
deliver propagation	۴۲، ۸۷، ۱۰۰	تبليغ (قرآنى)
propaganda	۲۷	
propaganda	۱۲۵	تبليغات
adoption	۳۸	تبني [= پسر خواندگى]
exposition; explanation	۶، ۸۷	تبيان (قرآنى)
clear explanation	۱۰۹	
illustrating; explaining	۳۱	تبين [مشتقات اين مصدر در قرآن مجيد به كار رفته است.]
explanation	۱۱	
succession	۴۴	تابع
concatenation	۸۰ - ۵	
succession in series	۳۲	تالى [توالى]
succession	۹۵	
supplement	۱۲۱	تتمه
complement	۱۲۳	

fixation	۹۵	تثبیت (قرآنی)
strengthening	۸۷	
proof	۴۰	
threefoldness	۱۰۴	تثلیث (کل.)
Trinity	۲۹	
Triplicity	۹۶	
Trichotomy	۹۴	
trisection	۱۲۵	تثلیث زاویه (رض.)
Trinitarianism	۱۱	تثلیث گرایی
Trinitarian	۱۱	تثلیثی
dual (referring to two persons)	۱۵	تشبیه (دس.)
repeating the phrase: «prayer is better than sleep»	۴۲	تثویب [الصلوة خیر من النوم] (فق.)
inter - attraction	۴۲، ۹۵	تجاذب
trade	۷۵، ۸۷	تجارت (اقد.) (قرآنی)
commerce	۸۰ - ۵	
		تجارت پایاپای ← تهاتر
mercantile establishment	۷۵	تجارتخانه
impertinence; presumption	۲۵	تجاسر
(to) forsake; being separated; not touching; distant	۳۱، ۸۷	تجافی (قرآنی)
aporia or «the doubtful»	۲۶	تجاهل العارف (بع.)
epiplexis; epitimesis; rhetorical question	۱۲۸	
feign ignorance	۶۱	تجاهل کردن (حق.)
renewal	۵۶، ۱۰۲	تجدّد
modernity	۵۶	
production	۱۰۴	
modernist	۴۲	تجدّد خواه

immateriality	۱۱	تجرّد (فلـ)
separation	۵۶	
abstraction; isolation	۴۲	
celibacy	۴۲	تجرّد [عدم تأهل]
drinking by draughts; sipping	۳۱، ۱۲۰	تجرّع (قرآنی)
abstraction	۱۱، ۴۵، ۹۴، ۹۵	تجرید (فلـ)
detachment (from the world)	۲۱، ۹۰	
catharsis	۵۸، ۸۲ - ۴	
disassociation	۱۴	
stripping the essence	۶۹	تجرید ذات
partition	۴۵	تجزّء
division	۴۲	تجزّی
analysis	۱۱	تجزیه
division	۱۰۸	
re - incarnation; Incarnation	۱۱	تجسّد
inquisitiveness; spying; espionage	۱۶، ۸۷، ۱۰۰، ۱۲۱	تجسّس (قرآنی)
embodiment	۱۳	تجسّم
corporealization	۷۹	
embodiment of deeds	۱	تجسّم اعمال
incarnation	۴۲	تجسیم
anthropomorphism	۴۵	
humanization of God	۳۷	
manifestation	۴۲، ۸۰، ۱۱۳	تجلّی (قرآنی)
revelation	۲۸، ۸۷، ۹۰، ۹۹	
self-manifestation	۵۶، ۸۹، ۹۶، ۱۰۲	
theophany	۴۲، ۸۰، ۱۰۲	
epiphany	۳۴، ۹۶	
self - unveiling	۹۶	
binding; book binding	۱۲۰	تجلید (جلـ)

emanate	۵۶	تجلی کردن
luxury	۹۹	تجمل پرستی (اخل.)
amphibology	۲۶ - ۱	تجنیس (بع.)
complete homonymy; complete word - play	۲۶ - ۲	تجنیس تام (بع.)
redundant word - play	۲۶ - ۲	تجنیس زائد (بع.)
consubstantiation	۸۰ - ۴	تَجَوُّهْر (نیز ← جوهر)
recitation; vocalisation	۴۵	تجوید
art of reciting the Quran	۳۷	
authorization	۶۱	تجویز (حق.) نیز ← مجوز
furnishing	۱۲۰	تجهیز (قرآنی)
equipping	۱۰۰	
mutual jealousy	۹۹	تَحَاسُّد (نیز ← حسد؛ منافسه، تنافس)
taking dispute to	۱۰۰	تَحَاكُم [محاكمه بردن به نزد کسی] (قرآنی) (نیز ← تحکیم، محاكمه)
under arrest	۶۱	تحت الحفظ (حق.)
protected state; protectorate	۷۴، ۱۲۵	تحت الحمايه
a fold of turban passed under the chin	۱۲۰	تحت الحنك
literal	۱۲۰	تحت اللفظی
subcontrary	۱۱	تحت تضاد
dependant	۷۷	تحت تکفل
challenge	۳۱، ۸۰ - ۳	تحدی
advance challenge	۹۹	
relating tradition (s)	۱۲۲	تحدیث [= نقل حدیث] (نیز ← حدیث، محدث) (حد.)
limitation	۱۲، ۹۵	تحدید
delimitation	۷۹	

defining logically	۳۱	
delimit	۶۱	تحدید حدود کردن (حق).
warning, beware	۱۰۰, ۱۲۱	تحذیر (قرآنی)
inquiry; investigation; to seek; to pursue	۱۲۳	تحرّی (قرآنی)
set free a slave	۱۰۰	تحریر رقبه (قرآنی) = آزاد کردن بنده (نیز ← آزاد کردن بنده; اعتاق)
urge on	۸۷, ۱۰۰	تحریض (قرآنی)
change	۸۷	تحریف (قرآنی)
alter	۷	
corruption of a scripture	۴۲	
changing of meaning	۶	
alteration; addition and omission	۱۱۳	
falsification	۶۱	تحریف (حق).
pervert	۶۴	تحریف کردن
distort	۴	
anagram	۲۶ - ۱	تحریف و قلب (بع).
prohibition; forbidding	۴۲, ۸۸, ۱۰۰	تحریم (قرآنی)
Banning	۸۷	تحریم [سوره]
The Forbidding	۱۰۰	
Tobacco Ban	۷۳	تحریم تنباکو
saying Allaho - akbar at the beginning of prayer; assumption of a pilgrim's garb	۳۱, ۱۲۰	تحریمه (فق).
tautology	۴۲, ۹۵	تحصیل الحاصل
acquiring what has already been acquired; actualization of what has already been actualized	۱۰۲	

arbitrary	۹۵	تحکمی
arbitration	۴۲	تحکیم [= حَکَم قرار دادن] [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← تحاکم، محاکمه)
to make [someone] judge	۷، ۸۷	
the task of the arbitrators	۸۰	
suppression of anger	۵۷	تحلّم (اخلا.)
swearing in	۱۲۱	تحلیف (نیز ← حلف)
		تحلیق ← حلق
analysis	۴۰، ۹۴، ۱۰۲	تحلیل
analyse	۹۴	
marginal analysis	۷۵	تحلیل نهائی (اقتصاد.)
making (rendering) lawful	۳۱، ۸۷، ۱۲۰	تحلیل (فقه.)
prior Analytics	۱۳	تحلیلات اولی
posterior Analytics	۱۳	تحلیلات ثانیه
reduction	۹۴	تحویل (منط.)
transition to the new year	۱۲۰	تحویل سال
greeting; salutation	۶۴، ۱۰۰، ۱۲۰	تحیّت (قرآنی)
boundaries	۱۰۶	تحیز (نیز ← حیز)
pelt	۱۱۶	تخته پوست (جلد.)
leading into error; charging with error	۳۱، ۱۲۰	تخطئه
mislead; erring; passing beyond	۳۱، ۱۰۷، ۱۲۰	تخطی
lighten; alleviation	۸۷، ۱۰۰	تخفیف (قرآنی)
discount; allowance	۷۵	تخفیف (اقتصاد.)
trade allowance; trade discount	۷۵	تخفیف تجاری
tax abatement	۷۵	تخفیف مالیاتی
pen name (nom de plume)	۳۷، ۸۰، ۱۲۰	تخلص

pseudonym; poetical name; nom de guerre	۸۰	
offence; violation	۸	تخلف
imitating the manner of another	۱۲۰	تخلق
assuming another's manners	۳۱	
permeation	۹۶	تخلل
interference	۸۰ - ۵	
infiltration of non - existence	۱۰۲	تخلل عدم
dissociation; abandonment	۱۶	تخلیه
evacuation of the bowels	۱۲۰	تخلیه امعاء
germ; race	۴۰	تخمه
indigestion	۷۱	تُخَمَه ← تُخَمَه (یز. قدیم) [اصل ۷۱ این کلمه وُخَمَه است. - لسان العرب]
fermentation	۳۱، ۱۲۰	تخمیر
dividing into five parts	۳۱، ۱۲۰	تخمیس (ادب.)
estimation	۶۱	تخمین
intimidation	۶۱	تخويف (قرآنی) (نیز ← ارعاب؛ اخافه)
appal	۸۷	
subaltern	۹۸	تداخل (منط.)
circulation, alternation; currency	۱۲۱، ۱۲۳	تداول
contracting a debt	۷، ۸۷	تداین [وام دادن و گرفتن] (قرآنی)
reflection	۵۶، ۸۷، ۱۰۰	تدبر (قرآنی)
meditation	۱۰۰	
(to) ponder	۸۷	
think over	۹۹	
ponder; think deeply	۶ - ۲	
management	۹۲، ۱۱۱	تدبیر (قرآنی)

(to) direct	۸۷	
prudence	۲۹	
governance; control	۱۱	
administration	۹۹	
forethought	۲۱	
household economy	۶۱	تدبیر منزل
administration of home	۹۹	
guardianship	۹۳	تدبیر (فل.)
liberation (of a slave after his owner's death)	۴۵	تدبیر (فق.)
fumigation	۱۲۰، ۱۲۱	تدخین
smoking	۱۲۱	
hierarchy	۹۵	تدرج [سلسله مراتب]
teaching; instruction; lecturing	۳۱	تدریس
burial	۱۲۰	تدفین (فق.)
concealing defects	۸۰ - ۳	تدلیس (فق.)
epicycle	۱۰۷، ۱۲۵	تدویر (نج.)
rotation	۵۹	
medium recitation	۴۵، ۱۲۱	تدویر [در تجوید]
collection; compilation	۱۲۰	تدوین
ointment	۴۲	تدهین
piety	۵۳، ۱۱۴	تدین
religiosity; godliness	۵۳	
hesitation	۱۲۰	تذبذب [صیغه دیگری از همین کلمه به صورت مذبذبین در قرآن مجید به کار رفته است.]
reminding	۱۱۸	تذکر (قرآنی)
reflect (ion)	۸۷	
reminiscence	۳۴، ۹۵	

recall	۶۹	
recollection	۴۰	
Reminder	۱۰۰	تذکره (قرآنی)
The Exhortation	۴۲	
biographical memoir	۳۱	تذکره (ادب.)
hagiology	۳۷	
memorandum	۸۰ - ۲	
		تذکره شهدا ← شهید شناسی
memorialism	۱۱	تذکره نویسی
(putting in) the masculine gender	۱۲۰	تذکیر (دست.)
illuminating (a manuscript)	۳۱	تذهیب [= تذهیب کاری]
illumination	۱۱۶، ۱۲۹	
appendix	۳۱، ۱۲۰	تذیل
earth	۸۰ - ۴	تراب (قرآنی)
dust	۸۷، ۱۰۴	
		تراث ← ارث
builder's level; level	۱۲۹	تراز بنایی
mutual consent	۸۷	تراضی (قرآنی)
trachoma	۱۲۵	تراخم (پز.)
delay		تراخی [مق. فور، در اصول فقه] پ
		ترازو ← میزان
clavicle	۱۰۰	ترافی (قرآنی)
nightly prayers of Ramadan	۲۱	تراویح (فقه.)
funeral building; soil	۸۰	تربت
the red soil	۸۰ - ۵	تربت الحمراء [گوگرد]
education; raise up; take care	۸۰، ۸۷، ۱۰۰	تربیت (قرآنی)
up - bringing	۱۵	
training	۱۱	
spiritual training	۱۱	تربیت روحانی

educative	٤	تربیتی
quarter of the moon	٧٤	تربیع
quadrature (squaring) of the circle	١٢٥	تربیع دایره
successive order	١٠٢	ترتیب
simple chant	١١٣	ترتیل (قرآنی)
read the Quran in a slow and distinct manner	٢٣	
slow recitation	٤٥	
preponderance	١٠٤	ترجح
preponderance without there being a preponderant	١٠٢	ترجح بلا مرجح
interpreter; translator; dragoman	١٢٣	ترجمان [= مترجم]
translation; interpretation	٣١، ١٢٠	ترجمه
literal translation	١٢٣	ترجمه تحت اللفظی
paraphrase; free translation	١٢٣	ترجمه تفسیری یا آزاد
biography	١٢٠	ترجمه (شرح حال)
preponderance	١٠	ترجیح (کل.)
strophe - poem; refrain	٨٠ - ٤	ترجیع بند (ادب.)
return tie	٢٦ - ٢	
intercessory prayer for the dead	١٢١	ترحیم
Christian	٣١، ١٠٣	ترسا (کل.)
correspondence	٨٠ - ٤	ترسل (ادب.)
epistolary	١٢٨	
inlay	١٢٩	ترصیعکاری (معم.)
canal; channel	١٢٠	ترعه
opulence	١٦	ترف [تمول] [مشتقات دیگر این ریشه یعنی اتراف و مترفین در قرآن مجید به کار رفته است ← مترف]

abstaining	۱۰۸	ترك (قرآنى)
leave	۸۷	
abandonment	۱۰۳	
desistement	۶۱	ترك دعوى (حق.)
renunciation	۶	ترك دنيا [زهادة]
abandon the world; renounce this world	۱۰۳	
renunciation of the world	۸۰ - ۲	
neglect of an Apostolic Custom	۲۱	ترك سنت
abandonment of pleasure	۱۰۳	ترك لذت
breach of duty	۷۵	ترك وظيفه (حق.)
superimposition	۱۰۸	تركب
disclaim	۶۱	ترك دعوى كردن (حق.)
desertion	۶۱	ترك كردن افراد واجب النفقه (حق.)
bequest	۴۲	ترکه (فق.)
estate	۸۵	
composition	۹۲.۹۳.۱۰۲.۱۰۴.۱۰۵.۱۰۸	تركيب
synthesis	۱۱.۹۵	
combination	۴۰	
composition by way of unification	۱۰۲	تركيب اتحادى (منط.)
truth functional compound	۹۴	تركيب ارزشى (منط.)
composition by way of annexation	۱۰۲	تركيب انضمامى (منط.)
limitative sentence	۹۷	تركيب تقييدى (منط.)
real composition	۱۰۲	تركيب حقيقى (منط.)
informative sentence	۹۷	تركيب خبرى (منط.)
conjunction	۹۴	تركيب عطفى (منط.)
disjunction; alternation	۹۴	تركيب فصلى (منط.)
composit - tie	۲۶ - ۲. ۱۲۸	تركيب بند [از انواع شعر]

cartouche	۷۸	ترنجی (هند.)
medallion	۷۸	ترنجی (معم.)
moistening	۳۱ - ۸۰	ترویه [در حج] (فق.)
theriaca; treacle	۷۱، ۸۹	تریاق [پز. قدیم] [پادزهر]
antidote	۸۹، ۱۲۱	
opium	۳۱	تریاک [= افیون]
purification; purify	۴۲، ۸۷	تریپولیس ← طرابلس شام
purity	۱۰۴، ۱۶	تزکیه (قرآنی)
refinement	۵۷	
catharsis	۱۱	
refinement of the soul	۵۷	تزکیه روح
purification of soul	۴۲	تزکیه نفس
Purity of soul	۱۶	
self - righteousness	۴۴	
sanctify	۶۴	
take provision	۱۰۰	تزود [زاد و توشه برگرفتن]
make provision	۷، ۸	(قرآنی)
decoration	۱۱۵، ۱۲۹	تزین (هند.)
tooling; tool work	۱۱۶	تزین جلد
meshwork	۱۱۶	
toleration	۹۵	تسامح
equality	۱۵	تساوی
equivalence	۴۰	
parity of rights	۱۵	تساوی حقوق
indulgence; tolerance	۱۲۱	تساهل
glorifying; praising	۱۰۳، ۱۰۰، ۱۲۹	تسبیح [= تنزیه] (قرآنی)
glorification	۹، ۱۰۳	

rosary	۴۲	تسبیح [= سبحة]
hymns; anthems	۳۱	تسبیحات
give glory	۱۰۰	تسبیح کردن
extol	۲	
glorify	۲۲	
		تسبیح گفتن ← تسبیح کردن
internal rhyme	۱۲۸	تسجیع (بع، عر.)
leading	۵۷	تسدید
extension	۴۴	تسری
setting free	۱۵، ۱۰۰	تسریح (قرآنی)
setting free kindly	۱۵	تسریح باحسان (قرآنی)
clearing	۱۲۹	تسطیح
pricing; price fixing; estimation	۱۲۱، ۱۲۳	تسعیر
endless chain	۱۰۶	تسلسل (فل.)
infinite regress	۱۱، ۱۰۲	
infinite series (back wards)	۱۱، ۴۵	
(interminable) chain	۹۷	
infinite regression	۱۱۰	
condolence; consolation	۴۲	تسلیت
condole	۳	تسلیت گفتن
nomination	۶۳	تسمیه
denomination	۹۵	
giving a name	۳۸	
Sunnism	۱۱	تسنن (نیز ← اهل سنت)
a fountain in the Paradise	۴۲	تسنیم (قرآنی)
rough draft	۳۱، ۱۲۱	تسوید (نیز ← مسوده)
copying	۱۲۰	
temptation	۱۰۰	تسویل (قرآنی)
beguile	۷، ۸۷	

settle	۷۵	تسویه کردن (ا.ق.)
proportion partition	۷۵	تسهیم به نسبت (رض.)
resemblance	۸۰، ۹۵	تشابه (قرآنی)
similarity	۴۰	
uniformity; identicalness	۱۵	
analogy	۵۶	
consultation	۶۴، ۸۷	تشاور (قرآنی)
exordium	۲۶، ۸۰	تشبیب (ادب.)
resemblance	۲۲	تشبیه (ادب.)
assimilation	۸۰، ۳۴، ۱۰۲	
assimilating	۴۵	
anthropomorphism	۴۲، ۴۵، ۹۵، ۸۰، ۱۰۹، ۹۹	تشبیه [مق. تنزیه] (کل.)
anthropomorphist theodicy	۸۰	
simile	۸۰-۴، ۲۶، ۱۲۸	تشبیه (بع.)
implicit simile	۲۶-۲	تشبیه اضممار (بع.)
emphatic simile	۲۶-۲	تشبیه تأکید (بع.)
equivalent simile	۲۶-۲	تشبیه تسویه (بع.)
comparative simile	۲۶-۲	تشبیه تفضیل (بع.)
antithetical simile	۲۶-۲	تشبیه عکس (بع.)
metaphorical simile	۲۶-۲	تشبیه کنایه (بع.)
shortened simile	۸۰-۴	تشبیه محذوف (بع.)
antapodosis; redditio contraria	۱۲۸	تشبیه مرکب (بع.)
conditional simile	۲۶-۲	تشبیه مشروط (بع.)
absolute simile	۲۶-۲	تشبیه مطلق (بع.)
individuation	۵۶، ۱۰۲	تشخیص (فل.)
germination	۱۲۸	تشدید (دست. تجو.)
embrace Islam	۴۲	تشرف به اسلام
anatomy	۱۲۵	تشریح [= کالبدشناسی] (پز.)
divine legislation	۳۷	تشریع

Provision	۱۵	
legislation; law	۸۰	
honouring	۸۰ - ۴	تشریف
protocol of honour	۱	
ceremonial	۸۰ - ۲	تشریفات
		تشریق ← ایام التشریق
florally decorated borders	۱۱۶	تشعیر [حواشی مزین] (جلد.)
gradation	۱۰۲	تشکک (فلد.)
analogicity; analogical gradation	۱۰۲	تشکیک (فلد.)
analogy	۱۰۸	تشکیک الواقع
convulsion	۷۱	تشنج (پز.)
fit	۲۹	
the act of testifying the unity of God	۵۳	تشهد
testimony; an act in the daily prayers	۴۲	
making profession of faith	۲۱	
Shi'ism; Shi'ite Islam	۴	تشیع
moderate Shi'ism	۸۲ - ۵	تشیع حسن
following a funeral	۳۱	تشیع جنازه
escorting a funeral; obsequies	۴۲	
funeral procession	۱۸	
progression	۳۶	تصاعد
arithmetic progression	۳۶	تصاعد حسابی
geometric progression	۳۶	تصاعد هندسی
shaking hands	۳۱	تصافح [= مصافحه]
misreading	۱۲۰	تصحیف
almsgiving; sacrifice	۱۲۰	تصدق
assent	۴۰، ۸۰، ۹۳، ۹۵	تصدیق
declaration	۹۷	
affirmation	۶	

judgement	۱۰۲	
assertion	۱۰۶	
acknowledgement	۶۹	تصدیق [مقد. تصوّر]
attestation	۶۱	تصدیق امضاء (حق.)
prejudgement	۱۱	تصدیق بلا تصور [پیشداوری]
affirm; confirm the truth	۶	تصدیق کردن
domination	۷۹	تصرف
personal initiative	۲۱	
morphology; philology	۸۰	تصرف (دس.)
etymology	۵۶	
conjugation	۱۲۸	تصرف بزرگ (دس.)
Divine disposition	۱۰۳	تصرف خدا
inflection; declension	۱۲۸	تصرف کوچک
sublimation	۹۵، ۹۹	تصعید
vaporisation	۸۰ - ۴	
putting (a noun) into the diminutive form	۳۱	تصغیر (دس.)
diminution	۱۲۰، ۱۲۸	
examination; scrutinization	۱۲۱	تصفح
purification	۴۲	تصفیه (تص.)
winding up	۷۵	تصفیه (اق.)
crucify (ing)	۷، ۸۷	تصلیب (قرآنی)] = صلیب
		کشیدن، دارزدن]
literary composition	۳۱	تصنیف
classification	۹۵	تصنیف [طبقه بندی]
apprehension	۹۷	تصوّر
conception	۹۵	
conceiving	۱۰۸	
imagination	۱۰۳	

notion	۱۱	
concept	۶۹	
intellective apprehension	۹۷	تصوّر ذهنیه
apprehension in mind	۹۷	تصوّر فی النفس
notional	۱۱	تصوّر
imaginative	۱۲۰	
Sufism	۴۸ . ۴۲ . ۹۹	تصوّف (نیز ← عرفان)
mysticism	۴۲ . ۹۵ . ۸۰	
Islamic mysticism	۴۸	
approbation	۱۵	تصویب
approval	۱۲۰	
picture	۱۲۹	تصویر
contrast	۱۵ . ۹۵	تضاد
contradiction	۱۶	
contrariness; contrariety	۱۱	
contrary	۹۸	تضاد (منط.)
doubling; multiplying	۱۲۱	تضاعف
contents; text; folds; space between the lines	۱۲۱	تضاعف
solidarity	۹۵ . ۱۲۱	تضامن
Standing surety for each other	۶۱	تضامن (حق.)
correlation	۱۱ . ۹۵	تضایف (فل. منط.)
mutual correlation	۱۰۲	
reduplication	۵۶	
supplication	۵۷	تضرع
to go stray	۱۰۰	تضلیل (قرآنی)
fallacy	۴۰	
implication	۹۷	تضمن
quotation	۸۰ . ۲۶ . ۱۲۸	تضمین [در شعر]

citation	۸۰ - ۴	
tallying	۱۰۶	
comparing; checking	۱۲۰	تطبیق
reconciliation of account	۷۵	تطبیق حساب (ا.ق.)
an act of volunteering	۸۱، ۱۰۰	تطیف ← مطففین؛ کم فروشی
a voluntary act	۵۳	تطوع (قرآنی)
a work of supererogation	۱۴	
prolixity	۱۰۴	تطویل (بع.)
macrology; macrologia	۱۲۸	
prolongation	۲۳	
cleanse	۸۷، ۱۰۰	تطهیر (قرآنی)
purification	۳۱، ۶	
sanctification	۳۱	
catharsis	۹۵	
sanctify; purify	۶	تطهیر کردن
expurgate	۲۷	
augur evil	۷، ۸۷	تطیر [فال بد زدن] (قرآنی) (نیز ۷، ۸۷)
ill luck	۷	← طائر؛ فال بد زدن
crying for justice	۵۲	
complaining of an injustice	۱۲۰	تظلم
contradiction	۶۹	
contradiction of arguments	۶۹	تعارض
know (ing) one another (each other)	۷، ۸۷، ۱۰۰	تعارض ادله تعارف (قرآنی)
compliment (s); courtesies	۱۲۰	تعارف (در آداب معاشرت)
The Sublime	۶	تعالیٰ (قرآنی) (با فحوای اسم)
be (He) exalted	۷، ۸۷	تعالیٰ (به صورت فعل)

The Exalted (one)	۲۰۸	
The Almighty	۸۰	
God is high exalted	۱۰۰	تعالیٰ اللہ
transcendence	۹۵، ۴۲	تعالیٰ
sublimity	۹۶، ۱۶	
cooperation	۸، ۹۵	تعاون (قرآنی)
help one another	۷، ۸۷	
mutual cooperation	۹۹	
mutual agreement	۱۲۰	تعاهد (نیز ← عہد؛ معاہدہ)
confederation	۳۱	
devotion; cultivating devotional feelings	۳۱	تعبد
acts of worship	۸۱	
service of God	۸۰ - ۴	
interpretation	۲۲، ۹۴، ۸۰	تعبیر
expression	۹۵	
oneiromancy	۵۹	
interpretation of dreams (visions)	۸۰ - ۵	تعبیر الرؤیا
polygamy	۴۲	تعدد زوجات (فقہ)
polygyny	۱۵	
transgression	۸۰	تعدی (قرآنی)
aggression	۱۰۰	
transgressing	۳۱	
fault; illicit act; tort	۸۵	
excessive use	۶۱	تعدی (حقہ)
transgress	۶۴	تعدی کردن
adjustment	۹۹	تعدیل
equation of time	۷۴	تعدیل زمان (جغہ)
adjustment and tabulation	۹۹	تعدیل و تقویم [ہیئت]

adjust	۶۱	تعديل کردن
agonizing	۴	تعذيب (نيز ← عذاب)
punishing	۳۱	
tariff	۱۲۰، ۱۲۹	تعرفه (ا.ق.)
transpiration	۱۲۹	تعرق
Arabicizing; translation into Arabic	۱۲۰، ۱۲۱	تعريب
allusion	۸۰ - ۴	تعريض
irony	۱۲۸	تعريض (ب.ع.)
definition	۱۷، ۹۵، ۹۷، ۱۰۲، ۱۲۸	تعريف (منط.)
nominal definition	۱۱، ۹۴	تعريف اسمی
ignatum per ignotius	۱۲۸	تعريف المجهول بالمجهول
ostentatious definition	۱۱	تعريف بالاشاره
definition by abstraction	۹۴	تعريف به تجريد
essential definition	۱۱	تعريف به حد
circular definition	۹۴	تعريف دوری
descriptive definition; definition by description	۱۲۸	تعريف به رسم
contextual definition	۹۴	تعريف ضمنی
literal definition	۱۰۲	تعريف لفظی
spiritual nudity	۱۰۸	تعريه (عرف.)
discretionary punishment	۴۷، ۸۵	تعزير (فق.)
discretionary correction	۴۲	
punishment	۳۱، ۴۲	
arbitrary punishment	۸۰	
mournig for the dead	۳۱، ۴۵	تعزیه
passion play (concerning the martyrdom of Shia Imams)	۲۷، ۴۲، ۴۵	
bigotry	۲۸، ۳۱	تعصب

fanaticism	۱۱ . ۹۵ . ۴۲	
zeal	۳۱	
prejudice	۱۱	
religious prejudice	۱۱	تَعَصُّب دینی
religious zeal; religious fanaticism	۴۲	
nullification	۲۱	تعطیل (کل.)
negative theology	۸۰	
agnosticism	۱۰۲	
emptying ; devesting (God of all attributes)	۴۵	
glorification	۵۷ . ۸۷ . ۹۰	تعظیم [مشتقات این مصدر در قرآن مجید به کار رفته است.]
veneration	۳۱	
abstinence	۱۰۰	تَعَفُّف (قرآنی)
chastity	پ	
conceptual	۴۴	تعقلی
obscurity; complication	۱۲۰	تعقید (ادب.)
hyperbaton	۱۲۸	
cacosyntheton; care syntheton; male collocatum	۱۲۸	تعقید لفظی (بع.)
metalepsis; transumptio	۱۲۸	تعقید معنوی (بع.)
connection; attachment	۱۰۸	تَعْلُق
worldly attachment	۱۰۸	تَعْلُق الْکَوْنِیَّه
suspension	۸۶ . ۸۰	تعلیق
gloss; hanging together	۸۰	
probation	۶۱	تعلیق مجازات (حق.)
causal inference	۸۰	تعلیل (فل. کل.)
causal interpretation	۹۳	
causation	۳۱	

argumentation	۱۲۱	
aetiology [= etiology]	۲۶ - ۱	تعلیل (بع.)
education	۴	تعلیم
teaching	۳۰، ۹۵، ۴	
instructing	۶۴	
indoctrination	۱۶	
didactic	۱۳	تعلیمی
rational laboring	۱۰۲	تعمّل (ذهنی)
putting on a turban	۳۱	تعمّم [= عمامه بستن]
generalization	۱۱، ۹۵، ۱۲۰	تعمیم
amulet ; charm	۳۸	تغویذ
substitution	۹۴	تعویض (منط.)
engagement	۳۱	تعهد (نیز ← تعاهد؛ معاهده)
individuation	۱۰۸	تعیّن (فل.) (نیز ← لاتعیّن)
determination	۱۱، ۴۶، ۹۵، ۱۰۲	
determinateness	۱۱	
specification	۱۱۸	
eternal specification	۱۱۸	تعیّن سرمدی
phenomenalization	۳۴	تعیّن (عرف.)
determination	۱۱	تعیین
appointment	۱۲۰	
assignment; specifying	۳۱	
identification	۶۱	تعیین هویت (حق.)
Mutual Fraud	۸۸، ۱۰۰	تغابن [سوره]
Mutual Disillusion	۸۷	
Loss and Gain	۷	
Defrauding; Mutual Deception	۳۱	
banishment	۳۸	تغریب [تبعید]
erotic poetry	۸۰ - ۳	تغزل (ادب.)

musical chanting	۱۱۳	تغنی
boasting	۱۰۰	تفاخر (قرآنی)
boast	۳۱	
difference	۱۲۹	تفاضل (رضد.)
divination	۳۷	تفال (نیز ← فال؛ تطیر)
bibliomancy	۱۲۰	
augury	۳۱، ۱۲۰	
bibliomancy	۱۲۰	
investigation	۸۰ - ۵	تفتیش
inquisitiveness	پ	
persecution of beliefs	۸	تفتیش عقاید
inquisition	پ	
pronouncing (a letter) full or open	۳۱	تفخیم (مقد. اماله)
isolation	۱۲۰	تفرد (عرف..)
singularity	۳۱، ۱۲۰	
separation	۹۰	تفرقه
division; disunity	۲	
dispersion	۲۱	
schism	۴	
parting	۲۸	
separation	۲۱، ۹۰	تفرید (عرف..)
individualization	۱۱	
aloneness	۵۸	
leading a solitary life; retiring	۳۱	
neglect	۷، ۶۹	تفریط (قرآنی) (نیز ← فرط؛ افراط)
defect	۳۴	
ramification	۱۰۸	تفریع
dispersion	۴۵، ۸۰ - ۵	تفریق (قرآنی)
dividing	۱۰۰	

تفکر ۱۳۳

dissolution of a marriage	۸۵	
subtraction	۱۲۵	تفریق (رض.) [= منها کردن]
explanation	۲۲، ۴۲، ۴۵، ۲۶	تفسیر (قرآنی)
exposition	۱۰۰	
commentary	۳۱، ۴۲، ۴۵	
interpretation	۳۱، ۹۹، ۱۱۳	
(Quranic) commentary	۸۲ - ۴	
exegesis	۴۲، ۳۷	
explication	۹۵	
interpretation of Qur'an by personal opinion	۲۳	تفسیر به رأی
patent explanation	۲۶ - ۲	تفسیر جلی (بع.)
latent explanation	۲۶ - ۲	تفسیر خفی (بع.)
interpretive	۱۱	تفسیری
calling one profligate	۳۱	تفسيق [نسبت فسق به کسی دادن]
detailed specification	۸۱	تفصیل (قرآنی)
distinguishing	۱۰۰	
details of the theory	۱۰۴	تفصیل المذهب
excellence	۷	تفضیل (قرآنی)
respective merits; hierarchical order	۸۰	
prefering	۱۰۰	
review	۱۰۰	تفقد (قرآنی)
(to) become learned	۱۰۰	تفقه (قرآنی)
(to) obtain understanding	۸۷	
meditation	۵۸، ۸۲	تفکر (قرآنی)
contemplation	۴۲	
thinking	۱۱	
cogitation	۱۰۶	

philosophize	۴۶	تفلسف
philodoxy	۹۵	تفلسف کاذب [فلسفه پردازی، فلسفه بافی]
entrusting	۱۰۰	تفویض (قرآنی)
submission; renunciation	۹۰	
consigning; confining	۳۱	
surrender; resignation	۴۲	
handing over	۶۱	
delegation (of authority)	۷۷	تفویض اختیار (حق.)
delegation of powers	۶۳	تفویض قدرت (حق.)
delegation of powers by justice	۶۳	تفویض قضائی (حق.)
taking possession reciprocally	۸۵	تقابض (فق.)
opposition	۱۱، ۹۵، ۹۸، ۱۰۲، ۱۲۹	تقابل
antithesis	۱۰۴	
logical opposition	۱۱	تقابل منطقی
convergency	۹۵	تقارب
convergence	۱۲۵	
symmetry	۹۴، ۱۲۹	تقارن (منط.)
retaliation; vengeance	۱۲۰	تقاص [= قصاص]
demand	۷۵	تقاضا
written application	۶۱	تقاضا نامه (حق.)
retirement	۱۲۱	تقاعد
sacredness	۱۱	تقدس
inviolability	۱۵	
priority	۴۲، ۱۰۴، ۱۰۵	تقدم
anteriority	۴۲	
approach	۱۰۷	
God's priority	۱۰۴	تقدم الباری
priority in essence and rank	۱۰۴	تقدم بالذات والرتبه

prognosis	۱۲۰	تقدمة المعرفة (پز)
measuring	۸۷	تقدیر (قرآنی)
ordaining	۱۰۰	
destiny; predestination	۴۲	تقدیر (کل. فل.)
divine pre-ordination	۹۳	
fate	۱۱	
supposition	۱۰۴	
determining the proportions	۸۰	
the Decree of God	۳۸.۱۰۴	تقدیر الله
Predestination of God	۱۰۳	
event	۱۰۴	تقدیر حادث
sanctity	۱۶	تقدیس (قرآنی)
santify	۸۷	
sanctification; canonizing	۴۲	
procession of the equinoxes	۷۴.۳۶.۱۲۵	تقدیم اعتدالین (نج.)
proximity	۶.۷۳	تقرّب
affinity	۹	
striving to draw near	۳۸.۴۲	
seeking admittance	۳۸	
seking to be nearer to God	۱۰۴	تقرّب الی الله
draw nigh to God; gain access (to God)	۱۰۳	تقرّب جستن (به حق تعالی)
establishment	۱۰۸	تقرّر
approximation	۱۰۲. ۱۲۹	تقریب
acknowledgement	۱۱۹	تقریر
assertion	۹۵	
stipulate	۸۱	
account; exposition	۳۱	تقریر [به معنای بازنوشت شرح درسها]

introduction	۲۷	تقریظ
review	۳۱	
eulogy	۱۲۰، ۱۲۱	
commendation	۱۲۰	
division	۱۰۸	تقسیم (رض.)
division in meaning	۱۰۸	تقسیم المعنوی
negligence	۱۱۳	تقصیر
fault	۴	
hair cut	۷	تقصیر (فق.) [یکی از اعمال حج است. حاجی باید موی سر و تن و ناخن خود را کوتاه کند و پس از فراغت از حج جامه خود را بشوید و آن را سفید نماید. فرهنگ معین- اسم فاعل جمع این کلمه به صورت مقصرین در قرآن به کار رفته است.]
shortening, curtailment	۱۲۱	
distillation	۹۹، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۲۹	تقطیر
scansion, scanning	۲۶-۲، ۱۲۸	تقطیع (عر.)
quantitative scansion	۱۲۸	تقطیع عروضی
imitation	۲۷، ۲۹، ۳۱، ۸۶، ۹۵	تقلید (نیز - مقلد؛ مجتهد؛ اجتهاد)
following; imitating	۴۲	
unconditional following	۵۳	
adherence to the exemplary model	۶۸	
following a religious leader	۳۸	
imitation of deceased authorities	۲۷	تقلید از میت
blind imitation	۲۹	تقلید کورکورانه
reincarnation	۹۵	تقمص
legislation	۱۵	تقنین

piety	۴.۱۶.۵۷.۸۷.۹۰.۱۰۴.۱۰۷	تقویٰ (قرآنی)
Godfearing	۱۰۰	
virtue	۴	
reverent (reverential)	۸۰. ۸۲	
abstinence	۳۸	
almanac	۳۶	تقویم [گاہنما؛ گاہشماری]
calendar	۱۲۵	
astronomical table	۸۲ - ۵	
appraisal	۶۱	تقویم [برآورد] (حق.)
being determined	۱۰۲	تقیّد
determination	۱۰۸	
limitation; non- ostentatious ness	۱۱	
precautionary dissimulation	۱۰۹	تقیّہ (کل.)
precautionary concealment (dissembling)	۱۱	
practice dissimulation	۸۰	
concealing of faith	۴۵	
concealment	۵۸	
caution; fear	۴۵	
circumspection	۹۳	
simulation	۸۵	
verbal denial of Islam when in danger of one's life	۱۱۲	
determination	۱۰۲	تقیید
Rivalry	۱۰۰. ۸۸	تکائر [سورہ]
Rivalry in Worldly Increase	۸۷	
Multiplication of Wealth and Children	۷	
becoming thick or dense; density	۳۲	تکائف
condensation	۸۰-۳	تکائف (فل.)

reciprocal responsibility	۵-۲	تکافل
mutual social responsibility	۲۷	تکافل اجتماعی
general reciprocal responsibility	۵-۲	تکافل عام
equivalency	۹۵، ۹۸	تکافو (منط.) (نیز ← مکافئه)
equality	۱۲۰	تکامل
integration	۹۵	
development	۱۱	
perfection	۱۲۱	
spiritual development	۱۱	تکامل روحانی
intellectual evolution	۱۱	تکامل عقلی
pride	۷، ۱۰۳	تکبر (قرآنی)
arrogance	۲۱	
vainglory	۱۸	
proclaim His greatness	۷	تکبیر (قرآنی)
magnifying	۷، ۱۰۰	
saying «Allahu Akbar»	ب	تکبیر گفتن (افق.)
inaugural phrase «God is Great»	۲۷	تکبیرة الاحرام (فق.)
mendacity; begging	۱۲۰	تکدی [این کلمه عربی فصیح نیست، و به نظر اغلب فرهنگ‌نویسان از کلمه «گدا»ی فارسی ساخته شده است.]
denial	۸۷، ۸۰-۳	تکذیب (قرآنی)
rebut, refute, deny	۶۱	
cry lies	۱۰۰	
attribute untruth	۶	
honouring	۸۷، ۲۹	تکریم (قرآنی)
defraying	۱۵	تکفل (حق.)
guaranteeing	۶۱	

excommunication	۴۲، ۸۰، ۱۲۵	تکفیر (فق. کل.)
interdiction	۴۲	
anathemisation	۲۷	
shrouding (the dead)	۳۱	تکفین (فق.)
adulation	۵۲	تکلف
speaking	۷، ۸۷	تکلم (قرآنی)
calcination	۲۲۵	تکلیس [عملی در شیمی، حرارت
		دادن زیاد]
obligation	۲۱، ۲۴، ۱۱۳، ۴۲	تکلیف (قرآنی)
impose	۸۷	
charge	۱۰۰	
effort	۹۰	
responsibility	۲۴	
imposition of obligation	۸۱	
religious obligation	۲۱، ۴۲	تکلیف شرعی
speak	۷، ۸۷	تکلیم (قرآنی)
completion; sequel	۸۰	تکمله
supplement	۱۲۱	
generation	۱۲	تکون (فل.)
The Covering up	۷	تکویر [سوره]
The Veiling	۸۸	
The Darkening	۱۰۰	
The Overthrowing	۸۷	
creation	۵۳، ۸۰، ۹۹	تکوین (فل.)
genesis	۴۲، ۹۵	
bringing into being	۱۰۶، ۱۱۳	
bring into existence	۱۱۹	
generation	۹۹	
making to be	۴۵	

making	۹۰	
act of creating	۵۳	
genetic	۴۴	تکوینی
adaptation	۹۵	تکيف
monastery	۴۵	تکيه
qualification	۹۰	تکيف
necessary interrelation	۱۰	تلازم (کلـ)
cohesion	۹۷	تلازم (منطـ)
equipollence; mutual implication	۹۸	
cohesion of hypotheticals	۹۷	تلازم شرطيات (منطـ)
meeting	۷, ۸۷	تلاقی (قرآنی)
reading	۷, ۸۷, ۸۰ - ۴	تلاوت (قرآنی)
chanting the Quran; recital of the Quran	۴۲	
recitation	۶ - ۲	
rehearsing	۶۴	
recite	۶	تلاوت کردن
rehearse	۶۴	
concealment	۲۱	تلبیس
covering; concealing (the truth)	۳۱	
self conceit	۳۴	
guile	۶۱	
standing for orders (in Pilgrimage)	۴۲	تلبیه (فقـ) (نیز ← لبیک)
saying labbaika	۳۱	
compendia	۹۳	تلخیص
epitom	۱۳	
damage; harm; injury	۱۲۳	تلف (فقـ)
pronunciation	۱۲۰	تلفظ
combine the doctrines of more than one school	۸۵	تلفیق

piece to gether	٨٦	
receive	١٠٧، ١٠٨، ١٠٩	تلقى (قرآنى)
inoculation	١٢٥	تلقيح
instructing; a funeral rite	٤٢	تلقين
indoctrination	٢٩	
suggestion	١٢٥، ١٠٦	
allusion	٢٦-٢	تلميح (بع.)
student; pupil; apprentice	١٢٣	تلميذ
alusion; intimation	١٢١	تلويح
intimations	١٣	تلويحات
chang	٦٦	تلوين (تص.)
resemblance	٥٦	تماثل
sharing one species	١٠٢	
analogy	٩٥	
images		تماثيل (قرآنى)
theatre	١٢٩	تماشاخانه
completeness	٩٤، ٤٠	تماميت (منط.)
expressive completeness	٩٤	تماميت بيانى
deductive completeness	٩٤	تماميت قياسى
mutual hindering	١٠	تمانع (كل.)
mutual hinderance	١٠٦	
mutual antagonism	٩٩	
diversity	٩٤	تمايز (منط.)
reaping advantage	٣٨	تمتع (قرآنى) (نيز ← حج اكبر)
enjoy	٧	
enjoyment	٦١	
indulgence	١١٣	
make provision	٧	تمتيع (قرآنى)
provision	٨٧	

image; portrait	۷۸	تمثال (هند.) (نیز ← تماثيل)
example	۹۷	تمثيل (منط.)
analogy	۱۱، ۸۰، ۱۰۸، ۱۲۹	
assimilation of one thing to another	۸۰ - ۵	
allegory	۹۶	
comparison	۱۰۵	
illustration	۳۴	
allegorical	۳۴	تمثیلی
prove	۱۰۰، ۸۷	تمحيص (قرآنی)
purge	۷	
glorifying; the glorification of God	۳۱	تمجید
civilization	۲۹	تمدن
urbanization	۹۹	
civilized life	۶۹	
extention	۶۱	تمدید
prolongation	۶۳	
rebellion	۸۰ - ۳	تمرّد
obstinacy	۶۱	
crocodile	۱۲۶	تمساح
inhabitation	۱۰	تمكّن (كل.)
fixity; steadfastness	۲۱	تمكين (قرآنی)
establish	۷، ۱۰۰	
flattery	۱۲۰	تملق (اخ.)
appropriation	۹۵	تملك (فق.)
giving possession	۶۱	تمليك (حق.)
long for; whining	۷، ۹۷، ۱۰۰	تمنى (قرآنی)
preparation; disposition	۳۱	تمهيد (قرآنی)
adjust affairs	۷	

distinction	۱۰۲	تمیز
discriminate	۶	تمیز دادن
amulet	۱۲۱	تمیسه ← تامسطیوس [بازوبند، تعدید، جمع آن: ۱۲۱ تائم]
power of discrimination	۵ - ۸۰	تمیز
specification; explanation	۶۵	تمیز (دس.)
specification of number	۶۵	تمیز عدد
antinomy	۱۱	تنازع احکام
proportionality	۱۰، ۱۰۲	تناسب (کل.)
relationship	۱۰	
metempsychosis	۲۶، ۴۵، ۹۵، ۹۹، ۱۰۴، ۱۰۸	تناسخ
transmigration	۴۵، ۸۰، ۵۶، ۱۰۴	
reincarnation	۵۶	
correspondence	۴۴، ۹۴	تناظر (منط.)
incompatibility	۹۵	تنافر (هند.)
mutual competition; rivalry	۱۲۱	تنافس (قرآنی) (نیز ← متنافسون؛ ۱۲۱ منافسه)
strive	۸۷، ۱۰۰	
mutual incompatibility	۱۲۱	تنافی (فل. منط.)
contradiction	۹۵، ۹۷، ۱۰۲، ۱۰۵ ۱۶، ۹۴	تناقض (منط.)
contradictory	۹۸	
incoherence	۱۰۴	
incompatibility	۱۵	
self contradiction	۶۱	تناقض گویی (حق.)
finitude	۴۴، ۱۰۴	تَناهی
finitism	۹۵	
finiteness	۱۱	

finitude of body	۱۰۴	تناهی الجسم
tobacco	۱۲۶	تنباکو [به عربی: تبغ؛ و طباق]
earthenware pipe; clay pipe	۱۲۹	تنبوشه
admonition	۲۱، ۳۱	تنبيه
indication	۸۰	
warning	۹۷	
astrology	۱۲۱، ۱۲۵	تنجیم [اخترگونی، نجامت، احکام]
		نجوم که طریقه ای برای غیبگونی بر مبنای اوضاع و حرکات کواکب است. با علم نجوم یا اخترشناسی astronomy اشتباه نشود]
cash	۳۱	تنخواه (اقـ.)
funds	۱۲۰	
sculpture; statue	۷۸	تندیس (هــ.)
figure; image; statue	۱۲۹	
descend	۱۰۸	تنزل (قرآنی)
bring down	۷، ۸۷	
demotion	۷۷	
demotion; downgrading	۷۷	تنزل مقام [= تنزیل مقام]
religious scruple	۸۵	تنزه
revelation	۴۱، ۸۱، ۸۷	تنزیل (قرآنی)
sending down	۸۱، ۸۸، ۱۱۳	
what has been sent down	۸۱	
discount	۷۵	تنزیل (اقـ.)
purification	۱۱، ۲۱، ۸۰	تنزیه
transcendence	۱۰۳، ۵۹، ۴۲	
elevation (of God)	۱۱۳	
incomparability	۷۹	
God's remoteness	۳۴	

deanthropomorphization	١٠	
removal; keeping (God) pure	٤٥	
establishing transcendence of God	٤٢	
absolute removal	٦٩	تنزیه صرف
devotion	٣١	تنسک
devoutness	١٢١	
arranging	٣١	تنسیق
arrangement of attributes	٢٦-٢	تنسیق الصفات (بع.)
symphoresis; synathroesmus;	١٢٨	
accumulatio; congeries;		
heaping figures		
appointment; specify	١٢١	تنصیب (نیز ← منصوص علیه)
prosperity	٣١	تنعم
luxury	٣٨.١٦	
execution	٩٥	تنفیذ
transmitting (an order or letter)	٣١	
authorize	٦١	تنفیذ کردن (حق.)
supererogatory	٤٢	تنفیل [نافله]
checking; (re-) examination;	١٢١	تنقیح
revision; correction		
expurgate	٦١	تنقیح کردن (حق.)
panel work	١٢٩	تنکه سازی (معم.)
Strait of Gibraltar	١٩	تنگه جبل طارق (جغ.)
oven	٨٠. ٨٧	تنور (قرآنی)
kiln	١٢٩	
specification	٩٥	تنوع [تقسیم به انواع]
nunnation	٣١	تنوین (دس.)
The Repentant	٨٠	تَوَاب [التَّوَاب تَوَاب اسم الهی] (قرآنی)

The Repenter	۴۵	
The Relenting	۶۴، ۸۷	
Ever -Relenting	۸۷	
oft- returning	۶۴	
Penitents	۴۲	توَابین [عده ای از شیعه کوفه که چند سالی پس از واقعه کربلا از قصور و تقصیری که در یاری امام حسین (ع) کرده بودند، تائب و پشیمان گشتند... ← دایرة المعارف فارسی]
successive transmission	۸۰، ۵	تواتر (حد.)
unbroken transmission	۱۱۳	
wide scale	۱۰۹	
hyperemotionalism	۴۶	تواجد (تصد.)
inheritance	۲۹، ۴۲	توارث (فقد.)
the law of inheritance	۲۹	نظام توارث.
coincidence	۳۳	توارد (ادب.)
sharing one position	۱۰۲	توازی (فل.)
humility	۵۷، ۹۰	تواضع (اخ.)
modesty	۹۵	
begetting; propagating	۳۱	توالد (نیز ← تولید مثل)
succession	۴۲، ۱۵	توالی
sequence	۹۵، ۱۶	
coherent sequence	۱۶	توالی منطقی
succession	۱۵	توالی نسلی
Repentance	۸۰، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۱۰۳، ۱۱۳	توبه [سوره]
repentance	۷	توبه (نیز ← تائب) (تواب) (قرآنی)
penance	۶۴	
penitence	۳۱	

sincere repentance	۲۱، ۱۰۰	توبهٔ نصوح (قرآنی) = توبهٔ
		نصوحاً]
sincere, unrelapsing penitence	۳۱	
repent	۶، ۱۰۰	توبه کردن
relent	۸۷	
reprimand	۶۱	توبیخ رسمی (حق.)
tobacco	۳۱	توتون
collyrium	۱۸	توتیا (پز.)
salves	۵۲	
tutty	۳۱، ۱۲۰	
consolidation; authentication	۱۲۱	توثیق
authorization	پ	
justification	۱۱	توجیه
unification	۴	توحد
Unity (of God)	۱۶، ۴۵، ۸۰، ۸۲، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱	توحید (کل.)
Divine Unity	۵۷، ۸۰، ۱۰۳، ۱۰۶	
Oneness (of God)	۲، ۹۹، ۱۱۳	
monotheism	۱۶، ۴۱، ۸۰، ۲۳	
unification	۹۰، ۱۰۲	
unitarianism	۳۴	
theism	۲۹	
Unity of Divine Acts	۱۰۲	توحید افعالی
pure monotheism	۲۳	توحید خالص
Unity of the Divine Essence	۱۰۲	توحید ذات
monotheism in belief	۱	توحید علمی
monotheism in deeds	۱	توحید عملی
theistic	۴۴	توحیدی
farewell	۲۵	تودیع
Torah [Pentateuch; Sefer Torah]	۴۲، ۴۳، ۴۵، ۸۰، ۸۷، ۱۰۰	تورات (قرآنی)

Mosaic Law	۱۵	
inflammation; swelling	۱۲۰	تورم (پز.)
inflation	۶۱	تورم (اقد.)
		توروس ← صور (شهر)
		توریه ← ایهام
supplicating; imploring for help	۲۹	توسل
immediate recognition	۱۰۹	توسم [اسم فاعل جمع این کلمه به صورت متوسمین در قرآن به کار رفته است.]
acrostic; mesostich	۱۲۸	توشیح (ادب.)
batten; lath; wood lath	۷۸، ۱۲۹	توفال (معم.)
ceiling batten; stud; roof batten	۱۲۹	
lathing	۷۸، ۱۲۹	توفال کوبی (معم.)
lath	۱۲۹	
success given by God	۲۱	توفیق (قرآنی)
succour	۱۰۰	
Divine aid	۸۰، ۲	
Divine succor	۵۸	
Divine assistance	۵۷	
welfare	۸۷	
grace; favor	۴۲	
subjection to time	۷۹	توقیت (کل.)
signature; seal; decree	۱۲۰	توقيع (نیز ← طغرا)
extent of property	۶۳	توقیف اموال (حق.)
attachment on real estate	۶۳	توقیف اموال غیرمنقول (حق.)
seizure of movable property	۶۳	توقیف اموال منقول (حق.)
trust	۷، ۵۷، ۸۰، ۹۰، ۱۰۳، ۱۱۳	توکل (قرآنی)
confidence	۵۸، ۸۰	
confidence in God; reliance	۴۲	

resignation to (the will of) God	۲۵ . ۸۰	
put trust in (God)	۱۰۰	توکل کردن
rely on (God)	۲	
trust in God	۱۰۳	
generation	۱۰ . ۹۳	تولد (فلد. کلد.)
development	۱۰۴	
		تولد و ← طلبطله
take for friend	۸۷	تولی (قرآنی)
declare one's solidarity with...	۸۰ - ۳	تولیت (فقد.)
trusteeship	۳۱	
custodianship	۶۱	
production	۵ - ۲	تولید (اقد.)
reproduction	۱۱	تولید مثل (نیز ← توالد)
procreation	۲۹	
		تومار ← طومار
misconception	۱۶	توهم
unfounded assumption	۸۳	
supposing	۸۰ - ۳	
affront	۶۱	توهین
sacrilege	۱۲۰	توهین به مقدسات
rib	۱۱۵	تویزه (هند.)
interlacing ribs	۱۱۵	تویزه های درهم رفته (معمد.)
conflict of equivalent testimonies	۸۵	تهاتر (فقد.)
barter	۵ - ۲	تهاتر (اقد.)
compensation; clearing	۶۳	تهاتر (باز.)
clearing - house	۶۳	اتاق تهاتر. (باز.)
incoherence	۵۷	تهافت
keep a vigil; perform the night	۴۵	تهجد (قرآنی) (فقد.)
salat; nightly recitation of the Koran		

spelling ; orthography	۱۲۰	تهجی
intimidation	۶۳	تهدید (حق.)
threat	۱۲۰	
refining	۴، ۱۰۷	تهذیب (اخ.)
refinement	۶۷	
purification	۱۲	
cultivation of morals	۹۳	تهذیب اخلاق
refinement of character	۶۷	
ethics	۶۹	
refining the attributes	۶۹	تهذیب صفات
purification of the carnal soul	۱۲	تهذیب نفس
refine	۴	تهذیب کردن
edify	۲۹	
column base	۱۲۹	تهستون (معم.)
antiphrasis	۱۲۸	تهکم (بع.) [= استعاره تهکمیّه]
destruction	۱۰۰	تَهْلُکَه (قرآنی)
the ejaculation «la ilaha illallah!»	۳۸	تهلیل (لا اله الا الله گفتن)
accusation; charge	۶۱	تهمت (حق.)
counter charge	۶۱	تهمت متقابل (حق.)
denigrate	۱۵	تهمت زدن
congratulation	۳۱، ۱۲۰	تهنیت
rashness; recklessness	۵۷	تهور (اخ.)
nausea	۱۲۰	تهوع (بز.)
beam; mast; joist; post; girder	۱۲۹	تیر (معم.)
		تیراندازی ← رمایه
supporting beam	۱۲۹	تیر حمّال (معم.)
oba	۸۰-۴	تیره [در طبقه بندی ایل]
Ctesiphon	۱۹، ۹۹، ۱۱۵	تیسفون (جغ.)
God's preparing	۸۰-۵	تیسیر (قرآنی)

make easy	۷.۸۷	
passage; commercial building	۱۲۹	تیمچه
dry ablution	۲۰	تیمم (قرآنی) (فق.)
betake to earth	۷	
ablution with sand	۸۰. ۱۱۳	
have recourse to dust	۱۰۰	تیمم کردن (فق.)
make ablution in sand	۱۴	
blessedness	۴۶	تیمن
Tamerlane	۳۷	تیمور لنگ
The Fig	۸۷. ۸۸. ۱۰۰	تین [سوره]

ث

stationary	۱۰۷	ثابت
subsistent	۱۰۲	
affirmed	۵۳	
constant	۹۴	ثابت (منط. رض.)
positive	۸۰	ثابت (فل.)
well-authenticated	۸۳	ثابت (حد.)
self subsistent	۱۰۲	ثابت العین (فل.)
logical constant	۹۴	ثابت منطقی (منط.)
blood - revenge	۱۲۲	ثار [= ثار] (فق.)
Themistius	۱۲۵	ثامسطیوس
stability	۲۹. ۸۰	ثبات
fixity	۱۱	
perseverance	۹۵	

fortitude	۵۷	
registration of documents	۱۲۰	ثبت اسناد
land register	۱۲۹	ثبت املاك
affirmation	۵۳	ثبوت
subsistence	۱۰۳	
positiveness	۱۱	
affirmed	۵۶	ثبوتیه
positive attributes	۴۲	صفات ثبوتیه. (کل.)
Pleiades	۵۲	ثریا (نج.) [= پروین]
broth	۸۰ - ۵	ثرید [= ترید]
Thuban	۳۵	ثعبان (نج.)
		ثعلب (داء الثعلب) ← داء الثعلب
Mesopotamian marches	۸۰	ثغور الجزیره
Syrian marches	۸۰	ثغور الشام [= ثغور شامیه]
penetration of idea	۵۷	ثقافت رأی (اخ.)
gravitation	۱۲۹	ثقل
The Lesser Weight (the people of The House of the Prophet)	۱۱۳	ثقل الاصغر (کنایه از اهل بیت)
The Greater Weight (the Quran)	۱۱۳	ثقل الاکبر (کنایه از قرآن)
Mankind and the jinn [= gennii, fairy]	۳۱	ثقلان [= ثقلین] (قرآنی)
weights	۱۰۰	
graimetry	۷۴	ثقل سنجی (جف.)
trustworthy (person)	۸۰ . ۸۵	ثقه (حد.)
reliable	۴۵	
triliteral [Arabic root]	۲۸	ثلاثی مجرد (دس.)
price	۷.۴۵.۸۰.۸۵.۸۷.۹۵	ثمن (قرآنی)
habitual price of something equivalent	۸ - ۲	ثمن المثل
paltry price	۱۰۰	ثمن بخش (قرآنی)

praise	۴۵ . ۱۰۳	ثنا
eulogy	۲	
eulogium	۳۱	
dualist	۲۱	ثنوی
duality	۱۱	ثنویت (کل.)
dualism	۱۶ . ۴۵ . ۹۵	
reward	۲۳ . ۸۱ . ۸۷ . ۹۰ . ۹۶ . ۱۰۴	ثنویگری ← ثنویت ثواب (قرآنی)
recompence	۲۱	
fixed stars	۳۷	ثوابت (نج.)
recompensate	۲۹	ثواب دادن
Taurus	۳۶ و ۹۹	ثور (نج.)
revolution	۱۲۳	الثورة [= انقلاب]

ج

tyrant; tyrannical; illegitimate	۴۷	جائر
current; allowable; permissible	۴۵	جائز (فق.)
tolerated	۱۱۵	
contingent	۹۷ . ۴۲	جائز (فل. برابر با ممکن)
voidable	۶۱	جائز (مقد. لازم)
fallible	۶۱	جائز الخطا
falsible	۴۴	
possible	۹۸	جائز الوجود (منط.)
Catholicos	۱۲۵	جائلیق [یونانی کاتولیکوس، عنوان رئیس مذهبی در بعضی

کلیساهای شرقی... به قول
بعضی مآخذ اسلامی مقامات
روحانی پایینتر از جائلیق بترتیب
بطرك (بطریق)، مطران، اسقف،
قسيس (کشیش) و شماس بوده
است. دایرةالمعارف فارسی]

جائیه [سوره]

۸۸، ۱۰۰

Hobbling

۸۷

Crouching

۷

The Kneeling

۱۲۹

lamp holder

جاچراغی

جادو ← سحر

roadway

۱۲۹

جاده

attraction; gravity

۱۲۰

جاذبه

polarization

۴

جاذبه و دافعه

neighbour

۷، ۴۲، ۸۷

جار (فق.) (قرآنی)

protected neighbour

۸۸

proclamation

۱۲۰

جار (اعلام همگانی يك خبر)

flowing

۵ - ۸۰

جاری (نیز ← آب جاری)

female slave

۴۲، ۴۵، ۸۰، ۸۵

جاریه (فق.)

slave girl

۴۵

جاسوس

spy

۱۰۳

جالوت (قرآنی)

Goliath

۷، ۴۵، ۸۰، ۸۷، ۱۰۰، ۱۱۲

جالینوس

Galen

۲۶، ۸۰، ۹۹، ۱۰۳

جام جم (قص.)

goblet of Jam (Jamshid)

۱۸، ۵۵

magic cup

۸۰ - ۲

جام جهان نما (قص.)

world - revealing bowl

۵۵

crystal ball

۴۴

جامد (دس.)

primitive

۶۵

solid

۱۲۰

جامد (مق. مایع و گاز)

The Assembler	۸۰	جامع [الجامع] (اسم الہی)
		(غیر قرآنی)
The Assembler of all again at the Last	۴۵	
consistent	۱۰۸	جامع
mosque	۲۵	جامع [مسجد]
connecting link	۹۷	جامع (منط.)
qualified	۸	جامع الشرايط
fully qualified	۶۱	
encyclopedia	۳۱	جامع العلوم
comprising all perfection	۳۱	جامع الكمالات
thalweg	۱۲۹	جامع المياہ
Gatherer of men	۷	جامع الناس (اسم الہی) (قرآنی)
sylogism	۴۰	جامعہ (فل.)
society	۱۱، ۲۷	جامعہ [اجتماع]
community	۴	
sociology	۷۵	جامعہ شناسی
comprehensiveness; totality	۴۴	جامعیت
soul	۳۴، ۹۲، ۱۰۳، ۱۱۱	جان
life ; spirit	۱۰۳	
		جان ← جن
the beloved	۳۴	جانان
self - sacrificing	۴	جان بازی
guard rail; hand rail; parapet;		جان پناہ (معم.)
railing; safety fence	۱۲۹	
give up one's life	۱۰۳	جان دادن (نیز ← احتضار)
yeild (surrender) one's life	۱۰۳	جان سپردن
successor	۴، ۱۰۹	جانشین [خلیفہ]
succession		جانشینی (نیز ← خلافت؛ استخلاف) ۱۲

prayer carpet	۱۱۴	جانماز
prayer - mat	۴۲	
zoomorphic	۱۱۵	جانورنگاری (هند.)
criminal	۶۱	جانی
sinner	۳۱	
eternity	۱۶	جاودانگی
immortality	پ	
eternal	۴	جاودانی
immortal	۲۹	
worldly influence	۲۲	جاه [معرب «گاه» فارسی است. ← فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی]
prominence	۱۴	
dignity, rank	۲۵	
ignorant	۷، ۱۰، ۳، ۶	جاهل (قرآنی)
naive	۱۵	
Pagan	۸۰ - ۳	جاهلی [عرب]
a Pagan Arab	۴۵	
Ignorance; Paganism	۷، ۲۱، ۳۱، ۸۷	جاهلیت (قرآنی)
Age of Ignorance	۷۹	
Pagandom	۱۰۰	
gift, reward	۳۱	جایز ← جائز
prize; present	۱۲۶	جایزالخطا ← جائزالخطا
pit	۷، ۸۷	جایزه
The Almighty	۱۸، ۲۱، ۱۰۳	جُب (قرآنی)
The All-mighty	۱۰۰	جبانر ← جبیره
		جَبَّار [الجَبَّار] (اسم الهی) (قرآنی)

All - compeller	۱۰۰	
The Omnipotent	۴۲	
arrogant	۱۰۰	جَبَّار (قرآنی)
opposer	۷	
potentate	۸۷	
the compeller	۲۹.۵۶	
Orion	۳۶.۱۲۵	جَبَّار (نجم.)
Almightiness	۱۰۳	جَبَّاری
mountains	۷.۸۷	جبال (قرآنی)
coward	۴	جبان (اخ.)
levying (of taxes)	۱۲۱	جَبایت [باج و خراج گرفتن]
collecting tributes	۳۱	
idol (s)	۷.۸۷	جبت (قرآنی)
		جبر (کل.)
compulsion	۱۰.۱۶.۴۵.۸۰.۹۰.۹۱.۱۰۳.۱۰۸	
predestination	۲۱.۴۵	
determinism	۱۶	
predestinarianism	۲۷	
momentum of time	۱۵	جبر زمان
compulsion (suffered by) the vulgar	۱۰۳	جبر عامه
constraint and delegation	۲۴	جبر و تفویض
compulsion and delegation	۱	
algebra	۴۲.۹۵	جبر (رض.)
Gabriel	۲.۴۳.۱۰۰.۱۱۳	جبرائیل [قرآنی: جبریل]
amends	۶۱	جبران (حق.)
compensation	۱۲۰	
make up for the past	۶۱	جبران مافات کردن (حق.)
		جبرئیل ← جبرائیل
grandeur	۲۸	جبروت (کل. عرف.)

All - power; Ruling power	٨٠	
realm (world) of power	١١٣	
omnipotence	٩٠	
sovereignty	١١٨	
splendor of His Power	٧٩	
world of pure intelligences;	١٠٢	
world of spiritual realities		
necessitarian	١٠٣	جبری
determinist; deterministic	٤٤	
irresistible	١٦	
fatalism	٩٥	جبریت
		جبریل ← جبرائیل
		جبریّه
Necessitarians	٣٨	جَبَل (قرآنی)
mountain	٧	
hill	٨٧ . ١٠٠	
Gibraltar	٣٧	جبل طارق
generation	٨٧	جبلّه (قرآنی)
nation	٧	
nature; constitution	٢٥	جبلت (فد. کد.)
disposition	٦٩	
primary disposition	٦٩	جبلت اوّل
Mount Sinai; Mount of Moses	٣٨	جبل موسی [طور]
in borne; innate	١٢٠	جبلّی
cowardice	٤	جبن (اخذ.)
apparel	٢	جبه
robe	١٤	
splint; bandage	٣١ . ١٢١	جبیره (فقد.)
forehead	٧ . ١٢١	جبین (قرآنی)
brow	١٠٠	

front	۴۳ . ۷۴ . ۱۲۹	جبهه (معم.)
face; flank; front view	۱۲۹	
Hell	۴۲	جحیم (قرآنی) (نیز ← جهنم)
Hell - fire	۲۱	
ancestor; grandfather	۱۲۶ . ۶۱	جَدّ
forefather	۶	
great grandfather	۶۱	جداعلی
serious, assiduous action	۸۰ - ۴	جَدّ
disputation	۸۷ . ۱۰۰	جدال (قرآنی)
		جدایی ← طلاق
		جُدّری ← آبله
contention	۷	جدل (قرآنی)
dialectics	۴۰ . ۹۵ . ۹۹	جدل (فل.)
polemicist	۳۷	جدلی
dialectician	۱۱ . ۵۶	
dialectical	۱۰۵	
border stone; curb; kerb	۱۲۹	جدول (معم.)
divination	۸۰	جدول (نج.)
star catalogue	۳۶	جدول ستارگان (نج.)
Jiddah	۱۹	جَدّه [شهر]
grandmother	۳۹	جَدّه [مادر بزرگ]
ancestress	۶۱	
category of state	۴۰	جَدّه (منط.)
Capricorn (us)	۹۹ . ۱۲۵	جَدّی (نج.) [دهمین صورت فلکی در منطقه البروج]
Capricorn	۳۴ . ۹۹	
Polaris	۳۶	جُدّی (نج.) [ستاره ای از صورت فلکی دبّ اصغر]
proselyte; a new convert	۴۲	جدید المذهب

elephantiasis	۵ - ۸۰	جذام (بز.)
leprosy	۱۲۶	
leper	پ	جذامی
attraction	۴	جذب
trance	۴۲، ۴۶	جذبه (تصد.)
ecstasy	۴	
attraction	۴۲	
Divine attraction; mystic trance	۴۲	جذبه الهی
Divine Charisma	۴	
root; square root	۲۸، ۱۲۵	جذر [ارض، ریشه دوم] جذراصم ← اصم جذم ← قبيله جَرَب (بز.)
dry scab	۷۱، ۸۰	
scabies; itch	۱۲۵	
slyness	۵۷	جَرَبَزَه (اخذ.)
deception	۱۲۱	
crane	۱۲۰، ۱۲۹	جَرَأَثْقَال [ابزار]
mechanics	۱۲۰، ۱۲۶	جَرَأَثْقَال [علم]
surgeon	۱۲۰، ۱۲۶	جَرَّاح
surgery	۱۲۰، ۱۲۶	جراحی
root; germ	۱۲۶	جَرثومه
St. George	۲ - ۸۰، ۴۲	جرجیس
wounding and authentication	۴۵	جرح و تعدیل (حد.)
adaption	۶۱	جرح و تعدیل (حق.)
adapt	۶۱	جرح و تعدیل کردن (حق.)
pier	۷۸، ۱۲۹	جَرَز (معم.)
pillar	۱۱۵	
post; buttress	۱۲۹	
bell	۱۲۱	جَرَس

draught	١٠٣	جرعه
		جرکس ← چرکس
body	١٠٤، ٤٠	جرم (نج.)
body of the first sphere	١٠٤	جرم الاقصى
crime	١٢٥، ٨	جرم
felony	٦٣	
applicability	٤١	جری (اصول فقه)
to flow	١	
register	٨٠ - ٤	جریده
newspaper; journal	١٢٠	
reward	٨٧	جزا (قرآنی)
recompense	١٠٠، ٨٠	
sanction (punishment or reward)	٤٢	
apodosis	٩٨	جزا (منط.، دس.)
	١٢٨	
recompense	٦	جزا دادن (نیز ← جبران)
be recompensed	٢	جزا دیدن
vain act	١٠٢	جزاف (فل.)
May God reward thee	٣١	جزاك الله
synthesis; compositio	١٢٨	جزالت (بع.)
Islands of Eternity	١٩	جزایر خالدات (جغ.)
penal	٨	جزایی
part	٨٧	جزء [در قرآن]
part	١١٠، ٨٧، ٩٧، ٩٨، ٨٠، ١١	جزء (منط.)
constituent	٩٢	
element	١١١	
proper subclass; proper subset	٩٤	جزء حقیقی يك مجموعه
		(منط.)
atom; a particle which is indivisible	١٢٥، ٥٤	جزء لا يتجزى (منط.)

integral part	۱۱، ۱۲۹	جزء لاینفک
part and all	۹۷	
		جزء نامتجزی ← جزء لایتجزی
part and whole	۱۱	جزء و کل
subclass; subset	۹۴	جزء یک مجموعه
particular	۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۷، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۱۱	جزئی (منط.)
individual	۱۰۵	
singular	۱۱	
relative particular	۹۷	جزئی اضافی
veritable particular	۹۷	جزئی حقیقی
inclusion	۹۴	جزئیت (منط.)
low tide	۷۴	جزر (جف.) (مق. مدّ)
ebb	۱۲۶	
impatience		جَزَع [فعل این مصدر یا اسم در ۷ قرآن به کار گرفته است.]
	۱۲۱	
anxiety; anguish, fear	۹۶، ۱۱	جزم [جزم اندیشی]
dogma	۱۱	جزمی
dogmatic	۹۶	جزمیت [وثوقیت]
dogma	۹۵	
dogmatism		جزو ← جزء
	۸۷	جَزْوَع (قرآنی)
fretful	۱۰۰	
impatient	۱۲۶	جزیره
island	۴۲	جزیره الخضراء
Algeiras	۱۳	جزیره العرب
Arabia	۸۰	
Arabian Peninsula; «The Island of the Arabs»		
abundant; much	۱۲۶	جزیل

poll - tax	۲۲.۴۵.۸۰.۸۵.۹۹.۱۱۳	جزیه (قرآنی)
tribute	۴۲.۴۵.۸۰.۸۷.۱۰۰.۱۱۲	
capitation	۴۲.۸۰	
undue daring or insolence	۵۷	جسارت (اخذ.)
watchful	۸۰ - ۲	جستاس
body	۷.۸۷.۱۰۳	جسد (قرآنی)
bridge	۵۶	جسر
physique	۷	جسم (قرآنی)
bodily substance	۸۰	
stature		
body	۱۰۰.۸۰.۵۹.۱۰۳.۴۵.۱۰۵.۱۱۹	
physical being	۲۹	
corporeal substance	۷۹	
first body	۱۱	جسم اول (فلد.)
mathematical body	۱۰۲	جسم تعلیمی (فلد.)
earthly body	۱۰۳	جسم خاکی
natural organic body	۱۰۵	جسم طبیعی آلی
subtle body	۲۱	جسم لطیف
material body	۱۱	جسم مادی
finite body	۱۰۴	جسم متناهی
body belonging to the world of similtudes	۱۰۲	جسم مثالی
astral body	۱۱	جسم نجمی
corporeal	۳۱	جسمانی
carnal	۲۲	
corporeality	۱۱	جسمانیت
corporality	۱۰۷	
corporeal pleasures	۸۰ - ۲	جسمیات
materiality	۹۲	جسمیت

corporeality	۸۰، ۱۱۴	
corporeity	۸۰ - ۳	
feast	۳۱	جشن
hire, price, fee	۳۱	جُعَالِه [با حرکات سه گانه جیم]
pay; wages	۱۲۱	
mirror frame; show case	۱۲۹	جعبه آینه
making	۱۰۲	جَعَلَ [مشتقات این مصدر در قرآن به کار رفته است.]
forgery	۱۲	
quiddity being made	۱۰۲	جَعَلَ الْمَهِيَّة
essential making	۱۰۲	جعل بالذات
accidental making	۱۰۲	جعل بالعرض
simple (non-composite) making	۱۰۲	جعل بسیط
composite making	۱۰۲	جعل تألیفی
		جعل ترکیبی ← جعل تألیفی
could I but sacrifice myself for you	۱۲۱	جُعِلْتُ فِدَاكَ [= فدایت گردم، عبارتی که در نامه نگاری قدیم عربی و فارسی به کار می رفت.]
reward for bringing back a fugitive	۱۰۲	جُعِلَ
Slave		
concoct	۶۱	جَعَلَ کردن (حق.)
forged; counterfeit	۱۲۰	جعلی
geography	۷۴	جغرافیا
cruelty	۱۰۳	جفا (خ.)
tyranny	۹۰	
oppression	۲۵	
even number	۴۲	جفت (حس.) [مقد. طاق]
dual	۹۴	جفت (منط.)
science of numerical symbolism	۴۲	جَفَر (علوم غریبه)

divination	۹۹	
esoteric science of letters	۸۲ - ۴	
onomatomancy	۸۰ - ۴	
glaze; glass; varnish	۷۸	جلا (هند.)
dispersal	۱۰۰	جلاء [= جلای وطن] (قرآنی)
veils	۱۰۰	جلایب [= حجاب زنان] (قرآنی)
over- garments	۷	
cloaks	۸۷	
executioner	۱۲۶	جلاد
glazing	۷۸	جلاکاری (هند.)
majesty	۴۲.۴۵.۸۰.۱۱۳	جلال (قرآنی)
glory	۷.۲۲.۸۷	
Divine Majesty and Wrath	۳۴	
splendour	۱۱.۹۰	
apprehension	۶۱	جلب (حق.)
Glory be to His Majesty	۶۶	جلّ جلاله [فقط در مورد خداوند به کار می رود.]
Great be His Glory	۴۲	
His Majesty is Glorified	۶	
cover	۱۲۰	جلد [پوشش سخت یا نرم کتاب]
volume	۱۲۰	جلد [مجلدی از مجلدات يك اثر]
doublure	۱۱۶	جلد اندرونی (جلد.)
stripes	۸۷.۱۰۰	جلدۀ (قرآنی) [تازیانه]
plain	۷۴	جلگه (جف.)
forecourt	۱۲۹	جلو خان (معم.)
vanguard	۳	جلودار
sitting; accession to the throne	۱۲۱	جلوس (تخ.)
manifestation	۴	جلوه (تص.)
unveiling	۱۰۳	

The Majestic

جليل [الجليل] (اسم الهى) ۴۵، ۸۰، ۹۰
(غير قرآنى)

Majestical	۹۶	
Sublime	۴۲، ۹۵	
Exalted	۱۰۳	
Glorious	۹۲	
inanimate thing	۱۰۳	جماد
matter in general	۱۰۴	جماد المطلق
inanimate bodies	۴	جمادات
solid bodies	۱۰۶	
inanimate (thing)	۳۱، ۱۰۳	جمادى
inorganic	۳۱	
copulate	۶۱	جماع
sexual intercourse	۱۲۱	
community	۴۲، ۱۰۶	جماعت (نيز ← نماز جماعت)
society	۹۵	
congregation	۲۳	
The Muslim Community	۴۷	جماعت المسلمين
assembly and prayer hall	۸۰ - ۵	جماعت خانه
beauty	۷، ۴۵، ۸۷، ۹۲، ۹۵، ۱۰۳	جمال (قرآنى)
Divine beauty	۳۴	
the completest beauty	۱۰۴	جمال الاثم
the lasting beauty	۱۰۳	جمال باقى
the beauty of Glorious One	۱۰۳	جمال ذوالجلال
eternal beauty	۱۱	جمال سرمدى
lapidation; pebble	۴۵	جمره (فقه) (نيز ← رمى جمره)
combination; associating; assembling	۸۰ - ۵	جمع [مقه. تفرقه]
carefree	۱۸	جمع [مقه. پریشان]
reuniting	۴۵	

union	۱۱۹, ۸۰, ۲۱	جمع (تص.)
concentration	۹۰, ۲۸	جمع (عرف.)
addition	۹۵	جمع (حس.)
logical sum	۹۵	جمع منطقی
plural	۶۵	جمع (دس.)
plural of a plural	۳۸	جمع الجمع (دس.)
sound feminine plural	۷۰	جمع مؤنث سالم (دس.)
sound masculin plural	۷۰	جمع مذکر سالم (دس.)
broken plural	۷۰	جمع مکسر (دس.)
double plural	۱۲۰	جمع منتهی الجموع
Encyclopedia of Principles	۵ - ۸۰	جمع الاصول
gathering of opposites	۶۶	جمع الاضداد
coincidence of opposites	ب	
The Congregation	۸۷, ۸۸, ۱۰۰	جمعه [نیز نام سوره ای از قرآن] [تلفظ قرآنی و عربی این کلمه به ضم اول و دوم است.]
Friday	۷	
Jumah	۴۳	
concentration	۱۰۸	جمعیت [مقد. پریشانی]
coherence	۵۶	
ease of mind	۲۵	جمعیت خاطر
population	۷۵	جمعیت
working population	۷۵	جمعیت فعال (اقد.)
optimum population	۷۴	جمعیت مطلوب (جف.)
great number; crowd	۱۲۶	جَم غفیر
		جَمَل ← جنگِ جمل
		جُمْل ← حسابِ جُمْل
clause	۱۲۱	جمله (دس.)
sentence; proposition	۶۵	

phrase	۸۰	
declarative sentence		جملہ اخباریہ [= خبریہ]
nominal sentence	۶۵	جملہ اسمیہ
exclamatory sentence	۱۲۱	جملہ انشائیہ
circumstantial clause	۱۲۱	جملہ حالیہ
conditional clause	۱۲۱	جملہ شرطیہ
verbal phrase	۸۰	جملہ فعلیہ
verbal sentence	۶۵	
parenthetical clause	۱۲۱	جملہ معترضہ
inflexibility; conventionalism	۱۵	جمود
inertia	۹۵	
stubbor conservatism	۸۰ - ۴	
mass	۴۲, ۸۰, ۹۹	جمهور
population; generality	۸۰	
public	۹۵	
populace	۱۰۹	
multitude	۱۰۶	
Republic	۸	جمہوری
Islamic Republic of Iran	۸	جمہوری اسلامی ایران
republic	۹۵	جمہوریت
beautiful	۹۶	جمیل (قرآنی)
Jinn; genie	۷, ۸۷, ۸۸, ۱۰۰	جن [سورہ]
Excellency		جناب
major ritual impurity	۴۵, ۸۰	جنابت (فقہ)
nocturnal pollution; ritual impurity	۴۲	
Janabah (sexual pollution)	۲۰	

جنات ← جنت

جنات المأوی ← جنت المأوی

جنات النعیم ← جنت النعیم

		جنات عدن ← جنت عدن؛ عدن.
trellised gardens	۱۰۰	جنات معروشات (قرآنی)
blame	۷	جُنَاح [قرآنی، این کلمه معرب «گناه» فارسی است. ← فرهنگ واژه های فارسی در زبان عربی]
sin	۸۷	
corpse	۴.۴۵.۸۰	جنازه
bier	۳۸.۸۰	
stretcher; funeral	۴۵	
paronomasia	۸۰ - ۵	جناس (بع.)
pun; play upon words	۱۲۸	
word - play	۲۶ - ۲	
scriptory word - play	۲۶ - ۲	جناس خطی
sotadic ; sotadean ; palindrome	۱۲۸	جناس قلب] = جناس
		مقلوب]
compound word - play	۲۶ - ۲	جناس مرکب
partial or lateral word - play	۲۶ - ۲	جناس مطرف
		جناس مقلوب ← جناس قلب
repeated word - play	۲۶ - ۲	جناس مکرر
defective word - play	۲۶ - ۲	جناس ناقص
paradise	۹۶	جنان
crime	۴.۴۲	جنایت (حق. فق.)
felony	۶۱	
offence committed against persons	۴۲	
polluted	۶۴.۸۷	جُنُب (فق.) (قرآنی)
defiled	۱۰۰	
Paradise	۶.۷.۸۷.۱۰۳	جَنَّت (قرآنی) (نیز ← بهشت)
Garden	۴۲.۱۰۰	
Jannah	۵۵	

جَنَّت الخلد (قرآنی) ۳۸، ۱۰۰

Garden of Eternity

جَنَّت الفردوس [فردوس] ۳۸

Garden of Paradise

اصل فارسی و اوستائی دارد و با
الف و لام در قرآن مجید به کار
رفته است. ولی «جنة الفردوس»
به این صورت قرآنی نیست.

جنت المأوی (قرآنی)

۸۰ - ۲

Garden of Retreat

۳۸، ۱۰۰

Garden of Refuge

۷، ۱۰۰

جَنَّت النعیم

Garden of Bliss

۳۸، ۸۰، ۸۷

Garden of Delight

Garden of Eden

جَنَّت عدن [= جنات عدن - ۳۸

در قرآن مجید، ترکیب «جنات
عدن» یازده مرتبه به کار رفته
است، ولی جنة عدن به کار نرفته
است.

جنت محسوسه

۵۶

Sensible Garden

جَنَّت مکان

resting in Paradise

۱۲۰

جُنَّه

offense

۱۲۰

misdemeanor

۱۲۰، ۱۲۱

host

جُنْد (قرآنی) [جمع این کلمه: جنود ۷، ۸۷

نیز کلمه ای قرآنی است]

جند بیدستر (پز، قدیم)

۷۱

castoreum

جنس (منط.)

۴۲، ۸۰، ۹۲، ۹۵، ۹۷، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۱

genus

genre

۴۲، ۸۰، ۹۷

species

۸۰، ۸۱

class

۱۱۰

genus of genera

۴۰

جنس الاجناس

genus generum

۹۷

proximate genus

۵۶، ۱۰۲

جنس القریب

near genus	۹۷	
remote genus	۹۷	جنس بعید
lower genus	۴۲	جنس سافل
high (summum) genus	۹۷	جنس عالی
higher genus	۴۲	
		جنس قریب ← جنس القریب
middle genus	۴۲	جنس متوسط
gender	۱۲۸	جنس (دسـ)
sex gender; natural gender	۱۲۸	جنس حقیقی
neuter gender	۱۲۸	جنس حثی
feminine gender	۱۲۸	جنس مؤنث
grammatical gender	۱۲۸	جنس مجازی
masculine gender	۱۲۸	جنس مذکر
common gender	۱۲۸	جنس مشترك
sexual	۱۲۱	جنسی
fight	۷۳	جنگ
war	۸۷	
battle	۱۲	
the battle of Camel	۱۲	جنگ جمل
the battle of the Ditch	۸۴	جنگ خندق
the war of the Trench	۸۷	
the Sacrilegious War	۸۶	جنگ فجار [از ریشه فجور،
		جنگ‌های بین قبیله‌ای در عصر
		جاهلیت که تا اوایل عصر بعثت
		هم کشیده شد و چون ماه‌های
		حرام را رعایت نمی‌کردند، بدین
		نام خوانده شده است.]
Crusades	۳۷	جنگ‌های صلیبی (نیز ← صلیبیون)
Crusade Wars	۴۲	

exorcist	۱۲۰	جنگیر
south	۳۱	جنوب
hosts	۱۰۰	جنود (قرآنی)
insanity	۵۷، ۹۵، ۹۹	جنون (فق.)
lunacy	۳۱	
madness; mania	۱۲۰	
embryo	۷، ۲۹، ۹۹	جنین (فق.) [جمع این کلمه به صورت اجنه، قرآنی است.]
abortive foetus [= fetus]	۶۱	جنین ساقط شده (حق.)
embryology	۲۶ - ۱	جنین شناسی
air	۱۰۰	جو (قرآنی)
atmosphere	۷۴، ۱۲۵	
generous	۹۰، ۱۰۴	جواد (نیز ← جود)
neighbourhood	۱۱۸، ۱۱۹	جوار
bodily organs	۱۰	جوارح (اندامهای بدن)
parts of body	۶	
members	۷۹	
the beasts and birds of prey	۷، ۸۷	جوارح (حیوانات شکاری، مانند سگ و باز و غیره) (قرآنی)
admissibility	۱۰	جواز (کل.)
permission; lawfulness	۳۱	جواز (فق.)
spies on hearts	۱۰۳	جواسیس ← جاسوس
gallant	۲۵	جواسیس القلوب
chivalry	۱۴	جوانمرد
gem; jewels	۱۲۵	جوانمردی (نیز ← فتوت)
substances	۴۲	جواهر [= گوهرهای زینتی] (نیز ۱۲۵)
primary substances	۴۲	← جوهر، گوهر؛ احجار کریمه
	۴۲	جواهر (فل.)
	۴۲	جواهر اولی (فل.)

secondary substances	٤٢	جواهر ثانيه
mental Substances	٩٧	جواهر عقليه
self subsisting substances	١٠٤	جواهر قائمه بأنفسها
abstract substances	٦٩	جواهر مجردة
generosity	١٠.٨٠.٩٩.١٠٣	جود (اخذ.) (نيز ← جواد)
bounty	٥٢.١٠٣	
liberality	٢١.١٠٨	
benevolence	٤	
providence; munificence	٤٠	
absolute generosity	٩٢	جود محض
absolute bounty	١٠٣	
		جود مطلق ← جود محض
excellence of discernment	٥٧	جودت ذهن (اخذ.)
injustice	٤٠.٨١.٩٩.١٠٣	جور (اخذ. سيد.)
cruelty	١٠٣	
tyranny	١٠٦	
injustice of heaven	١٠٣	جور فلك
Gemini	٣٤.٩٩	جوزاء (نجم.)
mail-coat	٢١	جوشن (نيز ← زره)
coat of mail	٣١.١٢٠	
hunger	٧.٨٠.٨٧.١٠٣.١٠٤	جوع (قرآني)
bulimia; polyphagia	١٢٠	جوع البقر
pica; bulimia	١٢٠	جوع الكلب
starvers	٩٠	جوعيه
substance	١١.٤٢.٤٥.٨٠.١٠٢.١٠٣.١٠٥.١١١	جوهر [مق. عرض]
essence	٤٢.١٠٥.١٠٧.١١٥	
essence of the essences	٤٢	جوهر الجواهر
essence	١٠٧	جوهر الشئ
individual atom	١٠٤	جوهر الفرد

pure atom	۱۰۶	
essence of the effect	۱۰۵	جواهر الموجود
actual substance	۹۲	جواهر بالفعل
simple substance	۱۱	جواهر بسیط
immutable essence	۱۱۵	جواهر ثابت
generic substance	۱۰۲	جواهر جنسی
inhering substance	۱۰۲	جواهر حال
particular substance	۹۲	جواهر خاص
substance of essence	۵۶	جواهر ذات
mental substance	۱۰۲	جواهر ذهنی
spiritual substance	۱۰۴	جواهر روحانی
universal substance; general substance	۹۲	جواهر عام
intelligence substance	۹۲	جواهر عقلی
intellectual substance	۸۰ - ۴	
spiritual substance	۴۲	جواهر غیرمادی
material substance	۱۱، ۱۰۲	جواهر مادی
immaterial substance	۱۱	جواهر مجرد
non - material substance	۱۰۲	
pure entity; essence	۴۲	
locus substance; a substance constituting the locus	۱۰۲	جواهر محل
non - material substance	۱۰۲	جواهر مفارق
distinct substance	۹۲	جواهر مفرد
an atom	۸۰ - ۳	جواهر منفرد
specific substance	۱۰۲	جواهر نوعی
mutational	۱۶	جوهری
jeweller	۱۲۶	جوهری [= گوهری، گوهرشناس، جواهر فروش]

substantiality	۱۱ . ۱۰۲	جوهریت
four cardinal points	۱۲۰	جهات اربعه
six cardinal points	پ	جهات سته
sub - polar points	۷۴	جهات فرعی (جف.)
Holy War	۴۲ . ۴۵ . ۹۹	جهاد (قرآنی)
holy struggle	۴	
holy strife	۵۷	
the lesser warfare	۳۱	جهاد اصغر
outward warfare	۱۰۳	
the greater warfare	۳۱	جهاد اکبر
inner warfare	۱۰۳	
struggle in the way of God	۴۲	جهاد فی سبیل الله
strive	۶۴	جهاد کردن
fight	۶	
dowry	۴ - ۸۰ . ۱۸	جهاز (نیز ← جهیزیه)
wedding trousseau	۳۸	
the ignorant	۹۹	جُهَال
ignorance	۴ . ۸۷	جهالت (قرآنی)
being ignorant	۴۵	
naivety; instability	۱۵	
world; universe	۱۱ . ۱۲۵	جهان
The Creator	۴۲	جهان آفرین
(world-) out look;	۱۱	جهان بینی
world - view	۲۷	
weltanschauung	۹۶	[کلمه آلمانی متداول در زبانهای اروپایی]
Divine unity	۱۶	جهان بینی توحیدی
cosmology	۱۳	جهان شناسی
assayer - money changer	۸۰ - ۴	جَهَنَد [صراف ماهر، نقاد. این کلمه

از «گاه‌بد» فارسی به معنی
خزانه‌دار گرفته شده است و
جمع مکسر عربی آن جهابذه
است.]

direction	۱۱۹، ۱۱۸، ۹۲، ۱۱	جهت (نیز ← جهات)
modality	۹۴، ۱۱	جهت (منط.)
mode	۹۷	
dimension	۱۰۴	
orientation	پ	جهت یابی
raise the voice	۱۲۱	جهر (مق. اخفات، با صدای بلند
		خواندن نماز) (فق.)
ignorance	۴۶، ۹۵، ۱۰۳، ۱۱۸	جهل [مشتقات این ماده در قرآن
		مجید به کار رفته است.]
simple ignorance	۶۹، ۱۲۱	جهل بسیط
compound ignorance	۴۵، ۶۹، ۹۷	جهل مرکب
double ignorance	۱۱ و ۱۲۱	
Gehenna	۸۸، ۱۰۰	جهنم (قرآنی) (نیز ← جحیم)
Hell	۴، ۸۸	
Jew	۴۳	جهود [یهودی] (نیز ← بنی اسرائیل)
Ghetto	۴۳	جهود محله
ignorant	۷، ۱۵	جهول (قرآنی)
foolish	۱۰۰	
dowry	۶۱، ۱۲۱	جهیزیه (نیز ← جهاز)
Oxus	۱۹، ۹۹	جیحون (جف.)
carcase	۳۱، ۳۸	جیفه
mercury	۱۲۵	جیوه [= زیبق، سیماب]
quick silver	۱۲۰	
Pyramus	۱۹، ۴۳	جیهان (جف.)
Ceyhan; Jihun	۴۳	

چ

printing; print	۷۸ . ۱۲۵ . ۱۲۹	چاپ
courier; post; mail	۳۱ . ۱۲۰	چاپار
relay station	۳۱ . ۱۲۰	چاپارخانه
printing house		چاپخانه (نیز ← مطبعه)
flattery	۳۱	چاپلوسی
veil	۴۲	چادر (نیز ← حجاب؛ مقنعه)
nomadism	۱۲۵	چادرنشینی
herald; pursuivant	۳۱	چاووش
well	۱۲۵	چاه
pit; pit well	۱۲۹	
The Well Zamzam	۱۹	چاه زمزم (نیز ← زمزم)
drilling	۱۲۹	چاه زنی
leacking pit; cesspool	۷۸ . ۱۲۹	چاه فاضلاب
soakaway	۱۲۹	
sink hole	۱۲۹	چاهك (معم.)
test hole	۱۲۹	چاه گمانه (معم.)
fascine	۱۲۹	چپر (معم.)
pipe	۱۲۵	چپق
umbrella; parasol	۳۱ . ۱۲۰	چتر
cast iron (C.I).	۱۲۹	چدن
(festive) illumination	۳۱ . ۱۲۰	چراغان
		چراکسه ← چرکس
wheel of heaven; heavenly sphere	۴۰	چرخ
crystalline sphere	۳۴	چرخ اطلس

highest sphere	۱۰۳	چرخ برین
lathe; turner's lathe	۷۸	چرخ خراطی
emery wheel	۱۲۹	چرخ سمباده
fly wheel	۱۲۹	چرخ طیار
cerulean wheel [= heaven, sky]	۵۵	چرخ کبود [کنایه از آسمان]
potter's wheel	۷۸	چرخ کوزه گری
fiery sphere	۱۰۳	چرخ ناری
spinning wheel	۷۸	چرخ نخریسی
Circassians	۱۲۱	چرکس [گروهی از قبایل مسلمان]
		قفقاز شمالی ← دایرة المعارف
		فارسی [
leather	۱۲۵	چرم
perspective	۱۲۹	چشم انداز [= منظر: دورنمای
		سه بعدی]
abrus precatorius	۱۲۵	چشم خروس [= عین الدیک] (پز.)
heart's eye; eye of heart	۱۰۳	چشم دل
evil eye	پ	چشم زخم
outward eye	۱۰۳	چشم ظاهر
fountain	۳۱	چشمه
spring	۱۲۵	
fountain of life	۲۵ . ۵۵	چشمه حیات
		چشمه حیوان ← چشمه حیات
arch	۱۲۹	چفت [= طاق] (معم.)
hasp; notch	۱۲۹	چفت
cheque	۷۵	چک (ا.ق.) [این کلمه به فتح اول و
		فارسی است و معرب آن صک
		است و از فارسی به زبانهای
		اروپائی رفته است.] (نیز ←
		برات: سفته)

candelabrum	۳۳	چلچراغ
a fast of forty days duration	۲۱	چله (تصد.) (نیز ← اربعینات)
Quadragesimal fast	۳۷	
observe forty days' seclusion	۱۴	چله نشستن
		چند خدایی ← شرک
		چند همسری ← تعدد زوجات
polo (- stick)	۱۲۵، ۲ - ۸۰	چوگان
abandon		چهار تکبیر زدن (در معنای کنائی)
The Fourteen Impeccables	۲۷	چهارده معصوم (نیز ← عصمت؛ معصوم)
Fourteen Sinless ones	۱۰۱	
crossway; crossroad	۱۲۹	چهار راه
intersection	۱۲۹	چهارسو [= چهارراه یا فصل مشترک (هندسه)]
junction	۱۲۹	چهارسو [= برخوردگاه]
The Four Elements	۹۲	چهار طبایع [= چهار عنصر؛ عناصر اربعه]
quiddity	۴۰	چیستی (نیز ← ماهیت؛ کیفیت)

ح

eligible; qualified	۷۷	حائز شرایط
menstruating	۴۵	حائض (فقد.)
menstruous woman	۳۸	حائضه (نیز ← حیض؛ محیض)
obstacle	۴۵	حائل
pilgrim (to Mecca)	۱۲۰	حاج (نیز ← سقایةالحاج)

chamberlain	۴۷ . ۸۲	حاجب
door keeper	۹۹	
grand chamberlain	۸۰ - ۴	حاجب الحجاب
request	۷۹	حاجت (قرآنی)
recourse	۹۰	
need	۹۵	
boon	۲۱ . ۱۸	
necessity	۴	
ask a boon	۲۱	حاجت خواستن
hindrance	۴۵	حاجز
female Pilgrim (to Mecca)	۱۲۰	حاجیه
originated	۴۵ . ۵۶ . ۱۰۶	حادث
result of an origin	۸۰ - ۵	
creatable	۱۱	
a contingent accident	۹۳	
temporal; product	۱۰۵	
nominal contingent	۱۰۲	حادث اسمی
the first temporal being	۱۰۴	حادث اوّل [اوّل الحوادث]
contingent at the level of per-	۱۰۲	حادث دهری
petual duration		
temporally contingent	۱۱۰	حادث زمانی
		حادّه ← زاویه حادّه
camel driver	۲۱	حادی
ingenious; skilful	۲۵	حاذق
calculator	۹۹	حاسب [جمع این کلمه به صورت حاسبین در قرآن به کار رفته است.]
envious; jealous	۴۲	حاسد (قرآنی)
envier	۱۰۰	

sense	۱۲۰	حاشه [= حس]
God forbid	۱۲۰	حاش لله [= حاشا] (قرآنی)
God save us	۱۰۰	
marginal notes; annotations; commentary	۴۸	حاشیه (نویسی)
super- commentary; gloss	۸۰	
outline	۱۱۶	حاشیه (جلد.)
mat; margine	۷۸	حاشیه (هند.)
frieze	۱۱۶، ۱۲۹	حاشیه تزئینی (جلد.)
ornamental margin; limbus	۷۸	
actuality	۱۱۱	حاصل
gist	۱۰۸	
sum	۹۴	حاصل جمع (منط.)
product	۹۴	حاصل ضرب (منط.)
direct product; Cartesian product	۹۴	حاصل مستقیم (منط.)
logical product	۹۴	حاصل منطقی (منط.)
nomen actionis	۱۲۸	حاصل مصدر (دس.)
The Guardian	۴۵، ۸۰، ۸۷	حافظ [الحافظ] (اسم الهی) (قرآنی)
one who knows the Koran by heart	۱۲۱	حافظ قرآن
memory	۱۳	حافظه
keepth	۱۰۷	
inner most, uttermost	پ	حاق
middle of anything	۳۱	
The Indubitable	۸۸، ۱۰۰	حاقه [سوره]
The Sure Calamity	۷	
The Reality	۸۷	
arbitrator	۲	حاکم

ruler	۴	
Islamic judge	۱۱۴	حاکم شرع
sovereignty	۸ . ۲۹	حاکمیت
governing	۴	
jurisdiction	۲۹	
ecstasy	۳۴	حال (تصد.)
spiritual state	۴۵	
state of soul	۵۸	
state	۴۰ . ۵۷ . ۹۵ . ۱۰۳ . ۱۰۶ . ۱۱۹	
passing state	۱۰۳	
disposition	۴۰ . ۵۷	
situation	۱۰۸	
condition	۱۱۱	
spiritual condition	۹۳	
state of leaving off	۱۰۴	حال الترك (تصد.)
state of the veil	۸۰ - ۴	حال الحجاب (تصد.)
state of taking up	۱۰۴	حال الشروع (تصد.)
(spiritual) feelings	۱۰۳	حال [مقد.] قال
participial phrase	۱۲۸	حال (دس.)
mood	۱۲۸	حال (عر.)
cases of noun	۱۲۸	حالات اسم (دس.)
genitive case	۱۲۸	حالت اضافه (دس.)
nominative case	۱۲۸	حالت فاعلی (دس.)
passive voice	۱۲۸	حالت مجهول (دس.) [= فعل]
		مجهول
active voice	۱۲۸	حالت معلوم (دس.) [= فعل معلوم]
objective case	۱۲۸	حالت مفعولی (دس.)
vocative case	۱۲۸	حالت ندایی (دس.)
Ham, Hami	۱۹	حام [پسر نوح]

pregnancy	۱۲۰	حاملگی (نیز ← حمل)
pregnant	۱۲۰	حاملہ
brace	۱۲۹	حایل
saddle	۱۲۹	
patron	۳۱	حامی
supporter	۶	
grain	۷، ۸۷	حَبّ (قرآنی)
love	۶، ۷، ۸۷، ۹۵، ۱۱۸، ۱۱۹	حُبّ (قرآنی)
love of home	۱۸	حب الوطن
patriotism	۱۲۰	
amour - propre	۴	حُبّ ذات
egotism	۱۲۰	حبر ← احبار
imprisonment	۶۱، ۸۵	حبس
lien; retention of a thing in order to secure a claim	۸۵	
life imprisonment	۶۱	حبس ابد (جق۔)
penal servitude	۱۲۰	حبس با اعمال شاقہ
correctional confinement	۱۲۰	حبس تادیبی
Ethiopia; Abyssinia	۴۳، ۸۴، ۸۷، ۱۲۵	حبشہ [اتیوپی]
Abyssinian	۴۳	حبشی
		حبط ← احباط [= حبط (قرآنی)]
rope of God	۲۳	حبل اللہ (قرآنی)
rope of Allah	۸۷	
cable of Allah	۶۴، ۸۷	
God's bond	۱۰۰	
firm cable	۵۶	حبل المتین
Jugular vein	۸۷، ۱۰۰	حبل الوريد (قرآنی)
primogeniture	۳۷	حبوہ (فق۔)
Beloved of God	۲۱، ۱۰۳	حبیب اللہ [لقب حضرت رسول (ص)]

	حتف	۳۱
death	حجّ [سوره]	۸۷
The Pilgrimage	حج (قرآنی)	۲۰، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۲
pilgrimage	حج اکبر [تمتع] (قرآنی)	۱۰۰، ۱۰۹، ۱۱۲
greater pilgrimage	حج عمره [اصطلاح قرآنی آن]	۱۰۹
lesser pilgrimage	اعتمار است	
	حجاب (قرآنی) [حجاب به معنای	۶، ۲۱، ۳۴، ۴۵، ۱۱۸، ۱۱۹
veil	مصطلح امروز یعنی پوشش خاص زنان، کلمه قرآنی نیست و اصطلاح خاص قرآنی آن جلایب است.]	
curtain	حجاب حاجز (پز.)	۷، ۸۷، ۴۵
diaphragm	حجاب رینی (تصد.)	۱۲۶
veil of covering	حجاب زنان (نیز ← جلایب)	۲۱
veiling of women	حجاب ظلمت	۲۱، ۴۲
veil of darkness	حجاب غینی	۳۴
veil of clouding	حجاب	۲۱
custodianship of the Ka'ba	حجّاری (هند.)	۸۰ - ۵
stone work	حجّام	۱۱۵
cupper	حجامت	۱۰۱
blood - letting	حجّ (حق.)	۴۲
cupping	حجّت (نیز ← احتجاج؛ محاجه)	۱۲۶
exclusion from inheritance	حجّت (قرآنی)	۶۱
argument		۷، ۱۱، ۸۷، ۹۵، ۹۷، ۱۰۶، ۱۱۱
proof		۶، ۴۰، ۸۰، ۸۳، ۱۰۹، ۱۱۳
evidence		۴۹
authority		۳۴
inner reasoning		۸۰

guidance	٦	
convincing argument	١٠٦	حجّت اقناعيه
His Eminence; His Holiness	٤٢	حجّت الاسلام
divine proof	١٠٤	حجّت الالهيه
witness of God	٥٨	حجّت الله
proof of God	١٠٩	
argument conclusive	١٠٠	حجّت بالغه [الحجّة البالغة] (قرآنى)
most perfect evidence	٤٩	
decisive proof	٨٣	حجّت ثابتة
Allah's Authority	٢	حجّت خدا
legal proof	٨٠	حجّت شرعيّه
intellectual proof	١٢	حجّت عقلى
Farewell Pilgrimage	٤٢.٤٥.٨٤.١٠٩	حجّة الوداع (تخـ.)
Al - Hijr	٨٧.٨٨	حجر [سوره]
legal interdiction	١٥.٤٢	حجر (حقـ.) (نيز ← محجور)
interdiction	٨٠.٨٥	
wardship	٦١	
confinement; internment	٦٣	حجر (فقـ.)
seclusion	٩٩	
confinement of a mad	٦٣	حجر ديوانه
The Chambers	٧.٨٨	حجرات [سوره]
Apartments	١٠٠	
Black Stone	١٤.٢١.٤٥	حجر الاسود
philosophers' stone	٥٤	حجر الفلاسفه (قصـ.)
cell	١٢١	حجره
small hut	٨٠	
bridal chamber; marriage bed	٣١	حجله
validity; probative validity	٨٠	حجّيت

authority	۴۴	
authority of consensus	۴۴	حجیت اجماع
sanctity of the consensus	۲۷	
competence of reason	۲۷	حجیت عقل
		حجیج [جمع حاج] ← حاج
		حدّ [= کران، مرز، اندازه]
limit	۱۱، ۴۵، ۱۱۳	
restriction	۶	
bound	۱۱۳	
boundary; barrier; stipulation	۴۵	
punishment	۳۷، ۴۲، ۱۰۹، ۱۱۲	حدّ (فق.) [= مجازات شرعی]
fixed punishment for certain crimes	۸۵	
penalty	۲، ۴۲	
fixed penalty; legal sanction	۸۰	
penal law	۶۹	
punishment for fornication or adultery	۴۲	حدّ زنا
punishment for wine drinking	۴۲	حدّ شرب
term	۱۱، ۱۷، ۴۰، ۶۹، ۱۰۴	حدّ (منط.) [= تعریف]
definition	۱۷، ۴۵، ۹۵، ۱۰۲، ۱۰۸، ۱۱۱	
extreme	۴۰	
boundary	۹۷	
minor term (of the syllogism)	۱۷، ۹۴	حدّ اصغر (منط.)
major term	۱۱، ۹۴	حدّ اکبر (منط.)
middle term	۱۷، ۹۴، ۱۰۴	حدّ اوسط (منط.)
primitive term		حدّ اولیه (منط.)
perfect boundary; limes perfectus	۹۷	حدّ تام (منط.)
collective term	۱۷	حدّ جمع (منط.)
singular term	۱۷	حدّ خاص (منط.)
concrete term	۱۷	حدّ ذات (منط.)

essential boundary	۱۰۲	
general term	۱۷	حدّ عام (منط.)
minor extreme	۴۰	حدّ کهن (منط.)
sentential term; propositional term	۹۴	حدّ گزاره ها (منط.)
middle term	۴۰	حدّ متوسط (منط.)
positive term	۱۷، ۹۴	حدّ مثبت (منط.)
predicate term; functional term	۹۴	حدّ محمولات (منط.)
common boundary	۱۰۲	حدّ مشترک (منط.)
defined term	۹۴	حدّ معرف (منط.)
intelligible definition	۶۹	حدّ معنوی (منط.)
abstract term	۱۷	حدّ معنی (منط.)
negative term	۱۷، ۹۴	حدّ منفی (منط.)
major extreme	۴۰	حدّ مهین (منط.)
imperfect boundary; limes imperfectus	۹۷	حدّ ناقص (منط.)
middle term	۹۷	حدّ وسط (منط.)
phenomenon	۲	حدث (فل.)
creation in time	۴۰	
state of uncleanness	۴۲	حدّث (فق.)
ritual impurity	۴۵	
minor ritual impurity	۴۵، ۸۰	حدث اصغر (فق.)
major ritual impurity	۴۵	حدّث اکبر (فق.)
rapid recitation	۴۵	حدّ [در تجوید]
give lashes	۴ =] حد ←	حد زدن (فق.) نیز ←
		مجازات شرعی]
surmise	۱۰۶	حدس
conjecture	۱۲۱	حدس
power of intuition	۹۳	
acumenalia; guesses	۹۷	حدسیات
define	۴۰	حدّ کردن

quorum	۶۱	حد نصاب (حق.)
contingency	۴۴ . ۱۰۲ . ۱۱۰	حدوث [مقد. قدم]
temporal contingency	۱۱۰	
temporal existence	۱۰۵	
phenomenality	۶۹	
temporal origination	۱۰۲	
origination	۱۰ . ۵۶	
coming-to-be; contingent entities	۹۳	
transience; non-eternity; creatableness	۱۱	
novelty; creation	۸۰	
occurrence	۱۰۹	
relative contingency	۱۰۲	حدوث اضافی
real contingency	۱۰۲	حدوث حقیقی
contingency through perpetual duration	۱۰۲	حدوث دهری
essential contingency	۱۰۲	حدوث ذاتی
temporal contingency	۱۰۲ . ۱۱۰	حدوث زمانی
temporal creation of the world	۱۰۵	حدوث عالم
creation of the world	۱۰۹	
createdness of the world	۹۳	
creation out of nothing	۱۱	حدوث هستی از نیستی [خلق من لاشیء] نیز ← خلق از عدم حدود ← حد
God's bounds	۱۰۰	حدود الله (قرآنی)
religious sanctions	۸۳	
		حدود شرعی حد [= مجازات شرعی]
definition and description	۹۲	حد و رسم (منط.)
tradition	۲۳ . ۳۴ . ۴۰ . ۴۲ . ۵۸ . ۹۹	حدیث (حد.)
prophetic tradition	۹۹	

prophet's saying	۴۲	
reliable tradition	۴۲	حدیث ثقه (حد.)
acceptable tradition	۴۲	حدیث حسن (حد.)
good tradition	۹۹	
beautiful tradition	۴۵	
well - remembered tradition	۲۴	حدیث حفظ (حد.)
hadith of «ink and paper»	۱۲	حدیث دوات و قرطاس (حد.)
singular tradition	۹۹	حدیث شاذ (حد.)
genuine tradition	۴۲	حدیث صحیح (حد.)
sound tradition	۹۹	
weak tradition	۴۲ . ۴۵ . ۹۹	حدیث ضعیف (حد.)
tradition of the mantle	۸۰	حدیث عبا [= حدیث کسا]
poor tradition	۴۲	حدیث غریب (حد.)
unusual tradition	۹۹	
divine utterance	۱۱۳	حدیث قدسی (حد.)
holy tradition	۳۴ . ۴۵ . ۸۹	
divine tradition	۴۵	
divine saying	۶	
tradition of the garment	۵۸	حدیث کسا [= حدیث عبا]
tradition of the mantle	۸۰	
indefinite tradition	۲	حدیث متشابه (حد.)
ambiguous tradition	۲۴	
connected tradition	۴۲	حدیث متصل (حد.)
repeatedly stated tradition	۴۲	حدیث متواتر (حد.)
originated tradition	۴۵	حدیث مُحدث (حد.)
exact tradition	۲	حدیث محفوظ (حد.)
definite tradition	۲	حدیث محکم (حد.)
loose tradition	۴۲	حدیث مرسل (حد.)
diffused tradition	۴۲	حدیث مستفیض (حد.)

supported tradition

۴۵

حدیث مُسند (حد.)

inter-sected tradition (a tradition
which is narrated from one
of the Tabaeen)

۴۲

حدیث مقطوع (حد.)

disconnected tradition (where
all of the narrators are not
mentioned)

۴۲

حدیث منقطع (حد.)

singular and suspect tradition

۹۹

حدیث منکر (حد.)

forged tradition; fabricated

۴۲

حدیث موضوع (حد.)

tradition; apocryphal tradition

invented tradition

۴۵

restricted tradition (which is
narrated from one of the
Companions)

۴۲

حدیث موقوف (حد.)

surmised tradition

۲

حدیث موهوم (حد.)

repealed tradition

۲

حدیث منسوخ (حد.)

prophetic hadith

۷۹

حدیث نبوی (حد.)

prophetical tradition

۸۰

tradition of prophet

۴۵

relate

۶

حدیث کردن

soliloquy

حدیث نفس] = با خود سخن پ
گفتن

The Iron

۷، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰

حدید [سوره]

fear

۷، ۸۷، ۱۰۰

حذر (قرآنی)

omission

۲۳

حذف

elimination

۵۹

omission and suppression of words

۲۳

حذف و اضممار

liberated

۱۶

حُرّ (نیز ← احرار) (قرآنی)

free

۷

free person	۸۵	
freeborn	۵۲	
freeman	۸۷، ۴۵، ۱۰۰	
auktion	۱۲۰	حراج
heat	۱۲۹	حرارت
unlawful	۲، ۶، ۷، ۴۲، ۱۱۳	حرام (قرآنی)
forbidden	۲۰، ۴۲، ۴۵، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۹۹، ۱۱۰	
prohibited	۳۹، ۴۲، ۸۶	
illicit	۵۳، ۱۱۰	
taboo	۴۲، ۹۵	
illegal	۳۹	
a venal or corrupt person	۳۱	حرام خوار
adulterine; bastard	۶۱	حرام زاده (حق-)
illegitimate	۱۵	
prohibit	۶	حرام کردن (نیز ← تحریم)
forbid	۳۹	
thief; robber; bandit	۱۲۱	حرامی
Carrhae	۱۲۵	حران [شهری بسیار قدیمی
		در بین النهرین]
war	۷، ۴۲، ۸۷	حرب (قرآنی)
warfare	۶	
enemy alien	۸۰، ۸۵	حربی
tillage	۱۰۰	حَرْث (قرآنی)
impediment	۶، ۱۰۰	حَرْج (قرآنی)
heaviness	۸۷	
guarded thing	۲۴	حِرْز
amulet	۸۰ - ۲	
custody (of things)	۸۵	
refuge	۹۹	

		حرص (اخذ.)
greed	۱۶.۱۸.۵۷.۱۰۳.۱۰۴	
covetousness	۴.۱۰۳	
concupiscence	۱۰۳	
gluttony	۳۴	
greed and avarice	۱۶.۱۸	حرص و آز
letter	۴۰.۱۲۸	حرف
verb	۴۰	
particle	۶۵	حرف (دس.)
exceptive particle	۶۵	حرف استثناء (دس.)
particle of questioning	۶۵	حرف استفهام (دس.)
preposition; postposition	۱۲۸	حرف اضافه (دس.)
particle of classification or gradation	۶۵	حرف ترتیب (دس.)
definite article	۱۲۸	حرف تعریف (دس.)
preposition; particle of attraction	۶۵	حرف جرّ (دس.)
particle of limitation or restriction	۶۵	حرف حصر (دس.)
conjunction	۱۲۸	حرف ربط (دس.)
quiescent letter	۶۵	حرف ساکن (دس.)
conditional particle	۶۵	حرف شرط (دس.)
conjunction; connective particle	۶۵	حرف عطف (دس.)
movent letter	۶۵	حرف متحرک (دس.)
detached letter	۸۰ - ۲	حرف مقطعه (دس.)
trade, craft, art	۳۱	حرفه
craft	۱۲۰	
movement	۷۱.۷۹.۱۰۴.۱۰۵	حرکت (منط.)
motion	۱۱.۱۳.۳۶.۴۲.۴۴.۵۶.۱۰۴.۱۰۶	
move	۹۵	
locomotion	۱۰۷	
voluntary movement	۷۱	حرکت ارادی (منط.)
volitional movement	۱۰۴	

voluntary motion	۵۶	
involuntary movement	۷۱	حرکت اضطراری (منط.)
movement of spheres	۱۰۴	حرکت افلاك (منط.)
acquired motion	۴۲	حرکت اکتساب (منط.)
revolution	۳۶	حرکت انتقالی (نج.)
passive motion	۱۱	حرکت انفعالی (منط.)
precession	۳۶	حرکت تقدیمی (نج.)
transubstantiation	۵۶	حرکت جوهری (منط.)
movement of substances	۵ - ۸۰	
motion in the category of substance	۱۳	
trans - substantial motion	۴۲	
proper motion	۳۶	حرکت خاص (نج.)
circular motion	۱۱، ۱۰۴	حرکت دورانی
rotary motion	۱۰۴	
		حرکت دوری ← حرکت دورانی
corpuscular motion	۴۴	حرکت ذره ای (منط.)
rotary celestial motion	۱۰۴	حرکت سماوی دوری
planetary motion	۳۶	حرکت سیارات (نج.)
natural movement	۷۱، ۱۰۴	حرکت طبیعی (منط.)
common motion	۳۶	حرکت عام (نج.)
cross motion	۳۶	حرکت عرضی (نج.)
unnatural movement	۷۱	حرکت قسری (منط.)
projectile movement	۱۳	
constrained motion	۵۶	
constrained movement	۱۰۴	
uniform motion	۱۲۹	حرکت متشابه
circular motion	۱۲۹	حرکت مستدیر
rectilinear motion	۱۰۷	حرکت مستقیم (منط.)
psychic movement	۱۰۴	حرکت نفسی (منط.)

rotation	۳۵	حرکت وضعی (نج.)
motion and rest	۵۶ .۸۰ .۱۰۴	حرکت و سکون (فل.)
movement and stillness	۷۹	
sanctuary	۴۲ .۴۴ .۸۰ .۸۷	حَرَم (قرآنی)
sacred precinct	۹۹	
sacred territory	۲۱	
sacred zone	۸۰	
sacred place	۴۲	
sacred premises of Mecca	۴۲	حرم مکه
repulse; disappointment	۲۵	حرمان
privation	۹۵	
1. reverence	۴۴ .۸۰ .۳	حرمت [۱. احترام ۲. حرام بودن]
1. sanctity	۱۱۳	
2. prohibition	۲۷ .۱۱۵	
permanent bar	۶۱	حرمت ابدی (حق.) (فق.)
prohibition of images	۱۱۵	حرمت تمثال نگاری (فق.)]
		= حرمت تصویر و تمثال
prohibiting prostitution	۱۰۷	حرمت عهارة
women's apartments; harem	۱۲۰	حرمسرا
two holy places (Mecca and Madina)	۸۲ - ۵	حَرَمین
fire - worshippers	۲۴	حروریّه
letters	۶۵	حروف (نیز ← حرف)
gutturals	۶۵	حروف حلقی (دس.)
labial consonants	۱۲۸	حروف شفهی (تجو.)] =
		حروف شفوی [
weak letters	۶۵	حروف عله (دس.)
nasal consonants	۱۲۸	حروف غنة (تجو.)
diphthongs	۱۲۸	حروف لین (تجو.)

soft letters	۶۵	حروف لینه (دس.)
voiced consonants	۱۲۸	حروف مجهوره (تجو.)
particles which resemble the vrebs	۶۵	حروف مشبهه به فعل (دس.)
pointed letters	۶۵	حروف معجمه (دس.)
short vowels	۱۲۸	حروف مقصوره (تجو.)
long vowels	۱۲۸	حروف ممدوده (تجو.)
unpointed letters	۶۵	حروف مُهمله (دس.)
letters of the alphabet	۶۵	حروف هجاء (دس.)
lettering; typesetting	۷۸	حروف چینی [درچاپ] (نیز ← چاپ)
Literalists (a heretical sect)	۴۲	حروفیه (کل.)
freedom; liberty; frankness	۳۱	حریت
silk	۷، ۸۷	حریر (قرآنی)
solicitous	۷	حریص (قرآنی)
sanctuary	۳۱، ۸۲، ۹۰	حریم
enclosure	۸۰ - ۲	
inviolable place	۸۲ - ۴	
sect	۸۷	حزب (قرآنی) (نیز ← احزاب)
party	۱۰۰، ۸۰، ۸ - ۳	
part; portion; group	۷، ۸۰ - ۳	
God's People	۱۰۹	حزب الله
Party of God	۸۰، ۱۰۰	
Ezekiel	۴۲، ۴۵	حزقیل نبی
prudence	۱۲۱	حزم
sorrow	۴۰، ۸۷، ۱۰۰	حزن (قرآنی)
grief	۷	
sense	۱۱، ۴۰، ۴۲، ۹۵، ۱۰۳	حسّ
sensation	۹۲، ۱۱۱	
sense of sight	۱۲۰	حسّ باصره

internal sense	۱۱	حسّ باطنی
bodily sense	۱۰۳	حس بدن
external sense	۱۱، ۴۰	حس خارجی
sense of taste	۴۲	حس ذائقه
sense of hearing	۴۲	حس سامعه
sense of smell	۴۲	حس شامه
		حس ظاهر ← حس خارجی
sense of touch	۴۲	حس لامسه
common sense	۱۱، ۹۲، ۹۹، ۱۰۳، ۱۰۶	حس مشترك
sensus communis	۱۳، ۱۰۴	
sensorium	۳۱	
calculation	۶۰	حساب (قرآنی)
reckoning	۶، ۷، ۱۹، ۸۰، ۸۷	
accounting	۱۰۶	
arithmetic	۱۲۵	حساب (رض.)
abjad reckoning	۱۹	حساب ابجد (رض.)
dactylonomy	۶۰	حساب العقد (رض.)
Indian calculation	۶۰	حساب الهند (رض.)
account	۷۵	حساب (بانك. اقد.)
saving (s) account	۷۵	حساب پس انداز (بانك.)
reckoning of the alphabet by abjad	۳۱	حساب جُمْل (نیز ← ابجد)
even money	۷۵	حساب سرراست (بانك.)
summary account	۷۵	حساب سود و زیان (اقد.)
trading account (s)	۷۵	حساب عملکرد (اقد.)
sensitive	۴۰	حساس
galvanised	۴	
noble birth	۴۰	حَسَب
prestige	۹۹	

for God's sake	١٢٠	حِسْبَةُ اللَّهِ
market supervisor	٩٩	حِسْبَه
God is enough for me	١٠٠	حَسْبِيَ اللَّهُ
Allah is sufficient for me	٧	
envy	٧.٥٧.٨٧.٩٥.١٠٣.١٠٤	حَسَد (قرآنی)
jealousy	٢٩	
kindness	٨٧	حُسْن (اخـ.) (قرآنی)
beauty	٥٢.٥٧	
goodness	٧	
discretion	٥٧	حَسَن تدبیر
euphemism	١٢٨	حَسَن تعبیر (بعـ.)
poetical actiology	٢٦ - ٢	حَسَن تعلیل (بعـ.)
etiologia	١٢٨	
cordial understanding	٦١	حُسْن تفاهم (حقـ.)
good disposition	٤٢	حَسَن خلق (اخـ.)
good character	٨٠	
impeccable reputation	٢٧	حَسَن شهرت
beauty of demand	٢٦ - ٢	حَسَن طلب (بعـ.)
favourable opinion	٤٢	حَسَن ظَنّ
good opinion	٩٩	
apt transition	٢٦ - ٢	حَسَن مخلص (بعـ.)
beauty of exórdium	٢٦ - ٢	حَسَن مطلع (بعـ.)
beauty of conclusion	٢٦ - ٢	حَسَن مقطع (بعـ.)
good speculative mind	٩٩	حَسَن نظر
good neighbourliness	٥٧	حَسَن همجواری (اخـ.)
good	٧	حَسَن (قرآنی)
fair	٩٠	
good deeds	٧.٨٧	حَسَنَات (قرآنی)
good act	٢٤	حَسَنَه (قرآنی)

good deed	۱۰۰، ۸۷، ۶	
sense perception	۱۰۶	حسیات
sensualia	۹۷	
sense data	۴۲	
The Reckoner	۴۲، ۴۵، ۸۷	حسیب [الحسیب] (اسم الهی) (قرآنی)
The Calculator	۸۰	
Assassins	۴۲	حشاشین [پیروان حسن صباح] (نیز ← حشیش)
The Banishment	۷	حشر [سوره]
Exile	۸۷	
mustering	۱۱۲، ۱۰۰، ۸۸	
gathering	۵۶، ۸۰	
revivification	۱۰۴	
revivification of bodies	۱۰۴	حشر الاجساد
resurrection of the bodies	۱۰۲	
resurrection	۱۰۴	حشر و نشر [= الحشر والنشر]
glans penis	۳۱	حشفه (فقه)
anthropomorphism	۲۱	حشو (کل.) [افراط در تشبیه و انسان وار انگاری صفات الهی]
verbiage	۴۶	حشو (بع.)
parelcon	۱۲۸	
cacopleonasm	۲۶ - ۲	حشو قبیح (بع.)
pleonasm; pleonasmus; tautologia	۱۲۸	
indifferent pleonasm	۲۶ - ۲	حشو متوسط (بع.)
redundancy	۱۲۸	
eupleonasm	۲۶ - ۲	حشو ملیح (بع.)
the literalists	۹۳	حشویه

anthropomorphists	پ	
cannabis; hemp; hashish	۱۲۰	حشیش
grass	پ	
harvest	۸۷، ۱۰۰	حَصَاد [درو، برداشت] (قرآنی)
citadel	۱۱۵	حصار
hedge	۱۲۹	
typhoid fever	۱۲۰، ۱۲۵	حصبه
restriction	۱۱، ۸۰	حصر
fortress	۸۰، ۱۰۱	حصن [جمع این کلمه حُصُون کلمه‌ای قرآنی است.]
chaste	۸۷، ۱۰۰	حضور (قرآنی)
acquisition	۱۰۴	حصول
perception	۹۷	
occurence	۱۰۸	
acquisition of the capacity	۱۰۴	حصول الاستعداد
acquired	۱۱	حصولی
portion	۱۰۸	حصه
lot	۱۸	
dole	۶۱	
mat; reed mat; roofing mat; rushes	۱۲۹	حصیر
sedentary culture	۹۹	حضارت
custody of children	۳۹	حضانة (فق.)
right of custody	۸۰	
care of a child by the mother	۸۵	
care and custody of young children	۸۶	
Five Divine Existences	۴۲	حضرات الخمس (عرف.)
presence	۴۵، ۹۹، ۱۱۸، ۱۱۹	حضرت

His Holliness; His Highness

۳۳

presence of being

۴۵

presence

۱۱ .۵۸ .۱۰۴

Divine presence

۵۸

eternal presence

۱۱

omnipresence

۱۱

presence of the time

۱۰۴

nadir

حضرت الوجود
حضور
حضور حق
حضور سرمدی
حضور مطلق
حضور وقت
حضيض (نجـ) [از کلمه عربی ۳۴.۱۰۳
«نظیر» گرفته شده است.]

perigee

۹۹.۱۰۴.۱۲۵

a division of Hell

۴۲

Crusher

۱۰۰

repentence

۸۷

unburdening

۱۰۰

putting away

۸۴

prohibition

۲۴

The Domain of Holiness

۵۶

excavator

۱۲۹

cavity

۱۲۹

conservation

۹۵

guarding; preservation; protection

۱۲۰

prophylaxis; hygiene and

۵۴

public health

defending the absent

Guardian

۱۰۰

Warder

۸۷

truth

۱۶.۸۷.۹۹.۱۰۷.۱۱۱

divine truth

۵۹

حفظ الوجود
حضور
حضور حق
حضور سرمدی
حضور مطلق
حضور وقت
حضيض (نجـ) [از کلمه عربی ۳۴.۱۰۳
«نظیر» گرفته شده است.]
حُطْمَه (قرآنی)
حِطَه (قرآنی)
حَظَر (اصول فقه)
حظيرة القدس
حَقَّار
حفره
حفظ
حفظ الصحه
حفظ الغيب
حفيظ [الحفيظ] (اسم الهی)
(قرآنی)
حق (قرآنی)

حق تصنيف ٢٠١

reality	٤٥ . ٩٦	
right	٢	
real	٤٥ . ٩٣ . ٩٦	
The Truth	٧ . ١١ . ٨٠ . ٨٧	حق [الحق] (اسم الهى) (قرآنى)
The Truth Most High	٣٤	
The Real	١١ . ٨٠ . ٩٣ . ٩٦ . ١١٨	
Supreme Truth	٨٠	
right	٢ . ٦١	حق (حق-)
right of easement	٦١	حق ارتفاق
right of action	٦١	حق اقامة دعوى [حق ترافع]
remuneration of custodianship	٦١	حق التوليه
commission	١٢٠	حق الجعالة [= حق العمل]
silence money	٦٨	حق السكوت
blackmail	٦١	
bribe to silence	٦١	حق السكوت دادن
mintage	٧٥	حق الضرب (اق-)
seignorage, coinage	١٢٠	
what is due to men	٤٢	حق العباد
rights of man	٨٠ - ٣	
what is due to God	٤٢	حق الله
right of God	٣١ . ٤٥	
The Manifest Truth	٨٧ . ١٠٠	حق المبين (اسم الهى) (قرآنى)
rights of man	٣١	حق الناس
truth of certainty	٥٨ . ٨٩ . ١١٣	حق اليقين
right of exploitation	٦١	حق انتفاع
family allowance	٧٧	حق تأهل
right of action	٦١	حق ترافع
copyright	٣١	حق تصنيف

preferential right	۷۵	حق تقدّم
priority	۱۲۰	
right of priority	۶۱	
right of self - defence	۶۳	حق دفاع از خود
right to vote	۶۱	حق رأی
right of recourse	۶۳	حق رجوع
right of pre - emption	۴۲	حق شفعه
copyright		حق طبع
right of passage	۶۱	حق عبور
right of way	۱۲۹	
life - estate; life interest	۶۱	حق عمری
actual right	۶۱	حق عینی
prescriptive right	۶۳	حق مرور زمان
clear title	۶۳	حق مسلم
rightfully	۶۱	حقاً
in verity; really	۴۵	
humiliation	۱۶	حقارت
rightfulness	۷۳	حقانیت
legitimacy	۲۹	
realities	۵۶	حقایق [نیز ← حقیقت]
realities of the Divine names	۸۰ - ۳	حقایق الأسماء
verities of faith	۷۹	حقایق الايمان
primordial realities	۵۶	حقایق المتأصله
actual reality	۵۶	حقایق المحصله
worshipper of God	۱۰۳	حق پرست
God Almighty	۳۱	حق تعالی
The Truth Most High	۳۴	
rancour	۱۰۳	حقّد
grudges	۴	

حقیقی ۲۰۳

malice	۱۰۴	
jurisprudence; law	۶۱	حقوق [علم]
salary	پ	حقوق (اقد.)
mercantile law	۶۳	حقوق بازرگانی (باز.)
old age pension	۶۱	حقوق بازنشستگی (حق.)
assets of the treasury	۸۰	حقوق بیت المال (فق.)
international law	۶۱	حقوق بین الملل (حق.)
penal code	۲۹	حقوق جزایی (حق.)
conjugal rights	۶۱	حقوق زوجیت (حق.)
contractual rights	۸۰	حقوق عقد (فق.)
positive law	۶۱	حقوق موضوعه (حق.)
reality	۴.۵۶.۱۰۲.۱۰۴	حقیقت
verity	۷۹.۹۷	
truth	۱۱.۶۱.۹۵	
essence	۹۲.۱۱۱	
real essence	۱۰۶	
veritative expression	۸۰	حقیقت [مقد. مجاز]
The essential reality of the Real	۸۰	حقیقت حق
truth of truths	۱۱	حقیقت حقایق
universal reality	۱۰۸	حقیقت کلی
the Reality of Mohammad	۸۲	حقیقت محمدی
Logos	پ	
approving truth	۶۱	حقیقت مسلم
relative truth	۱۱	حقیقت نسبی
reality of being	۵۶	حقیقت وجود
reality of existence	۱۰۲	
true	۱۱	حقیقی
real	۹۵	
literal	۳۸	

engraving; erasing	۱۲۰	حك
engraver	۷۸، ۱۲۹	حكاك (هند.)
lithograph	۱۲۹	حكاكى روى سنگ] = چاپ سنگى [
engrave	۱۲۹	حكاكى كردن
anecdote	۲۱	حكايت
recital	۱۳	
tale; narrative; story; legend	۸۰ - ۳	
visionary recital	۱۳	حكايت تمثيلى
arbitrator	۴، ۴۵، ۸۵	حَكَم
arbiter	۸۰، ۸۷	
judgement	۴۰، ۴۲، ۴۷، ۹۷، ۱۰۵، ۱۰۹	حُكَم (فقه. اصول فقه)
command	۶، ۱۲، ۴۲	
decree	۴۲، ۴۷، ۹۶، ۱۰۳	
decision	۸۰، ۸۷	
ordinance	۴۷	
regulation; commandment	۴۲	
legal decision	۴۵	
assertion	۴۴	
legal status	۸۰	
proposition	۴۰	
predicate	۱۰	
judgement of value	۱۱	حکم ارزشى [تقويمى]
decree of God	۹۶، ۱۰۳	حکم الله
judgement of fact	۱۱	حکم تقريرى
		حکم تقويمى ← حکم ارزشى
intuitive judgement	۱۰۲	حکم حدسى
injunction	۲	حکم شرعى
command of religion	۳	

حکمت لدنی ۲۰۵

judicial decree	۳۱	
bill of divorcement	۶۳	حکم طلاق
affirmative judgement on a non existent	۱۰۲	حکم علی المعدوم
mandate	۶۱	حکم قیمومت (حق)
fixed decision	۸۳	حکم معروف
wisdom	۷، ۲۷، ۴۲، ۴۷، ۵۷، ۸۷، ۹۰، ۱۰۷، ۱۱۸	حکمت (قرآنی)
theosophy	۱۳، ۴۲، ۵۸	حکمت (جز در معنای قرآنی)
sophia	۱۳، ۴۲	
traditional philosophy	۵۸	
philosophy	۹۹	
sagacity	۱	
illuminationist theosophy	۱۳	حکمت اشراق
illuminative wisdom	۸۰ - ۴	
philosophy of illumination	۵۶، ۸۰	
Divine wisdom; theology	۴۲، ۱۰۳	حکمت الهی
wisdom of gradualness	۲۷	حکمت تدریج
philosophia perennis	۱۳	حکمت جاودانی] = حکمت
		خالده = جاویدان خرد
true wisdom	۶۹	حکمت حقیقی
moral wisdom; ethics	۶۹	حکمت خُلُقِی
supreme prudence	۲۹	حکمت عالیّه
ancient wisdom	۱۳	حکمت عتیقه
theoretical philosophy	۱۰۲	حکمت علمی
practical knowledge	۳۱	حکمت عملی
practical philosophy	۱۰۲	
practical science	۵۷	
ethics	۴۶	
philosophia universalis	۱۳	حکمت کلی
Divine Wisdom	۱۳	حکمت لدنی

transcendent theosophy	۵۴	حکمت متعالی
transcendental knowledge	۱۰۲	
transcendental wisdom	۴۲	
politics	۶۹	حکمت مدنی
all - wisdom	۱۱	حکمت مطلق
speculative philosophy	۶۹	حکمت نظری
theoretical science	۵۷	
pass judgement	۲	حکم دادن
arbitration	۴، ۶۱	حکمت
arbitrament	۶۱	
philosophical	۲۶ - ۲	حکمت (بع)
government	۸، ۴۲	حکومت (نیز سیاست) (سی)
state	۲۷، ۸	
rule	۲۷	
despotism	۴۲	حکومت استبدادی
Islamic government	۸، ۴۲	حکومت اسلامی
theocracy of Islam	۴۲	
Islamic state	۲۷	
aristocracy	۹۵	حکومت اشراف
theocracy	۲۷، ۴۲	حکومت الهی
		حکومت دینی ← حکومت الهی
democracy	۹۵	حکومت عامه
nomocracy	۲۷	حکومت قانون
civic rule	۲۷	حکومت مدنی
constitutional government	۴۲	حکومت مشروطه
popular government	۸۰ - ۴	حکومت ملی
All - Wise	۵۶، ۱۰۰	حکیم [الحکیم] (اسم الهی) (قرآنی)
The Wise	۴۲، ۴۵، ۸۰، ۸۷، ۹۵	

The Supreme Judge; The Sage	۸۰	
sage	۴۲.۵۴.۱۰۳.۱۰۷	حکیم
wiseman	۴.۵۴	
philosopher	۵۴.۵۹.۹۹	
theosophist	۴۲	
metaphysician	۵۹	
traditional physician	۵۴	حکیم [در معنای طبیب]
All - wise	۱۱	حکیم مطلق
prose paraphrase	۱۲۸	حلّ (بع.)
being lawful; dissolution of an	۳۱	حلّ
oath; doffing the pilgrim's garb		
lawful	۷.۸۷	حلّ [= حلال] (قرآنی)
wives	۷.۸۷	حلّات [مفرد آن حلیله = زوجه] (قرآنی)
lawful	۴۲.۴۵.۸۷.۱۰۰.۱۱۳.۱۱۴	حلال (قرآنی)
allowed	۴۵.۱۱۰	
licit	۱۱۰	
permitted	۴۲.۱۰۰	
not forbidden	۸۵	
licit according to the divine law	۵۳	
of Islam		
thinner	۱۲۹	حلّال
dissolution of the agreement	۴۲	حلّ العقد
make lawful	۶۴.۸۷	حلال کردن
allow	۶	
pleasure	۱۴	حلاوت
sweetness	۱۰۳	
Aleppo	۴۳.۸۰	حلب (جف.)
snail	۱۲۰	حلزون

helix; helical; spiral	۷۸	حلزونی (هند.)
swear	۷، ۸۷	حلف (قرآنی)
The oath of Futhul	۴۲	حلف الفضول (تخ.)
the oath of repudiation	۸۰ - ۴	حلف بالطلاق (فق.)
the oath of enfranchisement	۸۰ - ۴	حلف بالعتق (فق.)
shaving; shaving close (The head)	۳۱، ۱۲۱	حلق [= تراشیدن] (فق.)
throat	۷، ۸۷	حلقوم (قرآنی)
forbearance	۲، ۱۱۰، ۱۰۱	حلم [شکیبائی] (اخ.)
gentleness	۴۰، ۵۷	
clemency	۱۰۳، ۱۰۹	
patience	۶	
mildness	۲۱، ۹۹	
self-control; self mastery; leniency	۸۰	
puberty	۷، ۸۷	حُلُم [احتلام، بلوغ] (قرآنی)
dream	۴۰	حُلُم [رؤیا]
sweetmeat; an electuary	۳۱	حلوا
incarnation	۴۲، ۴۵، ۸۰، ۹۹	حلول (کل.)
transmigration	۴۲	
immanence	۱۱	
infusion	۸۰ - ۴	
inhering	۱۰۸	
indwelling	۱۰، ۸۰	
being inherent and being affected	۱۰۲	حلول و انفعال
immanent	۱۱	حلولی [درون بودی]
lawfulness	پ	حلیت [حِلّ]
adornment	۱۲۶	حلیه
confederate	۴۲، ۴۵، ۸۰	حلیف [= هم‌قسم، هم‌پیمان]
The Clement	۴۵، ۸۷، ۱۰۰	حلیم [الحلیم] (اسم الهی)
		(قرآنی)

Indulgent	٨٧	
Endowed with Gentleness	٨٠	
Ha Mim		حم [سوره]
amulets	٣٨	حمائل
epic	١٢٥	حماسه
talismans	٤٥	
Carina	٣٦	حمال (نجم.)
bath	١٢٦	حمام
The Surah of Praise	١١٣	حمد [سوره قرآن]
thanksgiving	١١٣	حمد
praise	٢٢	
praise belongs to God (Allah)	٣٨ , ٨٠ , ١٠٠	الحمد لله (قرآنى)
praise be to Allah	٨٧	
praised be God	٩٩	
foolishness	٥٧	حمق
Aries	٣٦ , ٩٩ , ١٢٥	حمل (نجم.)
bearing	٧ , ٨٧	حمل [= آبستنى] (قرآنى)
predication	١١ , ١٠٢	حمل [إِسْنَاد] (منط.)
primary predication .	١٠٢	حمل اولى
primary essential predication	١٠٢	حمل اولى ذاتى
derivative predication	١٠٢	حمل بالاشتقاق
non - derivative predication	١٠٢	حمل بالمواطاة
common technical predication	١٠٢	حمل شايع صناعى
synthetic predication	١١	حمل مركب
categorical	٢٨ , ٩٢ , ١١١	حملى (منط.)
predicative	٩٨	
categorical proposition	١٠٢	حملية
zealotry	٦٤ , ٨٧	حميت (قرآنى)
disdain	٧	

sense of honour	۶۹	
Praised; Praiseworthy	۷	حمید [الحمید] (اسم الهی) (قرآنی)
Owner of Praise	۸۷	
Worthy of Praise	۸۰	
Lawsonia inermis; henna	۱۲۳، ۱۲۵	حنا
The Compassionate	۲۳	حنّان (اسم الهی) (غیر قرآنی)
tenderness	۹۵، ۱۲۱	حنان
sympathy; affection		حنّانه ← ستون حنّانه
Hanbalite	۱۲۱	حنبلّی (فق.)
colocynth	۱۲۳، ۱۲۶	حنظل
Hanafite	۱۹	حنفی (فق.)
embalmmment	۴۲	حنوط
pure in faith	۱۱۲	حنیف (قرآنی)
upright	۷، ۸۷	
Hanif (pre - Islamic monotheistic religion in Arabia)	۴۲	
Johannitius	۴۲	حنین بن اسحاق
Eve	۲۹، ۱۲۵	حوّاء
Ophiuchus, Serpentarius	۱۲۵	حوّاء (نجم.)
temporal events	۱۰۴	حوادث
disciple	۶۴، ۸۴، ۸۷	حواری (قرآنی) [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
Apostle	۳۸، ۸۰، ۱۰۰، ۱۱۲	
senses	۶۹، ۴۲	حواس
internal senses	۹۲	حواس اندرونی
internal senses	۶۹	حواس باطن

external senses	۹۲	حواس بیرونی
external senses	۴۲	حواس ظاهر
bill of exchange; transfer of debts	۸۵	حواله
trade bill	۷۵	حواله بازرگانی
time draft	۷۵	حواله مدت دار
Pisces	۳۵، ۹۹، ۱۲۵	حوت (نجم.)
hourī	۳۱، ۱۰۰	حور (قرآنی)
wide - eyed hourī	۱۰۰	حور عین (قرآنی)
dark - eyed hourī	۸۴	
domain	۹۴	حوزه (منط.)
converse domain; counter domain	۹۴	حوزه عکس (منط.)
seminary	۴۴	حوزه علمیّه
Theological Center	۲۹	
center of religious teaching	۱۰۱	
Jurisdiction	۲۹	حوزه قضایی
span of control	۶۱	حوزه نظارت (حق.)
sphere of being	۱۱	حوزه وجود
pond	۳۸، ۱۲۹	حوض
The Pond of Abundance	۳۸	حوض کوثر (نیز ← کوثر)
The Heavenly Waters	۱۰۹	
basin	۷۴	حوضه (جغ.)
		حول ← لا حول ولا قوة الا بالله
suburb	۱۲۹	حومه شهر
The Living	۱۱، ۴۵، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۱۰	حیّ [الحیّ] (اسم الهی) قرآنی
The Ever - living	۷، ۲۲	
The Alive	۸۷	
living (being)	۷، ۱۰۴	حیّ (قرآنی)
animate	۱۰۷	
modesty	۵۷، ۷۹	حیا (اخ.)

reverence	۴۰	
reverential awe	۸۰ - ۴	
shame	۹۵، ۱۱۸، ۱۱۹	
life	۶، ۷، ۸۰، ۸۷، ۹۵، ۱۰۰، ۱۱۰	حیات (قرآنی)
eternal life; salvation	۳۱	حیات ابدی
eternal life	۱۱	حیات سرمدی
goodly life	۱۰۰	حیات طیبہ (قرآنی) = حیوة طيبة
spiritual life	۶۲	حیات معنوی
occupancy	۶۱	حیازت مباحات (حق)
compound; court; yard	۱۲۹	حیاط [= محوطہ]
cortile	۱۲۹	حیاط اندرونی
cortile; patio; light ventilation	۷۸، ۱۲۹	حیاط خلوت (معم.) [= حیاطچہ]
area		
back yard	۱۲۹	
barnyard	۱۲۹	حیاط رعیتی
aspect	۷۹	حیث (قرآنی)
wherever	۷، ۱۰۰	
dignity; respect; prestige	۱۵	حیثیت
The Impetuous Lion	۴۵	حیدر کرار [از القاب و اوصاف حضرت علی (ع)]
amazement; consternation	۴۵	حیرت (تصد.)
perturbation	۳۱	
bewilderment	۹۶، ۱۰۳	
state of perplexity	۸۹	
extention	۱۱	حیز (فلد.)
space; spaciality	۴۰	
menstrual cycle	۱۰۹	حیض (نیز ← حائض؛ حیض)
menstruation	۳۹	

come to prayer	۴۵	حي على الصلوة (فق.)
come to salvation	۴۵	حي على الفلاح (فق.)
come to the best work	۴۵	حي على خير العمل (فق.)
devise	۸۷، ۱۰۰	حيله [حيلة] (قرآنی)
evasion	۸۵	
device	۱۸	
legal device	۸۰، ۸۵، ۸۶	حيلة شرعی
legal stratagem	۸۰	
circumvention of law	۳۷	
absolute temporal	۹۷	حينیه مطلقه (منط.)
possible temporal	۹۷	حينیه ممکنه (منط.)
animal - in - general	۱۰۴	حيوان مطلق
rational animal	۱۱، ۹۷، ۱۰۵	حيوان ناطق (منط.)

خ

fearful; timid;	۳۱	خائف (قرآنی) (نیز ← خوف؛
		تخويف)
fearing	۷، ۸۷	
treacherous	۸۷	خائن (قرآنی) [در قرآن مجید جمع
		سالم اين كلمه به کار رفته
		است.]
seal	۸۰، ۹۶، ۱۰۳	خاتم
seal ring	۹۹	
signet; signet ring	۸۰ - ۴	
Seal of The Prophets	۴، ۴۲، ۵۶، ۸۷، ۹۹، ۱۰۹	خاتم الانبياء [معادل و کاربرد

قرآنی این کلمه خاتم النبیین
است.]

seal of the prophecy

خاتم النبوه ۴۲

خاتم النبیین ← خاتم الانبياء

seal of sanctity

خاتم الولايه ۵۸

signet of Solomon

خاتم سليمان ۱۸

inlay; marquetry

خاتم بندی (هند) ۷۸

خاتم پیامبران ← خاتم الانبياء

خاتم ساخت (هند) ۷۵

inlaid work

خاتمکاری (هند) ۷۸

inlay

خاتمکاری رنگارنگ (هند) ۷۸

intarsia

خاتون ۳۱

lady

خادم ۱۴

attendant

servant; domestic

۴ - ۸۰

treasurer

خازن الدار ۹۹

reality

خارج (منط) ۹۷

seminary lecture not based on
reading textbooks

خارج [تدریس حوزوی، بدون
اتکاء به قرائت متن درسی - مق. پ
«سطح»]

external

خارجہ (عرف) ۱۰۸

rebel

خارجی ۸۲ - ۴

externality

خارجیت ۱۱

Khawarijism

خارجیگری ۴

anti-consensus; contra-consensus

خارق اجماع پ

supernatural

خارق الطبیعه ۹۵

supernatural event

خارق عادت [= خارق العاده] ۴

extraordinary

۱۲۰

steward

۴۵

the lost

۱۰۰

خازن
خاسرین (قرآنی)

the losers	٨٧	
humbled	١٠٠	خاشع (قرآنى)
humble - minded	٨٧	
humble	٦٤	
particular; peculiar; individual	٩٢	خاصّ [مق. عام]
proper	٩٥ . ٤٠	
specific	٦	
super - elect	٢١	خاصّ الخاصّ
the elect of God; God's elect one	١٠٣	خاص الله
experts and the masses	٨٢ - ٤	خاص و عام
particular accident	٩٧	خاصّه (منط.)
property	١١ . ٤٠	
essential property	١١	خاصّه ذاتى
the elite and commonality; the notables and the plebs; the aristocracy and the masses	٨٠	خاصّه و عامّه
property	٩٤ . ٤٠	خاصيّت (منط.)
peculiarity	٩٢	
aethereality	١١	خاصيّت اثيرى
humble; obsequious	٣١	خاضع
passing thought	٢١	خاطر
mind	١٠٣	
offender	١٢٠	
sinner	١٢٦	خاطى
The Abaser	٤٢	خافض [الخافض] (اسم الهى)
		(غير قرآنى)
the two horizon, East and West	٣١	خافقين
soil; earth; terra; terren	١٢٩	خاك
clay; argil; red oxide	١٢٩	خاك رس

fill; rampart	۱۲۹	خاکریز
dot	۹۴	خال (منط.)
		خال [دایی] ← خالو
sincere	۷	خالص (قرآنی)
pure	۸۷	
royal estates; crown lands; private	۸۰	خالصه
Property		
The Creator	۷.۱۱.۴۵.۸۰.۸۷.۱۰۳	خالق [الخالق] (اسم الہی)
		(قرآنی)
The Producer	۸۰. ۱۰۶	
mole and eyebrow	۳۴	خال و خط
maternal aunt	۳۹. ۶۱	خاله
maternal uncle	۳۱	خالو
void	۹۲	خالی (منط.)
pen	۳۱	خامہ [= قلم]
tribal chief	۴۲	خان
household	۲۵	خاندان
family	۱۰۹	
a Sufi community residence	۴۸	خانقاه (تص.)
dervish monastery	۸۰ - ۴	
monastery	۴۲. ۴۵. ۱۰۳	
convent	۲۱. ۸۰	
a Sufi center	۴۲	
hostelry	۱۹	
dwelling; domicile	۱۲۹	خانه [= منزل]
Sacred House	۱۰۹	خانه کعبہ
Far East	۱۲۵	خاور دور [= شرق اقصی]
Middle East	۱۲۵	خاورمیانه [= شرق وسطی]
Near East	۱۲۵	خاور نزدیک

		خبائث (قرآنی)
vice; impurity	۳۱	خبث
viciousness	۹۹	
malignity	۲۵	
information	۸۰، ۹۷	خبر
news; story	۴۰	
report	۸۰	
statement; proposition	۴۰	
narration	۱۰۶	
predicate	۲۸، ۶۵	خبر (دس.)
predicate placed in front	۶۵	خبر مقدم (دس.)
tradition	۱۲، ۴۲، ۸۳	خبر ((حدیث)
true narration	۱۰۶	خبر صادق
binding tradition	۸۳	خبر لازم
unanimous assertion	۴۵	خبر متواتر
isolated tradition	۸۳	خبر واحد
tradition with a single transmitter	۱۲	
		خبرگان ← مجلس خبرگان
conceit and frivolity	۱۰۴	خط و خیال
corrupt	۱۰۰	خبث (قرآنی)
a corrupt thing	۶	
The Aware	۴۵، ۸۷	خبیر [الخبر] (اسم الهی)
		(قرآنی)
All - aware	۱۰۰	
The Sagacious	۸۰	
Well - informed	۱۰۸	
Informed	۸۷	
circumcision	۴۲، ۴۵	ختان (نیز ← ختنه؛ مختون)
		ختم (قرآنی) (مُهر نهادن به معنای مجازی)

seal	۶۹، ۱۰۳	ختم [مهر]
memorial service	۴۲	ختم [مجلس تعزیه]
completing a recitation (of the Quran)	۱۱۳	ختم [به پایان رساندن درس یا قرائت سراسر قرآن که در مکتبها و مدرسه‌های قدیم برای آن مراسمی برپا می‌داشتند. نیز ختم کردن قرآن به قصد نذر]
complete the whole Quran	۱۱۴	ختنه (نیز ← ختان، مختون)
circumcise	۴۲	ختنه کردن
marrying	۸۰ - ۵	ختونه
shamefaced	۱۰۳	خجل
Leninabad	۸۰	خُجند (جغد.)
God	۲۹ و ۳۸	خدا (نیز ← خداوند؛ الله)
God Mighty and High	۱۰۹	خدای عزوجل
Allah	۲۰	خدای واحد
The One God	۱۲	خدای یگانه
theist	۲۹	خدایپرست
worshipper of God	۴	
theology	۲۹	خدایپرستی
theism	۱۱	
God - fearing	۱۲۰	خداترسی
theocracy	۱۲۵	خداشاهی
believer	۲۹	خداشناس
theology	۲۹	خداشناسی
knowledge of God	۲۲	
Godlessness	۱۱	خداناشناسی
atheist	پ	خدانشناس
God; Master	۸۰ - ۵	خداوند

Lord	۸۰، ۱۰۳	
Lord of mystery	۱۰۳	خداوند راز
Lord of the world	۸۰ - ۵	خداوند عالم
Lord; owner; master	۸۰ - ۵	خداوندگار
Lordship	۱۰۳	خداوندی
May God forbid [it]	۴، ۳۱	خدای نکرده / خدای نخواسته
Godness	۱۱	خدایی
Sovereignty	۴۲	
duplicity	۱	خدعه
trickery	۹۹	
servants; attendants	۳۱	خَدَم
service	۵۸، ۹۵	خدمت
obedience	۳۴	
service of the poor	۸۰	خدمت درویشان (تصد.)
military service	۷۷	خدمت زیر پرچم
broken service	۷۷	خدمت منقطع
viceroy	۴۲	خدیو
lord; prince; ruler	۸۰ - ۵	
abandonment	۴۲	خذلان (مقد. توفیق)
abandoning	۸۸	
God's abandonment	۸۰	
the vintner's house	۵۵	خرابات
tavern	۳۴	
tavern - haunter	۳۴	خراباتی
recompense	۷	خراج (قرآنی) [= مزد، پاداش]
tribute	۸۷، ۱۰۰	
land - tax	۸۵، ۸۶، ۹۹، ۱۱۳	خراج [= مالیات زمین؛ گاه نیز
	۴۵، ۴۷، ۸۰، ۸۲	مترادف با باج و جزیه به کار
		می رفته است.]

tribute	۴۷ .۸۰	
land revenue (levied on non - Muslims)	۴۲	
revenue officer	۳	خراجگیر
ass - mill	۱۴ .۳۱	خراس
liar; conjecturer	پ	خرّاص [= دروغزن، جمع سالم آن در قرآن به کار رفته است.]
wood turner	۱۲۹	خراط
wood turning	۷۸	خرّاطی
lathe	۱۲۹	
ivory turning	۷۸	خرّاطی عاج
superstition	۳ - ۸۰ .۲۹ .۱۵	خرافه / خرافات
myth	۴۰	
fairy tale; legend	۳ - ۸۰	
fable; ludicrous saying	۳۱	
ridge	۱۲۹	خرپشته
tribute	۷ .۸۷	خرج (قرآنی)
expense; expenditure	۱۲۰	
reason	۱۱۱ .۹۲ .۷۹ .۱۱	خرد
wisdom	۲۹	
ratio	۱۱	
pure reason	۱۱	خرد ناب [= عقل نظری]
petty land owner	۱۱۴	خرده مالک
small holder	۷۵	
transcender of ordinary human behavior	۱۰۹	خرق عادت (نیز ← خارق عادت؛ استدراج؛ کرامت؛ معجزه)
contrary to nature; miracle	۳۱	
tearing and stitching	پ	خرق و التیام (فلـ)
robe	۴۲ .۸۰	خرقه

cloak	۵۸ . ۸۰	
Sufi cloak	۹۹	
Sufi robe	۸۰	
garment worn by mystics	۴۲	
patched robe	۸۰	
mantle	۸۹	
rough cloak; coarse gown; scapular	۸۰ - ۵	
rag; frock	۴۵	
religious habit	۲۱	
robe of free - will	۸۰ - ۵	خرقه ارادت
cloak of blessing	۸۰ - ۵	خرقه تبرک
cloak of nobility	۸۰ - ۵	خرقه فتوت
false cowl	۵۵	خرقه سالوس
religious mendicant; dervish	۳۱	خرقه پوش
armed revolt	۸۰	خروج بالسيف
rising (against)	۸۰ - ۳	خروج کردن
make common cause (against)	۱۴	
come out	۶	
bargainee	۶۱	خریدار (حق.)
forward purchase	۲۰	خرید سلف
map	۸۰ - ۴	خریطة
autumn	۱۲۶	خریف
treasures of empyrean	۱۰۳	خزائن عرش
treasury; public treasury	۸۰ - ۴	خزانه [= خزینه]
reservoir; storage	۱۲۹	
Keeper of the treasury	۸۰ - ۴	خزانه دار
treasury general	۷۵	خزانه داری کل (اق.)
ceramics	۸۰ - ۴	خَزَف

ignominy	۸۷	خزى (قرآنى)
disgrace	۷	
degradation	۱۰۰	
		خزینه ← خزانه
perdition	۷	خسار (قرآنى)
loss	۱۰۰	
depredation	۶۱	خسارت (حق.)
meanness; avarice	۳۱	خست
swallow	۸۷، ۱۰۰	خسف (قرآنى)
eclipse of the moon	۱۰۹	خسوف
loss	۸۷	خُسران (قرآنى)
dereliction	۹۵	
brick	۷۸، ۱۱۵	خشت (معم.)
mud brick; adobe	۱۲۹	
baked brick	۷۸	خشت پخته
burnt brick	۱۲۹	
mud - brick	۷۸، ۱۲۹	خشت خام
raw brick	۱۱۵	
mosaic tile	۷۸	خشت موزائيك
		خشت پز ← خشتمال
brickmaker	۷۸، ۱۲۹	خشتمال [= آجرپز؛ خشت پز؛ ۷۸، ۱۲۹ خسترن؛ خشتگر]
brickmoulder	۱۲۹	
dry year	۱۲۹	خشكسال
sanctimoniousness	۴	خشكه مقدسى
anger; rage; fury	۳۱	خشم (ا.خ.)
		خشم حق ← غضب الهى
satisfaction	۲۹	خشنودى
humility	۷، ۸۷	خشوع (قرآنى)

submission	۵۷	
fear of God	۷، ۸۷	خشية الله (قرآنى)
poverty	۷، ۸۷	خصاصه (قرآنى)
properties	۳۱	خصائص (نيز ← خصيصه)
manners; morals	۳۱	خصائل (نيز ← خصيله)
		خصال ← خصلت
dispute	۸۷	خصام (قرآنى)
contention	۷	
virtue	۵ - ۸۰، ۳۱	خصلت
quality	۲۱	
praiseworthy virtue	۳۱	خصلت حميده
opponent	۱۰۴	خصم (قرآنى)
litigant	۷، ۸۷	
enemy	۱۰۳	
outward enemy	۱۰۳	خصم برون (تص.)
inward (inner) enemy	۱۰۳	خصم درون (تص.)
antagonism	۱۱۱	خصومت
litigation	۸۵	
testicle	۱۲۶	خُصيه
eunuch	۴۲، ۸۰، ۱۲۰	خَصى [= خواجه] (تخ.) (فق.)
castrated man	۸۰ - ۴	
tinging; tincture	۳۱	خضاب
dye; dye stuff	۱۲۱	
humbleness	۴۱	خضوع
humility; veneration; submission	۳۱	
resignation	۱۰۶	
handwriting	۱۲۰	خط [= دستخط]
script	۸۰	
rail; railway	۱۲۰	خط آهن

wrong	خطا (قرآنی) [تلفظ قرآنی این ۷ کلمه خطاً بر وزن خلأ است]
sin	۸۷، ۱۰۰
fault	۶۴
error	۴۰، ۹۵
mistake	۴۵، ۸۰
address	۷، ۱۱۸
rhetoric	۴۰، ۹۵، ۹۹، ۱۲۸
oratory	۱۲۸
rhetorical syllogism	۱۰۶
equator	۱۲۰
calligrapher	۱۲۱
calligraphy	۴۲
horizon	۱۲۰
horizontal	۱۲۰
divide	۷۴
geomancy (sand writing)	۹۹
wrongs	۷
sins	۸۷
sermon	۴۲، ۴۵، ۸۰
Friday sermon	۸۲، ۹۹
oration	۴۲
address	۴۲، ۴۵، ۸۴
Discourse of Unity	۶۰ خطبه التوحید [ابن سینا]
farewell address	۴۲ خطبه الوداع
sermon of standing	۴۲ خطبه الوقفه
betrothal	۶۴، ۸۰ خطبه [= خواستگاری]
demand in marriage	۸۰
proposal to women	۱۰۰ خطبه النساء (قرآنی)

proposing marriage	۴۲	
quadratrix	۱۲۰	خط تربیع
mathematical line	۱۰۲	خط تعلیمی
stray thought	۲۸	خطرات (عرف.)
hyacinth script	۸۰	خط سنبلی (هند.)
tree - like writing	۸۰	خط شجری (هند.)
vertical line	۱۲۰	خط عمودی
demarcation	۱۲۰	خط فاصل
vertical line	۱۲۰	خط قائم
oblique line	۱۲۰	خط مایل
transverse line	۱۲۰	خط متقاطع
parallel line	۱۲۰	خط متوازی
circular line	۱۲۰	خط مستدیر
policy	۱۲۰	خط مشی
tangent	۱۲۰	خط مماس
curved line	۱۲۰	خط منحنی
zigzag; broken line	۱۲۰	خط منکسر
marsh - mallow (s)	۳۱، ۱۲۶	خطمی
bisectrix	۱۲۰	خط ناصف
a (fixed) zone	۸۰ - ۲	خطه
fault	۷، ۱۰۰	خطی ← مخطوط / مخطوطه
sin (committed on purpose)	۴۵	خطیته (قرآنی)
moral lapse	۸۰ - ۴	
orator	۴۰، ۸۰، ۸۴	خطیب
rhetor	۴۰	
preacher	۱۲۶	
secret; concealed	۱۲۶	خفا
female excision	۸۰ - ۴	خفاض [در زنان]

		خَفَض [در زنان] ← خَفَاض
humility; lowering the wing	۴۲	خَفَض جناح [این تعبیر، با اندکی تغییر نحوی، اصل قرآنی دارد.]
	۴	خَفَقَان
suffocation	۴۲	خَفِی
hidden; occult	۱۲۶	خُفِیْهِ (قرآنی)
secretly	۷، ۸۷	
in secret	۱۱، ۱۰۷، ۱۲۹	خَلَاء
vacuum	۱۲۹	
lacuna	۱۱، ۹۵	
void	۸۰ - ۴	
emptiness	۱۱	خَلَاء مَطْلُق
absolute void	۹۲	خَلَاَف
opposition; contrary	۶، ۱۰۳، ۱۱۳	خَلَاَفَت (نیز ← خَلِیفَه)
vicegerency	۶، ۲۶	
caliphate	۱۸	
vicarate	۲۶ - ۱	خَلَاَفَت اُمَوِی
Umayyad Caliphate	۲۵	خَلَاَف شَرَع
contrary to the law	۱۴	
transgressing the law		خَلَاَف شَرِیْعَت ← خَلَاَف شَرَع
	۲۲	خَلَاَفِیَّات
disputed problems	۹۹	
controversial questions	۷، ۸۷	خِلَال [دوستی] (قرآنی)
befriending	۸۷	خَلَاَق (قرآنی)
portion	۷	
share	۷، ۸۷	خَلَاَق [الْخَلَاَق] (اسم الهی)
The Creator (of all things)		(قرآنی)
	۱۱	خَلَاَقِیَّت
creativity	۲	خَلَاِیْق
the created		

anklet; ankle - ring	۱۲۰	خَلَّتْ ← خلال
		خلخال
eternal Paradise	۴۲	خُلْد ← جنة الخلد
ecstasy	۱۱	خلد برین
humour	۱۱	خلسه (تصد.)
pituitary humor	۱۲۰	خلط
sanguine humor	۱۲۰	خط بلغمی
biliary humor	۱۲۰	خلط دموی
the four cardinal humors	۱۲۰	خلط سودائی
release	۳۹	خلطهای چهارگانه
annulment of marriage or di-	۱۱۳	خُلْع (فقد.)
vorce of the wife for a ransom or		
compensation to be paid to the		
husband		
robe of honour	۸۰، ۱۰۳، ۲۱	خلعت
disarmament	۶۱	خلع سلاح
remove	۴	خلع کردن
dispossession; ouster	۶۱	خلع ید (حق.)
dispossess	۶۱	خلع ید کردن
contradiction	۶۹، ۹۸	خُلْف (فد. منط.)
self - contradiction	۱۰۲	
absurd	۹۵	
reductio ad absurdum	۹۸	
reductio ad impossible	۹۷	
successors	پ	خلفاء (قرآنی)
Umayyid Caliphs	۴	خلفای اموی
Orthodox Caliphs	۲۶، ۴۲، ۱۲۱	خلفای راشدین [= الخلفاء الراشدون]
Rightly - guided (Well - guided) Caliphs	۴۲	

Well - directed Khalifahs	۳۸	
Abbasids	۱۳	خلفای عباسی
character	۴۲، ۹۵	خُلُق
temper; disposition; nature	۴۲	
creation	۱۱، ۸۰، ۹۳، ۱۰۰، ۱۱۹	خَلْق (قرآنی)
creature; created beings	۱۰۳	
The created universe	۵۹	
phenomenal world	۹۳	
creatio ex nihilo	پ	خلق از عدم (کل-)
the people of God	۸۰ - ۵	خلق الله
Divine creation	۱۱	خلق الهی
creatio continua	پ	خلق مدام (عرف-)
		خلق من لاشئ ← حدوث هستی از نیستی؛ خلق از عدم
disintegration	۹۹	خلل
defect	۱۲۶	
emptiness	۱۲۶	خُلُوع
solitude	۸۰، ۱۰۳، ۱۱۸	خلوت (تص-)
spiritual retreat	۸۰، ۵۸، ۸۲	
seclusion	۸۰، ۱۰۳، ۱۱۳	
privacy	۸۵	
private communion with God	۱۸	خلوت خاص
solitude in society	۸۰ - ۴	خلوت در انجمن
minor retreat	۵۸	خلوت صغیر
adytum	۱۲۹	خلوتخانه [= بست؛ خلوتگاه]
eternity	۳۸، ۹۰	خلود (قرآنی)
immortality	۸۷، ۱۱، ۹۵	
being perpetual	۳۱	
abiding for ever	۱	

abiding in Hell (for ever)	۱.۵۶	خلود فی النار
purity	۱۱.۲۹	خلوص [مشتقات دیگر این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
sincerity	۴۲	
purity of intent	۲۹	خلوص نیت
pure intention	۱	
sincere intention	۲۱	
Persian Gulf	۱۲۰	خلوه ← خلوت
Straits of Constantinople	۹۹	خلیج فارس
unconcerned; listless	۳۱	خلیج قسطنطنیه (جف.)
vicegerent	۱.۹.۲۴.۴۵.۹۶.۱۰۳	خلیج العذار [= لا ابالی]
ciceroy	۵۶.۸۷.۱۰۰.۱۱۲	خلیفه (قرآنی)
vice - regent	۱۳.۸۰	
successor	۴۲.۴۵.۱۰۹.۱۱۳	
caliph	۴۲	
vicegerent of the Beneficent one	۲۴	خلیفه الرحمن
God's vicar	۱۸	خلیفه الله
God's viceroy	۵۶	
vicegerent of God	۹.۱۲۲	
representative of God (on His Earth)	۱۰۹	خلیفه الله فی ارضه
friend	۷.۸۷	خلیل (قرآنی)
intimate friend; confident	۶	
Hebron	۸۰ - ۴	الخلیل (جف.)
vat	۱۰۳	خُم
tavern keeper	۱۰۱	خَمَار
wine - merchant	۱۲۰.۱۲۶	
wine house	۳۴	خمخانه

	۴۲.۴۵.۱۰۰.۱۰۳	خمر (قرآنی)
wine	۸۷	
strong drink	۸۰ - ۵	
alcoholic drink; fermented drink	۱۰	
grape wine	۴۲	
intoxicating drink	۸۰	خمریه [از انواع شعر]
wine poem; wine ode	۸۹	
wine song	۱۰۰. ۱۱۲	خمس
the fifth	۱۰۹	
fifth of money (tax for Imam)	۳	
one fifth levy	۷. ۱۰۰	خَنَاس (قرآنی)
slinking	۷۱	خُنَاق (پز. قدیم)
angina	۱۲۰	
diphtheria	۱۲۶	
quinsy	۸۰ - ۵	الخَنَاق [= جلاد]
suffocater	۳۸	خشی [۱. دو جنسی یا نر-ماده؛ نیز
1. hermaphrodite	۱۲۰	← دو جنسی بودن؛ ۲. بیطرف]
2. neuter; neutral	۲۵. ۴۲. ۴۵	خندق
ditch	۲۵	
moat	۴۲	غزوة خندق.
Battle of the Ditch	۷. ۳۸. ۸۷	خنزیر (قرآنی)
swine	۸۰ - ۵	خنزیر ابو قرنین
phacocherus; hylocherus	۸۰ - ۵	خنزیر الارض
orycterops	۸۰ - ۵	خنزیر البحر
dolphin; porpoise	۸۰ - ۵	خنزیر النهر
potamocherus	۸۰ - ۵	خنزیر اهلی
pig	۸۰ - ۵	خنزیر وحشی
wild boar	۱۲۰. ۱۲۱	خِنْصِر
little finger	۱۲۹	خوابگاه [= شبستان]
bed chamber		

ends of surahs	۲۳	خواتم [آخر سوره ها]
lord	۱۰۳	خواجه
master	۳۴، ۱۰۳	
eunuch	۴۲، ۸۰	خواجه [= خصی]
servant	۴۲	خواجه تاش
fellow - servant	۳۱	
Kharijites	۲۶، ۹۹	خوارج
Kharijis	۸۵	
Rebels	۴۲، ۹۹	
Revolters	۳۸	
Seceders	۴۲	
Algorithmi	۴۲	خوارزمی [الخوارزمی]
		خوارق عادات ← خارق عادت:
		خرق عادت
will	۹۲، ۱۱۱	خواست [مشیت]
Divine will	۹۲	خواست ایزدی
betrothal	۶۴	خواستگاری (نیز ← خطبه)
marriage proposal	۱۵	
the elect	۲۱، ۹۰	خواص [مق. عوام]
elite	۱۲، ۹۹	
the intellectual elite	۵۸	
the elite among the Shi' ites	۱۲	خواص شیعه
image (s)	۸۰ - ۵	خواطر (تص.)
counter ceiling	۱۲۹	خوانچه پوش [= سقفواره: ۱۲۹]
		کمرپوش [معم.]
foster - sister	۳۹، ۱۲۰	خواهر رضاعی
helmet	۱۲۶	خود
self	۱۱	خود [نفس]
egoism	۱۱، ۲۹، ۴۰	خودپرستی (اخ.)

egotism	۴.۱۵	
self - aggrandizement	۱۵	
self - love	۴	
self conceit	۱۰۳	
		خودخواهی ← خودپرستی
		خوددوستی ← خودپرستی
		خودشناسی
self - knowledge	۱۱	خودکفایی ← خود بسندگی
		خودگرایی ← خودپرستی
		خوش بینی
optimism	۱۱	خوشنویسی
calligraphy	۱۱۵.۱۲۰	خوشه (نج.)
Cluster	۳۶	خوشه باز (نج.)
open Cluster	۳۶	خوشه پروین (نج.)
Pleiades	۳۶	خوشه ستاره ای (نج.)
Star Cluster; Stellar Cluster	۳۶	خوشه کروی (نج.)
globular Cluster	۳۶	خوض (قرآنی)
vain discourses	۷	خوف (قرآنی)
fear	۷.۴۰.۸۰.۹۳.۹۵.۱۰۳.۱۱۸	خوف و رجاء
fear and hope	۹۰	خوفیه [از انواع تقیه]
precautionary or apprehensive	۲۷	خونبها (نیز ← ديه)
fine for blood - shedding	۳۱	
blood - price	۱۰۳	
blood - money	۴	
blood - wit	۸۴.۱۰۹	
crying for revenge	۲۷	خونخواهی (نیز ← ثار)
seeking to revenge someone's blood	۳	
		خوی ← خو
relative		خویشاوند (نیز ← ارحام: ۶۱ اولوالارحام)

relative - in - law	۶۱	خویشاوند سببی
blood relative	پ	خویشاوند نسبی
option	۴۲، ۶۱، ۸۰، ۸۶	خیار (فق.)
right of withdrawal	۴۵، ۸۰	
right of option	۸۰	
put option	۶۱	خیار بایع
option of incorrect description	۶۱	خیار تخلف وصف
designation option	۵ - ۸۰	خیار تعیین
option of animals	۶۱	خیار حیوان
option of sight	۵ - ۸۰	خیار رؤیت
conditional option; right to withdraw	۸۰	خیار شرط
option of condition	۶۱	
stipulated right of cancellation	۸۵	
option of deception	۶۱	خیار غبن
option of meeting place	۶۱	خیار مجلس
right to repudiate the agreement	۸۶	
during the session		
call option	۶۱	خیار مشتری
expire of option	۶۱	انقضای مدت خیار
make option	۶۱	جعل خیار
optional	۶۱	خیاری
optional contract	۶۱	عقد خیاری
tailoring; sewing	۱۲۰	خیاطی
imagination	۴۰، ۱۱۳	خیال
fantasy	۸۰، ۱۰۳	
fancy; phantom	۱۰۳	
image	۹۵	
shadow fantasy; shadow play	۴ - ۸۰	خیال الظل
imaginary	۱۱	خیالی [وهمی]

		خیانت
treachery	۱۶، ۸۷	
breach of trust	۴۲	
embezzlement	۸۵	
perfidy	۱۵، ۲۵	
abuse of confidence	۶۱	خیانت در امانت
breach of trust	۷۵	خیانت در قیمومت
perfidious	۱۵	خیانتکار
good	۴۲، ۹۵، ۱۰۸	خیر
goodness	۴۲	
charity; gifts in money or kind;	۸۰ - ۴	
public welfare.		
summum bonum	۱۱، ۴۶	خیرا علی
supreme good	۴۴	
the best of men	۱۲۰	خیر الانام [از القاب پیامبر اسلام (ص)]
		خیر محض
pure good	۱۱، ۸۰، ۱۰۴	
absolute good	۴۰، ۹۲	
absolute good	۹۲	خیر مطلق
chief good; summum bonum	۳۱	
supreme good	۹۲	
welcome (to you)	۳۱	خیر مقدم
praiseworthy good	۶۹	خیر ممدوح
good deeds	۴۲، ۸۷	خیرات (قرآنی)
good things	۱۰۰	
charities; act of charity	۴۲	
Sensible goods	۶۹	خیرات محسوس
intelligible goods	۶۹	خیرات معقول
golden mean is the best	۴۲	خیر الامور اوسطها
The Best of judges	۷، ۸۷	خیر الحاکمین (اسم الهی) (قرآنی)

The Best of mercifuls	٧ ، ١٠٠	خير الراحمين (اسم الهى) (قرآنى)
The Best of providers	٧ ، ١٠٠	خير الرازقين (اسم الهى) (قرآنى)
The Best of forgivers	٧ ، ١٠٠	خير الغافرين (اسم الهى) (قرآنى)
The Best of diciders	٧	خير الفاتحين (اسم الهى) (قرآنى)
The Best of divisers	١٠٠	خير الماكرين (اسم الهى) (قرآنى)
The Best of harbourers	١٠٠	خير المنزلين (اسم الهى) (قرآنى)
The Best of helpers	٧	خير الناصرين (اسم الهى) (قرآنى)
The Best of inheritors	٧ ، ١٠٠	خير الوارثين (اسم الهى) (قرآنى)
benevolent	٤	خير خواه
benevolence	١٥	خير خواهى
good and evil	٤٢	خير و شر
goodness	٩٥	خيريت
bamboo	٨٠ - ٤	خيزران
nasal cavity	١٢٨	خيشوم (تجو.)
equine species; horses	٨٠ - ٤	خيل
arrogance; pride	٣١	خيلاء
fellow - soldier	١٢٠	خيلتاش
tent	٤ ، ٨٠ / ٦	خيمه
pavilion	١٤	

د

leontiasis	٧١ ، ١٢٠	داء الاسد (پز. قديم.)
alopecia	٧١	داء الثعلب (پز. قديم.)
ichthyosis	٧١	داء الحيه (پز. قديم.)
scrofula	١٢٦	داء الخنازير (پز. قديم.)

St. Vitus' dance; chorea	١٢٠	داء الرقص
elephantiasis	١٢٠	داء الفيل
hydrophobia	١٢٠	داء الكلب
concomitans	٩٧	دائر (منط.)
the cycle of prophecy	٥٨	دائرة النبوة
the cycle of initiation	٥٨	دائرة الولايه
persistant	١١٨	دائم (قرآنى)
perpetual	٧	
everlasting	٨٧، ١٠٦	
everchanging	١١	دائم التغيير
habitual drunkard	١٢٠	دائم الخمر
constant	١٠٧	دائمه
perpetual	٩٧	
absolute perpetual	٩٧	دائمه مطلقه
permanent	٢٩	دائى
manner	٧	دأب (قرآنى)
beast	٨٧	دأبه (قرآنى)
Creature of the earth	٧، ٨٧	دابة الارض (قرآنى)
The Reptile of the earth	٣٨، ٤٢	
root (s)	٧، ٨٧	دابر (قرآنى)
perishing	٣١	داثر
subcontrary	٤٢، ٩٤	داخلتان تحت تضاد
justice	٩٩	داد
The Just	١٨	دادار
Distributor of Justice	٣١	
lawsuit	٦١	دادخواهى (حق.)
legal procedure	٦١	دادرسى (حق.)
public prosecutor	٦١	دادستان (حق.)
court of law	٨	دادگاه

court	۶۱	
religious court	۲۷	دادگاه شرع
court of general jurisdiction	۶۳	دادگاه عمومی
court of last resort	۶۳	دادگاه نهایی
bargain	۶۱	دادو ستد
the last abode	۸۰، ۱۰۰	دارالآخرة [= الدارالآخرة] (قرآنی)
the last home	۶۴	
sphere of Islam	۹۱	دارالاسلام (نیز ← اسلام؛ عالم اسلام)
the Abode of Islam	۴۵، ۴۷	
Muslim territory	۲۷	
royal residence	۳۱	دارالاماره
orphanage	۴۲	دارالایتام
paradise; the everlasting abode	۳۱	دارالبقا [صفت بهشت]
abode of ever lasting existence	۸۰	
everlasting kingdom	۹۳	
abode of ruin	۱۰۰	دارالبوار (قرآنی)
abode of perdition (Hell)	۴۲	
house of perdition	۱۹	
Casablanca	۴۲، ۴۳	دارالبیضا (جف.)
house of correction	۶۱	دارالتأديب
house of affliction	۲۴	دارالتعب
the abode of the reward	۵۶	دارالجزاء
Abode of war	۴۵، ۴۷، ۸۲ - ۴	دارالحرب
land of warfare	۳۸	
enemy territory	۸۵، ۱۲۶	
place of the Reciters	۳۳	دارالحُفَظ
House of Learning	۸۲ - ۵	دارالحکمه

house of wisdom	۸۰ - ۲	
the Caliph's palace	۱۴	دارالخلافه
Capital	۱۲	
Abode of Eternity	۱۰۰	دارالخلد (قرآنی) [صفت بهشت]
Abode of Peace	۶۴, ۸۰, ۸۷, ۱۰۰	دارالسلام (قرآنی) [صفت بهشت]
Abode of Bliss	۴۵	
Territory of Peace	۴۲	
the capital	۱۱۴	دارالسلطنه
court of law; spiritual court	۳۱	دارالشرع
infirmary; hospital	۳۱	دارالشفاء (نیز ← بیمارستان)
dispensary	۶۸	
consultative assembly	۱۲۰	دارالشوری
house of truce	۸۰ - ۲	دارالصلح
mint	۸۰ - ۲	دارالضرب (نیز ← ضربخانه)
guest - house	۸۰	دارالضیافه
hospice	۳۱	دارالضیف
asylum; infirmary	۱۲۰	دارالعجزه
royal court of justice	۸۰ - ۴	دارالعدل
house of sciences	۸۰ - ۲	دارالعلم
abode of activity	۵۶	دارالعمل
land of the covenant	۸۰ - ۲	دارالعهد
house of delusion; the world	۳۱	دارالغرور
house of vanity	۱۰۲	
habitation of the ungodly	۱۰۰	دارالفاسقین (قرآنی)
abode of transitoriness	۸۰	دارالفنا
realm of extinction	۵۶	
perishable abode; the world	۳۱	
transient sphere	۵۵	
transient existence	۹۳	

abode of sciences	۵۴	دارالفنون
polytechnic school	۱۲۰	
abode of stability	۱۰۰	دارالقرار (قرآنی)
abode to settle	۷	
abode of permanence	۸۰ - ۳	
house of obstruction	۱۰۲	دارالقصر
public library	۱۲۱	دارالکتب
territory of unbelief	۸۰ - ۲	دارالکفر
lunatic asylum	۱۲۰	دارالمجانین
Abode of Everlasting life	۱۰۰	دارالمقامه [صفت بهشت]
abode of retaliation; world	۳۱	دارالمکافات
grand council	۴۵	دارالندوه
assembly house	۸۴	
House of Convocation	۱۹	
Medina	۱۲۱	دارالهجرة
possession	۶	دارایی
timber line	۱۲۹	دارمرز (معم.)
town head man	۶۸	داروغه
present and future life	۳۱	دارین [= دنیا و آخرت]
summoner	۸۷	داعی (قرآنی)
he who summons	۴۵	
missionary	۵۱ ، ۸۲ - ۴	
motive	۸۱	
incitement	۱۰	داعیه (کل.)
brand	۱۸ ، ۱۰۱	داغ
repulsion	۴	دافعه
significant	۱۱	دال (منط.)
indicans	۹۷	
gallery; corridor; passage	۱۲۹	دالان [= دهلیز؛ راهرو] (معم.)

scallop	۱۱۶	دالبر (جلد.)
snare	۱۸ . ۱۰۳	دام
bridegroom; son - in - law	۱۲۰	داماد
		دانای کل ← علام الغیوب
bead	۱۲۹	دانه تسبیح (نیز ← تسبیح)
arbitrator	۶۱	داور
arbitrate	۶۱	داوری کردن
David	۷ . ۸۷ . ۱۰۰	داوود (ع) (قرآنی)
smart; sly; shrewd; cunning	۱۲۱	داهی
ingenious	۱۲۰	
calamity; disaster; catastrophe	۱۲۱	داهیه
circle	۳۶ . ۹۲	دایره
equinoctial colure	۳۶	دایره اعتدال (نجد.)
hour cycle	۳۶	دایره ساعتی (نجد.)
small circle	۷۴	دایره صغیره (جغد.)
circle of universe	۱۱	دایره عالم
great circle	۷۴	دایره عظیمه (جغد.)
celestial circumference	۱۱	دایره فلك
vertical circle	۳۶	دایره قائم (نجد.)
equinoctial line	۹۹	دایره معدل النهار
		دایره وجود ← دایره عالم
Indian Dial	۱۹	دایره هندی (جغد.)
ecliptic	۱۲۵	دایره البروج
encyclopedia	۱۲۰	دایره المعارف
		دایم ← دائم
creditor	۱۲۰	داین
wet - nurse	۲۰	دایه
maternal uncle	۱۲۰	دایی
Ursa Minor	۳۶ . ۱۲۵	دبّ اصغر (نجد.)

The Lesser Bear	۳۱	
tanner	۱۰۱	
tanning	۱۲۵	دَبَاغ
Ursa Major	۳۶	دَبَاغِي
The Greater Bear	۳۱	دَبَّ اكبر (نَجـ.)
anus	۱۲۰	دُبُر [= نشيمن] (فـ.)
Aldebaran	۳۶	دَبَرَان (نَجـ.)
school	۱۲۰	دبستان
secretary; scribe	۱۰۱	دبیر
Dubhe	۳۶	دُبَّه (نَجـ.)
blanket; cover	۱۲۱ . ۱۲۳	دَنَار
Cygnus	۳۶ . ۱۲۵	دَجَاغِه (نَجـ.)
Dajjal	۳۴	دَجَال
Antichrist	۳۷ . ۹۹ . ۱۰۳	
the «deceiver»	۸۰ - ۲	
Tigris	۲ . ۴۳ . ۱۲۵	دجله [رود]
darkness; obscurity	۱۲۳	دُجَى / دَجِيَّة
Smoke	۸۷ . ۸۸ . ۱۰۰	دخان [سوره]
The Evident Smoke	۷	
tobacco and its products	پ	دخانيات (نيز ← تدخين)
going in	۷ . ۸۷	دخول (فـ.) (قرآنى)
first coition in marriage	۱۲۱	
to whom protection should be assured	۸۰ - ۲	دخيل
income; return	۶۳ . ۷۵	درآمد (اـ.)
study	۱۲۱	دراسة (قرآنى)
reading	۷ . ۸۷	
gown	۱۴	درآعه
all - perceiving	۷۹	درآك

perspicacity	۱۳	درایت
comprehension	۱۱۳	
contextual study of hadith (ed.)		درایه [درایة الحدیث، درمقابل روایت الحدیث]
court	۱۲۰	دربار
degree (s)	۷، ۸۷	درجه / درجات (قرآنی)
grief; pain	۱۰۳	درد (تص. یز.)
rheumatism	۷۱	درد مفاصل (یز. قدیم)
dregs	۱۰۳	دُرد(ی)
sediment	۱۲۱	
lesson; lecture	۱۲۰	درس
valid	۹۴	درست (منط.)
default in ownership	۸۵	دَرَک (فق.)
the lowest deep	۸۷	درک اسفل [ضبط قرآنی این کلمه الدَّرْک الاسفل است]
descending steps	۱۲۱	درکات [مقد. درجات]
court	۱۴، ۸۲، ۱۰۱	درگاه [= دربار]
royal court	۱۰۳	
throne	۳۴	
divine portal	۲۱	
doorway	۸۷، ۱۲۹	درگاه (معم.)
port; portal	۱۲۹	
pass away	۱۲۱	درگذشت [= وفات]
gate; port; portal	۱۲۹	دروازه
false	۱۱، ۹۴	دروغ
lie	۱۲۰	
falsehood	۱۶	
derwish	۴، ۴۵	درویش [این کلمه را با املای darvish و dervish نیز می نویسند]

valley	۱۲۹	دره
drachma	۱۲۰	درهم [جمع این کلمه به صورت دراهم در قرآن به کار رفته است.]
silver coin	۸۷	
		دریا ← بحر
		دریاق ← تریاق
navigation	۱۲۰	دریانوردی
		دریای شام ← بحر الروم] = دریای شام]
		دزد ← سارق
		دزدی ← سرقت
turban	۳۸	دستار] = تقریباً برابر با عمامه]
handwriting; autograph	۱۲۰	دستخط
		دست نماز ← وضو
grammar	۱۲۰	دستور (۱)
instruction; rule; precept; formula;	۱۲۰	دستور (۲)
permission		
constitution (- al law)	۱۲۱	دستور (۳) [اقتباس عربها از دستور فارسی، که به معنی قانون اساسی به کار می‌برند] دستنویس ← مخطوط / مخطوطه
prayer	۷.۳۸.۴۲.۴۵.۵۲.۹۲.۱۰۰.۱۰۳	دعا (قرآنی)
supplication	۵۷.۷۹.۱۱۳	
invocation	۲۳.۸۰.۲	
recorded prayer	۳۸	دعای مأثور
joking; jesting; funmaking	۱۲۱	دُعابه] = شوخی، مزاح]
emissaries	۴۵	دُعَات
offer a petition	۵۵	دعا کردن

pray; bless	۴۲	دعاوی ← دعوی
legitimate claims	۶۱	دعاوی حقّه (حقّ).
real action	۶۳	دعوی ملکی (حقّ).
claim	۴۵، ۱۰۵	دعوت (قرآنی)
call	۷، ۶، ۱۶	
preach	۴۵	
propaganda	۹۹	
truthful propaganda	۹۹	دعوت حقّ [= دعوة الحق] (قرآنی)
call of truth	۱۰۰	
claim	۶۱، ۸۵	دعوی
accusation or arraignment in civil and criminal law	۴۵	
lawsuit	۸۵	
a suit; a plaint	۲۵	
pretence	۵۲	
thesis	۹۵	
litigation	۸	دعوی قضایی
counterclaim	۶۱	دعوی متقابل
set up claim to	۶۱	دعوی کردن
deceit (- fulness)	۱۲۰	دغا
tambourine	۱۲۵	دف
defensive warfare	۴	دفاع [جنگ تدافعی]
defend	۴	دفاع کردن
vindicate	۱۶	
apologetic	۲۷	دفاعیه نویس
1. book	۱۲۳	دفتر (۱) کتاب؛ ۲. کتابچه یادداشت
2. note - book	۱۲۰	و ثبت؛ ۳. اداره، دائره

3. office	۱۲۰	
register of deeds	۷۵	دفتر ثبت اسناد
secretariat	۱۱۴	دفترخانه
cover	۱۲۱	دَقَه (نیز ← بین الدفتین)
burial; burying	۴۲	دفن (نیز ← تدفین)
bury	۴	دفن کردن
entomb	۶۱	
buried treasure	۶۱	دَفینه (فقه.)
Decius; Gaius Messius	۴۳.۴۵	دقیانوس (قص.)
Decianus	۱۰۳	
bench; store; shop	۱۲۱	دُگان
soul	۲۱	دِل (قص.)
mind	۳۱	
heart	۱۰۳	
broker	۶۱.۸۰ - ۲	دَلال (حق.) (نیز ← سمسار)
jobber	۱۲۹	
agent	۸۰ - ۲	
dealer	۱۲۰	
guide	۷	دلالت (قرآنی)
indication	۱۰.۸۳.۹۷.۱۱۸	دلالت (کل.)
manifestation	۸۰ - ۴	
significance	۹۵	
token	۱۰	
signification	۱۱	
indication per nexum	۹۷	دلالت التزامیه (کل.)
middle woman; woman broker	۱۲۱	دَلالَه
cloak	۳۴.۵۵	دلق (تصد.)
frock of a dervish	۱۰۳	
dervish habit; cassock	۵۲	

cowl	۵۵	
azure cowl; cloak of deceit	۵۵	دلق ازرق فام
patched cowl	۵۵	دلق ملمع [کمابیش برابر با دلق مرقع]
wearer of the darvish habit	۵۲	دلق پوش
a leather bucket	۸۰	دلو
bucket	۴۲، ۱۲۹	
Aquarius	۳۴، ۹۹	دلو (نجد.)
sinking of the sun	۱۰۰	دلوك الشمس (قرآنی)
declining of the sun	۷	
guide	۱۰۰	دلیل (قرآنی)
indication	۷	
proof	۹۵، ۱۰۲، ۱۰۴	دلیل (نیز ← استدلال)
	۸۱، ۹۴	
demonstration	۹۷، ۱۰۴	
evidence	۶۳	
indication	۸۰	
persuasive (non-apodictic) proof	۱۰۲	دلیل اقناعی (منط.)
conditional proof	۹۴	دلیل شرطی (منط.)
circumstantial evidence	۶۳	دلیل ضمنی (حق.)
rational demonstration (proof)	۱۰۴	دلیل عقل (منط.)
conclusive evidence	۶۳	دلیل قطعی (حق.)
conclusive indication	۸۰	دلیل قطعی (منط.)
adequate reason	۶۱	دلیل موجه (حق.)
blood	۷، ۸۷، ۱۰۷	دم [خون] (قرآنی)
breath	۱۰۳	دم [نفس]
breath of Jesus	۱۰۳	دم عیسی
ruin; destruction	۱۲۱	دمار
Damascus; Damas	۴۳	دمشق (جغ.)

tears	۷، ۸۷	دَمَع [= اشك] (قرآنی)
sanguine		دموی (پز.)
Damietta	۱۲۵	دِمِیاط [= شهری در مصر سفلی]
filth; impurity	۱۲۰	دَنَس
the world	۸۷	دنیا (قرآنی)
this world	۱۱۸	
transitory world	۸۰	
the fleeting world	۱۰۳	دنیای فانی
mammonist	۳۱	دنیاپرست
worldly minded	۱۳	دنیادار
worldly; secular; mundane	۱۲۰	دنیوی
medicine; drug	۱۲۰	دوا
inkstand; inkpot	۱۲۳	دوات
beasts	۸۷	دواب (قرآنی)
everlastingness	۷۹	دوام
permanence	۹۵	
perpetuity	۴۰	
a rhymed poem consisting of four hemistiches	۱۲۱	دوبیتی (عربها به آن دو بیت یا الدوبیت گویند) (نیز ← رباعی)
Twins; Gemini	۳۶	دوپیکر (نج.)
bisexuality	۱۵	دو جنسی بودن (نیز ← خنثی)
progeny	۶۴	دودمان (نیز ← خاندان؛ ذریه)
dependence	۲۸	دَوْر (فق.)
cycle	۳۶	دَوْر (نج.)
circle	۹۵	دَوْر (منط.)
circular proof	۱۰۶	
circular evidenc; circular regress;		
circular series	۱۱	
vicious circle	۱۱، ۲۹، ۱۰۲	دور باطل [دور و تسلسل]

cycle of occultation	۸۰،۴	دور ستر
cycle of unveiling	۸۰،۴	دور کشف
cycle of mercy	۱۰۳	دور رحمت
Pre-Islamic period	۲،۱۵	دوران جاهلیت (نیز ← جاهلیت)
menstrual period (course)	۳۹	دوران حیض
menstrual cycle	۱۰۹	
period of purity	۳۹	دوران طهر
		دوران قاعدگی ← دوران حیض؛ حیض
		دوره جاهلیت ← دوران جاهلیت؛ جاهلیت
		دوره حیض ← دوران حیض؛
		حیض؛ قاعدگی؛ محیض؛ قرء
periodic	۱۱	دوری
Hell	۱۸	دوزخ (نیز ← جهنم)
Limbo	۱۳	
duality	۲۹	دوگانگی [نیز ← ثنویت]
dynasty	۴۷،۹۹	دولت
fortune	۴۷،۱۰۳	
state	۴۷،۹۳،۱۰۳	
temporal power; riches; wealth	۴۷	
felicity	۱۴،۱۰۳	دولت (عرف.)
astuteness	۵۷	دهاء (اخذ.) (نیز ← داهی؛ داهیه)
perpetual duration	۱۰۰	دهر (قرآنی)
eternal duration	۴۰	
supratemporal duration	۱۱	
time	۷۹	
atheist; materialist	۴۲	دهری
Materialists	۴۵،۹۳،۱۰۴،۱۰۵	دهریه [فرقه]
naturalists; fatalists	۴۵	
		ده فرمان [احکام عشره] ← احکام عشره [ده فرمان]

enterclose; hallway; vestibule	۷۸	دهلیز (معم.)
gallery	۱۲۹	
The Dailamites	۱۳	دیالمه (تخ.)
The Reckoner	۴۲	دیان [اسم الهی] (غیرقرآنی)
piety; religion	۴۲	دیانت
act of religion	۸۰ - ۲	
religiosity	۷۹	
brocade	۱۴	دیبا
exordium; preamble	۱۳	دیباچه
preface	۱۲۰	
habit; habitude, confirmed practice	۱۲۳	دَیْدَن [= دأب]
custom	۳۱	
cloister	۵۵	
convent	۱۲۶	دَیر
Magian's Cloister	۵۵	دَیر مغان
everlastingness	۸۰	دیمقراطیس ← دیمقراطیس
duration	۹۵	دیمومیت [= دیمومه]
rain - fed cultivation	۴۸	دیمی (نیز ← زراعت دیم)
debt	۷.۴۲.۷۵.۸۰.۸۵	دَین (قرآنی) (نیز ← داین؛ مدیون؛ تداین)
obligation	۴۲.۸۵.۱۰۱	
claim	۸۵	
passive debt	۷۵	
Judgement	۸۰.۸۷	دَین بدون بهره
Doom	۱۰۰	دین [قیامت] (قرآنی)
religion	۴.۷.۱۱.۱۲.۲۲.۴۵.۷۸.۹۵	دین [مذهب] (قرآنی)
faith	۶.۷	
ancestral religion	۱۱	دین اجدادی

Religion of Surrender; Islam	۱۱	دین اسلام
dogmatic religion	۱۱	دین جزمی
religion of Truth	۱۲، ۸۰، ۸۷ [دین الحق]	دین حق [= دین الحق] (قرآنی)
True religion	۲۲	
Primordial religion	۵۸	دین حنیف (نیز ← حنیف)
Primordial tradition	۵۴	
Zoroastrianism	۴۳	دین زرتشتی
the «Old religion»	۸۰	دین عتیق
religion of nature	۹۳	دین فطره
Manichaeism	۴۳	دین مانی / مانویت
		دین مبین اسلام ← اسلام؛
		دین اسلام
Judaism	۴۲	دین یهود
denarius	۱۲۰	دینار (قرآنی)
dinar	۷	
religious; pious	۴۲	دیندار
piety; religiousness	۴۲	دینداری
devoutness	۶	
faithfulness	۱۱	
theologian	۱۱	دین شناس
devil	۱۰۳	دیو (قصص)
demon	۱۱، ۸۰	
wall; fence	۱۲۹	دیوار
party wall	۷۸	دیوار مشترک (معم)
chancery	۴ - ۸۲	دیوان (تخ)
ministry archive	۹۹	
collection of poem	۳۷	دیوان (شعر)
divan, diwan	پ	

crazy	٤١	ديوانه (حق).
Diogenes	٤٠	ديوجانس [= ديورزن]
blood - money	٣٧.٤٥.٤٤.٨٠.٨٥.٨٦.٨٧	ديه (نيز ← خونبها)
blood-wit	٢٦.٤٥.٨٠.١٠٠	
blood compensation	٨٠ - ٣	
fine	٣٨.٤٥	
blood - price	١٠٩	
compensation for an unintentional injury	٤٥	دية الخطأ
compensation for an intentional injury	٤٥	دية العمد

ذ

taste; sense of tasting	٣١	ذائقه
essence	٤٢.٤٥.٥٦.٨٠.٩٥.٩٦.١٠٣.١١١	ذات (فل).
substratum	٨٠	
essentially	٤	ذاتاً
Zodiac	٣٤	ذات البروج (نجم).
difference	٧	ذات البين (قرآنى)
enmity; disunion; discord	١٢١	
pleurisy	٧١.٩٨.١٢٠	ذات الجنب (پز. قديم)
pneumonia	٧١.١٢٠	ذات الریه (پز. قديم)
to the left	٧	ذات الشمال (قرآنى)
		ذات الصدور (قرآنى) [= افكار.
		اندیشه ها، حاجتها]

Cassiopeia	۳۶	ذات الکرسی (نجد.)
Divine essence	۸۰، ۹۶	ذات الہی
inflammation of spleen	۷۱	ذات الیسار (پز. قدیم)
inflammation of liver	۷۱	ذات الیمین (پز. قدیم)
right hand; to the right	۷، ۱۰۳	ذات الیمین (قرآنی)
essence of Divinity; Lordship	۱۰۳	ذات ربوبیت [= خداوند]
The Infinite	۳۴	ذات لایتناهی [= خداوند]
The Eternal one; the Supreme	۱۲۰	ذات لایزال [= خداوند]
Being		
perceiving essence	۹۹	ذات مدرکہ
absolute essence	۱۱	ذات مطلق
contingent essence	۳۴	ذات ممکن
ultimate nature of reality	۱۱	ذات نہایی واقعیت
the essence of necessary	۳۴	ذات واجب
one essence	۹۱	ذات واحد
essence and appearance	۱۱	ذات و عرض [= بود و نمود]
essential; essence	۴۲، ۸۰، ۹۵، ۹۷	ذاتی [= ذاتیہ] (منط.)
innate; nouminal	۱۱	
The Scatterers	۷، ۸۸، ۱۰۰	ذاریات [سورہ]
The Winnowing winds	۸۷	
Quick-Scattering (winds)	۳۱، ۸۷	
relative	۷	ذا قریبی (قرآنی)
kinsman	۸۷	
praiser of God	۳۱	ذاکر
memory	۱۲۱	ذاکرہ
faculty of remembrance	۳۱	
retentive memory	۳۱، ۵۶، ۹۵	
Yunus [=Jonah]	۷	ذالنون [لقب یونس] (قرآنی)
needy man	۱۰۰	ذامتربہ (قرآنی)

The distitute	۱۶	
near of kin		ذامقربة (قرآنی)
fly	۷.۸۷	ذباب (قرآنی)
slaughter; sacrifice	۴۲	ذبح (قرآنی)
sacrificing	۳۱	
victim	۶۴.۸۷	
slaughter	۶۴	
shrinking	۸۰	ذبح کردن
Repositories of God	۳۸	ذبول (فل.)
provision	۶	ذخائر الله
		ذخیره
cubit	۷.۶۵.۸۰.۸۷.۹۹	ذراری ← ذریه
		ذرع/ذراع (قرآنی)
summit; crest; eminence	۱۲۰	ذر [= عالم ذر] ← الست
atom	۱۱.۳۸.۱۰۳	ذروه [به ضم یا فتح اول]
descendants	۳۱.۸۷	ذره
offspring	۷.۳۱.۸۷	ذریه (قرآنی)
progeny		
quick-wittedness	۶۹	
Reminder	۷.۴۲.۸۷	ذکاء
Liturgical glorification of God	۱۰	ذکر [قرآن]
invocation (of God)	۵۸	ذکر (قرآنی)
meditation	۲۱	
remembrance	۲	
Allah's remembrance	۷	ذکر الله (قرآنی)
remembrance of Allah	۸۷	
favourable recommendation	۳۱	
remembrance of Allah	۶.۸۷	ذکر جمیل
praising of God	۳۱	ذکر خدا

good mention	۶	ذکر خیر
male	۷، ۸۷	ذکر (قرآنی) [= جنس مذکر، ذکور، مق، انثی]
males	۷، ۸۷	ذکران (قرآنی)
invoke the name of God	۳۱	ذکر گفتن
remembrance	۸۷	ذکری (قرآنی)
submission; disgrace	۸۷	ذل (قرآنی)
abasement	۷	
disgrace	۲	ذلت (قرآنی)
humiliation	۷، ۸۷	
abasement	۷	
submissive	۷، ۱۲۰	ذلول (قرآنی)
mean; contemptible	۳۱	ذلیل
abject, humbled	۱۲۰	
obligation; bond of protection	۴۲	ذمه (نیز ← اهل الذمه)
protective covenant	۷۹	
covenant of protection	۵۳	
engagement; responsibility	۴۷	
suretyship	۳۱	
Zimmi; Dhimmi; free non-Muslim	۱۲۱	ذمی (نیز ← اهل الکتاب؛ اهل الذمه)
subject living in a muslim		
country		
crime; vice; misdemeanour	۳۱	ذمیه
sin; fault	۷، ۴۲، ۸۷	ذنّب (قرآنی)
crime; trespass	۳۱	
Lord of Majesty (Glory)	۷، ۴۲، ۸۷	ذوالجلال (صفت خداوند) (قرآنی) ذوالقربی ← ذوی القربی؛ ذاقربی
Bountiful	۴۲	ذوالمنن (صفت خداوند) ذوالنون ← ذالنون

melting; dissolution	۱۲۱	ذوانتقام ← منتقم
equivocal	۱۲۰	ذوب
amphibious	۱۲۰	ذوجنبین
trapezoid	۱۲۹	ذوحیاتین
taste	۴۰	ذوذوقه
intellectual intuition	۵۹	ذوق
tasting (of the truth)	۵۴	
equivocal	۱۲۰	
maternal relatives	۳۹	ذووجهین
		ذوی الارحام (نیز ← ارحام؛
		ارقاب؛ خویشاوند)
rational beings	۴۲	ذوی العقول
kinsfolk; kinsmen	۴۲؛ ۸۷	ذوی القربی (قرآنی)
near kindred	۶۴	
deparsture	۱۲۶	
gold	۸۷	ذهاب
mind	۱۱	ذَهَب (قرآنی)
forgetting	۸۷	ذهن
neglect	۱۰۰	ذهول (قرآنی)
rightful	۶۱	
postscript; appendix; addenda	۱۲۰	ذیحق
Democritus	۱۲۵	ذیل
		ذیمقراطیس [= دموکریتوس]

ر

copula	۱۲۸	رابط (دس. منط.) [= نسبت حکمیه]
copula	۱۷.۹۴.۹۷	رابطه (منط.)

Muslim League	۴۲	رابطۃ الاسلامی
marriage relationship	۱۶	رابطۃ سببی (حق۔)
liaison	۶۱	رابطۃ نامشروع (حق۔) (نیز ے زنا)
birth relationship	۱۶	رابطۃ نسبی (حق۔)
pension; ration	۱۲۰	راتبہ (نیز ے مستمری)
preponderant	۴۵	راجح (فق۔) (نیز ے رجحان؛ ترجیح؛ ترجیح؛ مرجح)
preferable	۸۶	
quake	۷.۱۱۳	راجفہ (قرآنی) (نیز ے رجفہ)
hopeful	۱۲۰	راجی (نیز ے رجاء؛ مرجو)
hoping	۱۲۱	
mount	۱۴	راحلہ
convoy	۵۲	
Rachel	۴۲	راحیل [مادر یوسف]
Sustainer	۸۷	رازق [الرازق] (اسم الہی)
		(قرآنی) (نیز ے رزاق؛ خیر الرازقین)
Provider	۲۴	
Rhazes	۱۳.۱۲۵	رازی، ابوبکر محمد بن زکریا
Razi	۴۰	
true	۹۴	راست (منط۔)
truth	۲۵.۹۴	راستی (منط۔)
logical truth	۹۴	راستی منطقی
deep-rooted	۱۲۱	راسخ
firmly rooted	۶.۹۷.۹۹.۱۰۰	
those firmly (deeply) rooted in knowledge	۶.۷.۹۷.۹۹.۱۰۰	راسخون فی العلم [= الراسخون فی العلم] (قرآنی)
The Leader	۸۰	راشد [الراشد] (اسم الہی) (غیر قرآنی)

the rightly guided	۸۰، ۸۶، ۸۷	راشدون (قرآنی) (نیز ← خلفای
briber	۶۱	راشدین) راشی (حق.) (نیز ← ارتشاء؛
content; satisfied	۱۲۰	رشوه؛ مرتشی)
Disavowers	۹۹	راضی
extremist Shîâh	۹۹	رافضه
		رافضی [عنوان تخفیف آمیزی
		است که بعضی از متعصبان اهل
		سنت در باره شیعیان به کار
		می برند]
forsaker; heretic	۳۱، ۴۲	
The Separatists	۴۲	رافضیه [= رافضه / رافضی]
The Exalter	۴۵	رافع [الرافع] (اسم الهی) (غیر
		قرآنی)
writer		راقم
musician; singer	۱۲۰	رامشگر
transmitter	۸۰	راوی (حد.)
narrator; reporter	۴۲	
traditionist	۲۳	
monk	۲۱، ۴۵	راهب (نیز ← رهبان؛ رهبانیت)
Christian monk	۴۲	
devotee	۴۵	
hermit	۱۰۹	
nun	۴۲	راهبه
bandit; brigand; highway robber	۱۲۰	راهزن
pledger; mortgagor	۱۲۱	راهین (نیز ← رهن؛ رهین / رهینه؛
		مرهون؛ مرتهن)
guide	۶	راهنما
guidance	۴	راهنمایی

	رایت	
banner	۳۱	
flag	۴۲	
Capricorn	۹۹	رأس الجدى (نجد.) (نیز ← مدار
		رأس الجدى)
Cancer	۹۹	رأس السرطان (نجد.) (نیز ← مدار
		رأس السرطان)
Algol	۳۶	رأس الغول (نجد.)
capital	۴۲.۴۵.۸۵.۹۵	رأس المال [جمع این کلمه به
		صورت رؤوس اموال در قرآن
		مجید به کار رفته است.]
purchase price; cost price	۶۱	
compassion	۱۶.۱۱۳	رأفت (قرآنی)
tenderness	۱۰۰	
kindness	۲۹	
The Merciful	۸۰	رثوف [= رءوف] (اسم الهی) (قرآنی)
Affectionate	۷	
Benevolent	۵۶	
Clement	۸۷.۹۰	
All - gentle	۱۰۰	
opinion	۴۰.۴۵.۸۵.۸۶.۹۵	رأى (فقد.)
individual opinion	۱۱۳	
personal opinion	۸۳	
juristic speculation	۸۶	
vote of censure	۶۱	رأى اعتماد (حق.)
vote of confidence		
sight of the eye	۷	رأى العين (قرآنی)
witness of eye; eye-witness	۱۲۰	
correct opinion	۶۸	رأى صواب
verdict	۸	رأى قضایى

closure	۶۱	رای کفایت مذاکرات (حق.)
dissenting opinion	۶۱	رای مخالف (حق.)
president; manager; superintendent; director; boss; head master	۱۲۱	رئیس
prime minister; primier	۱۲۱	رئیس الوزراء (نیز ← صدراعظم)
manageress; directress	۱۲۱	رئیس
Lord	۸۷، ۱۰۰، ۱۰۳ ۱۶، ۳۱، ۴۲، ۴۵	رب (۱) (اسم الهی) (قرآنی)
God	۳۱، ۴۵	
master (of a slave)	۱۶، ۴۵	رب (۲) [دارنده، صاحب و نظایر آن]
owner	۸۵	
Lord of the lords	۳۴	رب الارباب
the Supreme Deity	۱۰۴	
Supreme Lord	۱۰۳	رب الاعلی
Lord of Heavens and Earth		رب السماوات والارض (اسم الهی) (قرآنی)
Lord of Sirius	۱۰۰	رب الشعرى (اسم الهی) (قرآنی)
Lord of the Worlds	۲۹، ۸۷	رب العالمین (اسم الهی) (قرآنی)
Lord of all Being	۱۰۰	
Lord of the Might Throne	۱۰۰	رب العرش (اسم الهی) (قرآنی)
Lord of Glory	۱۰۰	رب العزه (اسم الهی) (قرآنی)
Lord of the Day break	۱۰۰، ۱۰۳	رب الفلق (اسم الهی) (قرآنی)
sleeping partner	۸۵	رب المال

Lord of the Easts	١٠٠	رب المشارق (اسم الهى) (قرآنى)
Lord of Easts and Wests	١٠٠	رب المشارق و المغرب (اسم الهى) (قرآنى)
Lord of the East and the West	١٠٠	رب المشرق و المغرب (اسم الهى) (قرآنى)
Lord of the Two Easts	١٠٠	رب المشرقين (اسم الهى) (قرآنى)
Lord of the Two Wests	١٠٠	رب المغربين (اسم الهى) (قرآنى)
Lord of Men	١٠٠	رب الناس (اسم الهى) (قرآنى)
archetype	١٣	رب النوع
specific deity; Lord of the species	٣١	
beneficent lord	١٠٣	رب كريم
usury	٢.٧.٤٥.٦٤.٨٠.٨٦.٨٧.١٠٠.١١٣	ربا (قرآنى)
interest	٢.٨٥	
excess	٨٥	
usury in kind	١١٣	ربا الفضل
step-daughters	٧.٦٤.٨٧	ربائب (قرآنى)
rebeck	٥٢	رباب (مس.)
small viol	٨٠-٥	ربابه (مس.)
usurer	٣١	رباخوار
inn	٤٨	رباط
carvanserai	١٨	
hospice (Sufi hospice)	٤٨.٥١	
monastery	٤٥	
strings of horses	١٠٠	رباط الخيل (قرآنى)
quadrilateral	٢٨.١٢١	رباعى (دس.)

quatrain	۲۶، ۸۰، ۱۲۸	رباعی (بع.) (نیز ← دو بیتی)
tetrastich; rubai	۱۲۸	
quadrivium	۴۲	رباعیات (منط.)
tetrastiches	۳۱	رباعیات (بع.)
Divine	۱۶	ربانی [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
priest	۸۷	
man of god	۱۰۳	
Lordship	۱۶، ۲۱، ۵۳، ۹۳، ۱۰۳	ربانیت [ربوبیت]
Divinity	۴۲، ۴۵، ۱۰۳	
Sovereignty (of God)	۴۲، ۱۱۱	
Divine powers	۹۰	
Godhead	۲	
profit	۱۰۰	ربح (۱) [مشتقی از این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]
gain	۷	
interest; usury	۱۲۰	ربح (۲) [بهره پول، تنزیل، ربا]
outskirts; suburb	۱۲۱	ربض
the inhabited quarter of the earth	۸۰ - ۳	ربع مسکون
loop; noose	۱۲۶	ربقه
Lordly	۸۰ - ۴	ربوبی
foster son; stepson; foster father	۱۲۱	ربوبیت ← ربانیت
ordering of affairs	۳۱	ربیب
administering	۱۱۴	ربیبه ← ربائب
lament	۱۲۱	رتق و فتق
(funerary) elegy	۸۰ - ۴	رثاء (بع.) (نیز ← مرثیه)
hope	۴۵، ۵۸، ۸۰، ۹۵، ۱۰۳، ۱۱۸	رجاء (تص.) [مشتقات این کلمه در

قرآن مجید به کار رفته است.

(نیز ← راجی، مرجو)

authorities	۴۵	رجال (حد)
men of the invisible hierarchy	۵۸	رجال الغیب
people from the invisible	۵۳	
religious scholars	۱۲	رجال دینی
the vulgar	۱۲۰	رجاله
foot soldiers	۹۹	
preponderance	۱۲۱	رجحان
preference	۱۲۰	
		رج چینی ← آجر چینی
terror	۸۷	رَجَز (قرآنی)
plague	۷	
defilement	۱۰۰	رُجَز (قرآنی)
uncleanfess	۱۰۰	
a poetical meter	۱۲۶	رَجَز
boasting	۱۲۰	رَجَز
abomination	۹۰۱۰۰	رجس (قرآنی)
infamy; ignominy; unclean- ; wickedness	۸۷	
Return	۳۹، ۴۲، ۴۵، ۸۰	رجعت (کل.)
resurrection	۲۴، ۴۲	
second coming	۴۴	
return to life	۸۰ - ۵	
restitution	۳۸، ۴۲	رجعت (فق.)
withdrawal from divorce	۲۲	
revocable divorce	۴۲	رجعی [طلاق]
earthquake	۸۷	رجفه (قرآنی) (نیز ← راجفه)
Rigel	۳۶	رجل الجبار (نج.)

Rigil Kentaurus	۳۶	رَجُل قنطورس (نجم.)
stoning (to death)	۷.۳۱.۴۵.۸۷	رَجْم (فقه.) [مشتقات این کلمه، در معنی سنگسار یا راندن در قرآن مجید به کار رفته است. ولی در معنای اصطلاحی فقهی که از جمله «حدود» است، در قرآن به کار نرفته است.]
pelting with stone	۳۱	
Lapidation; casting of stones; curse	۴۵	
guessing at random	۸۷	رجماً بالغیب (قرآنی)
withdrawal; revocation; retractation	۸۵	رجوع (فقه.)
return	۹۵	
revoke	۱۵	
reduction	۹۸	رجوع (منط.)
masculinity	۱۲۱	رجولیت
manliness; virility	۴۲	
accursed	۱۰۰	رجیم [شیطان] (قرآنی)
execrable (devil)	۳۱	
execrated one	۵۲	
great traveler; explorer; globetrotter	۱۲۱	رَحَّالَه [= جهانگرد، کثیر السفر]
caravan	۸۷.۱۰۰	رحلت (قرآنی) [= کوچ، سفر]
pass away; die	۱۲۱	رحلت [= ارتحال، در گذشت، وفات]
travel book	پ	رحله [= سفرنامه]
mercy	۲۹.۱۰۳	رَحْم [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
compassion	۴۲	
womb	۲۹.۸۷.۹۹	رَحِم (نیز ۷ صله رحم؛ قطع رحم)
the merciful	۸۷.۱۰۰	رُحَمَاء (قرآنی)

the compassionate	٧	
All - merciful	٨٨, ١٠٠, ١١٣	رحمان [=الرحمن] (اسم الهى) (قرآنى)
The Beneficent	٧, ٨٧	
The Compassionate	٨, ٤٥	
The Benefactor	٨٠	
mercifulness	١١٣	رحمانيت
mercy	١١	
compassionateness	١١٨	
all-mercy	١١	رحمانيت مطلق
mercy	١, ٧, ٢٢, ٨٧, ٨٨, ٩٦, ١٠٠, ١٠٣, ١٣٣	رحمت (قرآنى)
compassion	٢٢, ٢٥, ٩٩	
Divine mercy	٦٣	رحمت الهى
mercy of God; blessing of God	١٠٣	
God's mercy	٨٠	
Divine mercy	١٠٣	رحمت حق
special mercy	١	رحمت خاصه
all encompassing mercy	١	رحمت عامه
on whom be the mercy of God	٢٥	رحمت الله عليه
may God have mercy on him	٢١	
		رحمن ← رحمان
pity; compassion	١٢٢	رَحْمُوت
may Allah be merciful to him	٦	رَحِمَهُ اللهُ
may God, who is exalted above	٦٥	رحمه الله تعالى
all, have mercy on him		
pure wine	٨٧	رَحِيق (قرآنى)
wine	١٠٠	
journey	٨٠-٤	رحيل
decampment	٢٥	

The Merciful	۲۹.۸۰.۸۷.۱۰۷	رحیم (الرحیم) (اسم الهی) (قرآنی)
The Compassionate	۸۰.۹۹.۱۱۳	
The All-Compassionate	۱۰۰	
alabaster	۱۲۹	رُخام
marble	۳۱	
special dispensation	۸۶	رخصت (فق.)
concession	۸۰-۳	
liberty	۴۵	
license	۳۴	
refutation	۱۵.۴۵.۸۰-۳	ردّ [ابطال]
refuting	۱۰۵	
rejection	۸۰-۳	
answer to salutation	۴۲	ردّ السلام
sending back the sun	۱۰۹	ردّ الشمس
gradatio; duplicatio; palilogia; anadiplosis; epanadiplosis	۱۲۸	ردّ الصدر علی العجز (عر.)
epanalepsis; epanadiplosis; serpentine verse	۱۲۸	ردّ العجز علی الصدر (عر.)
recrimination	۶۱	ردّ تهمت (حق.)
cloak	۳۱	
mantle	۲۱.۳۱	ردا
outer wrapping garment	۶۷	
apostasy	۴۵.۸۰.۸۸	ردّه (نیز ← ارتداد)
identical rhyme	۱۲۸	ردیف (عر.)
refrain	۲۶-۲	ردیف (بع.) [کلمه یا کلمات مکرری که در شعر فارسی پس از کلمه قافیه می آید.]
rebuttal	۲۷	ردیه

vices	۱۰۴	رذایل
rice-seller	۱۲۰	رزاز
All-provider	۱۰۰	رزاق [الرّزاق] (اسم الہی) (قرآنی)
Provider	۴۵.۱۰۳	
Sustaining	۹۰	
All-sustaining	۱۱	رزاق مطلق
all-sustenance	۱۱	رزاقیت مطلق
provision	۶۴.۸۷.۱۰۰.۱۱۲	رزق (قرآنی)
sustenance	۲۹.۱۱۰.۱۱۲	
preordained sustenance	۱۰	
bountiful provision	۸۷	رزق کریم (قرآنی)
misfortune	۱۲۰.۱۲۶	رزیه [= رزینہ]
disaster; calamity	۱۲۱	
		رسالات ے رسالہ
message	۶.۷.۱۶.۱۰۰	رسالت (قرآنی)
messengership	۶	
mission	۴.۱۱	
the message of Islam	۱۶	رسالت اسلام
prophetic mission	۱۱	رسالت نبوی
epistle	۴۳.۵۱.۸۰.۹۱	رسالہ
treatise	۲۰	
report	۵۱	
resurrection	۱۱.۱۰۳	رستاخیز (نیز ے حشر: رجعت: ۱۱.۱۰۳)
		قیامت: معاد)
saved; delivered	۴۲	رستگار
triumphant	۴	
prosperity	۲۲	رستگاری
salvation	۴۲	
apostles	۷	رُسل (قرآنی)

messengers	۱۰۰	
description	۸۰.۹۷.۱۰۲.۱۰۵.۱۱۱	رسم (منط. فل.)
descriptive definition	۳۲.۸۰	
complete description	۹۷	رسم تام
imperfect description	۹۷	رسم ناقص
official; formal	۱۲۳	
sediment	۳۱	رسمی
messenger	۸۵.۱۰۰.۱۰۳.۱۱۲	رسوب
	۴۵.۸۰	رسول (قرآنی)
apostle	۴۵.۸۰.۱۰۹.۱۱۰	
Apostle of God (Allah)	۷.۱۰۹	رسول الله (قرآنی)
Messenger of Allah	۴.۸۷	
customs; canons; dues; taxes; fees	۳۱	رسوم
right conduct	۸۷	رشاد (قرآنی)
rectitude	۳۱.۱۰۰	رشد [مق. غی] (قرآنی)
right way	۷	
bribery	۸.۸۵	رشوه (نیز ← ارتشاء؛ راشی، مرتشی)
upright	۸۷	رشید (قرآنی) (نیز ← رشد؛ رشاد)
Rosetta	۹۹	رشید [= روزتا: شهری در مصر،
		نزدیک مصب رشید رود نیل ... ←
		دایرة المعارف فارسی]
observation	۳۶.۱۲۹	رصد (نج.)
observatory	۳۶.۱۲۹	رصدخانه
contentment		رض/ارضه ← رضی الله عنه
	۵۸.۹۳.۱۱۳.۱۲۱	رضا [مشتقات این کلمه در قرآن
		مجید به کار رفته است.]
consent	۲۵.۸۵.۹۵.۱۰۹	
satisfaction	۸۰.۹۰.۱۲۱	

fosterage	۴۲، ۸۵	رضاع [مصدر دیگری از همین ماده به صورت الرّضاعة در قرآن مجید، به همین معنی به کار رفته است.]
suckling; foster relationship	۴۵	(نیز ← رضیع؛ مرضعه)
pleasure	۴	رضایت
consent	۳۹	
sufference	۶۱	رضایت ضمنی (حق.)
give consent	۳۹	رضایت دادن
good pleasure	۴۵، ۱۰۰، ۱۱۲	رضوان (قرآنی)
contentment; acceptance	۸۷	
good pleasure of God	۷، ۱۶، ۸۷	رضوان الله (قرآنی)
approval of God	۸۰-۲	
May God be (well) pleased with him	۷، ۴۲، ۸۲، ۱۰۳	رضی الله عنه [همین جمله دعائی به صورت رضی الله عنهم در قرآن مجید به کار رفته است.]
infant; foster-brother	۱۲۰	رضیع
ripe date	۸۷	رُطَب (قرآنی)
fresh date	۷، ۱۴	
wet	۸۷	رُطَب (قرآنی) (مق. یابس)
green	۷	
pint	۶۵	رَطْل
moisture	۱۰۷	رطوبت
humidity	۷۴، ۱۲۹	
absolute humidity	۷۴	رطوبت مطلق (جف.)
relative humidity	۷۴	رطوبت نسبی (جف.)
nose bleed	۱۲۱	رُعاع ← همج الرعاع رُعاف

peasants	۴۷، ۸۰، ۱۰۱	رعایا
subjects	۴۷، ۸۰	
subject tribes; peasantry	۸۰	
observance	۷، ۸۷	رعایت (قرآنی)
terror	۷، ۸۷، ۹۹	رُعب (قرآنی)
The Thunder	۷، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰	رعد [سوره]
tension	۵۶	رعشه (پز. قدیم)
tremor	۷۱	
follies of the soul	۲۱	رعونت نفس
the folk	۸۰ - ۴	رعیت
yearning	۱۱۸	رغبت [مشتقات دیگر این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
desire	۹۵	
decayed particles	۷	رغم ← علی رغم
mortal remains; body (of a person)	۱۲۱	رُفات (قرآنی)
furnishing of provisions to the pilgrims	۸۰ - ۵	رفاده (فق.)
welfare	۷۵	رفاه
prosperity	۱۵	
lewdness	۸۷	رَفَث (قرآنی) [= جماع]
cushions	۷، ۸۷، ۱۰۰	رَفْرَف (قرآنی) [= بالش؛ بساط گرانمایه]
no lotion	۹۵	رفض (نیز ← رافضه؛ رافضی)
repudiation of the legitimacy	۲۷	
heresy	۱۱۴	رفض والحاد (نیز ← الحاد؛ زندقه؛ ارتداد)
loftiness	۲۱	رفعت [مشتقات دیگر این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]

eminence	۱	
emancipation	۶۳	رفع حَجَر از قاصر (فق.)
raise interdiction from	۱۵	رفع محجوریت کردن
kindness	۹۹	رفق
tolerance	۴	
comfort	۱۱۸	
mending; repair; darn	۱۲۱	رفو
sublime	۲۹	رفیع
The Exalter of Ranks	۸۷، ۱۰۰	رفیع الدرجات (اسم الهی) (قرآنی)
companion, comrade	۱۰۰، ۱۰۳	رفیق (قرآنی)
a congenial mate	۵۵	رفیق شفیق
slavery	۸۰ - ۵	رِقّ
bondage	۱۲۳	
		رِقَاب / فی الرقاب ← رقبه
antagonism	۴	رقابت
rivalry	۱۲۰	
competition	۷۵	
unfair competition	۷۵	رقابت نامشروع
captive slave	۴۲	رقبه (قرآنی) (نیز ← فك رقبه، ۴۲ تحریر رقبه)
slave	۴۵، ۸۵	
compassion	۴	رَقّت *
delicacy	۲۱	
delicacy of nature	۲۱	رَقّت طبع
dance	۱۲۰	رقص
script	۱۰۸	رقم
parchment unrolled	۸۷، ۱۰۰	رَقّ منشور (قرآنی)
Callinicum		رَقّه [= کالینیکوس، شهر قدیم بین النهرین، بر ساحل چپ

		فرات، در ناحیه دیار مضر ← دایرة المعارف فارسی]
The Watcher	۴۵، ۸۷	رقیب [الرقیب] (اسم الهی) (قرآنی)
watching	۷، ۱۰۰	رقیب (قرآنی)
female slave	۳۱	رقیت ← رق رقیقه
letter	۱۲۰	رقیم ← اصحاب رقیم رقیمه
enchanting; bewitching	۳۱	رُقیه
riding camel	۷، ۸۷	رکاب (قرآنی) [= شترانِ بارگی]
buried treasures	۹۹	رکاز
knee	۱۲۰	رُکبه
rak'at (rak'a)	۴، ۱۴	رَکعت (نیز ← رکوع)
unit (of prayer)	۲۰	
genuflection	۹۳	
support	۷، ۸۷	رکن (قرآنی) [۱. معنای قرآنی اش]
pillar	۵۱، ۸۲، ۹۹، ۱۱۳	پشتوانه و نیرو است. [۲. اساس و شرط اساسی و نظایر آن]
element; base	۴۰	
essential element	۸۵	
fundamental obligation	۱۱۳	
foot	۱۲۸	رکن [= جزء عروضی، پایه]
pillar of religion	۸۲-۵	رکن الدین
sure authority	۱۰۹	رکن وثیق
riding	۸۷، ۱۰۰	رَکوب (قرآنی) [= بر نشستن بر حیواناتِ سواری]
stagnation	۱۶	رکود
bowing	۵۳، ۱۱۲	رکوع [مشتقات دیگر این کلمه در

قرآن مجید به کار رفته است.

bowing the head	۲۱	
inclining one's head	۱۱۲	
kneeling	۲	
bow down	۶، ۸۷	رکوع کردن
bow	۶۴	
genuflect	۲۹	
leathern water bottle	۲۱	رکوه
vein	پ	رگ
		رگ گردن ← حبل الوريد رماد
		(قرآنی) [= خاکستر]
geomancer; fortune teller	۳۱	رَمال
geomancy	۳۱، ۵۴	رَمالی [رمل]
arrow throwing	۲۷	رمایه [= تیراندازی] (نیز ← رمی)
		(النشاب)
mystery	۱۱	رمز (قرآنی)
sign	۷، ۸۷	
symbol	۵۸، ۹۵، ۱۰۱	
allegory; indication		
grave; sepulchre; tomb	۳۱	رَمس
Ramadan (Ramadhan)	۲۰، ۱۰۰	رمضان (قرآنی)
sand	۱۲۱	رَمَل [ریگ، شن]
		رمل نیز ← رَمالی
mysteries of selflessness	۸۰-۳	رموز بیخودی
archery	۸۰-۵	رمی النُشاب [= تیراندازی] (نیز ← رمی)
		(رمایه)
stone-throwing	۴۵	رمی جمره (نیز ← جمره)
rake; profligate	۲۵	ریند (تصد. ادب.)
sagacious	۳۱	

rakehell	۵۲	
libertine	۱۸	
currency; circulation	۱۲۰	
portico	۳۱.۱۱۵.۱۲۹	رواج رواق (معم.)
loggia; pillared hall	۴۵	
porch	۱۲۹	
arcade	۱۱۵	
cloister like galleries or arcades	۸۰ - ۴	
Stoic philosopher	۳۱	رواقی
Stoics	۵۶	رواقیون
Stoicism	۴۲	رواقیه [= رواقیگری]
soul	۴۲. ۱۰۳	روان (نیز ← نفس؛ روح؛ ذهن)
spirit	۱۰۳	
psyche; pneuma	۱۱	
		روانشاد ← شادروان، مرحوم
psychology; pneumatology	۱۱	روان شناسی (نیز ← علم النفس)
transmission	۱۱۳	روایت (حد) (نیز ← درایت؛ حدیث؛ رجال)
narration.	۱۶	
recension	۹۹	
version	۸۰ - ۵	
account	۱۹	
tradition	۴. ۲۸. ۳۱	
sound tradition	۲۸. ۳۱	روایت صحیح
celebrated or well-known tradition	۳۱	روایت مشهور
discontinued narration	۴۱	روایت موقوفه
narrate	۶	روایت کردن
spirit	۹۵. ۱۰۰. ۱۰۳. ۱۱۸. ۱۹۹	روح (قرآنی) (نیز ← روان؛ نفس، ذهن)
	۴. ۳۴. ۴۵. ۸۷	

soul	۴.۷	
Trusted Spirit	۱۰.۳	روح الامین (قرآنی)
True Spirit	۸۷	
Faithful Spirit	۷.۴۵.۱۰۰	
Holy Spirit	۷.۴۳.۴۵.۸۷.۱۰۰.۱۱۲	روح القدس (قرآنی)
God's Spirit	۳۴	روح الله [حضرت مسیح]
Spirit of God	۳۸	
exalted spirit	۳۸	روح اعظم
human spirit	۴۲.۱۰.۳	روح انسانی
animal spirit	۱۱.۴۲.۹۹.۱۰.۳	روح حیوانی
animal soul	۱۰.۳	
lower spirit	۴۲	روح سفلی
heavenly spirit	۴۲	روح علوی
natural spirit	۸۰-۳	روح غریزی
celestial spirit	۴۲	روح فلکی
vital spirit	۹۹	روح قلبی
astral spirit	۱۱	روح مثالی
veiled spirit	۱۰.۳	روح مُسْتَر
uncreated spirit of God	۸۰-۳	روح ناطقه (نیز نفس ناطقه)
vegetable spirit	۴۲	روح نباتی
1. spiritual	۴۲.۹۵	روحانی [۱] در مقابل جسمانی یا
2. clergyman; theologian	۱۵.۱۶	مادی؛ [۲] رجال و علمای دینی
spiritual delights	۸۰-۲	روحانیات
spirituality	۴	روحانیت [نیز روحانی - معنای
		دوم -]
		روحی ← روحانی
river	۱۲۹	رود (جف.)
day	۳۱.۱۰.۳	روز
day of death	۱۰.۳	روز اجل

doomsday	۲	روز بازپسین
day of investigation	۳۱	روز بازخواست
day of retribution	۳۱	روز جزا
day of reckoning	۳۱	روز حساب
Day of Resurrection	۴، ۸۷، ۱۰۰	روز قیامت
The Last day	۲۲، ۱۰۰	
day of gathering	۳۱	روز محشر
sidereal day	۷۴	روز نجومی
mesh; orifice; stoma	۱۲۹	روزنه [= منفذ؛ سوراخ] (معم.)
fast	۱۰۰، ۱۰۳	روزه
fasting	۲	
continual fasting	۲۱	روزه وصال
fast; observe the fast	۲۱	روزه داشتن
fast	۴	روزه گرفتن (نیز ← صوم)
break one's fast	۱۴	روزه گشادن (نیز ← افطار)
allotted portion	۱۰۳	روزی (نیز ← رزق)
sustenance	۲	
		روزی دهنده (← رازق؛ رزاق)
method	۱۱	روش (منط.)
inductive method	۱۱	روش استقرائی (منط.)
axiomatic method	۹۴	روش اصل موضوعی (منط.)
explanatory method	۱۱	روش تبیینی
descriptive method	۱۱	روش تشریحی
comparative method	۱۱	روش تطبیقی
		روش دیالکتیک ← روش جدلی
deductive method	۱۱، ۹۴	روش قیاسی
methodology	۱۱	روش شناسی
recital of the martyrdom of Imam Husain	۵۱	روژه [ذکر سرگذشت و مناقب و مصائب چهارده معصوم (ع) و

امامزادگان، بر سر منبر. وجه
تسمیه این نوع خطابه این بوده
است که ابتدا بخشهایی از کتاب
روضه الشهداء تالیف ملاحسین
واعظ کاشفی را برای شنوندگان
می خوانده اند. [نیز ۷ مرثیه،
مرثیه خوانی]

reciter	۶۸	روضه خوان
professional narrator	۵۱	
recitation of the sufferings of holy martyrs	۲۷	روضه خوانی
Abode of Peace	۵۵	روضه دارالسلام
Garden of Paradise		روضه رضوان [در تفاسیر و قصص پ اسلامی، رضوان نام خازن بزرگ بهشت است.]
floral poetry	۸۰-۳	روضیات [نوعی شعر]
The Romans	۷، ۸۷	روم [سوره]
Byzantine	۱۴، ۹۹	روم [سرزمین] (نیز ۷ بیزانس؛ بوزانتیون)
		رؤوف ۷ رئوف
dream	۶، ۷	رؤیا (قرآنی)
vision	۲۸، ۴۵، ۸۷، ۹۹	
true dream	۶۸	رؤیای صادق
vision	۲۸، ۹۰، ۹۵، ۱۰۶	رؤیت
vision of God	۸۰	رؤیت الله
pledge	۸۷، ۱۰۰	رہان (قرآنی)
security	۷	
monks	۷، ۶۴، ۸۴	رُهبان (قرآنی) (نیز ۷ راهب؛ راهبه)

hermit	۱۱	
monasticism	۳۱.۴۵.۸۷.۱۰۰	رهبانیت (قرآنی)
monkery	۷	
celibacy	۹۳	
fear	۱۲۲	رَهْبُوت
mortgage	۱۵	رهن (نیز ← راهن؛ مرهون؛ مرتهن؛ رهین / رهینه)
pawn	۳۱.۸۵	
pawning	۳۱.۳۸	
pledge	۳۸.۸۵	
pledging	۳۸	
security	۸۰.۸۳.۸۵	
hypothecation	۷۵	رهن گذاری
property in pawn	۴۲	رهنی
pledge	۷.۸۷	رهین / رهینه (قرآنی)
make display; hypocrisy	۱۶.۴۲.۹۵.۱۰۰	ریا [تلفظ قرآنی این کلمه رثاء است.]
dissimulation	۴۲.۵۷	
eye service	۱۲۱	
direction; chairmanship; management	۱۲۱	
authority	۲۱	ریاست
asceticism	۱۱.۱۰۳	ریاضت (نیز ← مرتاض)
austerity	۴۵.۱۰۳	
mortification	۲۲.۴۱	
ascetic exercise	۱۰۳	
abstinence	۹	
suffer hardships	۳۱	ریاضت کشیدن
mathematics	۱۲۰	ریاضیات
plumb line	۱۲۹	ریسمان شاغول (معم.)

mason's line	۱۲۹	ریسمان کار (معم.)
doubt	۷.۸۷.۱۰۰	رَب (قرآنی)
jugglery and tricks	۵۴	ریمیا [از علوم غریبه یا خفیه؛ شعبده]

ز

pilgrim; visitor	۴۲	زائر (نیز زیارت)
pilgrim to a holy shrine	۳۱	
heretics	۱۰۵	زائغین (نیز ← زیغ؛ ازاغ)
provision	۷.۱۲.۶۴.۸۷	زاد (قرآنی)
mother country	۳۱	زاد بوم
progeny	۴۴	زاد و ولد (نیز ← ذریه)
sower	۱۲۰	زارع (قرآنی)
farmer	۱۲۱	
lament; sore grief; humility	۱۰۳	زاری (نیز ← بکاء)
leech	۳۱	زالو
elbow	۱۲۹	زانویی (معم.)
adulterer	۱۵	زانی (قرآنی) (نیز ← زنا)
fornicator	۷.۱۰۰	
adulteress	۶۴	زانیه (قرآنی) (نیز ← زنا)
fornicatress	۷.۱۰۰	
monastery	۴۲.۴۵	زاویه (تص.)
convent	۴۵.۸۰	
hostle	۸۰-۴	
Sufi center	۵۸	

shrine	۴۲	
angle	۹۹، ۱۲۹	زاویه (رض. جف.)
acute angle	۹۹، ۱۲۱	زاویه حاده (رض.)
hour angle	۷۴	زاویه ساعتی (جف.)
sidereal hour angle	۳۶	زاویه ساعتی نجومی
azimuth	۳۶	زاویه سمت (نج.)
right angle	۹۹	زاویه قائمه (رض.)
obtuse angle	۹۹	زاویه منفرجه (رض.)
pious	۴	زاهد [در قرآن مجید يك بار کلمه الزاهدین به معنای ناخواهندگان و بی رغبتان به کار رفته است. ولی زهد و زاهد به معنای مصطلح در تصوف اسلامی در قرآن به کار نرفته است.]
recluse; renunciate	۲	
obstinent man; monk	۳۱	
perishing	۱۲۳	زاهق (قرآنی) (نیز ← زهوق)
horoscope; thema	۱۲۵	زایچه [= زایچه]
garbage	۱۲۹	زباله
childbirth	۱۲۰	زباله دان ← مزبله
labor	۱۲۵	زایمان (نیز ← وضع حمل)
language	۱۲۸	زبان
gestures; non-verbal language	۱۲۸	زبان حال
emotive language	۱۲۸	زبان عاطفی
vernacular language	۱۲۰	زبان مادری
figurative language	۱۲۸	زبان مجازی
verbal language	۱۲۸	زبان مقال
target language	۱۲۸	زبان منقول الیه [= زبان مقصد]

source language	زبان منقول عنه [= زبان]	مبدأ
delphinium orientale ; lark	۳۱	زبان در قفا (گیا.)
Zubenelgenubi	۳۶.۱۲۷	زُبانی جنوبی (نج.)
Zubenschamali	۱۲۷	زُبانی شمالی (نج.)
guards of Hell	۲۳.۱۰۰	زُبانیّه (قرآنی)
guardian demons	۵۶	
quintessence	۹۵	زُبده الشیء
topaz	۳۱.۱۲۵	زَبَرَجَد
chrysolite	۳۱.۱۲۰.۱۲۱	
Psalms	۴۲.۴۵.۸۰.۸۷.۱۰۰.۱۱۳	زَبور (قرآنی)
Psalter	۴۵	
Psalms of David	۳۸	زَبور داود
glass	۷.۱۰۰.۱۰۳.۱۲۹	زُجاجه (قرآنی)
vitreous		زُجاجیه (پز)
hyaloid, hyaline	۱۲۰	
scaring	۱۰۰	زَجَر (قرآنی)
drive away	۷.۸۷	
substitution; modification	۱۲۸	زحاف (عر.)
Saturn	۳۶.۱۲۵	زُحل (نج.) [= کیوان]
dysentery	۱۲۶	زَحیر (پز.)
Ornaments	۸۸.۱۰۰	زُخْرُف [سوره]
Ornaments of Gold	۸۷	
Embellishment	۷	
tawdry speech	۱۰۰	زُخْرُف القول (قرآنی)
		زَر ← ذهب
dry farming	۷۴	زراعت دیم (نیز ← دیمی)
cameleopard; giraffe	۳۱	زَرّافه
Camelopardalis	۳۵.۱۲۷	زَرّافه (نج.)

gold brocades	۸۰-۴	زربفت (هند.) (نیز ← زری بافی)
Zoroaster; Zarathushtra	۴۳	زرتشت [زردشت]
Zoroasterianism	۱۱	زرتشت‌گرایی [= زردشتیگری]
Zoroasterian	۱۱، ۱۲۰	زرتشتی [= زردشتی]
gall	۱۲۰	زرداب (نیز ← زهره؛ صفرا)
bile	۳۱	
trickery	۵۲	
Arzachel		زَرَق
	۱۲۵	زَرَقَالی [به لاتینی آرزاکل؛ ابن
		زرقیال، ابواسحاق ابراهیم بن
		یحیی، منجم مسلمان اسپانیائی
		در قرن پنجم هجری]
tapestry	۱۲۳	زَرکش
embroider	۱۲۶	
brocade; gold and silver embroidery	۱۲۱	
orpiment	۱۲۹	
arsenic	۱۲۶	زَرَنیخ
coat of mail	۸۴	
armour	۲	زَره (نیز ← جوشن)
brocade weaving	۷۸	زری بافی (هند.) (نیز ← زربفت)
authority	۱۵	زَعامت
saffron	۸۰-۵	زَعفران [معادل انگلیسی این کلمه،
		متخذ از اصل عربی آن است.]
make-believe	۸۷	زَعَم [مشتقات این کلمه در قرآن
		مجید به کار رفته است.]
claim	۸۷، ۱۲۱	
religious doctors	۲۷	زَعمای دینی
responsible	۷	زَعیم (قرآنی)
leader	۴	
chief	۴۷	

		زَفَاف
nuptial ceremony	۴۲	
consummation	۱۲۰	
carbon	۱۲۹	زغال
moaning	۱۰۰	زَفِير (قرآنی) (نیز - شهيق)
bitter drink	۵۶	زَقُوم (قرآنی)
Zaqqum	۸۷	
Zakkum	۱۱۲	
purity from virtuous action	۱۰۴	زکاء بالعمل
alms tax	۴۵.۵۷.۸۵	زکات [= الزکوة] (قرآنی)
alms	۲۶.۸۶.۱۰۰	
poor-due	۱۶.۸۷	
poor-tax	۲.۱۰۳	
alms giving	۱۰۳	
charity tax on property	۹۹	زکات مال
		زکات فطر ← فطريه
cold; catarrh	۱۲۳.۱۲۶	زُکام [= نزله]
nasal catarrh	۷۱	زکام [= نزله] (پز.)
Zachariah	۷.۴۳.۴۵.۸۷.۱۰۰	زکریّا (قرآنی)
		زُکوة ← زکات
most pure	۱۰۰	زکی (قرآنی)
innocent	۷.۱۰۰	زکيه (قرآنی)
backsliding	۱۰۳	زَلَّت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
slip; fault; fall	۱۲۶	
The Shaking	۷	زِلْزَال [سوره]
The Earthquake	۸۷.۸۸.۱۰۰	
earthquake	۲۹.۸۷.۱۰۰.۱۲۹	زَلْزَلَه (قرآنی)
rein	۱۲۰.۱۲۱	زمام
ruler	۴	زمامدار

guardian of the affairs	۳	
governorship	۴	زمانمداری
time; tense	۳۱	زمان
tense	۱۲۸	زمان (دس-)
simple future tense	۱۲۸	زمان آینده ساده [مستقبل]
simple present tense	۱۲۸	زمان حال ساده
past tense	۱۲۸	زمان ماضی
past continuous tense	۱۲۸	زمان ماضی استمراری
past perfect tense	۱۲۸	ماضی بعید
simple past tense	۱۲۸	زمان ماضی مطلق
present perfect tense	۱۲۸	زمان ماضی نقلی
temporal	۱۱، ۹۵، ۱۰۶، ۱۰۸	زمانی
The Companies	۷، ۱۰۰	زمره ← زُمَر
The Troops	۸۷، ۸۸	زُمَر [سوره]
emerald	۱۲۱، ۱۲۵	زُمَرَد
Zemzem	۱۲۱	زَمْزَم (چاه معروفی در مکه)
bitter cold	۶۴، ۱۰۰	زمهریر (قرآنی)
earth	۱۲۵	زمین
arable land	۶۱	زمین زراعی
treaty land	۵-۳	زمین صلح
geocentric	۳۶	زمین لرزه ← زلزله
dead land	۹۹	زمین مرکزی (نج-)
woman; wife	۱۲۰	زمین موات (نیز ← احياء اراضی)
married woman	۱۲۰	موات)
concubine	۱۲۰	زن
		زن شوهردار
		زن صیغه‌ای
		(نیز ← سُرَّیْه)

(1) fornication	۱۰۰.۱۱۲	زنا (قرآنی) [زنای محصنه یا
	۷.۳۹.۴۵.۸۶	مُحصَن غالباً برابر با معادل (۲)
(2) adultery	۱۰۹.۱۱۲	و زنای غیر محصنه برابر با
	۱۵.۲۲.۹۹	معادل (۱) است. ولی گاه
		مسامحتاً این دو معادل را به طور
		مطلق و به جای یکدیگر هم به
		کار می‌برند.]
incest	۱۵	زنا با محارم
rape	۱۲۰	زنا به عنف
		زنداقه ← زندیق
zone	۱۲۰	زنار
(Ghristian) girdle	۱۰۳	
girdle	۴۲.۱۰۳	
		زنا زاده ← ولدالزنا
matrimony	۱۵	زناشویی
wedlock	۳۱	
		زناکار ← زانی؛ زائیه
adulterate	۶۱	زنا کردن
ginger	۷.۱۰۰	زنجبیل (قرآنی)
zingiber officinale	۱۲۵	
self-flagellation	۲۷	زنجیر زنی (نیز ← روضه خوانی؛
		عزاداری؛ مرثیه خوانی)
prison; jail	۳۱	زندان
heresy	۴۲	زندقه
disbelief in positive religion	۲۱	
Manichaeian heresy	۳۷	
heretic	۴۵.۵۳.۹۹	زندیق [این کلمه معرب زندیک و
		اصلاً به معنی اهل تأویل است. ←
		فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان

عربی، دایرة المعارف فارسی]

atheist	۶.۱۵.۳۱.۱۰۹.۱۲۱	
dualist	۶.۵۳	
infidel; sadducee	۳۱	
biography	۱۲۵	زندگینامه (نیز ← سیره؛ ترجمه (۲))
widower	۱۲۰	زن مرده (= مرد زن مرده) زنون ←
		زینون
		زنهاریان [یعنی اهل کتاب و اهل
		ذمه ← به واژه های نامبرده]
intrusive	۸۷	زنیم (قرآنی)
base-born	۷	
ignoble	۱۰۰	
passing-away	۷.۹۰	زوال (قرآنی)
extinction	۷۹	
transience	۵۶	
even number	۴۰	زوج (رض.)
spouse; husband; wife	۷.۳۱	زوج (قرآنی) [این کلمه در قرآن
		مجید به معنای مطلق همسر است
		یعنی هم شوهر و هم زن.]
couple; pair	۹۴	زوج (منط.)
ordered pair; ordered couple	۹۴	زوج مرتب
		زوجات (تعدد) ← تعدد زوجات
spouse; wife	۳۱	زوجه [نگاه کنید به یادداشت
		مربوط به کلمه زوج]
conjugalinity	۱۵	زوجیت
matrimony	۱۶	
pair	۷	زوجین (قرآنی)
spouses	۳۱.۸۷	
vanity	۸۷	زُور (قرآنی)

false	۷	
gymnasium	۳۱	زورخانه
palestra	۱۲۹	
renunciation	۶	زَهَادَت
pubes	۱۲۰	زَهَار
asceticism	۹، ۸۰، ۹۹، ۱۰۹	زهد [نگاه کنید به یادداشت مربوط به کلمه زاهد.]
abstinence	۲، ۴۵، ۹۰	
renunciation	۲، ۱۰۳، ۱۲۱	
piety	۶، ۱۱۸	
reclusion	۲	
austerity	۱۵	
abstention	۱۰۹	
ascetic poetry	۴۲	زَهْدِيَّات
poison	۳۱، ۱۲۰	زَهْر
Venus	۴۲	زُهره (نَجْـ). [= ناهید] (نیز ← سعد اصغر)
1. gall	۲۵	زهره [۱. صفرا، مراره، کیسه زرد
1. bile	۳۱	آب، ۲. کنایه از دلیری و
2. boldness; spirit; vigour	۳۱	شجاعت و جرأت و جُرْبَزَه]
drainage	۱۲۹	زَهْکَشی
fashion	۹۵	زِی
pious pilgrimage	۸۰ - ۴	زیارت (نیز زائر؛ حج) [مشتقی از این کلمه به صورت زُرْتَم در قرآن مجید به کار رفته است.]
visitation	۳۸، ۸۰	
visitation of tombs	۸۰	زیارت قبور
center of pilgrimage	۱۳	زیارتگاه
site of pilgrimage	۷۹	

place of pilgrimage	۳۱	زیارتنامه
a series of traditional prayers	۱۰۱	زَبَق ← جَبوه
oil	۸۷، ۱۰۰	زَبِت (قرآنی)
olive	۸۷، ۱۰۰	زیتون (قرآنی)
astronomical tables	۵۴، ۹۹	زَبِج (نَجـ.)
swerving	۱۰۰	زَبِغ
doubt	۸۷	زین العابدین [غالباً به عنوان لقب
the Pride (Glory) of those that Worship God	۶۵	امام سجاد (ع) چهارمین امام از ائمه اثنی عشر به کار می رود]
adornment	۶، ۱۱۸	زینت (قرآنی)
Zeno	۴۰	زینون [= زنون]
Zeno's paradoxes	پ	شبهات زینون

س

governor	۳۱	سائس
asker	۴۵	سائل (قرآنی)
petitioner	۹۹	
begger	۴۲، ۴۵، ۸۷	
archway	۷۸	ساباط (معمـ.)
penthouse; pentice	۱۲۹	
the outstrippers	۱۰۰، ۱۱۲	سابقون (قرآنی)
concealer; coverer; hider	۳۱	ساتر
prostrating	۸۷	ساجد (قرآنی)

		ساحت
realm	۱۸.۴۴	
presence	۲۹	
realm of God	۴۴	ساحت ربوبی
holly presence of Allah	۲۹	ساحت مقدس پروردگار
sorcerer	۴۵.۸۴.۱۰۰	ساحر (قرآنی)
magician	۴۵.۱۰۳	
wizard	۶۴.۸۷	
illicit magician	۴۵	
sorceress	۴۵	ساحره
bank; beach	۱۲۹	ساحل
lords	۹۹	سادات (نیز ے سید)
descendants of the Prophet	۱۲	
descendants of the Prophet who were Shi'ite	۱۲	سادات علویین
		ساده ے سید
Saracens		ساراسینها [نامی که یونانیان و ۱۲۵ رومیان به مردم سوریه و عربستان دادند سپس توسعاً به عربها و با توسع بیشتر به همه مسلمانها اطلاق می شد ے دائرةالمعارف فارسی ساراگوسا ے سرقسطه سارق (قرآنی) سارق القلیل سازگار (منط.) سازگاری (منط.) ساعة (قرآنی) [۱. قیامت؛ ۲. ۱۰۰ مقداری از زمان] ساعت (آلت) ۳۱
thief	۸۷.۱۰۰	
petty criminal	۸۰.۵	
consistent	۹۴	
consistency	۹۴	
1. Hour	۱۰۰	
2. hour	۷.۸۷.۱۰۰	
clock; watch	۳۱	

water clock	۱۲۵	ساعت آبی [در منابع قدیم اسلامی = سَرّاقَة الماء]
sundial	۱۲۵	ساعت آفتابی [= شاخص آفتابی]
clepsydra	۱۲۹	
felicitous hour	۱۱۴	ساعت سعد (نیز ← سعد)
alarm-clock	۱۲۰	ساعت شماطه دار
negative	۴۲.۹۴	سالب (منط.)
negative	۹۷	سالبه (منط.)
negative coincidental	۹۷	سالبه اتفاقیّه (منط.)
negative antagonistic	۹۷	سالبه عنادیّه (منط.)
negative cogent	۹۷	سالبه لزومیّه (منط.)
solar year	۴۲	سال شمسی
lunar year	۴۲	سال قمری
sidereal year	۷۴	سال نجومی
traveller; devotee; disciple	۳۱	سالک (نیز ← سلوک)
a Sufi disciple	۸۰	
traveller (on the mystic way)	۱۰۳	
traveller upon the path	۵۸	
pilgrim	۳۴	
an ascetic; a mystic	۳۱	سالک راه خدا
farer on the way	۵۲	سالک طریق
follower of the path	۱۳	سالک طریقت
strider who is attracted	۸۰-۵	سالک مجذوب
a traveller attracted by Divine Grace	۵۸	
attracted devotee	۳۸	
safe	۷	سالم (قرآنی)
Shem	۱۹.۹۹	سام [فرزند نوح پیامبر]
Samaritan	۴۲.۴۵.۱۰۰.۱۱۲	سامری (قرآنی)

Speaking Calf (which was raised
in Moses time)

گوساله سامری. (نیز ← عجل) ۴۲

Semitic

negligent; forgetful

abrasive

pergola; pentice; canopy; bower

vilification

سامعه ← حس سامعه

۳۷

سامی

۳۱

ساهی (اسم فاعل از سهو)

۳۶

سایا (نجم.)

۱۲۹

سایبان [= سباط؛ آلاچیق]

۲۷

سَبّ [مشتقات این کلمه در قرآن

مجید به کار رفته است.]

Sheba

fore-finger; index

۷.۸۸.۱۰۰.۱۱۲

سبا (قرآنی)

۳۱

سَبَّابه (انگشت اشاره، سابقه این

تسمیه به عهد جاهلیت می‌رسد؛

معادل اسلامی آن مَسْبُوحَه است)

سبب (فل.)

۴۰.۴۵.۱۰۳.۱۰۵.۱۱۱

cause

formal cause

accidental factor

rope

causality

Sabbath (Jewish day of rest)

Sabbatarians

glory be to Him

سبب صوری

سبب عارض

سبب (عر.)

سببیت (فل.)

سَبِّت (قرآنی)

سببیه [اصحاب سبت]

سبحان (نعت الهی) (قرآنی) [این ۷.۱۰۰

کلمه را که در کاربرد قرآنی اش

صفت نیست، گاه به صورت

صفت فی‌المثل در «خداوند

سبحان» به کار می‌برند.]

The Pure

The Glorified

Glory be to God (to Allah)

Holiness be to God

۱۱

۲

۶.۱۱۲

سبحان الله (قرآنی)

۳۸

Be He Glorified	۸۷	
To God be Glory	۱۰۰	
Glory unto thee	۸۷	سبحانك
Be He Glorified	۸۷	سبحانه (قرآنی)
Glory be to him, and highly exalted is He	۲۹	سبحانه و تعالی (قرآنی)
Glorified be He and High Exalted	۸۷	
rosary	۴۲، ۴۵، ۸۰	سُبُحَه [= تسبیح]
tribe	۴۲، ۸۷	سَبِط [جمع آن به صورت اسباط در قرآن مجید به کار رفته است.]
the two offsprings (of Ali), Hasan and Husain	۳۱	سبطین
The seven longest surahs (2,3,4,5,6,7,10)	۱۱۳	سَبْعُ الطُّوَل [هفت سوره بلند قرآن]
Seven oft-repeated (verses)	۱، ۸۷	سبع المثنی [هفت بخش یا آیه مکرر قرآن] (قرآنی) [در قرآن مجید به صورت «سَبْعاً من المثنی» به کار رفته است]
Seven Repetitions	۳۸	
savagery	۴	سَبْعِيَّت
Seveners	۴۵	سَبْعِيَّة [از فرق شیعه]
priority	۱۰۲	سبق
separable priority	۱۰۲	سبق انفکاکي
priority in the non-metaphorical sense	۱۰۲	سبق بالحقیقه
priority in terms of essence	۱۰۲	سبق بالذات
priority in terms of rank	۱۰۲	سبق بالرتبه
priority in terms of honour	۱۰۲	سبق بالشرف
priority at the level of perpetual duration	۱۰۲	سبق دهري

priority at the level of sempiternity	۱۰۲	سبِق سرمدی
priority in terms of nature	۱۰۲	سبِق طبیعی
causal priority	۱۰۲	سبِق علی
separable priority	۱۰۲	سبِق فکی
necessity preceding existence	۱۰۲	سبِق وجوب علی الوجود
method; style	۱۲۰	سَبَّك
All-perfect; All-pure; All-glorious	۱۲۲	سُبُّوح (اسم الهی) (غیر قرآنی)
captivity	۸۰-۴	سبی
path	۶، ۱۰۰، ۱۰۹، ۱۱۸، ۱۱۹	سبیل (قرآنی)
way	۱، ۱۰۰، ۱۰۳	
God's way	۱۰۰	سبیل الله (قرآنی)
way of God	۱۰۳	
path of God (Allah)	۶، ۱۰۰، ۱۰۹	
baffle; pile plank	۱۲۹	سپر (معم.)
Scutum	۳۵	سپر [صورت فلکی] (نج.)
commander-in-chief (of the army)	۳۱، ۱۱۴	سپهسالار
commander of the principal army	۸۲-۴	
		سپید جامگان ← مَبِیضَه
He who veils vicer	۱۲۲	سَتَّار [السَّتَّار] (اسم الهی) (غیر قرآنی)
Sabaeen; star worshipper	۱۲	ستاره پرست (نیز ← صابثین)
pole star	۷۴	ستاره قطبی (نج.)
veil	۱۰۰، ۱۱۸، ۱۱۹	سِیْثَر (قرآنی)
occultation	۸۰-۴	سِیْثَر
pier; column; pillar; probe	۱۲۹	ستون (معم.)
Moaning Pillar	۱۰۳	ستون حنا (قص.) [در قصص و اخبار اسلامی، معروف است که حضرت رسول (ص) هنگام خطبه خواندن به ستون چوبی ای

تکیه می زدند، سپس منبر را
جانشین آن کردند، و آن ستون
در فراق حضرت و سلب این
توفیق، مانند جانداران می نالید.
مولوی گوید: اُستن حنّانه از هجر
رسول / ناله می زد همچو ارباب
عقول]

سجاده

prayer mat ۴۲

prayer carpet ۱۱۵

prayer rug ۴

moral virtues ۵۲

prostration ۸۷، ۸۸، ۱۰۰، ۱۱۲، ۱۱۵

adoration ۷

prostrate سجده کردن (نیز به سجود؛ ساجد؛ ۹، ۸۷
رکوع)

bow down ۶۴، ۱۰۰

bow (in homage) ۱۰۳

fall prostrate ۲۲

rhymed prose ۷۹، ۸۰، ۹۹

rhyming prose; end-rhyme ۸۰

rhythmic and assonanced prose ۸۸

harmonious cadence ۲۶-۲

prose rhythm ۱۲۸

register ۱۲۰

scroll ۷، ۸۷

prison ۷، ۸۷

prostration ۲، ۱۰۰، ۱۱۵

prostration in worship ۵۳

prostrating oneself ۱۱۲

سجّل (قرآنی)

سجّن (قرآنی)

سجود (قرآنی)

سجع (بع.)

سجایای اخلاقی

سجده [سوره]

baked clay	۱۰۰	سَجِيل (قرآنی)
		سَجِيه (نیز ← سجایا)
disposition	۱۲۰	سحاب (قرآنی)
cloud	۷، ۸۷	
nebula	۳۶	سحابی (نجم.)
wizard	۶۴	سَحَار
illicit	۸۷	سُحْت (قرآنی) [= حرام.]
forbidden	۷	
magic	۴۵، ۶۴، ۸۰، ۹۵، ۱۰۳	سِحْر (قرآنی) (نیز ← ساحر)
sorcery	۱۰۰	
glamour	۴۵	
mere magic	۸۷	سحر مبین (قرآنی)
early riser	۳۱، ۱۲۰	سحر خیز
		سحق ← مساحقه
		سَخا
liberality	۳۱، ۵۷، ۹۹	
generosity	۳۱، ۴۲، ۱۰۳	
munificence	۴، ۳۱	سَخاوت ← سخا
saffian	۱۱۶	سختیان (جلد.)
deride	۷	سُخْره [= مسخره] (مشتقات این
		کلمه در قرآن مجید به کار رفته
		است.)
scoff	۸۷	
displeasure; dislike	۶، ۷	سَخَط (قرآنی) [احتمالاً از کلمه
		سَخْت فارسی گرفته شده است]
condemnation	۸۷	
discourse	۹۲، ۱۱۱	سخن (منط.)
speech	۴	
utterance	۲	

informer; tale-bearer; caluminator	۳۱	سخن چین (اخذ.)
generous	۴.۱۰۳	سخی (اخذ.)
dam; weir	۱۲۹	سَدّ [= بند]
rue	۱۲۰	سُداب (پز، گیا.)
rectitude; straightforwardness	۳۱	سداد
righteousness	۱۰۳	
blocking the means	۲۷	سَدّ ذریعہ (اصول فقہ)
lote-tree	۷.۱۰۰	سیدر [= کُنار] (قرآنی)
ziziphus lotus	۱۲۵	
tree of the outer boundary	۱۱۳	سدرۃالمنتهی (قرآنی)
Lote-Tree of Boundary	۱۰۰	
farthest lote-tree	۷	
Sidra of the Ultimate Extreme	۵۲	
secret	۷.۱۰۰.۱۰۳.۱۱۸.۱۱۹	سیر (قرآنی)
mystery	۳۴.۹۵.۱۰۳	
conscience	۹۰.۱۰۳	
inmost being	۸۰-۲	
secret of secrets (secretum secretorum)	۸۲-۴	سیر الاسرار
Divine secret	۸۰-۵	سیر الہی
inmost consciousness	۹۶	سیر حق
		سیر خفی ← سر پنہان
essential mystery	۸۰-۲	سیر ذاتی
lodging-place	۱۴	سرا
residence	۸۰-۲	
mansion of eternity	۳۱	سرای باقی
fleeting abode	۳۱	سرای فانی
ease	۷.۸۷	سراء (قرآنی) (مقد. ضراء)
secrets	۱۰۰	سرائر (قرآنی)
mirage	۷.۷۴.۸۷	سَراب [= آب نما] (قرآنی)

lamp	۷.۷۴.۸۷	سراج (قرآنی) [معرب چراغ فارسی است]
leather work	۱۱۵	سراجی
pavilions	۵۶	سُرَادِق (قرآنی) [این کلمه معرب کلمه سراییده فارسی است - فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی]
Ceylon	۹۹.۱۲۰	سَراقَةُ المَاء ← ساعت آبی
custodian	۶	سرانديب [= سرنديب]
guardianship	۳۹	سرپرست (فق.)
Redwearers	۸۲-۴	سرپرستی (فق.)
catacomb	۱۴	سرخ جامگان (تخ.)
underground gallery	۸۰-۵	سرخ رگ ← شریان
grotto	۱۲۹	سرداب
apotheca; cellar	۷۸	
Sardinia	۹۹	سَرْدَانِيَه (جف.)
delirium	۱۲۰	سرسام
loggia; corridor; lobby; passage; portico	۱۲۹	سر سِرا (معم.)
nature	۲۵.۴۰	سرشت (اخ.)
temperament	۲۵	
constitution	۴۰	
essence	۸۰-۴	
census	۱۲۰	سرشماری
Cancer	۳۴.۹۹	سرطان (نج. پز.) (نیز - مدار رأس السرطان)
cough	۱۲۰	سرفه
theft	۴۲	سرقت [مشتقات این کلمه در قرآن]

مجید به کار رفته است.] (نیز ←

سارق)

سرقت ادبی (نیز ← انتحال) ۲۶-۲۰۱۲۸

سَر قسطه [= ساراگوسا، شهری در ۱۲۵

اسپانیا که موسی بن نصیر در

سال ۹۴ ق آنرا فتح کرد.]

سرقفلی (حق.)

fees for unlocking

۳۱

key-money

۶۱

head- piece

۱۱۶

vinegar

۱۲۰

سر لوح (جل.)

capital

۱۲۰

سیرکه

capitalism

۱۲۰

سرمایه (نیز ← رأس المال)

pinnacle; finial

۱۲۹

سرمایه داری

everlasting

سرمنارة (معم.)

سرمَد [کلمه سرمَد قرآنی است. و ۸۷

اصل آن فارسی است. ←

فرهنگ واژه های فارسی در

زبان عربی]

sempiternity

۱۱.۱۰۲

eternal

۸۰.۹۵.۱۰۳.۱۱۸

collyrium

۱۲۰

سرمه

box of collyrium

۱۸

سرمه دان

oboe

۱۱۴.۱۲۰

سُرنا

minium; red lead

۱۲۵

سُرَنج

Ceylon

۴۲.۹۹

سرنَدیب (جغ.) [= سیلان کنونی]

Srilanka

۴۲

destiny

۱۱

سرنوشت (کل.) (نیز ← تقدیر)

fate

۴

cypress

۱۲۰

سرو

trousers; breeches

سروال [= سربال، جمع آن به ۱۲۰

صورت سربایل در قرآن مجید به
کار رفته است. این کلمه معرب
«شلوار» فارسی است.

۸۱.۸۷.۹۵

joy
Gabriel

سرور (قرآنی)

سروش [به قولی سروش در سنت ۳۱
ایرانی برابر با جبرائیل در سنت
اسلامی است]

۴۰

obedience; hearkening

۱۲۱

spread; diffusion

۱۳.۸۴

Syriac

۹۹

Syrian

couch

سریر [جمع این کلمه به صورت ۷.۸۷
سرور در قرآن مجید به کار رفته
است.]

۴۵

seat

۹۹

throne

۱۲۰.۱۲۹

paste; glue

Swift at reckoning

سریش
سریع الحساب (اسم الهی) (قرآنی) ۸۷.۱۰۰

Swift to take account

۸۷

Swift in prosecution

سریع العقاب (اسم الهی) (قرآنی) ۸۷

expedition

سریه [مق. غزوه؛ لشکر یا ۸۴

لشکرکشی ای که خود حضرت

رسول (ص) فرمانده سپاه نبود یا

در آن حضور نداشت.]

concubine

سریه کنیزی که به همسری گرفته ۱۲۰
شده باشد، «صیغه»

seminary lectures based on

reading textbooks

سطح [= تدریس حوزوی، بر مبنای

قرائت متون درسی. - (مق.) پ

«خارج»]

line	۱۲۰	سطر
happiness	۱.۳۱.۵۷.۹۵	سعادت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← سعید)
felicity	۱۳.۳۱.۱۰۳	
bliss	۳۱.۱۰۴	
prosperity	۳۱	
merit	۲۴	
eternal felicity	۱۳	سعادت ابدی
happiness in the life hereafter	۱	سعادت اخروی
eternal bliss	۳۱	سعادت جاوید
ultimate happiness	۵۷	سعادت غائی
happy; prosperous	۴۲	سعادت مند (ا.خ.)
calumny; accusation	۳۱	سعیات (نیز ← سخن چین؛ نَمَام)
slandering	۹.۴۲	
slander	۳۱.۴۲	سعیات کردن
calumniate	۳۱	
auspicious	۴۲.۸۰-۳	سعد (نیز ← ساعت سعد)
lucky	۴۲.۱۰۳	
a lesser lucky star [Venus]	۴۲	سعد اصغر (ن.ج.) [= زُهره]
a greater lucky star [Jupiter]	۴۲	سعد اکبر (ن.ج.) [= مشتری]
Sadachbia	۱۲۷	سعد الاخبیه (ن.ج.)
Venus and Jupiter	۴۲	سعدین (ن.ج.) [زهره و مشتری]
strive	۷.۱۰۰	سعی (قرآنی)
running	۴۵	سعی [از مناسك حج]
blessed	۱۴	سعید (قرآنی)
happy	۷.۹۰	
Blaze	۸۸.۱۰۰	سعی (قرآنی)
Hell; flaming fire	۴۲	

embassy; legation	۱۲۰	سفارت
tile; pantile; terracotta; roofline	۱۲۹	سفال
ceramics; pottery	۷۸	سفالگری (هند.)
pottery; terracotta	۱۲۹	سفالینه (معم.)
foolishness	۸۷	سفاهت (قرآنی) (نیز ← سفید)
promissory note	۷۵	سفته (نیز ← چك؛ برات)
journey	۷، ۸۰، ۱۰۳	سَفَر (قرآنی) (نیز ← اسفار)
voyage	۱۱	
journey towards God	۸۰-۵	سفر الی الله
journey into God	۸۰-۵	سفر فی الله
voyage of being	۱۱	سفر وجود
travel book	۸۲-۵	سفرنامه (نیز ← رحله)
a book or account of travels	۳۱	
itinerary	۱۹	
canteen	۱۲۹	سفره خانه (معم.)
sophistry; sophistical	۱۰۵	سفسطانی [= سفسطی]
sophism	۱۱، ۹۵	سفسطه [= سفسطه گرایی]
sophistry	۱۱	
shed blood	۷، ۸۷، ۱۰۰	سَفَك دم [خونریزی] (مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است)
sophistry	۱۱	
one of low degree	۵۲	سفله
lowest	۷، ۱۰۰	سُفلی (قرآنی)
sublunary	۱۰۷	
white lead	۱۲۵	سفیداب شیخ [= سفیداب سرب]
envoy	۴۵	سفیر
ship	۸۷، ۱۰۰	سفینه (قرآنی) [= کشتی]
Argo	۳۶	سفینه (نجد.)

anthology	پ	سفینه [= بیاض، جنگ]
fool	۱۰۰	سفیه (قرآنی) [جمع این کلمه به صورت السفهاء نیز در قرآن مجید به کار رفته است.]
foolish	۲۷	
water-carrier	۱۴	
water-carrier house	۴۵	سقا
drinking fountain	۸۰.۵	سقاخانه
giving of water to Pilgrims	۱۰۰	سقایۃ الحاج (قرآنی)
furnishing of drink to the Pilgrims	۸۰.۵	
Hell	۷.۸۷	سَقَر (قرآنی)
Socrates	۴۳	سقراط
abortion	۶۱	سقط جنین
abort	۶۱	سقط کردن
cupola	۱۲۹	سقف گنبدی (معم.)
falsity	۱۶	سُقَم (مق. صدق یا صحت)
illness; sickness	۱۲۰	
Scammony	۹۲.۱۲۰	سَقْمُونیا [پز. قدیم = نوعی مسهل]
scammonia		(= محموده)
skink	۱۲۰.۱۲۵	سَقَنْقُور [نوعی سوسمار که خواص داروئی دارد.]
sick	۷.۸۷	سَقیم (قرآنی)
infirm	۸۰.۳	
drunken [the]	۸۷.۱۰۰	سُکاری (قرآنی) [جمع سُکران]
apoplexy	۱۲۰	یعنی مست
pause in meter	۱۲۰	سکته (پز.)
intoxication	۲۱.۴۵.۹۰.۱۰۳	سکته (عر.)
		سُکَر (نیز ← سکاری)

mystical intoxication	۹۳	
spiritual drunkenness	۸۹	
agonies of death	۱۰۰	سُکَرَةُ المَوْت (قرآنی) [= سِکَرَات مرگ]
sufferings of dying	۵۶	
pangs of death	۲۴	
death pangs	۲۲	
platform; pace; berm	۱۲۹	سُکُو
silence; pause	۱۲۶	سُکُوت
		سُکُوتِ پُولیس ← بیسان
rest	۲۸، ۱۰۶	سُکُون [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
stillness	۷۹	
inaction	۲۱	
immobility	۹۵	
stagnation	۱۵	
caliphal coin	۱۱۴	سُکَّةُ خِلافت
knife	۷، ۸۷	سِکِّین (قرآنی)
peace of reassurance	۶۴، ۸۷	سُکِّینَه (قرآنی) [۱. آرامش دل، ۲. طمأنینۀ قلبی. حضور نور الهی در تابوت عهد که از یادگارهای مقدس بنی اسرائیل است.]
tranquility	۸۰، ۱۱۹	
divine tranquility	۱۱۳	
presence of God's Shechina	۱۰۰، ۱۱۲، ۱۲۰	
[light in the Ark of Covenant]		
assurance	۱۱۲	
peace of mind; God-inspired composure	۵۳	

peace of God	۹۰	
serenity	۱۰۱	
tranquility	۸۰، ۱۱۹	
divine tranquility	۱۱۳	
Shechina [= presence of God; light in the Ark of covenant]	۱۰۰، ۱۱۲، ۱۲۰	
ataraxia	۴۲، ۹۵	
assurance	۱۱۲	
peace of mind; God-inspired composure	۵۳	
peace of God	۹۰	
serenity	۱۰۱	
consumption	۱۲۰	
tuberculosis	۱۲۰، ۱۲۵	سِل
extraction	۱۰۰	سُلالة (قرآنی)
progeny; dynasty	۴۲	سِلالة (نیز ← زاد و ولد؛ ذریه؛ ۴۲ اعقاب)
the descendants	۶	
extract	۸۸	
All-peaceable	۱۰۰	سلام [السلام] (اسم الہی) (قرآنی) ۱۰۰
peace	۷، ۸۷	سلام (قرآنی) [= درود؛ امن و ۷، ۸۷ سلامت و عافیت]
salutation	۲۱، ۴۵	
greeting; health	۴۵	
security	۹۰	
well-being	۹۹	سلامت
salvation	۴۰	
peace be upon you	۷، ۴۲، ۴۵، ۸۷	سلام علیکم (قرآنی)
negation	۲۸، ۹۵، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۵	سَلَب (منط.)

non-entity	١٠٥	
pure negation	١٠٤	سَلَب محض
absolute non-entity	١٠٥	
absolute negation	١٠٢	سَلَب مطلق
negative	١١.٤٢.٩٥.١٠٨	سَلَبِي [سَلَبِيَّة، سَالِب] (منط.)
		سَلَبِيَّة ← سَلَبِي
end of month	١٢١	سَلَخ [= مُنْسَلَخ، آخِرِينَ رُوزِ مَاه، مَقْد. غَرَّة]
diabetes; polyuria	١٢٠	سَلَس البول
nectar	٤٢	سَلَسَبِيل (قرآني)
Salsabil	٧.٨٧.١٠٠	
chain	٧.٢٩.٤٥.٨٠.٨٧.١٠٨	سَلْسَلَة (قرآني)
series	٩٥	
chain of succession	١٠٨	سَلْسَلَة التَّرتِيب
golden chain	٨٢-٤	سَلْسَلَة الذَّهَب
chain of transmitters	٤٢	سَلْسَلَة رَاوِيَان (حد.)
spiritual chain of Sufi orders	٧٩	سَلْسَلَة صُوفِيَة
(Sufi) orders	ب	
chain of causes	٢٩	سَلْسَلَة عِلَل
lineage	٤٤	سَلْسَلَة نَسَب
chain of being	١١	سَلْسَلَة وُجُود
hierarchy	١٣	سَلْسَلَة مَرَاتِب
hierarchical order	٤٢	
power; clear warrant	٨٧	سَلْطَان (١) (قرآني)
authority	٧	
king; sovereign; monarch; sultan		سَلْطَان (٢) (شَاه، فَرْمَانِرُوَا)
kingship	١٢.٢٧	سَلْطَنَت
monarchy	١٢٠	
spiritual kingship	٢٧	سَلْطَنَت رُوحَانِيَة

hereditary monarchy	١٢	سلطنت موروثی
sway	٤١	سلطه (حق.)
sovereignty	٤	
omnisovereignty	٢٩	سلطه مطلق
already passed	٧	سلف (قرآنی)
the ancient	٨٠، ٩٣	
precedent	٧	
predecessor; ancestor	٤٧	
devout ancestor; pious ancient	٨٠	سلف صالح
pious forebear	٩٣	
take forward	٧٥	سلف خریدن (اق. حق.)
buy in advance	٤١	
class; category; range	١٢٠	سلك
contract for delivery with prepayment	٨٥	سَلَم [= سلف خریدن]
ladder	٧، ٨٧، ١٢٠	سُلَم [= نردبان] (قرآنی)
mystic (-al) journey	١١، ١١٣	سلوك (عرف.) (نیز ← سالک)
sacred journey	٩	
discipleship	٤٤	
behaviour	٩٥، ١٢٠	سلوك [رفتار]
conduct	١١، ١٢٠	
the quails	٨٧	سَلَوِی (قرآنی)
sound	٤٢	سليم
sound judgement	٤٢	عقل سليم.
whole heart	٨٧	قلب سليم (قرآنی)
free heart	٧	
Solomon	٤، ٨٧، ١٠٠، ١٠٣	سليمان (ع) (قرآنی)
nether heaven	٧	سَم ← زهر
the lowest heaven	٤٥	سما الدنيا (قرآنی)

liberality; generosity	۱۲۰	سماحت (اخذ.)
banquet; feast	۲۵	سَمَاط
the eye of the needle	۸۷، ۱۰۰	سَمَّ الْخِیَاط (قرآنی) [= سوراخ سوزن]
needle's eye	۸۷	
audition	۲۱، ۸۰، ۹۰، ۹۵	سَمَاع (تصد.)
mystic audition	۱۴	
spiritual oratorio; sacred dance music	۸۰	
spiritual concerts	۵۸	
mystic dance; mystic song	۳۴	
sanctioned by common usage; traditional; unwritten	۱۲۱	سَمَاعِی
Spica	۳۶	سِمَاك اعزل (نجد.)
Arcturus	۳۶، ۱۰۳	سِمَاك رَامِح (نجد.)
celestial; heavenly	۱۲۰	سَمَاوِی
heavenliness	۱۱	سَمَاوِیَّت [روحانیت]
azimuth	۱۲۰، ۱۲۶	السَّمْت (نجد.) [معادل انگلیسی این کلمه، از سُمُوت که جمع سَمْت است گرفته شده است.]
Zenith	۳۶، ۷۴، ۹۹، ۱۲۹	سَمْت الرُّأْس (نجد.) [معادل انگلیسی این کلمه، از کلمه «سَمْت» عربی گرفته شده است.]
Nadir	۳۵، ۷۴، ۱۲۹	سَمْت الْقَدَم (نجد.) [معادل انگلیسی این کلمه، از کلمه عربی «نَظِیر» گرفته شده است.]
broker	۸۵	سَمْسَار (نیز ← دلال)
hearing	۱۰۳	سَمْع
traditionally	۸۰-۲	سَمْعاً
authoritarian	۸۰	سَمْعِی (نیز ← وحيانی)

traditional questions	۸۰-۲	سمعیات
authority	۱۰۶	
scorching wind; breath of fire	۸۷	سَموم (قرآنی)
The Hearer	۱۰۸	سمیع [السمیع] (اسم الهی)
	۱۹، ۴۵، ۸۰، ۸۷	(قرآنی)
The Hearing	۱۰، ۱۰۶	
All-hearing	۶۴، ۱۰۰	
Ever-Hearer	۸۷	
The Hearer of prayer	۸۷	سمیع الدّعاء (اسم الهی)
		(قرآنی)
senna	۱۲۵	سنا (پز. قدیم؛ نوعی مسهل)
		[معادل انگلیسی این کلمه، از
		عربی گرفته شده است.]
flashing of lightning	۸۷	سنا برق (قرآنی)
corundum	۱۲۵	سُنّاده
emery; smyris	۱۲۰	
hyacinth	۱۲۰	سُنبل
valerian	۱۲۰	سُنبل الطیب
adult age	۶۱	سنّ بلوغ (نیز ← بلوغ)
Virgo	۳۶، ۹۹	سُنبله (نجم.)
ear		سُنبله (این کلمه و جمعهای آن به
		صورت سنابل و سُنبلات قرآنی
		است.)
practice	۴، ۶۷، ۱۰۹، ۳۷	سنت [سنه] (قرآنی)
course	۷	
way	۸۷	
ordinances	۲۱	
precedent or normatic custom	۸۵	
custom; use and wont; statute	۴۵	

Allah's way of treatment	۸۷	سنت الله (قرآنی)
Prophet's rule	۱۰۳	سنت پیغمبر
practice of the Prophet	۳۷	سنت رسول الله
established Sunna	۲۳	سنت قدیمه
collective Sunna	۲۳	سنت کفایی
well-established precedent	۸۵	سنت ماضیه
Sunnite; an observer of the traditional law	۳۱	اهل سنت (نیز ۷۷ سنتی)
traditionalism	۱۱	سنت گرایی
traditional	۱۱	سنتی
cymbal	۱۲۵	سَنج [= صنج] (مس.)
origin	۴۰	سنخ
general resemblance	۴	سنخیت
sharing the same root; cognation	۱۰۲	
document; evidence	۴۲	سند (حق.)
official paper	۷۵	سند رسمی (حق.)
abstract of title	۶۱	سند مالکیت
proof of ownership; title deed	۷۵	
chain	۱۰۱۲	سند (حد.)
authority	۱۰۹	
chain of transmission of hadith	۱۲	سند حدیث (حد.)
anvil	۱۲۰، ۱۲۹	سندان
finest silk	۸۷	سُدُس (قرآنی) [= پرند،]
stoning	۱۲۰	سنگسار کردن (نیز - رجم)
		سنگ سنباده ۷۷ سنباده
paving; pavement	۱۲۹	سنگفرش
gravestone	۱۲۰	سنگ مزار
ledger	۷۸	
tombstone	۱۲۹	

stele	۷۸	سنگ مزار قائم
inscription	۷۸، ۱۲۹	سنگ نبشته (نیز ← کتیبه)
petrograph	۱۲۹	
epitaph	۷۸	سنگ نبشته مزار
chronological	پ	سنوی
annual; yearly	۱۲۰	
year	۷، ۸۷	سنه ← سنت سنه [= سال] (قرآنی) (نیز ← ۷، ۸۷) (سال)
orthodox Muslim (s)	۱۲۱	سنی
Sunnite	۴۲	
Trucial Coast	۱۲۵	سواحل متصله [هفت شیخ نشین: ابوظبی، دبئی، شارجه، عجمان، ام القوین، رأس الخیمه، وفجیره]
literacy; education; culture; sophistication	پ	سواد (دانش و فرهنگ)
learning	۱۲۰	
copy	۱۲۰	سواد (رونوشت)
great mass; great majority	۱۲۱	سواد اعظم
large city	۱۲۰	
ask; demand	۷	سؤال (قرآنی)
bad record	۶۱	سوء سابقه (حق)
clean record	۶۱	عدم سوء سابقه
bad reputation	۶۱	سوء شهرت
bad intention; bad faith	۶۱	سوء نیت
melancholia	۹۵	سودا (نیز ← مالیخولیا)
aspiration	۳۴	
black bile; passion; passionate longing	۱۰۳	

desire	۱۸	
passion for reality	۱۰۳	سودای حقیقت
passionate longing for religion	۱۰۳	سودای دین
passion for unreality	۱۰۳	سودای مجاز
vain desire	۱۸	سودای محال
melancholic	۲۱	سودایی (نیز ← مالیخولیائی)
quantifier	۱۱، ۹۴، ۹۸	سُور (منط.)
quantification sign	۴۰	
wall		سور (دیوار؛ دیوار بزرگ پیرامون شهر)
chapter [of the Quran]	۲۰، ۵۱، ۶۴، ۱۰۰	سوره (قرآنی)
Sura	۲۲، ۱۰۰	
		[برای نام سوره‌های صد و چهارده گانه قرآن مجید نگاه کنید به نام یکایک آنها]
Syria	۱۲۵	سوریه [کمابیش برابر با شام]
embroidery	۱۱۵	سوزن دوزی زربفت (هند.) (نیز ← زرکفت، زرکش)
		سوط (قرآنی)
scourge	۱۰۰، ۱۲۰	
sophist	۴۲، ۹۷، ۱۰۳	سوفسطایی (نیز ← سفسطه)
mourning	۱۲۰	سوک
oath	۶	سوگند (نیز ← قسم)
adjuration	۶۱	
swear	۴	سوگند خوردن
mourning	۴۲	سوگواری (نیز ← عزاداری؛ تعزیه؛ روضه خوانی؛ مرثیه خوانی)
		سوهان
rasp	۱۲۹	
heart's core	۳۱	سویدای دل
		سویل ← اشبیلیه

Alcor	۳۶	سُها (نج.)
vigil	۴۵.۸۰.۴	سَهَر [بی خوابی]
insomnia	۷۱	
triple divorce	۱۲	سه طلاق
triple repudiation	۲۷.۴۵	سه طلاقه
trebly divorced	۳۹	
portion	۴۲	
share	۲۷	سهم
stock	۷۵	سهم (اق.)
common stock	۷۵	سهم عادی (اق.)
outstanding stock	۷۵	سهم معوق (اق.)
redeemable preferred stock	۷۵	سهم ممتاز قابل ابتیاع (اق.)
Lot of Fortune	۶۰	سهم (نج.) ← تیر
Lot of the Unseen	۶۰	سهم السعاده (نج.)
parabolic	۳۶	سهم الغیب (نج.)
paraboloid of revolution	۱۲۹	سهموی (نج.)
parabola	۱۲۵.۱۲۹	سهموی دوآر
inadvertence	۴۵	سهمی [= قطع مُکافی]
Canopus	۳۶	سهو
wandering	۲۱	سهیل (نج.)
wandering life	۴۵	سیاحت
sovereignty	۴۲.۹۵	سیادت (نیز ← سید؛ سادات)
planets	۱۲۰.۱۲۵	سیارات (نج.)
caravan	۸۷	سیّاره (قرآنی) [= کاروان]
traveller(s)	۷.۱۰۰	
politics	۴۰.۹۲	سیاست (نیز ← حکومت)
government; governing	۶۹	
policy	۷۵	

statesmanship	۶	
aristocracy	۴۰	سیاست اختیار
Lord's Government	۶۹	سیاست ربّانی
juridical policy	۸۰	سیاست شرعی
oligarchy	۴۰	سیاست قلت
timocracy	۴۰	سیاست کرامت
democracy	۴۰	سیاست مردم
home economics	۱۱	سیاست منزل [تدبیر منزل]
ethics	۱۱	سیاست نفس [تدبیر نفس]
monarchy	۴۰	سیاست وحدانی (نیز ← سلطنت)
chastisement	۶۹	سیاست [مجازات]
politician	۴	سیاست پیشه
punish	۴	سیاست کردن
chastise	۶۹	
statesmanship	۶۰۲	سیاستمداری
executioner	۱۴	سیّاف (= جلّاد)
context	۴۲۰۹۵	سیاق
proposition of multiples	۲۶۰۲	سیاقه الاعداد (بع.)
fluid	۱۲۵	سیّال
Negro	۱۲۵	سیاهپوست [= زنگی، زنجی]
		سیاه جامگان ← مُسَوّده
pen drawing	۱۲۹	سیاه قلم (هند.)
evil action	۸۰۰۴	سیّئه (قرآنی)
ill-deed	۸۷	
wrongful deed	۱۱۰	
(one of) the thirty portions into which the koran is divided	۱۲۰	سی پاره
Sarus	۱۹	سیحان (جغ.)

Jaxartes	۱۹	سیحون (جف.)
Lord	۲۷، ۳۷، ۸۴	سید (قرآنی) [جمع این کلمه نیز به صورت سادۀ در قرآن مجید به کار رفته است]
Leader	۷، ۸۰، ۳	
Chief	۶، ۳۱، ۳۷	
Prince	۲۵، ۴۷، ۸۷	
Sayyed	۷۳	
descendant of the Prophet	۶۸	
Chief of the prophets or apostles	۳۱	سید الانبیاء [= رسول اکرم (ص)]
Chief of the Martyrs	۶، ۲	سید الشهداء [لقب حضرت حمزه عموی رسول اکرم (ص) و نیز لقب امام حسین (ع)]
Lord of the Martyrs	۲۷	
Prince of the world	۲۵	سید عالم
Lord of the Sent Ones	۸۴	سید مرسلین [لقب رسول اکرم (ص)]
Princess; Lady	۳۱	سیده (نیز ← سید به معنای ذریۀ پیامبر اسلام (ص))
travel	۷، ۸۷	سیر (قرآنی)
development	۱۱	
journey	۵۸، ۱۰۳	
journey to God	۵۸	سیر الی الله
interior journey	۱۰۳	سیر باطن
course of wisdom	۶۹	سیر حکمت
upward march	۴۴	سیر صعودی
journey in God	۵۸	سیر فی الله
retrogression	۱۱	سیر قهقرائی [واگشت]

spiritual journey

سیر و سلوک (عرف.) (نیز ← ۴۲
سلوک)

mystic journey

۳۴

state

سیرة (قرآنی) [= شکل و شیوه] ۷، ۸۷

conduct

۷۹، ۸۰

سیرت [سیرة]

morals; way of life

۲۵

life-history

۸۳

biography

۸۰، ۳

biography of the Prophet Mohammad

۳۷

سیرة نبوی [سیرة النبی]

life of the Prophet

۴

domain

۲۹

سیطره

flood; spate

۱۲۹

سیل

سیماب ← جیوه

Griffin

۱۳

سیمرغ (قص.)

phoenix

۳۵

سیمرغ (نجم.)

letter magic

سیمیا [«علم» خواص و اسرار ۹۹

حروف؛ علم «خیالات» ← دایرة

المعارف فارسی]

magic

۱۰۳

science of talismans

۴۵

producing vision (one of the

۵۴

occult sciences)

سینه پهلوی ← ذات الجنب

ش

young man

۳۱

شاب (نیز ← شباب)

youth	۴۵	
sheep, ewe	۱۲۱	شاة
lamb	۱۲۰	
indicator; index	۷۵	شاخص
		شاخص آفتابی ← ساعت آفتابی
abnormal; rare	۴۲، ۱۲۳	شاذ (حد.) (نیز ← شذوذ)
irregular	۸۳	
exceptional	۸۰-۵	
late; deceased	پ	شاذروان [= روانشاد = مرحوم]
moustache	۱۲۶	شارب [= سبیل]
commentator	۱۳	شارح
lawgiver	۴۲، ۵۶، ۹۹	شارع
legislator	۴۲	
The Prophet of Islam	۱۲	شارع اسلام
public road; highway	۱۲۰	شارع عام
poet	۷، ۱۰۰	شاعر (قرآنی)
plumb-line	۱۲۵	شاغول / شاقول
pendulum; plumb bob; plumb	۱۲۹	
The Healer	۱۲۰	شافی [الشافی] (اسم الهی)
		(غیر قرآنی)
The Healing	۱۱۳	شافیه [از صفات سورة فاتحه]
All- grateful	۱۰۰	شاكر [الشاکر] (اسم الهی)
		(قرآنی)
Grateful	۲۳	
Responsive	۸۷	
manner	۷، ۱۰۰	شاكلة (قرآنی)
relator	۶۱	شاکی خصوصی (حق.) (نیز ← ۶۱)
		مشتکی علیه
student; disciple; pupil; apprentice	۳۱	شاگرد

shawl

شال [معادل انگلیسی این کلمه از
اردو و آنهم از فارسی گرفته شده
است.]

base

۱۱.۷۸.۱۲۹

شالوده (معم.)

footing

۷۸.۱۲۹

foundation trench; pedestal;

۱۲۹

substructure

Syria

۱۲.۴۳.۹۹

شام [سوریه]

شامات به شام

all-inclusive

۱۱

شامل مطلق

شان نزول به اسباب نزول

comb

۱۲۰

شانه

شانه بسر به دهد

shah; king; monarch; sovereign

۱۲۰

شاه (نیز به سلطان)

King of Saints

شاه اولیاء [غالباً کنایه از حضرت ۴۵

علی (ع) است.]

The Witness

شاهد (الشاهد) [از اسماء الهی، ۴۲.۴۵.۸۰

غیر قرآنی؛ ضمناً حضرت رسول

(ص) سه بار در قرآن مجید

«شاهد» نامیده شده است. باید

توجه داشت که این کلمه به

عنوان اسم الهی در قرآن یاد

نشده، ولی کلمه ای قرآنی است.]

شاهد

evidence

۶

witness

۷.۱۲۰

attestation

۹۰.۱۱۸

visible

۱۰۸

beauty

۳۴

beloved

۱۰۳

ears witness	۴۲	شاهد سمعی
eye witness	۴۲	شاهد عینی
hemp	۱۲۰	شاهدانه (نیز ← حشیش)
highway; highroad; freeway; expressway; roadway	۱۲۹	شاهراه
King of Sanctity	۴۵	شاه ولایت [کنایه از حضرت علی (ع) است.]
dais; bay window	۱۲۹	شاه نشین (معم.)
a great alcove	۸۰، ۱۲۹	
casibus; simile; homoioputon	۱۲۸	شایگان (ع.)
youth	۳۱	شباب
bed chamber	۱۲۹	شبستان (معم.)
oratory; prayer hall; atrium	۱۱۵	شبستان (معم.)
Night of Power	۸۷، ۱۰۰	شب قدر (نیز ← لیلۃ القدر)
Night of Destiny	۸۴	
night-cap	۱۲۰	شبکلاه
pseudo-etymology	۲۶، ۲	شبهات زینون ← زینون
paradox	۱۱۱	شبه الاشتقاق (بع.)
confusion	۴۵	شبهت [شبهه]
error	۴۰	
dubious thing	۸۰	
doubt	۲	
resemblance	۸۰، ۳	شبهت (فق.)
suspicion of usury	۸۰	شبهت الربا
peninsula	۱۲۰	شبه جزیره
penumbra	۱۲۰	شبه ظلّ (نجم.)
quasi-deliberate	۸۰، ۲	شبه عمد
		شُبُهه ← شُبُهت

	۲۴	شبیہ (نیز ← تعزیه)
compeer	۴۵	
resembling	۷، ۸۷، ۱۰۰	شتاء (قرآنی)
winter	۱۲۰	شتر [معادل انگلیسی این کلمه از
camel		اصل عربی جَمَل گرفته شده است.]
	۴۰	شتم
condemnation	۳۶	شجاع (نج.)
Hydra	۱۰۰	شجره خبیثه (قرآنی)
corrupt tree	۷، ۸۷	شجره خلد (قرآنی)
tree of immortality		شجره زقوم ← زقوم
	۱۰۰	شجره طیبه (قرآنی)
good tree	۶، ۷	شجره مبارکه (قرآنی)
blessed tree	۷	شجره ملعونه (قرآنی)
cursed tree	۱۰۰، ۱۰۹	
tree cursed	۲۹	شجره ممنوعه
forbidden tree	۶	شجره نبوت
tree of the prophethood	۱۲۱	شجره نسب
genealogical tree	۴۴	
family tree	۷	شح (قرآنی) [= بخل؛ آزار]
avarice	۸۷	
greed	۸۰	شحنه
military commandant	۲۵	
superintendent of the police	۳۶	شخانه (نج.) [= نیزك]
meteor	۹۳	شخص
individual	۷۵	
person; entity	۷۵	شخص ثالث
third person; third party	۷۵	شخص حقوقی (نیز ←
legal person; legal entity		شخصیت حقوقی)

personality	۴.۹۵	شخصیت
persona moralis	۷۵	شخصیت حقوقی (نیز ← ۷۵)
		شخص حقوقی
strength	۱۰۸	شدت (نیز ← اشتداد)
garland	۱۱۵	شده (هند.)
terrible reckoning	۶	شدید الحساب
Terrible in Chastisement	۱۰۰	شدید العذاب (اسم الهی) (قرآنی)
Severe in Punishment	۸۷	
Severe in Punishment	۸۷	شدید العقاب (اسم الهی) (قرآنی)
Mighty in Wrath	۷۸	شدید المحال (اسم الهی) (قرآنی)
irregularity; deviation; anomaly	۱۲۱	شدوذ (دست. ادب.) (نیز شاذ)
evil	۳۴.۸۷.۱۰۴	شر (قرآنی)
malevolence; malady	۹۲	
malefic	۱۱۱	
total evil	۱۱	شر کل
pure evil	۱۱	شر محض
buying; purchase	۱۲۰	شراء [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← بیع)
drink; wine	۷.۸۷.۱۰۳	شراب (قرآنی) (نیز ← خمر)
beverage	۴۵	
pure drink	۷.۸۷	شراب طهور (قرآنی)
pure draught	۱۰۰	
fringe; fringes	۷۸	شرابه [= منگوله، طره، آویزه]
sail; tent	۱۲۱	شراع
Vela	۳۵	شراع [صورت فلکی] (نجم.)
drink(ing)	۷.۸۷	شرایع ← شریعت
wine-drinking	۲۷	شرب (قرآنی)
		شرب خمر

commentary	۱۳.۸۰	شرح (نیز ← شارح؛ تفسیر)
description	۹۴	
explanation	۳۱	
plural description	۹۴	شرح جمعی (منط.)
lucid explanation	۳۱.۱۲۰	شرح کشاف
definite description	۹۴	شرح مشخص (منط.)
Solace	۸۷	شرح [سوره] [= انشراح]
The Expanding	۱۰۰	
expansion of breast (mind)	۷.۱۰۰	شرح صدر (قرآنی)
small troop	۱۰۰	شیرذمه (قرآنی)
condition	۲۰.۸۵.۹۵.۹۷.۱۰۵	شرط
prerequisite	۲۷.۸۵	
stipulation	۱۵.۸۵	
protasis	۹۸.۱۲۸	شرط (منط. دس.) [= جمله شرطیه]
prerequisite of solvency	۲۷	شرط استطاعت
betting; wager(ing)	۱۲۰	شرط بندی
sufficient condition	۹۸	شرط کافی (منط.)
necessary condition	۱۱	شرط لازم [شرط واجب] (منط.)
impossible condition	۹۸	شرط محال (منط.)
stipulate	۶	شرط واجب ← شرط لازم
police	۸۵.۹۹	شرط کردن
professional police	۸۰	شرطه
conditional	۲۸.۴۲.۹۸	شرطه (باد) ← باد شرطه
hypothetical	۴۲.۹۲.۹۷.۱۱۱	شرطی (منط.)
simple conditional proposition	۹۸	شرطی بسیط

restricted conditional	۹۸	شرطی حقیقی
pure conditional	۹۸	شرطی صرف
mixed conditional	۹۸	شرطی مختلط
		شرطیہ ← شرطی
Divine Law	۳۷، ۱۰۵	شرع (نیز شریعت، شارع) [مشتقات این کلمہ در قرآن مجید بہ کار رفته است.]
Sacred Law (of Islam)	۳۷، ۸۵	
Revealed Law	۱۰۶	
Muslim Law	۳۷	
legally	۸۰-۲	شرعاً
according to religious law	۶۱	
lawful	۱۲۳	شرعی (نیز ← مشروع)
legal	۵۹، ۹۵	
canonical	۲۷	
sciences of (Divine) Law	۵۴، ۸۱	شرعیات
Laws of Scripture; obligations of the Divine law	۸۱	
Divine Law	۸۰، ۵	
dignity	۴۲، ۱۱۴	شرف
excellence	۹۲، ۱۱۱	
honour	۴۲	
nobility	۹۹	
exaltation	۱۲۵	شرف (نجد.) (مقد. هبوط)
East; Orient	۴۲، ۱۲۶	شرق
Orientalist	۲۶-۱	شرق شناس
		شرق اقصیٰ ← خاور دور
		شرق نزدیک ← خاور نزدیک
		شرق وسطیٰ / شرق میانه ← خاور میانه

Eastern; Oriental	۱۲۱	شرقی
polytheism	۷.۲۳.۳۸.۴۵.۸۰.۹۵	شرك (قرآنی)
idolatry	۳۸.۹۱	
paganism	۳۸	
attributing partners to God	۴۷	
hidden polytheism	۲۳	شرك خفی
associate something with God	۱۰۰	شرك آوردن [شرك ورزیدن]
ascribe partners	۶۴	
partnership	۵.۲۰	شرکت
company	۷۵	
cooprative company	۷۵	شرکت تعاونی
shame	۱۲۰	شرم (اخذ.)
modesty; self control	۴۷	
		شروط ← شرط
self- indulgence	۵۷	شره (اخذ.)
wicked; malignant	۳۱	شریر
artery	۱۲۵	شریان (نیز ← وتین؛ ورید؛ ۱۲۵ حبل الوريد)
sacred law	۴۲.۴۷.۸۵.۱۱۳	شریعت [اصل لغوی این کلمه قرآنی است، ولی معنای اصطلاحی آن قرآنی نیست.] (نیز - شرع)
religious law	۴۲.۴۸.۱۰۳	
Divine law	۴۲.۴۵	
Divine order	۶	
revealed law	۲۲	
right way	۱۰۰	
noble	۴.۵۶	شریعه ← شریعت شریف

associate	۱۰۰	شريك (قرآنى) [جمع اين كلمه به صورت شركاء نيز قرآنى است.]
partner	۶	
hexagon	۱۱۵	شش ضلعى منتظم (رض.)
Tigris Estuary	۱۹	شط العرب (جف.)
ecstatic phrase	۲۱.۴۵.۸۰	شطح (عرف.)
theopatic phrase; hybrid utterance	۸۰	
divinely inspired utterance	۴۵	
ecstatic utterance	۲۸.۴۵	
paradox	۴۴	
theophanic locutions	۱۳.۸۲	شطحيات (عرف.)
ecstatic statements	۴۲	
ecstatic utterances	۴۵	
divinely-inspired utterances	۸۰.۴	
towards		شَطْر (قرآنى)
chess	۱۲۰	شطرنج
chess-player	۱۲۰	شطرنج باز
play chess	۱۲۰	شطرنج بازى
rites	۱۳.۱۵.۴۲	شعائر (نيز ← مناسك)
rituals	۷۵	
indications	۸۷	
symbols	۶۴	
indications of Allah	۸۷	شعائر الله (قرآنى)
waymarks of God	۱۰۰	
Allah's monuments	۶۴	
religious rites	۴۲	شعائر دينى
motto	۱۲۳	شعار
slogan	۴	

badge	۲۱	
ray; beam, gleam	۱۲۰	شعاع (پرتو)
radius	۱۲۰	شعاع (در دایره)
people	۲۸، ۸۰	شُعَب [در انساب] ← قبیله
jugglery	۱۲۰	شُعْبده
poetry; poem	۷، ۱۲۰	شِعْر (قرآنی)
hair	۱۲۰	شعر
The Poets	۷، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰	شعراء [سوره]
Procyon	۳۶	شُعْرای شامی [نجم.]
Sirius	۳۶، ۱۱۲	شُعْرای یمانی [نجم.]
races	۱۰۰	شعوب (قرآنی)
nations	۸۷	
nationalists; racists	۴۲	شعوبیه
national groups	۸۰، ۳	
awareness	۸۰، ۱۰۸	شعور
consciousness	۱۱، ۱۲، ۸۰، ۹۵	
perception	۴۵، ۵۹	
apperception	۸۰	
sensation	۴۰	
hidden perception	۵۹	شعور خفی
false consciousness	۱۱	شعور کاذب
Jethro	۳۷، ۴۵، ۸۷	شُعَیب (قرآنی) [پیامبر و پدرزن موسی (ع)؛ نام عبری او در سنت یهود یثرون است.]
Shuaib	۱۰۰	
Shu'eyb	۸۷	
barley	۱۲۶	شَعِیر
profession; work; business; employment	۱۲۰	شغل
healing	۷، ۹۰، ۱۰۰	شِفَاء (قرآنی)

remedy	۱۳	
cure	۱۰۳	
		شفاخانه ← بیمارستان؛ دارالشفاء؛
		مستشفى
intercession	۱.۷.۴۲.۴۵.۸۷.۹۰.۱۰۰.۱۰۳	شفاعت (قرآنی)
mediation	۴۵	
intercession in legislation	۱	شفاعت تشریعی
intercession in creation	۱	شفاعت تکوینی
intercede	۲.۸۰.۸۷.۱۰۳	شفاعت کردن
make intercession	۱۰۳	
intervene	۸۷	
intercessor	۱۰۳	شفاعت گر (نیز ← شفیع)
oral, verbal	۱۲۰	شفاهی
even	۱۰۴.۱۰۵	شَفَع (مَق. و تر) (قرآنی)
pre-emption	۳۸.۸۵	شُفْعَه
right of pre-emption	۲۸	حقّ شُفْعَه (فَق.)
twilight;	۸۰-۵.۱۰۰	شفق (قرآنی)
Aurora Australis	۱۲۰.۱۲۵	شفق جنوبی
Aurora Borealis	۱۲۰.۱۲۵	شفق شمالی
kindness	۲۱	شفقت [مشتقات این کلمه در قرآن
		مجید به کار رفته است.]
pity	۴۰	
compassion	۱۴	
intercessor	۴۲.۸۷.۱۰۳	شفیع (قرآنی)
interceder	۳	
alternative	۱۷.۱۰۸	شقّ (منط.)
great distress	۱۰۰	شِقّ الْأَنْفُس (قرآنی)
distress of the souls	۷	
toil	۱	شقاء

	شِيقاق (قرآنی)	۸۷، ۸۸، ۱۰۰
schism		۶۴
breach	شِيقاقلوس ← غانغرایا	
	شق القمر [در قرآن مجید جمله ۴۲	
splitting of the moon	فعلیه ای به صورت «وانشق القمر» به کار رفته است.]	
	شقاوت [مشتقات این کلمه در ۴	
wickedness	قرآن مجید به کار رفته است.]	
	۲۴	
wretchedness	۶۴	
evil fortune	۱۰۶	
misery	شقی (قرآنی)	۶۴، ۱۰۰
wretched		۱۸، ۱۰۳
damned		۸۷، ۱۰۳
unblest		۷
unblessed		۳۱
felon; criminal	شك (قرآنی)	۷، ۱۱، ۸۷، ۹۵
doubt		۱۰۸
uncertainty	شك (فل.)	۱۶
scepticism	شکار	۱۲۰
hunting	شكاك	۱۶
sceptical		۱۱
sceptic	شكایت (حق.) [مشتقات این کلمه ۷، ۶۳	
complaint; plaint	در قرآن مجید به کار رفته است.]	
	موضوع شکایت	۶۳
grievance	شکایت کردن (حق.)	۶۳
lodge a complaint	شُکر (قرآنی)	۲۲، ۴۵، ۸۰، ۹۰
gratitude		۷، ۸۷، ۱۰۳
thanksgiving	شُکر یزدان	۱۰۳
thanksgiving to God		

gratitude	۴۲	شکرانه
thanksgiving	۳۱	شکرگذاری [= شکرگزاری]
sugar	۳۱	شکر [این کلمه و عربی آن سُکر و معادل انگلیسی و معادل‌های اروپائی و یونانی و سانسکریت آن همه هم‌ریشه‌اند.]
figure	۲۸.۹۲.۹۷.۹۸	شکل (منط.)
the principle of the shadow (tangent)	۸۰.۵	شکل الظلی
the principles of the transversals	۸۰.۵	شکل القَطَاع
the principle of the four magnitudes	۸۰.۵	شکل المغنی
logical form	۱۱	شکل منطقی
figure; figure of syllogism	۴۲	شکلیّه
torture	۴	شکنجه
All- thankful	۱۰۰	شکور [الشکور] (اسم الهی) (قرآنی)
thankful	۸۷	شکور (قرآنی) (صفت بندگان)
grateful	۷	
doubtful matters	۱۲۰	شکیات
misgivings	۱۵	شکیات
forgetfulness	۲۰	
endurance	۴	شکیبایی (نیز ← صبر)
aporetics	۱۱۷	شکیّه (فل.)
		شلاق (نیز ← تازیانه؛ سوط)
parabola; parabolic (al)	۱۲۰	شلجمی (هند.)
turnip	۱۲۰	شلغم
Lyra	۳۶	شلیاق (نجم.)
smell	۹۵	شمّ
		شماطه‌دار ← ساعت شماطه‌دار
		شمال (قرآنی) ← اصحاب شمال

north	۷۴	شمال
geographical north	۷۴	شمال جغرافیایی
true north	۷۴	شما حقیقی
north magnetic pole	۷۴	شمال مغناطیسی
icon	۷۸، ۱۱۵	شمایل (هند.)
iconolatry	۷۸	شمایل پرستی
iconography	۱۱۵	شمایل نگاری
The Sun	۷، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰	شمس [سوره]
solar	۱۲۰	شمسی (نیز ← سال شمسی؛ منظومه شمسی)
ingot; ingot stick; screed	۱۲۹	شمش
bloom	۱۲۹	شمشه (معم.)
sword	۱۲۰	شمشیر
candle	۱۲۰	شمع
pile; shore; stay	۷۸	شمع (معم.)
planking and strutting	۱۲۹	شمع بندی (معم.)
idolator	۱۰۳	شمن
universality	۴۴	شمول
comprisal	۶۱	
inclusiveness	۱۱	
all-inclusiveness	۱۱	شمول مطلق
recognition	۴۰	شناخت شناسی ← معرفت شناسی
identity certificate	۶۱	شناسایی
cinnabar; vermillion	۳۱، ۱۲۰، ۱۲۵	شناسنامه
obscene	۱۲۰	شنگرف [= شنجرف]
absurd	۴۰	شنیع
abominable	۴	
deviant	۸۰، ۵	شواذ (نیز شاذ و شذوذ)

counsel	۷.۸۷	شوالیه گری ← فروسیت
council	۴.۴۷.۱۱۵	شورا (قرآنی)
jurists	۸۰.۴	شورا [= گروه مشاوران]
consultative committee	۲	
Guardianship council	۸	شورای نگهبان
Counsel	۷.۸۷.۸۸.۱۰۰	شوری [سوره]
yearning	۵۷.۹۳	شوق (عرف.)
desire	۴۰.۱۰۵	
mystic yearning	۱۴	
might	۹۹	
coercive power	۸۰.۳	شوکت
acanthus	۱۱۵.۱۲۰	شوکت الیهود (هند.)
husband	۱۲۰	شوهر (نیز ← زوج)
meteor	۱۰۰	شهاب (قرآنی)
piercing flame	۸۷.۱۰۰	شهاب ثاقب (قرآنی)
meteorite	۳۶	شهاب سنگ (نجم.) (نیز ← سنگ)
meteoroid	۳۶	آسمانی
meteorite	۱۱۵	شهابوار (نجم.)
evidence	۳۹.۶۱.۶۳.۸۵	شهابی
testimony	۴۵.۵۴.۶۴.۸۵.۸۷.۹۵	شهادت (قرآنی) [= گواهی]
attestation	۵۴	
profession of Islam	۲۱	
Islamic confession of faith	۸۰.۸۸	
false evidence	۶۳	شهادت دروغ
parol evidence; oral evidence	۶۱	شهادت شفاهی
martyrdom	۴۲.۱۲۰	شهادت [= کشته شدن در راه حق و
		عقیدت؛ اضطهاد]

	شهادت دادن	۳۹
testify		۸
give evidence		۶
bear witness		۴۲
attest	شهادتگاه	۴۲
site of martyrdom	شهادتنامه	۱۲۳
certificate; diploma	شهادتین ← اشهد ان لا اله الا الله؛ اشهد ان محمداً رسول الله	
	شهامت	۱۲۰
bravery; courage	شهامت	۵۷
manliness	شهر (فارسی)	۱۲۰
city	شهر (عربی، جمع آن شهر و شهر)	۱۲۰
month	أَشْهُرُ	
	شهر الحرام [= الشهر الحرام] ۶۴	
sacred month	(قرآنی)	
	شهرت	۱۰۰
the prohibited month	شهر سازی	۱۲۰
fame; publicity	شهریه (نیز ← مشاهره)	۱۲۹
town planning	شهسواری ← فروسیت	۱۲۰، ۱۲۱
monthly salary	شهوانی	۹۵
sensual	شهوت (قرآنی)	۷، ۳۱، ۴۵، ۵۳، ۸۷، ۱۰۳، ۱۱۸، ۱۱۹
lust		۸۷
vain desire		۸۱، ۱۰۴
desire	شهوت (فلـ)	۸۰، ۱۰۷
passion		۹۵، ۱۰۴
appetite	شهوت پرست	۳۱
slave to lust	شهوت پرستی	۳۱
sensuality; libertinism		۱۵
lasciviousness		

voluptuousness	۱۵	شهو ترانی
		شهود (جمع شاهد) ← شاهد
intuition	۱۱، ۴۶، ۹۵	شهود (عرف.)
presence	۹۰، ۱۱۳	
Divine vision	۴۲	
sensing His presence	۹۰	
intuitionism; intuitionism	۱۱	
Witness	۷، ۸۷	شهود گرایی
		شهید [الشهید] (اسم الهی)
		(قرآنی)
witness	۷، ۴۲، ۴۵، ۸۵، ۸۷	شهید [گواه] (قرآنی)
martyr	۱۱، ۲۰، ۴۵	شهید
martyr of truth	۱۱	شهید حقیقت
martyrology	۱۱	شهید شناسی [تذکره شهدا]
groaning	۷	شهیق (قرآنی) (نیز ← زفیر)
object	۱۱، ۱۰۳	شیء [این کلمه و جمعش اشیاء]
		قرآنی است.]
thing	۷، ۱۱، ۸۷، ۹۲، ۱۰۰	
entity	۹۳	شیء (فل.)
external object	۱۱	شیء خارجی
sensible object	۱۱	شیء محسوس
intelligible object	۱۱	شیء معقول
twofold	۱۰۷	شیئان
		شیاطین ← شیطان
hoariness	۱۰۰	شَیْب (قرآنی) [= پیری، مو سپیدی]
grey-headed	۷، ۱۰۰	شَیْب (قرآنی) [= پیر]
Seth	۱۹، ۴۵، ۹۶	شیث [پیامبر]
spiritual leader	۵۷	شیخ (قرآنی)
spiritual director	۲۳	
head of the clan; elder; old man	۸۰، ۴	

master of illumination

شیخ اشراق [لقب ۱۳]
شهاب‌الدین یحیی بن حبش
سهروردی مؤسس حکمت
اشراق]

religious chief of the Muslims

۱۲۶ شیخ الاسلام

doyen; dean

۴۲ شیخ السفراء

abbot

۹۶ شیخ خانقاه

spiritual guide

۸۰-۳ شیخ طریقت

old age

۱۲۶ شیخوخه

senility

۱۲۳

head band

۷۸، ۱۱۶ شیرازه

bride price

۸۰، ۴ شیربها

suckle

۱۵ شیر دادن (نیز ← رضاع)

give suck

۶۴

wet-nursing

۲۰

gable roof; pitched roof

۱۲۹

شیروانی (معم.)

The Loin of God

۴۵، ۱۰۳ شیریزدان [اسدالله] [غالباً کنایه از

حضرت علی (ع) است.]

glass; bottle

۳۱

شیشه

glazery; glazing

۱۲۹

شیشه بری

glass house

۱۲۹

شیشه گرخانه

glass blowing

۱۲۹

شیشه گری

Satan

۵۵، ۸۰، ۸۷، ۱۰۰، ۱۱۳

شیطان (قرآنی)

Devil

۱۱، ۴۵

Satan the Outcast

۸۷

شیطان رجیم (قرآنی)

devil-worship

۱۱

شیطان پرستی

devilish; diabolic

۳۱

شیطانی

Satanic

۸۰، ۴

شیطانیّه

Shi'ite

شیعه [اصل لغوی اش قرآنی است، ۲۰]

ولی کاربرد اصطلاحی اش به
معنای امامیان مخصوصاً امامیه
اثنی عشریه، قرآنی نیست

Shi'a (h)	پ	
follower	۶۲	
the «party»	۹۱	
Twelve-Imam Shi'ism	۱۲	شیعه دوازده امامی [اثنی عشری]
Shi'ism of the Twelver School	۲۷	
Shi'ite; partisan	۴۲	
prevalence	۱۲۰	شیعی
publicity; circulation	۱۲۳	شیوع

ص

Sâd	۸۷، ۸۸، ۱۰۰	ص [سوره]
right; correct	۱۲۰	صائب
Sabaeans	۸۷، ۱۰۰، ۱۱۲	صابئون (قرآنی)
Sabians	۴۲، ۶۴	
Sabaeans	۴۵، ۸۰	صابئه [= صابئون]
steadfast	۴۲، ۸۷	صابئین ← صابئون
patient	۴۲، ۱۰۳	صابر (قرآنی)
soap	۱۲۰	
comrade	۸۷، ۱۰۰	صابون
		صابی (مفرد صابئه یا صابئون) ← ۸۷، ۱۰۰
		صابئه؛ صابئون

companion	صاحب (قرآنی) [= رفیق و همراه ۷ و همدم]
	صاحب الحوت (قرآنی) ← یونس (ع)
owner; master	صاحب ۱۲۰
lord	۸۱
friend	۱۲۶
possessor	۶
doer of signs	صاحب الآيات ۹۷
secretary of state	صاحب الانشاء ۹۹
Lord of our age	صاحب الزمان (لقب امام قائم ۴۲ حضرت مهدی، عج)
Lord of the time	۳۷
Lord of the age	۳۸
the man with the secret	صاحب السر ۲۸
the law giver	صاحب الشرع ۱۰۴
the leader with the sword	صاحب الصیف
town chief	صاحب المدینه
doer of miracles	صاحب المعجزات ۹۷
custodian of the religion	صاحب شریعت ۶۹
possessed of knowledge	صاحب معرفت ۱۰۳
spiritualist	صاحب دل (تصد.) ۱۰۳
man of piety	۳۱
man of wisdom	۲۵
man of heart	۵۲.۱۰۳
Lord of conjunction	صاحبقران (تخذ.) ۱۸
officer	صاحب منصب ۱۲۰
authority	صاحب نظر ۴
sensual man; sensualist	صاحب نفس ۱۰۳
wife	صاحبه (قرآنی) [همسر، زن، زوجه] ۷.۱۰۰

exports	۱۲۰	صادرات
issue (a decree)	۷۳	صادر کردن فرمان
true	۷.۱۶.۴۲.۸۷.۹۷.۱۰۰	صادق (قرآنی)
truthful	۷.۴۲.۸۷	
loyal	۱۶	
thunderbolt	۱.۴۵.۱۰۰	صاعقه (قرآنی)
thunderclap	۱۰۰	
lightning	۸۷.۱۱۳	
degraded	۸۷	صاغر (قرآنی)
clear; smooth	۱۲۰	صاف
The Rangers	۸۸.۱۰۰.۱۱۲	صافات [سوره]
Those Who Set the Ranks	۸۷	
pure	۱۰۳	صافی
righteous	۱۶.۸۷.۱۰۰.۱۰۳	صالح (قرآنی)
pious man	۲۵.۵۷	
virtuous	۱۶	
good deeds	۷.۸۰.۲	صالحات (قرآنی)
good works	۴۲.۸۷	
silent	۴۲.۱۱۸.۱۱۹	صامت (تجو).
creator	۵۴.۸۰.۱۰۴.۱۰۵.۱۰۸	صانع [غالباً مراد از آن خداوند است. ولی این کلمه از اسماء الهی نیست. و بر دیگران هم قابل اطلاق است.]
designer	۴۴	
producer	۱۰۷	
morning gale	۵۵	صبا
zephyr	۳۷	
morning	۷	صباح (قرآنی)
earthly beauty	۳۴	صباح

dyer	۱۲۰	صَبَاغ
childhood; youth	۱۲۰	صِبَاوَت
dawn of Revelation	۱۰۳	صَبِیح تجلّی (نیز ← تجلی)
true dawn	۱۸، ۱۰۳	صَبِیح صادق
false dawn	۱۰۳	صَبِیح کاذب
patience	۴۲، ۹۵، ۱۰۰، ۱۱۸، ۱۱۹	صَبِر (قرآنی)
steadfastness	۴۲، ۸۷	
fortitude	۴۲، ۹۳	
endurance	۶۴	
patient endurance	۸۰-۳	
self-denial	۱۰۳	
sweet patience	۱۰۰	صَبِر جمیل (قرآنی)
comely patience	۸۷	
baptism of God	۷، ۱۰۰، ۱۰۳	صِبْغَةُ اللَّهِ (قرآنی)
The Very Patient	۴۵، ۸۰	صَبُور [الصَبُور] (اسم الهی) (غیر قرآنی)
The Forbearing	۱۱۰	
minor	۴۵، ۸۵	صَبِی
boy; lads	۱۲۰	صَبِیَّان [جمع صَبِی = پسر بچه ها]
youths	۳۱	
girl; daughter	۱۲۰	صَبِیْه
The Companions [of the Prophet	۴۱، ۴۵، ۸۰، ۱۰۳، ۱۰۶	صَحَابَه
one of the Companions [of the Prophet]	۳۱	صَحَابِی
authentic traditions digest	۴۲	صَحَاح
Six Reliable Tradition Collections	۴۲	صَحَاح سِتّه
The Six Correct (books)	۳۸	
bookbinder	۱۲۰	صَحَاف

bookbinding	۱۲۰	صحافی
companionship	۱۰۳، ۱۰۸	صحبت [مق. خلوت]
community	۸۰-۴	
good health	۴۰	صحت
health	۹۰	
correctness; exactness	۱۲۳	صحت (مق. خطا)
veracity	۶	صحت (فق.)
validity	۸۰	
truth	۱۶	
The Plain of Judgement	۵۲	صحرائی محشر
book	۷	صُحُف (قرآنی)
scroll	۱۰۰	
Sheets	۸۰، ۵	
The Books of Ibrahim	۶، ۸۷	صُحُف ابراہیم (قرآنی)
Written Sheets of Ibrahim	۶، ۲	
court	۱۹، ۳۳	صحن
courtyard; open quadrangle	۴۵	
stage; scene	۱۲۰	صحنہ
sobriety	۲۱، ۴۵، ۸۲	صحو (تصد.) (مق. سُکر)
spiritual sobriety	۸۹	
valid	۴۵	صحیح (فق.)
sound	۴۵، ۸۰	صحیح (حد.)
fit to be used as proof	۸۰، ۳	صحیح الاحتجاج [حد.]
fit to be considered	۸۰، ۳	صحیح الاعتبار [حد.]
scroll	۶، ۱۴، ۱۱۳	صحیفہ (نیز - صُحُف)
paper	۶	
book	۴۲، ۴۳	
record of deeds; book of deeds	۴۲	صحیفہ اعمال
The Scroll of Al-Sajjad	۷۹	صحیفہ سجادیہ

rock	۷.۸۷.۱۲۶	صخره (قرآنی)
Stone of Job	۴۵	صخره ایوب
headache; megrim (=migraine)	۳۱.۷۱	صداع
dower	۳۹	صداق (نیز ← کابین)
dowry	۲۰.۱۰۹	
nuptial gift	۸۵	
truthfulness	۱۶	صداقت
friendship	۹۵	
early Islam; advent of Islam	۴	صدر اسلام
chief minister	۶۸	صدر اعظم (به عربی: الصدر الاعظم) (نیز ← رئیس الوزراء)
prime minister	۱۲۶	
grand vizir	۸۰	
chance	۱۱	صدفه [= تصادف، اتفاق]
accidentalism; tychism	۱۱	صدفه گرایی (قول به تصادف)
truthfulness	۵۸.۸۱.۱۰۲	صدق
sincerity	۵۲.۸۰.۱۰۳	
truth	۵۲.۱۰۶	
veracity	۹۵.۱۱۸	
faithfulness	۳۴	
uprightness	۸۰-۴	
alms	۴۲.۴۵.۸۷.۹۸.۱۰۹	صدقه / صدقات (قرآنی)
charity	۲.۴۵.۱۰۷	
freewill offering	۱۰۰.۱۱۲	
almsgiving; voluntary alms	۴۲	
poor tax	۸۴	
hinder(ing)	۸۷	صد / صدود (قرآنی)
prevent(ion)	۷	
collision; hurt; injury; accident	۱۲۰	صدمه

shock; stroke; blow	۱۲۱	
hundred fields of spiritual combat	۵۸	صد میدان (تصد.)
breasts	۸۷	صدور (قرآنی؛ جمع صدر: ۸۷ سینه‌ها، دلها، ضمائر)
hearts	۷	
emanation	۴۲، ۴۵، ۸۰، ۹۶، ۱۰۸	صدور (فل.)
procession	۴۲، ۹۵	
Plotinian emanation	۹۶	صدور افلوطینی
order-issuing	۷۷	صدور دستور
friend	۷، ۸۷	صدیق (قرآنی) [= دوست]
veracious (believer)	۲۱، ۲۴، ۹۰	صدیق (قرآنی)
truthful	۷، ۱۶، ۸۷، ۱۰۳	
just man	۱۰۰	
great testifier of truth	۱۰۹	صدیق الاکبر
just woman	۱۰۰	صدیقه (قرآنی)
saintly woman	۶۴	
righteous [woman]	۱۰۷	
baluster	۱۲۹	صُرَاحی (معم.)
path	۱، ۷، ۴۲، ۵۶، ۸۷، ۱۰۰	صراط (قرآنی) (نیز ← (پل صراط)
road	۴۲	
pathway	۲۸	
right path	۴۲، ۸۷، ۱۰۰، ۱۱۲	صراط مستقیم [= الصراط المستقیم] (قرآنی)
straight path	۲۲، ۵۶	
straight way	۲۲	
money changer	۷۵، ۸۰	صراف
money changing; exchange	۱۲۰	صرافی
palace	۷	صَرَح (قرآنی) [کوشک]

pavilion	۱۰۰	
tower	۴۵	
epilepsy	۱۲۰	صرع
exchange (of money and precious metals)	۸۰، ۸۵	صَرَف [در معاملات]
money changing	۴۵	
morphology	۲۸	صَرَف (دسـ.)
conjugation	۱۲۸	
philology	۲۱	
Denebola	۳۵	صرفه [دَنَب الاسد] (نجمـ.)
economy; saving	۱۲۰	صرفه جوئی
clear	۴۲	صریح
explicit	۴۲، ۸۵، ۹۵	
help	۸۷	صَرِیخ (قرآنی) [فریاد و فریادرس]
succorer	۷	
hard; difficult	۳۱	صَعَب
beggar; tramp; vagabond	۱۲۱	صُغْلُوك
poor, pauper	۱۲۶	
bandit	۴۵	
difficulty; hardness	۹۵، ۱۲۰	صعوبت
ascending	۲۹	صُعُود [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
ascention; assumption	۴۳	
earth	۷	صَعِيد (قرآنی) [= خاك و غبار]
dust	۱۰۰	
minor sins	۹۰	صغائر (نیز ← كبائر)
lesser sins	۸۰، ۲	
infancy	۶۱	صِغَر (حقـ.)
minor	۹۵، ۹۷	صغری (منطـ.)

صفات ستوده ۳۴۱

minor	۴۲، ۸۰	صغیر (قرآنی)
small	۷، ۱۰۰، ۱۰۴	
little	۷، ۸۷	
juvenile	۴	
under puberty	۳۹	
The Ranks	۷، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰	صغیره (مقد. کبیره) ← صفات
purity	۴۲، ۴۵، ۹۰، ۹۵، ۹۹، ۱۰۳	صف [سوره]
sincerity	۴، ۹۹	صفا (تصد... اخذ...)
sincere affection	۹۰	
inner purity	۸۰	
clarity of mind	۶۹	صفای ذهن
attributes; qualities	۴۲، ۴۵	صفات (نیز ← صفت) (کل...)
attributes of action	۸۰	صفات افعال
active qualities	۴۵	
Divine attributes	۴۲	صفات الهی (نیز ← اسماء
positive qualities	۲۹	الحسنی)
attributes of God; Divine qualities	۱۰۳	صفات ثبوتیه (مقد. صفات
praiseworthy qualities	۲۲	سلبیه)
creative attributes	۸۰	صفات حق
qualities of essence	۱۲	صفات حمیده
attributes of essence	۴۲	صفات خلقیه
evil dispositions	۳۴	صفات ذات (مقد. صفات فعل
attributes of leadership	۱۰۸	یا صفات افعال)
ignoble attributes	۱۰۴	صفات ذمیه
saving qualities	۲۲	صفات ربوبی
		صفات ردیه [= ردیه]
		صفات ستوده

negative attributes

صفات سلبیه (مقدّمات صفات ۲۹
ثبوتیه)

active attributes

صفات فعل (مقدّمات صفات ۸۰
ذات)

qualities of action

۱۲

attributes of action

۴۲

attributes persisting in the es-

صفات قائم به ذات خداوند ۹۹

sence of God

eternal qualities

۴۲

attributes of perfection

۵۶

qualities of perfection

۱۲

attributes of qualification

۸۰

Attributists (a school of thought)

۴۲

Saffarids

۲۶.۱

attribute

۱۰۶.۱۰۸.۱۱۰.۱۲۸

۲.۱۱.۴۵.۵۶.۹۵.۱۰۵

صفات قدیم

صفات کمالیه

صفات معنویّه

صفاتیّه (کلّی)

صفاریان (تخصّصی)

صفت (نیز صفات)

quality

۴۵.۵۷

qualification

۸۰.۳

The Greatest attribute (of God)

۱۱

real accompanied by relationship

۸۰.۵

and negation

صفت اعظم خدا

صفت الحقیقیّه مع الاضافه

و السلب (منطقی)

attribute of God Exalted be He

۱۰.۴

attribute of affirmation

۱۱

essentiality; essential attribute

۱۱

attribute of negation

۱۱

attribute of soul

۵۶

adjective

۳۱.۱۲۸

superlative degree

۱۲۸

present participle

۱۲۸

صفت الله تعالى

صفت ایجابی

صفت ذاتی

صفت سلبی

صفت نفسی

صفت (درجی)

صفت عالی (درجی)

صفت فاعلی (درجی)

past participle	۱۲۸	صفت مفعولی (دس.)
pardon	۱۰۰	صفح (قرآنی) [= عفو، بخشایش]
forgive	۸۷	
layout	۷۸	صفحه آرای (هند.)
frontispiece	۱۱۶	صفحه ابتدایی کتاب (جل.)
colophon	۱۱۶	صفحه امضاء (جل.) [= فراغنامه کتاب]
finispiece	۱۱۶	صفحه پایانی کتاب (جل.)
verso	۱۱۶	صفحه سمت چپ (جل.)
recto	۱۱۶	صفحه سمت راست (جل.)
cipher [=cypher]; zero	۱۲۰	صفر (رض.) [هر دو معادل انگلیسی این کلمه متخذ از همین کلمه صفر عربی است که لغتاً یعنی تهی، خالی، و اصطلاحاً رقم و نماد - ریاضی معروف است]
yellow bile	۱۰۳	صفرا
choleric	۳۷	صفراوی
handclasp, the conclusion of the bargain	۴۵	صَفَق
smooth rock	۸۷، ۱۰۰	صَفوان (قرآنی) [= سنگ صافی]
the best; the choicest	۱۲۱	صفوت
purity	۲۱	
Zipporah	۴۳	صفورا [همسر حضرت موسی]
Safavid	۱۳	صفویه
chosen one	۱۰۳	صفی
chosen (pure) one of God (epithet of Adam)		صفی الله (لقب آدم (ع))
area; region	۱۲۱	صُقَع (فل. عرف.)

Sicily	۱۹.۸۰.۹۹	صُقلیه (جغ.)
		صُك ← چك
call; invitation	۱۲۰	صَلَا
rigour	۱۴	صَلَابِت
harshness; severity	۲۵	
rigorism	۹۵	
hardness	۱۰۷	
firmness	۲۹	
prayer	۷.۲۳.۴۵.۸۷	صَلَات [صلاة، صلوة]
divine service	۴۵	
The Friday prayer	۳۸.۴۲	صَلَات الجُمُعَه
benefit	۸۰.۴	صَلَح [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]
righteousness	۲۹	
welfare	۹۹	
eligibility	۸	صَلَحِیت
qualification	۷۷	
competence	۶۱	
incompetence; incapacity	۶۱	عَدَم صَلَحِیت
loin	۲۴.۸۷	صُلْب (قرآنی)
crucifixion		صُلْب [مشتقات این کلمه در قرآن ۶ مجید به کار رفته است.] (نیز ← تَصْلِیب؛ صلیب)
peace	۴۲.۸۷	صَلَح (قرآنی)
amicable settlement	۸۵	
settlement of claim	۳۹	
peace with all	۸۰	صُلَح کُلّ
universal toleration	۸۰.۵	
barter	۲۰	صَلَح (فق.)

pacifism	۱۶	صلح طلبی
make peace	۱۴	صلح کردن
armistice	۸۴	صلحنامه
clay	۸۷، ۱۰۰	صلصال (قرآنی) [گل خشک]
dry clay	۸۰	
blessings	۷، ۶۴	صلوات (قرآنی)
oratories	۸۷، ۱۰۰	صلوات (قرآنی) [= کنشت]
synagogues	۷	
reciting «Allahumma Sall-i Ala Muhammad (en) wa Al-i Muhammad(en) (= O' God bless Muhammad and his dis- cendents)	۱۲۰	صلوات فرستادن [سنت مستحب معروف در درود فرستادن بر روان رسول اکرم (ص) و خاندان گرامی او که در میان مسلمانان علی الخصوص شیعیان بسیار شایع است و عبارت است از ادای جمله دعائیة: اللهم صل علی محمد و آل محمد]
		صلوة ← صلات
benediction upon the Probhet	۴۲	الصلوة علی النبی
financial award	۸۰، ۳	صله
relative clause	۶۵	صله (دس.)
blood ties	۹۹	صله رحم (نیز ← قطع رحم)
union of kindred; meeting of friends	۳۱	
regard for kinship	۲	
strengthening blood-kinship	۵۷	
On whom be peace	۲۱	صلی الله علیه
Peace be upon him and his progeny	۲	صلی الله علیه و آله
May the blessing and peace	۶، ۲	صلی الله علیه و آله و سلم

of Allah be upon him
and his progeny
God bless him and give him
peace
cross

۱۱۲ صلی الله علیه و سلم

صلیب [مشتقات این کلمه در قرآن ۴۲
مجید به کار رفته است. نیز ←
تصلیب؛ صلب]

crucifix
Acrux
Southern Cross
Crusaders
silence

۳۸
۳۶ صلیب [ستاره] (نج.)
۷۴ صلیب جنوبی (نج.)
۳۷ صلیبیون (نیز ← جنگهای صلیبی)
صَمَت [کلمه صامت از این ریشه ۵۷، ۸۰
در قرآن مجید به کار رفته است.]
صمد [الصمد] (اسم الهی) (قرآنی)

Everlasting Refuge
The Impenetrable
Impermeable
impermeability
kings; princes; chiefs:

۱۰۰
۸۰
۱۱۸، ۱۱۹
۲۸ صمدیت
۳۱ صنادید (مفرد آن: صندید)
[= مهتران]

craftsmanship ;discipline;technique
art and technology
rhetorical figures; figures of
speech

۶۹ صناعت
صنایع بدیعی [= محسنات بدیعی: ۱۲۸
وجوه بدیعی] (بع.)

handicraft industry
Figures of word

۵-۲، ۱۲۹ صنایع دستی
صنایع لفظی [= بدیع لفظی: صنایع ۱۲۸
لفظیه: وجوه لفظیه] (بع.)

figures of thought

صنایع معنوی [= بدیع معنوی: ۱۲۸
صنایع معنویه: محسنات معنویه] (بع.)

handicraft pursuits	۷۵	صنایع یدی
aid fund	۶۱	صنِج ← سنج
handiwork	۷.۵۲.۱۰۰	صندوق تعاون؛
creation	۵۴	صُنْع (قرآنی)
fashioning	۷۹	
making	۷.۱۰۰	صَنَعَت (قرآنی)
art; craft; industry; technology	۱۲۰	صنعت
class	۹۵.۱۱۷	صنِف (منط.)
variety	۹۷	
kind	۱۰۵	
guild = gild	۱۳.۱۲۵	صنِف [= رسته؛ گروه همکار]
idol; icon	۷.۸۷.۹۵.۱۰۳	صَنَم [جمع این کلمه به صورت اصنام در قرآن مجید به کار رفته است.]
image	۵۶	
adored one	۱۰۳	
like	۸۷	صِنَوَان (قرآنی) [= شاخه‌های هم‌ریشه و چیزهای هم‌اصل] (نیز ← غیر صنوان)
having one root	۷	
right; just	۷.۴۲.۸۷.۴۲.۹۵	صَوَاب (قرآنی)
aright	۵۲	
correct	۸۰.۴	
correctness of opinion	۵۷	صَوَابُ الظَّن
direction	۱۲۰	صَوَامِع ← صومعه
sound; voice	۶.۸۰	صَوْب
trumpet;	۳۸.۴۲.۵۶.۱۰۰	صَوْت
		صَوْر (قرآنی)

the Horn	۲	
Israfil's Trumpet	۵۶	صور اسرافیل
Tyre; Tyr; Sour; Zor; Tyrus	۴۳	صُور (جغ.) (شهری در لبنان؛ به یونانی: توروس)
form	۹۷.۱۰۳.۱۰۵.۱۱۱ ۷.۳۴.۴۵.۵۶.۸۷.۹۵.	صورت (منط.)
idea	۴۰.۴۲	
shape	۱۰۷	
image	۹۷	
form in perception	۵۶	صورت ادراکیّه
intermediate form	۱۱	صورت برزخی
corporal form	۵۶	صورت جسمانی
material form	۹۲	صورت جسمی
substantial form	۱۱.۸۰.۵	صورت جوهری
specific form	۱۰۵	صورت خاص
idea	۴۶	صورت ذهنی
outward shape	۱۰۷	صورت صناعی
common form	۱۰۵	صورت عامّه
cognitive form	۷۹	صورت علمیّه
form of colouredness	۱۰۴	صورت لونیّه
material form	۱۱	صورت مادی
perfective form	۸۰.۳	صورت متممّه
ideal form	۱۱	صورت مثالی
form in sensation	۵۶	صورت محسوسه
imprinted form	۱۰۲	صورت مرتسمه
pure intellectual concept	۴۲	صورت معقول
rational form	۴۶	
form separate from matter	۱۰۵	صورت مفارقة للمادة
immaterial form	پ	

constitutive form	۸۰.۳	صورت مقومه
vegetal form	۵۶	صورت نباتی
form of self	۱۰.۳	صورت نفس
archetype	۱۱	صورت نوعی (نیز ← اعیان ثابت)
specific form	۱۰.۷	
form of existence	۱۰.۳	صورت هستی
form in matter	۱۰.۵	صورت هیولانی
formulation	۱۳	صورتبندی (فل.)
worshipper of form	۱۰.۳	صورت پرست
image worshipper	۶۹	
constellation	۳۶	صورت فلکی (نجم.)
formalism	۱۱	صورت گرایی
picture painter	۵۲	صورت نگار
formal	۴۲.۹۵	صوری
external	۴۲	
Sufi	۳۱	صوفی
the sect of Sufis	۳۱	صوفیه
Sufis	۸۰.۳	
fasting	۷.۴۵.۵۳.۸۷	صولجان ← چوگان
voluntary fast	۴۲	صوم (قرآنی) (نیز ← صیام)
cloister	۷.۱۶.۸۷	صوم التطوع
		صومعه [جمع این کلمه به صورت صوامع قرآنی است]
cratory	۱۴	
son-in-law; brother-in-law	۱۲۶	صیهر (قرآنی) [= داماد، خویشاوندی سببی] (نیز ← مصاهرت)
relationship by marriage	۱۲۱	
kindred of marriage	۸۷.۱۰۰	

	صهیون	۴۳.۹۹
Zion		۴۳
Sion	صهیونیسم [= صهیونیه]	۴۳
Zionism	صیاد	۱۲۶
hunter	صیام (قرآنی)	۷.۲۳.۸۷
fasting	صیانت	۱۱
preservation	صیانت ذات	۱۱
self preservation	صیب (قرآنی) [= باران تندوپیایی]	۱۰۰
cloud burst		۸۷
rainstorm	صیت [= آوازه]	۱۲۱
repute; prestige; fame; renown	صیحه (قرآنی)	۸۷.۱۰۰
cry	صید (قرآنی)	۷.۸۷
game		۱۲۶
hunting	صیدا (جف.) [= صیدون؛ یکی از	۴۳
Sidon; Zidon; Saida; Sayda;	شهرهای لبنان]	
Sayida	صیدنه / صیدله	۱۲۱
apothecary's trade; pharmacy;		
pharmacology	صیروت [مشتقات این کلمه در	۴۴.۹۵.۱۱۷
becoming	قرآن مجید به کار رفته است.]	
	صیروت ابدی	۴۶
eternal process	صیغه (فق.) (نیز ← زن صیغه‌ای؛	۳۹.۹۵
formula	سُریه)	
	صیغه طلاق	۳۹
formua of repudiation	صیغه عقد	۱۵
recital	صیغه (دس.)	۴۰
form		۱۲۸
paradigm	صیف (قرآنی)	۸۷.۱۰۰
summer	صیقل [= جلا؛ پرداخت]	۱۲۹
polish	صین [= چین]	۱۲۰
China		

ض

collector	۱۱۴	ضابط
regulation	۱۱۴	ضابطه [ضابطه در عربی جدید به
		معنای پلیس police است.]
The Distresser	۴۲.۴۵	ضار [الضار] (اسم الهی)
		(غیرقرآنی)
He who afflicts	۸۰	
striker	۴۲	ضارب (حق.)
misguided	۶	ضال (قرآنی)
stray	۴۲	
wicked	۸۰.۲	
who deviated from religion	۱۰۹	ضالین (قرآنی)
lean camel	۷.۸۷	ضامر (قرآنی) [= شتر لاغر]
liable	۸۵	ضامن (نیز ← ضمان)
guarantee of good faith	۸۰.۲	
stand guarantor; surety	۶۱	
one who stands surety; warrant	۴۲	
wastes	۷۵	ضایعات (اق.)
leave to waste	۱۰۰	ضایع کردن
squander	۸۷	
1. seizure; occupation	۳۸	ضبط ۱. مصادره و تصرف؛ ۲.
2. reading	پ	قرائت و نحوه ثبت]
cry, yell; outcry; noise	۱۲۱	ضجيج [= بانگ و غوغا]
laugh (ing); laughter	۱۲۱	ضحك [مشتقات این کلمه در قرآن
		مجید به کار رفته است.]

		ضحی [سوره]
The Morning	۸۸	
The Morning hours	۸۷	
The Early hours	۷	
The Forenoon	۱۰۰	
contrary	۳۷.۹۵.۱۰۳.۱۱۱	ضد
opposite	۹۲.۱۰۳.۱۰۵	
anti-despotic	۸	ضد استبدادی
anti-Islamic	۴	ضد اسلامی
opposition	۴	ضدیت
contrariety	۴۰	
hurt	۸۷.۱۰۰	ضرّ (قرآنی)
adversity	۸۷	ضرّاء (قرآنی) [= سختی و رنج]
hardship	۱۰۰	
mint	۷۵	ضرّابخانه (نیز ← دارالضرب)
injury	۷	ضِرار (قرآنی)
hurt	۸۷	
damage	۴۲	
mutual infliction of damage	۸۳	
multiplication	۹۵	ضرب (رضد.)
last foot	۲۸	ضرب (عر.)
mood	۹۷.۹۸	ضرب (منط.)
mode	۶۹	
confrontation	۲۸	
unproductive mood	۹۸	ضرب عقیم
indemonstrable mood	۹۸	ضرب مشهور
conclusive (mood)	۹۷	ضرب منتج
period of grace	۶۱	ضرب الاجل (حق.)
deadline	پ	
proverb	۱۲۰	ضرب المثل

female heredity	۲۸	ضرب النساء [در علم انساب]
punching	۱۱۶	ضرب کردن (جلد.)
injury	۷	ضرر (فقد.) (قرآنی)
hurt	۸۷	
damage	۸۶	
ill-treatment	۴۵	
necessity	۱۱.۹۵.۱۰۵	ضرورت
necessity of reason; rational necessity	۱۰۴	ضرورت العقل
necessity of thought	۱۰۵	
positive necessity	۱۱	ضرورت ایجابی
poetic license	۱۲۸	ضرورت شعری (بع.)
necessary	۱۱.۴۵.۹۵	ضروری
self-evident knowledge	۹۷	ضروریات
existent by necessity	۱۱	ضروری الوجود
non-existent necessity	۱۱	ضروریة العدم
absolute necessary	۹۷	ضروریة مطلقه
factor; modulus	۱۲۹	ضرب
coefficient	۱۲۵.۱۲۹	
burial chamber	۸۰.۳	
grating	۳۳	ضریح
double	۸۷	ضعیف (قرآنی) [جمع این کلمه به صورت اضعاف نیز در قرآن مجید به کار رفته است.]
solecism; solecismus	۱۲۸	ضعیف تألیف (بع.)
weak	۲۸.۸۶	ضعیف [حد.] (فقد.)
weak-minded	۴۲	ضعیف العقل
protection of the weak	۴۰	ضعیف نوازی
error	۱.۸۷.۹۵.۱۰۰	ضلال (قرآنی)
misguidance	۶	

perdition	۱۰۳	
aberration	۲۹،۸۲،۸۷	
far astray	۸۷	ضلال بعید (قرآنی)
plain aberration	۸۷	ضلال مبین (قرآنی)
		ضلالت ← ضلال
side	۴۰،۱۲۵	ضلع
poultice, cataplasm	۱۲۵	ضماد
dressing; bandage	۱۲۳	
liability	۸۰،۸۵	ضمان (نیز ← ضامن)
surety	۳۷،۴۲	
pledge	۱۴	
surety; bail; security; sponsorship	۴۲	ضمانت
surety bond	۷۵	ضمانت نامه
bail bond	۶۱	
conscience	۴۲،۹۵،۱۰۳	ضمیر [وجدان]
hidden mind	۱۰۳	
pronoun	۶۵، ۱۲۸	ضمیر (دس-)
interrogative pronoun	۶۵	ضمیر استفهام
demonstrative pronoun	۱۲۰	ضمیر اشاره
pronoun of separation	۶۵	ضمیر فصل
connected pronoun	۶۵	ضمیر متصل
separate pronoun	۶۵	ضمیر منفصل
conjunctive pronoun	۶۵	ضمیر موصول
annex; addendum	۱۲۰	ضمیمه
light	۱۲۶	ضوء
illumination	۱۰۳	
estates	۸۰،۴	ضیاع
feast; banquet	۱۲۰	ضیافت
guest	۷،۸۷	ضیف (قرآنی)

asthema

۷۱

ضيق نفس (پز. قدیم)

ط

evil augury

طائر (قرآنی) [= فال بد] (نیز ← ۸۷
تطیر)

evil fortune

۷

visitation

۱۰۰

طائف (قرآنی) [= خیال]

party

۷.۸۷

طائفه (قرآنی)

community

۹۵

1. seal 2. printer; publisher

۱۲۰

طابع [۱. مُهر؛ ۲. چاپگر و ناشر]

mill

۱۲۶

طاحون/ طاحونة

who drives away

۷.۱۰۰

طارد (قرآنی)

The Night- Star

۸۸.۱۰۰

طارق [سوره]

The Morning Star

۸۷

The Night-Comer

۷

balustrade; banister; grating; rail

۷۸.۱۲۹

طارمی (معم.)

extrinsic

۹۵

طاری

طاعات ہے طاعت

obedience

۷.۴۲.۴۵.۸۰.۸۷.۹۵.۹۹.۱۰۳

طاعت (قرآنی)

devotion

۳۴.۴۲.۸۰

worship

۴۲

plague; pestilence

۳۱

طاعون

idol

۴۲.۱۰۰.۱۱۳

طاغوت (قرآنی)

false god

۸۷

false deity

۶۴

Satan; illegitimate ruler	۲۷	
Devil	۴۲	
tyrannical	۸	طاغوتی
inordinate	۷	طاغی (قرآنی)
rebel	۲۵	
screamer	۱۰۰	طاغیه (قرآنی)
odd number	۴۲	طاق [مقد. جفت]
vault	۸۰.۱۱۵.۱۲۹	طاق (معم.)
arch	۴۲.۱۲۹	
keel arch	۱۱۵	طاق تیزه دار (معم.)
annular barrel vault; straight barrel vault	۱۲۹	طاق ضربی
domical vault	۷۸	طاق گنبدی (معم.)
triumphal arch	۱۲۹	طاق نصرت (معم.)
horse-shoe arch	۱۱۵	طاق نعل اسبی (معم.)
semicircular vault	۱۱۵	طاق نیمدایره ای (معم.)
vaulting	۷۸	طاقبندی (معم.)
strength	۷.۲۴.۸۷.۱۰۰	طاقت (قرآنی)
energy	۹۵	
niche	۷۸.۱۱۵.۱۲۹	طاقچه (معم.)
rack	۷۸.۱۲۹	
anticline	۱۲۹	طاقدیس
arch; roof; vault	۱۲۹	طاق زدن
blind arcade	۷۸.۱۲۹	طاقنما (معم.)
bay; wall arcade	۱۲۹	
seeker	۲۲.۴۵.۸۷.۱۰۳.۱۱۸.۱۱۹	طالب (قرآنی)
seeker after knowledge	۲۲	طالب علم (نیز ← طلبه)
wicked	۳۱.۱۰۳	طالح
horoscope	۳۱.۸۰	طالع

ascendants	۸۰،۴	
Luck position	۹۹	طالع سعد
horoscopy	۴۲	طالع بینی
divorced; repudiated	۱۲۱	طالق (نیز ← مطلقه)
Saul	۷،۴۵،۱۰۰،۱۱۲	طالوت (قرآنی)
vainglory; incoherent speech	۳۱	طامات [مفرد این کلمه به صورت الطامة قرآنی است]
empty rites	۳۴	
The Great catastrophe	۱۰۰	طامة کبری [= الطامة الكبرى]
The Major Disaster	۸۰،۵	
peacock	۱۲۰	طاووس
pavo	۳۵	طاووس (نجد.)
Holy; clean; pure	۴۲	طاهر
Tahirids	۲۶-۱	طاهریان
		طب ← علم طب
dentistry	۸۰-۵	طب الاسنان
cook	۱۲۰	طباخ
cookery	۱۲۰	طباخی
seal	۷،۸۷	طبع (قرآنی) [= مهر کردن]
nature	۱۰۳،۱۰۵،۱۱۱ ۱۱،۵۶،۹۲،۹۵،۹۹	طبع (فل.)
humour; disposition	۱۸	
temperament	۳۴	
inherent nature	۹۳	
by nature	۱۰	طبعاً (کل.)
biographical dictionary		طبقات (نوعی فرهنگ زندگینامه ای) پ
class	۷۵،۸۰،۱۱۴	طبقه
school	۴۵	
drum	۱۲۰،۱۲۵	طبل

		طبیعت
nature	۱۱، ۱۰۴	طبیعت
first nature	۱۱	طبیعت اول
second nature	۲۹	طبیعت ثانوی
physics	۳۷	طبیعیات
natural philosophy	۵۹، ۸۲	
natural philosophers	۲۱، ۴۲	طبیعیون [= طبایعیان]
naturalists	۸۰-۲	
Trebizond	۱۲۵	طرابزون [= شهری باستانی در ترکیه]
		طراز
type; model; class	۱۲۱	طراز اول [= الطراز الاول]
first-class; first rate	۱۲۱	طرابلس شام [= تریپولیس]
Tripolis [= Tripoli (in Lebanon)]	۱۲۱، ۱۲۵	طرابلس غرب
Tripolitania [= Tripoli (in Libya)]	۱۲۱، ۱۲۵	طراغودیا [= تراژدی]
tragedy	۱۲۸	طرب
joy	۱۰۳	
joyful ecstasy	۱۱۳	
emotionalism	۹۹	
exclusion	۹۵	طرد [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
	۷، ۱۰۰	
drive away		طرد شق ثالث ← امتناع ارتفاع
		نقیضین
thrust and inversion	۲۶-۲	طرد و عکس (بع.)
hunting poem	۸۰-۵	طردیه
limit	۱۰۴	طرف
extreme	۹۵	
rare; novel	۱۲۰	طرفه
new; agreeable	۳۱	
twinkling of an eye	۳۴	طرفة العين (نیز ← لمحة البصر)

occurences	۱۰۶	طربان
Tarifa	۴۲.۹۹	طریف [جزیرات] (جف.)
road	۸۷	طریق (قرآنی)
method	۴۲.۱۰۵	
path; route	۶	
method of Basreans	۴۲	طریق البصریین
method of Kufians	۴۲	طریق الکوفیین
path of truth	۲۲	طریق حق
path of right guidance	۶	طریق هدایت
Sufi path; path of Sufism	۱۱۳	طریق [طریقہ]
mystic path	۳۴	
order; path	۴۵	
Sufi order	۸۹	
mystical order	۸۰.۵	
spiritual discipline	۸۲.۵	
		طریقہ - طریقت
The Hanbalite	۲۶.۱	طریقہ حنبلی
The Hanafite	۲۶.۱	طریقہ حنفی
The Shafi'ite	۲۶.۱	طریقہ شافعی
Sufi fraternity	۸۰.۴	طریقہ صوفیه
The Malikite	۲۶.۱	طریقہ مالکی
fixed land tax	۵.۳	طَسُق [= مالیات در فرهنگهای

فارسی آمده است که این لغت
مولد است و عربی اصیل نیست
و احتمالاً از تسك یا تشك فارسی
به معنای بهره و بخش و سهم و
نظایر آن آمده باشد. محتملاً این
کلمه با کلمه انگلیسی tax رابطه
دارد.]

food	۷.۴۵.۸۷	طعام (قرآنی) (نیز ← اطعام)
trading	۱۰۰	طعن (قرآنی)
sarcasm	۱۲۰	طعنه
imperial signature	۳۱	طغرا
monogram	۱۲۰	
insolence	۱۰۰	طغیان (قرآنی)
inordinacy	۷	
contumacy	۸۷	
exceeding the bonds	۱	
chaos	۱۶	
despotism	۱۰۹	
leap	۱۰	طفره (کل-)
infant; child (ren)	۸۷.۱۰۰	طفل (قرآنی)
childhood; infancy	۴۲.۱۲۰	طفولیت
sponger	۵۲	طفیل
parasite	۱۲۰	طفیلی
intruder	۲۱	
order	۴۲	طقس
gold	۱۲۰	طلا (نیز ← ذهب)
		طلاسم ← طلسم
		طلاق [سوره]
Divorce	۷.۸۷.۱۰۰	طلاق (فق-)
divorce	۶۴.۸۷.۸۸.۱۰۰	طلاق (قرآنی) (نیز ← طالق؛ مطلقه)
repudiation	۴۵.۸۰.۸۵.۸۶	
divorcement	۶۳.۱۰۷	
disapproved repudiation	۸۶	طلاق البدعه
approved repudiation	۸۶	طلاق السنه
irrevocable divorce	۴۲	طلاق بائن
implied divorce	۴۲	طلاق بالکتابه

revocable divorce	۴۲	طلاق رجعی
express divorce	۴۲	طلاق صریح
irrevocable repudiation	۳۹	طلاق لازم
divorce	۳۹	طلاق دادن
repudiate	۱۵	
bill of divorce	۳۱	طلاق نامه
letter of divorcement	۶۳	
gold tooling; gilding	۱۱۶	طلاکاری (جلد-)
gold beating	۷۸	طلاکوبی (هند-)
advanced guard	۱۲۰	طلایه [ممکن است شکل تحریف شده طلائع باشد.]
search	۸۷	طلب (قرآنی)
aspiration	۷۹	
find	۷	
desire	۱۰۸	
seeking	۱۰۳، ۱۱۸، ۱۱۹	
asking	۴۲	
study of knowledge	۸۰-۵	طلب علم
asking for God's mercy	۴۲	طلب مغفرت (نیز استغفار)
creditor	۲۰	طلبکار
seek out	۶	طلب کردن
seminary student	۴۴	طلبة حوزه علمیه
acacias	۱۰۰	طلح (قرآنی) [= درخت موز]
banana-tree (s)	۷	
talisman	۳۱، ۴۲، ۴۵	طلسم
theurgy	۱۳	
natural magic	۵۹	طلسمات
spath (es)	۱۰۰	طلع (قرآنی) [= شکوفه]
rising of the sun	۷، ۱۰۰	طلوع (قرآنی)

dawn; rising; advent
Toledo

۴۲

طَلَيْطَلَه (جف.) [شهری در اسپانیا ۴۲.۹۹
که قرن‌ها کانون فرهنگی اسلامی
بوده است.]

۹۵

طمأنينة

quietude

۳۱

tranquillity; serenity of mind

۱۱۸.۱۱۹

poise

طُمْتُ [مشتقات این کلمه در قرآن ۷.۸۷.۱۰۰
مجید به کار رفته است.]

touch

menstruate(menstruation); defloration

۱۲۱

hope

۷

طمع (قرآنی)

avarice

۴

eagerness

۱۰۰

covetousness

۵۷

desire

۱۰۳

rope

۱۲۰.۱۲۹

tambour

طناب

طنبور [معادل انگلیسی این کلمه
عیناً متخذ از این کلمه عربی
است، که خود از تبیر فارسی به
معنای طبل گرفته شده است.]

طنجه (جف.)

۹۹.۱۲۱.۱۲۵

Tangier

۱۱

طنز

irony

۱۲۸

satire

۴۰

ridicule

۱۱

طنز تقدیر

irony of fate

۱۲۸

طنز نویس

satirist

۱۲۰.۱۲۱

طنین

tinkle;

پ

echo

طواف [مشتقات این کلمه در ۴۵.۱۰۹.۱۱۳.۱۱۵

circumambulation

		قرآن مجید به کار رفته است.]	
ritual circumambulation of the	۵۱		
Ka'ba			
ceremonial circumambulating	۴۲		
of Ka'ba			
circumambulate	۲۱، ۹۹		طواف کردن
encompass	۸۴		
compass	۶۴		
image of the tree of knowledge	۵۶	طوبی' [کلمه طوبی' يك بار در قرآن	
Paradise		مجید در محل مدح و تحسین به	
		معنای «خوشا» و «آفرین» به کار	
		رفته است. ولی مفسران بر مبنای	
		بعضی احادیث و قصص، آن را	
		درختی شگرف و معجزه آسا در	
		بهشت می دانند.]	
The Mount	۸۷، ۸۸، ۱۰۰		طور [سوره]
The Mountain	۷		
Sinai (Mount Sinai)	۳۱، ۴۳، ۵۲		طور سینا [طور موسی]
parrot	۱۲۰		طوطی
willingly or unwillingly	۷، ۸۷		طوعاً اوکرهاً (قرآنی)
willy-nilly	۴۲		
(The Great) Flood; The Deluge	۴۲، ۷، ۸۷	طوفان (قرآنی) [= طوفان نوح]	
(of Noah)			
yoke	۱۲۹		طوق
longitude	۱۲۵		طول جغرافیایی
roll; scroll	۱۲۱		طومار
register	۱۱۴		
Tâ Hâ	۷، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰		طه [سوره]
purity	۶، ۴۵، ۱۰۸	طهارت [مشتقات این کلمه در	

قرآن مجید به کار رفته است.]

purification	۱۵.۳۴	
legal purity	۲۶.۱	
ritual purity	۸۰.۳	
cleanness	۸۷	
purity of woman	۶۱	طهر (فقد.)
purity	۸۶.۸۰.۴	
pure	۷	طهور (قرآنی) [= پاک و پاک کننده]
purifying	۱۰.۳	
folding up of the earth miracu- lously		طی الارض (قص.)
good things	پ ۶.۷.۸۷	طیبات (قرآنی)
good women for good men	۱۰۰.۱۰.۳	الطیبات للطیبین (قرآنی)
jesting	۵۲	طیبت
good men	۷.۱۰۰	طیبین (قرآنی)
the noble	۱۰.۳	
birds	۸۷.۱۰۰	طیر (قرآنی)
apparition; spectre	۱۲۶	طیف (نیز ← طائف)
head veil	۸۰.۳	طیلسان
dust	۷	طین (قرآنی)
clay	۸۰.۸۷	
clay of the gardens	۵۶	طین الجنان
clinging clay	۸۰.۱۰۰	طین لازب (قرآنی)
substance	۱	طینت

ظ

evil-doer	۶.۲۲.۸۷.۱۰۰	ظالم (قرآنی)
wrong-doer	۲۳.۸۱.۸۷	
unjust	۱.۱۶	
cruel; oppressive	۱۶	
tyrant	۴۲	
The Manifest	۶.۸۰	ظاهر [الظاهر] (اسم الهی)
		(قرآنی)
The Patent	۸۰	
The Outward	۸۷.۱۰۰	
outward [aspect]	۱۲.۲۳.۹۰.۱۰۰.۱۰۳	ظاهر [مق. باطن] (قرآنی)
exterior	۱۳	
appearance	۱۰۳	
apparent meaning; exoteric	۸۰.۴	
external; outer	۴۵.۹۱	
prima facie	۱۰۴	
literal meaning of the Koran	۸۵	ظاهر الکلام
evident facts	۴۲	ظاهر قرآن (نیز ← ظُهر)
exoteric	۳۷	ظاهرات
extrinsic	۱۱۷	ظاهری (فل.)
formalists; literalists	۴۲	
Zâhirites	۹۹	ظاهریون
journey	۱۰۰	ظاهریه
migration	۸۷	ظُفن (قرآنی) [= کوچیدن]
victory	۴.۹۹	ظُفر

	١٣	ظِلّ (قرآنى)
shadow	٧.٨٧	
shade	٤٢	ظِلّ الله
shadow of God	٨٧	ظِلّال (قرآنى)
shadow	٤٢.٨٧.٩٠.٩٥.٩٩	ظلم (قرآنى)
injustice	١٠٠	
evil-doing	٨١	
wrongdoing	١٥	
transgression; atrocity	٢٩	
oppression	٥٥.١٠٠.١٠٣	ظُلُمات (قرآنى)
darkness	٧.٨٧	
utter darkness	١٠٣	
gloom	٣١	ظلمانى
dark; obscure	٤٠	ظلمت
obscurity	١٠٣.١١٨.١١٩	
darkness	١٥	ظُلوم (قرآنى)
transgressor	٧.٢٣	
unjust	١٠٠	
sinful	٢٥.٧	ظُلوم و جهول [قرآنى: انه كان ظلوماً جهولاً]
the most unjust and ignorant		
tyrant and fool	٨٧	ظليم (نجم.)
Acamar	٣٦	ظَمَان (قرآنى) [= تشنه]
thirsty	٧.٨٧	ظَنّ (قرآنى)
opinion	٤٢.٨٧.٩٥.٩٩	
conjecture	٧.٤٢.٨٦	
guess	٤٢	
surmise	١٠٠	
probability	١٠١	
good opinion	٩٩	حسن ظنّ

bad opinion	۹۹	سوءِ ظنّ
mistrust	۴۲	
hypothetical; presumptive	۱۲۱	ظَنّی
suspicious	۱۲۱	ظنین
injurious assimilation	۳۹	ظہار (فقہ) [مشتقات این کلمہ - در معنای فقہی معہودش - در قرآن مجید بہ کار رفته است.]
incestuous comparison	۸۰، ۴	
pre - Islamic form of divorce, consisting in the words of repudiation; you are to me like my mother's back [= انتِ علیّ کظہر امی]		
the text or letter of the Quran	۳۱	ظہر (مق. بطن) (الفاظ و معنی ظاہری قرآن مجید)
noon, mid-day	۱۲۰	ظہر [= نیمروز] [= معادل قرآنی آن از همین ریشہ: الظہیرۃ است]
manifestation	۴۰، ۸۰، ۱۱۸، ۱۱۹	ظہور
manifestness	۵۶	
appearance	۴، ۱۰۹	
epiphany	۹۶	
public revolt	۴۵	ظہور [در فرقہ اباضیہ]
helper	۸۷	ظہیر (قرآنی)
aider	۷	
midday	۸۷	ظہیرہ (قرآنی) [= ظہر]
noon	۷	

ع

	۸۰.۲	عائله
family	۱۰۰	عابد (قرآنی)
serving	۳۱.۴۵.۸۰.۹۲	
devotee	۳۱.۸۰.۳	
votary	۴۲	
worshipper	۳۱	
adorer or servant of God	۳۱	عابدانه
devoutly	۱۲۰	عابر (قرآنی)
wayfarer, passer - by	۷.۱۲۰	
traveller	۱۲۵.۱۲۹	عاج
ivory	۹۹	عاجز (نیز ← عاجز)
impotent	۴۲	
disabled; unable	۱۲۰	عاجل
transitory; immediate	۱۱.۹۵	عادت
habit	۱۰	
custom	۴۵	
customary law	۱۰۴	
norm; moral	۸۰	
usage; normal course of events	۱۵	عادت ماهانه (فق.) (نیز ← حیض؛ ۱۵)
menstruation		محیض، قاعدگی)
		عادل
just	۹۵.۱۰۳	
equitable	۴۵.۱۰۱	
justice- seeking	۸	
The Just		ابر خلاف تصریح بعضی از منابع ۸۰

		از جمله دایرةالمعارف اسلام، عادل از اسماء الحسنی نیست و به جای آن طبق نظر متکلمان اسلام «عدل» [= عادل] جزو اسماء الحسنای الهی است.
justly; equitably	۳۱	عادلانه
The Chargers	۱۰۰	عادیات [سوره]
The Coursers	۸۷	
The Runners	۸۸	
The Assaulters	۷	
The Swift Horses	۳۸	
shame; disgrace	۱۲۰	
gnostic	۲۱، ۸۰، ۹۰، ۹۹، ۱۰۳، ۱۱۸، ۱۱۹	عار
mystic	۴	عارف
mystical (ly); gnostical (ly)	۱۲۰	عارفانه
loan	۴۲، ۸۰، ۱۰۳	عاریت / عاریه
loan of non-fungible things	۸۵	
borrowed thing	۱۰۳	
commodate	۸۰	
gratuitous loan	۴۵	
lover, fond	۱۰۳، ۱۲۰	عاشق (نیز ← معشوق؛ عشق)
Ashura	۴۳	عاشورا
capital town; metropolis	۱۲۰	عاصمه [= پایتخت]
rebelious	۸۷	عاصی (نیز ← عَصَى؛ عصیان)
disobedient	۱۴	
sinner	۴۲	
good health	۹۹	
good state	۵۲	عافیت
cursed; disinherited; disowned	۴۲	عاق

	۷	عاقبت (قرآنی)
end	۹۵	
destiny	۸۷	
sequel	۳۱	عاقبت اندیشی
farsightedness; foresight; prudence	۱۵	عاقد
solemnizer of marriage	۷.۸۷	عافر (قرآنی) [= نازا]
barren	۸۵.۱۰۱	عافل
sane	۸۰.۳	
intelligent (person)	۱۱	
rational	۳۱	عاقلا نه
prudently; wisely	۳۱	عاق نامه
deed of disinheritance	۷.۸۷	عاکف [= معتکف] (قرآنی)
dweller	۵۳	
cleaver at a saint's shrine		
The Knowing (one)		

عالم [بر خلاف اشاره بعضی منابع، ۲۴.۹۳.۱۰۴.۱۱۰ «عالم» از اسماء الحسنی نیست. بلکه عالم الغیب و عالم الغیب و الشهادة و علام الغیوب، و علیم بذات الصدور از اسماء الحسنی است.]

	۴۲	
The Knower	۱۵.۳۱	عالم
scholar	۱۶.۳۱	
learned	۹۹.۸۱	
religious scholar	۸۰	
traditionist	۴۱.۱۰۰	عالم الغیب (اسم الهی) (قرآنی)
The Knower of the Unseen	۸۷	
The Knower of the invisible	۲۹.۹۵	عالم [جهان]
universe	۸۷	عالم الغیب والشهادة (اسم الهی) (قرآنی)
The Knower of the Invisible		
and Visible		

world	۸۰	
realm	۱۱۳	
world of spirits	۲۲، ۴۲، ۱۰۸	عالم ارواح
Muslim world	۴۲	عالم اسلام (نیز ← دار الاسلام)
world of shadow	۲۴	عالم اظله
the visible world	۴۲، ۹۳	عالم الشهاده [= عالم شهادت]
world of Divine Command	۵۶	عالم امر (مقد. عالم خلق)
transcendental world	۴۶	عالم بالا
purgatory; intermediate world; limbo	۴۲	عالم برزخ (نیز ← برزخ)
the future state	۴۲	عالم بقا
world of creation	۹۹	عالم تکوین
world of unitarianism	۶۹	عالم توحید
world of unification	۱۰۳	
world of spirits	۳۴، ۱۰۳	عالم جان
world of power	۱۱، ۴۵	عالم جبروت
world of repairing; world of omnipotence	۸۰	
world of particular being; world of individual beings	۱۱	عالم جزویات
world of body	۱۱	عالم جسم (نیز ← عالم ناسوت)
mineral kingdom	۱۱	عالم جمادی
animal kingdom	۱۱	عالم حیوانی
world of creation	۵۶	عالم خلق (مقد. عالم امر)
temporal world; this world	۴۲	
		عالم ذر ← الست
world of mending	۹۹	عالم رتق (نیز ← عالم فتق)
terrestrial world	۱۰۴	عالم سفلی (مقد. عالم علوی)

lower universe	۴۲	
world of absolute silence	۱۱	عالم سکوت محض [هاهوت]
visible world	۲۲	عالم شهادت [عالم الشهاده] (مقد.)
		عالم غیب
world of sense; world of sensual perception	۸۰	
microcosm	۱۱.۹۶	عالم صغیر (مقد. عالم کبیر)
world of form	۱۱	عالم صورت
world of phenomena	۱۰۳	عالم ظاهر
world of pure intelligence		عالم عقل مجرد [ملکوت]
higher universe	۴۲	عالم علوی (مقد. عالم سفلی)
world of the elements	۱۱	عالم عناصر
the invisible world	۲۲.۴۲	عالم غیب (مقد. عالم شهادت) نیز
		← غیب
the world of unseen	۴۲.۵۶	
the unseen world	۲۲	
spiritual and unmanifested world	۸۰.۴	
world of rending	۹۹	عالم فتق (نیز ← عالم رتق)
world of emanation	۹۳	عالم فیض
macrocosm	۱۰۳	عالم کبری
macrocosm	۱۱.۱۰۳	عالم کبیر [جرم کبیر] (مقد. عالم صغیر)
world of universal beings	۱۱	عالم کلیات (مقد. عالم جزویات)
world of generation and corruption	۱۳	عالم کون و فساد
world of origin and decline	۸۰	
world of divinity	۴۲	عالم لاهوت
Divine Being	۴۵	
world of symbols	۶۶	عالم مثال
world of ideas	۸۰	

world of archetypal image	٣٧	
created world	١١	عالم مُحدث [مخلوق]
world of minds	٤٢	عالم معانى
rational world	٤٢	عالم معقول
world of the intelligibles	١١	عالم معنويات
world of reality	١٠٣	عالم معنى
visible world	٢٢	عالم ملك
world of kingship	٨٠	
invisible world	٢٢	عالم ملكوت
world of kingdom; world of sovereignty	٨٠	
celestial realm	١١٣	
Divine authority	٤٥	
world of angels; world of domination	٤٢	
intelligible world	٩٣	
sphere of humanity; world of	٤٢	عالم ناسوت
human sense; present world ;		
Nature	پ	
vegetable kingdom	١١	عالم نباتى
world of negation	١١	عالم نفى [لاهوت]
		عالم هاهوت ← عالم سكوت
		محض
superior	٩٥	عالى
sublime	١٦.٩٦	
general	٦.٩٢.٩٥	عام
common	٩٢.١٠٣.١٠٥	
generic	٤٤	
the year of deputation	٨٤	عام الوفود
agent; factor	٧٥	عامل
state agent	٨٠.٤	

administrator	۷۹	عامل الخراج
tax collector	۴۲	عامل السوق
inspector of the market	۸۵	عامل خلّاق
creative agency	۱۱	عامل متغیر
variable factor	۷۵	عامّه
masses	۲۸	
commoners	۹۰	
common people	۴۷	
the multitude	۵۷	
plebeian	۲۱	عامی
insulator	۱۲۹	عایق [= نارسانا]
cloak	۱۲۰	عبا
shoulder-mantle	۸۰ - ۵	
shoulder-clothes	۲	
wide outer garment	۶۷	
worship	۳۰، ۴۲، ۵۷، ۸۷	عباد ← عبد
service	۷، ۱۶، ۱۰۰	عبادت (قرآنی)
adoration	۹۵	
idolatry	۴۲، ۱۰۷	عبادت الاوثان (نیز ← بت پرستی)
idolatry	۱۰۷	عبادت الصنم
worshipper	۴	عبادت پیشه
house of worship	۸۰	عبادت خانه
expression	۸۰، ۹۴	عبارت (منط.)
expression of revelation	۱۱	عبارت تنزیلی
terminology of the ancient	۶۹	عبارت قدما
Abbasides	۴۲	عباسیان [= بنی عباس]
futile	۱۶	عَبَث (قرآنی)
vain	۷، ۹۵	

purposeless	۱۰۷	
idly	۸۰، ۴	
1. slave	۶، ۷، ۱۶، ۹۰، ۹۵	عبد (قرآنی ۱. برده، ۲. بنده خدا)
2. servant	۱۰۰، ۱۱۸، ۱۱۹	
admonition	۹۰	عبرت [= العبرة] (قرآنی) [از همین ریشه «اعتبار» نیز کلمه‌ای قرآنی است.]
a lesson	۷، ۸۷، ۱۰۰	
Hebrew; Hebraic	۳۱	عبری [= عبرانی]
«He Frowned»	۷، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰	عَبَسَ [سوره قرآن]
1. carpet	۷، ۸۷	عَبْقَری [۱. (قرآنی) : جامه‌های
2. lord; chief	۱۲۲	گران‌بها ۲. سید، مهتر؛ بزرگ در علم و هنر. بسیاری از محققان - از جمله جفری و ادی شیر- آن را معرب «آبکار» فارسی می‌دانند.]
genius	۱۲۱	
servitude	۱، ۳۱	عبودیت
servanthood	۲۱	
servantship	۱۱۸، ۱۱۹	
bondage	۱	
slavery; service (of God)	۳۱	
frowning	۸۷، ۱۰۰	عَبَسَ (قرآنی)
stern	۷	
Ubaydid dynasty; The Ubaydid	۹۹	عبیدیان
manumission (of slave)	۴۲، ۸۵	عَتَاق (نیز ← اعتاق؛ آزاد کردن بنده)
emancipation of slave; setting free	۴۲	
holy shrines	۸۰	عتبات

thresholds	۶۸، ۱۰۱	عتاب عالیات
The lofty or sacred thresholds	۱۰۱	عترت
family	۱۲۰	
offspring	۶، ۱۰۹	
progeny	۶	
descendents	۲	
Relatives of Muhammad	۶	عترت محمد (ص)
		عتق (به حرکات سه گانه عین، یعنی آزادی یا آزاد کردن بنده) ← اعتاق؛ عتاق عته [جنون، خبط دماغ]
insanity; dementia	۱۲۰	
idiocy; imbecility	۱۲۱	
freedman	۴۲	عتیق [= معتق] (نیز ← بیت العتیق عثمانی، امپراطوری ← امپراطوری عثمانی عُجاب (قرآنی)
astounding	۸۷	
marvellous	۱۰۰	عجالتاً
for the time being	۱۲۰	عجایب خلقت
marvels of creation	۸۰	عُجب (اخذ.)
vanity	۹۵	
self-admiration; haughtiness	۳۱	
powerlessness	۸۰، ۱۰۳	عجز [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
inability	۲۱، ۱۰۴	
impotence	۲۱	
weakness	۱۰۳	
The Calf	۱۰۰	عِجَل (قرآنی) (یک معنایش در قرآن مجید، گوساله سامری است.)
May God hasten his glad advent	۸۰-۲	عجل الله فرجه الشریف [جمله ۲-۸۰]

دعائی است خاص شیعیان اثنی
عشری که در انتظار ظهور
حضرت قائم گویند و اختصار آن
به صورت «عج» است.

hurry; haste	۱۲۱	عجله
non-Arab	۴.۸۰.۹۹	عجم
foreigner	۹۰	
barbarism; incorrectness in Arabic	۱۲۱	عُجْمَه
Persian	۲۵	عَجَمی (نیز ← اعجمی)
confused speaker	۸۸	
old woman	۷	عَجُوز / عجوزه [هر دو صورت به معنی پیرزن است. در قرآن مجید عجوز چهار مرتبه و هر چهار به معنی پیرزن به کار رفته ولی جز در قرآن، گاه عجوز به پیرمرد هم اطلاق می گردد]
justice	۴۷.۹۵.۱۰۹	عدالت
probity	۴۷.۹۹	
house of justice	۶۸	عدالت خانه
advocacy of justice	۱۶	عدالتخواهی
official witness	۹۹	عداله
enmity; detestation	۱۰۰	عداوت (قرآنی)
odium	۴	
number	۹۴.۱۲۸	عدد (قرآنی)
numeral	۱۲۸	
cardinal number	۶۵.۹۴.۱۲۸	عدد اصلی
irrational number	۱۲۵	عدد اصَمّ
prime number	۱۲۰	عدد اول
ordinal number	۶۵.۱۲۸	عدد ترتیبی

integer	۹۴	عدد صحیح
natural number	۹۴	عدد طبیعی
odd number	۹۶	عدد فرد
rational number	۱۲۵	عدد منطوق
The Just	عدل [العدل] (اسم الهی) (غیر ۴۲ قرآنی)	
justice	۴۵.۵۷.۸۰.۹۰.۱۰۳	عدل (قرآنی)
equity	۶۴	
justness	۲	
equitableness	۴۵	
civic justice	۶۹	عدل مدنی
1. Justice	۷.۸۷	عدل (قرآنی) [۱. داد؛ ۲. فدادادن
2. counterpoise	۱۰۰	و برابر نهادن، و فدیہ و نظایر
		آن]
ministry of justice	۱۲۰	عدلیہ
non-existence	۴۲.۸۰.۱۰۲.۱۰۳.۱۰۵	عدم
privation	۳۲.۵۶.۹۲.۱۱۱	
nothingness	۱۶.۱۱۸.۱۱۹	
annihilation	۹	
non-being	۹۵	
lack	۱۰۸	
involuntariness	۱۱	عدم اختیار
absence of right	۶۱	عدم استحقاق
disorderliness	۱۱	عدم انتظام
indeterminateness	۱۱	عدم تعین
lack of means	۶۱	عدم تمکن
non-contradiction	۱۱	عدم تناقض
infiniteness	۱۱.۱۰۵	عدم تناهی
non-existence in time	۵۶	عدم زمانی

impersonality	۱۱	عدم شخصیت
inactivity	۱۱	عدم فعالیت
pure non-existence	۱۰۴	عدم محض
absolute nonentity	۳۴	عدم مطلق
non-existential	۱۱	عدمی
privative	۵۶، ۱۰۸	
negative	۶۹	عدمی [مق. وجودی]
nihilism	۹۵	عدمیت
(garden of) Eden	۳۱، ۳۸، ۸۷	عدن (قرآنی)
perpetual abode	۷	
enemy	۷، ۴۵، ۱۱۸، ۱۱۹	عَدُوّ (قرآنی) [در تداول فارسی بر وزن عمو به کار می رود.]
aggression	۴۲، ۹۵، ۸۷	عدوان (قرآنی)
transgression	۸۷، ۱۰۰	
deviation; revocation	۴۲	عدول
obversion	۹۴	عدول محمول (منط.)
retreat	۳۹	عَدّه (فق.) (قرآنی)
waiting period [waiting term]	۴۵، ۸۳، ۸۵، ۸۶، ۱۱۲	
legal period of retirement	۲۲	
term	۱۰۰	
chastisement	۶، ۴۲، ۱۰۰	عذاب (قرآنی)
punishment	۴، ۳۸، ۸۷	
torment	۴۵، ۸۰، ۸۷، ۱۰۳، ۱۱۳	
suffering; affliction	۴۵، ۸۰	
doom	۸۷	
retribution	۲، ۸۷	
penalty	۶۴	
torment of the fire	۸۷	عذاب النار
punishment of the grave	۳۸	عذاب قبر

punishment of the tomb	۸۰.۵	
torment of the grave	۴۵	
sweet	۸۷	عَذْب (قرآنی)
excuse	۷.۳۸.۸۰.۸۷.۱۰۳.۱۱۸.۱۱۹	عذر (قرآنی)
excuse (for non-fulfilment of a contract)	۸۵	
plea	۸۰	
atonement	۱۴	
excuse for one's shortcomings	۵۲	عذر تقصیر
diviner	۹۹	عَرَّاف
traditional divination	۸۰.۵	عِرَافه [پیشگوئی حوادث آینده از روی حوادث زمان حاضر. شعبه‌ای از کهنانت نزد عربهای جاهلی بوده است.]
The Two Iraqs	۹۹	عراقین
Arab	۱۲۱	عرب (نیز ← اعراب)
arabesque	۱۲۹	عَرَبَانَه [شیوۀ تزیینی اسلامی، اسلامی]
Pre-Islamic Arab	۲۹	عرب جاهلی
indigenous Arab	۴۵	عرب عاربه
Arabs of mixed descent	۱۲۰	عرب مستعربه [= متعربه] عربون ← اربون
Arabic language and literature	۸۲.۵	عَرَبِیَّت (نیز ← عربیت)
festivities	۴۲	عُرْس [اصطلاح متصوفه]
bridal	۱۰۳	
The Throne	۱۰۳.۱۰۴.۱۱۸.۱۱۹	عرش (قرآنی)
	۶.۴۵.۸۷.۹۰.۹۹.۱۰۰.	
Clestial Throne	۴۶	
Divine Throne of Tabernacle	۸۰	

Supreme Throne	٥٦	عرش اعظم
Throne of Heaven	١٠٩	عرش خدا
Throne of The Compassionate	٥٨	عرش رحمان
deck	١٢٠	عرشه
resurrection plain	١٤	عرصات
building site	٦١	عرصه [مقد. اعيان]
accident	٤٥.٨٠.٩٥.٩٧.١٠٥.١١	عَرَض (منط.)
particular accident; property	١١	عَرَض خاص
essential accident	١١	عَرَض ذاتي
common accident	١١.٩٧	عَرَض عام
inseparable accident	١١	عَرَض لازم
necessary accident	٩٢	عَرَض لازم بين
evident adherent accident	٩٧	عَرَض لازم غير بين
non-evident adherent accident	٩٧	عَرَض مفارق
separable accident	١١.٩٧	عرض بلد (نج.)
latitude of a place	٩٩	عرض جغرافيايي (جف.)
latitude	٣٦.١٢٥	عرضه و تقاضا (اق.)
supply and demand	٥-٢	عَرَضِي
accidental	٥٦.٩٢.١٠٢.١١٧	عَرَضِي
casual	١٦	عَرَضِي
latitudinal	١٣	عَرَضِيه
occasional	٨٠-٥	عُرْف (قرآني)
kindness	٨٧	
good	٧	
custom	٤٧.٨٠.٨٥.٩٥	عُرْف
customary law	٤٥.٤٧.٦٨.٨٠	
secular jurisdiction	٦٨	
convention	٤٠	
common-sense	٤٦	

trade custom	۶۳	عُرف بازرگانی
international custom	۶۱	عُرف بین المللی
according to common law	۶۱	عُرفاً
commonly	۴۲	
The «mount of Recognition»	۳۸	عرفات
'Arafât	۸۷.۱۰۰	
name of a mountain and adja-	۱۲۱	
cent plain ... where Mecca Pil-		
grims spend the 9th day of		
Zu'lhijja		
gnosis	۴۲.۸۲.۹۹.۱۱۳	عرفان
mysticism	۴۲.۴۶	
Sufism	۴	
theosophy	۴۲	
Throne mysticism	۴۶	عرفان عرشی
mystical intelligence	۹۲	عرفان عقلی
conventional	۱۰۴	عُرفی
secular	۲۷	
customary law	۸۰-۲	عُرفیات
special conventional	۹۷	عرفیة خاصه (منط.)
general conventional	۹۷	عرفیة عامه (منط.)
root, stem; vein, race	۱۲۱	عرق
sciatica	۷۱	عرق النساء (پز. قدیم)
skull cap	۱۲۰	عرقچین
Arabism	۲۷.۸۰	عروبت (نیز ← عربیت)
the most firm handle	۱۰۰	عروة الوثقی (قرآنی)
strongest handle	۱۸	
firmest handle	۱۰۳	
firm handhold	۸۷	

the strongest and dependable	۲۳	
support		
process of ascent		عروج [مشتقات این کلمه در قرآن ۱۱ مجید به کار رفته است.] (نیز ← معراج)
bride	۳۹	عروس
marriage; wedding (feast)	۱۲۰	عروسی
prosody	۲۶-۱، ۱۲۸	عروض (ادب.)
metrics	۳۷، ۱۲۸	
occurrence	۱۰۲	عروض (فل. کل.)
prosodic; prosodist	۱۲۸	عروضی
naked	۱۰۳	عریان
petition	۴۲	عریضه
report	۱۱۴	
glory	۲، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۱۸، ۱۱۹	عزّ [عزّت]
honor	۴۱	
majesty	۶	
dignity	۲	
might	۹۰، ۱۰۰	
strength	۷، ۹۹	
consolation	۱۱۸	عزاء
incantations	۹۹	عزائم
mourning	۲۹	عزاداری (نیز ← مراسم عزاداری؛ تعزیه؛ روضه؛ مرثیه؛ زنجیرزنی)
Old Nick	۵۲	عزازیل [= شیطان]
bachelor	۱۲۰	عزب (نیز ← عزوبت)
celibate	۱۵	
glory	۲، ۱۰۰، ۱۰۸	عزّت (قرآنی)
[honor = honour]	۷، ۴۱	

Izrael	۴۲، ۴۳	عزرائیل
Azrael	۴۲	
the angel of death	۴۲	
dismissal	۴۲	عزل
retirement	۴۲	عزالت
retreat	۴۵	
isolation	۹۰	
determination	۷	عزم (قرآنی)
resolution	۵۷	
constancy	۸۷	
decision	۴۵، ۹۵	
celibacy	۱۵	عزوبت (نیز ← عَزَب)
Almighty and Glorious	۱۰۳	عَزَّ وَجَلَّ [کلمات دعائیه که فقط
		برای خداوند به کار می رود.]

To whom belong Might and

Majesty

Ezra

The Mighty

۶، ۴۵، ۹۹، ۱۰۰، ۱۱۲

۲۴، ۴۵، ۸۷

عُزیر [پیامبر بنی اسرائیل]

عزیز [العزیز] (اسم الهی)

(قرآنی)

The All-mighty

۲۲، ۸۷، ۱۰۰

The Omnipotent; The Powerful;

۸۰

well- attested

۲۸

عزیز [در حدیث]

rare

۸۰-۲

will

۱۰۸

عزیمه (نیز ← عزایم)

incantation

۳۸

hardship

۱۰۰

عُسْر (قرآنی) (نیز ← اعسار)

distress and constriction

۲۷

عُسْر و حَرَج (فق. حق.)

the watch

۵۲

عسس

army

۸۰

عسکر

night patrol	۳۷	
honey	۷.۸۷	عسل (قرآنی)
evening	۴۲.۸۷	عشاء (قرآنی)
prayer of night	۸۷	
the prayer of nightfall	۷.۳۱۱	نماز عشاء [= صلاة العشاء که قرآنی است]
pregnant camels	۱۰۰	عشار (قرآنی) [= شتران آبستن]
tithe	۴۲.۴۵.۶۰.۸۰	عشر
frivolity	۱۵	عشرت
The ten to whom Paradise was promised	۴۵.۸۰	عشرة مبشرة
love	۹۲.۱۲۰	عشق (نیز ← عاشق؛ معشوق)
passion	۸۰	
kinsfolk	۷	عشیره (قرآنی)
tribe	۱۵.۸۷	
clan	۸۰.۹۵.۱۰۰.۱۱۷	
Moses' stick; Moses' rod	۴۲	عصای موسی
gang	۸۷	عُصبه (قرآنی) [= گروه]
band	۱۰۰	
group (of tribal) solidarity	۲۷.۵۱.۹۳	عصیبت
group feeling	۹۹	
The Declining Day	۸۷	عصر [سوره]
The Afternoon	۸۸.۱۰۰	
Time	۷	
infallibility	۴۲.۴۵.۹۹.۱۰۹.۱۱۳	عصمت
inerrancy	۱۲.۴۲.۸۰	
divine protection	۹۰.۱۱۳	
immunity	۴۵	
inerrancy of prophecy	۱۲	عصمت نبوت

disobedience	۱.۷.۱۰۰	عِصْیَان (قرآنی)
bounty	۷.۸۷	عِطَاء (قرآنی)
(God's) gift	۲۱.۱۱۰	
drugist	۳۷	عِطَار
Mercury	۳۶.۹۹.۱۲۵	عُطَارِد (نجد.)
perfume; scent	۱۲۰	عِطْر [در محاوره امروز فارسی به ۱۲۰ فتح اول تلفظ می شود.]
sneeze	۱۲۰	عِطْسَه
spine	۱۲۵	عِطْف (جل.)
hendiadys	۱۲۸	عِطْف (دس.)
		عِطْف النِسْق ← عِطْف به حروف
coordination; parataxis	۱۲۸	عِطْف به حروف [= عِطْف ۱۲۸ النِسْق]
appositive	۱۲۸	عِطْف بِيَان
ex-post-facto	۲۷	عِطْف به مَاسْبِق
sympathetic	۱۱۸	عِطُوف
gift; present	۱۲۰	عِطِيَه
bone	۷.۸۷	عِظْم (قرآنی) [= استخوان]
magnitude	۱۰۷	عِظْم
greatness	۴.۹۵.۱۱۸	عِظْمَت
grandeur	۱۱۱	
The Great	۷.۱۱.۴۲	عِظِيم [العظیم] (اسم الهی) (قرآنی)
The Tremendous	۷۹.۸۷	
The All-glorious	۱۰۰	
The Majestic	۱۱۰	
chastity	۱۶.۴۲.۴۷.۹۹	عِفَاف [عِفَتْ] (نیز ← تَعَفَّف)
modesty	۴.۴۲.۸۰-۵	

temperance	۴۲.۹۵	
restraint	۴۷	
piety	۸۲-۵	
continence	۲۱	
efreet [= freet]	۱۰۰	عَفَّت ← عَفَاف؛ عمل منافی عفت عفریت (قرآنی) [آرتور جفری این کلمه را مشتق از «آفریدن» فارسی می‌داند]
Demon	۴۲	
1. forgiveness	۴۲.۸۷.۱۱۸.۱۱۹	عَفُو (قرآنی) [۱. بخشایش؛ ۲. زیادتی مال]
1. pardon	۴۲.۸۵.۱۰۳	
1. remission	۴۲	
2. abundance	۱۰۰	
Lordship pardon	۱۰۳	عَفُو خداوندی
amnesty	۶۱	عَفُو عمومی
All-pardoning	۱۰۰	عَفْوُ [العَفْوُ] (اسم الهی) (قرآنی)
Benign	۸۷	
The Pardoner	۴۵	
forgive; overlook	۶۴	عَفُو کردن
chaste	۴۲	عَفِيف
shrink from sin	۱۰۷	
punishment	۸۰.۹۰.۹۶.۱۰۴.۱۰۷	عِقَاب (قرآنی)
retribution	۴۰.۱۰۰	
eagle	۱۲۰	عُقَاب
Aquila	۳۶	عقاب (نج.)
immovables	۸۵	عِقَار
landed property	۶۱	

medical herbs	۱۱۴	عقار (مفرد آن عقار) (پز)
tithes	۱۲	عقال [زکات سالانه شتر و گوسفند]
of the next world	۲۱	عقبایی
steep	۱۰۰	عقبه (قرآنی)
uphill road	۷	
the world to come	۵۲	عُقبی (قرآنی)
the next world	۱۰۳	
the after-life	۴۲	
contract	عقد [مشتقات این کلمه در قرآن ۱۵.۴۲.۸۰.۸۵.۹۵. مجید به کار رفته است.]	
legal act	۸۰	
knot; tie; agreement; obligation	۳۱	
conclusion	۶۱	
marriage contract	۱۵	عقد ازدواج
authorised contract	۴۲	عقد جایز
unauthorised contract	۴۲	عقد فضولی
sharecropping contract	۵-۴	عقد مزارعه
suspended contract	۴۲	عقد موقوف
contract of matrimony	۴۵	عقد نکاح
contract marriage	۳۹	عقد ازدواج بستن
Alcyon	۳۵	عقد ثریا (نج.)
marriage contract	۸۰-۲	عقدنامه (نیز ← قبالة ازدواج)
complex	۴	عقده
Scorpius	۳۶	عقرب (نج.)
Scorpio	۹۹	
intellect	عقل [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← عقول)	

intelligence	۴۲.۸۰.۹۹.۱۰۳.۱۱۱	
reason	۲۹.۴۵.۹۵.۱۰۳.۱۰۵.۱۰۶	
Logos	۹۷	
intuitionism	۴۴	عقل اشراقی
Divine intelligence	۴۰	عقل الهی
human intelligence	۴۲	عقل انسانی
human intellect	۴۰	
human reason	۱۱	
first intellect	۱۱.۱۰۷	عقل اوّل
primal intelligence	۴۲.۸۰-۵	
first intelligence	۳۸	
natural genius of instinct; the	۳۱	
Throne of God; the Holy Spirit		
actual reason	۱۱	عقل بالفعل
actualized intellect	۸۰	
intellectus in effect	۴۲	
<i>intellectus in actu</i>	۱۳	
potential intelligence;		عقل بالقوه
intellect in pontentia	۴۲	
potential intellect	۸۰	
potential reason	۱۱	
<i>intellectus adeptus or acquisitus</i>	۱۳	عقل بالمستفاد (نیز ← عقل مستفاد)
<i>intellectus in habitu</i>	۱۳	عقل بالملکه
experimental intellect	۹۹	عقل تجربی
discerning intellect	۹۹	عقل تمییزی
reason	۵۸	عقل جزئی [عقل جزوی]
partial (discursive) reason	۱۰۳	
individual intellect	۱۱.۱۰۳	

particular intellect	۷۹	
practical intellect	۸۰	عقل عملی
practical wisdom	۴۲	
practical reason	۱۱	
active intelligence	۴۲، ۹۲	عقل فعال
active intellect	۵۶، ۱۱۷	
agent intellect	۶۱، ۱۰۴	
sacred (prophetic) soul	۹۲	عقل قدسی
sacred intellect	۱۳	
universal intelligence	۴۰، ۴۵	عقل کلّ
universal reason	۱۱، ۱۰۳	
universal intellect	۱۱	
universal mind	۱۰۳	
supreme intelligence	۱۱	عقل متعالی
pure intelligence	۱۰۴	عقل مجرد
pure reason	۴۲	عقل محض
acquired reason	۹۳	عقل مستفاد (نیز ← عقل بالمستفاد)
acquired intelligence	۴۰	
acquired intellect	۱۱	
angelic reason	۱۱	عقل ملکی
passive intellect	۱۱	عقل منفعل
crooked reason	۱۱	عقل منکوس
prophetic reason	۱۱	عقل نبوی
speculative intelligence	۴۰	عقل نظری
speculative intellect	۹۹	
theoretical intellect	۸۰	
theoretical reason	۱۱	
material intelligence	۴۰	عقل هیولانی

<i>intellectus materialis</i>	۱۳	
exertion of the reason	۶۸	عقل [مق. نقل]
rationality	۸۰-۲	عقلاً
wise fools	۸۰	عقلاء مجانین
rational	۴۴.۱۰۵	عقلانی [عقلی]
intellectual	۲۱	
noetic	۵۶	
rational sciences	۸۱	عقلیات
rationalism	۴۲	عقلیگری [= اصالت عقل]
sterility	۹۸	عُقْم (نیز ← عقیم)
chastisement	۳۸. ۴۵. ۸۰	عقوبت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
punishment	۳۸.۴۵	
intelligences	۸۲.۱۰۶	عقول (نیز ← عقل)
spirits	۸۰-۵	
intellects	۱۰۳	
powers of reason	۷۹	
minds	۹۷	
Divine Intelligences	۱۰۳	عقول الهی
human intellects	۱۰۳	عقول انسان
separate intelligences	۸۰	عقول مفارقه
angelic minds	۹۷	عقول ملکیه
creed	۴۵.۸۰	عقیده
belief	۴۲	
opinion	۱۱	
dogma	۹۵	
doctrine	۱۶	
conviction	۱۵	
cornelian	۸۰	عقیق

agate	۷۸	
offering	۴۵	عقیقه
the sacrifice on the seventh day		
after the birth of a child	۴۵	
barren	۷. ۱۵. ۸۷	عقیم (قرآنی) (نیز ← سترون)
inconclusive syllogism	۴۰	عقیم (منط.) (نیز ← عقم)
photography	۱۲۰	عکاسی
photograph	۱۲۰	عکس
conversion	۹۷. ۹۸. ۱۱۷	عکس (منط.)
converse	۹۴	
conversion simpliciter	۹۸	عکس استقامه (منط.)
conversion per accidens	۹۴	عکس به تحدید (منط.)
simple converse	۹۴	عکس ساده (منط.)
even conversion; <i>conversio simplr</i>	۹۷	عکس مستوی (منط.)
conversion by contradiction	۹۷	عکس نقیض
contraposition	۱۱۷	
<i>conversion per contrapositionem</i>	۹۸	
obverted contrapositive	۹۴	عکس نقیض [به قول قدما]
contrapositive	۹۴	عکس نقیض (به قول متأخرین)
remedy; cure; treatment	۱۲۰	علاج
Knower of Things Hidden	۸۷	علام الغیوب (اسم الهی) (قرآنی)
		(نیز ← دانای کل)
	۱۰۳	علامه
exceedingly learned man	۷. ۸۷	علانیه (قرآنی)
openly	۸۰-۵	علت [در قیاس فقها]
principle	۱۰۳	علت [مرض]
illness		علت (منط. فلـ)
cause	۹۵. ۱۰۷. ۱۰۸	
	۴۲. ۶۳. ۸۰	
	۶۳	علت اصلی
underlying cause		

cause of causes	١١	علت العلل
first cause	١١, ٩٢, ١٠٧	علت اول
primal cause	١١, ٤٢	علت اولی
sufficient cause	١, ١٢	علت تامه
complete cause	١٢	
cause of completion	٩٢	علت تمامی
final or perfect cause	٨٠-٣	علت تمامیه
immanent cause	١١	علت درونی
formal cause	٤٢, ٨٠-٣, ٩٢	علت صوری
general cause	٨٠-٣	علت عامه
material cause	٩٢	علت عنصری
final cause	١١, ٤٢, ٩٢, ١١١	علت غائی
ultimate cause	١١, ٤٢	
inactive cause	١١	علت غیر فعال
efficient cause	٤٢, ٨٠, ٩٢, ١٠٤, ١١١	علت فاعلی
receptive cause	١٠٤	علت قابلیه
material cause	٤٢	علت مادی
moving cause	١١	عل متحرک
separate cause	٨٠-٣	علت مفارقه
cause that makes necessary	٩٩	علت موجب
incomplete cause; partial cause	١٢	علت ناقصه
efficient cause	٤٢	علت نهایی ← علت غایی
material cause	٨٠-٣	علت وجودی
actiology	٤٢	علت هیولانیه
The Blood-clot	٣٧, ٨٨, ١٠٠	علت شناسی
The Clot	٧, ٨٧	علق [سوره]
Congeaed Blood	٣٨	

knowledge	۷.۵۷.۸۰.۸۷.۹۲.۹۳.۱۰۳.۱۱۸.۱۱۹	علم (قرآنی)
science	۲۹.۹۲.۹۳.۹۵.۱۰۳	
gnosis	۱۰۱	
eschatology	۴۲.۹۵	علم آخرت
belles lettres	۲۶-۱	علم آداب
science of letters	۶۶	علم ابجد
unitive knowledge	۸۰-۴	علم اتصالی
collective knowledge	۱۰۲	علم اجمالی
judicial astrology	۲۶-۱	علم احکام نجوم (نیز ← ۱-۲۶) (احکام نجوم)
palmomancy; palmoscopy	۸۰	علم اختلاج
hemerologies and menologies	۸۰-۵	علم اختیارات [کھانت]
ethics	۵۷	علم اخلاق
science of philology	۴۲	علم ادب [= فقه اللغه]
materia medica	۲۶-۱	علم ادویه
spiritism	۴۲	علم ارواح (نیز ← علم روح)
detection of minerals	۸۰-۵	علم استنباط المعادن [کھانت]
chiromancy	۸۰-۵	علم اسباب نزول ← اسباب نزول
knowledge of names	۴۲	علم اسرار
etymology	۵۶	علم اسماء
methodology	۴۱	علم اشتقاق لغات
omoplatoscopy	۸۰-۵	علم اصول (نیز ← اصول)
physiology; medicine	۱۲۰	علم اکتاف [کھانت]
theology	۱۲۰	علم الابدان
Divine Knowledge	۲.۹۶.۱۰۴	علم الاديان
theology	۳۱	علم الله [علم الهی]
metaphysical theology	۹۲	
metaphysics	۸۰.۹۹	

		علم الهی ← علم الله
		علم الهیات ← علم الله؛ الهیات
		علم اليقين (قرآنی)
certain knowledge	۷. ۲۱. ۴۵	
knowledge of certainty	۱۱۳	
intellectual certainty	۸۰ - ۳	
science of certainty	۵۸	
pathology	۲۶ - ۱	علم امراض
geneology	۲۶ - ۱	علم انساب
art of literary composition	۴۲	علم انشاء
passive knowledge	۱۰۲	علم انفعالی
inner knowledge	۸۰ - ۳	علم باطن (نیز ← علم لدنی)
occultism	۱۱۷	
speculative science	۳۱	
esoteric knowledge	۵۷	
euphuism	۲۶ - ۱	
science of rhetoric	۲۶ - ۲	علم بدیع
science of rhetorical figures	۹۹	
first philosophy	۹۳. ۱۱۱	
higher science; metaphysics	۴۰	علم برین
simple knowledge	۵۶	
science of figurative expression	۸۰ - ۵	علم بسیط
figurative language	۱۲۸	علم بیان
explanatory science (i.e. rhetoric, oratory, eloquence)	۳۱	
historiography	۹۹	علم تاریخ (نیز ← تاریخ)
science of composition	۶۹	علم تألیف
management of the house	۹۲	علم تدبیر خانه
economics	۴۰	
civics	۹۲	علم تدبیر شهر

science of public management	۹۲	علم تدبیر عامہ
science of the scales =logic	۴۰	علم ترازو [= علم میزان]
dictamen	۱۲۸	علم ترسل [= فن ترسل]
anatomy	۳۱	علم تشریح
sufism; Islamic mysticism	۴۲	علم تصوف (نیز ← تصوف؛ عرفان)
charms	۸۰-۵	علم تعلق القلب [کھانت]
instructive science; instructible	۹۲	علم تعلیمی
science		
exegesis	۴۰	علم تفسیر (نیز ← تفسیر)
separative knowledge; detailed	۱۰۲	علم تفصیلی
knowledge		
cosmogony	۱۳	علم تکوین جہان
chronology	۳۸	علم تواریخ
imaginative knowledge	۱۰۲	علم توہمی
science of mechanics	۶۹، ۱۲۹	علم جرّ اثقال
		علم جفر ← جفر
mineralogy	۳۱	علم جمادات
aesthetics	۴۲، ۸۰-۳	علم جمال
science of traditions	۱۱، ۴۲	علم حدیث
onomatomancy	۸۰-۴	علم حروف
arithmetic	۴۲، ۸۰-۳	علم حساب
science of reckoning	۸۰-۳	
empirical knowledge	۱۰۲	علم حصولی
acquired knowledge	۵۴	
intuitive knowledge	۴۲، ۱۰۲	علم حضوری
immediate knowledge	پ	
presential knowledge; sapiential	۵۴	
wisdom or gnosis		

philosophy	۴۲	علم حکمت
science of stratagems or ruses	۵۴	علم حیل
science of observation by means of instruments	۹۲	
zoology	۶۹	علم حیوان
rhetoric	۴۲	علم خطابه
semantics	۱۱۵	علم دلالت
science of the sovereignty	۹۲	علم ربوبیت
biography and criticism of traditionists	۴۵	علم رجال
sympathetic actions or sorcery	۸۰-۵	علم رُقیه [کھانت]
geomancy	۸۰-۵	علم رمل
science of transmission	۴۵	علم روایت
spiritism	۹۵	علم روح (نیز ← علم ارواح)
knowledge of the spiritual world	۵۹	علم روحانیات
science of mathematics	۹۲	علم ریاضی
detection of wells	۸۰-۵	علم ریافه [کھانت؛ علم استنباط آب؛ گمان زنی در باره اینکه فلان چاه به آب می رسد یا نه.]
philology	۹۶	علم زبان (نیز ← فقه اللغة)
lower science; natural science	۴۰	علم زیرین
knowledge of the Hour	۷، ۸۷	علم الساعة (قرآنی)
science of omens and portents	۲۶-۱	علم سعد و نحس
politics	۹۹	علم سیاست
political science	۴۲، ۹۲	
biography	۲۶-۱	علم سیر
magic	۴۰	علم سیمیا (نیز ← سیمیا)
conjury	۸۰-۵	علم شعبده (نیز ← شعبده)

presentational knowledge	۱۰۸	علم شهودی
intuitive experiences vision	۸۰ - ۴	
etymology	۳۱	علم صرف
declension; morphology	پ	
knowledge by representation	۸۰ - ۴	علم صوری
of the object		
certain knowledge	۶۷	علم ضروری
medicine	۶۹	علم طب
natural philosophy	۳۱، ۹۲، ۱۱۱	علم طبیعی
natural science; physics	۹۲	
talismanic art	۱۰۴، علم طلسمات (نیز ← طلسم،	طلسمات)
ornithomancy	۸۰ - ۵	علم طیره [= فال بد]
phenomenology	۹۵	علم ظواهر
science of versification; science	۸۰	علم عروض
of meter		
poetry; prosody; versification	۳۱	
conjurations of demons or incantations	۸۰	علم عزائم [کهنانت]
intellectual knowledge	۸۰ - ۳	علم عقلی
intellectual science	۹۹	
intelligent knowledge	۹۲	
practical science	۹۲	علم عملی
knowledge of hidden things	۲، ۸۰	علم غیب (قرآنی: علم الغیب)
prescience	۲۷	
divination	۳۱	
absentational knowledge	۱۰۸	علم غیبی
omens	۸۰ - ۵	علم فال
physiognomy	۴۰، ۸۰، ۹۵، ۱۰۴، ۱۲۵	علم فراست (= قیافه شناسی)
laws of inheritance	۴۲	علم فرایض (ارث شناسی)

active knowledge	۱۰۲	علم فعلى
Muslim jurisprudence	۴۰	علم فقه (نیز - فقه)
science of agriculture	۶۹	علم فلاحت
astronomy	۵۴	علم فلك (نیز - نجوم)
eternal's knowledge	۱۰۴	علم قدیم
rhapsodomancy	۸۰ - ۴	علم قرعه
definite knowledge	۲۷	علم قطعى
deductive science	۹۴	علم قیاسى
divination by morphoscopic and genealogical lines	۸۰ - ۵	علم قیافة البشر [كهانت]
theology	۴۰، ۵۷، ۱۰۹، ۱۱۷	علم کائنات جو ← آثار علوى علم کلام (نیز ← الهیات؛ علم الله؛ علم الهی؛ علم لاهوت؛ کلام اسلامى)
speculative theology	۹۹	
dialectical theology	۹۵	
scholastic theology	۸۰	
physics	۹۵	علم کيان
alchemy	۴۰	علم کیمیا
theology	۹۵	علم لاهوت (نیز ← علم الهی؛ علم کلام)
knowledge that is with Him (God)	۱۰۳	علم لدن [= لدنى]
esoteric knowledge	۱۰۳	علم لدنى (نیز ← علم باطن)
divine knowledge; intuitive knowledge	پ	
lexicography	۳۱، ۸۰، ۱۰۱	علم لغت
philology	۲۲	
elementary knowledge	۴۲	علم مبادى
axioms	۴۰	علم متعارف

unalterable knowledge	۴۵،۸۰	علم محتوم
absolute knowledge	۸۰	علم محض
phonetics	۶۰	علم مخارج حروف (نیز ← تجوید)
mineralogy	۶۹	علم معادن
science of devotional practice	۵۷	علم معامله (اخـ.)
semantics	۱۱۷	علم معانی
semantics of syntax	۵-۸۰	
science of idea expression	۹۹	
science of gnosis	۲۲ ←	علم معرفت (نیز ← معرفت شناسی)
science of revelation	۵۷	علم مکاشفه
perspective	۱۱۵	علم مناظر و مرایا
science of perspective and optics	۴۰، ۶۹	
esoteric knowledge	۱۰۳	علم من لدن [= علم لدنی]
relations of quantities	۵-۸۰	علم موازین
botany	۴۲	علم نباتات
astronomy	۴۰	علم نجوم (نیز ← علم احکام نجوم)
grammar; syntax	۳۱	علم نحو
knowledge of (signs foretelling)	۵-۸۰	علم نزول الغیث [کهانـت]
rainfall		
speculative science	۴۰، ۹۲	علم نظری
psychology	۴۲، ۹۵	علم نفس [روان شناسی]
mental knowledge	۹۲	علم نفسانی
psychological science	۴۰	
knowledge of souls	۵۹	
white magic	۵-۸۰	علم نیرنجات [کهانـت]
art of magic	۱۰۴	

deontology	۹۵	علم واجبات [=فريضة شناسی]
ontology	۹۵	علم وجود
geometry	۴۲	علم هندسه
astronomy	۳۱، ۸۰، ۱۰۷	علم هیأت
science of celestial spheres	۴۲	
		علم یقین ← علم الیقین
flag; standard	۴۲	علم [پرچم]
sign	۶	
standard-bearer	۸۰	علمدار
sublimity	۹۶	علو
exaltation	۷۹	
sciences	۸۰	علوم (نیز ← علم)
mathematical sciences	۱۰۲	علوم تعلیمیّه
mundane studies	۲۶-۱	علوم دنیوی
religious studies	۴۲	علوم دینی
religious sciences	۸۰-۴	علوم شریعه [=علوم شرعیّه]
indigenous sciences	۲۶-۱	
exoteric sciences	۶۹	علوم ظاهر
external sciences	۸۰-۲	
foreign sciences	۸۰-۴	علوم عجم
intellectual sciences	۴۲، ۸۲-۴	علوم عقلی
speculative sciences; rational disciplines	۴۲	
rational cognitions	۱۰۴	
practical sciences	۱۰۱	علوم عملیه
occult sciences	۵۴	علوم غریبه (نیز ← کهانت)
abstract sciences	۱۱۷	علوم مجردّه
intellectual knowledge	۹۹	علوم معقول
intellectual sciences	۱۳	

contemplative sciences	٧٣	
traditional knowledge	٩٩	علوم منقول
transmitted sciences	١٣ . ٤٢	
traditional sciences	٤٢ . ٩٩	علوم نقلی
traditional conventional sciences	٩٩	علوم نقلی وضعی
positive sciences	٩٧	علوم یقینیہ
descendant of Ali b. Abi Talib	٢٥ . ٤٥	علوی
Alawites	٤٢ . ٤٣	علویان [= علویون = علویہ]
The Alids	٢٤	
<i>causa formalis</i>	٩٧	علہ صوریہ
<i>causa intentionalis</i>	٩٧	علہ غائیہ
<i>causa operativa</i>	٩٧	علہ فاعلیہ
<i>causa materialis</i>	٩٧	علہ مادیہ
		علہ (نیز ۛ علّت)
The High	٨٠	علیّ [العلی] (اسم الہی) (قرآنی)
All-high	١٠٠	
The Sublime; Ever High	٨٧	
The Exalted	٤٢ . ٨٧	
causal	١١	علی
absolutely; generally	١٢٠	علی الاطلاق
unrestricted	٩٨	
certainly	١٢٠	علی التحقیق
restricted	٩٨	
partial payment	١٢٠	علی الحساب
especially	١٢٠	علی الخصوص
continually	١٢٠	علی الدوام
equally	١٢٠	علی السویہ
as a rule; customarily	١٢٠	علی القاعدہ
normally ; according to the norm	٥ - ٨٠	علی القیاس

Deifiers of 'Ali	۸۰	علی الهی (نیز ← اهل حق)
causality	۱۶، ۸۰، ۱۰۲	علیت (نیز ← علت)
causation	۱۶	
in spite of	۱۲۰	علی رغم
in a universal manner	۸۰ - ۵	علی سبیل الاجمال
in a detailed manner	۸۰ - ۵	علی سبیل التفصیل
All- Knowing	۴۲، ۸۷، ۱۰۰	علیم [العلیم] (اسم الهی) (قرآنی)
The Omniscient	۴۲، ۸۰	
The Wise One	۴۲	
The Knowing	۱۰۶	
Knower	۸۷	
Aware of what is in the breasts (hearts of men)	۸۷	علیم بذات الصدور (اسم الهی) (قرآنی)
On whom be peace	۸۷، ۱۰۳	علیه السلام
Peace be upon him	۴۲	
On whom be God's blessing and peace	۱۰۳	علیه الصلوة والسلام
paternal uncle	۷، ۱۰۰	عم (قرآنی)
Amalekites	۹۹	عمالقه [= عمالیق] (از اقوام قدیم سامی یا عرب)
turban	۴۲، ۴۵، ۱۱۵	عمامه
head band	۲	
deliberate	۸۰ - ۲	عمد
deliberate intent	۸۵	
deliberately	۴۲	عمداً
lifetime; life	۱۲۰	عُمُر [در قرآن مجید صورتی از این کلمه به صورت عُمُر به کار رفته است.]
civilization	۸۰، ۹۹	عمران
urbanization	۹۹	

primitive civilization	۸۰ - ۳	عمران بدوی
desert civilization	۹۹	
primitive civilization	۸۰ - ۳	عُمران بدوی
desert civilization	۹۹	
urban civilization	۸۰ - ۳	عمران حضری
sedentary civilization	۹۹	
lesser Pilgrimage	۳۸ ، ۱۱۲ ، ۱۱۳	عمره [حج] (نیز ← حج عمره)
visitation	۴۲ ، ۱۰۰	
minor Pilgrimage; voluntary		
Pilgrimage to Ka'ba	۴۲	
little Pilgrimage	۴۵	
fulfilled Pilgrimage	۸۴	عمره قضا
depth	۹۲	عمق
practice	۶۹ ، ۸۶	عمل (قرآنی)
work	۷ ، ۸۷ ، ۱۰۳	
action; performance; act	۸۰	
good deed(s)		عمل صالح (قرآنی: العمل ۷ الصالح: یا به صورت جمله: من عمل صالحاً و نظایر آن)
pious act (deed)	۸۰ - ۴ ، ۸۷	
righteous action (deed)	۶	
general practice	۸۰	عمل مطلق
unchaste act	۶۱	عمل منافی عفت
perpendicular	۱۲۵	عمود (در هندسه)
perpendicular bissector	۱۲۵	عمود مُنصف
generality	۵۶ ، ۹۵ ، ۹۷	عموم (منط.)
absolute generality and peculiar- iarity	۹۷	عموم و خصوص مطلق (منط.)

generality and peculiarity in some respect	٩٧	عموم و خصوص من وجه (منط.)
generality	١١	عمومیت
paternal aunt	٧. ٦١	عمّه [جمع این کلمه به صورت عمّات در قرآن مجید به کار رفته است]
blindness	١١. ٨٧. ٩٥. ١٠٣	عمی (قرآنی)
jujube	١٢٠. ١٢١	عناّب (به ضم اول، ولی در تداول فارسی به فتح اول تلفظ می شود)
conflict	٩٨	عناد (منط.)
complete conflict	٩٨	عناد تام
incomplete conflict	٩٨	عناد غیر تام
incomplete conflict; defective conflict	٩٨	عناد ناقص
the elements	١٠٤	عناصر اربعه
basic categories of speech	٨٠. ٣	عناصر کلام
Mizar	٣٦	عِناق (نج.)
impotency	٤٢	عَنَانَه] = عُنَه و عَنَن: ناتوانی جنسی [(نیز عَنِین)
providence	٤٢. ٥٧. ٨٠. ٩٥. ١٠٨	عنایت
favour	٢١. ٢٩. ٤٢. ١٠٣	
blessing	٢٩	
attentiveness	٩٩	
grace	٤٢	
ambergris	١٨. ٢٥. ٨٠	عنبر
perfumed with ambergris	١٨	عنبرین
Iris of the eye	٧١	عِنَبیه [در چشم]
in time of need	٤٢	عند الحاجة

from Allah	۷. ۸۷	عندالله (قرآنی)
in the sight of Allah	۴۵	
element	۱۱. ۱۰۳. ۱۰۴. ۱۲۹	عنصر
original element; primordial element	۱۱	عنصر آغازین [اسطقس]
simple element	۱۱	عنصر بسیط
compound element	۱۱	عنصر مرکب
elemental	۱۱	عنصری
violence; harshness	۱۲۰	عُنف
prime; bloom	۱۲۰	عنقوان
soon; before long	۱۲۰	عن قریب
The Spider	۷. ۸۷. ۸۸. ۱۰۰	عنکبوت [سوره]
address	۱۲۰	عنوان
title	پ	عنوان (نام کتاب)
impotence; impotency	۱۵	عُنْه [= عَنَنْ و عَنَانَه: ناتوانی (جنسی)]
impotent	۱۵	عنین
intrinsic accidents	۸۰	عوارض الخاصّه
various worlds	۸۰	عوالم
common people; vulgar class	۲۵	عوام
populace	۴۲	
multitude	۱۴	
Og the son of Anak	۹۹	عوج بن عَنَاق
aloes wood	۵۹. ۸۰	عُود
return	۱۰۴	عَوْد
recurrency	۱۱۷	
repetition of production	۶۹	عَوْد نشأت
pudendum	۹۹	عورت [جمع این کلمه به صورت عَوْرَات قرآنی است.]

عیار فلزات ۴۰۷

genital region	۲۰	
nakedness	۱	
private parts of the body	۴۲	
the two private parts	۴۲	
countervalue	۸۵	عورتین
exchang value; compensation	۸۰-۴	عوض
help; aid; assistance	۱۲۱	
difficult (to comprehend)	۱۲۱	عون
covenant	۶.۴۵.۴۷.۸۰.۸۷.۱۰۳.۱۱۳	عوبص
agreement	۴۲.۸۰	عهد (قرآنی)
treaty	۴۲.۴۵	
promise	۶	
convention	۴۰	
compact	۵۲.۱۰۹.۱۱۸.۱۱۹	
injunction	۸۰	
contract; a vow	۴۲	
testamentary designation	۴۷	
«Am I not»'s compact	۵۲	عهد الست
New Testament	۴۳.۸۰	عهد جدید (شامل اناجیل و چند رساله دیگر)
Old Testament	۳۸.۴۲.۸۰	عهد عتیق (شامل تورات و چند کتاب و رساله دیگر)
breach of promise	۴۲	عهدشکنی
protocol	۳	عهدنامه
charge, trust; responsibility; obligation	۱۲۰	عهد
visiting sick people	۳۸	عبادت
God forbid	۴۲	عیاذ بالله
standard	۹۹	عیار
fineness	۱۲۹	عیار فلزات

tricheurs	عیار [بعضی بر آنند که این کلمه ۳- ۸۰	
	معرب ایار پهلوی و «یار» فارسی	
	است.]	
vagrant	۳۷	
brigand	۲۱	
God's family	۱۰۳	عیال الله
defect	۲۹.۸۰-۵.۱۰۳	عیب
vice	۶۸	
blemish	۴	
outward defect	۱۰۳	عیب ظاهر
concealment of a fault; overlooking		عیب پوشی
another's shortcomings	۳۱	
censorious	۵۲	عیبجو
find fault	۱۰۰	عیبجویی کردن
maligning	۱۴	عیب گویی
festival	۴۵.۸۰.۱۰۰	عید (قرآنی)
feast	۳۸.۴۵.۱۰۱	
Feast of Sacrifice	۴۲	عید اضحی [عید قربان]
Festival of Sacrifice	۸۲-۵	
Sacrificial Feast	۴۵	
Day of Sacrifice	۲	
Sacrificial Festival	۸۰-۳	
Feast of the Fast	۵۵	عید صیام [عید فطر]
Feast on 18th Zul- hijjat	۳۱	عید غدیر
Feast of Fast-breaking	۴۲	عید فطر
Festival of Breaking the Fast	۴۵.۸۰-۳	
		عید قربان ← عید اضحی
		عید نحر ← عید اضحی
Jesus	۴۱.۸۷.۱۰۳.۱۰۹	عیسی (ع) [حضرت مسیح] (قرآنی)

Jesus, son of Mary	٨٧ . ١٠٩	عیسی ابن مریم (قرآنی)
Isa, son of Marium	٧	
essence	١٠٣	
object	١١	عین
identity; individual idea	٩٦	
essence of union	٩٣	
		عین الجمع
eye of certainty	٧ . ٨٩ . ١٠٠	عین الدیک ← چشم خروس
reality of certainty	١١٣	عین الیقین (قرآنی)
sure vision	٨٧	
visual certainty	٨٠ - ٣	
intuitive (actual) certainty	١٠٣	
certainty itself	٥٢	
certain sight	٢١	
exactly; just	١٢٠	
objective	٩٥	عیناً
concrete	١١ . ١٠٨	عینی
objectivity	١١ . ٩٥	
identity	١٠٨	عینیت
Capella	٣٦	عیوق (نجم.)

غ

the vanished one	٨٠ - ٥	غائب
invisible	١٠٨	
the individual spoken of ; third person	٦٥ . ١٢٨	غائب (دس.)

		غانط ← غایط
misfortune; evil	۱۲۰	غانله
cave; cavern	۱۲۹	غار
plunder	۲۵	غارت
fighter for the faith	۸۲-۵	غازی (نیز ← غزا؛ غزوہ)
warrior	۵۲	
The Enveloper	۱۰۰، ۱۱۲	غاشیہ [سورہ]
The Overwhelming	۸۷	
The Overwhelming Calamity	۷	
usurper	۴۲، ۸۵	غاصب (نیز ← غصب)
abator	۶۱	
The Forgiver	۴۵، ۱۱۲	غافر [سورہ]
Forgiver of sins	۱۰۰	غافر الذنب (اسم الہی) (قرآنی)
heedless	۵۲، ۸۷، ۱۰۰، ۱۰۳	غافل (قرآنی)
unaware	۸۷	
forgetful	۱۰۳	
negligent	۲	
victorious	۷، ۸۷	غالب (قرآنی)
strong putative probability	۸۰-۵	غالب الظن
		غالی ← غلاۃ
Galia moschata: a perfume made of musk and ambergris	۱۲۱	غالیہ
gangrene	۱۲۰، ۱۲۴	غانغرایا [= قانقاریا / غانقرایا] (پز)
		غایب ← غائب
end	۱۱، ۹۳، ۹۵، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۱	غایت (فل۔)
goal	۱۰۲، ۱۰۸	
finality	۱۱	
objective	۱۶	

limit	۷۹	
essential goal	۱۰۲	غایت بالذات
simple goal	۱۰۲	غایت بسیط
secondary objective	۱۶	غایت ثانوی
special goal	۱۰۲	غایت خاصه
general goal	۱۰۲	غایت عامه
ultimate end	۶۹	غایت قصوی
final end	۴۴	
composite goal	۱۰۲	غایت مرکب
final end	۱۱	غایت نهائی
feces; excrement	۱۲۰	غایط (فق.)
final	۱۱	غابی
visiting some one at intervals	۱۲۱	غِب
visiting every other day	۱۲۰	
dust	۷۴ . ۸۰	غبار
envy	۱۲۰ . ۱۲۳	غبطه
fraud	۳۱ . ۴۲ . ۶۱	غبن (نیز ے تغابن)
deception	۶۱ . ۸۵	
deceit	۴۲	
cheating; gulling	۳۱	
grave deception; fraud	۸۵	
laesio enormis; excessive loss	۴۲	غبن فاحش
gross (or notorious) fraud	۳۱ . ۶۱	
evident deception	۶۱	
stupid; dull	۱۲۰	غبی
worthless and worthy	۱۲۰	غث و سمین
inconsistency	۱۲۸	غث و سمین (بع)
nausea; vomiting	۱۲۰	غشیان
tomorrow	۷ . ۸۷	غَد (قرآنی) [= فردا]

pond; pool	۴۲	غدير (نیز مجید غدير)
raven	۸۷	غراب (قرآنی)
crow	۷	
barbarismus; barbarilexia; barbarism	۱۲۸	غرايت استعمال (بع.)
indemnity	۲۲، ۶۳	غرامت
compensation	۴۲	
penalty	۲۲	
war indemnity	۶۳	غرامت جنگی
mesh; riddle	۱۲۹	غربال
sieve	۱۲۹	غربال کردن
strangerhood	۲۱	غربت
uncertainty; risk	۸۶	غَرَر (فق.)
planting	۱۲۰	غرس
purpose	۶۹، ۹۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۱	غرض
goal	۶۹	
selfish interest	۹۹	
selfish motive	۲۱	
private motive	۶۱	غرض شخصی
universal goal	۶۹	غرض کلی
lofty chamber	۴۵، ۱۰۰	غُرْفَه (قرآنی)
drowning	۷، ۸۷	غَرَق (قرآنی) [همین کلمه به صورت غَرَق نیز در قرآن مجید به کار رفته است.]
plunged in light	۱۰۳	غرق نور
Granada	۴۲، ۱۲۵	غرناطه [= گرانادا، شهری در جنوب اسپانیا، از مراکز فرهنگ و تمدن اسلامی]
setting	۷، ۷۴	غروب (قرآنی)
sunset	۱۲۰	

deceive	۷	غُرور (قرآنی)
deceit	۹۰	
delusion	۸۷	
deceitfulness	۹۹	
the first day of the month		غُرّه (نخستین روز هر ماه؛
		مقد. سلخ)
proud	۲۵	
rare	۲۸، ۸۰	غره
unfamiliar	۸۰	غریب
occult	۵۴	
stranger	۶	
instinct	۹۵، ۱۲۵	غریب [= بیگانه]
temperament	۷۹	غریزه
war (against infidels)	۱۲۰	غزّا (نیز ← غزوه؛ جهاد)
gazelle		غزال [معادل انگلیسی این کلمه ۸۰-۲
		متخذ از همین کلمه عربی است]
lyrics	۵۲، ۸۰، ۵	غزل (ادب.)
song; elegy of love	۸۰-۲	
ode	۲۶-۲، ۱۲۸	
ghazel	۱۲۸	
lyrical poems	۸۰	
Ghaznawids	۲۶-۱	غزلیات (ادب.)
raid	۸۴، ۹۹، ۱۰۹	غزنویان
expedition	۳۷، ۹۹	غزوه (نیز ← جهاد)
battle	۳۸، ۱۱۳	
Battle of the Ditch	۳۸	
Battle of Conquest of Mecca	۱۱۳	غزوه خندق
pus	۱۰۰	غزوه فتح
		غَسَاق (قرآنی) [خون و ریم ۱۰۰
		دوزخیان]

corpse- washer	۱۰۱	غسال
darkness	۷ . ۴۶	غَسَق [لأنور] (قرآنی)
obscurity	۱۳	
not-light	۱۱	
legal bathing	۳۸	غسل [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
ritual ablution	۸۳	
major ritual ablution	۸۰ - ۲	
ritual washing	۴۵	
immersion	۲۰	غسل ارتماسی
ordinal bath	۴۲	غسل ترتیبی
systematic [ablution]	۲۰	
ablution after sexual intercourse	۱۳	غسل جنابت
major ritual ablution	۴۵	
funeral ablution	۲	غسل میت
foul pus	۱۰۰	غسلین (قرآنی) [= آنچه بیالاید از اندام دوزخیان]
covering	۷ . ۸۷	غشاه (قرآنی)
fainting; swooning	۱۲۰	غشی
usurpation	۶۱ . ۸۵	غصب (قرآنی)
usurpary	۸	
illegitimate	۹	غصبی
grief; sorrow	۱۲۰	غصه
anger	۴۵ . ۵۷ . ۹۵ . ۱۰۴ . ۱۱۱	غضب (قرآنی)
wrath	۱۱۸ . ۱۱۹	
wrathfulness; zeal	۹۹	
Allah's wrath	۷	غضب الهی
God's wrath	۱۲۰	
covering	۷ . ۸۷	غطاء (قرآنی)

The Forgiver	۴۲، ۴۵	غَفَّار [الغَفَّار] (اسم الهی) (قرآنی)
All- Forgiving	۶، ۱۱، ۱۰۰	
remission	۳۱، ۹۰	غفران (قرآنی) (نیز ← مغفرت؛
		استغفار)
forgiveness	۷، ۹۰، ۱۰۰	
negligence	۷، ۲۹	غفلت (قرآنی)
heedlessness	۲۱، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۱۸، ۱۱۹	
neglectfulness; obliviousness	۲	
All- Forgiving	۴۲، ۱۰۰	غفور [الغفور] (اسم الهی) (قرآنی)
Forgiving	۸۷	
rancour	۸۷	غِلّ (قرآنی)
Extremists	۲۶، ۸۰، ۹۹	غُلّاة [از فرق شیعه]
The Extreme Shi'as	۴۵	
Zealots	۳۸	
rough	۴۵	غلاظ (قرآنی)
harsh	۱۰۰	
sheath	۱۲۰	غلاف
		غُلام (قرآنی) (نیز ← غِلّمان)
male slave	۴۲	غلام (فق.)
slave	۸۲-۵	
retainer	۱۰۹	
pederasty; sodomy	۱۲۰	غلامبارگی [= لواط]
throes of ecstasy	۱۴	غلبات وجد (تصد.)
overmastery	۹۰	غلبه
preponderance	۲۱	
overwhelming	۱۱۸	
false; error	۹۵	غَلَط
proof-reading	پ	غلط گیری [= نمونه خوانی]

errata; corrigenda	۱۲۰	غلطنامه
youths	۱۰۰	غلمان (قرآنی)
slave	۸۰-۵	غلمان (فق.)
exaggeration	۴۷، ۸۰-۲	غلو [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]
extremism	۸۲-۴	
hyperbole	۸۰-۵	
extravagance	۲۱	
impossibilia; adynaton	۱۲۸	غلو (بع.)
effervescence	۲۱	
hard of heart	۱۰۰	غلیظ القلب (قرآنی)
hard hearted	۷	
grief	۸۷	غم (قرآنی)
sorrow	۷	
informer	۲۵	غماز
layer of information	۵۲	
agonies of death	۷	غمرات الموت (قرآنی)
pangs of death	۸۷	
profane singing	۱۱۳	غنا
needlessness	۲۹	غناء (نیز ← استغناء؛ غنی)
		غنائم ← غنیمت
nasal pronunciation	۱۲۰	غنه (دست.)
The Self- Sufficient	۷، ۲۴، ۴۵، ۱۱۰	غنی [الغنی] (اسم الهی) (قرآنی)
The Independent	۸۰، ۸۷، ۱۰۸	
All- Sufficient	۱۰۰	
booty	۴۵، ۴۷، ۸۰، ۸۵	غنیمت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← مغانم)
spoils of war	۳۷، ۴۲، ۴۵، ۸۴	

plunder	۳۸ . ۴۲	
pillage	۳۷	
collective property	۲	
diver	۷ . ۸۷ . ۱۲۰ . ۱۲۹	غَوَاص (قرآنی)
going astray		غَوَايِت [مشتقات این کلمه در قرآن ۱ مجید به کار رفته است.]
The Helper (of the world)	۵۳ . ۸۰	غوث (تص.)
supreme succour	۸۰	
succour; deliverance	۴۵	
sink down	۷	غور (قرآنی)
delve into	۱۲	غور رسی
diving	۱۲۰	غوص
plunging	۱۲۰	غوطه
1. uproar; tumult 2. mob	۱۲۰ . ۱۲۱	غوغا
insidious destruction	۴۵	غول
giant	۱۲۰	غُول
cannibal; ogre	۴۵	
error	۷ . ۸۷	غَى (قرآنی)
absence	۶۱ . ۹۵	غیاب
Aider of the seekers of aid	۱۲۲	غیاث المستغیثین [صفت خداوند]
The Unseen	۵۲ . ۶۴ . ۸۷ . ۱۰۰ . ۱۰۹	غیب (قرآنی)
The Invisible	۱۱ . ۸۷ . ۱۰۳	
The Concealed	۱۱۳	
Supernatural	۹۹	
Hidden things; Hidden world	۱۰۴	غیب [عالم غیب] (نیز ← عالم)
Unseen world; world unseen	۱۰۳	(غیب)
absence	۹۰ . ۱۱۷ . ۱۱۸ . ۱۱۹	غیبت [مق. حضور]
concealment	۴۵ . ۹۳	

occultation	۴۵ . ۱۰۹	
lesser occultation	۶۸	غیبت صغری
minor occultation	۳۷	
major occultation	۳۷	غیبت کبری
greater occultation	۶۸	
calumny	۵۲	غیبت (اخلد.) [به معنی بدگوئی در غیاب کسی؛ مصدر دیگری از آن به صورت اغتیاب و به همین معنی، قرآنی است.]
back-biting; slander	۴۲	
backbite	۱۰۰	
The Knower of the Unseen	۵۲	غیب دان (نیز ← علام الغیوب؛ عالم الغیب و الشهادة)
jealousy	۱۸ . ۹۰ . ۱۰۳	غیرت
zeal	۱۲۳	
jealousy of God	۱۰۳	غیرت حق
religious zeal	۱۱	غیرت دینی
non-sensory	۱۱	غیر حسّی
non-temporal	۱۱	غیر زمانی
impersonal	۱۱	غیر شخصی
unlike	۸۷	غیر صنوان (قرآنی) [= مجازاً؛ ناهم‌اند] (نیز ← صنوان)
non-eternal	۱۱	غیر قدیم [محدث]
asyllogistic	۹۵	غیر قیاسی
immaterial	۱۱	غیر مادی [مجرد] (نیز ← مفارق)
indirect	۱۱	غیر مباشر [غیر مستقیم]
unmanifested	۱۱	غیر متجلی
unextended	۱۰۴	غیر متحیز
non-transitive	۹۴	غیر متعدّی

indeterminate	۱۱	غیر متعین
non-symmetrical	۹۴	غیر متقارن (منط.)
uncreated	۱۱، ۸۰، ۳	غیر مخلوق [قدیم]
unwarranted	۴۴	غیر مستند
uncaused	۱۱	غیر معلول [غیر مخلوق]
inseparable	۱۱	غیر مفارق [ممتنع الانفكاك]
non-spacial	۱۱	غیر مکانی [لامکان]
undistributed	۹۴	غیر منبسط
inexcusable	۶۱	غیر موجه
otherness	۴۴، ۱۰۲	غیریت
alterity	۹۵	
rage	۷، ۸۷	غیظ (قرآنی)
jealous	۶۹، ۱۰۳	غیور

ف

conqueror	۱۲۰	فاتح
The Opening	۴۲، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰	فاتحه [سوره]
The Preface; Introduction	۴۲	
The Opening of the Book	۱	فاتحه الكتاب
The Opening Chapter of Quran	۴۲	
sinner	۹۰، ۹۹	فاجر [این کلمه و جمع مکسر آن به صورت فجّار نیز قرآنی است]
libertine	۱۰۰	(نیز ۴ فجور)
immoral	۷، ۱۰۶	

gross	۱۶	فاحش
indecenty	۷	فاحشه (قرآنی) [= کار زشت و ناشایستی].
prostitute	۱۲۰	فاحشه [زن خودفروش]
Alfarabius; Avennasar	۳۷	فارابی
Persia	۱۲۱	فارس
Persian	۱۲۱	فارسی
void	۸۷	فارغ (قرآنی)
free	۷	
relinquish	۱۰۷	فارق
Paraclete	۴۲، ۱۲۵	فارقلیط [به زعم مسیحیان مراد از آن روح القدس و به اعتقاد بعضی از مسلمانان مراد از آن پیامبر اسلام (ص) است].
distinguisher	۶	فاروق
discriminator	۱۴	
defective	۸۰، ۸۵	فاسد
deficient; imperfect; incorrect	۴۵	
corruptible	۸۰	
immoral	۱۲۰	فاسد الاخلاق
heretic	۴۲	فاسد العقیده
irregular contract	۸۰	عقد فاسد.
sinner	۴۲، ۴۵، ۴۷، ۸۵، ۱۱۰	فاسق (قرآنی)
evil-doer	۴۲، ۸۴، ۱۰۶	
ungodly	۵۳، ۱۰۰، ۱۱۲	
miscreant	۶۴، ۸۷	
wrong-doer	۲۹، ۸۷	
evil-liver	۸۷	
division	۲۸	فاصله [عر.]

virtuous	٤٧، ١١٧	فاضل
learned; excellent	٤٧	
erudite	٤	
great intellectual [person]	٨٠ - ٤	
sewage	١٢٩	
Originator	٧، ٨٧، ١١٢	فاضلاب فاطر [الفاطر] (اسم الهى) (قرآنى)
The Angels	٨٧، ١٠٠	فاطر [سوره]
The Originator	٧، ١١٢	
Fatimids	١٢، ٤٢	
agent	٢١، ١٠٢، ١٠٤، ١٠٥، ١٠٨، ١١١	فاطميون
efficient	٨٠ - ٥	فاعل
subject	٦٥، ١٢٨	
beings subject to origin	٨٠ - ٥	فاعل (دس.)
Divine agent	١٠٢	فاعل المحدثات
prime agent	٤٠	فاعل الهى
first agent	١٠٥	فاعل اول
agent-by-self-manifestation	١٠٢	فاعل بالتجلى
agent-by-compulsion	١٠٢	فاعل بالتسخير
agent-by-being-forced	١٠٢	فاعل بالجبر
essential agent	١٠٢	فاعل بالذات
agent- by- agreement	١٠٢	فاعل بالرضا
agent- by- nature	١٠٢	فاعل بالطبع
natural agent	١٠٥	
accidental agent	١٠٢	فاعل بالعرض
agent- by- foreknowledge	١٠٢	فاعل بالعنايه
agent- by- being- pushed	١٠٢	فاعل بالقسر
agent- by- intention	١٠٢	فاعل بالقصد
simple agent	١٠٢	فاعل بسيط
remote agent	١٠٢	فاعل بعيد

particular agent	۱۰۲	فاعل جزئی
general agent	۱۰۲	فاعل عام
proximate agent	۱۰۲	فاعل قریب
universal agent	۱۰۲	فاعل کلی
voluntary agent	۹۹، ۱۰۵	فاعل مختار
composite agent	۱۰۲	فاعل مرکب
activity	۵۶	فاعلیت
groove; notch; notching	۷۸	فاق
missing; lacking	۱۲۰	فاقد
poverty	۳۱، ۴۵	فاقه
necessity; want	۳۱	
starvation	۲۱	
fruit	۷، ۸۷	فاکھہ (قرآنی) (نیز ← فواکھ)
omen; a lot	۴۲	فال (نیز ← تفال)
augur ill	۱۰۰	فال بدزدن (نیز طائر؛ تطیر)
fortune-telling	۱۲۰	فال بینی
sooth saying; divination	۴۲	
hemiplegia	۸۰-۵	فالج [= رعشه، نام بیماری برابر با فلج، و نه نام کسی که گرفتار این بیماری است.]
paralysis	۷۱	
The Cleaver	۸۷	فالق الاصباح (اسم الهی) (قرآنی)
God Who splits the grain and the date-stone	۱۰۰	فالق الحب و النوى (اسم الهی) (قرآنی)
book of divination	۸۰-۲	فالنامه
lantern	۱۲۹	فانوس
lighthouse	۱۲۹	فانوس دریایی
perishing	۱۰۰	فانی (قرآنی) [این کلمه در قرآن مجید به صورت فان به کار رفته است.]

mortal	۱۱	
dead to self	۲۱	فانی از خود (تصد.)
understanding	۴۶	
value	۹۲	فایده
well	۱۲۰	فایده
The Opener	۴۲، ۴۵	فبها
The Gratest Judge	۷	فتاح [الفتاح] (اسم الهی) (قرآنی)
The Final Opener	۴۵	
The victorious; the Judge; the Revealer	۸۰	
responsa	۹۹	فتاوی (نیز ← فتوی)
The Victory	۷، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰	فتح [سوره]
Conquest	۴، ۸۰، ۱۰۹	
cessation	۷، ۸۷	
intermission	۳۸، ۴۲	فترت (قرآنی)
interval	۸۷، ۹۵	
hernia	۷۱، ۱۲۰	
sedition	۴، ۸۰، ۱۰۰، ۱۱۳	فتق (پز)
temptation	۸۷، ۹۰، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۱۹	فتنه (قرآنی)
persecution	۴۵، ۸۷، ۱۰۰	
trial	۱۰۰، ۱۱۳	
commotion; disturbance	۶	
civil war	۵۱، ۸۳	
generosity	۱۶، ۱۰۳	فتوا ← فتوی
chivalry	۵۸، ۸۲	فتوت (نیز ← فتی؛ فتیات)
magnanimity	۲۷	
piety	۴۵	
self- sacrificing love	۱۴	

legal decision [of a <i>mofti</i>]	۵۱، ۸۲، ۹۹، ۱۰۶	فتویٰ [از این رشته مشتقاتِ افتاء و استفتاء در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← فتاویٰ)
legal opinion	۳۷، ۵۰، ۸۰	
pronouncement	۲۸، ۱۰۰	
judgement	۲۹، ۶۱	
judicial decree	۳۱	
pass judgement	۲	فتویٰ دادن
give decree	۶۴	
give ruling	۵۲	
adjudge	۶۱	
youth	۷، ۸۷	فتیٰ (قرآنی)
knight	۱۴	
There is no true knight but Ali	۱۴	لافتی الاعلیٰ
maids	۸۷	فتیات (قرآنی) [= کنیزان، زنان جوان]
maidens	۷	
date-thread	۱۰۰	فتیل (قرآنی) [= پوسته هسته خرما]
wick	۱۲۰	فتیله
path	۷	فَجّ (قرآنی) [= راه]
sudden death	۱۲۰	فُجَاه
		فُجَار ← فاجر
The Dawn	۸۷، ۸۸، ۱۰۰	فجر [سوره]
The Daybreak	۷	
wickedness; debauchery	۴۲	فجور (قرآنی) (نیز ← فاجر)
lewdness	۱۰۰	
abusiveness	۶۱	فحاشی
indecenty	۷۹، ۱۰۰	فحشاء (قرآنی) (نیز ← فاحشه)

lewdness; foul	۸۷	
promiscuity	۱۵	
examination	۴۰، ۱۲۱	
outstanding personality	۱۲۱	فحص
stallion	۸۰-۴	فحل
connotation	۲۷	
signification	۱۲۱	فحوا
nuance	۴۴	
potter's clay	۸۷، ۱۰۰	فَخَّار (قرآنی) [= سفال]
earthen vessels	۷	
sub-sub-tribe	۲۸	فَخِذ [در علم انساب]
Phecda	۳۶، ۱۲۷	فَخِذ (نجم.)
glorification	۸۲-۴	فخر [از این ریشه تفاخر و فَخُور در قرآن مجید به کار رفته است.]
pride; honor	پ	
ransom	۷، ۸۰-۳، ۱۰۰	فداء (قرآنی)
Assassin	۸۲-۵	فدائی [اسماعیلیه]
The Devotees of Islam	۲۷	فدائیان اسلام
self-sacrifice	۲۹	فداکاری
ransom	۴۲، ۴۵، ۸۴، ۸۷، ۱۰۰	فدیه (قرآنی)
redemption (money)	۸۴، ۱۰۰	
résumé; summary; outline; abstract; epitome	۱۲۱	فَذْلَکَه
aura	۶۹	فرّ
sweet (water)	۷، ۸۷	فُرَات (قرآنی) [= آبِ خوش]
Euphrates	۴۳، ۹۹	فُرَات [رود معروفی که با دجله، شط العرب را در عراق تشکیل می دهد]
Firat Nehri; al-Furat	۴۳	

solitary	۸۷	فرادی (قرآنی) [یکان یکان] (در ۸۷ عرف فارسی زبان این کلمه غالباً صفت نمازی که به تنهایی خوانده شود - در مقابل نماز جماعت - قرار می گیرد)
alone	۷	
flee	۸۷	فرار (قرآنی)
insight	۹۰	فراست (نیز ← علم فراست)
foresight; thought reading	۴ - ۸۰	
perspicacity	۵۶	
physiognomancy	۵ - ۸۰	
physiognomy	۵۹	
servant	۱۲۰	فرّاش
marriage bed	۸۵	فرّاش
Pharoahs	۴۲	فراعنه (نیز ← فرعون)
imaginary space	۱۰۶	فراغ (فل-)
leisure	۱۲۰	فراغ
parting	۸۷	فراق (قرآنی)
separation	۷، ۱۸، ۱۰۳	
severance	۱۰۳	
		فرايض ← فريضه؛ فرض؛ ادای فرايض
decrepit	۲۵	فرتوت
		فرّج ← فروج
deliverance	۸۰	فرّج
relief	۱۴	
joy after sorrow	۸۰، ۸۲	فرج بعد از شدّت
viaticum and Return	۲۷	فرج و ظهور
rejoicing	۷، ۸۷	فرح [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]

The One	۹۲	فرد [الفرد] (اسم الهی) (غیر قرآنی)
The Odd	۱۱	
Alphard	۳۶	
fard (or unit)	۲۶-۲	فرد (نج.)
onefold	۴۶	فرد (بیت شعر؛ تک بیت)
singularity	۱۴	فردانی (منسوب به فرد)
isolation	۲۱	فردانیت
The Resurrection-morn	۳۱	
Paradise	۴۲، ۱۰۳	فردای قیامت
		فردوس (قرآنی) [این کلمه معرب کلمه ای فارسی و اصلاً اوستائی است. معادل انگلیسی آن هم متخذ است از اصل فارسی - اوستائی، که ابتدا به زبان یونانی و از آن طریق به لاتین و اغلب زبانهای اروپائی رفته است.]
Heaven	۵۵	
The Highest Heaven	۵۵	
individuality	۱۱، ۹۵	فردوس برین
parasang	۸۰، ۹۹	فردیت
		فرسخ [معرب فرسنگ فارسی است. و معادل انگلیسی آن هم، متخذ از فرسنگ فارسی است.]
league	۱۹	فرسنگ
milestone	۱۲۹	فرسنگ شمار [کیلومتر شمار]
earth; lowest earth	۱۰۳	فرش [مق. عرش]
flooring	۱۲۹	
carpet	۱۲۰	فرش
angel	۲۲، ۱۰۳، ۱۱۵	فرشته (نیز ← مَلَك؛ ملائکه)
heavenly angel	۱۰۳	فرشته آسمانی

celestial angel	۲۲	
angel which watches over	۱۳	فرشته رقیب
Archangel	۴۵	فرشته مقرب [ملك مقرب]
Angel - closed to God	۱۰۹	
guardian angel	۱۳	فرشته نگهبان
angelology	۱۳	فرشته شناسی
opportunity; chance	۱۲۱	فرصت
supposition	۲۹، ۹۲، ۹۵	فرض (نیز ← فرایض)
precept	۲۵	
assumption	۹۴، ۹۸	فرض (منط.)
hypothesis	۹۴	
religious duty	۴۷، ۸۰، ۲	فرض (فق.) [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
obligation	۶، ۴۷	
duty	۸۱، ۸۵	
incumbent duty	۸۷	
individual duty	۴۲، ۸۰	فرض عینی [= فرض العین] = واجب عینی
imperative duty	۸۰	
personal duty	۳۷	
collective obligation; duty incumbent on the community	۸۰	فرض کفایه [= فرض الکفایه] = واجب کفائی
collective duty	۴۲	
hypothetic (-al)	۱۱	فرضی
hypothesis	۱۱	فرضیه
premise	۵۶	فرضیه مقدم [ملزوم]
excess	۱۲۰	فرط [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← افراط ؛ تفریط)

branch	۳۴، ۹۷	فرع (منط.)
derivative	۸۳، ۱۰۳	
derived case; secondary thing	۸۰-۵	فرع [مق. اصل]
Pharaoh	۴۳، ۴۵، ۸۷، ۱۰۰	فرعون (قرآنی) (نیز ← فراعنه؛
		تفرعن
derivative	۴۵	فرعیه (منط.)
Alfraganus		فرغانی [= آلفرا گانوس] پ (محمد بن کثیر، منجم مسلمان در دربار مأمون و متوکل) فروریوس [شاگرد افلوطین، و ۴۲ صاحب ایساغوجی در منطق]
Prophyry		فرق
distinction	۴۰، ۸۰، ۸۵	
separation	۱۱۸، ۱۱۹	
sensible distinction	۹۲	فرق حسّی
intelligible distinction	۹۲	فرق عقلی
The Criterion	۷، ۸۰، ۸۷	فرقان [قرآن] (قرآنی) (نیز نام ۷، ۸۰، ۸۷ سوره)
Salvation	۴۵، ۱۰۰، ۱۱۲	
The Distinguisher	۴۲	
Discrimination	۴۵	
The Criterion distinguishing truth from falsehood or error	۱۱۳	
severance	۲۱	فرقت
Deux Veaux	۳۵	فرقدان (نج.)
party	۷، ۸۷	فرقه (قرآنی) [برای فرقه‌های ۷، ۸۷ مذهبی اسلامی ← نام یکایک آنها]
sect	۱۱، ۴۲، ۸۰، ۱۰۴	
subdivision	۸۰-۳	

order (Sufi)	۴۲	
group	۴	
decree	۴۲، ۷۳، ۸۰	فرمان
official document	۸۰ - ۲	
command; ordinance	۴۲	
governor	۶۱	فرماندار
deputy governor	۸۰	
governance; sovereignty	۲۹	فرمانروایی
modesty	۴، ۹۵	فروتنی (اخ.)
private parts	۱۰۰	فروج (قرآنی) [در قرآن مجید به یکسان بر عورت و آلت مرد وزن اطلاق می گردد.]
chivalry	۶۹، ۸۰، ۵ =	فروسیت [= شهنسواری شوالیه گری]
positive laws	۸۵	فروع (مق. اصول)
fundamental principles	۳۱	
applications	۲۶ - ۱	
		فروق ← فرق
charisma	۱۱	فره
Divine grace	۲۷	فره ایزدی
charismatic	۱۱	فرهمند
culture	۴	فرهنگ
Islamic culture	۴	فرهنگ اسلامی
deceit	۶۱	فریب
delusion	۱۵	
illusion	۳۴	
duty	۸۰، ۸۷	فریضه (قرآنی)
injunction	۶۴، ۸۷	
canonical obligation; obligatory rule	۸۰ - ۴	

mustered	۱۰۰	محشور (قرآنی) (نیز ← حشر)
be mustered	۱۰۰	محشور شدن
student	۱۲۰	محصل
tax-gatherer		
outcome issue	۱۲۰	مُحصِّل
difinite	پ	
chaste; continent; married	۳۱، ۱۲۰	مُحصِّن [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]. محصنات ← محصنه
married woman	۴۲، ۸۷	محصنه [جمع سالم این کلمه به صورت محصنات در قرآن مجید به کار رفته است].
woman in wedlock	۱۰۰، ۱۱۲	
virtuous woman	۶۴	
chaste woman	۷، ۴۲	
quantified	۱۱	محصور
product; output	۱۲۹	محصول
The Numberer	۸۰	مُحصِّي [المحصي] (اسم الهی) (غیر قرآنی)
The Reckoner and Recorder of all things in a book	۴۵	
for God's sake	۱۲۰	محضاً لله
notary public's office	۶۱	محضر [اسناد رسمی]
notarial	۶۱	محضری
confined	۷، ۱۰۰	محظور (قرآنی)
forbidden	۷۶، ۸۰	
company; meeting; assembly	۲۵	محفل
protected; preserved	۱۲۰	محفوظ (قرآنی)
guarded	۷	

explanation; clarity	۱۲۸	فصاحت کلمه (بع.)
elegance	۱۲۸	فصاحت متکلم (بع.)
wean	۶۴، ۸۷	فصال [از شیر گرفتن فرزند] (قرآنی)
phlebotomy	۱۰۱	فصد
season	۱۲۰	فصل (جف.)
chapter	۱۲۰	فصل [= يك بخش از کتاب]
differentia	۴۲، ۹۲، ۱۰۲، ۱۱۱	فصل (منط.)
difference	۱۱، ۱۷، ۹۷، ۸۰	
specific difference	۱۰۲، ۱۰۵	
derivative differentia	۱۰۲	فصل اشتقاقی
real differentia	۱۰۲	فصل حقیقی
particular difference	۸۰ - ۲	فصل خاص
general difference; common difference	۸۰ - ۲	فصل عام
actualizing differentia	۱۰۲	فصل محصل
intersection	۹۴، ۱۲۹	فصل مشترك
specific difference	۱۱	فصل مقسم [فصل منوع]
logical differentia	۱۰۲	فصل منطقی
decisive speech	۶، ۸۷، ۱۰۰	فصل الخطاب (قرآنی)
clear judgment	۷	
Distinguished	۱۰۰	فصلت [سوره]
Made Distinct	۸۸	
differentiae	۱۰	فصول (کل.) (نیز ← فصل)
eloquent	۸۰ - ۲	فصیح (نیز ← فصاحت)
space	۱۱	فضا
virtues	۴۵، ۱۰۹، ۱۱۴	فضائل (نیز ← فضیلت)
merits	۸۰ - ۳	
excellences	۱۱۳	
bounty	۵۷، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰، ۱۱۲	فضل (قرآنی)

virtue	۹۲ . ۹۹ . ۱۱۱	
grace	۴۲ . ۸۷ . ۱۱۲ . ۱۰۳	
eminence; superiority	۶	
excellence	۱۱ . ۲۳ . ۱۰۳	
merit	۱۱ . ۱۰۹	
generosity	۹۰	
God's bounteousness	۱۸	فضل الہی
essential excellence	۱۱	فضل ذاتی
excellence of piety	۱۰۳	فضل طاعت
natural excellence	۱۱	فضل طبعی
innate merit	۱۱	فضل فطری
unauthorized agent	۸۵	فضولی [قدمای عرب زبان و فارسی زبان به آنکہ ما امروزہ فضول می گوئیم، یعنی بہ شخص، فضولی می گفتند و بہ آنچہ ما امروز فضولی می گوئیم، فضول می گفتند]
silver	۷ . ۸۷	فضہ (قرآنی) [= نقرہ]
disgrace	۲۱	فضیحت
virtue	۲۵ . ۴۲ . ۹۵	فضیلت (نیز ← فضائل)
merit	۲۹ . ۴۲	
excellence	۹۹	
nature	۷ . ۱۶ . ۲۹ . ۸۷	فطر ← عید فطر؛ فطریہ
natural disposition	۸۰ - ۳	
innate disposition	۴۰	
primordial nature	۶۶	فطرت (قرآنی)
natural position	۵۷	
primal genesis	۶۹	فطرت اولیٰ

God-seeking nature	۲۹	فطرت خداجوی
God-given nature	۱۲	فطرت خدادادی
God-knowing nature	۲۹	فطرت خداشناسی
innate	۱۶، ۹۵، ۱۱۷	فطری
natural	۱۱	
alms given on the festival at the end of Ramazan	۱۲۰	فطریه [= زکات فطر]
fissure	۱۰۰	فطور (قرآنی)
stern	۸۷	فَطْرَ (قرآنی) [= درشت خو]
rough	۷	
Doer of what He will act	۸۷	فعال لما یُرید (اسم الهی) (قرآنی)
doing	۱۱، ۹۵، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۸، ۱۱۹	فعل (قرآنی)
action	۷، ۸۷	
actuality	۱۱، ۵۶، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۱	
actual	۵۶، ۱۰۵، ۱۱۱	
reality	۱۰۷	
actualized	۹۷	
activity	۱۱۱	
volitional action	۵۶	
	۱۰۴	فعل اختیاری [= فعل ۱۰۴ بلاختیار]
action by free choice	۱۰۴	
act of will	۱۱	فعل اراده [= فعل بالاراده]
action by will	۱۰۴	
Divine action	۱۱	فعل الهی
human action	۱۱	فعل انسانی
action by instrument	۱۰۴	فعال بآلة
action by nature	۱۰۴	فعل بالطبع
action of God	۱۰۳	فعل حق

creative act	۱۱	فعل خلاق
action of created beings	۱۰۳	فعل خلق
mental act	۱۱	فعل ذهنی
causal action	۱۱	فعل علی
pure act	۱۱	فعل محض
verb	۶۵، ۸۰، ۱۲۸	فعل (دس-)
hollow verb	۷۰	فعل اجوف
triliteral verb	۶۵	فعل ثلاثی
quadriliteral verb	۶۵	فعل رباعی
sound verb	۶۵	فعل سالم
intransitive verb	۱۲۸	فعل لازم
causative verb	۱۲۸	فعل متعدی سماعی
doubled verb	۶۵	فعل مضاعف
weak verb	۶۵	فعل معتل
auxiliary verb; helping verb	۱۲۸	فعل معین
action and reaction	۲۹	فعل و انفعال
actual	۴۰	فعلی
actuality	۱۱، ۱۰۲	فعلیت
actualization	۱۱	
poverty	۴، ۷، ۴۵، ۸۰، ۱۱۸، ۱۱۹	فقر (قرآنی)
spiritual poverty	۵۸	فقر (عرف-)
jurisprudence	۱۲، ۴۲، ۴۵، ۱۰۳	فقه [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز - تفقه؛ فقیه)
knowledge	۴۵، ۸۵	
Islamic jurisprudence	۴۷	
divine law; canonical law	۴۲	
Islamic law	۱۱	
demonstrative jurisprudence	۱۲	فقه استدلالی

greatest science of God	۱۰۳	فقه الاکبر
philology	۴ - ۸۰، ۲۶	فقه اللغة
jurisprudence of lexicography	۹۹	
etymology	۴۲	
legal	۱۶	فقهی
late	پ	فقید [= متوفی]
deceased	۱۲۱	
poor	۱۱۸	فقیر (قرآنی)
needer	۴۵	
pauper	۹۰	
jurist	۱۵، ۴۲، ۴۵، ۸۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۹	فقیه (نیز ← فقه؛ تفقه)
juristconsult	۳۱، ۸۰، ۹۳	
canonist	۴۲، ۴۵	
expert of Muslim law	۴۲	
jurisprudent	۱۶	
joking; jesting; humor	۱۲۱	فکاهه [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]
humorous; humoristic; humorist	۱۲۱	فکاهی
reflection	۴۰، ۴۲، ۵۷، ۸۰	فکر [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← تفکر)
thought	۱۱، ۴۲، ۸۰، ۹۵، ۱۰۳، ۱۰۸	
meditation	۸۰، ۸۹، ۹۰	
descursive thought	۱۱	فکر استدلالی
idea	۹۵	فکرت
setting free of a slave	۷	فک رقبه (قرآنی) (نیز ← اعتاق؛ عتاق؛ آزاد کردن بنده)
redeem	۶۱	فک رهن کردن
salvation	۱۱	فلاح [رستگاری] [مشتقات این

کلمه در قرآن مجید به کار رفته
است. [

agriculture	۸۰ - ۲	فلاحت
metal	۱۲۹	فلز
metal work; metal working	۱۱۵، ۱۲۹	فلزکاری (هنـ.)
metallurgy	۱۲۹	فلزگری
Palestine; Holy Land	۴۳	فلسطین
philosophy	۱۱، ۶۹، ۹۵	فلسفه
		فلسفه اپیکوروس ← فلسفه
		باغ
moral philosophy	۱۱	فلسفه اخلاقی
ethical philosophy	۱۱	
philosophy of the Lyceum	۱۱	فلسفه ارسطو (نیز ← فلسفه
		مشاء؛ ارسطوگرائی)
transcendental philosophy	۱۱	فلسفه استعلایی
hedonism	۴۲	فلسفه اصالت لذت
		فلسفه افلاطون ← فلسفه
		آکادمی
		فلسفه افلوپین ← افلوپین
		گرائی
electic philosophy	۴۲	فلسفه التقاطی
metaphysics	۱۲	فلسفه الهی
philosophia prima; first philosophy	۱۱	فلسفه اولی
primary philosophy	۱۱	
metaphysics	۱۳	
esoteric philosophy	۱۳	فلسفه باطنی
philosophy of the Garden	۱۱	فلسفه باغ [فلسفه اپیکوروس]
positivism	۹۵	فلسفه تحصیلی
philosophy of the Porch	۱۱	فلسفه رواق

Stoicism	۳۷	فلسفه رواقی
natural philosophy	۱۳	فلسفه طبیعی
pure philosophy; philosophy proper	۱۱	فلسفه محض
Peripatetic philosophy	۱۱، ۱۳	فلسفه مشائی (نیز ← فلسفه ارسطو)
absolute philosophy	۱۱	فلسفه مطلق
absolutism	۱۱۷	
philosophy of logic	۴۶	فلسفه منطق
Neoplatonism	۹۶	فلسفه نوافلاطونی
existential philosophy	۱۱۷	فلسفه وجودی
The Daybreak	۸۷، ۸۸، ۱۰۰، ۱۱۲	فَلَقَ [سوره]
The Dawn	۷	
celestial sphere	۷، ۳۲، ۸۰	فَلَك (قرآنی)
sphere	۵۶، ۱۰۸	
heaven	۱۱، ۱۰۳	
firmament	۹۹	
sphere of Atlas	۱۱	فَلَك اطلس
the highest sphere	۹۹، ۱۰۴	فَلَك اعلیٰ [فَلَك اقصى]
highest sphere; outer sphere	۱۱	فَلَك الافلاك
heaven of the zodiacal signs	۱۳	فَلَك البروج [فلك الكواكب]
sphere of fixed stars	۱۱	
sphere of rotation	۵۹	فَلَك التدوير (نیز ← تدوير)
first sphere	۱۱	فَلَك اول
excentric sphere	۱۰۷	فَلَك خارج المركز
		فَلَك محیط ← فلك الافلاك
heavenly	۱۱	فلکی
celestial	۵۶	
		فلوطين ← افلوطين گرائی
Famolhout	۳۵	فم الحوت (نجم)

art	۲۶، ۹۵	فن
technique	۱۱۶	
discipline	۹۹	
ars praedicandi	۱۲۸	فن بلاغت (بع.)
		فن ترسل ← علم ترسل
		فن خطابت ← خطابه
		فن شعر ← بوطیقا
annihilation	۶، ۴۵، ۵۷، ۸۰، ۹۵، ۱۱۳	فناء
extinction	۳۸، ۵۶، ۸۰، ۸۹، ۹۳	
destruction	۱۰، ۹۳	
death	۱۰۳	
mortality	۱۱	
dying to self	۳۴	
extinction in unity	۹۳	فنا فی التوحید
annihilation in Divine unity	۵۷	
annihilation in God	۱۱	فنا فی الله
absolute annihilation	۴۵	فناء کلی
pass away	۱۰۳	فنا شدن
be annihilated	۳۴	
immortality	۱۳	فنانا پذیری [= بقای روح]
the beginnings of suras	۲۳	فواتح سور
indecencies	۱۰۰	فواحش (قرآنی) (نیز ← فاحشه)
fruits	۷، ۸۷	فواکه (قرآنی) نیز ← فاکه
public utilities	۷۵	فواید عامه
loss	۲۱	فوت
passing away; dying; death	۱۲۰	
jet	۱۲۹	فوران
		فور فور یوس ← فر فر یوس
salvation	۲۲	فوز (قرآنی)

triumph	۸۷، ۱۰۰، ۱۰۹	
great triumph	۱۰۹	فوز عظیم (قرآنی: فوزاً ۱۰۹ عظیماً)
great success	۸۷	
supreme triumph	۸۷	
extraordinary	۱۲۰	فوق العاده
super-sensual; super-sensible	۱۱	فوق حسی
super-natural	۱۱	فوق طبیعی
steel	۱۲۹	فولاد
list; index; catalogue	۱۲۰	فهرست
table of contents	۱۲۰	فهرست مندرجات
understanding	۴۰	فهم
gracious	۱۱	فیاض
generally speaking	۸۰	فی الجمله
in short	۲۵	
on the spot	۴۲	فی المجلس
in God's protection	۱۲۱	فی امان الله
God protect thee	۱۰۳	
booty	۴۵، ۸۰، ۱۰۹	فیء [بر وزن شیء] [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
revenue rights	۸۲-۴	
spoil; tribute	۳۱	
Pythagorath	۳۷ =	فیثاغورث = فیثاغورس [پیتاگوراس]
Pythagoras	۸۰-۲	
in the way of Allah	۷، ۸۷	فی سبیل الله (قرآنی:)
for the cause of Allah	۶۴	
emanation	۴۲، ۸۰، ۹۳، ۹۵، ۹۶، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۱۷	فیض (عرف. فل.)

blessing	۲۹، ۳۷	
flux; generosity	۸۰	
grace	۲۹	
perpetual blessing	۲۹	فیض ابدی
most holy emanation	۹۶	فیض اقدس (عرف.)
holy emanation	پ	فیض مقدس (عرف.)
effusion	۱۰۸	فیضان
emission	۱۱	
overflowing light	۹۲	فیضان النور
tidings	۴۶	فیضانات
The Elephant	۷، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰	فیل [سوره]
philosopher	۴، ۱۱، ۵۶، ۹۵	فیلسوف
philosopher of illumination	۱۱	فیلسوف اشراقی
The First philosopher (Aristotle)	۵۶	فیلسوف اول [= معلم اول]
natural philosopher	۱۱	فیلسوف طبیعی
in itself	۱۱	فی نفسه
blessing	۱	فیوضات
legislative blessing	۱	فیوضات تشریعی
creative blessing	۱	فیوضات تکوینی

ق

Alkaid	۳۶	قائد (نجم.)
the Upholder	۶، ۲۴	قائم (صفت امام زمان، عج)
The Riser	۸۰	
subsisting	۱۰	

perpetual	١١٩	
right-angled; rectangular	١٢٠	قائم الزاويه
He who is supported by the Truth	١٢	قائم بالحق
self-subsistent	١٠٦	قائم بالذات
self-existent	١٨	
subsisting in God	١٠	قائم بالله
independently subsistent	١١٠	قائم به نفس
Who watches every soul	٧	القائم على كل نفس (اسم الهى) (قرآنى)
deputy	٢٢	قائم مقام
locumtenens	٦١	
case; frame	١٢٠	قاب
maker of paneled ceiling	١٢٩	قابساز (معمد.)
He who restrains	٨٠	قابض [القابض] (اسم الهى) (غير قرآنى)
The Restrainer	٤٢	
angel of death	١٢٠	قابض الارواح
cartouche	١١٦	قاب طومارى (جلد.)
Two bows length (signifying nearness to God)	٤٢ . ٨٧	قاب قوسين (قرآنى)
measure of two bows	٧	
The distance of two bows' length	٣٤	
recipient	١٠٥ . ١٠٨	قابل (فد.)
capable	١٠٣	
convertible	١١	قابل انعكاس
describable	١١	قابل تشريح
definable	١١	قابل تعريف
determinable	١١	قابل تعيين
Acceptor of repentance	٧ . ٨٧	قابل التوب (اسم الهى) (قرآنى)

mid wife	۱۲۰	قابله
divisibility	۱۲۵	قابلیت تقسیم
receptivity	۹۵	قابلیت
Cain	۴۳	قابیل
murderer; homicide	۱۲۰	قاتل
contraband; smuggled; smuggling	۱۲۰	قاچاق
The Powerful	۴۲، ۴۵، ۱۰۶	قادر [القادر] (اسم الهی) (قرآنی)
Omnipotent	۱۰۴	
Mighty	۱۰۳	
Almighty	۴۴	قادر متعال
Omnipotent	۳۴	قادر مطلق
Cadiz; Cadix	۸۰ - ۴	قادس [= کادیث، شهری در
		اسپانیا]
The Calamity	۸۷	قارعه [سوره]
The Terrible Calamity	۷	
The Clatterer	۱۰۰	
The Striking	۸۸	
Korah	۲۱، ۴۲، ۴۵، ۵۵، ۸۰، ۸۷، ۱۱۲	قاروره ← قواریر
Qar'un	۲۱	قارون (قرآنی)
Croesus	۴۲	
Koran- reader	۲۱، ۸۰	قاری (نیز ← قرائن؛ قُرَاء سبعه)
Qur'an- reciter	۲۳	
Chanter of Qur'an	۸۲	
reader	۲۶، ۴۵	
deviator	۷	قاسط (قرآنی) (نیز ← مقسطین)
unjust	۸۷، ۱۰۹	
story-teller; preacher	۸۰ - ۴	قاص (نیز ← قصاص)
messenger	۱۲۰	قاصد

judge	۴۲.۴۵	قاضی
Cadi	۱۸.۲۱	
The Provider of Needs	۱۲۰	قاضی الحاجات (صفت خداوند)
supreme judge	۱۲۰	قاضی القضاات
chief justice	۴۲.۸۱	
judge of the judges	۸۰	
chief cadi	۲۱	
judge of the army	۸۰-۴	قاضی عسکر
The whole	۱۲۰	قاطبه
highway robber	۱۲۰	قاطع الطريق
holder bank	۷	قاعد (قرآنی) [مق. مجاهد]
menstruation	۴۲	قاعدگی [در زنان] (نیز ← حیض؛ ۴۲ محیض؛ عادت ماهانه)
menses	۳۹	
rule	۱۱.۹۴.۹۵.۱۲۹	قاعده
principle	۴۲.۵۶.۱۰۲	
canon	۱۱	
norm	۱۲۹	
axiom	۶۱.۱۰۸	
formula	۲۷	
rational principle	۱۰۲	قاعده عقلیه
principle of presupposition	۱۰۲	قاعده فرعیه
legal formula	۲۷	قاعده فقهی
legal principle	۴۲	
axiom	۶۱	قاعده کلی [اصل مسلم]
principle of no harm	۱۰۱	قاعده لاضرر
derived rule	۹۴	قاعده مشتق (منط.)
menstruate	۳۹	قاعدہ شدن (فق.) (نیز ← ۳۹ قاعدگی)

carvan	۵۲	قافله
rhyme	۲۶، ۳۱، ۸۰، ۱۲۸	قافیه
rhyming	۳۱	قافیه بندی
rhymers; rhymster	۱۲۸	قافیه پرداز
discourse; words	۱۰۳	قال [مق. حال]
saying; talkativeness; loquaciousness		
outer form; sheath	۴۵	قالب
body	۳۱، ۱۰۳	
model; form	۱۲۹	
matrix; statement; form	۹۴	قالب (منط.)
atom-like body	۳۱	قالب مثالی
formalization	۹۴	قالب ریزی (منط.)
mould	۱۲۹	قالبگیری (معم.)
block stamping	۱۱۶	قالب مهرکوبی (جلد.)
words and feelings	۱۰۳	قال و حال
babble and palaver	۱۰۳	قال و قيل
carpet	۱۲۰	قالی
rug	۱۲۰	
lexicon		

قاموس [در اصل نام فرهنگ لغت ۳۷
 مجدالدین فیروز آبادی: القاموس
 المحيط... بوده بعداً اطلاق و
 عمومیت یافته و به هر فرهنگ
 لغتی می گویند]
 قانقاریا = غانقرایا /
 غانقرایا]

Canon

۴۲، ۸۲، ۹۵، ۹۷
 قانون [این کلمه، معرب کلمه
 «کانون» یونانی است. و با
 «کانون» فارسی فرق دارد. معادل
 انگلیسی آن هم متخذ از اصل یونانی است.]

Law	۵.۱۱.۴۲.۸۰.۹۴	
cadaster	۸۰	
principle	۲۹	
constitution	۸	قانون اساسی
civil law	۱۲۵	قانون مدنی
principle of motion	۲۹	قانون حرکت
canon of medicine	۴۲	قانون طب
law of nature	۱۱	قانون طبیعت
law of excluded middle	۱۱	قانون طرد واسطه (نیز ← امتناع ارتفاع نقیضین)
law of supply and demand	۷۵	قانون عرضه و تقاضا (ا.ق.)
law of causation	۱۱	قانون علیّت (نیز ← علیّت؛ علت)
law of causality	۲۹	
general rule of the cause-and-effect	۱	قانون علیّت عامه
absolute law	۱۱	قانون مطلق
law of identity	۱۱	قانون هویت [قانون همانی]
legislator	۶۱	قانونگذار
legislation	۶۱	قانونگذاری
law-giving	۴	
legalise	۱۵	قانونی شمردن
The Omnipotent	۱۰۰	قاهر [القاهر] (اسم الهی) (قرآنی)
boat	۱۲۰	قایق
cloak	۴۵	قبا
padded tunic	۶۷	
deed of sale; purchase-deed	۱۲۰	قباله
suretyship; deed; written agreement	۳۱	
deed of conveyance	۲۵	
marriage certificate	۶۳	قباله ازدواج (نیز ← عقد نامه)

evil	۵۹، ۱۰۳	قبح (نیز ← قبیح)
ugliness	۵۹	
baseness; villainy	۳۱	
grave	۲۹	قبر (نیز ← آرامگاه؛ مقبره؛ فشار
		قبر)
shrine of Imam	۲۹	قبر امام
Cyprus	۴۲، ۱۲۳، ۱۲۵	قبرس [تلفظ عربی این کلمه
		قبرس و یونانی آن کوپروس
		است]
cemetery	۴۲	قبرستان
brand	۱۰۰	قبس (قرآنی)
live coal	۷	
taking possession of	۸۰، ۸۵	قبض (فق.)
handing over; seizure; abstention	۸۰ - ۴	
grasping	۶۱، ۸۰	
contraction	۴۵، ۸۰	قبض (تص.)
dejection	۸۰	
anxiety	۸۰ - ۴	قبض [مق. بسط و شادی]
depression	۶۹	
contraction and expansion	۴۲	قبض و بسط
contraction and dilation	۲۱	
handle; hilt	۱۲۰	قبضه
grasp of God	۱۰۳	قبضه الله
Copt (ic)	۸۴، ۹۹، ۱۲۵	قبطی
Coptic; Egyptian	۳۱	
The Two Qiblas (Mecca and Jerusalem)	۳۱	قبلتین
qiblah	۷، ۱۹، ۴۳، ۸۷	قبله (قرآنی)
direction faced in prayer	۱۱۲	

Kiblah	۴۳	
direction of prayer	۱۱۳	
direction of Mecca	۵۴	
cynosure of the world	۱۱۴	قبلة عالم
king; sultan	پ	
acceptance	۷، ۴۲، ۸۰، ۸۵، ۸۷	قبول (فق.) (قرآنی)
receptivity	۱۰۸	
assent	۴۲	
popularity	۴۴	قبول عام
cupola	۷۸، ۱۱۵	قبه
domed pavilion	۸۰، ۵	
dome; tester; thole; tholos	۷۸	
poets' hall	۸۰	قبه الشعراء
Dome of the Rock	۴۲، ۸۰، ۱۱۵، ۱۲۱	قبه الصخره
Dome of the Winds	۸۰، ۵	قبه الهواء
evil	۸۰، ۸۱	قبيح (نیز ← قبح)
ugly	۹۵	
vile	۱۰۶	
bad	۸۰	قبيح (دس.)
tribe	۴، ۸۰	قبيله [جمع مکسر این کلمه «قبایل» در قرآن مجید به کار رفته است. شعب بزرگتر از قبيله است و تقسیمات کوچکتر از قبله عبارتند از عشیره، جذم، جمهور، عماره، بطن، فخذ، فصيله و رهط.]
Scale	۱۲۵	قیان
heavy balance; steelyard	۱۲۰	
warfare	۸۷	قتال (قرآنی)

fighting	۷.۸۰.۳	
lethal; fatal	۱۲۳	
slaughter	۷.۸۷	قَتَالَ
homicide	۴۲.۸۵	قتل (قرآنی)
killing; putting to death	۴۵	
murder	۶	
indirect homicide	۴۲	قتل سبب
non-intentional homicide	۴۲	قتل شبه عمد
general massacre; genocide	۶۱	قتل عام
wilful murder; deliberate murder	۴۲	قتل عمد
manslaughter	۶۳	قتل غیر عمد
suicide	۴۲	قتل نفس [خودکشی]
homicide	۲۶	
prostitute	۱۲۰	قحبه
scarcity; famine	۱۲۰	قحط
stature	۱۲۰	قد
sacredness	۸	قداست
sanctity	۹	
saintliness	۴۴	
blame; reproach	۱۲۰	قدح
bowl; goblet	۱۲۰	قدح
measure	۱	قَدَر
The Majesty	۷	قَدَر [سوره]
Power	۸۷.۸۸.۱۰۰	
magnitude	۳۶	قدر (نج.)
apparent magnitude	۳۶	قدر ظاهری (نج.)
apparent visual magnitude	۳۶	قدر ظاهری مرئی (نج.)
absolute magnitude	۳۶	قدر مطلق (نج.)
predestination	۴۵.۸۰.۹۰.۹۳.۱۰۳	قَدَر (نیز ← قضا)

destiny	۵۶ . ۹۵ . ۱۰۹	
determination	۵۶ . ۹۶	
power	۲۴ . ۸۰ . ۱۰۳ . ۱۰۴ . ۱۱۰ . ۱۱۸ . ۱۱۹	قدرت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]
strength	۹۰	
Divine Omnipotence	۱۰۴	قدرت الله
Omnipotence	۱۰۷	
power of God	۱۰۳	
Divine power	۴۲	قدرت الهی
might of God	۱۰۳	قدرت حق
primeval power	۹۹	قدرت قدیم
omnipotence	۲۹	قدرت مطلق
vegetable force	۴۰	قدرت نباتی
fatalism	۱۱	قدرگرایی
Qadarites; Free-willers	۴۲	قدریه
Kadarites	۴۵	
The Libertarians	۱۰	
holiness	۴۲ . ۱۰۳	قدس (نیز ← بیت المقدس)
sanctity	۴۲ . ۱۰۸ . ۱۱۸	
saintliness	۴	
May God sanctify his spirit	۱۰۳	قدس الله سیره
May his spirit be sanctified	۱۰۳	قدس سیره
holy	۴۴	قدسی
eternity	۱۱ . ۸۰ . ۹۳ . ۱۰۱ . ۱۰۵	قدم [مق. حدوث] (نیز ← قدیم)
pre-eternity	۱۱ . ۱۰۲	
eternalness; uncreatableness	۱۱	
relative pre-eternity	۱۰۲	قدم اضافی
real pre-eternity	۱۰۲	قدم حقیقی
essential eternity	۸۰ - ۵	قدم ذاتی

Time's eternity	١٠٤	قَدَم زَمان
temporal eternity	٨٠-٥	قَدَم زَمانی
eternity of the world	١٠٤	قَدَم عَالَم
pre-eternity of soul	٥٦	قَدَم نَفَس
eternals	٨٠	قُدَمَا (فَل-)
ancients	١٠٥، ١٠٦	قَدَمَا
eternity	٥٦، ٧٩	قَدَمَت
The Holy (one)	٧، ٨٠، ٨٧، ١١٣ (اسم الهی)	قُدّوس [القدوس] (قرآنی)
All- hloy	١٠٠	
The Most Holy	٢٣	
The Powerful	٢١، ٨٠، ٨٧ (قرآنی)	قَدِير [القدیر] (اسم الهی)
All-powerful	١٠٠	
Almighty; Omnipotent	٤٢	
eternal	١٠٤، ١٠٥، ١٠٨، ١١١، ٣٤، ٤٥، ٨٠، ٩٢، ١٠٣	قَدِيم [مق- حادث] (نیز ← قَدَم)
pre-existent	٢٩	
pre-eternal; uncreatable	١١	
everlasting	٩٠	
something primeval; Deity	٩٩	
ancient	٢٤، ٨٠، ٩٥	قَدِيم [باستان]
eternal-by-itself	١٠٥	قَدِيم بذاته
eternal-through-another	١٠٥	قَدِيم بغيره
eternal through an eternity	٨٠-٥	قَدِيم بقدَم
eternal and created; eternal and phenomenal	٢١	قَدِيم و محدث
false accusation (of unchastity)	٢٢، ٨٥، ٨٦	قَذَف (فَق-)
false charge of fornication; slanderous accusation of fornication	٨٠-٤	

falsely accusing; slander	۴۵	
Qur'an [= Koran]	۷.۴۳.۵۴.۸۷.۱۰۰	قرآن (قرآنی)
recorded Quran; written Quran	۵۴	قرآن تدوینی
Quran of creation; created world	۵۴	قرآن تکوینی
noble (glorious) Qur'an	۸۸	قرآن کریم [این صفت را اهل سنت برای قرآن به کار می‌برند]
glorious Qur'an (Koran)	۷.۸۷.۱۰۰	قرآن مجید [این صفت را شیعه، یا فقط ایرانیان برای قرآن به کار می‌برند]
recitation	۱۲.۸۰	قرائت (نیز ← قاری)
reading	۸۰	
recite	۶	قرائت کردن
The Seven Readers	۱۹	قُرّاء سبعة (نیز ← قاری)
pharmacopoeia; dispensatorium	۵.۳۱.۴۲.۸۰	قَرابادین (پز.) [= اقربادین / اقرا بادین. مجموعه دستورهای تهیه داروها؛ نوعی فرهنگ داروها، نیز ← دایرةالمعارف فارسی]
pharmacology	۱۳	
therapeutics	۲۶-۱	
compound medicines; antidotes	۳۱	
relationship	۴۲.۸۶	قربت (خویشاوندی)
kinship	۶.۸۰	
affinity	۴۲.۱۱۷	
foster relationship	۶۱	قربت رضاعی
relationship by marriage; affinity	۶۱	قربت سببی
consanguinity	۴۲	قربت صلبی
relationship by blood	۶۱	قربت نسبی
proximity	۳۸	قربت [نزدیکی]
warrant for attachment	۶۳	قرار توقیف (حق.)

coincidence	۱۲۰	قران
combination	۴۵	
conjunction	۸۰-۵	قران (نجـ.)
pointers	۳۶	قراولان (نجـ.)
relationships	۷۹	قراين
conjectures	۱۶	
indications; legal presumptions	۸۰	
menstrual period	۸۶	قُرء (فقـ.) [جمع مکسر اين کلمه به صورت قُرء در قرآن مجيد به کار رفته است.]
proximity	۹، ۸۰، ۱۰۴	قرب [قربت]
nearness	۹۰، ۱۱۸، ۱۱۹	
closeness	۸۰-۴	
propinquity	۱۴، ۲۸	
sacrifice	۴۵، ۸۰، ۸۷، ۱۰۳	قربان [قربانی] (قرآنی)
sacrificial (animal)	۱۰۹	
offer in sacrifice	۱۰۳	قربان کردن [قربانی کردن]
sacrifice	۶	
place of sacrifice	۶۴	قربانگاه
place of execution	۴	
altar	۱۲۹	
		قربانی ← قربان
		قربانی کردن ← قربان کردن
propinquity	۱۴	قربت
proximity	۲۱	
an approach to God	۸۶	قربۀ الى الله
to please God; to win God's favor	۴۲	
consolation	۸۷	قرّة العين [در قرآن مجيد به صورت ۸۷، قُرّة عين و قُرّة اعين به کار رفته است]

joy of the eyes	۳۴	
delight of eyes	۱۰۳	
refreshment of the eye	۷	
wound	۷	قَرَح (قرآنی)
wound; ulcer	۱۲۰	قُرْحَة
apes	۷، ۸۷	قِرْدَه (قرآنی)
loan	۴۲، ۸۰، ۸۵، ۸۷	قِرْض (قرآنی)
lending; borrowing	۴۲	
loan of fungible objects for consumption	۸۵	
goodly loan; loan without interest	۸۷	قِرْض الحسنة [در قرآن مجید به صورت قِرْضاً حسناً به کار رفته است.]
unfunded debt	۷۵	قِرْض بی پشتوانه
undated debenture	۷۵	قِرْضَة دایمی
tied loan	۷۵	قِرْضَة مقید
Carthage	۴۲، ۸۰، ۹۹	قِرْطاجنه [= کارتاژ]
Carteia; cartagena	۸۰	
parchment	۸۰، ۱۰۰	قِرْطاس (قرآنی) [جمع مکسر این کلمه به صورت قِرْطایس هم در قرآن مجید به کار رفته است.]
papyrus roll; rag paper	۸۰-۵	
Cordoba	۴۲، ۹۹	قُرْطُبَه [= کوردووا/کوردوبا: شهری در اندلس، مقر خلافت امویان اسپانیا]
		قِرْع و انبیق ← انبیق
drawing of lost; rhapsodomancy	۸۰	قِرْعَه
pully	۱۲۹	قِرْقَرَه [= غلطك]
Carmathian	۲۶، ۴۵	قِرْمَطی

Qaramite	۱۲	
Carmatian	۲۱	
Carmona	۸۰-۴	قرمونه [در اسپانیا]
age	۴۰	قرن
generation	۶، ۸۷	قرن (قرآنی) [نسل]
Golden Horn	۱۱۵	قرن الذهب [شاخ زرین]
cornice	۷۸	قرنیز (معم.)
cornea	۷۱	قرنيه [در چشم]
Middle Ages	۱۲۵	قرون وسطی
Nigh	۷، ۸۷	قرب [القرب] (اسم الهی)
		(قرآنی)
close	۸۰-۳	قرب
proximate	۱۰۸	
talent, genius, gift, faculty	۱۲۰، ۱۲۱	قربحه
comrade	۷، ۸۷	قرین (قرآنی)
companion	۸۰-۴	
context; frame of reference	۸۰	قرینه
mood	۹۷	قرینه (منط.)
symmetry	۱۲۹	قرینه سازی (معم.)
town; village	۷، ۸۰-۴	قریه (قرآنی)
township	۸۷	
cossack; partisan	۳۱	قزاق
divider	۸۰-۴	قَسَام
adjuration	۸۰-۴	قَسَام [در میان اعراب مسیحی]
taking an oath	۴۲	قُسَامَه (فق.)
a kind of compurgation	۸۵	
callousness	۱۶	قساوت
constraint	۵۶، ۱۱۷	قَسْر (فل. کل.)
forcible; violent; compulsive	۳۱، ۱۲۰	قَسری

equity	۶۴.۸۷	قِسط (قرآنی)
justice	۸.۴۲.۱۰۹	
instalment	۱۲۰	قِسط
balance	۷.۸۷	قسطاس (قرآنی)
Constantinople	۴۲ = استانبول	قُسطنطنیه [= استانبول] اسلامبول]
oath	۷.۴۲.۴۵.۸۰.۸۷	قسم (قرآنی) (نیز یمتین، ایمان)
vow	۴۲	
fate; destiny	۸۰-۵	قسمت [تقدیر]
division	۸۵	قسمت [بخش]
divisibility	۹۲	قسمت پذیری
make an oath	۲۰	قسم خوردن
adjure	۶۱	قسم دادن
Constantine	۱۲۵	قُسطنطینه [= قسطنطنیه] شهری در الجزایر
hardness of heart	۷.۸۷.۱۰۳	قسوت (قرآنی)
hard-hearted	۱۲۰	قسى القلب
priest	۸۷.۱۰۰	قسيس (قرآنی)
Castile; Castilla	۸۰-۴	قشتاله [ناحیه ای در اسپانیا = کاستیل / کاستیا / کاستیلیا]
winter camp	۸۲	قشلاق (نیز ← ییلاق)
winter-quarters	۱۲۰	
retaliation	۴۲.۴۵.۸۵.۸۷.۱۰۰.۱۱۲	قصاص (فق.) (قرآنی)
just retaliation	۸۶	
talion	۸۰-۴	
avenge for blood	۴۲	
blood ransom	۲۲	
blood-vengeance	۴۵.۸۰-۵	قصاص فی النفس
act based on prejudgement	۶۱	قصاص قبل از جنایت

punishment previous to the crime	ب	
storyteller	۸۰-۳	قَصَاص (نیز ← قاص)
fortified castle; fortress; chief town	۸۰	قصبه
intention	۴۲، ۱۰۴	قصد
purpose	۸۱	
volition	۱۰۵	
resolution	۴۲	
primary intention	۱۰۴	قصد اول
second intention	۱۰۴	قصد ثانی
temporal volition	۱۰۵	قصد حادث
Alcazarquivir	۸۰-۴	قصر الکبیر
curtail worship	۶۴	قصر صلوة [شکسته خواندن نماز]
The Story	۸۷، ۸۸، ۱۰۰	قصص [سوره] [به فتح اول و به ۸۷، ۸۸، ۱۰۰]
		صورت اسم و مصدر، نه به کسر
		اول و جمع قصه، چه صورت
		اخیر هرگز در قرآن مجید به کار
		نرفته است.
The Narrative	۷	
stories of the prophets	۸۰-۳	قِصَص الانبیاء
hagiography; hagiology	ب	قصص الاولیاء
ode	۸۰	قصیده
panegyric ode	۸۲-۵	
Divine decree	۴۲، ۹۶	
decree	۵۶، ۹۰	قضاء (نیز ← قَدَر)
predestination	۱۱، ۸۰	
Allah's will	۳	
destiny	۱۰۳	
destination	۴۲	

fate	٩٦	
judgeship; jurisdiction; decision	٨٠	قضا [قضاوت]
judgement; justice	٢٠	
judiciary	٨	
judging	٢٥	
intellectual judgement	١٠٢	قضاء العقل
compensate; make up	٢٢	قضاء [مق. اداء.]
discharging (obligation)	٢٥	
payment (of a debt)	٨٥	
belated accomplishment of a religious duty	٨٠	
fulfilling the vow	٢٥	قضاء النذر
judgement	٣٩	قضاوت
adjudication	٦١	
fore-ordination and destiny	٦٠	قضا و قدر
fate and destiny	٢١	
destiny and providence	١٢	
destiny and decree	٢٢	
decree and ordinance of God	١٠	قضا و قدر الهى
rod; stick; penis; phallus	١٢٠	قضيب
case	٨٠ - ٣	قضيه (فق.)
proposition	١٧ . ٩٥ . ٩٧	قضيه (منط.)
syllogism	١١١	
axiom	١٠٧	
premiss	٩٨	
theorem	٩٢	
judgement	١٠٢	
contingent (or coincidental) proposition	٩٧	قضيه اتفاقيه
deduction theorem	٩٢	قضيه استنتاج

main clause	٤٢	قضية اصلى
primary proposition	٤٩	قضية اولى
an axiom	٤٢	قضية بديهيه
indivisible proposition	٩٧	قضية بسيطه
determinate (or atomic) proposition	٤٢	
consequent	٩٧	قضية تالى
exclusion (proposition)	٩٧	قضية تنافى
triadic proposition	٤٢	قضية ثلاثى [ثلاثيه]
ternary proposition	٩٧	
dyadic proposition	٤٢	قضية ثنائى [ثنائيه]
binary proposition	٩٧	
particular proposition	١٧، ٩٧	قضية جزئى [جزئيه]
singular proposition	١١	
verity- proposition	٩٧	قضية حقيقه
categorical proposition	٤٢، ٩٧، ١٢٨	قضية حمليه
categoric proposition	٩٧	
possible temporal proposition	٩٧	قضية حينيه ممكنه
actuality proposition	٩٧	قضية خارجيه
absolute perpetual proposition	٩٧	قضية دائمه مطلقه
agreeing perpetual proposition	٩٧	قضية دائمه موافقه
negative proposition	١٧، ٩٧	قضية سالبه
negative coincidental proposition	٩٧	قضية سالبه اتفاقيه
particular negative proposition	١٧، ١٢٨	قضية سالبه جزئيه
negative-antagonistic proposition	٩٧	قضية سالبه عناديه
universal negative proposition	١٧، ١٢٨	قضية سالبه كليّه
singular proposition	٩٨	قضية شخصيه
individual proposition	٤٠، ٩٧	
singular statement	٤٤	
conditional proposition	٩٨	قضية شرطيه

hypothetical proposition	٩٧	
connective conditional proposition	٩٧ ، ٩٨	قضية شرطية متصله
conjunctive proposition	٤٢	
unrestricted connective conditional	٩٨	قضية شرطية متصله على
		الاطلاق
separative conditional proposition	٩٨	قضية شرطية منفصله
disjunctive conditional proposition	٤٢	
widely accepted proposition	٩٨	قضية شهره
necessary proposition	٩٧	قضية ضروريه
absolute necessary proposition	٩٧	قضية ضروريه مطلقه
convertible necessary proposition	٩٨	قضية ضروريه منعكسه
physical proposition	٩٧	قضية طبيعيه
privative proposition	٤٠	قضية عدميه
absolute proposition	٤٢	
conventional proposition	٩٧	قضية عرفيه
special conventional proposition	٩٧	قضية عرفيه خاصه
general conventional proposition	٩٧	قضية عرفيه عامه
antagonistical proposition	٩٧	قضية عناديه
hypothetical proposition	١٧	قضية فرضيه
comparative proposition	٩٥	قضية قياسيه
universal proposition	١٧ ، ٩٨	قضية كليّه
cogent proposition	٩٧	قضية لزوميه
incompatible proposition	٩٧	قضية مانعة الجمع
exclusive hypothetical; exclusive proposition	٩٧	قضية مانعة الخلو
indeterminable proposition	٩٨	قضية متردده
conjunctive proposition	٩٧	قضية متصله
unrestricted connected proposition	٩٨	قضية متصله على
		الاطلاق

restricted connected proposition	٩٨	قضية متصله على التحقيق
axiom	٢٩	قضية متعارفه
attributive proposition	٩٧	قضية مُحَصِّلَه
fenced proposition	٩٧	قضية محصوره
determinate proposition	٤٢	
situation-describing proposition	٩٨	قضية محليه
peculiarized proposition	٩٧	قضية مخصوصه
quantified proposition	١١	قضية مسور
fenced proposition	٩٧	
special conditional proposition	٩٧	قضية مشروطه خاصه
general conditioned proposition	٩٧	قضية مشروطه عامه
absolute proposition	٩٧، ٤٠	قضية مطلقه
general absolute proposition	٩٧	قضية مطلقه عامه
privative proposition	٩٧	قضية معدوله
modified proposition	٤٠	
antecedent	٩٧	قضية مقدم
possible (or contingent) proposition	٩٧	قضية ممكنه
particular possible proposition	٩٧	قضية ممكنه خاصه
general possible proposition	٩٧	قضية ممكنه عامه
spread proposition	٩٧	قضية منتشره
disjunctive proposition	٩٧، ١٧	قضية منفصله
separative proposition	٩٨	
pure separative proposition	٩٨	قضية منفصله محض
specific proposition	٩٨	قضية منوعه
affirmative proposition	٩٧، ١٧	قضية موجب
particular affirmative proposition	١٧، ١٢٨	قضية موجب جزئيه
universal affirmative proposition	١٧، ١٢٨	قضية موجب كلي
modal proposition	٩٧، ٤٠	قضية موجب
syllogism	٤٢	قضية منطقي [قياس]

indefinite proposition	٩٨ . ٤٠	قضية مهمله
ambiguous proposition	٩٧	
specified proposition	٤٢	
existential proposition	٩٧ . ٤٢	قضية وجوديه
non-perpetual existential proposition	٩٧	قضية وجوديه لادائميّه
not-necessary existential proposition	٩٧	قضية وجوديه لاضروريّه
temporal proposition	٩٧	قضية وقتيه
propositional	١١	قضيه اى
nibbing; cutting	١٢٠	قَطّ [زدن]
sector	١٢٩ . ١٢٥	قطاع
voussoir archstone		قطاع [سنگ طاق] (معمـ.)
		قطاع الطريق ← راهزن
cut pattern	١١٦	قطاعى (جلـ.)
pole; terrestrial pole	٨٠ - ٥	قطب (نجـ.)
pole	٩٩ . ٤٥ . ٤٠ . ١٣	قطب (عرفـ.)
spiritual pole	٥٨	
spiritual axis	٨٩	
supreme pole	١٣	قطب اعلى
Arch-pole	٥٣	قطب الاقطاب
[temporal] phenomenal Kutb	٨٠ - ٥	قطب الحسى
[cosmic] noumenal Kutb	٨٠ - ٥	قطب المعنوى
compass	١٢٩	قطبنا
diameter	١٢٩	قطر
tar	١٢٩	قطران (قرآنى)
pitch	پ	
termination of regress	١٠٤	قطع تسلسل (فلـ.)
break off connections with one's kindred	٢٥	قطع رحم (نيز ← صلة رحم)
desertion, cutting, or alienation of kinsfolk	٣١	
rupture of relations	٦١	قطع روابط (حقـ.)

highway robbery	۸۵، ۸۰، ۴۵	قطع طریق (نیز ← راهزنی)
conic section	۱۲۵	قطع مخروطی
resolution	۲۷	قطع مُکافی ← سهمی
conclusive	۱۱	قطعنامه
conclusiveness	۱۱	قطعی
tarry (to)	۱۰۰	قطعیّت
cabinet	۱۲۹	قُعود (ترك جهاد) (قرآنی)
lock	۱۲۳، ۱۲۹	قفسه
refrain	۱۲۸	قفل [جمع مکسر این کلمه به صورت اقفال در قرآن مجید به کار رفته است.]
necklaces	۱۰۰	قفل (عر.) [=سمط؛ لازمه]
Hyades	۳۶	قلائد (قرآنی)
faked; false; counterfeit	۱۲۰	قلائص (نج.)
collar; necklace	۱۲۰	قُلابی
rogue	۱۸	قِلادَه
heart	۷، ۸۷، ۱۲۰	قَلّاش
transformation	۱۰، ۱۰۲	قلب
Regulus	۳۶	قلب (کل.)
Calb-alezet; Leonis	۱۲۷	قلب الاسد (نج.)
Antares	۳۶، ۱۲۵	قلب العقرب (نج.)
Cabalatrab; Scorpii	۱۲۷	
transmutation	۶۱	قلب ماهیّت (حق.)
tin	۱۲۰، ۱۲۵، ۱۲۹	قلع
eradication; uprooting	۱۲۰	قلع و قمع
castle; fortress	۸۰ - ۴	قلعه
peel	۱۲۹	
fort	۴۸	

anxiety; restlessness	۱۲۰	قَلَق
The Pen	۸۸, ۱۰۰, ۱۰۸	قلم [سوره]
	۷, ۸۷	
The Most Exalted Pen	۱۰۸	قلم الاعلی
a scribe; a literary man	۳۱	اهل قلم
penknife	۸۰ - ۴	قلمتراش
penbox	۱۰۱	قلمدان
domain	۱۳	قلمرو
tooling; toolwork	۱۱۶	قلم کاری (جلد)
libertine	۱۲۰	قلندر
ascetic	۴۲	
calender	۱۲۰, ۱۲۱	
peak	۱۲۹	قله [= اوج؛ تیزه]
alkali	۱۲۰	قلیا [معادل انگلیسی این کلمه از اصل عربی قَلْوِی که قلیا محرف آن است گرفته شده است.]
gambling	۸, ۶۱, ۸۰	قمار [مترادف قرآنی این کلمه میسر است]
a game of chance	۸۰	
gambler	۱۲۰	قمار باز
The Moon	۷, ۸۷, ۸۸, ۱۰۰	قمر [سوره]
satellite	۳۶	قمر (نجس)
shirt	۷, ۴۵, ۸۷	قمیص (قرآنی)
a shirt-like dress	۸۰	
shirt	۴۵	
subterranean tunnel; canal;		قنات
irrigation system; water pipe	۸۰ - ۴	
qanat	۷۴	
canary	۱۲۰	قناری [این کلمه، معرب کلمه

کاناری انگلیسی و فرانسوی
است که خود اصل اسپانیایی و
نهایتاً اصل لاتینی دارد.

confectioner	۱۲۰	قناد
confectionery	۱۲۰	قنادی
contentment	۵۲، ۱۰۳	قناعت
continence	۴	
sugar	۱۲۰، ۱۲۵	قند
lantern	۷۸	قندیل
luster	۱۲۰	
a sum of money	۸۷	قنطار (قرآنی) [جمع مکسر این کلمه به صورت قناطر هم در قرآن مجید به کار رفته است.]
a heap of gold	۷	
arched bridge	۱۹، ۸۰، ۴	قنطره
aqueduct; high building; castle	۸۰، ۴	
Centaurus	۳۶	قنطُورسُ (نَج.)
personal prayer	۱۰۹	قنوت
despair	۱۲۰	قُنُوط [صفت از این مصدر به صورت قنوط، و نیز مشتقاتی از این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
rules or norms	۸۰، ۳	قواعد (فَق.)
a mystic singer	۴۲	قوَال
consistence	۶۹	قوام
laws; rules; canons	۱۲۰	قوانین (نیز ← قانون)
internal faculties	۱۰۸	قوای باطنی
faculty	۱۰۸	قوت [قوه]
potential	۱۰۷	

strength	۲۶	
momentum	۵۶	قوت الحركه
arsenal; armoury	۱۲۰	قورخانه
Saggitarius	۳۴ . ۳۶ . ۹۹	قوس (نجـ).
arc	۳۶	قوس (نیز ۶ قاب قوسین)
arc of consciousness	۵۴	قوس شعوری
arc of ascend	۵۴	قوس صعودی
rain bow	۱۲۰	قوس قزح
arc of descent	۵۴	قوس نزولی
falcon; hawk	۱۲۰	قوش
speech	۱۰ . ۴۰ . ۸۷ . ۱۱۸ . ۱۱۹	قول (قرآنی)
discourse	۸۷ . ۹۵ . ۱۰۸	
utterance	۱۰	
argument	۱۰۵	
persuasive speech	۱۰	قول اقناعی (کلـ).
proposition	۴۰	قول جازم (منطـ).
definition	۱۱ . ۴۰	قول شارح
expository proposition	۴۰	
oratio explicans; definiens	۹۷	
definitory formula	۱۰۴	
decisive word	۴۲	قول فصل (قرآنی: قول فصل)
the distinguished speech	۷ . ۱۰۰	
preliminary agreement	۶۱	قولنامه
colic		قولنج (پزـ).
colon	۱۲۰	قولون (پزـ)
people	۶۴ . ۸۰	قوم (قرآنی)
folk	۸۷	
the folk of Lot	۸۷	قوم لوط (قرآنی)
comedy	۴۲ . ۱۲۸	قومودیا [= کمدی]

nationality	٩٥ . ١١٧	قوميت [مليت]
nationalism	٨٠ - ٤	
Konya	١١٥	قونيه
Iconium	١٩	
potentiality	٤٠ . ٥٦ . ٩٢ . ١٠٢ . ١٠٥	قوة
faculty	١١ . ٤٠ . ٨٠ . ٩٢ . ١٠٦ . ١٠٧	
potency	٥٦ . ٩٢ . ١٠٥	
power	١٣ . ٩٠ . ٩٢ . ١٠٢	
force	٤٠ . ١٠٨	
potentia	١٠٢	
ability	٩٢	
faculty of perception	٦٩	قوة ادراك
power of comprehension	١٣	
perceptive power	١١	قوة ادراكي
contingent potentiality	٥٦	قوة امكانيه
faculty of estimation	٦٩	قوة اوهام
reasoning faculty	١١	قوة تعقل
deliberative faculty	٥٧	قوة تفكر
faculty of distinction	٦٩	قوة تمييز
animal faculty	١٠٢	قوة حيوانيه
attractive power	٧١	قوة جاذبه
gravitation	٤٢	
retentive faculty	٤٠ . ٥٧	قوة حافظه
faculty of motion	١٣	قوة حركت
faculty of sensation	٤٠	قوة حسي
animal faculty	٤٠	قوة حيواني
faculty of fantasy	١٠٤	قوة خيال
imaginal power; imaginal faculty	٥٦	
representative faculty	٥٧	

force of repulsion	١٠٧	قوّة دافعه
repulsive power	٤٢	
power of repulsion or evacuation	٨٠ - ٥	
repelling power	٧١	
faculty of ejection	٤٠	
perceptive faculty	٤٢	قوّة دراکه
essential faculty	٦٩	قوّة ذاتی
recollective faculty	٥٧	قوّة ذاکره
mental faculty	١١	قوّة ذهنی
faculty of desiring	٨٠ - ٥	قوّة شوقیه
power of procreation	٩٢	قوّة شهوانی
concupiscent faculty	٥٧	
appetitive faculty	٦٩	
faculty of desire	١٠٤	قوّة شهوت
intuitive faculty	١١	قوّة شهود
concupiscible faculty	٦٩	قوّة شهوی
theoretical faculty	٥٧ ، ١٠٤	قوّة عالمه
knowing faculty	٥٧	
practical faculty	٥٧ ، ١٠٤	قوّة عامله
acting faculty	٥٧	
force of crystallization	١١	قوّة عقدی
power of the elements	٨٠ - ٥	قوّة عنصری
nutritive power	٩٩	قوّة غاذیه
nutritive faculty	٦٩	
faculty of feeding	١٣	
power of feeding	٥٩	
irascible faculty	٦٩	قوّة غضبی
faculty of anger	١٠٤	
power of the sphere	٨٠ - ٥	قوّة فلکیه

divine power	٤٠	قوة قدسى
judiciary	٨	قوة قضائيه
power of retention	٨٠-٥	قوة ماسكه
retentive power	٧١	
faculty of sight	١٠٤	قوة مبصره
power of imagination	٩٩	قوة متخيله
imagination faculty	٥٧	
imaginative faculty	٤٢	
executive power	٦٣	قوة مجريه
motive force	٨٠-٣	قوة محرکه
moving force	٥٩	
locomotive faculty	٤٠	
faculty of appetance	٤٠	قوة مصوره
plasmatic power	٨٠-٥	
retention faculty	١١	
faculty of thought	٤٠	قوة مفكره
rational imagination faculty	٥٧	
legislature	٨	قوة مقتنه
distinguishing faculty	٦٩	قوة مميزه
generative power	٨٠-٥	قوة مولده
faculty of reproduction	١٣	
power of reproduction	٥٩	
rational faculty	١١	قوة ناطقه
faculty of speech	٤٢	
faculty of growth	٤٢	قوة ناميه
power of growing	٥٩	
augmentative power	٧١	
vegetative faculty	١٠٢، ١٠٤	قوة نباتيه
deliberative faculty	٤٠	قوة نزوعى

faculty of rationality	۶۹	قوه نطق
faculty of theorizing	۴۰	قوه نظری
force of growing	۱۱	قوه نمو
power of light	۴۵	قوه نوریه
estimate faculty	۵۷	قوه وهمیه
estimative faculty	۴۰	
force of digestion	۴۰	قوه هاضمه
digestive power	۹۹	
The Strong	۷.۴۲.۴۵.۸۰.۸۷	قوی [القوی] (اسم الهی) (قرآنی)
The Dominant	۴۲.۴۵.۹۰	قهار [القهار] (اسم الهی) (قرآنی)
Almighty	۵۶.۸۷	
The Omnipotent	۱۰۰	
The Dominator	۸۰	
vengeance	۳۴.۱۰۳	قهر [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
wrath	۱۸.۱۰۳	
violence	۲۱.۱۰۳	
force	۴۰	
wrath of God	۱۸	قهر الهی
hero; champion; warrior	۱۲۰	قهرمان
force and constraint	۴۷	قهر و غلبه
automatic	۶۱	قهری [غیر ارادی] (حق.)
coffee	۱۲۰	قهوه [معادل انگلیسی این کلمه، متخذ از عربی است.]
tea house	۱۲۹	قهوه خانه
coffee - house	۱۲۰	
vomitting	۱۲۰	قی
judical reasoning by analogy	۸۰-۵	قیاس (فق.)
sylllogism	۴۰.۹۴.۹۷.۹۸.۱۰۸.۱۲۸	قیاس (منط.)

analytical reasoning	۸۲-۴	
prior analytics; inference	۴۰	
priori	۱۶	
epicheirema	۴۲	قیاس احتجاجی
interpellative syllogism	۹۷	قیاس استثنایی
exceptive syllogism	۹۸	
<i>modus ponens</i>	۹۴	
exclusive syllogism	۴۲	
conditional syllogism	۳۱	
conjugate syllogism	۹۷	قیاس اقترانی
conjunctive syllogism	۴۲	
demonstrative syllogism	۴۲	قیاس برهانی
analogical syllogism	۴۲	قیاس تمثیلی
dialectical syllogism	۴۲	قیاس جدلی
categoric syllogism	۹۷	قیاس حملی
rhetorical syllogism	۴۲، ۱۲۸	قیاس خطابی
syllogism per impossible	۴۲	قیاس خلف
proof per impossible	۹۸	
<i>reductio ad absurdum</i>	۹۷	
demonstration in circle	۴۰	قیاس دور
dilemma	۹۴، ۹۵	قیاس ذوالوجهین [ذوحدین]
sophistic syllogism	۴۰	قیاس ذوحدین ← قیاس ذوالوجهین
hypothetical syllogism	۴۲، ۱۰۴	قیاس سوفسطایی
conditional syllogism	۹۸	قیاس شرطی
conjunctive-conditional syllogism	۹۸	قیاس شرطی اقترانی
pure conditional syllogism	۹۸	قیاس شرطی صرف
hypothetical conjunctive syllogism	۱۰۴	قیاس شرطی متصل

mixed conditional syllogism	۹۸	قیاس شرطی مختلط
compound conditional syllogism	۹۸	قیاس شرطی مرکب
syllogism	۱۷	قیاس صوری
enthymeme	۴۰	قیاس ضمیر
syllogism of opinion	۸۰.۳	قیاس ظنی
hypothetical syllogism	۱۷	قیاس فرضی
philosopheme	۴۲	قیاس فلسفی
paralogism	۱۷.۶۱	قیاس کاذب
perfect syllogism	۹۸	قیاس کامل
contentious	۴۰	قیاس مرانی
compound syllogism	۹۷	قیاس مرکب
composite syllogism	۴۲	
aporeme	۴۰	قیاس مشکک
sophistical reasoning	۹۹	قیاس مغالطه ای و سوفسطائی
sophism	۴۰	قیاس مغالطی
divided syllogism	۹۸	قیاس مقسم
<i>enumeratio partium</i>	۹۷	
deduction	۴۲	قیاس منطقی
disjunctive syllogism	۱۷	قیاس منفصل
syllogism by analogy	۱۱۷	قیاس نظیر
hypothetical syllogism	۹۸	قیاس وضعی
syllogism which is certain	۸۰.۳	قیاس یقینی
deductive	۴۴	قیاسی
physiognomancy	۸۰.۵	قیافه البشر
		قیافه شناسی ← علم فراست
rising	۸۰.۴	قیام (قرآنی)
up-rising	۷۳	
rising-up	۴	
vigil	۲۳	قیام اللیل [شب زنده داری]

establishment of justice; upholding of justice	١٥	قيام به قسط
The Resurrection	٧.٤٥.٨٨.١٠٠.١١٣	قيامت [سوره]
The Day of Resurrection	١١٨.١١٩	
The Rising of the Dead	٨٧	
The Judgement ; Doomsday	١٠٤	قيامت (نيز ← يوم القيامة)
The Judgement Day	٣٨	
The Lesser Rising	٥٦	قيامت صغرى
The Greater Rising	٥٦	قيامت كبرى
adverb	١٢٨	قيد (دس.) [= ظرف]
interrogative adverb	١٢٨	قيد استفهام
adverb of time	١٢٨	قيد زمان [= ظرف زمان]
adverb of manner	١٢٨	قيد كيفيت [= قيد وصف: ١٢٨]
		قيد حالت
adverb of quality	١٢٨	قيد كيفيت
adverb of state	١٢٨	
adverb of description	١٢٨	
adverb of degree	١٢٨	
adverb of quantity	١٢٨	قيد مقدار (دس.)
adverb of extent	١٢٨	
adverb of place	١٢٨	قيد مكان
bitumen	١٢٩	قير
Kairouan	٩٩	قيروان
Cairovan	٤٢	
Caesar	٢.٤٢	قيصر
Cetus	٣٦	قيطس (نج.)
Cepheus	٣٦	قيفاووس (نج.)
idle talk	١٢٠	قيل و قال
wordy discussion	٢٨	

chit-chat; babble	٣١	
siesta	١٢٠	قيلوله
superintendent; administrator	٨٠	قيّم
custodian	٦	
overseer	٩٩	
guardian	٤	
price	٧٥	قيمت (ا.ق.)
valorization	٧٥	قيمت گذارى
preponderance	٢٧	قيومت
guardianship	٤٢	
tutorship	٦١	
The Self-subsisting	٧.٢٢.٤٥.٨٠	قيوم [القيوم] (اسم الهى) (قرآنى)
The Everlasting	٢٤.١٠٠	
The Eternal	٦٤.٨٧	
self - existence	١١	قيوميت [وجوب بالذات]
sovereignty	٢٧	

ك

glass; goblet	٨٠ - ٤	كأس (قرآنى)
cup	٧.٨٧	
being	٩٥	كائن
entity	٤٢	

كائنات ← كائينات
كائنات جو ← آثار علوى

marriage portion	۸۰.۴	کابین [= صداق]
secretary	۴۲.۸۰	کاتب (قرآنی)
scribe	۷.۸۰.۸۷.۵	
court-secretary	۴۲	
writer of revelation	۱۰.۳	کاتب وحی
		کادیث ← قادس
liar	۷.۱۰۰	کاذب
false	۹۷.۱۱۷	
	۱۲۰	کار
		کارتاژ ← قرطاجنه
book of the deeds	۸۲ - ۵	کارنامه
Carvan		کاروان [معادل انگلیسی این کلمه متخذ از فارسی است.] (نیز ← قافله؛ سیاره)
carvanserai; inn	۱۲۰	کاروانسرا
underground water course	۱۹	کاریز (نیز ← قنات)
gully; underground waterchannel	۱۲۹	
earner; worker	۱۰.۳	کاسب
		کاستیل ← قشتاله
The Revealer	۳۱	کاشف [الکاشف] (اسم الهی)
		(قرآنی)
tile	۷۸.۸۰ - ۴.۱۲۹	کاشی (معم.)
ceramic	۱۱۵	
glazed brick	۷۸	
porcelain tile	۱۲۹	کاشی چینی
glazed tile; faience	۷۸	کاشی لعابی
enamelled brick	۷۸	کاشی مینایی
tiler; tile maker	۷۸.۱۲۹	کاشی پز
tile cutter	۱۲۹	کاشی تراش

tile work	۳۷،۱۱۵	کاشیکاری
those who restrain their anger	۷	کاظمین الغیظ (قرآنی)
paper	۱۲۰	کاغذ
unbeliever	۷،۱۶،۴۵،۸۵،۱۰۰،۱۰۹	کافر (قرآنی)
infidle	۴،۹۰،۱۰۳	
ungrateful	۲۳،۴۵	
disbeliever	۱۶،۸۷	
non-believer	۴۲	
disbelieve	۶	کافر شدن
The Unbelievers	۷،۸۸،۱۰۰	کافرون [سوره]
The Disbelievers	۸۷	
Camphor	۸۰،۱۰۰،۱۱۲	کافور (قرآنی) [معادل انگلیسی این کلمه، متخذ از عربی و عربی متخذ از فارسی است. اصل این کلمه احتمالاً مالایانی یا سانسکریت است]
The Sufficient One	۴۲	کافی [الکافی] (اسم الهی) (غیر قرآنی)
The sufficient One	۱۱۳	کافی [عنوان سوره فاتحه]
ware	۷۵	کالا
commodity	۵۰۲	
perfect	۱۱،۱۰۳	کالبد ← جسم کامل (قرآنی)
whole	۷،۸۷	
adept	۱۰۳	
immanent	۹۵	کامن
null (and void)	۶۱	کان لم یکن (حق)
soothsayer	۷،۳۸،۴۵،۸۴،۸۵،۸۷،۱۱۳	کاوین ← کابین کاهن (قرآنی)

sorceress	۸۰، ۴	کاهنه
creatures; existances; the universe; beings	۳۱	کاینات
extant beings	۵۲	
great sins	کاینات جو (علم) آثار علوی کبائر [کبائر الاثم] (قرآنی) (نیز) ۷، ۸۰، ۲	کبیره
grave sins	۸۰ - ۴	
major sins	۹۰	
elders; great men; majors	۱۲۰	کیار
trouble	۱۰۰	کبد (قرآنی)
affliction	۸۰، ۸۷	
pride	۴۲، ۸۷	کبر (قرآنی) (نیز) ← تکبر؛
grandness	۷۹	استکبار
haughtiness	۴۲	
old age	۷، ۸۷	کبر (قرآنی) [= پیری]
magnanimity	۴۲	کبر نفس
major (premise)	۴۲، ۹۴، ۹۵، ۹۷	کبری (منط.)
majesty	۸۷، ۹۰، ۱۰۳، ۱۱۸، ۱۱۹	کبریاء (قرآنی)
greatness	۷	
domination	۱۰۰	
sovereignty	۳۴	
brimstone	۲۲، ۸۰	کبریایی
red brimstone	۲۲، ۸۰	کبریت
philosopher's stone	۲۱، ۱۲۰	کبریت احمر
brimstone of the sea	۸۰-۵	
bright red brimstone	۸۰-۵	کبریت بحری
brimstone of the bleachers	۸۰-۵	کبریت قانیء
incombustible sulphur	۸۰-۵	کبریت قصارین
		کبریت لاحترق

brimstone of the river	۸۰-۵	کبریت نہری
carrier - pigeon	۱۲۰	کبوتر نامہ بر (قاصد)
The Great	۷.۴۲.۴۵.۸۰.۸۷.۱۰۴.۱۱۰	کبیر [الكبير] (اسم الہی) (قرآنی)
All-great	۱۰۰	
grave sin	۹۳	کبیرہ [گناہ کبیرہ] (نیز ← کبائر)
great sin	۱۰۶	
cardinal sin	۴۲	
deadly sin	۱۴	
mortal sin	۳۱	
leap year	۳۷	کبیسہ [سال کبیسہ]
scripture	۶۴.۸۷.۹۹	کتاب [قرآنی]
book	۷.۱۲.۱۳.۴۲.۱۰۰	
time prescribed	۸۷	
revealed book	۱۲	کتاب آسمانی
Book of God	۴	کتاب خدا
manuscript	۱۲۰	کتاب خطی
prayer-book	۱۲۰	کتاب دعا
dictionary; lexicon	۱۲۰	کتاب لغت [= فرهنگ]
The manifest book (The Quran)	۴۲	کتاب مبین
holy book; holy writ	۱۱	کتاب مقدس
holy scripture	۴۲	
Bible	۴۳	
Categories	۹۹	کتاب مقولات (منط.)
The People of the Book	۳۸	اہل کتاب.
scripturary	۳۷	
secretaries	۸۰-۴	کُتّاب
secretarial art	۲۶.۸۰	کتابت (نیز ← کاتب ؛ کتب ؛ خطاطی)
calligraphy	۶۹	

writing	۱۰۴	
deed of manumission	۲۸	
library	۱۲۰	کتابت (فقه.)
librarian	۱۲۰	کتابخانه [= کُتبخانه]
librarianship	پ	کتابدار
book seller	۱۲۰	کتابداری
inscription; epigraph	۱۲۰	کتابفروش
bibliography	پ	کتابه
flax; linen	۱۲۱	کتابنامه
heretical books	۶۱	کتان
canonical works	۴۲	کتب ضلال
shoulder; shoulder-blade	۱۲۰	کتب فقه
concealment		کتف
	۶۳، ۸۰	کتمان [مشتقات این کلمه در قرآن
		مجید به کار رفته است.]
disguise	۴۵	
concealment of a testify	۶۳	کتمان شهادت
arcane	۲۷	کتمانیه [نوعی تقیه]
inscription	۷۸، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۹	کتیبه (نیز ← سنگ نبشته)
epigraph	۷۸	
cornice	۱۲۹	کتیبه [= قرنیز] (معم.)
fan-light ; skylight window	۱۲۹	کتیبه [= خفنگ] (معم.)
opaqueness	۵۹	
porosity	۱۰۷	کثافه
plenty	۸۷	
multiplicity	۶۹، ۹۲، ۱۰۲، ۱۰۸، ۱۱۱	کثرت (قرآنی)
abundance	۷	
plurality	۶۹، ۹۵، ۱۰۴، ۱۰۵	
manifoldness	۹۹	
in frequent use	۸۰ - ۵	

polygon; multilateral	۱۲۰	کثیر الاضلاع
litter	۴۷	کجاوه
travelling box	۱۱۴	
camel litters	۹۹	
oculist	۸۰	کحال
ophthalmology	۱۲۰	کحالی
antimony	۵۲.۸۰-۵	کحل (نیز ← الكل)
collyrium	۵۵	کحل بصر
village headman	۶۸	کدخدا
warden	۱۱۴	
steward	۸۰	
impurity	۵۹.۹۰	کدورت (تصد.)
annoyance	۴	
manual labour	۱۲۰	کدّ یمین
thus; such; like this	۱۲۰	کذا
liar	۷.۳۱.۹۹	کذاب (قرآنی)
lie; lying	۷.۸۷	کِذاب (قرآنی)
so and so	۳۱	کذا و کذا
false	۴۰.۱۰۵	کذب
falsity	۹۵.۱۰۲	
falsehood	۵۳	
Kur (384 liters) [water]	۲۰	کُر [آب کر.]
noble writers	۱۰۰	کرام الکاتبین [قرآنی = کراماً کاتبین]

۷

honorable recorders	کرامت [۱. عمل خارق العاده ۴.۴۵.۸۰.۹۰.۱۰۱
1. miracle [of a saints]	ومعجزه آسای اولیاء و بعضی ۹۰.۱۰۶
2. grace	مرتاضان؛ ۲. کرم و مکرمات] (نیز ۹۵.۱۱۷
2. dignity	← استدراج؛ خارق عادت؛ معجزه) ۲
2. bounty	

2. sign of grace	۱۴	
2. favour	۹۰	
2. act of divine grace	۹۹	
1. miraculous deed	۶۸	
1. extra ordinary act	۸۰-۴	
charisms	۱۱۰	
endowment	۱۰۹	
disgust; dislike; loathe	۱۲۱	کراهت / کراهیت
cacemphaton	۱۲۸	کراهت در سمع (بع.)
rent; hire	۱۲۰	کرایه
affliction	۸۷	کَرْب (قرآنی)
calico	۱۲۹	کرباس
canvas	۱۲۰، ۱۲۹	
Kerbela	۴۳، ۹۱	
Karbala	۴۳	کربلا
		کرت ← اقربطش
		کردوبا ← قرطبه
The Maker	۱۰۳	کردگار
The Throne	۴۵، ۸۷، ۱۰۰، ۱۰۷	کرسی (قرآنی) (نیز ← عرش)
The Divine Seat	۸۰، ۹۹	
The Chair	۲۴	
generosity	۵۲، ۸۰، ۹۰، ۱۱۸، ۱۱۹	کرم (نیز ← کرامت ؛ کریم)
magnificence	۵۷	
beneficence	۴	
nobility	۹۹	
loving kindness of God	۱۰۳	
Cherubim	۲۱، ۱۰۳	کرم الهی
archangels	۲۲	کروبیان (نیز ← فرشته، ملک)
attack and withdrawal	۹۹	کَر و فرّ [= جنگ و گریز]

sphere	۳۶.۷۴.۸۰	
globe	۷۴.۸۰	
celestial sphere	۳۶	کُرہ آسمان (نجم.)
sphere of the Earth	۷۴	کُرہ زمین (جغ.)
terrestrial globe	۷۴	کُرہ جغرافیائی
the globe mounted on a stand	۸۰-۵	کُرہ ذات الكرسي
celestial sphere	۷۴	کُرہ عالم
The Generous	۴۲.۴۵.۸۰.۹۵.۱۰۳	کریم [الکریم] (اسم الہی) (قرآنی)
All-generous	۱۰۰	
The All-Good	۴۲	
Benevolent	۱	
noble-minded; of a generous soul	۳۱	کریم النفس
of a hospitable disposition; of a kind disposition	۲۵	
a single piece garment	۶۷	کسا
lazies	۱۰۰	کَسَالِي (قرآنی) [جمع کَسْلان = کسل]
slackness	۷	کساد (قرآنی)
depression	۶۱	کسادى
acquisition	۲۸.۵۷.۸۰.۹۵	کسب (کل.)
occasionalism	پ	
gainful occupation	۹۹	کسب (نیز ← مکاسب)
tradesmen	۱۲۰	کسبه [جمع کاسب]
fraction	۸۰-۴	کسر (رض.)
deaf fraction	۸۰-۴	کسر اصم
subdivided fraction	۸۰-۴	کسر مبعض
disjunct fraction	۸۰-۴	کسر مختلف
excepted fraction	۸۰-۴	کسر مستثنی

open fraction	۸۰-۴	کسر مفتوح
simple or ordinary fraction	۸۰-۴	کسر مفرد
fraction of relationship	۸۰-۴	کسر منتسب
pronounceable fraction	۸۰-۴	کسر مُنطق
Chosroe	۱۲۰	کسری [= خسرو]
eclipse	۳۶، ۸۰، ۱۰۹	کسوف
eclipse of the sun	۸۰-۵	کسوف الشمس
eclipse of the moon	۸۰-۵	کسوف القمر
partial eclipse	۳۶	کسوف جزئی
vesture	۱۱۵	کسوه [پوشش کعبه]
curtain	۸۰-۴	
murder	۴	کشتن (نیز ← قتل)
Ark of Noah	۴۲، ۱۰۳	کشتی نوح
discovery	۴۲، ۹۵	کشف
reveal	۱۱۸، ۱۱۹	
uncover	۴۵	
unveiling	۴۲	
revelation	۲۸، ۹۹	کشف (عرف.)
inward revelation; intuition; vision	۴۲	
intuitive knowledge	۲۲	
ecstatic experience	۳۴	
index of Quranic verses	۴۲	کشف الآيات
unveiling of mysteries	۱۸	کشف الاسرار
revelation of concealed matters	۴۵	کشف المحجوب
imaginal perception of reality	۸۰-۴	کشف صُوری
removing the evil	۷	کشف ضُرّ (قرآنی)
		[= کشف سوء = بلاگرداندن]
intellectual intuition	۱۳	کشف و شهود (نیز ← مکاشفه)
intuition	۱۱۵	

revelation and insight	۱۰۸	کشف و عیان
begger's bowl	۸۰-۴	کشکول
anthology, miscellany	پ	
		کشیش ← قسّیس
guard house	۱۱۴	کشیک خانہ
suppression of anger	۱۰۳	کظم غیظ [نیز ← الکاظمین الغیظ]
suppressing (anger)	۸۷	کظیم (قرآنی)
cube	۲۸	کعب (رض.)
kaaba; Kabah	۴۳، ۸۷	کعبہ (قرآنی)
Caaba	پ	
expiation	۴۲، ۴۵، ۸۷، ۱۰۰	کفارہ (قرآنی)
atonement	۴۲، ۴۵	
religious expiation	۸۵	
ransom	۶۴	
atone	۶۴	کفارہ دادن
suretyship	۸۵	کفالت
pledge	۴۵	
bail	۶۱	
sufficiency; thrift	۲۵	کفایت
competence	۹۹	
social equality (of the spouses in marriage)	۸۶	کفایہ (فقہ) [کُفُو بودن یعنی همپایہ اجتماعی بودن زن و شوهر]
disbelief	۷، ۶۴، ۸۷، ۱۱۸	کفر (قرآنی) [نیز ← ارتداد؛ الحاد؛ شُرک]
unbelief	۴۵، ۴۷، ۸۰	
infidelity	۶۴، ۱۱۸	
blasphemy	۱۴، ۳۸، ۱۱۳	
atheism	۲۹	
neither recognising nor ack-	۴۵	کفر الانکار

nowledging God		
recognising God, but not acknowledging Him with words	۴۵	کفر الجحود
recognising God and acknowledging Him with words- but remaining unbeliever	۴۵	کفر المعانده
ingratitude [for a favour]	۱،۸۱،۱۰۳	کفر نعمت
unthankfulness	۱۰۰	کفران (قرآنی)
rejection	۶۴	
utter blasphemy	۱۴	کفر گفتن
shoe - holder	۷۳	کفشدار (شغل و منصبی در مشاهد
		مشرّفه)
shroud	۲،۲۰،۴۲	کفن (فق.)
shrouding	۲۰	کفن کردن
clad in shroud	۲	
ungrateful	۷،۹۹،۱۱۲	کفور (قرآنی)
unthankful	۱۰۰	
denying	۷	کفور (قرآنی)
guarantor	۴۷،۸۵	کفیل (قرآنی)
surety	۷،۸۰،۸۵،۸۷	
acting	۶۱	
stand bail; go bail	۶۱	کفیل شدن
whole	۹۷،۱۰۳،۱۰۴،۱۰۵	کلّ (قرآنی)
all	۷،۸۷،۹۵	
burden	۷،۸۷	کلّ (قرآنی) [= سربار]
indirect heirs	۱۰۰،۱۱۲	کلاله (قرآنی) (فق.)
distant heir	۸۷	
utterance	۱۰۰	کلام (قرآنی)
speech	۴۵،۵۶،۹۰،۱۰۸،۱۱۰	

discourse	۱۲۸	کلام (بع.)
theology	۴۵.۵۴.۸۰.۸۱.۹۶	کلام اسلامی [= الهیات]
scholastic theology	۴۵.۴۷.۸۰.۹۳	
Islamic theology	۶	
speculative theology	۹۹	
systematic theology	۴۵	
dogmatic theology	۴۷	
The Word of God	۳۸	کلام الله
Word of Allah	۸۷	
The Speech of God	۸۸.۱۰۱	
uncreated word of God	۸۰	کلام الله غير مخلوق
discourse of the soul	۸۰	کلام النفس
speech of the mind	۱۰۸	
holy words	۱۰۳	کلام پاك
uttered speech	۱۰	کلام لفظی
primary word; prime word ;	۱۲۸	کلام جامد (دسـ.)
simple word		
pompous speech; bombastic	۱۲۸	کلام فارغ (بع.)
speech; inflated speech		
speech of the soul	۱۰	کلام نفسانی [= کلامِ نفسی]
logos	۴۲	
theologian	۳۴	کلامی
hat; cap	۱۲۰	کلاه
helmet	۸۴	کلاه خود
legal trick	۶۱	کلاه شرعی (حقـ.)
pavilion	۱۲۹	کلاه فرنگی (معمـ.)
Canis Minor	۳۶	کلب اصغر (نجـ.)
Canis Major	۳۶	کلب اکبر (نجـ.)
affliction's cell of gloom	۵۵	کلبهٔ احزان

Cynics	۴۲	کلبیون
Chaldaeans	۲۶.۴۲.۹۹	کلدانیان [کلدانیین، کلدیان]
good words	۷.۸۷	اَلْکَلِمُ الطَّیْب (قرآنی)
word	۱۱.۴۲.۹۵.۹۶	کلمه
logos	۳۴.۴۵.۹۳	
high word	۱۱	کلمه اعلیٰ
word of Allah	۷.۸۷	کلمه الله (قرآنی)
Divine word; Logos	۴۴	
bad saying	۸۷	کلمه خبیثه (قرآنی)
attestation of faith	۱۴	کلمه شهادت
goodly saying	۸۳.۸۷	کلمه طیبه (قرآنی)
universal	۱۱.۹۲.۹۷.۱۰۵.۱۱۱	کلی (منط.)
general term	۷۱	
physical universal	۹۷	کلی طبیعی (منط.)
accidental universal	۹۷	کلی عرضی (منط.)
mental (metaphysical) universal	۹۷	کلی عقلی (منط.)
co-extensive universal	۹۷	کلی متساوی (منط.)
logical universal	۹۷	کلی منطقی (منط.)
general principles	۶۱	کلیات (حق.)
universals	۱۱.۱۰۲.۱۰۳.۱۰۴	کلیات (منط.)
universal ideas	۸۰-۵	
The Five universals	۱۰۲	کلیات خمس
true dicta	۱۰۴	کلیات صادق
abstract universals	۱۰۴	کلیات مجرد
universality	۱۶.۹۷.۱۰۲	کلیت
totality	۴۰	
generalization; universalization	۱۶	
key	۱۲۰.۱۲۹	کلید
interlocutor	۲.۵۲	کلیم

conversor	۳۸	
The Interlocutor of Allah	کلیم الله [لقب حضرت موسی ۲ (ع) است]	
The Conversor with God	۳۸	
Judaism	۱۲	کلیمی [مذهب] [= یهودیت]
quantity	۴۲، ۵۶، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۸	کم [مقدار (نیز ← کمیت)]
mathematical quantity	۱۰۲	کم تعلیمی
continuous quantity	۴۲، ۱۰۲	کم متصل
discrete quantity	۱۰۲	کم منفصل
perfection	۴، ۴۵، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶	کمال
completion	۵۶	
entelechy	۸۰	
absolute perfection; supreme perfection	۲۹	کمال مطلق
bow	۱۲۰	کمان (نیز ← قوس)
short weight	۷۵	کم فروشی کردن (نیز ← مطففین)
subsidy	۷۵	کمک مالی (نیز ← قرض الحسنه؛ تعاون)
latency	۱۰، ۸۰، ۹۳	کُمون (کل.)
immanence	۹۵	
latent properties of things	۹۳	
hiding and appearing	۱۰	کُمون و ظهور
quantitative	۴۲	کَمّی
quantity	۴۲، ۹۲، ۹۵، ۹۷، ۱۰۶، ۱۰۷	کمیت (نیز ← کم)
continuous quantity	۴۲، ۹۲	کمیت متصل
allusion	۴، ۸۵	کنایه
implicit declaration	۸۵	
metonymy	۸۰-۵	
invendo	۲۶-۱	
kenning	۱۲۸	کنایه (بع.)

devotion's niche	۵۲	کنج عبادت
carving; engraving	۷۸	کنده کاری (هند.)
treasure	۷، ۸۷	کنز (قرآنی) [این کلمه معرب گنج فارسی است]
the secret treasure	۴۲	کنزالمخفی (تص.)
synagogue	۳۴	کنشت (نیز ← کنیسه)
Canaan	۳۸، ۹۹	کنعان
protection	۱۱۸	کَنَفْ
Be! and it is	۸۷، ۱۰۰	کن فیکون (قرآنی) [= بشو، پس می شود؛ باش، پس می باشد]
empyrean cupola	۵۵	کنگره عرش (نیز ← عرش)
essence	۱۱، ۱۱۸، ۱۱۹	کُنه
the inmost center	۷۹	
innermost core	۹۷	کُنه ذات
slave-girl	۱۰۹	کنیز (نیز ← فتيات؛ ملك يمين)
handmaiden	۱۴، ۱۰۳	
serving wench	۱۴	
slave-maid	۲	
synagogue	۴۲، ۴۵، ۸۰	کنیسه [معرب کنشت است] (نیز ← کنشت؛ بيع)
jewish synagogue	۳۸	
church	۴۵، ۸۰	
temple	۸۰-۴	
patronymic	۸۰-۵	
nickname	۲۶-۲	کُنيه
surname	۶۷	
father - name	۹۱	
door knocker	۱۲۹	کوبه در
		کوپروس ← قبرس

Abundance	۶۴، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰، ۱۱۲	کوثر [سوره]
The Heavenly Fountain	۷	
dullness	۴	کودنی
cosmological cycle	۴۰	کُور
		کوردوبا ے قرطبه
Cyrus		کورش [بعضی از محققان مراد از ۲۶-۱ ذوالقرنین را در قرآن مجید، همان کورش می‌دانند]
Fornax	۳۵	کوره (نج.)
furnace	۱۲۹	کوره ذوب فلز
vase	۱۲۹	کوزه
pavilion	۲۱، ۸۰	کوشک
grange	۱۲۹	
Kûfi	۱۱۵	کوفی [خط]
interlaced Kûfi	۱۱۵	کوفی تزئینی
rectangular Kufi	۱۱۵	کوفی مربع
floriate Kufi	۱۱۵	کوفی مشجر [کوفی مورق]
Kufi with interlacing shafts	۱۱۵	کوفی موشح و مشبک
		کوفی مورق ے کوفی مشجر
star	۶، ۷، ۸۷	کوکب (قرآنی)
shining star	۷، ۸۷	کوکب دُرّی (قرآنی)
glittering star	۶	
generation	۱۱، ۶۹، ۱۱۱، ۱۱۷	کُون [حدوث]
existence	۵۲، ۵۳، ۱۲۰	
creation	۵۳، ۹۰	
being	۵۳، ۶۹، ۱۲۰	
cosmos	۹۵، ۱۱۷	
coming-into-being; making	۱۱	
phenomena	۹۰	

phenomenal world	۲۱	
mode	۹۳	کُون (فلـ)
primal being	۶۹	کُون اوّل
secondary being	۶۹	کُون ثانی
world of distinction	۱۱	کُون مبانیّت
world of dissembling	۱۱	کُون مشابہت
generation and corruption	۱۱، ۸۰، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵	کُون و فساد
generation and destruction;	۱۱	
making and unmaking; becoming		
and perishing; coming - into -		
being and passing away		
becoming and decaying	۴۵	
time and space	۳۴	کون و مکان
the universe	۳۱	
both worlds; both kind of being	۳۱	
mountain	۱۲۰	کونین
Mount Sinai	۴۳	کوه
Zion; Sion	۴۳	کوه سینا
divination	۴۲، ۸۰	کوه صهیون (نیز ← صهیونیسم)
		کھانت (نیز ← علم احکام نجوم؛ علم اختیارات؛ علم اختلاج؛ علم استنباط المعادن؛ علم اکتاف؛ علم تعلق القلب؛ علم رقیه؛ علم رمل؛ علم جفر؛ علم ریافه؛ علم طیره؛ عرافه؛ علم عزائم؛ علم فراست؛ علم قیافه البشر؛ علم نزول الغیث؛ (نیز ← کاهن، کاهنه)
soothsaying	۱، ۹۹	
fortune telling	۴۲	

amber	۵۲.۸۰.۱۲۰	کهربا
yellow amber	۸۰-۴	
The Cave	۷.۸۷.۱۰۰	کهف [سوره]
Cavern	۹۵	
galaxy	۳۶	کهکشان (نجم.)
Mecca way galaxy	۷۴	کهکشان راه مکه (نجم.)
galactic	۳۶	کهشکائی (نجم.)
middle age	۴۵	کهولت
burn (ing) ; brand	۱۲۱	کئی [= داغ]
sagacity	۲۵	کیاست
guile	۸۷.۱۰۰	کید (قرآنی) (نیز ← مکر)
plan	۸۷	
religion	۴	کیش
quality	۱۱.۴۲.۵۶.۹۷.۱۰۲.۱۰۵	کیف [کیفیت] (کل.)
modality	۹۰	
quale	۹۷	
affective quality	۱۰۲	کیف انفعالی
quality by accident	۱۰۲	کیف بالعرض
quality by essence	۱۰۲	کیف بالذات
active quality	۱۰۲	کیف فعلی
sensible quality	۱۰۲	کیف محسوس
audible quality	۱۰۲	کیف مسموع
mental quality	۱۰۲	کیف نفسانی
quality and quantity	۱۳	کیف و کم
penalty; punishment	۶۲	کیفر
retribution	۱۶	
qualitative	۱۱	کیفی
		کیفیت ← کیف
primary quality	۱۱	کیفیت اولی

secondary quality	۱۱	کیفیت ثانوی
measure and weight	۷.۸۷	کیل (قرآنی) (نیز ← مکیال؛ مکیل)
alchemy	۴۲.۹۹.۱۰۳	کیما (نیز ← اکسیر)
elixir	۱۰۳	
grudge	۶۱.۹۹	
malevolence; animosity	۴	کینه
malice	۲	
Saturn	۱۰۳	کیوان (نج.) [= زُحَل]
cosmos	۱۱	کیهان
cosmic	۴۴	کیهانی

گ

washman	۱۸	گازر
cow	۱۲۰	گاو
calendar	۱۳	گاهشماری
fire-worshipper	۱۰۳	گبر (نیز ← زردشتی)
Zoroastrian	۱۴	
Gueber	۳۴	
plasterer; stucco maker	۷۸.۱۲۹	گچبر (هند.)
compo; moulding; plaster work	۷۸.۱۲۹	گچبری
stucco relief	۷۸	گچبری برجسته
stucco decoration	۷۸.۱۱۵	گچکاری
plaster works	۱۲۹	
chiselled plasterwork	۷۸	
beggar	۱۲۰	گچکاری برجسته
		گدا (نیز ← تکدی)

forgiveness	۲۹	گذشت (نیز ← عفو، غفران)
forbearance	۱۵	
		گرانادا ← غرناطه
Georgia	۴۲	گرجستان
bath; bath house	۱۲۰	گرمابه
warm climate	۱۲۰	گرمسیر
tropical country		
pledge	۶۴	گرو [رهان] (نیز ← رهن؛ رهان)
hostage; pledge	۱۲۰	گروگان
put in pledge	۶۱	گرو گذاشتن
knot work	۱۱۶	گره بندی (جل.)
fret work	۱۱۶	گره سازی (جل.)
ell	۱۹	گز [واحد طول]
		گزاره ← قضیه
flower	۱۲۰	گل
rose-water	۱۲۰	گلاب
floral arabesque	۱۱۵	گل اسلیمی (هند.)
green house	۱۲۹	گلخانه
lantern	۱۲۹	گلدسته
embroidery	۷۸.۱۱۶	گلدوزی (هند.)
rose	۱۲۰	گل گلاب [= گل محمدی]
woolen garment	۲۱	گلیم
doubt	۱۰۳	گمان (نیز ← شك؛ تردید؛ تخمین)
opinion	۹۲	
trial hole	۱۲۹	گمانه [چاه آزمایشی]
astray	۶۱.۱۰۳	گمراه (نیز ← ضال)
one whose way is lost	۱۰۳	
misguided	۶	
go astray	۹.۸۷	گمراه شدن

get astray	۲	
mislead	۸۷	گمراه کردن
lead astray	۹.۱۰۰	
misleading	۲	گمراهی [ضلال]
error manifest	۸۷	گمراهی آشکار [ضلال مبین]
customs; custom-duties	۱۲۰	گمرک
sin	۳۱.۴۲.۸۰.۱۰۰	گناه
crime	۳۱	
vice	۴۲	
inward sin	۱۰۰	گناه باطن
original sin	۲۷	گناه جبلی [این مفهوم بیشتر در کلام مسیحی مطرح است، ولی طبعاً در کلام تطبیقی به آن اشاره می شود]
lesser sin	۸۰-۴	گناه صغیره (نیز ← صفائر)
outward sin	۱۰۰	گناه ظاهر
heinous sin	۱۰۰	گناه کبیره (نیز ← کبائر)
mortal sin	۴۵	
capital sin	۹۹	
grave sin	۵۷	
cardinal sin	۴۲	
great sin	۴	
sinful	۴۲.۸۷	گناهکار
sinner; culprit; criminal	۳۱	
sinfulness	۴۲	گناهکاری
dome	۳۱.۱۱۵.۱۲۹	گنبد (معم.) (نیز ← قبه)
cupola	۳۱.۱۱۵.۱۲۹	
vault	۳۱	
vault of heaven	۳۱	گنبد ازرق [= آسمان]

pendentive dome	۱۲۹	گنبد آویخته (معمد.)
spherical dome	۱۲۹	گنبد دور تمام (معمد.)
treasure	۱۰۳	گنج (نیز ← کنز)
cabinet; cupboard; wardrobe	۱۲۹	گنجه (معمد.)
wheat	۱۲۰	گندم (فقد.)
witness	۱۲۰	گواه
bear witness	۶۱	گواهی دادن (نیز شاهد، شهادت)
testify	۲۹	
stand witness	۲	
certificate	۶۱	گواهینامه
grave; tomb	۱۲۰	گور
recharge basin	۱۲۹	گور آب [تالاب]
cemetery; grave-yard	۱۲۰	گورستان
flesh of the swine	۱۰۰	گوشت خوک [= لحم الخنزیر]
swineflesh	۸۷	
ear-ring	۱۲۰	گوشواره
corner	۱۱۶	گوشه
melody	۶۶	گوشه (مسد.)
substance	۹۲، ۱۱۱	گوهر [جوهر] (فلد.)
essence	۸۰-۴	
jewel	۱۰۳	گوهر (نیز ← احجار کریمه؛ جواهر)
cradle	۱۲۰	گهواره
vegetable	۱۲۰	گیاه (نیز ← نبات)

ل

agnostic	۱۱	لاادری
agnosticism	۱۱، ۹۵، ۱۱۷	لاادریه [= لاادریگری]
there is no god except (save , ۶، ۷، ۲۱، ۸۷، ۱۰۳ but) Allah		لااله الا الله (قرآنی)
blamer	۸۷	لائم (قرآنی) (نیز ← نفس لوّامه)
censurer	۷	
supplication	۱۰۳	لا به
innumerable	۳۱	لا تُعَدُّ ولا تُحصى [= بیشمار]
indetermination	۹۵	لا تعین (نیز ← تعین)
assuredly	۸۷	لا جرم (قرآنی)
inevitably	۴۴	
lapis lazuli; azure	۳۱	لاجورد
There is neither might nor strength but in God	۱۲۰	لا حول و لا قوة الا بالله
intransitive	۶۵	لازم (دس.) (مق. متعدی)
implicate; adherent	۹۷، ۹۸	لازم (منط.)
irrevocable	۳۹، ۴۵	لازم [مق. جایز] (فق.)
indispensable	۸۰-۵	
binding	۶۱، ۸۵	
inherent	۹۵	
necessary and sufficient	۱۱	لازم و کافی
correlative; interdependent	۴۲	لازم و ملزم [= لازم و ملزوم]
unconscious	۹۵	لا شعور
nothing	۴۶	لاشیء

non-thing	۱۰۲	
In Islam there is no injury or malicious damage	۸۰-۴	لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام
absurd; useless	۳۱	لا طائل
remediless helpless; hopeless	۱۲۰	لا علاج
Careless	۱۲۰	لا قید (نیز ← لا ابالی)
shellack solution	۷۸	لاک و الکل (هند.)
acosmism	۹۵	لا کوئیت [= انکار وجود ماسوی الله]
dumb	۱۲۰	لال
tulip	۱۲۰	لاله
immaterialism	۹۵	لامادیّت
heterogeneous	۹۵	لامتجانس
indiscernible	۹۵	لامتمیز
endless	۵۹	لامتناهی (نیز ← لایتناهی)
infinite	۹۵	
without fail	۸۱	لامحاله
irreligious	۱۲۰	لامذهب
irreligion	۱۲۰	لامذهبی
having been preceded by nothing else	۸۰-۵	لامسبقه بالغیر
touch; sense of feeling	۳۱	لامسه (نیز ← حس لامسه)
non-space; quarter where place does not exist; realm where place is not; noplac	۱۰۳	لامکان
undivided	۹۵	لامنقسم
non-existent	۱۰۲	لاموجود
infinite	۴۲	لانهایه
infinity	۱۱۰	
non-being	۱۱۰۹۵	لا وجود (نیز ← عدم)
non-existence	۱۰۲	

Divine nature	۲۲،۸۰-۳	لا هوت [مقد. ناسوت]
Divinity	۴۲،۸۰-۵	
Divine world	۱۰۲	
world of Divine Essence	۸۰-۲	
metaphysical	۱۱	لا هوتی
divine	۴۴	
indivisible	۱۲۰	لا یتجزی (نیز ← جزء لا یتجزی)
immutable	۴۴	لا یتغیر
ad infinitum	۹۰	لا یتناهی (نیز ← لامتناهی)
prohibited	۳۱	لا یجوز
act; bill	۳۱، ۱۲۰	لا یحه
everlasting	۱۰۳، ۱۰۵	لا یزال (غالباً وصف خداوند است)
immortal; eternal	۴۲	
unintelligible	۱۰۴	لا یعقل
worthy; decent; qualified	۳۱	لایق
illegible	۱۲۰	لا یُقرء [ناخوانا]
everliving	۱۱	لا یموت (قرآنی) (وصف خداوند است)
cloak for rain; quilted cloak; pelisse; wrapper	۳۱	لباده
clothing	۷	لباس (قرآنی)
raiment of restraint from evil	۸۷	لباس التقوی (قرآنی)
Lebanon	۴۳	لبنان
dairy products	۱۲۰	لبنیات
Here am I	۱۰۳	لیک [لیک گفتن را در فقه - باب ۱۰۳ اعمال حج - تلبیه گویند] (نیز ← تلبیه)
at Thy service!	۸۴	
Thy will be done!	۲۱	

quarrelsomeness	۶۹	لجاج (اخذ.)
corner piece	۱۱۶	لچك [لچكى] (جلد.)
gable	۱۲۹	لچكى (معمد.)
pendentive	۱۱۵، ۱۲۹	
quilt	۱۲۰	لحاف
meat	۸۷	لحم (قرآنى)
flesh	۷	
swineflesh	۸۷	لحم الخنزير (قرآنى)
flesh of of swine	۷	
flesh of fowl (s)	۷، ۸۷	لحم طير (قرآنى)
tenor	۲۷	لحن (قرآنى)
errors of language made by the common people	۸۰-۵	لحن العامه
solder	۱۲۹	لحيم [= جوش]
brazing	۱۲۹	لحيم كارى
soldering	۷۸	
beard	۷، ۸۷	لحيه (قرآنى)
inspired	۳۱	لذنى (نيز ← علم لذنى)
as occasion arises	۶۱	لدى الاقتضا؛ (حق.)
to his essence	۱۰۸	لذاته
being for itself	۹۵	
for itself ; fur sich	۱۱	
delight	۱۰۰	لذت (قرآنى)
eternal pleasure	۱۰۴	لذت سرمدى
hedonism	۱۱	لذتگرایی
seismograph	۷۴	لرزه نگار [= زلزله سنج]
viscosity	۱۲۹	لزجى [= چسبندگى]
essentialness	۱۱	لزوم (نيز ← لازم)
completion	۸۰-۴	

لطف کردن ۵۰۱

implication	۹۸	لزوم (منط.)
adhesion	۹۷	
complete implication	۹۸	لزوم تام
incomplete implication	۹۸	لزوم غیر تام
dificient implication	۹۸	لزوم ناقص
language	۸۷	لسان (قرآنی)
tongue	۵۵، ۱۱۸، ۱۱۹	
mute eloquence	۱۸	لسان الحال
theological language	۱۰۴	لسان الشرع
The Tongue of the Unseen	۵۵	لسان الغیب [در ابتدا صفت دیوان حافظ بوده و سپس به صورت لقبی برای خود او در آمده است.]
the mystic tongue	۳۱	
grace	۱۱، ۸۱، ۹۰، ۹۵، ۱۰۱، ۱۰۳	لطایف ← لطائف
favor	۸۰، ۹۰	لطف
favour	۹۰	
blessing	۲۹	
Divine grace	۴۴	
Divine favour	۸۰	لطف الهی
Divine compassion	۴۲	
grace of God	۱۰۳	لطف حق
hidden grace	۱۰۳	لطف خفی
God's grace	۱۰۳	لطف ربّ
Divine Mercy	۱۰۳	لطف سابق [= لطف ازلی ۱۰۳]
absolute mercy	۱۰۳	الهی
do a kindness	۱۰۳	لطف مطلق
		لطف کردن

All-Subtle	لطیف [اللطف] (اسم الہی) ۱۰۰ (قرآنی)
The Subtle	۴۵.۸۷
The Benevolent	۸۰
wit; witticism	۱۲۰ لطیفہ
enamel; frit	۱۲۹ لعاب [مینا؛ مینایی]
enamelled	۱۱۵ لعابی (ہند.)
imprecation	۳۹.۸۶ لعان (فقہ.) (نیز ← ظہار)
solemn malediction	۶۱ لعان (حقہ.)
play	۸۰.۸۷.۹۵ لعب (قرآنی) (نیز ← لہو و لعب)
game	۸۰-۴
ruby	۳۱.۱۲۰ لعل
imprecation	۴۲ لعن (قرآنی)
curse	۶۴.۸۷.۱۰۰
cursing	۸۰
curse	۷.۸۷ لعنت (قرآنی)
curse	۶.۸۷ لعن کردن
accursed	۱۰۳ لعین
word	۱۲۰ لغت
dictionary; lexicon	۱۲۰ لغتنامہ
enigma	۲۶.۲.۱۲۸ لغز [از انواع شعر] (نیز ← الغاز)
aenigma	۱۲۸
semantic riddles	۸۰-۴
idle talk	۱۰۰ لغو [سخن بیهودہ] (قرآنی)
inconsiderate speech	۲۵
vanity	۱۰۹
ineffective	۴۵ لغو [بیع]
nullify	۶۱ لغو کردن (حقہ.)
lexicographical	۸۰ لغوی

literal; philologist	۴۲	
utterance	۱۰.۹۱.۱۰۸	لفظ
term	۹۵	
expression; pronunciation	۸۰	
letter and spirit	۵۳	لفظ و معنی
in expression	۴۵	لفظی
doubly weak	۲۸	لفیف (دس-)
meeting	۷.۸۷	لقاء (قرآنی)
vision	۴۶	
countenance; meeting	۱۰.۳.۱۰.۹	
meeting of (with)	۷.۸۷	لقاء الله (قرآنی)
meeting Lord	۱۰.۹	
fecundation	۱۲۰.۱۲۱	لقاح
nickname; honorific title; familiar name; permanent title	۸۰	لقب [جمع مکسر این کلمه به صورت القاب در قرآن مجید به کار رفته است.]
appellation; title; surname	۴۲	
found property	۸۵	لُقْطَه (فق-.) (نیز ← لقیط)
an article found	۸۰-۵	
windfall	۲۰	
trove	۳۸	
breakfast	۱۲۰	لقمة الصباح
lawful food	۱۴	لقمة حلال
lowful morsel	۱۸	
foundling	۸۵	لَقِیْط (نیز ← لقطه)
twinkling of the eye	۷.۸۷	لمحة البصر (قرآنی) [= اللّمْح بالبصر] (نیز ← طرفة العين)
slanderer	۱۰۰	لُمَزَه (قرآنی) [= بد گو]
glimmering	۵۶	لَمَی ← برهان لمی

barren	۴۲	لَمْ يُزْرَع
uncreated	۱۰۵	لم یزل (غالباً وصف خداوند است) (نیز ← لایزال)
who has not been begotten	۱۰۰	لم یولد (قرآنی) (وصف خداوند)
The uncreatable	۱۱	
Thou shalt not see me	۱۰۰	لن ترانی [کلمه‌ای است قرآنی به
disappointing reply	۱۲۰	معنای «هرگز مرا نخواهی دید» ولی در عرف فارسی به معنای سخن نابجا و غیر منتظره و جواب سر بالا معروف شده است]
anchor	۱۲۰	لنگر
weight; moment; brake weight	۱۲۹	
lame; maimed	۱۲۰	لنگ
pearls	۷، ۸۷	لؤلؤ (قرآنی)
banner; standard	۳۸، ۸۰	لوا
flag	۸۰	
sodomy	۳، ۸۰-۵	لواط (نیز ← همجنس‌بازی ؛ لوطی)
buggery	۶۱	
[male] homosexuality	۲۲	
concomitants	۱۰۸	لوازم [لواحق]
squint-eyed	۱۲۰	لوچ (نیز ← احول)
stationary	۱۲۰	لوازم التحریر
tablet	۷، ۴۵، ۸۰، ۸۷، ۱۰۳، ۱۰۸	لوح [این کلمه به صورت مفرد فقط يك بار در ترکیب «لوح محفوظ» در قرآن به کار رفته و چهار بار به صورت جمع مکسر: الواح]

table	۱۱.۹۵.۱۰۳	
plate	۱۱۶	
board	۴۵	
slab	۱۲۹	لوح (معم.)
eternal table	۱۱	لوح ازل
book of fate	۳۷	لوح تقدیر
guarding tablet	۱۰۳	لوح حافظ
the page of not being	۳۴	لوح عدم
guarded tablet	۷.۵۹.۸۷.۱۰۰.۱۰۳.۱۱۲	لوح محفوظ (قرآنی)
Protected Table; Guarded Table;	۸۰	
Safely Preserved Tablet		
Protected Tablet	۲۲	
The Table and the Pen	۴۱.۸۰	
panel	۱۱۶	لوح و قلم
wooden covers	۸۰-۵	لوحة
Lot	۷.۴۵.۸۷.۱۰۰	لوط (ع) (نیز ← قوم لوط)
Loath	۴۵	
homosexual	پ	لوطی
bugger; rogue; pederast	۱۲۰	
reproachful (soul)	۱۱۲	لوامه [نفسِ لوامه] (نیز ← نفس)
pir; joint; hinge; articulation;	۱۲۹	لوامه
linkage point		لولا (معم.)
envelop flap	۱۱۶	لولا (جل.)
pipe layer; plumber	۱۲۹	لوله کش
pipng	۱۲۹	لوله کشی
gipsy-women; harlot	۱۲۰	لولی
blame	۸۷	لومه (قرآنی) [= ملامت] (نیز ←
		لائم؛ ملامت)

color [= colour]	٧.٨٧	لون (قرآنى)
The Flame	٧	لهب [سوره]
dialect	١٢٠	لهجه
diversion	٨٠.٩٥.١٠٠	لهو (قرآنى)
amusement	٨٠-٥	
idle talk	٨٧	
frivolity	٢١	
frivolous discourse	٧	لهو الحديث (قرآنى)
diversion and play	٨٠	لهو و لعب (قرآنى)
sport and play	٧.٥٢	
playing and toying	٣١	
sensuality; libidinous pleasures	٢٥	
nonbeing	٩٣	لَيْسِيَّه (تص.)
The Night	٧.٨٧.٨٨.١٠٠	ليل [سوره]
		ليلة الاسراء ← اسراء؛ معراج
The Night of Clamour		ليلة التحرير [شب معروف جنگ ٤٢ صفين]
The Night of Power	٧.٣٨.١٠٠.١١٢	ليلة القدر (قرآنى)
Night of the Divine Decree	٤٥	
The Night of Worth	٨٩	
magic	٥٤	ليميا

م

return; journey's end	٨٧	مآب (قرآنى)
memorable deeds	١٢٠	مآثر

water of life	۱۲۰	ماء الحیات (آب حیات / آب ۱۲۰)
rain water	۳۸	زندگی ماء المطر [آب باران]
The Table	۸۸، ۱۰۰	مائه [سوره]
The Table Spread	۸۷	
Table Prepared	۸۰-۴	
flowing water	۷	ماء معین (قرآنی)
running water	۱۰۰، ۱۰۳	
metaphysics	۱۳، ۸۰، ۹۵، ۹۸	ما بعد الطبیعه
identifying factor	۱۰۲	ما به الاتفاق
distinguishing factor	۱۰۲	ما به الامتیاز
common aspect	۱۰۲	ما به الشریک
heirloom	۶۱	ماترک
what is left	۱۰۹	
mourning	۱۰۳	ماتم
The Noble	۸۰	ماجد [الماجد] (اسم الهی) (غیر ۸۰)
event; accident; adventure	۱۲۰	قرآنی
summary	۴۴	ماجرا
whatever is ready		ماحصل
		ماحضر
foster-mother	۱۲۰	ماخولیا ← مالیخولیا
inborn; congenital	۱۲۰	مادر رضاعی
matter	۵۶، ۹۳، ۹۵، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۱	مادرزاد
primal matter	۱۱	ماده اولی [هیولای اولی]
prime matter	۹۲	
chronogram	۱۲۸	ماده تاریخ [= گنجاندن تاریخ ۱۲۸]
		واقعه ای در یک عبارت یا غالباً
		شعر بر حسب حساب جمل

elemental matter	۱۱	مادہ عنصری
indeterminate matter	۱۱	مادہ غیر متعین
universal matter	۱۱	مادہ کلی
absolute matter	۱۱	مادہ مطلق
materialism	۱۱	مادہ گرایی
materiality	۱۱	مادیت
materialists	۴۵	مادیہ [= مادیون]
spiralloid	۱۱۵	مارپیچ (هند.)
		مارستان ← بیمارستان
apostate	۳۱	مارق
Maronites	۸۰-۳	مارونیہا
Mary the Copt	۴۲	ماریہ قبطیہ [از همسران پیامبر (ص)]
what is preceded	۶۱	ماسبق
surveyor	۸۰-۴	ماسح
what is other than Allah	۳۴	ماسوی اللہ
all other than God	۱۴	
«Other» things which hide God	۸۰-۳	
What Allah Wills	۶	ماشاء اللہ
past	۱۲۰	ماضی
Charity	۸۸، ۱۰۰، ۱۱۲	ماعون [سورہ]
Small Kindnesses	۸۷	
The Daily Necessaries	۷	
that which is past	۱۲۰	مافات
wealth	۷، ۱۸، ۸۰	مال (قرآنی) (نیز ← اموال)
commodity	۴۵	
rent	۱۲۰	مال الاجارہ
merchandise	۷۵	مال التجارہ
personal revenue	۸۰-۴	مال الخاص
worldly wealth	۱۸	مال دنیا

possessor	۱۱۴	مالك
landowner	۸۲-۵	
Master of the Kingdom	۷,۸۰,۱۰۰	مالك الملك (اسم الهی) (قرآنی)
Lord of Sovereignty	۲۲	
ownership	۱,۲۹,۶۱,۱۲۹	مالکیت
mastership	۱۱۳	
land tenure	۷۵	مالکیت ارضی
beneficial ownership	۶۱	مالکیت انتفاعی
private ownership	۲۹	مالکیت خصوصی
state ownership	۵-۲	مالکیت دولت
public ownership	۵-۲	مالکیت عمومی
private ownership	۵-۲	مالکیت فردی
legal ownership	۶۱	مالکیت قضایی
restricted ownership	۶۱	مالکیت محدود
double ownership	۵-۲	مالکیت مختلط
absolute ownership	۶۱	مالکیت مطلق
Master of the Day of Judgment	۷	مالك يوم الدين
Master of the Day of Doom	۱۰۰	
financial	۸	مالنخولیا ← مالیخولیا
tax	۷۵	مالی
poll-tax	۷۵,۸۰	مالیات
head tax; capitation tax	۷۵	مالیات سرانه
taxation; imposition	۷۵	
indirect taxes	۱۲۰	مالیات بندی
direct taxes	۱۲۰	مالیات غیر مستقیم
agent; employee	۱۲۰	مالیات مستقیم
the subject at hand	۱۲۰	مأمور
melancholy	۳۱	مانحن فيه
		مالیخولیا [در متون قدیم و جدید ۳۱

فارسی و عربی این کلمه که
همان بیماری سودا یا وسواس
سوداوی است، به صورت
ماخولیا و مالنخولیا و ملنخولیا به
کار رفته است. و معرب از اصل
یونانی است.]

melancholic

مالیخولیائی (نیز ← سودایی) پ

slave girls

ما ملکت ایمانکم [= ملک یمین] ۴۵

ماندائی ← مندائیه

The Tutelary Defender

مانع [المانع] (اسم الهی) ۸۰
(غیر قرآنی)

Withholder

۴۵

impediment

۱۰۴

مانع

hindrance

۱۱۴

mutually exclusive

۴۴

مانعة الجمع

Manichean; Mane's disciple

مانوی (کل.) (نیز ← زندیق؛ ۳۱
زندقه)

Manichaeism

۴۲

مانویّت (کل.)

Manichaeism

۹۵

supernature

پ

ماوراء الطبیعه

supernatural

پ

ماوراء الطبیعی

Transoxania

۲۱.۸۰.۹۹

ماوراء النهر

The Moon of Kanaan

۵۵

ماه کنعان [= یوسف (ع)]

essential

۱۱

ماهوی

quiddity

۴۵.۵۶.۸۰.۸۲.۹۵.۹۷.۱۰۳

ماهیت (منط.)

essence

۱۶.۸۲.۹۷.۱۱۱

essential substance

۱۰۳

unchanging essence

ماهیت ثابتہ (نیز ← اعیان ۴۴

ثابتہ)

quiddity of a contingent thing	۵۶	ماہیت ممکن
essentialism	۱۱	ماہیت گرایی [= اصالت ماہیت]
possessions	۶۱	ما یملک
Magog	۷	مأجوج (قرآنی) [نیز ← یأجوج و
		مأجوج]
rewarded by God	۱۲	مأجور
source	۴۰	مأخذ
minaret	۴۹۹	مأذنه
authorized	۴۲	مأذون
a slave who has been given	۸۵	
permission to trade		
licenced to teach	۴۵	مأذون [در فرقہ اسماعیلیہ]
licenced to preach	۸۰	
usual; customary; habitual	۱۲۰	مألوف
place of security	۱۰۰	مأمن (قرآنی)
safe place	۸۰	
place of refuge and security	۱۲	
follower	۲۰	مأموم (نیز ← امام)
habitation; ultimate abode	۸۷	مأوی (قرآنی)
refuge	۱۰۰	
abode	۲۱	
permissible	۴۲، ۹۹، ۱۰۶	
permitted	۴۲، ۴۵، ۴۷، ۸۰	مباح
allowed	۴۲	
lawful	۴۲	
disputing; dispute; debate	۳۱	
argumentation	۲۹	مباحثہ
debate	۶	
exchange	۵-۲	مباحثہ کردن مبادلہ

interchange	۶۱	
principles	۱۱، ۶۹، ۸۰، ۱۰۵	مبادی
principles of the temporals	۱۰۴	مبادی الحوادث
first principles	۱۱	مبادی اولیہ [اصول نخستین]
laws of thought	۹۵	مبادی عقلی
principles of the sensibles	۶۹	مبادی محسوسات
principles of existent things	۶۹	مبادات موجودات
struggle	۴	مبارزه
combat	۷۳	
blessed	۴۲، ۱۰۰، ۱۰۳	مبارک (قرآنی)
representative	۱۱۴	مباشر
district overseer	۱۲۹	
bailiff	۸۰-۵	
relationship	۶	مباشرت
care; regard; consideration	۱۲۰	مبالات
exaggeration	۱۲۰	مبالغه
hyperbole	۲۶-۱	
amplification	۱۲۸	مبالغه (بع)
doctrines	۱۳	مبانی
fundamentals; basic principles	۱۶	
glory; honor; boasting	۱۲۰	مباهات
mutual cursing	۱۱۲	مباہلہ (نیز ← ابتہال)
mutual invocation of a curse (cursing)	۸۴	
imprecation	۸۰	
contest of prayer	۱۰۹	
(to) swear fealty	۱۰۰	مبايعہ [= بیعت] [مشتقات این کلمہ در قرآن مجید به کار رفته است.]
contract	۸۰	

(to) swear allegiance	۸۷	
heterogeneous; heteronymous	۹۷	مباین (منط.)
disparate	۹۵	
separateness	۹۹	
subject	۶۵	مباینت
subject placed behind	۶۵	مبتدا (دس.)
innovator	۱۰۸	مبتدای مؤخر (دس.)
innovators	۱۰۴۵	مبتدع
ontology	۱۳	مبتدعه (کل.)
origin	۴۲، ۶۰، ۱۰۸	مبحث وجود
source	۲۴، ۱۰۲، ۱۰۸	مبدأ
principle	۱۱، ۴۲، ۹۵	
beginning	۱۱	
premise	۴۲	
source of effects	۵۶	
first principle	۴۰، ۵۶، ۹۵، ۱۰۴، ۱۰۵	مبدأ آثار
origin of the act	۸۰ - ۵	مبدأ اول
principle of emanation	۱۰۴	مبدأ فعل
celestial origin	۱۳	مبدأ فیضان
origin and end	۸۲ - ۴	مبدأ ملکوتی
The Innovator	۸۰	مبدأ و معاد
Originator	۱۰۳	مبدع [مراد خداوند است.]
Creator	۴۰	
Initiator	۲۹	
The Sole Initiator	۲۹	
charitable deeds	۱۲۰	مبدع محض
pious	۱۲۰	مبرات
proved; demonstrated	۱۲۰	مبرور
bearer of glad tiding	۹۹	مبرهن
		مبشر [جمع سالم این کلمه در قرآن ۹۹]

مجید به کار رفته است.]

conveyor of tidings	۲	
messenger	۴	
falsifier (ed.)		مُبطل
cancelling; invalidating	۱۲۰	
raised up	۱۰۰	مبعوث (قرآنی)
sent	۶،۸۰-۳	
envoy	۶	
emissary	۴	مُبلغ
sum	۸۷	مُبلغ (قرآنی)
amount	۶۳	
attainment	۱۰۰	
indeclinable	۶۵	مبنی (دس-)
ambiguous	۹۵،۱۲۰	مبهم
indefinite pronouns	۱۲۸	مبهمات
The White - robed	۴۲ =	مُبَيَّضَه [پيروان المقنع] = ۴۲ سپیدجامگان، مُقَنَّعِيه
sold	۸۷	مبيع
manifest	۷	مبین
plain; mere	۸۷	
provision	۲۱،۸۷	متاع (قرآنی)
enjoyment	۱۰۰	
plantation	۲	
means of livelihood	۶۴	
matter of illusion	۸۷	متاع الغرور (قرآنی)
provision of vanities	۷	
emotive	۲۹	متأثر (نیز ← تأثر)
posterior	۱۰۴،۱۰۵	متأخر (نیز ← تأخر)
modern	۲۱	

later	۱۰۵	
recent thinkers	۵۶	متأخرین
later generations	۴۲	
later ones	۱۰	
theologian	۴۴	متأله (نیز ← تاله)
theosopher	۱۳	
married	۲۱	متاهل (نیز ← تاهل)
heterogeneous	۹۷	متباين (نیز ← تباین)
distinct	۱۰۸	
holy; sacred; blessed	۱۲۰	متبرک
daring; insolent	۱۲۰	متجاسر
homogeneous	۹۵	متجانس (نیز ← تجانس)
notorious for debauchery	۱۲۰	متجاهر به فسق
renewed	۵۶	متجدد (نیز ← تجدد)
modern thinker	۴	
temporary	۱۰۷	
self-revealing	۱۰۲	متجلی (نیز ← تجلی)
manifested	۱۱	
unified	۱۰۳	متحد (نیز ← اتحاد)
mobile	۱۱.۹۵	متحرك (نیز ← حرکت؛ تحرك)
object moved	۸۰-۳	
planets	۴۰	متحیره
hostile	۱۲۰	متخاصم
specialist	۱۲۰	متخصص
characterized; endowed	۱۲۰	متخلق
imagination	۱۳.۹۵	متخیله (نیز ← تخیل)
subaltern	۱۱.۹۴	متداخل (منط.)
orthodox; upright; firm in religion	۳۱	متدین (نیز ← دین، دیانت؛ تدین)
synonymous, synonym	۱۲۰، ۱۲۸	مترادف (دس.)

single rhyme; male rhyme; masculine rhyme; one syllable rhyme	۱۲۸	مترادف (عروض)
translator; interpreter	۱۲۰	مترجم
beast fallen to death	۱۰۰	مُتَرَدِّیَہ (قرآنی)
affluent	۱۶	مترف (نیز ۛ اتراف)
rejected	۲۸	متروک (حد.)
equilateral	۱۲۰	متساوی الاضلاع
equiangular; isogonal	۱۲۰	متساوی الزوایا
isocetes	۱۲۰، ۱۲۹	متساوی الساقین
co-extensive	۹۷	متساویان (منط.)
simultaneous	۱۰۵	متساویۃ فی الزمان
regressive	۱۱	متسلسل (نیز ۛ تسلسل)
ambiguous	۲۴، ۸۰	متشابه [آیہ]
equivocal	۱۰۶	
metaphorical; uniform; intricate	۴۲	
allegorical	۷	متشابهات (قرآنی)
ambiguous verses	۹۳، ۱۰۰	
metaphorical expressions of the Quran	۴۲	متشابهات القرآن
Islamic jurist	۴	متشرع
possessing; occupying	۱۲۰	متصرف
conjunctive	۴۲، ۸۰، ۹۷	متصل (منط.)
continuous	۴۲، ۱۱۱	
the shaper	۴۵	متصوّر (نیز ۛ تصور)
imagined ; conceived	۱۲۰	
fantasy	۱۳	متصورہ
those who profess Sufism	۲۱	متصوّفہ (نیز ۛ تصوف)
Sufis	پ	
contrary	۱۱، ۹۴، ۱۲۸	متضاد (نیز ۛ تضاد)

antithesis	۲۶.۲	متضاد (بع.)
contraries	۱۲۸	متضادتان (منط.)
correlative	۱۱	متضایف (نیز ← تضایف) (منط.)
		فل.)
sustaining a loss	۱۲۰	متضرر
equilibrated	۴	متعادل (نیز ← تعادل)
incompatible	۱۰۸	متعارض (نیز ← تعارض)
axiom	۴۰	متعارف [قضیه متعارف]
generally known	۴۵	
customary	۸۵	
following; subsequent	۱۲۰	متعاقب
The Most High	۶.۷.۱۱	متعال [المتعال] (اسم الهی)
		(قرآنی)
The Exalted	۴۲.۴۵	
All-exalted	۱۰۰	
Almighty	۲	
The Very High	۸۰	
		متعالی [اسم الهی] ← متعال
supreme	۱۱	متعالی
transcendent	۱۱.۱۰۸	
transcendental	۹۵	
devout; worshipper	۱۲۰	
transitive	۲۸.۹۵	متعبد
difficult; impossible	۱۲۰	متعبدی (دس.) (نیز ← لازم)
Arabicized	۴۵	متعذر
difficult	۱۲۰	متعرب (نیز ← عرب)
fanatic	۱۱	متعسر
bigot	۱۰۸	متعصب (نیز ← تعصب)
zealot	۲۳	

taking admonition; accepting advice	۱۲۰	متغظ
belonging	۱۲۰	متعلق
appurtenances	۶۱	متعلقات (حق.)
temporary marriage	۴۵، ۸۵	متعه (فق.)
undertaking; engaged	۱۲۰	متعهد
variable	۹۴، ۹۵	متغیر (نیز ← تغیر؛ تغییر)
unanimous	۱۲۰	متفق القول
mind	۱۲	متفکره (نیز ← فکر، تفکر)
opposed; opposite	۱۱	متقابل (نیز ← تقابل)
adjacent	۲۸	متقارب (عر.)
synonymous	۱	
symmetrical	۱۲۹	متقارن
applicant	۶۱	متقاضی
retired; convinced	۱۲۰	متقاعد
measurable things	۵۶	متقدّرات
prior; earlier	۱۰۵	متقدم
precedent	۱۲۰	
ancient	۹۹	
prior in essence	۱۰۴	متقدم بالذات
God- fearing	۴۲، ۸۷، ۱۰۰، ۱۰۳	متقی [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
pious ; noble	۱۶	
righteous	۴۲	
repast	۷، ۱۰۰	متکا (قرآنی)
bolster; pillow	۱۲۰	
saddle bearer	۱۲۹	
correspondent	۶۹	متکافی
The Haughty	۴۵، ۸۰	متکبر [المتکبر] (اسم الهی) (قرآنی)

All- Sublime	۱۰۰	
arrogant	۲۳	متکبر (نیز ← تکبر)
proud	۹۰	
multiple	۱۱	متکثر (نیز ← تکثر)
The Speaker	۴۲	متکلم [المتکلم] (اسم الہی) (غیر قرآنی)
speaker; first person	۶۵، ۱۲۸	متکلم (دس۔)
scholastic theologian	۴۷، ۸۰	متکلم [عالم کلام] (نیز ← کلام)
theologian	۲۲، ۸۰، ۹۹، ۱۰۵، ۱۰۸	
seculative theologian	۹۹	
Scholastic philosopher	۲۱	
debator	۶	
qualified	۱۱	متکيف (نیز ← كيف)
concomitant	۴۴	متلازم (نیز ← تلازم)
variegated or chameleon	۲۶-۲	متلون (بغ۔)
civilized	۱۲۰	متمدن (نیز ← تمدن)
stable	۸۰-۵	متمکن
things qualified by localization	۷۹	متمکّنات
flatterer	۱۲۰	متملق (نیز ← تملق)
complement	۹۴	متمم
supplementary	۱۲۰	
requesting; asking	۱۲۰	متمنی (نیز ← تمنی)
wealthy	۱۲۰	متمول
disputed; contested	۱۲۰	متنازع
aspirers	۷	متنافس (قرآنی) (نیز ← تنافس؛
		منافسه)
strivers	۱۰۰	
contradictory	۱۱، ۹۵	متناقض (نیز ← تناقض)
self - contradictory	۱۰۵	

contradictive	۱۱	
alternate; periodic (al)	۱۲۰	متناوب
finite	۳۲، ۱۰۲، ۱۰۷	متناهی (نیز ← تناهی؛ لایتناهی)
limited	۳۲	
false prophet	۱۱	متنبی
widely transmitted	۸۶	متواتر [از انواع حدیث] (نیز ← ۸۶ تواتر)
Testata	۹۷	متواترات (منط.)
symmetrical	۲۶-۲	متوازن [نوعی نثر مسجع]
parallel or concordant	۲۶-۲	متوازی [نوعی نثر مسجع]
parallelogram	۱۲۰	متوازی الاضلاع
parallelepiped	۱۲۹	متوازی السطوح
univocal	۹۷، ۱۱۱	متواطی (منط.)
equipollent	۹۴	متوافق (منط.)
unique	۶	متوحد
mean; middle	۱۲۰	متوسط
moderate	۸۰-۴	
native; indigenous; resident	۱۲۰	متوطن
deceased; decedent	۷۷	متوفی (نیز ← وفات؛ فقید)
defunct	۶۱	
trusting; resigned	۱۲۰	متوکل
generated effects	۱۰	متولدات (کل.)
administrator	۶۱، ۶۸، ۸۰، ۸۲	متولی (فق.)
trustee	۴۲، ۸۲	
superintendent	۸۰-۲	
curator	۸۲-۵	
guardian	۴۲	
accused	۶۱	متهم [مدعی علیه] (حق.)
proselyte	۱۰۷	متهود (تازه ایمان؛ جدید المذهب)

The Unshakable	٨٠	متين [المتين] (اسم الهى) (قرآنى)
Ever-Sure	١٠٠	
The Strong	٧٠٤٢	
analogy	٩٢٠١١١	مثال
parable	٥٢	
similitude	١٠٨	
figurative expression	٨٠-٤	
idea	١١	
Platonic idea	١١	مثال افلاطونى
imaginative form	٢٢	مثال خيالى
temporal idea	١١	مثال زمانى
objective idea	١١	مثال عينى
eternal idea	١١	مثال قديم
ideal	٩٥	
bladder	١٢٠	مثالى
repetitions	٤٢	مثانه
positive	١١	مثانى (نيز ← سبع المثانى)
weight	٧٠٨٧	مثبت (منط.)
a weight equivalent to 5 grams	١٢٠	مثقال (قرآنى)
similitude	٨٧	مثقال
paradigm	٨٠-٢	مَثَل (قرآنى)
parable	١٦	
proverb; adage; paroemia	١٢٨	
prototype	٢٧	مَثَل (بع.) مَثَل اعلا (قرآنى) [= المثل ٢٧ الاعلى]
sublime similitude	٨٧	
exemplary ideas	٨٠-٤	مُثَل (نيز ← مثال افلاطونى)
ideas	٩٦	

Triangular	۱۲۰	مثث
triangulum	۳۵	مثث [صورت فلکی]
trigonometry	۱۲۰	مثلثات
Triangulum Australe	۳۵	مثث جنوبی [صورت فلکی]
mutilate	۸۴	مثله کردن
fruit bearing; fruitful	۱۲۰	مثمر
mathnawi (double- rhyme)	۲۶-۲	مثنوی
couplet; gemells; doublet	۱۲۸	مثنوی (عری)
dual	۶۵	مثنی' (دس-)
counterpart	۶۱	المثنی'
replica	۱۲۰	
lodging	۸۷	مثنوی' (قرآنی)
The Disputer	۱۰۰	مجادله [سوره]
She that disputeth	۸۷	
The Dispute	۸۸	
The Pleading One	۷	
dialectation	۹۸	مجادله (منط-)
polemics	۹۵	مجادله [جدل] [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
disputation	۷، ۲۱، ۸۷	
argument; disputing	۲۲	
philosophical controversy	۱۱	مجادله فلسفی
theological controversy	۱۱	مجادله کلامی
metaphor	۴۰، ۸۰، ۹۵، ۱۰۵	مجاز (بع-)
figurative	۴۰	
figurative expression	۱۰۲	
trope	۲۶، ۸۰	
trope of the intellect	۸۰-۵	مجاز عقلی
pure metaphor	۱۰۵	مجاز مجرد

admissible; authorized	۶۱	مُجاز
sentence	۸	مُجازات
figurative expressions of the Quran	۴۲	مَجَازَات القرآن
licensing	۱۵	مجاز شمردن
figurative	۱۶، ۸۰، ۱۲۸	مَجَازِی (بع.)
allegorical	۴	
metaphorical	۴۵	
false	۱۰۳	
hunger; year of famine	۱۲۰	مَجَاعَه
leisure; opportunity	۱۲۰	مَجَال
mystic sessions	۸۰-۵	مَجَالِس التذکیر
sessions of remembrance	۸۹	مَجَالِس الذکر
sitting with	۲۱	مَجَالِسْت
sexual intercourse; copulation	۱۲۰	مَجَامَعْت
homogeneity	۲۱	مُجَانِسْت
adjacent	۶۱	مَجَاوِر (حق.)
adjacence	۶۱	مَجَاوِرْت (حق.)
take up residence	۱۴ ←	مَجَاوِر شدن (فق.) (نیز) ← ۱۴ اعتکاف)
pious retreat	۸۰	مَجَاوِرَه
warrior for the faith	۸۰-۲	مَجَاهِد [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
striver	۷	
volunteer of faith	۸۰-۴	
warrior in the cause of religion	۴۲	
combatant in the cause of religion	۲۹	
crusader	۷۳	
spiritual struggle	۵۸، ۱۱۳	مَجَاهِدَت (نیز - جهاد)
(pious) exertion	۹۹	

mortification	۲۱	
self-mortification	۱۴	
striving of virtuous purification	۵۷	
		مُجاہدہ ← مجاہدت
Believers in Compulsion	۱	مُجبِرہ (کل۔)
Compulsionists	۸۱	
Determinists	۴۵	
a complete eunuch	۴۲	مُحبوب [= اختہ ، خواجہ]
compelled	۱۰	مجبور (کل۔)
determined	۱۶	
the chosen one	۱۰۳	مجتبیٰ (نیز ← اجتباء)
collected	۲۱	مجتمع (نیز ← اجتماع)
religious jurist	۲	مجتہد (نیز ← اجتہاد ؛ مقلد)
qualified lawyer	۸۳	
expert in Islamic Jurisprudence	۷۳	
glory	۲۷، ۸۰، ۹۹، ۱۰۷، ۱۱۰	مُجد (نیز ← مجید)
nobility	۱۱۰	
renewer	۴۵، ۶۸	مُجدد (نیز ← مصلح)
reformer	۱۰۱	
ecstatic; the attracted one;		مُجذوب (تصد۔)
mystic mania	۸۰	
devoutly attracted	۳۸	مُجذوبِ سالک
attracted one who is striving	۸۰-۵	
square of a number	۱۲۰	مُجذور (رض۔)
leprous	۱۲۰	مُجذوم
canal; duct; culvert	۱۲۹	مُجرا [کانال؛ جوی آب]
empirical premisses	۴۲	مُجربّات (نیز ← تجربہ)
experta	۹۷	
bachelor	۶۱	مُجرد [مق۔ متاہل]

abstract	۱۱.۹۵	مجرد (منط.)
non-material	۱۰۲	
incorporeal beings; angels	۳۱	مجردات.
abstractions	۶۹	
simple substances	۵۹	
separate intelligences	۳۷	مجردات فلسفی
sheer existence	۱۰۲	مجرد الوجود
guilty; criminal; culpable	۱۲۰.۶۱	مُجرم
wounded	۱۲۰	مجروح
injured; hurt	۱۲۱	
Almagest: Ptolemy's great work on astronomy	۱۲۰	مَجسطی
incarnate	۲۱	مجسم (کل.) (نیز ← تجسیم)
solid	۴۰	
Anthropomorphists	۸۰ - ۵.۹۹	مجسمون [= مجسمه = مجسمیه]
corporealists	۱۰.۸۰	
statue	۱۲۰.۱۲۹	مُجسمه
statuary; sculpture	۱۲۰	مجسمه ← مجسمون مجسمه سازی مجسمیه ← مجسمون
fabricated; spurious	۴۲	مجعل
fabrication	۱۶	
fiction	۴۴	
volume; tome	۱۲۰	مُجلد
session	۸۶	مجلس
assembly	۱۴	
meeting	۸۰	
assembly room	۲۱	
The Assembly of Experts	۸	مجلس خبرگان

Navy; marine	۸۰ . ۱۲۰	بحریه
God be praised	۳۱	بحمد الله
thanks (be) to God	۱۲۰	
Nebuchadnezzar	۴۲ . ۸۰ . ۹۹	بخت نصر
avarice	۳۱ . ۸۰ . ۸۷ . ۱۰۳	بخل (قرآنی)
parsimony; stinginess	۳۱	
incens; fumigation		
niggardly	۱۰۰	بخور (بز.)
miser	۴	بخیل (اخل.)
appearance; emergence	۴۵	
change in an earlier divine ruling	۸۰	بداء (کل.)
evidence	۹۵	
impious; irreligious; heretic	۳۱	بداهت
full moon	۳۱ . ۸۰ - ۴	بددین
Badr	۸۷	بدر (نج.)
innovation	۴۲ . ۴۵ . ۸۰ . ۸۶ . ۹۹ . ۱۱۳	بدر (جف.)
novelty	۴۲ . ۴۵ . ۱۱۴	بدعت
heresy	۴۲ . ۴۵ . ۹۳ . ۱۰۹	
heretical practice	۸۲	
good innovation	۴۵	
evil innovation	۴۵	بدعت حسنه
innovator	۹۹	بدعت خبیثه
garments and ensembles	۸۰ - ۴	بدعت گذار
ideal body	۱۱	بدله [حله]
pastoral nomads of Arabian	۸۰	بدن مثالی (فل. کل.)
blood, speech, and culture		بدو
Bedouin; nomad	۴۲ . ۱۰۹	
debter	۲۰	بدوی
debt	۷۵	بدهکار
		بدهی (اق.)

discoursing together	۳۸	محادثه
combatant	۱۲۰	محارب
wrangling	۲۱	محاربه [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]
waging war on	۷، ۲۴	
wage war against Allah	۷	محاربه با خدا
fight against God	۱۰۰	
very near relatives	۶۱	محارم
inviolable ordinances (of God)	۹۰	محارم الله [= محرمات]
self-examination	۵۷، ۹۳	محاسبه (تص.)
computation	۷۵	محاسبه (اق.)
good intrigues	۵ - ۸۰	محاسن
siege; besieging	۱۲۰	محاصره
presence of heart in the subtleties of <i>bayān</i>	۴ - ۸۰	محاضره
surrounded	۱۲۰	محاط
contract of barter in corn	۸۵	محاقله
imitation; representation	۴۰	محاکات
critical decisions	۹۳	محاکمات
trial	۸	محاكمه
court procedure	۶۱	
impossible	۴۰، ۸۰، ۹۷، ۱۰۵	محال
absurd	۴۰، ۱۰۵، ۱۱۷	
fallacious	۱۰۷	
egregious absurdities	۱۰۴	محالات شنیعه
assignee	۶۱	محال علیه (حق.)
conversation; colloquy	۱۲۰	محاوره [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]
lover	۱۴	محَب

love	۵۷.۶۹.۹۰	محبت (نیز ← حُب)
affection	۲۹	
mystic love	۴۵	
reproachful love	۶۹	محبت لوّامه
prison; jail	۱۲۰	محبس (نیز ← حبس)
imprisoned prisoner	۱۲۰	محبوس
dependent	۱۰	محتاج (کلـ.) (نیز ← احتیاج)
needy	۲	
cautious	۱۲۰	محتاط
honorable; respectable; revered; honored	۱۲۰	محترم
censor	۲۵.۲۷	محتسب (نیز ← حسبه)
Islamic inspector of the market	۸۵	
forestaller; regrater; monopolizer	۳۱.۱۲۰	محتکر (نیز ← احتکار)
speculator on rising prices of food	۸۵	
polluted	۱۲۰	محتلم (نیز ← احتلام)
adianoeta	۱۲۸	محتمل الضدین (بع.) [= دو وجهین، توجیه]
inevitable	۸۰-۴	محتوم
crenellation	۱۱۵	محجر (معمـ.)
veiled	۱۱۸.۱۱۹	محبوب
modest	۱۲۰	
screened	۱۰۳	
under guardianship	۴۵.۱۲۱	محجور [= محجورُ علیہ]
convex	۱۲۹	مُحدَّب [= گوز]
created [in time]	۲۱.۴۲.۹۳.۹۹	مُحدَث [مقـ. قدیم] (قرآنی)
fresh	۸۷.۱۰۰	
originated	۱۱.۱۰۴.۱۰۶	
contingent	۱۱.۱۱۰	
non-eternal	۲۱	

creator	۸۰، ۹۳	مُحَدِّث (نیز ← حدوٲ)
inspired relater	۲۱	مُحَدِّث (نیز ← تحدیث ؛ حدیث)
traditionist	۴۲، ۹۳	
scholar of <i>hadith</i>	۱۲	
limited; defined	۴۰	محدود (نیز ← حدّ)
finite	۱۰۳	
limitation	۴	محدودیّت
danger; peril; trouble	۱۲۱	محدور
apocopated	۴۰	محدوف
retrenched	۸۰ - ۴	
sanctuary	۷، ۶۴، ۸۷، ۱۰۰	محراب (قرآنی)
prayer niche	۴۵، ۵۳، ۱۰۳، ۱۱۵، ۱۲۹	
altar	۹، ۱۱۵، ۱۲۹	
oratory; apse	۱۲۹	
arch of prayer	۵۵	محراب دعا
calligrapher	۸۰ - ۲	مُحرِّر (نیز ← خطاط ؛ خوشنویس ؛ کاتب)
secretary	۱۱۴	
dedicated	۱۰۰	مُحرِّر (قرآنی)
devoted	۷	
moving agent	۱۱، ۱۰۷	محرّك
mover	۱۱، ۱۰۵	
first mover; original mover	۱۱	محرّك اوّل [محرّك اولیٰ]
<i>primum mobile</i>	۱۳	
immovable mover; unmoved mover	۱۱	محرّك غیر متحرّك
direct mover	۱۱	محرّك مستقیم [محرّك مباشر]
motive	۵۷، ۱۰۴	محرّكه
motive and perceptive	۱۰۴	محرّكه و مُدرّكه
[clothed] in a Pilgrim state	۱۰۶	مُحرَّم (نیز ← احرام)

intimate	۱۴	مَحْرَم (نیز ← محارم)
congenial person	۲۱	
confidant	۱۰۳	
person related to another within the forbidden degrees	۷، ۸۵	
prohibited	۸۷	مُحْرَم [= حرام] (قرآنی)
forbidden degrees		
confidential	۱۲۰	محرمانه (حق.)
restricted	۶۱	
be on confidential terms with	۲۱	محرم بودن
guarded; protected	۱۲۰	محروس
outcast	۸۷، ۱۰۰	محروم (قرآنی)
abdicate	۶۱	محروم کردن از ارث (حق.)
deprivation	۴	محرومیت
sad; grieved	۱۲۰	محزون (نیز ← حزن)
good-doer	۱۰۰	محسن (قرآنی)
advantages; virtues	۱۲۰	مُحَسِّنَات
		محسنات بدیعه ← صنایع بدیعی
envied	۶	محسود
sensible	۵۶، ۹۵	محسوس
sense data	۴۲	محسوسات
sense impression	۵۹	
physical phenomena	۷۱	
objects of sense	۳۴	
senses	۴۵	
sensuous	۱۰۳	
place of gathering	۴۵	محشر
Resurrection	۱۰۳	
gathering- place of resurrection	۲۴	

mustered	۱۰۰	محشور (قرآنی) (نیز ← حشر)
be musterred	۱۰۰	محشور شدن
student	۱۲۰	محصل
tax-gatherer		
outcome issue	۱۲۰	مُحصِّل
difinite	پ	
chaste; continent; married	۳۱، ۱۲۰	مُحصِّن [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]. محصنات ← محصنه
married woman	۴۲، ۸۷	محصنه [جمع سالم این کلمه به صورت محصنات در قرآن مجید به کار رفته است].
woman in wedlock	۱۰۰، ۱۱۲	
virtuous woman	۶۴	
chaste woman	۷، ۴۲	
quantified	۱۱	محصور
product; output	۱۲۹	محصول
The Numberer	۸۰	مُحصِّي [المحصي] (اسم الهی) (غیر قرآنی)
The Reckoner and Recorder of all things in a book	۴۵	
for God's sake	۱۲۰	محضاً لله
notary public's office	۶۱	محضر [اسناد رسمی]
notarial	۶۱	محضری
confined	۷، ۱۰۰	محظور (قرآنی)
forbidden	۷۶، ۸۰	
company; meeting; assembly	۲۵	محفل
protected; preserved	۱۲۰	محفوظ (قرآنی)
guarded	۷	

committed to memory	۸۰-۳	محفوظ (حد)
memorables	۱۰۴	محفوظات
researcher	۴	محقق
thinker	۱۰۴	
verifier	۱۰۶، ۱۰۸	
ascertained; certain; verified	۱۲۰	محقق
touchstone	۱۰۳	مِخَكْ
clear	۸۷، ۱۰۰	مُحَكِّمَه (قرآنی) [جمع آن: ۸۷، ۱۰۰ محکّمات، مقد: متشابهات]
clear defined	۱۰۹	
unambiguous	۹۳	
decisive	۱، ۷، ۸۷	
court	۶۱	مُحَكِّمَه
judicial court	۶۱	مُحَكِّمَه عَدَلِيَه
open court	۶۱	مُحَكِّمَه عَمُومِي
predicated by	۹۷	مُحَكُّومٌ عَلَيْهِ (منط.)
condemn	۴	مُحَكُّوم كَرْدَن
substratum	۱۰، ۱۰۴، ۱۰۸	محل (کل.)
abode	۱۰	
receptacle	۶۹	
locus	۱۰۶	
He who makes permissible	۴۵	محلّل (فقد.)
quarter	۷۴، ۱۲۹	محلّه
		محلّه يهودی نشین ← جهود محلّه
Muhammad [= Mohammad]	۷، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰	محمد [سوره]
Muhammadan	۳۱	محمّدی [تعبیری که اسلامشناسان غرب سابقاً برای اسلام ومسلمانان به کار می بردند.]
camel - litter	۱۲۰	محمل

predicate	۴۶.۹۵.۹۷	محموده ← سقمونیا
attribute	۲۸	محمول (منط.)
inquisition	۴۲.۴۵.۸۸	محنت [محنه]
trial	۱۴.۴۵	
testing	۱۰.۸۰-۳	
tribulation	۱۰۳	
affliction	۳۱	
effacement	۲۱.۱۱۳.۱۱۸.۱۱۹.۱۲۰	محو [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
self-effacement; self-extinction;		
dead to self	۱۰۳	محو (تصد.)
efface	۸۰-۴	
axis	۳۶	محور
celestial axis	۳۶	محور عالم (نج.)
vertical axis	۳۶	محور قائم (نج.)
polar axis	۳۶	محور قطبی (نج.)
The Author of States	۲۱	محوّل الاحوال [کنایه از خداوند]
living	۸۷.۱۰۰	مَحْیَا (قرآنی) [مقدّمات]
life	۷	
wonderful; marvelous	۱۲۰	محیر العقول
place of refuge	۷.۸۷	مَحِیص (قرآن) [= گریزگاه]
asylem	۱۰۰	
menstruation	۸۷	مَحِیض (قرآنی) (نیز ← حائض؛ حیض)
monthly course	۱۰۰	
Encompassor	۱۰۰	محیط [المحیط] (اسم الهی)
circumference	۴۰.۱۲۹	(قرآنی) محیط [دایره]

environment	۱۱.۱۲۹	محیط [پیرامون]
outline; outside; perimeter	۱۲۹	
surrounding	۷۷	
embracing	۱۱	محیط [احاطه کننده]
all-embracing	۱۱	محیط مطلق
assignor	۴۲	محیل [واگذار کننده] (حق.)
The Giver of Life	۴۵	مُحیی [المُحیی] (اسم الهی) (غیر قرآنی)
The Creator of Life	۸۰	
Lifegiver	۱۱۳	
Quickener of the Dead	۸۷.۱۰۰	محیی الموتی (اسم الهی) (قرآنی)
beguiling	۲۴.۸۷	مخادعه [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
deceive	۷	
points of articulation	۱۲۸	مخارج حروف (دس.)
running expenses	۷۵	مخارج جاری (اق.)
overhead expenses; standing expenses	۷۵	مخارج عمومی (اق.)
antagonism; opposition; enmity	۱۲۰	مخاصمت (نیز ← تخصم؛ خصومت)
mucus	۱۲۰	مخاط
addressee	۱۲۸	مخاطب (دس.)
individual spoken to; second person	۶۵.۱۲۸	
conversation; speech; address	۱۲۰	مخاطبه (نیز ← خطاب)
risk	۵-۴	مخاطره (نیز ← خطر)
jeopardy	۶۱	
fear; dread; danger	۱۲۰	مخافه / مخافت
community	۸۰-۴	مخالطت [مقب. خلوت]
adversary	۸۰	مخالف
discord	۲۱	مخالفت

opposition	۵۸	
dissension	۲	
difference	۴۵	
opposition to the carnal soul	۵۸	مخالفت نفس
enallage; alleothes; antiptosis	۱۲۸	مخالفت قیاس صرفی (بع.)
catachresis; hypallag; transferred epithet	۱۲۸	مخالفت قیاس لغوی (بع.)
humble	۱.۷.۸۷	مُخَبَّت [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
idiot (ic); insane; mad	۱۲۰	مُخَبَّط [مشتقی از این ریشه در قرآن مجید به کار رفته است.]
choosing	۱۰۵	مختار
willer	۱۰۴	
free	۱۶	
inventor	۱۲۰	مخترع
abridgement	۱۰۱	مختصر
epitome	۸۰-۳	
laconic	۶۱	مختصر و مفید (حق.)
embezzler	۶۱	مختلس (حق.)
inconsistency in hadith	۸۰-۳	مختلف الحديث (حد)
narcotic	۱۲۰	مختون (نیز ← ختنه، ختان)
virtuous lady	۳۱	مخدر
inconsistent	۱۶	مخدره
site of defecation	۲۰	مخدوش
cone	۱۲۰، ۱۲۹	مخرج غائط (فق.)
conical	۱۲۹	مخروط
reservoir; cistern; pond	۱۲۹	مُخروطی
particularizer	۱۰	مخزن
determining principles	۱۰۶	مُخَصَّص (کل.)

qualifying momentum	۸۰-۴	
manuscript; handwritten	۱۲۱	مخطوط / مخطوطه
immortal	۸۷	مُخلَّد [جمع سالَم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
sincer	۷، ۱۶، ۲۵، ۱۰۰، ۱۰۳	مخلص (قرآنی) (نیز ے اخلاص)
devoted	۱۶	
true	۲۵	
purified	۷	مُخلص (قرآنی)
devoted	۱۰۰	
created	۱۱، ۸۰	مخلوق (نیز ے خلق)
created being	۱۱۰	
creature	۴	
The First creation	۱۱	مخلوق اوّل
velvet	۱۲۰، ۱۲۶	مخمل [تلفظ عربی این کلمه مُخْمَل است.]
mukhammas (or five some)	۲۶-۲	مخمس [از انواع شعر مسقط]
catamite	۵۲	مخنث (نیز ے خنثی)
terrible; horrible; dreadful	۱۲۰	مخوف
optional	۲۸	مخیر
imaginativa	۹۷	مخیلات
mudd (5 1/3 pints)	۶۷	مُدّ [از اوزان و مقادیر]
extension	۸۰-۵	مَدّ [در قرائت]
high tide	۷۴	مَدّ [مقد. جذر]
panegyrist; eulogist	۱۲۰	مدّاح
intervention	۱۰۸	مداخله
penetration	۸۰-۵	
interpenatrability [of bodies]	۱۰	مداخله (کل.)
ink	۸۷، ۱۰۰	مِدَاد (قرآنی) = مرکب نوشت افزار

pencil	۱۲۰	مداد [نوشت افزار امروزی]
parallel	۷۴	مدار (جغ.)
orbit	۳۶	
closed orbit	۳۶	مدار بسته (نجد.)
apparent path of the sun	۷۴	مدار حرکت ظاهری خورشید
Tropic of Capricorn	۷۴	مدار رأس الجدی
Tropic of Cancer	۷۴	مدار رأس السرطان
parallel of latitude	۷۴	مدار عرض جغرافیایی
orbit of the earth	۷۴	مدار گردش انتقالی زمین
parallel of declination	۳۶	مدار میل (نجد.)
conciliation	۵۲	مدارا
symbiotic	۲۷	مُداراتی [از انواع تقیه]
cognitive objects	۹۳	مدارك (فل.)
tropics	۷۴	مدارگان [= مدارین]
defendant	۳۹	مدافع
mutual defense	۹۹	مدافعه [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]
defend	۷	
defense	۸۷	
medallion	۱۱۶	مدال تزئینی (جل.)
flattery	۱۲، ۲۱	مداهنت [مداهنه] [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]
compromise	۸۷، ۱۰۰	
Ctesiphon	۸۸	مداهنه ← مداهنت
administrator	۴۷	مداین [= تیسفون] مُدَبِّر [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است] نیز ←
		تدبیر

regulator	۶۹	
controller	۱۱	
liberated slave (after his owner's death)	۴۵	مُدَبِّر [بنده‌ای که پس از مرگ صاحب خود آزاد شود.]
statesmen	۱۰۷	مدَبِّرون المدن [= زمامداران]
period; duration	۱۲۰	مدَّت
The Enwrapped	۳۸.۴۲	مُدَّثِر [سوره]
The Shrouded (one)	۸۸.۱۰۰	
The Clothed one	۷	
The Cloaked one	۸۷	
praise	۲۶.۱۰۳.۱۲۸	مدح (بع.)
antanagoge	۱۲۸	مدح شبیه به ذم
implied praise	۲۶-۲	مدح مَوْجَه (بع.)
place of entry	۸۰-۳	مُدْخَل (قرآنی)
entering	۸۷	
introduction	۸۰-۴	
propaedeutics	۱۱۷	
role	۱۰۸	
lain with; concubine	۱۲۰	مدخوله / مدخولُ بها (فق.)
succor	۱۴	مدد (قرآنی)
help	۸۷	
tutor; lecturer	۸۰	مُدَّرِس
teacher; professor	۴۵	
school	۹۵	مدرسه
religious college; college of higher learning	۸۲	
Scholastic	۲۷.۹۵	مُدَّرِسی
evidence	۱۱	مَدْرَك
perceiver	۸۱	مُدْرِك
grasping	۷۹	

something perceived or perceptible	۸۱	مُدْرَك
percept	۹۵.۱۰۴	
real percept	۱۰۴	مُدْرَك حَقِيقِي
perceived	۴۰	مُدْرَكِه
perceptive	۵۷	مُدْرِكِه
claimant	۱۵.۴۲.۸۵	مَدْعَى
plaintiff	۳۹.۴۲.۸۵	
accuser	۴۵.۶۱	
claimer	۸۶	
prosecutor-general; attorney-general	۱۲۰	مَدْعَى الْعَمُوم
defendant	۳۹.۴۲.۸۵.۸۶	مَدْعَى عَلَيْهِ
accused	۴۵	
contracted into one	۱۲۰	مُدْغَم (نیز ← ادغام)
tomb	۱۲۰	مَدْفَن
graveyard	۴	
feces; excrement	۱۲۰	مَدْفُوع
signification	۱۰۸	مَدْلُول
civil	۸.۹۵	مَدْنِي
Medinite	۱	مَدْنِي [منسوب به مدینه]
		مَدِيْتَرَانِه ← بحر الروم [= دریای
		شام]
panegyric	۱۲۸	مَدِيْحَه (بع.)
panegyric proper	۲۶-۲	
panegyrist	۱۲۸	مَدِيْحَه سَرَا
protracted	۲۸	مَدِيْد (عر.)
manager; director	۷۷	مَدِيْر
directress; matron	۱۲۰	مَدِيْرَه
Medina; al-Madinah; Yathrib	۴۳	مَدِيْنَه [يَثْرِب]
city	۶۹.۸۰	مَدِيْنَه [= شَهْر]

free city	۶۹	مدینه احرار
ignorant city	۶۹	مدینه جاهله
city of despots	۶۹	مدینه جباران
city of community	۶۹	مدینه جماعت
errant city	۶۹	مدینه ضالّه
city of knowledge	۱۰۳	مدینه علم
unvirtuous city	۶۹	مدینه غیر فاضله
impious city	۶۹	مدینه فاسقه
virtuous city	۶۹	مدینه فاضله
ideal city; utopia	۴۲.۹۹	
debtor; indebted; owing	۱۲۰	مديون (نیز ← دین؛ داین؛ تداین)
melted	۱۲۰	مذاب
discussion	۹۲	مذاکره
four legal schools	۸۰-۳	مذاهب چهارگانه [ی فقهی]
slaughter house	۱۲۱	مذبح
altar; place for sacrifice	۱۲۰	
hesitant	۱۶	مذبذب [در قرآن مجید جمع سالم]
wavering	۱۰۰	این کلمه به کار رفته است]
submissive	۱۰۰	مذعن [در قرآن مجید جمع سالم این کلمه به کار رفته است.]
obedient	۷	
masculine	۶۵.۱۲۸	مذکر (دس.)
natural masculine	۱۲۸	مذکر حقیقی
grammatical masculine	۱۲۸	مذکر مجازی
reminder	۷.۱۰۰	مذکر (قرآنی)
preacher	۲۲	
one who reminds, exhorts, admonishes	۸۸	
remembered	۱۰۰	مذکور (قرآنی)
mentioned	۱۲۰	

Abaser	مَذَلّ [المُذَلّ] (اسم الهى) (غير ٤٥ قرآنى)
Who abases and degrades	٨٠
disgrace	٢٥
abjectness	٢٥
meekness	٩٩
reproach; disparagement	٢
condemned;	٨٧.١٠٠
blameworthy; reprehensible	٥٣.٩٩
culpable; guilty; sinner	١٢١
doctrine	٨٠.١٠٥.١١١.١١٧
school	١٢.٨٠.٦٩.٩٩
school of (religious) law	٦٨.٨٥
school of canon law	٤٥
school of thought	٢٣
sect	١١.٩٥
religion	١٢٠
opinion	١٠٤
theory	١٠٥
rationalism	١٣
egoism	١١٧
altruism	١١٧
Shi'ite school	١٢
monotheism	٩٥
spiritualism	٩٥
The Zâhirite school	٩٩
fatalism	١١٧
gilded; gilt; illuminated	١١٦.١٢٠
illuminator	١٢٠
	مذمت مذموم (قرآنى)
	مُذنب (نيز ← ذنب)
	مذهب
	مذهب استدلالى
	مذهب انانيت
	مذهب ايثار
	مذهب تشيع
	مذهب توحيد
	مذهب روحانى [اصالت روان]
	مذهب ظاهرية
	مذهب قضا و قدر
	مُذَهَّب
	مُذَهَّب

gilder	۸۰-۵	
religious	۴	مذهبی
hypocrite	۶۹	مُرانی، (نیز ← ریا؛ نفاق)
resale with a stated profit	۸۵	مربحه
making a profit	۳۱	
Almoravids; Marabouts	۴۲	مرباطون [= سلسله ای اسلامی در اندلس]
		مراتب
ranks	۱۰۴	
stages; hierarchical degrees; classifications	۸۰	
planes	۱۰۸	
mundane ranks	۱۰۴	مراتب دنیویّه
classification of the sciences	۸۰-۳	مراتب علوم
stages of the soul	۱۰۲	مراتب نفس
chain of being	۸۲-۴	مراتب وجود
hierarchy of universal existence	۵۸	
object of desire	۵۹	مراد
object of will	۱۰۸	
sought	۹۰	
intention	۸۱	
synonymous	۹۷	مُرادف
last rites	۴۲	مراسم احتضار (نیز ← احتضار)
lamentation ceremonies	۸	مراسم عزاداری (نیز ← عزاداری)
mourning ceremonies	۲۷	
observance	۲۶، ۹۷، ۱۲۰	مراعات
observance of the similar	۲۶	مراعات نظیر (بع.)
taxis	۱۲۸	
pasture tax	۸۲-۵	مراعی [مالیات مرتع]
litigation; lawsuit	۱۲۰	مرافعه

elbows	۱۰۰	مَرافِق (قرآنی)
constant attention	۵۸	مراقبت
vigilance	۵۷، ۱۱۳	مراقبه (تص.)
meditation	۴۲	
absorption in mystic contemplation	۸۰-۲	
ideology	۱۲	مِرام
aim	۶۱	
correspond	۱۲	مراوده
square	۱۲۰	مربع
rectangle	۱۲۰	مربع مستطیل
foursome	۲۶-۲	مربع (بع.)
square of opposition	۹۴	مربع تبانیات (منط.)
object of lordship	۹۶	مربوب (نیز ← رب)
educator	۱۲۰	مربی
ascetic	۱۱	مرتاض (نیز ← ریاضت)
		مرتبت ← مرتبه
rank	۱۰، ۹۲، ۱۱۱	مرتبه [مرتبت]
stage	۱۰۲، ۱۰۳	
order; hierarchy	۱۰	
level	۹۹، ۱۰۲	
status	۴۶	
stage of humanity	۱۰۳	مرتبه انسانی
bringing into existence	۱۰۸	مرتبه ایجاد
order of magnitude	۳۶	مرتبه بزرگی (نج.)
stage of animality	۱۰۳	مرتبه حیوانی
stage of the innermost and the hidden (of the soul)	۱۰۲	مرتبه حسّ و خفی
rational level	۱۰۲	مرتبه عقلیه
level of the ideas	۹۹	مرتبه مثال

ontological status	۴۶	مرتبہ وجودی
reactionary	۲۷	مرتجع (نیز ے ارتجاع، ارتجاعی)
improvised	۶۵	مُرتَجِل (دس۔) (نیز ے ارتجال)
apostate	۴۲، ۴۵، ۸۰، ۸۵	مرتد (نیز ے ارتداد)
renegade	۶۴، ۸۷	
apostatise	۳۹	مرتد شدن
bribee	۶۱	مرتشی (نیز ے رشوه؛ راشی؛ ارتشاء)
the approved (one)	۱۰۳، ۱۰۶	مرتضیٰ [از القاب حضرت علی علیه السلام]
the well-approved	۱۴	
He in whom God is well pleased	۴۵	
perpetrate	۴	مرتکب شدن
mortgagee; pledgee; pawan broker	۱۲۱	مرتھن [= مرھون، رھین] (نیز ے راھن؛ مرھون؛ رھین / رھینۃ)
elegy	۴۲، ۸۰	مرثیہ (نیز ے رثا)
funerary elegy; martyrological epic		
lamentation; elegiac poetry	۱۲۱	
death-elegy	۲۶-۲	
funeral elegy	۳۸	
elegia	۲۷	
threnode	۳۷، ۱۲۸	مرثیہ (عروض)
dirge	۱۲۸	
elegy reciter	۷۳	مرثیہ خوان
elegy recitation	۷۳	مرثیہ خوانی
Procrastinators	۴۲	مرجئہ (کل۔)
Murji'ites	۹۱	
preponderator	۱۰	مُرجَّح (کل۔)
determinant	۱۰۴	

source of imitation	۲۷.۱۰۱	مرجع تقلید (فقه. اصول فقه.)
authority of imitation; imitated		
authority	۷۳	
reliable testimony	۱۵	مرجع صلاحیتدار
antecedent	۱۲۸	مرجع ضمیر (دست.)
authority	۱۲.۴۲	مرجعیت
religious authority; authority in	۱۲	مرجعیت علمی
religious sciences		
source of hope; hoped for;	۱۰۰	مَرَجُو (قرآنی)
expected; requested		
step	۹۴	مرحله (منط.)
late	۱۲۱	مرحوم [کمابیش برابر با متوفی]
deceased (person)	۱۲۶	
leave; vacation	۷۷.۱۲۰	مرخصی
curtailed	۲۸	مرخم (دست.)
man; husband	۱۲۰	مرد
swamp; lagoon; marsh; quagmire	۱۲۹	مرداب
carrion	۱۸.۱۰۰	مردار
carcass; carcase	۲.۱۰۳	
		مردن - مرگ؛ وفات؛ فوت؛ موت
die to attributes of the flesh	۱۰۳	مردن از اوصاف بشر (نیز ← فنا؛
		محو)
objectionable	۸۰-۳	مردود
dead	۱۲۰	مرده
heritage	۱۲۰	مرده ریگ [= میراث]
border; boundary	۱۲۹	مرز
		مُرسل [= رسول] (قرآنی) ← مرسلین
lacking [the mention of] the first	۸۳	مرسل (حد.)
transmitter		

The Emissaries	۷.۸۷	مرسلات [سوره]
The Loosed Ones	۱۰۰	
Those That Are Sent	۸۸	
messengers	۸۷.۸۸	مرسلین (نیز ← رُسل)
customary	۱۲۰	مرسوم
spiritual director	۸۰	مرشد (تص.)
spiritual guide	۱۰۳	
watch	۱۰۰	مرصاد (قرآنی)
ambush	۱۰۰	مرصد (قرآنی)
jewel-studded	۱۸	مرصع
encrusted	۵۲	
jewelled	۸۴	
		مرصوص ← بنیان مرصوص
disease	۷.۷۱	مرض (قرآنی) (نیز ← مریض)
sickness	۱۰۰	
illness	۸۰-۳	
the final illness	۸۰-۳	مرض الموت
pleasure of Allah	۷.۸۷	مرضات الله (قرآنی)
suckling woman	۱۰۰	مرضعة (قرآنی) (زن شیرده) (نیز ← رضاع؛ رضیع)
Apus	۳۵	مرغ بهشتی (نج.)
duck	۱۲۰	مرغابی
desired; desirable	۱۲۰	مرغوب
		مرفق ← مرافق
sepulchre; tomb	۱۲۰	مرقد (قرآنی)
sleeping -place [- grave]	۷.۱۰۰	
1. album	۸۰	مرقع [۱. مجموعه، نوعی آلبوم؛
2. patched garment	۸۲	۲. خرقة وصله دار]
patched frocks	۲۱	مرقعہ

pieces sewn together	۸۰.۵	
written	۷.۸۷.۱۲۰	مرقوم (قرآنی)
mount	۲۴	مرکب
composite	۲۱.۹۲.۱۱۱	مُرکب
compound	۴۰.۶۵.۹۵.۹۷	
composed	۸۰-۳	
predicative compound	۶۵	مُرکب اسنادی (دس-)
complete compound oratio	۹۷	مُرکب تام (منط-)
mixed compound	۶۵	مُرکب مزجی (دس-)
synthesis	۱۱۷	مُرکب موضوع
incomplete compound oratio	۹۷	مُرکب ناقص
ink	۱۲۰	مرکب [= مایع نوشتنی = به اصطلاح قرآن و قدما = مداد]
productive	۹۳	مرکبه (فل-)
aggregate of units	۱۰۵	مرکبة من آحاد
center	۳۶.۱۰۴	مرکز
center of curvature	۳۶	مرکز انحناء (نج-)
fixed; concentrated	۱۲۰	مرکوز
		مرگ (نیز ← وفات ؛ موت)
reparation; mending	۱۲۰	مرمت
marble	۱۲۰	مرمر
manliness; virtue	۴۲	مروت
chivalry	۲۱	
fortitude; manhood; virility	۳۱	
temperance	۴۰	
generosity	۱۰۳	
magnanimity	۴	
positive prescription; acquisi- tive prescription	۶۳	مرور زمان اکتساب حق (حق-)

negative prescription; extinctive prescription	۶۳	مرور زمان ساقط کننده حق (حق.)
transmitted; recorded	۴۲	مروری (حد.)
ointment	۱۲۰	مرهم
pawned; pledged; mortgaged	۱۲۱	مرهون (نیز ← راهن : مرتهن : رهین / رهینه)
Mars	۳۶	مریخ (نجم.) [= بهرام]
The Purposer	۴۲	مرید [المريد] (اسم الهی) (غیر قرآنی)
disciple	۴۲.۴۵.۸۰	مُرید
willing	۱۰۴.۱۰۵.۱۰۶.۱۰۸	
(Sufi) novice	۲۳.۸۰.۹۹	
initiate	۸۰-۵	
rebel	۸۷	مَرید (قرآنی)
discipleship	۳۴	مُریدی (نیز ← ارادت)
sick	۸۷	مريض (قرآنی) (نیز ← مرض)
		مريضخانه ← بیمارستان؛ دارالشفاء
Mary	۷.۸۷.۸۸.۱۰۰	مریم [سوره]
Marium	۷	
Virgin Mary	۴۲	
subordinate	۱۲۱	مرئوس [= مرؤوس]
temperament	۱۱.۱۰۲	مزاج
temper	۹۵	
nature	۱۸	
constitution	۶۰	
jesting	۴۵.۶۹	مزاح
joking	۳۸	
		مزاد ← مزایده
shrine; tomb of a saint	۵۰	مزار

cultivator	۶۱	مُزارع
contract for agricultural pruposes	۶۱	مزارعه
contract of lease of agricultural land	۸۵	
contract of crop-sharing; metayage	۸۰-۲	
quit-rent	۸۲-۵	
Psalms	۱۲۰	مزامیر
marrying; coupling	۱۲۰	مزاوجت
high tender	۷۵	مزایده (نیز ← مناقصه؛ حراج)
put up to auction	۷۵	به مزایده گذاشتن
dunghill; garbage can	۱۲۱	مزبله
aforesaid; above - mentionend	۱۲۰	مزبور
		مزجاة ← بضاعت مزجاة
wage	۲۹ .۷۵	مزد
coupled; married	پ	مزدوج
the paired	۲۶-۲	
joint	۸۰-۵	
hired; laborer	۱۲۰	مزدور
field; farm	۱۲۰	مزرعه
cultivated	۱۲۰	مزروع
purified	۱۲۰	مزکا
purifier	۱۲۰	مزکی
Enwrapped (one)	۸۸.۱۰۰	مزمّل [سوره]
The Enshrouded one	۸۷	
The Wrapped up	۷	
augmentation	۲۸	مزیدُفیه (دس-)
good tidings	۲	مژده (نیز ← بشارت)
affliction	۷	مَسّ (قرآنی)
touch	۱۰۷	
evening	۱۲۰	مَسَاء

responsa; questions	۸۰	مسائل
problems	۱۰۴	
matters	۵۶	
metaphysical problems	۱۰۴	مسائل الالهيات
disputed questions of law	۸۰-۵	مسائل الخلافه
divine matters	۵۶	مسائل الربوبيه
competition; race	۱۲۰	مسابقه
tribadry; lesbianism	۱۲۱	مساحقه (فقه)
clitorism	۱۲۰	
area; space	۱۲۹	مساحت
surveying; geodesy	۱۲۱	مساحی
haste; hurrying	۱۲۰	مسارعت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]
honest dealing	۵۷	مساعدت
advance	۷۵	مساعده (اقت)
uncovered advance	۷۵	مساعده بدون وثيقه (اقت)
contract of lease of agricultural land	۸۵	مساقات
ways	۸۰-۳	مسالك
remission	۵۷	مسامحه
nightly chat; nightly conversation	۱۲۰، ۱۲۱	مسامره
equivalence	۴۰	مساوات
equality	۴۰۹۵	
equality	۱۵	
concomitance	۹۵	مساوقت
concurrence	۱۰۴	
indulgence	۱۲۰	مساھله
		مسایل ← مسائل
questions called by special names	۸۰	مسایل ملقبه (فقه)
problem	۵۳، ۹۴، ۹۵	مسأله

case	۲۵.۵۳	
discussion	۱۰۵	
question; issue	۵۳	
a case of law	۲۵	مسأله شرعی
problem of satisfiability	۹۴	مسأله صدق (منط.)
decision problem	۹۴	مسأله قطع (منط.)
responsibility	۹۵	مستولیت
causer	۲۱	مسبب
effect	۹۲.۱۱۱	
The Author of Causes	۲۱	مسبب الاسباب [صفت خداوند]
The Cause of Causes	۱۰۴	
glorifier of God		مسیح [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]
aware; preceded	۱۲۰	مسبق [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
outrun	۸۷	
intoxicated	۲۰.۱۰۳	مست
drunken	۱۰۳	
tenant	۷۵.۱۱۴	مستأجر (نیز ← اجاره)
lessee	۲۰	
rentee	۷۵	
eradicated; extirpated	۱۲۰	مستأصل
lease-holder	۴۲	
		مستأنف ← پژوهشخواه
		مستأنف علیه ← پژوهشخوانده
despot	۱۲۰	مستبد
perspicacious	۶۹	مستبصر
improbable	۱۲۰	مستبعد
the thing excepted	۶۵	مستثنیٰ (دس.)

that from which the exception is made	۶۵	مستثنیٰ منه (دس.)
responded to	۵۲	مستجاب (نیز ← اجابت ؛ استجابات)
one whose prayers are answered	۸۴	مستجاب الدعوه
initiated	۴۵	متسجیب [در فرقه اسماعیلیه]
recommended	۱۵.۸۵	مستحب
commendable	۸۰.۹۹	
desirable	۳۱.۴۵	
approved	۳۱	
praiseworthy	۲۳	
discretions	۲	مستحبات
new; novel; recent invention;	۱۲۱	مستحدث
modern product		
approved as good	۸۱	مستحسن
deserving; worthy	۱۲۰	مستحق
transmuted	۱۰۳	مستحیل
employee; servant	۱۲۰	مستخدم
latrine	۱۲۹	مستراح
water-closet	۱۲۶	
Turkish closet	۱۲۹	مستراح تخت [شرقی]
increment poem	۸۰.۴	مُستزاد [از انواع شعر]
caudate sonnet	۱۲۸	
mustazad or complemented	۲۶-۲	
diabetic	۵۲	مستسقی (نیز ← استسقا)
dropical; hydropic	۱۲۰	
secretary of state	۸۰	مستشار
Orientalist	۴۲.۱۲۱	مستشرق (نیز ← استشرق)
conscious	۱۱	مستشعر
		مستشفى ← بیمارستان؛ دارالشفاء

oppressed	۱۶،۱۰۰	مستضعف (قرآنی) [در قرآن مجید جمع سالم این کلمه به کار رفته است.]
abased	۱۰۰	
tyrannized	۱۶	
feeble	۸۷	
capable	۲۴	مستطیع
oblong; rectangular	۱۲۰	مستطیل
borrowed	۲۱،۱۲۰	مستعار
tenor	۱۲۸	مستعار له (بع.)
vehicle	۱۲۸	مستعار منه (بع.)
He whose help is sought for	۷	مستعان [المستعان] (اسم الهی) (قرآنی)
Arabicized	۴۵	مستعرب (نیز ← عرب)
Mozarebs	۴۲	مستعرب [مسیحیان اندلس]
superior	۱۶	مستعلی (نیز ← استعلاء)
elevated	۴۵	مستعلیه (تجوید)
resigned	۱۲۰	مستعفی
colony	۱۲۰	مستعمره
asking God's help	۱۲۰	مستعیناً بالله
rentable properties	۱۱۴	مستغلات
real property	۸۲-۵	
independent	۱۰	مستغیث ← غیاث المستغیثین مستغنی (کل.) (نیز ← غنی)
adapted	۹۲	مستفاد
disapproved as bad	۸۱	مُستقبح (نیز ← قبح)
future time	۶۵	مستقبل (دس.) (نیز ← استقبال)
habitation	۸۷	مستقر (قرآنی) (نیز ← استقرار)
sojourn	۱۰۰	

permanent	۸۰.۳	
self-sufficient	۱۰۸	مستقل (نیز ← استقلال)
right	۷.۸۷	مستقیم (قرآنی) (نیز ← صراط مستقیم)
direct	۱۱	
tyrant	۱۶	مستکبر (نیز استکبار)
forced	۹۰	مستکره (نیز ← اکراه)
intoxicating	۶۱	مست کننده (نیز ← مسکر)
imply	۹۴	مستلزم بودن (منط.)
annuity; benefit pension	۷۷	مستمری (نیز ← حقوق؛ شهریه)
colonies; possessions	۱۲۰	مستملکات
afflicted; needy; poor	۱۲۰	مستمند
warranted	۴۴	مستند
repository	۸۷.۱۰۰	مستودع (قرآنی)
depository	۸۰.۳	
hidden	۷	مستور (قرآنی)
occult	۱۱۷	
director of finances	۸۰	مستوفی (نیز ← استیفا)
chief accountant	۸۲-۵	
treasurer	۶۷	
controller general	۱۱۴	مستوفی الممالك
he who devotes himself to death	۲۱	مستهلك (نیز ← استهلاك)
amortize	۶۱	مستهلك کردن
drunkenness; intoxication	۱۰۳	مستی
mosque	۴۲.۱۰۰	مسجد (قرآنی) [معادل انگلیسی این کلمه، از اصل عربی آن گرفته شده است.]
house of worship; place of prayer	۱۱۳	

The Farthest Mosque	۸۰، ۱۱۲	مسجد الاقصى [= المسجد ۸۰، ۱۱۲]
		الاقصى] (قرآنى)
The Most Remote Mosque	۹۹	
The Farther Mosque	۱۹	
The Remote Mosque	۲۹	
mosque of piety	۴۲	مسجد التقوى
The Sacred Mosque	۲۹، ۸۰، ۱۰۹	مسجد الحرام [= المسجد الحرام]
		(قرآنى)
The Holy Mosque	۱۰۰، ۱۱۲	
Inviolable Place of Worship	۸۷	
The Prophet's Mosque	۳۸	مسجد النبى
Friday Mosque	۱۹، ۱۱۵	مسجد جامع
Great Mosque	۱۱۵	
The Principal mosque	۳۹	
cathedral mosque	۸۰-۵	
The Temple of Mecca	۳۱	مسجد شريف
mosque of dissension	۸۰	مسجد ضرار
registered	۶۱	مسجل (نیز ← سجل)
wipe the head with water	۲۱	مسح کردن سر
transform	۷	مسخ [مشتقى از اين كلمه در قرآن ۷ مجيد به كار رفته است.]
distortion	۱۶	
transform	۷	
deride	۱۰۰	مسخره کردن (نیز ← سخره)
Palm Fibre	۸۷	مسند [سوره]
Perish	۱۰۰	
hexagon	۱۲۹	مسدس [= شش ضلعى؛ شش ۱۲۹ گوشه]
prodigal	۱۶، ۸۷، ۱۰۰	مسرف (قرآنى) (نیز ← اسراف)

wasteful	۱۶.۲۴	
extravagant; lavish	۱۶	
infectious; contagious	۱۲۰	مُسری
prosperous; blessed; august	۳۱	مُسعود
place of running	۱۱۳	مُسعی
birthplace; home town	۱۲۱	مُسقط الرأس
musk	۷.۸۷	مِسْكَ (قرآنی) [=مَشْك] [معادل ۷.۸۷ انگلیسی و حتی یونانی این کلمه، از مَشْك پهلوی است. صورت قرآنی آن نیز متخذ از فارسی است. ولی محتمل است اصل فارسی متخذ از سانسکریت باشد.]
intoxicant	۳۱	مُسکر (نیز ← مست کننده؛ مخدر)
wretchedness	۸۷	مُسکنت (قرآنی)
coin ; coined	۱۲۰	مُسکوک (نیز ← سکه)
needy	۶۴.۱۰۰	مُسکین (قرآنی)
a man in need	۸۷	
indigent	۶۴	
coppersmith	۱۲۹	مُسگر
path; ideology	۴	مُسلك
form of thought	۱۲	
tenor	۱۰۳	
proof by way of judgement	۱۰۲	مُسلك تصدیق
proof by way of representation	۱۰۲	مُسلك تصوّر
submitting	۷	مُسْلِم (قرآنی) (نیز ← مسلمان)
one who submits himself (to God)	۸۸	
certain	۱۲۰	مُسْلَم
firm	۳۸	

presupposition	۹۵	
admissa	۹۷	مُسَلَّمات
Musulman	۳۱	مسلمان
Muslim [= Moslem]	۴	
Muslimdom	۱۴	مسلمانان (نیز ← اسلام)
unutilized	۶۱	مسلوب المنفعه (حق.)
consumptive; tuberculous	۱۲۰	مسلول (نیز ← سل)
multiple poem	۸۰-۴	مسمط (بع.)
stanzaic poem; stanzaic form;	۱۲۸	
stanzaic verse		
heared; plausible; accepted; valid	۱۲۰	مسموع
named	۱۱	مسمی
throne	۸۲-۵	مَسْنَد
predicate	۶۵.۱۲۸	مُسْنَد (دس.)
subject	۶۵.۱۲۸	مُسْنَدُالیه (دس.)
tooth-brush	۱۲۰	مسواک
draft; rough copy	۱۲۱	مُسَوْدَه [هم به تشدید واو درست است و هم به تشدید دال. پیش نویس، چرکنویس] مُسَوْدَه [= سیاه جامگان، پیروان ابومسلم خراسانی] مسیح (قرآنی)
Christ; Jesus Christ	۴۳	
Messiah	۴۱.۴۵.۸۷.۸۸.۱۰۰.۱۱۲	
false Messiah	۴۵	مسیح الدجال (کل.)
Christology	۱۱	مسیح شناسی (کل.)
Christian	۸	مسیحی (کل.)
Christianity	۲۹	مسیحیت (کل.)
overseer	۸۸	مسیطر (نیز ← مصیطر)
dry river	۷۴	مسیل (جف.)

ravine	۱۲۹	
Musailameh the imposter	۴۲	کذاب
Peripateticist	۱۱	مشائی [ارسطویی]
Peripatetics	۴۳.۵۶	مشائیان [مشائین]
Peripateticism	۹۳	مشائیّه [= حکمت مشاء]
debate	۴	مشاجره [مشتقی از این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
	۶۱	مشاجره کردن
altercate	۱۲۱	مشارُالیه [= المشارُالیه]
aforementioned; aforesaid	۵۷	مشارطه (نیز ← شرط)
preconditioning	۱۰۴	مشارکت (نیز ← شرکت)
cossharing	۸۵	مشاع
joint ownership	۶۱	
held in undivided shares	۴۴	
public	۶۹	مشاعر ظاهر (نیز ← مشعر)
external sense-areas	۸۰.۲.۱۲۰	مشاعره
poetical contest	۱۲۰	مشاور (نیز ← تشاور؛ شوری)
counsellor	۸۰.۱۰۸	مشاهده
vision	۱۱	
observation	۲۱	
contemplation	۹۲	
witness	۱۲۱	مشاهره [= شهریه]
monthly salary	۳۱	مشاهیر
celebrities	۱۲۰	مشایخ (نیز ← شیخ)
elders; chiefs	۲۱	
Sufi shaykhs	۱۰۹	
religious scholars	۳۱.۱۲۰	مشایعت
escorting accompanying	۷۸	مشبک کاری (هند.)
latticework; openwork	۲۱.۱۱۳	مُشبّه (نیز ← مُجَسَّمه)
Anthropomorphists		

likeners	۱۰	
comparers	۷۹	
those who assert God's immanence	۱۰۳	
longing lover	۱۰۳	مشتاق
dubious; ambiguous	۱۲۰	مشتبه
conditional	۸۰-۴	مشرطه (مق. محتوم)
common	۹۵، ۱۱۷	مشارك
shared	۹۸	
jointly	۶۱	مشاركاً (حق.)
joint ownerships	۴۲	مشاركات [در مالکیت]
equivocal	۱۰۵	مشاركه
Jupiter	۳۶	مشری (نجم.) [= برجیس]
inflamed; aflame	۱۲۰	مشتعل
occupied; employed; busy	۱۲۰	مشتغل
derivative	۶۵	مشتق (دس.)
accused; complained of	۱۲۳	مُشتکی علیه (حق.)
laden	۷، ۸۷	مشحون (قرآنی)
nature; temper; humour	۳۱	مشرَب
disposition	۳۴	
drinking place	۱۰۰	مشرَب (قرآنی)
projecting; overlooking	۱۲۶	مُشرف
honored	۱۲۰	مُشرَف
east	۷	مشرق (قرآنی)
orient	۱۳	
polytheist	۳۱، ۸۴، ۸۸، ۱۰۶	مشارك (قرآنی)
idolater	۳۱، ۸۷، ۱۰۰	
associater	۱۰، ۸۸	
pagan	۳۱	
idolatress	۱۰۰	مشرکه (قرآنی)

1. irrigated; watered	۱۲۰	مشروب [۱. آبیاری شده ۲.]
2. alcoholic drink		آشامیدنی الکلی
conditioned	۹۵.۹۷.۱۱۷	مشروط (نیز ۷ شرط؛ اشتراط)
conditional	۱۱	
special conditioned	۹۷	مشروطه خاصه (منط.)
general conditioned.	۹۷	مشروطه عامه (منط.)
Constitutionalism	۲۷	مشروطیت
lawful	۴	مشروع (نیز ۷ شرعی)
recognized by the law	۸۵	
keeping with the law	۴۵	
wit; intelligence	۱۲۰	مَشْعَر (نیز ۷ مشاعر)
denoting; indicating	۱۲۰	مُشْعَر
Sacred Monument	۵۳.۸۷.۱۱۳	مشعر الحرام (قرآنی) [= المشعر الحرام]
Holy Waymark	۱۰۰	
fearful		مشفق [جمع سالم این کلمه در ۷ قرآن مجید به کار رفته است.]
drill; exercise	۱۲۰	مشق
hardship	۲۵	مشقت
musk	۸۰.۴.۱۲۰	مُشْكَ [تلفظ و املاي قرآنی این کلمه مِسْكَ است.] (نیز ۷ مسك)
water-skin; leathern bag	۱۲۰	مشك
niche	۶.۷.۸۰.۸۷.۱۰۳	مشكات (قرآنی) [= مشكوة]
lampniche	۵۶	
lamp	۳۴	
the niche for lights	۸۰.۵	مشكات الانوار
lamp-niche of prophecy	۵۶	مشكات النبوه
doubtful	۹۷	مَشْكَك
equivocal	۹۵	

analogous	۹۲.۱۱۱	
difficult; difficulty	۱۲۰	مُشکل
thanked	۱۰۰	مشکور (قرآنی)
rewarded	۲۱	
		مشکوة ← مشکات
containted; in cluded	۱۲۰	مشمول
barred by statute	۶۱	مشمول مرور زمان (حق.)
consultation	۴	مشورت (نیز ← مشاوره؛ شوری)
consult	۳۹	مشورت کردن
take counsel	۴	
tomb- sanctuary	۴۵.۵۳	مشهد
sanctuary	۸۰	
witnessed	۷.۸۷	مشهود (قرآنی)
observed; observable	۴۴	
well-known	۲۸.۸۳	مشهور (حد.)
generally received	۸۰	
indemonstrable	۹۸	مشهور (منط.)
generally accepted	۴۲	
dominant	۸۶	مشهور (فق.)
ill-omened; unfortunate	۱۲۰	مشتوم
(Divine) will	۱۱.۴۲.۸۰.۹۰.۱۰۳	مشیّت (کل.)
sovereign will	۸۰	
providence	۴۴.۲۹	
Divine will	۱۱.۱۰۴	مشیّت الهی
Divine providence	۲۹	
will of God	۱۱	مشیّت خدا
supreme providence	۲۹	مشیّت مطلقه
keeping company	۶.۷	مصاحبت [مشتقات این کلمه در
		قرآن مجید به کار رفته است.]

friendly relations	۱۱۴	
sources	۸۰-۵	
confiscation	۶۱، ۸۰، ۹۹، ۱۲۱	مصادره (حق.)
postulate	۴۰، ۹۵	مصادره (منط.)
<i>petitio principii</i>	۱۱، ۹۵، ۱۱۷، ۱۲۸	مصادره به مطلوب (منط.)
reasoning in a circle; begging the question	۱۱	
petition of principle	۴۰	مصادره به مطلوب اول
shaking hands	۴۲	مصافحه [= دست دادن به هنگام درود و بدرود] (نیز ← معانقه)
hand clasp	۸۰-۵	
interests	۴، ۵، ۲	مصالح
expedients	۱۵	
compromise; conciliation	۶۱	مصالحه (نیز ← صلح)
castles	۱۰۰	مَصَانِع (قرآنی) [= كوشك، حصار] مِصَاهِرَت (نیز ← صِهْر)
estuary	۱۲۹	مصب [ارود]
lamp	۷، ۸۷	مصباح (قرآنی)
torch	۳۴	
lighted wick; candle	۱۰۳	
corrector of copied manuscripts	۸۰-۵	مصحح
editor	پ	
sacred volume	۱۰۶	مُصْحَف (نیز ← صُحُف)
written text	۱۱۳	
scriptural scrolls	۸۰-۴	
The perspicuous book	۳۱	مُصْحَف ناطق [کنایه از حضرت علی (ع)]
misspelled; misread; incorrectly written	۱۲۰	مُصْحَف [= تصحیف شده]
extention	۱۷	مصدق (منط.)

referent of a concept; denotation expansion	۱۰۲	
aspect	۱	
applicability	۶۱	مصدق (حق).
prove applicable	۶۱	مصدق پیدا کردن
infinitive	۶۵، ۱۲۸	مصدر (دس).
certified	۶۱	مصدق [تصدیق شده]
confirming	۶۴، ۸۷	مصدق [تصدیق کننده] (قرآنی)
confirmer	۶	
Egypt	۴، ۷، ۸۷	مصر (قرآنی)
half; hemistich	۸۰	مصرع؛ مصرع (عر).
consumption	۱۶، ۷۵	مصرف (اق).
platform	۱۲۶	مصطبه
The Chosen One	۵۲	مصطفی [لقب حضرت رسول (ص)]
technical terms	۳۱، ۸۰	مصطلحات
idioms; idiomatical terms	۳۱	
diminutive	۱۲۰، ۱۲۸	مُصغَر
reformer	۴	مُصلِح (قرآنی) نیز ← اصلاح
common good	۴۵، ۸۰	مصلح (نیز ← مجدد)
public interest	۸۵، ۱۰۹	مصلحت
notion of the public interest	۸۶	
general interest	۱۱۳	
expediency	۲۷	
demands of the moment	۱۲	مصلحت وقت
pragmatism	۱۱	مصلحت گرایی [= صلاح عملی؛
exposed on a gibbet	۴۵	استصلاح]
crucify	۶	مصلوب [مشتقاتی از این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]

place of prayer	۷.۶۴.۸۷	مصلیٰ (قرآنی)
oratory	۱۴.۸۰	
praying one	۷	مُصلی (قرآنی) [= نمازگزار]
prayer carpet	۸۰.۲	
author ; composer	۱۲۰	مصنّف
written; composed	۱۲۰	مصنّف
approved sanctioned	۱۲۰	مُصوّب
vowel	۱۲۰.۱۲۸	مُصَوِّت
The Shaper	۱۰۰	مُصَوِّر [المُصَوِّر] (اسم الهی) (قرآنی)
The Fashioner	۴۲.۸۷	
The Maker; The Organizer	۸۰	
The Painter	۱۱	
imagination; representative faculty	۹۳	مُصَوِّرَه (فـلـ).
immunity	۶۱	مُصَوْنِیت
the truth	۸۰-۵	مُصِیب
affliction	۴.۱۸.۱۰۰	مُصِیْبَت (قرآنی)
disaster	۸۷	
misfortune; tragedy	۴	
calamity	۷۳	
book of affliction	۱۸	مُصِیْبَت نامه
journey's end	۸۷	مُصِیر (قرآنی)
homecoming	۱۰۰	
authority	۱۰۰	مُصِیْطِر [قرآنی؛ قیاساً املای این کلمه با «سین» به صورت مُسیطِر درست است ولی سنتاً در مُصاحف قدیم و جدید با صاد نوشته اند.]

last couches	۱۰۰	مضاجع (قرآنی)
bed fellowship	۱۲۱	مضاجعه
limited partnership	۱۲۱	مضاربه
partnership	۵۴	
bailment of a capital	۶۱	
jussive of the imperfect	۶۵	مضارع مجزوم (دس.)
imperfect indicative	۶۵	مضارع مرخوم (دس.)
subjunctive of the imperfect	۶۵	مضارع منصوب (دس.)
correlation	۹۲، ۱۰۲	مضاف (منط.)
real correlation	۱۰۲	مضاف حقیقی
correlation as commonly understood	۱۰۲	مضاف مشهوری
the annexed; the determining noun	۶۵	مضاف (دس.)
determinatum; determined	۱۲۸	
noun in the genetive case	۱۲۰	مضاف الیه (دس.)
that to which annexation is made	۶۵	
determinant; determiner	۱۲۸	
correlation	۱۱۱	مضافت
poetical ideas	۸۰-۲	مضامین شعری
correlate	۹۸	مضایف (منط.)
sleeping place; bed	۱۲۰	مضجع [جمع مکسر این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← مضاجع)
beaten person	۶۱	مضروب (حق.)
constrained	۸۰، ۱۰۰	مضطرب (قرآنی)
compelled; driven by necessity	۸۷	
implicit thing	۱۰۲	مضمّر (منط.)
rinsing	۱۲۰	مضمضه
content	۹۵	مضمون
bail; pledge	۴۵	مضمون (فق.) [مق. ضامن]

thing pawned	۸۰-۵	مضمون به (فق.)
debter	۸۰-۵	مضمون عنه (فق.)
creditor	۸۰-۵	مضمون له (فق.)
narrowed	۲۸	مضيق [در اصول]
predicament	۱۰۸	
obeyed	۷، ۱۰۰	مطاع (قرآنی)
press claims	۹۹	مطالبه
study	۱۱، ۱۲۰	مطالعه
jesting; joking	۱۲۰	مطایبه
kitchen	۱۲۰	مطبخ
printing house	۱۲۰	مطبعه
stratified	۹۴	مطبق (منط.)
press	۱۲۰	مطبوعات
printed matters; literature	پ	
rain	۷، ۸۷	مطر (قرآنی)
musician; minstrel	۱۲۰	مُطرب
rejected	۸۰-۵	مُطرح
generalised	۸۰-۵	مُطرَد
lop-sided	۲۶	مُطرَف [نوعی نثر مسجع]
reprobate	۲۱	مطرود
rejected; expelled; banished	۱۲۰	
The Stinters	۸۸، ۱۰۰، ۱۱۲	مطففين [سوره]
The Defrauders	۷	
Defrauding	۸۷	
gilt	۱۱۶	مطلاً (جل.) (نیز ← مذهب)
gilding	۷۸	مطلاکاری (هند.)
subject; matter	۱۲۰	مطلب
rising place (time)	۸۷	مطلع (قرآنی) [= محل طلوع]
opening lines; firstline (of a poem)	۸۰، ۱۲۸	مطلع (بع.)

opening verses	۱۲۸	
double-rhymed matla' (= opening lines)	۲۶،۲	مطلع ذوقافیتین (بع.)
informed; aware	۱۲۰	مطلع [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]
absolute; general	۴۲	مطلق
divorced woman	۴۲	مطلقه (نیز ← طالق)
absoluteness	۱۱	مطلقیت
sought	۸۷،۱۰۰	مطلوب (قرآنی)
that which is sought	۱۰	مطلوب (کل.)
sought	۲۱،۲۲	
question	۹۷	مطلوب (منط.)
quest	۶۹	
thesis	۱۰۸	
quaesitum	۹۸	
true quest	۶۹	مطلوب حقیقی
at rest	۷،۱۰۰	مطمئن (قرآنی)
high-sounding	۲۷	مطنطن
Pilgrim guide	۴۵	مطوف [= راهنمای طواف]
purified	۶،۱۰۰، ۱۰۳	مطهر [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]
purifying agents	۲۰	مطهرات
obedient	۴	مطیع (نیز ← اطاعت)
complaints	۸۶	مظالم
grievances	۸۰-۵	
tyrannies	۵۲	
oppression; wrongdoing	۸۲-۴	
unjustly	۷،۱۰۰	مظلوم (قرآنی)
oppressed	۲	
being oppressed	۱۲	مظلومیت

presumptions	۹۷	مظنونات
prmisses supposedly true	۴۰	
quotation	۷۵	مظنه (ا.ق.)
opinion; conjecture	۱۲۰	مظنه [= ظن] (در اصول فقه)
quote	۷۵	مظنه دادن (ا.ق.)
manifestation	۴.۸۰.۱۱۳	مظهر
epiphany	۹۶	
theophany	۱۲	
phenomenon	۳۴	
reproach	۲۱	معاتبه [معاتبه]
continuous reproach	۵۷	
wrath; reprimand	۲۵	
resurrection	۱۵.۸۰.۹۳.۹۹.۱۰۴.۱۰۹	معاتبه به معاتبه معاد [این کلمه در قرآن مجید به معنای بازگشت و بازگشتگاه به کار رفته است، نه به معنای اصلی از اصول عقاید و دین و مذهب]
return to God	۸۰-۳	
life to come	۲۲	
resurrection of the body	۹۳	معاد جسمانی
eschatology	۴۲.۹۵	معادشناسی
equivalence	۹۴	معادله (منط.)
God forbid; God be my refuge	۱۰۰	معاذالله (قرآنی)
I seek refuge in Allah	۸۷	
excuses	۷.۸۷	معاذیر (قرآنی)
The Stairways	۸۸.۱۰۰	معارض [سوره]
The Ascending Stairways	۸۷	
The Ways of Ascent	۷	
interferer; opponent	۱۲۰	معارض

interference	۶۰	معارضه
antilogy	۹۵	
argument	۱۰۵	
sciences	۱۲.۳۱	معارف
disciplines	پ	
sorts of knowledge	۳۱	
gnostic knowledge	۸۰-۴	
Islamic sciences and culture	۱۲	معارف اسلامی
Islamic education	۴	
Divine Sciences	۱۲	معارف الهیه
Quranic wisdom	۱	معارف قرآنی
universal knowledge	۶۹	معارف کلی
livelihood	۱۰۰	معاش (قرآنی)
ways of making a living	۹۹	
offer	۸۶	معاشر ← معشر
exemption	۶۱	معاطاة
punishment	۵۷.۸۷	معافیت (حق.)
		معاقبه [مشتقات این کلمه در قرآن
		مجید به کار رفته است.]
medical treatment; heling; curing	۱۲۰	معالجه
principal features of religion	۱۰۹	معالم الدین
social relationships; human relations;		معاملات
usages and customs; matters of		
law in strict sense	۸۰	
rules of conduct	۱۴	
civil and legal matters	۴۵	
transaction	۴۲.۸۵.۹۲.۱۱۱	معامله [داد و ستد]
barter	۳۰	معامله پایاپای [مبادله]
time bargain	۷۵	معامله سلف

dealing in futures	۶۱	
unauthorized transaction	۶۱	معامله فضولی
credit transaction	۷۵	معامله نسیه
spot trading	۷۵	معامله نقد
bargainer	۶۱	معامله گر
obstinate	۱۰۹	معاند (نیز ← عناد)
obstinate opposition	۴۵	معاندت [معانده]
embracing	۳۸	معانقه (نیز ← مصافحه)
concepts	۸۰	معانی (نیز ← علم معانی)
meanings	۹۷	
simple meanings	۹۷	معانی مفرده (منط.)
exchange	۱۲۰	معاوضه
interchange	۷۵	
exchange of monetary assets	۸۵	معاوضه مالیّه
assistant	۶۱	معاون
abettor; accessory	۶۱	معاون جرم
Scriptuaries	۸۰-۵	معاهدون [اهل الذمه]
protégés in accordance		
within an agreement	۴۵	
examination in spection	۱۲۰	معاینه
temple	۲۹	معبد
passage	۱۲۰	مَعْبَر
pass; gallery		
interpreter of dreams	۲۲، ۱۲۰	مَعْبَر (نیز ← تعبیر رؤیا)
deity	۷۹	معبود
object of worship •	۱۰۳	
addicted	۶۱	معتاد (حق.)
reputable; creditable	۱۲۰	معتبر
aggressor; transgressor	۸۷	مُعْتَد (قرآنی)

moderate; temperate	۱۲۰	معتدل
Mu'tazilites	۲۶، ۱۰۳	معتزله
Mu'tazilah	۹۹	
Separatists	۱۰	
Mutazilaism	۱۱	معتزله گرایى [آیین معتزله] (نیز ← ۱۱)
		اعتزال)
believer	۱۱	معتقد
		معتكف ← اعتكاف؛ عاكف
confidant; trusty person; worthy of	۲۵	معتمد
confidence		
reliable	۶۱	
considerable	۱۲۰	معتنابه
miracle	۴۲، ۴۵، ۱۰۹، ۱۱۳	معجزه [متراذف قرآنى این کلمه آیه یا بینّه است. به این شرح که کلمه معجزه در قرآن به کار نرفته و یکی از معانى کلمه «آیه» یا بینّه معجزه است.]
evidentiary miracle	۲۱، ۱۰۶	
prophetic miracle	۲۱، ۱۰۳	
wonder	۱۰۷	
dictionary; lexicon	۱۲۱	معجم
arranged alphabetically	۸۰-۵	
concoction	۷۳	معجون
electuary	۸۰-۴	
average	۱۲۰	معدل [= میانگین]
celestial equator	۳۶	معدل النهار (نجم.)
equator	۱۰۷	
justice	۱۰۳	معدلت (نیز ← عدل)
mine	۱۲۰	معدن

mineral	۱۲۹	معدنی
appointed	۷.۱۰۰	معدود (قرآنی)
numbered	۱۲۰	
things that can be counted	۸۵	معدود متقارب
silent; mute	۱۲۸	معدولہ (دس.) [= غیر ملفوظ]
non-existent	۱۰.۴۵.۷۶.۱۰۳	معدوم (کل.) (نیز ← عدم)
annihilated	۸۰.۱۰۵	
non-existing	۱۰۶	
stomach	۱۲۰	معدہ
tormented	۵۶	مُعَذَّب (قرآنی)
excuse	۷.۸۷	مُعَذْرَة (قرآنی)
excused	۲۱	مُعْذَر (نیز ← عذر)
ascension	۳۴.۴۵.۵۶.۸۲.۹۰.۱۰۶	مِعْرَاج (نیز ← اسراء)
ascent	۴۲.۴۵	
Mohammad's ascension to Heaven	۴۵	
nocturnal ascent	۴۲	
bodily ascension of the Prophet	۴	مِعْرَاج جسمانی
ascension to (spiritual) realities	۱۰۳	مِعْرَاج حقایق
declinable	۲۸.۱۲۸	مُعْرَب (دس.)
Arabicized	۱۲۰	مُعْرَب
definiens	۱۱.۹۷.۱۲۸	مِعْرَف (منط.)
definiendum	۱۱.۹۴.۱۲۸	
definitum	۹۷	
gnosis	۴۵.۵۸.۸۰.۹۰.۹۹.۱۱۸.۱۱۹	مِعْرِفَت (نیز ← عرفان؛ علم)
cognition	۱۰.۴۵.۹۵.۱۰۶	
gnosis of God; inner knowledge;	۸۰	
acquaintance		
knowledge	۲۲.۹۹	
knowing	۶	

superior knowledge; higher knowledge	۱۱	معرفت اشرف [معرفت اعلیٰ]
knowledge about the Imam	۶	معرفت اعلیٰ ← معرفت اشرف
knowledge of men	۴۵	معرفت الامام
inner knowledge of the soul	۵۶	معرفت الرجال
knowing mastership	۶	معرفت النفس (نیز ← علم النفس)
human knowledge	۱۱	معرفت الولاية
esoteric knowledge	۱۱	معرفت انسانی
mediate knowledge	۱۱	معرفت باطنی [معرفت خفی]
self-evident knowledge; axiomatic knowledge	۱۱	معرفت باواسطه [معرفت حصولی]
exoteric knowledge	۱۱	معرفت بدیهی
inferior knowledge	۱۱	معرفت جلی [معرفت ظاهری]
knowledge of the essence	۲۲	معرفت حصولی ← معرفت باواسطه
knowledge of God's essence;	۲۲	معرفت خفی ← معرفت باطنی
knowledge of divine essence	۲۲	معرفت دانی
spiritual illumination	۳۴	معرفت ذات
intuitive knowledge	۳۷	معرفت ذات خدا
knowledge of attributes	۲۲	معرفت روحانی
cognitional gnosis	۲۱	معرفت شهودی
direct knowledge	۱۱	معرفت صفات
absolute knowledge	۱۱	معرفت علمی
relative knowledge	۱۱	معرفت مباشر [معرفت مستقیم]
	۱۱	معرفت مستقیم ← معرفت مباشر
	۱۱	معرفت مطلق
	۱۱	معرفت نسبی [علم اضافی]

revealed knowledge	۱۱	معرفت وحی شده [علم]	تأییدی
certain knowledge	۱۱	معرفت یقینی	
gnosiology	۱۱.۹۵	معرفت شناسی [= علم المعرفه، شناخت شناسی]	
epistemology	۴۴.۹۵		
defined noun	۶۵	معرفه (دسـ.)	
definite	۱۲۸		
determinate noun	۲۸		
letter of introduction	۶۳	معرفی نامه	
mosaics	۱۲۹	معرق (معمـ.)	
leather applique work	۱۱۶	معرقکاری (جلـ.)	
mosaic work	۷۸	معرقکاری (هندـ.)	
mosaics	۱۲۹		
kindness	۶۴	معروف (قرآنی) [مقد. منکر]	
virtue	۲.۲۰		
honour	۱۰۰		
known	۳۴	معروف [مشهور]	
well-known	۹۲		
The Honourer	۴۵	مِعَزَّ [المعزَّ] (اسم الهی)	(غیر قرآنی)
The Honour- Bestower	۴۲		
licit magician	۴۵	معزَّم (علوم غریبه)	
banished	۸۷	معزول [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	
dismissed (from office)	۲۵		
expelled	۱۰۰		
deposed	۶۱		
expel	۶	معزول کردن	

insolvent	۶۱	مُفسِر (حق).
a tenth	۷،۱۰۰	مِئْثَار (قرآنی) [= ده يك ، يكدهم]
community	۱۰۳	مَعْشَر (قرآنی) [گروه]
beloved	۱۱،۹۲	مَعشوق (نیز ← عاشق، عشق)
loved one	۱۰۳	
Eternal Beloved	پ	مَعشوق ازلی [کنایه از خداوند]
infallible	۴۵،۸۵	مَعْصُوم (نیز ← چهارده معصوم)
inerrant	۵۸،۸۰	
immaculate	۹،۱۰۳	
preserved from sin; immune	۸۰	
from sin and error		
sinless	۲۱	
innocent	۲۷	
immaculacy; immaculateness	۹	مَعْصُومِيَّت (نیز ← عصمت)
impeccability	۱۱	
inerrancy; infallibility	۴۴	
disobedience	۷،۲۲،۸۰،۸۷،۱۱۸،۱۱۹	مَعْصِيَّت (قرآنی) (نیز ← عصیان)
disobedience to God	۴۷،۸۰	
act of disobedience	۳۱،۸۱،۱۱۰	
sin	۳۱،۹۶	
sinfulness	۲	
transgression	۱۱۰	
disobey God	۲۳	
aporia	۹۵	مَعْصِيَّت کردن
idle	۵۲	مَعْضَلَه
The Giver	۴۲،۴۵	مَعْطَل
		مَعْطَى [المعطى] (اسم الهی)
		(غیر قرآنی)
intelligible	۳۷،۵۶،۹۲،۹۵،۹۸،۱۰۴،۱۰۸	مَعْقُول
philosophical	پ	

rational	۸۱	
intellectual	پ	
mental phenomena	۷۱	معقولات [مقد. منقولات]
intellectual concepts	۱۰۵	
religious and foreign sciences	۸۰-۲	معقول و منقول
philosophical and traditional sciences	پ	
reversed	۱۲۰	معکوس
converse	۱۱	
caused; effected	۱۲۰	مُعَلَّل
The First Teacher (Aristotle)	۸۰	معلم اوّل [ارسطو]
Stagirite [Aristotle]	۱۳	
The «Second Teacher» [= Alfarabius]	۱۳	معلم ثانی [فارابی]
effect	۱۲.۳۷.۹۵.۹۸.۱۰۲.۱۰۶.۱۰۸	معلول [مقد. علت] (منط.)
caused	۱۱.۱۰۲	
caused thing	۱۰	
thing caused	۸۰-۳	
consequence	۱۱۱	
first caused	۸۰	معلول اوّل (فل.)
inseparable effect	۹۸	معلول غیر مفارق (منط.)
assumed effect	۱۲	معلول مفروض
causedness	۸۰.۳	معلولیت
known	۷	معلوم (قرآنی)
object of knowledge	۸۰.۱۰۸	
object known	۸۰	
ascertainable thing	۱۸	
declarative notions	۹۷	معلومات تصدیقی (منط.)
apprehensional notions	۹۷	معلومات تصوّری (منط.)
alliteration; initial rhyme; parimion	۱۲۸	مُعَلّی (عروض)

riddle	٢٦-٢	معنّا [از انواع شعر] (بع.)
bricklayer; builder	١٢٩	معمار
architect	١٢٠، ١٢٩	
architecture	١٢٠	معماری
long-lived men	٨٠-٥	معمّرون
cultivated	٩٩	معمور
inhabited region	٤٢	معموره
idea	٩٢، ١١١	معنا [معنی]
meaning; intention	٤٢، ١٢٨	
sense	١٢٨	
reality	١٠٣	معنا [مق. صورت]
connotation	١٢٨	معنی اصطلاحی
essential idea	٩٢	معنای ذاتی
general idea	٩٢	معنای عام
spiritual	٩	معنوی
in idea	٤٥	
semantics	٤٦	معنی ← معنا
help; aid; assistance; succor	١٢١	معنی شناسی
agreed	٦١	مَعُونَه
simultaneous	١١	معهود (حق.)
criterion	٤	معی [همبود]
standard	٧٥	معیار
norm; rate of dosage	١٢٩	
simultaneity	١١	معیت [همبودی]
coextension	١٠٨	
The Restorer	٤٢، ٤٥	مُعِيد [المُعِيد] (اسم الهی)
		(غیر قرآنی)
He who resuscitates	٨٠	

life	۷.۸۷	معیشت (قرآنی) [نیز ← معاش]
livelihood	۲.۹۹	
sustenance	۱۵	
means of living	۲	
assistant; helper; supporter	۱۲۰	مُعین
determinate	۱۱.۹۵	مُعین (نیز ← عین؛ تعین)
determined	۱۱	
specified	۲۸	
		مُعین ← ماء معین
defective	۶۱	معیوب (نیز ← عیب)
magus	۱۱	مغ (نیز ← مجوس؛ زرتشتی)
gouge	۱۱۶	مغار (جلد.)
wood chisel	۱۲۹	مغار (معد.)
caves	۷	مغارات (قرآنی) [= غارها]
caverns	۸۷	
accounts of the early battles of Islam	۱۱۳	مغازی (نیز ← غزا؛ جہاد)
fallacy	۱۱.۹۷.۱۲۸	مغالطہ (نیز ← مغلطہ؛ سفسطہ)
sophistry	۱۰۲	
sophism	۱۰۵	
fallacy of accent	۱۲۸	مغالطہ احوال عرضی لفظ
fallacy of equivocation	۱۲۸	مغالطہ اشتراک جوہر لفظ [=]
		مغالطہ بہ اشتراک اسم]
fallacy of ambiguous major;	۱۲۸	مغالطہ اشتراک حد اصغر
fallacy of illicit process of		
the major		
fallacy of ambiguous middle;	۱۲۸	مغالطہ اشتراک حد اوسط
fallacy of illicit process of		
the middle		
fallacy of four terms	۱۲۸	مغالطہ اطراف الاربعہ

<i>adicto secundum quid ad dictum</i>	١٢٨	مغالطة ايهام انعكاس
simpliciter fallacy of converse accident		
fallacy of vicious circle	١٢٨	مغالطة تركيب فاسد
fallacy of division	١٢٨	مغالطة تركيب مفصل
fallacy of <i>argumentum ad hominem</i>	١٢٨	مغالطة تشنيع بر مخاطب
fallacy of composition	١٢٨	مغالطة تفصيل مركب
fallacy of rigged questions	١٢٨	مغالطة جمع المسائل في مسألة
fallacy of many questions	١٢٨	
fallacy of denying the consequent	١٢٨	مغالطة رفع تالى
fallacy of denying the antecedent	١٢٨	مغالطة رفع مقدم
fallacy of <i>a dicto simpliciter ad dictum secundum quid</i> ;	١٢٨	مغالطة سوء اعتبار حمل
fallacy of <i>secundum quid</i> ;		
fallacy of accident		
fallacy of false cause; fallacy of <i>post hoc ergo propter hoc</i>	١٢٨	مغالطة سوء تأليف
fallacy of non sequitur	١٢٨	مغالطة عدم اللزوم بالتبع
fallacy of begging the question;	١٢٨	مغالطة مصادره بر مطلوب
fallacy of <i>petitio principii</i>		
logical fallacy	١١	مغالطة منطقي
fallacy of amphiboly; fallacy of ambiguity	١٢٨	مغالطة نفس تركيب
fallacy of affirming the consequent	١٢٨	مغالطة وضع تالى
fallacy of <i>non causa pro causa</i>	١٢٨	مغالطة وضع مالىس بعلة علة
fallacy of affirming the antecedent	١٢٨	مغالطة وضع مقدم
fallacious	١١	مغالطة آميز [= مغالطى]
		مغالطى ← مغالطة آميز
magi	١١	مغان

spoils	۸۷	مغانم (قرآنی) (نیز ← غنیمت)
gain	۷	
otherness	۱۰	مغایرت (کل.)
young Magian	۵۵، ۸۰	مغبیجه
young tavern-keeper	۱۲۰	
defrauded	۳۱	مغبون (نیز ← غبن؛ تغابن)
let in	۶۱	مغبون کردن (حق.)
victimization	۱۶	مغبونیت
west	۷، ۸۷	مغرب [مقد. مشرق]
occident	۱۳	
Megrez	۳۶	مغرّز (نج.)
dept	۷، ۸۷	مغرّم (قرآنی) [= تاوان]
haughty	۴	مغرور (نیز ← غرور)
deceived		
disfavored	۱۲۰	مغضوب (قرآنی)
forgiveness	۶۴، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۱۰۰، ۱۰۶	مغفرت (قرآنی) (نیز ← غفران؛ استغفار)
pardon	۸۷، ۱۰۰	
casuistry	۲۷	مغلطه (نیز ← مغالطه)
labyrinth	۳۱	
jabber	۳۱	مغلطه کردن
overcome	۷	مغلوب (قرآنی) (نیز ← غلبه؛ غالب)
vanquished	۸۷، ۹۹	
The Enricher	۴۵، ۸۰	مُغنی [المُغنی] (اسم الهی) (غیر قرآنی) (نیز ← غنی)
The Sufficer	۴۵	
singer; musician	۱۲۰	مُغنی
magian	۱۱	مُغنی

mysteries; secrets; hidden things	۱۲۰	مُغِيبَات
acacia-tree	۲۵	مُغِيلَان
keys to the Gardens of Paradise	۷۹	مِفَاتِيحُ الْجَنَان
keys of wisdom	۶	مِفَاتِيحُ الْحِكْمَةِ
keys of sacred knowledge	۴۲	مِفَاتِيحُ الْغَيْبِ [در قرآن مجید: ۴۲ مِفَاتِحُ الْغَيْبِ]
keys of the mystery	۸۰-۲	
keys of the unseen	۷۰۵۶	
boasting	۴۲	مِفَاخِرُهُ (نیز ← فخر)
purport; sense; contents	۱۲۰	مِفَاد
separable [accident]	۹۷	مِفَارِقُ (منط.)
immaterial	پ	مِفَارِقُ (فل.)
separate substances	۱۳	مِفَارِقَات
inequality	۱۰۸	مِفَاضِلُهُ
unlimited mercantile partnership	۸۵	مِفَاوِضُهُ
key	۱۲۰	مِفْتَاح
key of Paradise	۳۸.۴۲	مِفْتَاحُ الْجَنَان
		مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ ← مِفْتَاحُ الْجَنَان
opener of doors	۱۲۰	مِفْتَاحُ الْأَبْوَابِ [اشاره به خداوند]
accusant	۶۱	مِفْتَرِي (نیز ← افترا)
inspector	۸۰-۵	مِفْتِش (نیز ← تفتیش)
commensurable	۲۸	مِفْتُوح (حس.)
taken by force	۱۲۱	مِفْتُوحُ الْعُنُوتِ [= سرزمینهای که مجاهدان اسلام به نیروی نظامی فتح کرده اند]
demented	۸۷.۱۰۰	مِفْتُون (قرآنی)
jurisconsult	۳۷.۸۶	مِفْتِي (نیز ← فتوا، افتاء؛ استفتاء)
canon lawyer	۵۰	
jurist; expounder of law	۴۲	

mufti	۸۳	
flee	۷,۸۷,۱۰۰	مَفْرَّ (قرآنی)
simple	۶۵	مفرد [مق. مرکب] (دس.)
singular	۶۵	مفرد [مق. جمع] (دس.)
single elements	۸۰,۴	مفردات
bronze; gun metal	۱۲۹	مفرغ
supposed; assumed; granted	۱۲۰	مفروض
hypothetical	۱۰۸	مفروضہ (نیز ← فرض، فرضی)
corrupter	۱۶,۸۷	مفسد (قرآنی) (نیز ← فساد)
mischief-maker	۷	
mischief monger	۱۶	
	۸۷	
malfactor	۵۲	
corrupting (or causing disorders) on Earth	۲۷	مُفسد فی الارض
harm; corruption; evil	۵۳	مُفسدہ (نیز ← فساد)
depravity	۱۵	
inexpediency	۲۷	
commentator; expositor; interpreter	۳۱	مفسّر (نیز ← تفسیر)
articulation; hinge; joint	۱۲۹	مفصل [مفصلبندی]
detailed	۱۲۰	مفصّل (قرآنی) (نیز ← تفصیل)
fully explained	۸۷	
plain	۷	
object	۱۲۸	مفعول (دس.)
accusative; direct object	۱۲۸	مفعول با واسطہ (دس.)
cognate object	۱۲۸	مفعول بیواسطہ
accusative of time and place;	۶۵	مفعولُ فیہ (دس.)
that in which the act is done		
an accusative; that on account	۶۵	مفعولُ لہ (دس.)
of which something is done		

direct object	۲۸	
the absolute object	۶۵	مفعول مطلق (دس.)
cognate object	۱۲۸	
associated accusative	۲۸	مفعولٌ معه (دس.)
object in connection with which something is done	۶۵	
untraceable	۶۱	مفقود الاثر
conceptual intellect	۴۶	مفکره
prosperers	۱۰۰	مفلحون (قرآنی) (نیز ← فلاح)
The prosperous	۹۰	
bankrupt	۱۴، ۸۵	مفلس
destitute	۶۱	
delegators	۷۶	مفوضه
notion	۹۷، ۱۰۲	مفهوم (منط.)
concept	۱۱، ۱۰۲، ۱۰۵	
intention	۱۱، ۱۷	
conception	۱۱	
particular concept	۱۱	مفهوم جزئی
generic concept	۱۰۲	مفهوم جنسی
genral concept	۱۰۸	مفهوم عام
universal concept	۱۱	مفهوم کلی
commonsense concept	۴۴	مفهوم متعارف
single concept	۱۰۸	مفهوم واحد
conceptual	۱۱	مفهومی [تصویری]
graves	۷، ۸۷	مقابر (قرآنی)
opposition	۴۰	مقابله
antithesis	۲۶-۱	مقابله [تضاد] (بع.)
fight	۷، ۲۴	مقاتله [مشتقات این کلمه در قرآن
		مجید به کار رفته است.] (نیز ← قتال)

sexual intercourse	۲۰	مقاربت
simultaneous	۱۰۵	مقارن
coexistence	۱۰۴	مقارنه
affiliation; association	۷۹	
conic sections	۱۲۹	مقاطع مخروطی
contractor	۱۲۰	مقاطعہ کار
jobber	۶۱.۱۲۹	
piece work	۷۵	مقاطعہ کاری
discourse	۵۲	مقال
talk	۱۰۳	
article	۱۲۰	مقاله
station	۷.۲۱.۴۵.۱۰۸.۱۱۳.۱۱۸.۱۱۹	مقام (قرآنی)
position	۱.۸۷	
status	۱۵	
Station of Abraham	۳۸.۱۰۰	مقام ابراهیم
Situation of Abraham	۴۲	
place of safety	۱۰۳	مقام امن
human status	۱۵	مقام انسانی
abod of unity	۶۹	مقام توحید
station of «Combination»	۹۹	مقام جمع (تصد.)
station of fear	۴۵	مقام خوف
station of «differentiation»	۹۹	مقام فرق (تصد.)
station of Holiness	۱۰۳	مقام قدس
dwelling-place of semblance	۵۵	مقام مجازی
glorious station	۴۲	مقام محمود [قرآنی = مقاماً محموداً]
praised position (state)	۱.۸۷	
sojourn worthy of praise	۸۰	
compositions (= a genre of Arabic	۱۲۱	مقامات (ادب)

rhythmic prose)		
mystic stages	۸۰	مقامات (تصد.)
forty stations	۵۸	مقامات اربعین (تصد.)
spiritual stations	۵۸	مقامات عرفانی
agreement; convention	۱۲۰	مقاوله
strength of materials	۱۲۹	مقاومت مصالح (معم.)
comparison	۹۵	مقایسه
exchange of goods	۴۵	مقایضه (فقد.)
barter of merchandise	۸۰	
exchange of specific for specific	۴۲	
thing; exchanging; bartering		
burial place; sepulchre	۳۱	مقبره (نیز ← آرامگاه ؛ قبر؛ مقابر)
burying ground	۳۸	
shrine	۴۲	
mausoleum	۱۲۹	
prosperous; lucky	۲۵	مُقبل (نیز ← اقبال)
fortunate (elect) one	۱۰۳	
favoured	۱۸	مقبول (نیز ← قبول)
received	۱۰۶	
accepted premise	۴۲	مقبول (منط.)
followed; worthy to be followed	۳۸	مقتدا (نیز ← اقتداء)
exemplar	۱۸	
model	۶۹	
Mighty	۷، ۸۷	متقدر [المقتدر] (اسم الہی) (قرآنی)
The All-powerful	۸۰	
moderate	پ	مقتصد (قرآنی)
luke warm	۱۰۰	

advisable	٢٩	مقتضى
exegencies; conjectures	٣١	مقتضيات
demands of the age	١٥	مقتضيات زمان
book of martyrdom	ب	مقتل
martyrdom	٨٠-٥	
biography of martyrs	ب	
decreed by God	٢١	مقدر
pre - destined	٢٩	
determiner	٧٩	مقدر
determine	٦	مقدر کردن
ordain	٢	
sacred	١١	مقدس
pretender to piety	٤	مقدس مآب
antecedent	١٧، ٥٦، ٩٤، ٩٥، ٩٨، ١٠٤	مقدم (منط.)
condition; hypothesis; protasis	٩٤	
The Avancer	٤٥	مقدم [المقدم] (اسم الهى) (غير قرآنى)
He who brings near	٨٠	
premisses	١٠٥	مقدمات (منط.)
preliminary studies	٣١	مقدمات علوم
premise	١٠، ٣١، ٤٢، ٩٥	مقدمه (منط. و كل.)
premiss	٩٤، ٩٧	
proposition	٤٢	
prerequisite	٣١	
empirical premise	١٠٤	مقدمه حسيه
hypothetical premise	٩٧	مقدمه شرطيه
minor premise	١١	مقدمه صغرى
rational premiss	١٠٤	مقدمه عقليه
major premise	١١	مقدمه كبرى

introduction proper	۸۰-۳	مقدمه مقدمه
obligatory preliminary	۲۷	مقدمه واجب
preface	۴۲	مقدمه [دیباجه]
introduction	۱۲۰	
prolegomena	۹۵	
objects of power	۱۰۸	مقدورات
declarant	۸۰-۳	مُقر (نیز ← اقرار)
favorite of God	۲۱	مُقرَب (نیز ← تقرب)
near-stationed	۱۰۰، ۱۱۲	
the near-stationed	۱۱۲	مُقرَبون (قرآنی)
Those brought nigh	۱۰۰	
brought near	۴۵	
Those who are close to God	۸۰-۴	
regular	۸۰-۳	مُقرّر
prescriptions	۴	مقررات
by-laws	۷۵	مقررات فرعی (حق-)
statutes of limitation	۶۳	مقررات مرور زمان (نیز ← ۶۳ مرور زمان)
allowance	۷۵، ۱۱۴	مُقرّری
yearly allowance	۷۵	مُقرّری سالانه
stalactite	۸۰، ۱۱۵	مقرنس (معم-)
honey comb vaulting	۸۰-۴	
curvilinear muqarnas	۱۱۵	مقرنس دایره ای
rectilinear muqarnas	۱۱۵	مقرنس زاویه عمودی
muqarnas; honey comb work; stalactite work	۷۸	مقرنس کاری
indebted; owing	۱۲۰	مقروض (نیز ← قرض)
reciter of the Quran	۵۱	مُقری [مقام مُقری که استاد قرائت و قرائت آموز است از قاری]

[بالا تر است.]

The Just

مُقْسِط [المقسط] (اسم الهی) ۸۰
(غیر قرآنی)

the Equitable

۴۲

the just

مقسطین (قرآنی) (نیز ← قاسط) ۱۰۰

divided; distributed

مقسوم ۱۲۰

divisor

مقسوم علیه (رض.) ۱۲۰

end

مقصد ۶۹

aim

مقصود ۲۲

object

۱۰۳

view

۸۰-۴

short vowel

مقصور (تجو.) ۱۲۸

prayer enclosure

مقصوره ۹۹

private chaple

۵۲

sanctuary screened by lattice

۴۵

work

final verses

مقطع (بع.) ۱۲۸

collection of fragments ; frag-

مقطعات [از انواع شعر] ۸۰

mentary pieces

with an interrupted isnad

مقطوع [= منقطع، از انواع حدیث] ۸۳

concave

مقعر ۱۲۰، ۱۲۹

coved

۱۲۹

imitator

مقلد (فق.) (نیز ← مجتهد؛ تقلید) ۴۵، ۸۶

follower

۸۰

dogmatic follower

۲۳

transposed

مقلوب [از انواع حدیث] ۸۰-۳

anagram

مقلوب (بع.) ۲۶-۲

partial anagram

مقلوب بعض ۲۶-۲

complete anagram

مقلوب کامل ۲۶-۲

winged anagram	۲۶-۲	مقلوب مُجَنَح
even anagram	۲۶-۲	مقلوب مستوی
veil (ed.)		مقنعه (نیز حجاب؛ چادر) مُقَنَّعِہ ← مَبِیضَہ (پیروان مقنع)
legislator	۱۲۰	مقنن (نیز تقنین؛ قانونگذاری)
law-giver	۱۵	
well sinker; water driver	۱۲۹	مقنی
pasteboard; cardboard	۱۲۰، ۱۲۹	مقوّا
predication; predicated	۴۰	مقول
categories of Aristotle	۱۱	مقولات ارسطو
ten categories	۶۹	مقولات عشر
category	۱۱، ۴۲، ۹۵، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۱۱	مقوله
estimator	۱۲۱	مقوم
constitutive	۹۵	
appraisor	۶۱	
assessor	۷۵	
tax assessor	۷۵	مقوم مالیات
overpowered	۲۱	مقهور
scale	۷۴، ۱۲۹	مقیاس
The Determiner; The Witness; The Present	۸۰	مُقِیت [المقیت] (اسم الہی) (قرآنی)
The Strengtheners	۴۵	
branch	۹۷	مقیس (منط.)
root	۹۷	مقیس علیہ
resident; residing	۱۲۰	مقیم
emetic; vomitive	۱۲۰	مُقِیّ (قی آور)
haughtiness	۳۱	مکابرہ
correspondence	۱۲۰	مکاتبہ (نامہ نگاری)
manumission by contract	۸۵	مکاتبہ (فقہ.) [= قرارداد باز خرید برده]

contractual enfranchisement

۴۲

مکاتب ← مکتب
مکاتیب ← مکتوب
مکار

deceitful

۱۸

traitor

۱۵

kind acts; bounty

۲۵

مکارم

outstanding qualities

۱۰۹

moral characteristics; nobility

۸۰

مکارم اخلاق

of character

prominent virtues

۴۵

disagreeable things

۱۲۰

مکارہ [جمع مکرہ یا مکرہہ]

muleteer; common carrier

۱۲۰

مکاری [= بہ کرایہ دہندہ]

earnings and professions

۴۲

مکاسب

trades and crafts

۲۶-۱

مکاسب و صنایع

revelation

۲۱، ۴۳، ۱۰۸

مکاشفہ (نیز ← کشف)

presence of inner secret

۸۰-۴

mystical intuition

۲۳

recompense

۲۷

مکافات

have equivalent parts

۹۸

مکافئہ (منط.) (نیز ← تکافو)

conversation

۱۲۰

مکالمہ (نیز ← محاورہ)

place

۷، ۱۲۹

مکان (قرآنی) (فل. و کل.)

space

۱۰۳، ۱۰۴

locus

۶۹

spatial substratum

۱۰

power

۸۷

مکانت (قرآنی)

ability

۷

مکانی

spatial

۳۷، ۱۰۸

مکتب (نیز ← مذهب)

school

۴، ۱۶، ۵۵، ۸۰

doctrine

۱۴

ideology	۱۶	
writing-school	۳۱	مکتب خانه
orthodox; radical	پ	مکتبی
acquired	۸۱.۹۵	مکتسب (کل.) (نیز ← کسب؛ اکتساب)
acquirer	۱۰	مکتسب
acquisitor	۸۰-۴	
sufficient	۹۲	مکتفی
written down	۷	مکتوب (قرآنی)
letter; epistle	۴۸	
hidden; concealed	۱۲۰	مکتوم [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← کتمان)
deceit; deceitfulness; guile	۱۰۳	مکر (قرآنی)
devising	۱۰۰	
plotting	۸۷.۱۱۸.۱۱۹	
Allah's scheme	۸۷	مکر الله (قرآنی) [= مکر الهی] (نیز ← خیرالماکرین)
Allah's plan	۷	
high- honoured	۱۰۰	مکرم
hateful	۷.۸۷	مکروه (قرآنی)
disapproved	۴۷.۸۰	
disliked	۴۵.۹۹	
undesirable	۴۲	
discovered; uncovered; revealed	۱۲۰	مکشوف
cube; cubical	۱۲۰	مکعب
debtor	۸۰-۴	مکفول (نیز ← کفیل)
creditor	۸۰-۴	مکفول له
responsible	۴۷.۸۵	مکلف (نیز ← تکلیف)

obliged; obligatee	۸۱	
under obligation	۱۱۳	
fully capable	۸۰-۴	
perfecter	۴۹	مکمل
mysteries	۱۰۸	مکنونات
material objects	۹۰	مکونات
Mecca	۷۲۰	مکه (قرآنی)
Meccan	۱	مکی
measure	۷۸۷	مکیال (قرآنی)
things that can be measured	۸۵	مکیل
mulla (h)	پ	ملاً
a learned man	۴۲	
clergyman	۱۲۰	
chieftain	۱۶	
angels	۴۵۸۸	ملائک (قرآنی) (نیز مَلَك؛ ۴۵۸۸ فرشته)
favourite angels	۱۰۴	ملائکة مقرب
ecstatic angels	۱۰۸	ملائکة مهیمن
mortar	۱۲۹	ملات (معمد)
heavenly beauty	۳۴	ملاحت
heretics	۴۲، ۴۵، ۸۲	ملاحده
observation	۹۵	ملاحظه
association	۸۰-۴	
assistant	۸۰-۵	ملازم
servile	۲۵	ملازمت
inherence	۹۵	
consequence	۱۰۶	ملازمه
benignity	۲۵	ملاطفت
meeting; encountering; visit	۱۲۰	ملاقات

criterion	١١	ملاك
common basis	١٠٢	
boredom	١٢١	ملال
weariness	١٢٠، ١٢١	
rebuke; blame	٢١	ملا مت (نيز ← لوم)
disrepute	١٤	
Malamatiyeh	٤٣	ملا متيه
an aleatory transaction	٨٥	ملا مسه
plenum	٤٢	ملا (مق. خلاء)
chieftains	٨٧	ملا (قرآنى)
chiefs	٧	
High Council	١٠٠	ملا اعلیٰ (قرآنى) = الملا ١٠٠ الأعلىٰ
Highest Chiefs	٨٧، ٢٢	
the public	١٢٠	ملا عام
community	٤٥، ٦٩	ملت
people	٨٠	
religion	٧، ٤٥، ٨٧، ٨٨	ملت [دين] (قرآنى)
creed	٦، ١٠٠	
religion of Abraham	٧، ٨٧، ٨٨	ملت ابراهيم (قرآنى)
Creed of Abraham	١٠٠	
tradition of Abraham	٨٧	
refuge	٧، ٥٨، ٨٧	ملجأ (قرآنى)
salt	١٠٠	ملح (قرآنى)
saltish	٨٧	
infidel	٤٢	ملحد (نيز ← الحاد)
heathen	١٠	
heretic	٤٥، ٩٩	
atheist	١١	

tribal insurrection	۴۲	ملحمه (تخ.)
summary	۴۴	ملخص
implicant	۹۸	ملزوم (منط.)
substrate	۹۷	
Malatya	۹۹	مَلَطِيَه (جغ.) (شهری در ترکیه در غرب فرات)
damned	۴۲	ملعون [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است] (نیز ← لعن؛ لعین)
accursed	۷۸	
cursed	۷.۱۵	
pronounced; uttered	۱۲۰	ملفوظ
angel	۲.۲۳.۴۵.۸۷.۱۰۹	مَلَك (قرآنی) (نیز ← فرشته)
poet - laurate	۱۲۸	مَلِك الشعراء
Angel of Death	۲.۴۵.۸۷	مَلَك الموت (قرآنی)
gracious angel	۸۷	مَلَك کریم (قرآنی)
Archangel	۴۵	مَلَك مقرب
cherubic angel	۵۶	
cherubim	۲۱	
angel- closed to God	۱۰۹	
The Sovereign	۱.۷.۴۵.۸۰.۸۷.۱۱۰	مَلِك [الملک] (اسم الهی) (قرآنی)
The King, The All-holy	۱۰۰	مَلِك القدوس (اسم الهی) (قرآنی) (نیز ← قدوس)
The Holy King	۴۵	
The King of Men	۱۰۰	مَلِك الناس (اسم الهی) (قرآنی)
The Kingdom	۷۰.۸۰.۸۸.۱۰۰.۱۰۳.۱۱۸.۱۱۹	مَلِك [سوره]
The Sovereignty	۸۷.۱۱۰	
Dominion	۶۴	

Royal Authority	۹۹	
kingdom of Solomon	۱۰۳	مُلک سلیمان (قرآنی)
transitory sovereignty	۱۸	مُلک فانی
property	۲۱،۸۰،۸۴،۸۵	مِلک
ownership	۴۵،۸۰	
possession	۴۲،۹۵	
estate; real estate	۱۲۹	
private properties	۸۰	
tenement	۱۲۹	مِلک استیجاری
personal property	۸۴	مِلک خالصه
bad ownership	۴۵	مِلک خبیث
rural property	۱۲۹	مِلک زراعتی
absolute property	۶۱	مِلک طلق
public property	۸۵	مِلک عامه
what your right hands own	۱۰۰	مِلک یمین [قرآنی: ما مَلَکْتُ ایمانکم / ایمانهم / یمینک و...]
a slave	۴۲	
habits	۱۰۶	ملکات
Dominion	۱۴،۸۷،۱۰۰،۱۱۸،۱۱۹	ملکوت (قرآنی)
kingdom	۸۷،۱۰۰	
kingship; angelic substances	۸۰	
realm of dominion	۱۱۳	
kingdom of God; angelic realm	۵۶	
celestial kingdom	۲۸	
kingdom of heaven	۱۱	ملکوت آسمان
the highest kingdom	۵۶	ملکوت اعلیٰ
faculty	۱۳،۹۵	ملکه (فد. و کل.)
habit	۱۰	
babitus	۹۳	

		ملکه سبا ← بلقیس
angelicality	۹۹	ملکیت
heresiography	۴۲	ملل و نحل [علم]
patch-work or macaronic [verse]	۲۶-۲	ملمع (بع.)
macaronic verse	۱۲۸	
petty kings; satraps	۸۰	ملوک الطوائف
<i>reyes de taifas</i>	۹۹	
anarchy	۴۲	ملوک الطوائفی
popular; national	۸۰-۴	ملی
nationalism	۸۰-۴	ملی گرائی (نیز ← قومیت)
King	۷، ۸۷، ۱۰۰	ملیک [الملیک] (اسم الهی) (قرآنی)
		ملی کردن (نیز ← تأمیم)
nationalisation	۵-۲	ملیلہ (هند.)
gold tinsel; gold lace	۷۸	
silver tinsel	۷۸	ملیلہ نقرہ ای
filigree work	۷۸	ملیلہ کاری (هند.)
dying	۸۷، ۱۰۰	مماآت (قرآنی) [مق. مَحْیا]
death	۷	
analogous	۹۵	مماثل (کل.)
likeness	۱۰	مماثلت (کل.)
similitude	۶۹	
mutual resemblance	۲۱	
amphiboly	۱۲۸	ممارات (بع.)
practice	۹۵	ممارست
delaying	۱۲۰	مماطله
hinderance	۱۰	ممانعت
The Woman Tested	۸۸، ۱۰۰	ممتحنه [سوره]
She that is to be examined	۸۷	
The Examined	۷	

waverer		متر (قرآنی) [جمع سالم این کلمه ۸۷ در قرآن مجید به کار رفته است.]
impossible	۱۱.۱۳.۹۲.۹۵.۱۰۲	ممتنع
absurd	۱۳	
impossible being	۴۰	ممتنع الوجود
analogue	۴۴	مُمَثِّل
maecena	۸۰-۴	مدوح
long vowel	۱۲۸	مدود (تجو.) [= حرف عله]
niggard	۱۰۳	ممسك (نیز ← بخیل؛ لثیم)
possible	۱۰۲.۱۰۵	ممکن (منط.)
contingent	۹۲.۱۱۱	
contingent being	۱۰۸	
contingent thing	۵۶	
potential	۱۱	
separable	۱۱	ممکن الانفكاك
possible existent	۱۰۵	ممکن الوجود
possible being	۴۰	
contingent being	۳۴.۹۲	
possible of existence	۴۵	
the true possible	۸۰-۳	ممکن حقیقی
particular possible	۹۷	ممکن خاصه
the necessary possible	۸۰-۳	ممکن ضروری
general possible	۹۷	ممکن عامه
full; filled	۱۲۰	مملو
male slave	۴۲.۴۵.۸۵	مملوك (قرآنی)
owned	۱	
slave	۷.۳۸.۸۷	
forbidden; prohibited	۱۲۰	ممنوع
forbidden	۷.۸۷	ممنوعه (قرآنی)

The Creator of death	۸۰	مُمیت [الممیت] (اسم الهی) (غیر قرآنی)
The Giver of Death	۴۵	
intelligent minor; discriminating minor	۸۵	مُمیز
distinguens substantialis	۹۷	مُمیز الجوهری (منط.)
distinguens accidentalis	۹۷	مُمیز العرضی (منط.)
cadastral survey	۱۲۹	مُمیزی زمین [= نقشه برداری زمین]
ego	۱۱	مَنْ [= نَفْس]
the manna	۸۷	مَنْ (قرآنی)
reproach	۷.۸۷	مَنْ (قرآنی) [= منت نهادن]
supplications	۴۲.۸۲	مناجات
intimate supplications; praying	۲۱	
to God in solitude		
close communion	۵۲	
conversation to God	۱۰۹	
the person of thing called	۶۵	منادی (دس.)
caller	۱۰۰	منادی (قرآنی)
crier	۸۷	
herald	۷۳	
preacher	۷.۴۲	
herald of truth	۷۳	منادی حق
light house; spire	۱۲۹	منار
minarate (of a mosque)	۴۲.۴۵.۱۱۵	مناره [معادل انگلیسی این کلمه، از اصل عربی آن گرفته شده است.]
tower	۴۵	
pillar	۴۲	
twisted minaret	۱۱۵	مناره پیچان
contestation; contention; dispute	۱۲۰	منازعه

stages	۷	منازل (قرآنی)
mansions	۸۷	
degrees of mystical perfection	۸۰-۵	منازل (عرف.)
Stations of the Travellers	۱۳	منازل السائرین
stations of the moon	۴۵، ۵۴	منازل القمر [با این عبارت از قرآن مجید مقایسه کنید: والقمر قدرناه منازل، یس، ۳۹]
lunar mansions	۸۰-۳	
configurations of stars	۱۰۴	مناسبات الكواكب [امتزاجات (نجم.)]
good relations	۶۱	مناسبات حسنه
holy rites	۶۴، ۱۰۰	مناسك (قرآنی) (نیز ← تنسك؛ شعائر الله)
sacred rites	۴۲	
devotions	۸۷	
sacred rites of the Pilgrimage	۴۲	مناسك حج
optics	۱۱۱	مناظر
disputation	۶۸، ۸۲، ۹۹	مناظره
debate	۴۲، ۸۰، ۹۲	
argumentation	۴۲	
tenzons	۸۰-۴	
hinderer of good	۸۷، ۱۰۰	مناع للخیر (قرآنی) [در تداول عام به صورت مناع الخیر به کار می رود]
incompatibility; inconsistency	۱۲۰	منافات
causing aversion	۸۰-۴	منافره
competition	۵۷	منافسه (اخذ.) (نیز ← تنافس؛ متنافس)
hypocrite	۴، ۱۶، ۴۵، ۸۷، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۹	منافق (قرآنی)

waverer	۴۵	
dissenter	۱۶	
ostentatious person	۲۳	
The Hypocrites	۷.۸۷.۸۸.۱۰۰	منافقون [سوره]
laudatory biographies; virtues;	۸۰	مناقب (نیز ← منقبت)
eulogistic biographies;		
eulogies; hagiographic stories		
discussion	۹۵	مناقشه
controversy	۴۴	
low tender	۷۵	مناقصه (اقـ) (نیز ← مزایده)
tenders	۱۲۹	
refutation	۱۰۵	مناقضه
nuptials	۴۲	مناکحات (فقـ)
laws regulating marriage	۴۵	
slumbering	۸۷.۱۰۰	مَنَام (قرآنی) [= خواب] (نیز ← ۸۷.۱۰۰ نوم)
sleeping	۷	
beneficent; propitious	۳۱	مَنَان (اسم الهی) (غیر قرآنی)
handing over	۸۰-۳	مناوله [در حدیث]
prohibitions; sins	۱۲۰	مَنَاهِی
wood carver	۱۲۹	مَنَبِت سَاز
wood engraver; embosser	۱۲۹	مَنَبِت کَار
filigree work	۱۱۶	مَنَبِت کاری (هندـ)
raised work; embossing ; enlay	۱۲۹	
marquetry	۷۸	
pulpit	۲.۴۵.۹۹.۱۰۳.۱۱۵	مِنْبَر
mosque pulpit	۴۸	
minbar	۴	
cathedra	۱۱۵	

distributed	۹۴	منبسط (منط.)
source	۶۳، ۹۲	منبع
fountain-head	۱۰۸	
source of incom	۶۳	منبع درآمد (اق.)
selection; anthology	۱۲۰	منتخب
spread proposition	۹۷	منتشره (منط.)
written in prose	۱۲۰	منثور
The Expected One	۹۹	منتظر [حضرت مهدی ع]
The Avenger	۴۲، ۴۵، ۸۰	منتقم (المنتقم) (اسم الهی) [در قرآن مجید این کلمه به صورت جمع مکسر - انا منتقمون - که مراد از آن واحد است به کار رفته است. نیز خداوند «ذوانتقام» خوانده شده است.]
The Vengeful	۲۹	
The Requiter	۵۶	
vengeance; retribution	۱۶	منتقمیت
reproach	۸۷	منت نهادن (نیز ← من)
impure water	۲۵	منجلاب [مجازاً دامگاه ابتلاء و آلودگی]
dirty situation	پ	
astrologer	۳۴، ۸۰، ۹۹	منجم
astronomer	۱۱۱	
frozen; frigid	۱۲۰	
mangonel	۱۸، ۸۰	منجمد
catapult	۶۵	منجنیق
deliverer	۶	
perturb	۱۵	منجی (نیز ← ناجی)
unique	۱۲۰	منحرف کردن
disorganize	۶۱	منحصر به فرد منحل کردن

	منحنی	۱۲۹
curve		
curved		۱۲۰
sinister; gloomy	منحوس (نیز ← مشنوم)	پ
on the whole	من حیث المجموع	۱۲۰
nostril (s)	منخر (ین)	۱۲۰
beast strangled	منخنقه (قرآنی)	۱۰۰
Mandaeanism	مندائیّه [= مذهب ماندائی که ۴۳ فرقه‌ای از صابئین هستند]	
contents	مندرجات (نیز ← فهرست مندرجات)	۱۲۰
recommended	مندوب (فق.) (نیز ← نافله؛ نوافل)	۲۸، ۴۵، ۸۵
praiseworthy		۸۶
warner	مُنذر [مق. مبشر] (قرآنی)	۶، ۷، ۸۷
	(نیز ← نذیر)	
abode	مَنزل (نیز ← منازل)	۶
mansion		۸۰-۴
position		۹۱
domicile; dwelling; lodge		۱۲۹
stage	منزل (عرف.)	۵۵
intermediate position	منزل بین منزلتین	۹۱
rank	منزلت	۱۰۷
station		۱۱
abode	منزلگاه	۱۳
glorified	منزّه	۲
exempt		۲۱
	منسك ← مناسك	
	مُنسلخ ← سلخ	
abrogated	منسوخ (نیز ← ناسخ؛ نسخ)	۴۱
repealed passage		۸۵
abrogate	منسوخ کردن	۶

abolish	١٥	
origin	١١	منشأ
source	٤١	
investiture charter	٨٠-٥	منشور اعطای خلعت یا منصب
rank	٤٨	منصب
dignity; office	٢٥	
holder of a rank	٤٨	منصب دار
inflected noun	٢٨	منصرف (دس-)
equitable	٤	منصف
fixed; appointed; laid down in writing	١٢١	منصوص علیه
logic	١١، ١٦، ٩٤، ٩٥	منطق
probability logic	١١	منطق احتمالات
Aristotelian logic	٩٤	منطق ارسطو
formal logic	١١، ٩٤	منطق صوری [منطق صورت]
deductive logic	٤٤	منطق قیاسی
logic of the orientals	١٣	منطق مشرقیین
modal logic	٩٤	منطق موجه
misology	١١	منطق ستیزی
logician	١١	منطق شناس
language of birds	٧، ٨٧	منطق الطیر (قرآنی)
zone ; belt	٧٤، ١٢٩	منطقه
region	١٢٩	
zodiac	١٢٠	منطقه البروج
ecliptic	٩٩	
torrid zone	٧٤	منطقه حاره
time zone	٧٤	منطقه زمانی
ecliptic line	٩٩	منطقه فلك البروج
temperate zone	٧٤	منطقه معتدله
frigid zone	٧٤	منطقه منجمده

sub-polar region	۷۴	منطقه نیمه قطبی
1. logician	۱۱.۳۷	منطقی [۱- منطق دان ۲. مربوط به منطق]
2. logical		
logicism	۹۵	منطقیّت (اصالت منطق)
verbal text	۴۴	منطوق (اصول فقه)
enunciation	۹۵	
perspective	۱۲۹	منظر
appearance	۱۰۷	
perspective; panorama; view	۱۲۹	منظره
orderly	۱۱	منظم
well-organized; systematic	۲۹	
system	۱۲۰	منظومه
long poem	۸۰-۴	
solar system	۱۲۰	منظومه شمسی
beneficent	۲۳	منعم (نیز ← انعام)
benefactor	۵۲	
pore; mesh	۱۲۹	منفذ
discontinuous	۴۴.۹۵	منفصل
disjunctive	۸۰-۳	
discrete	۱۱۱	
disconjunctive	۹۷	
coincidental disconjunctive	۹۷	منفصله اتفاقیّه (منط.)
veritable disconjunctive	۹۷	منفصله حقیقیّه (منط.)
antagonistical disconjunctive	۹۷	منفصله عنادیّه (منط.)
incompatible disconjunctive	۹۷	منفصله مانعه الجمع (منط.)
exclusive disconjunctive	۹۷	منفصله مانعه الخلو (منط.)
benefit	۹۰	منفعت (نیز ← نفع)
proceeds; usufruct	۸۵	
patient	۱۰۴.۱۰۵	منفعل

expenders (in alms)	۱۰۰	منفق [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← انفاق؛ نفقه)
prodigal	۱۰۳	
charitable	۱۶	
separate; detached	۱۲۰	منفک [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
negative	۱۲۰	منفی
beak; bill	۱۲۰	منقار
virtue	۱۸	منقبت (نیز ← مناقب)
elaborated	۱۳	منقح
liberator	۴۵	منقذ [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
deliverer	۵۷	
extinct	۱۲۰	منقرض (نیز ← انقراض)
expired; overdue	۶۱	منقضی
laps; expire	۶۳	منقضی شدن
ornamented	۸۰	منقوش
refuted	۱۰۸	منقوض
movable	۸۵	منقول (نیز ← اموال منقول)
transferred	۵۶، ۶۵	
technically transferred word	۵۶	منقول اصطلاحی
juristically transferred word	۵۶	منقول شرعی
conventionally transferred word	۵۶	منقول عرفی
traditional and rational verities	۳۴	منقول و معقول
indecenty	۷، ۸۷	مُنْكَر [مق. معروف] (قرآنی) (نیز ۷، ۸۷ ← نهی از منکر)
vice	۲	
wickedness	۶۴	

dishonour	۱۰۰	
objectionable (tradition)	۸۳	مُنْکَر [از انواع حدیث]
denier	۴، ۱۰۳	مُنْکِر [جمع مکسر این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
sceptic	۱۰۳	
unlawful things; sins	۱۲۰	مُنْکَرَات
disbelieve	۱۰۳	منکر بودن
deny	۶	منکر شدن
broken	۱۲۰	منکسر
married woman	۴۲	منکوحه (نیز ۷ زوجه؛ نکاح)
manner; method; mode; form	۱۲۰	مِنْوَال
manna and the quails	۴۲، ۸۴، ۸۷، ۱۰۰	مَنْ وَالسَّلْوَى (قرآنی)
illuminated	۱۱، ۱۰۳	مَنْوَر
intellectual	پ	مَنْوَر الْفِکْر
enlightened	۱۲۰	
soporific	۱۲۰، ۱۲۱	مَنْوَم
somnifacient	۱۲۱	
way	۷، ۸۷	مَنْهَاج (قرآنی)
method	۱۶	
holy way	۵۳	
forbidden; prohibited	۱۲۰	مَنْهَى (نیز ۷ مَنَاهَى)
Mina	۱۱۳	مِنَى
egoism	۱۰۳	مَنَى
sperm-drop	۱۰۰	مَنَى (قرآنی)
sperm	۴۲	
semen	۱۲۱	
penitent	۱۰۰	مُنِیب (قرآنی) (نیز ۷ اَنَابَه)
repentant	۸۷	

regular salaries	۱۱۴	مواجب (نیز ← مستمری؛ مراتبه)
brotherhood; friendship	۱۲۰	مواخات
take to task	۸۷، ۱۰۰	مواخذة [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]
parallelism	۴۰	موازات
equilibrium	۱۲۹	موازنه [= تعادل؛ ترازمندی]
trade balance	۷۵	موازنه بازرگانی (ا.ق.)
devious comparison	۱۰۴	موازنه معوجه
parallel	۱۲۰، ۱۲۹	موازی
generous help	۸۰	مواسات
charity	۱۴	
careful	۱۲۰	مواظب
appointed rendezvous	۱	مواعده [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]
agreeable	۹۵	موافق
concord	۲۱	موافقت
connivance	۴۵	موافقت [در تقیه]
letter of agreement	۶۱	موافقت نامه
chance connection	۹۸	موافقه (منط.)
sexual intercourse	۱۲۰	مواقع (نیز ← وطی؛ جماع؛ رفت)
continuing or following without intermission; continuation; friendship	۳۱	موالات (نیز ← ولایت)
contract of clientship	۸۵	
acceptance of the leadership of 'Ali	۶	موالات علی
kinsfolk	۱۰۰	موالی (قرآنی)
clients	۴۲	
heirs	۷	
three generables	۶۹	موالید ثلاثه
the three kingdoms	۱۱	موالید سه گانه

buried infant	۱۰۰، ۱۱۲	مؤوده (قرآنی) [= دخترزنده بگور]
chief magian	۱۸	موبد (نیز ← مغ؛ مجوس؛ زرتشتیگری)
Zoroastrian priest	۳۷	
death	۷، ۳۱، ۸۷، ۹۵، ۱۱۸	موت (قرآنی)
white death (natural death)	۳۱	موت ابيض
red death (violent death)	۳۱	موت احمر
black death (death by strangulation)	۳۱	موت اسود
supposed death	۶۱	موت فرضی (حق.)
subverted cities	۱۰۰	مؤتفكات [= آبادیهای قوم لوط] (قرآنی)
the dead	۷، ۸۷	موتی (قرآنی) [= مردگان]
trusted	۶	مؤثق
authoriative	۴۴	
authentic	۶۱	
wave	۷، ۸۷، ۱۲۹	موج (قرآنی)
effect	۱۰۴	موجب (منط.)
cause	۱۰۴	موجب (منط.)
affirmative	۴۲، ۹۴، ۹۵	موجب [مق. سالب] (منط.)
producer	۱۰۴	موجد (فل.)
lessor	۲۰	موجر (نیز ← اجاره؛ مستأجر)
landlord	۱۲۹	
tenant; renter	۷۵	
jetty; mole; pier	۱۲۹	موج شکن
existent	۵۳، ۹۰، ۹۹، ۱۰۳	موجود (نیز ← وجود)
being	۹۵، ۱۰۴	
entity	۱۱	
human being	۱۱	موجود انسانی
prime being	۱۰۴	موجود اول

actual being	۱۱	موجود بالفعل
being after non-being	۱۰۴	موجود بعد عدم
temporal being	۲۹	موجود زمانی
high being	۱۰۴	موجود عالی
active being	۱۱	موجود فعال
supreme being	۲۹	موجود کامل
material being	۲۹	موجود مادی
mobile being	۸۰-۵	موجود متحرک
<i>res cogitans</i>	۱۱	موجود متفکر
composite existence	۱۰۵	موجود مرکب
absolute being	۱۱	موجود مطلق
unitarian	۴۵.۵۶	موحد (نیز ← توحید)
monotheist	۱۶.۱۰۶	
true confessor of Divine unity	۹۳	
Almohads	۴۳.۹۹	موحدون (سلسله ای اسلامی در شمال افریقا و اسپانیا)
Deferrer	۴۲.۴۵	مؤخر [المؤخر] (اسم الهی)
He Who Sends away	۸۰	
posterior	۱۲۰	مؤخر
epilogue	۳۱	مؤخره
friendship	۷	مودت (قرآنی)
affection	۲۱.۸۰-۴	
amiability	۵۷	
love	۴.۸۷	
fulfiller	۶	مؤدی
Muezzin	۱۴	مؤذن (نیز ← اذان)
vexer; troubler	۲۵	مودی
diagonal	۱۱۶	مورب (جل.)
bevel	۱۲۹	

historian	۴	مورخ (نیز ← تاریخ)
wall louse	۱۲۹	موریانه
enlarged	۲۸	موسع
Moses	۴۱، ۸۷، ۱۰۰، ۱۰۳	موسیٰ (ع) (قرآنی)
music	۱۲۰	موسیقی
musician	۱۲۰	موسیقی دان
subject	۱۰	موصوف (کل..)
subject of qualification	۹۳	موصوف (فل..)
relative	۱۲۰	موصول
legator	۳۷	موصی (قرآنی) (نیز ← وصی : وصیت)
testator	۷، ۸۷	
legatee	۳۷، ۳۹	موصی له
subject	۱۱، ۹۵، ۹۷، ۱۰۶	موضوع (منط..)
subject matter	۹۲	
substratum	۱۰۵	
object	۹۵	
signified	۱۲۸	موضوع له (بع..)
place	۱۰۸	موطن [جمع مکسر این کلمه به صورت موطن در قرآن مجید به کار رفته است.]
field	۸۷	
admonition	۶۴، ۸۷، ۱۰۰، ۱۱۸	موعظه (قرآنی) (نیز ← وعظ)
exhortation	۱۶، ۸۰، ۸۷	
sermon	۵۲	
moral preaching	۱۶	
admonish	۸۷	موعظه کردن
exhort	۲۳	
social status	۷۵	موقعیت اجتماعی

station	۸۴	موقف [در حج]
place of standing	۸۰-۳	
timed	۷،۱۰۰	موقوف (قرآنی)
beast beaten down	۱۰۰	موقوفه (قرآنی) [جانوری که به
		ضرب چوب و امثال آن کشته
		شده باشد.]
left in abeyance	۸۰،۸۵	موقوف
suspended	۴۵	
state of suspense	۸۰	
endowment	۸،۱۱۴	موقوفه (نیز ← وقف؛ اوقاف)
endowed property	۶۱	
pious bequest; donation	۳۱	
retinue	۱۲۰	موکب
the principal	۸۵	موکل [مق. وکیل] (نیز ← وکالت؛
		وکیل؛ توکیل)
client	۴۲،۸۵،۸۸،۹۹،۱۱۳	
patron	۸۰،۸۵	مولا (نیز ← مولی؛ موالی)
master	۴۲،۶۸،۹۹	
protector	۶۴،۱۰۰،۱۰۳	
freed slave	۴۵،۸۰	
lord	۴۵،۶۸	
Master of The Virtuous	۹	مولای متقیان [علی علیه السلام]
birthday; birthplace	۵۳	مولد [زمان و مکان تولد] (نیز ←
		مسقط الرأس)
procreative	۱۱	مولد
secondary acts	۸۰	مولدات
Neo-Muslims	۴۲	مولدون [تازه مسلمانهای اسپانیا]
compounded	۸۰	مؤلف
composite	۱۰	

component	۹۴	مؤلفه (منط.)
Those whose hearts are to be reconciled	۸۷	مؤلفه القلوب [در قرآن: المؤلفه قلوبهم]
birthday	۸۰	مولود [= میلاد]
authoritative	۱	مولوی [منسوب به مولا]
Protector	۸۷	مولی' [المولی] (اسم الهی) (قرآنی)
Patron	۷	
All-faithful	۱۰۰	مؤمن [المؤمن] (اسم الهی) (قرآنی)
believer	۷، ۸۷	مؤمن (قرآنی)
The Believers	۸۷، ۸۸، ۱۰۰	مؤمنون [سوره]
feminine	۶۵، ۱۲۸	مؤنث (دس.)
real (natural) feminine	۶۵، ۱۲۸	مؤنث حقیقی (دس.)
tropical feminine	۶۵	مؤنث مجازی (دس.)
grammatical feminine; feminine by signification	۱۲۸	مؤنث معنوی (دس.)
gift; bounty	۲۹	موهبت
Divine gift	۸۰-۳	
Divine bounty	۲۹	موهبت الهی
grace of God	۶۱	
natural gift	۲۹	موهبت طبیعی
Weakeners of the struggle of the unbelievers	۷	موهن کید الکافرین (اسم الهی) (قرآنی)
fancy	۲۹	موهوم (نیز ← وهم؛ واهمه)
illusory	۱۵	
raisins	۱۲۰	مویز
awe; fear	۲۵	مهابت
emigrant	۱۶، ۴۵، ۸۰، ۱۰۰	مهاجر (قرآنی)

	۲۱	
refugee	۱۲	
immigrant	۶۴	مهاجرت کردن
migrate	۴	
emigrate		
The Emigrants and the Helpers	۱۰۰	مهاجرین و انصار [قرآنی؛ المهاجرین والانصار]
	۱۰۰	مهاد (قرآنی) (نیز ← مهد)
cradling	۱۲۹	مهار
guide rope; anchorage	۱۲۹	مهارت
skill; technique	۱۲۹	مہتابی (معـمـ) [= بهار خواب؛
terrace; veranda; open terrace		ایوان]
	۱۸	مہتدا (نیز ← اہتداء)
guide		مہتدون (قرآنی)
the rightly guided	۱	
the guided aright	۷	مہجور (قرآنی)
forsaken	۳۱	
abandoned; separated	۷.۸۷	مہد (قرآنی) (نیز ← مہاد)
cradle	۱۲۰	مہدور الدّم [= واجب القتل]
deserving death	۸۰-۵	مہدی [حضرت مهدی، عج]
Mahdi (the rightly guided one)	۴۲	
The Directed one	۹۹	مہدی مُنتظر
The Expected Mahdi	۳۱	مہذب
free from vice; refined corrected	۲۱	
purged	۱۵.۴۲.۸۶	مہر [صداق]
dower	۴۵.۸۰	
bridal gift	۸۰.۸۵	
nuptial gift	۹۹	
wedding gift	۱۰۰	
marriage-portion	۸۰	
dower sum		

suitable dower	۴۲	مَهر المثل
definite mahr	۴۵	مَهر مسمی
love; loving kindness	۱۰۳	مَهر [محبّت]
sentiment	۹۵	
clay disc	۱۰۱	مُهر [مُهرنماز]
seal	۸۰، ۱۰۳	مُهر (نیز ← ختم؛ طبع)
Seal of Solomon	۱۰۳	مُهر سلیمان
festival; celebration	۱۲۰	مَهرجان [مَعرب مهرگان فارسی؛ در عربی به معنای جشن]
seal bearer	۸۰-۴	مُهردار
seal-keeper	۸۰-۴	مُهردارباشی
seal	۱۲۹	مهر کردن
stamping	۱۱۶	مهرکوبی (جل-)
affixing seals	۶۱	مهر و موم کردن
bead; burnisher; screw bolt; nut	۱۲۹	مهره
period of grace	۶۱	مهلت (حق-)
respite	۱۰۰	مهلت دادن (نیز ← امهال)
guest	۱۲۰	مهمان
engineer	۱۲۰	مهندس
The Protector	۴۲، ۴۵	مهیمن [المهیمن] (اسم الهی) (قرآنی)
Guardian	۷، ۸۷	
All-preserver	۱۰۰	
intermediary	۹۲، ۱۱۱	میانجی
mediator	۹۵	
mediation	۹۵	میانجیگری
Mesopotamia	۷۸	میانرودان (نیز ← بین النهرین)
acting moderately	۱۰۹	میانه روی
dead	۷، ۸۷	میت (قرآنی) (نیز ← موتی)

inanimate	۱۰۷	
touching a human corpse	۲۰	مَسَّ مَیْت
carriage	۴۲، ۸۰، ۸۷، ۱۰۰	مَیْتَه (قرآنی)
animals not ritually slaughtered	۴۵، ۸۵	
dead animal	۴۲	
covenant	۴۲، ۸۲، ۸۷، ۱۰۰	مِیْثَاق (قرآنی)
pledge	۶، ۸۷	
divine covenant	۹۳	
conventionalism	۱۱	مِیْثَاقِ گِرایِی
nail	۱۲۹	مِیْخ
rivet	۱۲۹	مِیْخِ پَرچ
peg; dowel; stake	۱۲۹	مِیْخِ چوبِی
staking; setting out	۱۲۹	مِیْخِ کوبِی [= پیاده کردن مسیر]
winebibbing	۹۹	مِیْخوارگی
agora; field; plain; space	۱۲۹	مِیدان
field of view	۳۶	مِیدان دید (نجد.)
trading ring	۷۵	مِیدان کسب (اق.)
water bailiff	۱۲۹	مِیرآب
legacy	۶۱	مِیراث (نیز ← ارث) (قرآنی)
inheritance	۱۶، ۴۵، ۱۰۰	
heritage	۸۷	
bequest	۳۹	
executioner of bodily penalties	۶۸	مِیر غَضَب
The Balance	۵۴، ۹۰، ۱۰۰، ۱۰۶	مِیزان (قرآنی)
criterion	۸۰، ۹۵	
rational criterion	۸۰	مِیزان عَقَلِی
Libra	۳۶، ۹۹	مِیزان (نجد.)
gambling	۴۲، ۴۵، ۸۰	مَیْسِر [قمار] (قرآنی)
game of chance	۴۲، ۴۵، ۸۷	

arrow-shuffling	۱۰۰، ۱۱۲	
left-wing	۸۴	میسره [مقد. میمنه]
left flank	۹۹	
ease	۷، ۸۷	مَیْسِرَه [= یُسِر، فراخ بالی] (قرآنی)
sheepskin	۱۱۶	میشن (جلد.)
tryst	۱۰۰	میعاد (قرآنی)
promised time	۵۶	میعاد الوصول
appointed time	۲۲، ۴۵، ۱۰۰	میقات (قرآنی)
appointed tryst	۸۷	
trysting- place	۱۸	
Michael	۷، ۴۵، ۱۰۰	میکائیل [قرآنی = میکال]
declination	۳۶، ۹۵، ۹۹	میل (نجد.)
inclining	۱۱۸، ۱۱۹	
natural inclination	۸۰	میل طبیعی (فلد.)
right wing	۸۴	مَیْمَنَه [مقد. میسره]
right flank	۹۹	
enamel; enamel work	۱۲۹	مینا
enamelling	۷۸، ۱۲۹	میناکاری (هند.)
Heaven	۴	مینو (نیز ← جنت؛ فردوس)
numinous	۴۴	مینوی
miniature	۱۱۵	مینیاتور (هند.)
Majorca	۹۹	مَیُورْقَه (جفد.) [= جزیره ای در شرق اندلس]
fruit	۱۲۰	میوه (نیز ← فاکهه؛ فواکه)
		میهن ← وطن
		میهن پرست ← وطن پرست
		میهن پرستی ← وطن پرستی

ن

inept	۵۲	نا اهل
blockhead	۲۵	
underage	۶۱	نا بالغ
genius	۱۲۰	نا بغه (نیز ← عبقری)
outstanding figure	۱۲	
outstanding intellectual figure	۱۲	نا بغه علمی
annihilation	۱۶	نا بودی
unclean; impure	۱۲۰	نا پاک (نیز ← نجس)
unseen	۱۰۳	نا پیدا (نیز ← غیب)
Bellatrix	۳۶	نا جذ (نجـ)
liberated; saved	۳۱	نا جی [= نجات یافته؛ رستگار] (نیز ← مُنجی)
the saved sect; orthodox Muslim sect	۴۲	نا جیه [فرقه]
part	۱۲۹	نا حیه
district	۸۰	
		نا خوشی ← مرض
rare	۱۲۰	نا در
a witticism; an anecdote	۸۰-۳	نا دره
remorseful	۱۰۰	نا دم (قرآنی) (نیز ← ندامت؛ ندم)
unseen	۱۱	نا دیده (نیز ← غیب)
The Fire; Hell	۷، ۴۲، ۸۷	نا ر (قرآنی) (نیز ← جهنم)
Fire of God (Allah)	۸۷، ۱۰۰، ۱۰۳	نا ر الله (قرآنی)
Those Who Pull out	۷	نا زعات [سوره]
Those Who Draw out	۸۸	

Those Who Drag forth

۸۷

The Plackers

۱۰۰

finishing

نازك كاری [= پرداخت کاری] ۱۲۹
(معم.)

be sent down

۴

نازل شدن (نیز ← نزول)

coming down

۸۴

send down

۶

نازل کردن

The Men

ناس (قرآنی) (نیز نام سوره ای از ۷،۱۰۰
سوره های قرآن مجید)

The People

۸۸

Mankind

۴۲،۸۷

ungrateful

۵۲

ناسپاس (اخذ.)

unthankfulness

۶

ناسپاسی

copyist (of manuscripts)

ناسخ [نسخه بردار] (نیز ← نساخ) ۸۰

repealing

ناسخ [نسخ کننده] (نیز ← نسخ؛ ۲،۸۵
منسوخ)

abrogating

۶،۱۰۹

abrogative

۴۱

abuse

ناسزا گفتن (نیز ← فحش) ۲

ascetic

ناسك [در قرآن مجید جمع سالم ۴۵
این کلمه به کار رفته است.] (نیز
← مناسك؛ نُسك)

performer

۸۷،۱۰۰

ناسوت

human nature

۳۸،۸۰

humanity

۳۴،۸۰

world of bodily forms

۱۰۲

anti-Shi'a

۱۰۹

ناصبی

sincere adviser

ناصح (قرآنی) (نیز ← نصیحت) ۸۷

adviser

۷

counsellor	۱۰۳	
admonisher	۱۶	
helper	۷.۸۷	ناصر (قرآنی)
Nazareth	۴۲.۴۳	ناصره [زادگاه حضرت مسیح در فلسطین]
Nazerat; An- Nasira	۴۳	
Alawites	۴۳	ناصریه [علویه]
forelock	۱۰۰	ناصیه (قرآنی)
rational	۴۲.۱۰۳.۱۰۶	ناطق [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← نطق)
intellectual	۱۰۷	
reasonable	۹۵	
watch-tower	۴۵	ناطق ← ناطق؛ نفس ناطقه
inspector	۴۵.۹۹	ناطور
inspector of the army	۹۹	ناظر [در قرآن مجید جمع سالم این کلمه به کار رفته است.]
inspector of the privy purse	۹۹	ناظر الجیش
keeper of the privy purse	۸۰-۴	ناظر الخاص
regulator; superintendent; poet	۱۲۰	ناظم
navel	۳۱.۱۲۰	ناف
effective	۴۵	نافذ
operative	۸۵	
The Profiter	۴۲	نافع [النافع] (اسم الهی) (غیر قرآنی)
The Advantager	۴۵	
He who favours	۸۰	
supererogation	۱۰۰	نافله (قرآنی)

supererogatory	۲۳.۹۹	
bag of musk	۱۲۰	نافه
deficient	۶۹.۹۲.۱۱۱	ناقص
imperfect	۱۱.۹۲.۱۰۸	
defective	۲۸	ناقص (دس.)
reporter	۹۹	ناقل (نیز ← نقل؛ منقول)
transmitter	۱۲.۴۲	
transmitter of <i>hadith</i>	۱۲	ناقل حدیث
Trump	۱۰۰	ناقور (قرآنی) [= شیپور]
bell	۳.۳۱.۱۲۰	ناقوس
she-camel	۱۰۰	ناقه (قرآنی)
the she-camel of God	۱۰۰.۱۱۲	ناقه الله (قرآنی)
God's she-camel	۱۰۳	
		ناکجا آباد ← مدینہ فاضلہ
married man	۴۲	ناکح (نیز ← نکاح؛ منکوحہ)
non-individuality	۱۰۳	ناکسی [مق. کسی و تعین]
assumed name	۶۳	نام مستعار
indeterminate	۴۴	نامتعین
infinite; unending	۱۱	نامتناہی
interminable	۲۹	
unlimited	۱۱	نامحدود
limitless	۲۹	
betrothal	۶۱	نامزدی (نیز ← خطبہ)
illegal; unlawful	۱۲۰	نامشروع
ill-gotten	۶۱	
irrational	۹۵	نامعقول
indeterminate	۹۵	نامعین
non-determined	۱۱	
indivisible	۹۲	نامنقسم

non-entity; non-existent	۱۱	ناموجود [عَدَم]
honour	۱۶، ۱۲۰	ناموس
reputation	۱۰۳	
law	۱۳، ۶۹	
the greatest Namus	۸۴	ناموسِ اکبر [جبرئیل]
Divine edict; Divine commandment	۶۹	ناموسِ الهی
Law of truth	۶۹	ناموسِ حق
letter; epistle; book	۱۲۰	نامه
book of deeds	۱	نامهٔ اعمال (نیز ← کتاب)
		نامه نگاری ← مکاتبه (نامه نگاری)
growing	۱۲۰	نامی (اسم فاعل از نمو)
immortality	۱۱	نامیرایی [خلود]
growth	۱۲۰	نامیه
rain-water pipe; gutter	۱۲۹	ناودان
prohibiter; forbiddar	۱۲۰	ناهی (نیز ← مَنهی؛ مناهی)
one who forbids	۱۶	
		ناهید ← زهره
deputy	۴۲، ۶۸، ۸۵، ۹۹	نایب
representative; delegate	۸۰	
vicegerent; vicar	۱۰۳	
the deputy of the Imam	۴۲	نایب امام
vicar of God	۱۰۳	نایب حق
grammatical subject	۱۲۸	نایب فاعل (دس.)
The Tiding	۸۷، ۱۰۰، ۱۱۲	نبأ (قرآنی) (نیز نام سوره ای از ۸۷، ۱۰۰، ۱۱۲)
		سوره های قرآن
The Announcement	۸۸	
The Great Event	۷	
vegetation	۷، ۸۷	نبات (قرآنی)
exhumation	۲۰، ۶۱	نیش قبر

	نیش کردن	۶۱
exhume	نبض	۷۱
pulse	نبض اطول	۷۱
long pulse	نبض اعرض	۷۱
broad pulse	نبض صغیر	۷۱
small pulse	نبض ضعیف	۷۱
feeble pulse	نبض طبیعی	۷۱
natural pulse	نبض عَرَضی	۷۱
accidental pulse	نبض غیر مستوی	۷۱
unequal pulse	نبض قوی	۷۱
vehement pulse	نبض کبیر	۷۱
big pulse	نبض مبسوط	۷۱
simple pulse	نبض مرکب	۷۱
combined pulse	نبض مستوی	۷۱
regular pulse	نبض منشاری	۹۸
saw-pulse	نبض موجی	۷۱
undulating pulse	نبط [= نبطیها : قومی از اعراب یا	۹۹
Nabataeans	مستعربان که در شمال عربستان	
	و بین النهرین ساکن بوده اند.]	
	نبوت (قرآنی)	
prophethood		۳۴، ۱۰۰، ۱۰۹
prophecy		۴، ۸۰، ۹۹
messaging		۲۷
	نبو که نصر ← بخت نصر	
	نبی (قرآنی)	
prophet	نبی امی [قرآنی: النبی الامی]	۶، ۷، ۸۰، ۸۷، ۱۰۳
prophet of the common folk	نبی مرسل	۵۶
prophetic messenger	نبیذ (فقد.)	۹۹
date liquor		۴۵، ۸۰
wine		۱۰
date wine		

conclusion	۱۷.۹۵.۹۸	نتیجه (منط.)
proximate conclusion	۹۸	نتیجه قریبه
corollary	۴۴	نتیجه قهری
prose	۲۶-۲.۱۲۸	نثر (بع.)
style	۱۲۸	
simple prose	۲۶-۲	نثر ساده
artistic prose	۱۲۸	نثر فنی (بع.)
cadenced prose	۲۶-۲	نثر مُرَجَز
aschematistom	۱۲۸	نثر مرسل (بع.)
ashematon; male figuratum	۱۲۸	
curt style; attic style	۱۲۸	نثر مرسل ساده (بع.)
asiatic style	۱۲۸	نثر مرسل مغلق
rhymed prose	۲۶.۲.۱۲۸	نثر مسجع
poetic prose	۱۲۸	نثر منظوم
salvation	۷.۹۹.۱۱۸.۱۱۹	نجات (قرآنی)
deliverance	۶۰.۸۷	
save	۴	نجات دادن
carpenter	۱۲۰	نجّار
carpentry	۱۲۰	نجّاری
contamination	۹۹	نجاست (نیز ← نجس)
unclean substance	۲۰	
Negus	۲۶.۴۲.۸۴	نجاشی [فرمانروای حبشه در زمان حضرت پیامبر (ص)]
pre-eminents	۸۰	نجبا (نیز ← نجیب)
the excellent ones	۳۸	
unclean	۷.۳۷.۸۷	نَجَس (قرآنی)
impure	۳۷.۴۵	
major impurity	۸۰-۵	نجس العین
The Star	۷.۸۷.۸۸.۱۰۰	نجم (قرآنی) (نیز نام سوره ای از

		سوره های قرآن
		نَجْوَا ← نجوی
stars	۷، ۸۷	نجوم (قرآنی) [جمع نجم = ۷، ۸۷] ستارگان
astronomy		نجوم (نیز ← منجم)
secret conference	۶۴، ۸۷	نَجْوَا (قرآنی)
conspiring	۱۰۰	
civilised	۴	نجیب (نیز ← نجبا)
vow	۷، ۸۷	نَحْب (قرآنی) [در این عبارت ۷، ۸۷ قرآنی: «فمنهم من قضی نجبه» به کار رفته و معنای پیمان به سر بردن یعنی وفات می دهد]
sacrifice	۸۷، ۱۰۰	نحر [مشتقی از این کلمه در قرآن ۸۷، ۱۰۰ مجید به کار رفته است]
ill-luck	۷	نَحْس
inauspicious	۸۰-۳	
ill fortune	۱۰۰	
The Bee	۷، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰	نحل [سوره]
sect	۹۵	نحله [مذهب]
school	۱۱	نحله [مدرسه]
mode	۴۲	نحو
syntax	۳۴، ۸۰، ۹۴، ۱۲۸	نحو [دستور زبان]
grammar	۴۲، ۱۲۸	
logical syntax	۹۴	نحو منطقی
accidence and syntax	۳۴	صرف و نحو
grammarian	۱۳، ۸۰، ۱۰۳	نحوی
syntactical	۹۴	
elite	۲۷	نخبه
spinning	۱۲۹	نخریسی

palm	۷، ۸۷	نخل / نخیل (قرآنی)
haughtiness; pride	۱۲۰	نخوت
equal; peer; alike		نَد [جمع مکسر این کلمه به صورت ۱ انداد در قرآن مجید به کار رفته است.]
rival	۷	
compeer	۱۰۰	
call	۴، ۴۱، ۸۷، ۱۰۰	ندا (قرآنی) (نیز ے منادی)
the call of the conscience	۴۱	ندای وجدان
regret	۷	ندامت (قرآنی)
contrition	۲۱	
remorse	۸۷	
commendatory	۴۲	ندب
plaint; lamentation; elegy	۳۱	ندبه
rareness	۱۲۰	ندرت (نیز ے نادر، نادره)
remorse	۵۷	ندَم (نیز ے نادم، ندامت)
boon companion	۱۴، ۸۲، ۹۳، ۹۹	ندیم (نیز ے همنشین؛ مصاحب؛)
vow	۴۲، ۴۵، ۸۴، ۱۰۰	نذر (قرآنی)
offering	۴۲	
vow	۸۴	نذر کردن
make a vow	۱۴	
vows and oblations	۳۸	نذر و نیاز
warner	۶۴، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰	نذیر (قرآنی) (نیز ے بشیر و نذیر؛ منذر)
male; masculine	۱۲۰	نر (فقه.)
backgammon (s)	۸۰-۵، ۱۲۰	نرد
ladder	۱۲۰، ۱۲۹	نردبان / نردبام
fence; rail; balustrade; palisad	۱۲۹	نرده
The Nizaris	۱۲	نزاریه

affray	۶۱	نزع (نیز ← تنازع)
proximity	۹۲	نزدیکی (نیز ← تقرب؛ جماع؛ مواقعہ)
agony of death	۱۲۰	نزع (نیز ← احتضار)
death agony	۳۴	
provocation	۱۰۰	نزع (قرآنی)
false imputation	۷	
hemorrhage	۱۲۰	نزف الدم (پز)
haze	۷۴	نِزْم (جف.) [= بخار و مہ]
descending	۲۸، ۱۰۷، ۱۱۳	نزول [مشتقات این کلمہ در قرآن مجید بہ کار رفته است] (نیز ← تنزیل)
revelation of the Quran	۲۴، ۴۲	نزول قرآن
descent of revelation	۲۴	نزول وحی
interest	۱۲۰	نزول [= سود پول، ربح]
race	۲۹	نژاد
Women	۸۷، ۸۸، ۱۰۰	نساء [سورہ]
Wives of the Prophet	۷، ۸۷	نساء النبی (قرآنی) [= همسران پیامبر اسلام (ص)]
genealogist	۲۸، ۱۲۰	نسابہ
weaver	۱۲۰	نَسَّاج
weaving	۱۲۰	نَسَّاجی
copyist	۱۰	نَسَّاح
pious people	۸۰، ۱۰۷	نُسَّاك
genealogy	۶، ۳۲، ۹۹	نسب (قرآنی)
lineage	۴۲، ۹۹	
blood relationship	۷، ۶۱	
nominal relation	۱۰۸	نسب اسمائیه
attribution	۳۴، ۹۸	نسبت

	۱۰.۹۴.۹۷.۹۸.۱۰۵	نسبت (کل. و منط.)
relation	۶۹	
relationship	۹۸	نسبت اضافه لازمه
relation of inseparable attribution	۶۹	نسبت تألیفی
synthetic relationship	۹۴	نسبت ترتیبی
ordering relation	۹۴	نسبت تعادل
equivalence relation	۹۷	نسبت حکمیّه
judicial relation	۹۸	نسبت حمل
relation of belonging	۹۸	نسبت صریح اضافه حقیقی
explicit relation of real attribution	۶۹	نسبت عددی
numerical relationship	۶۹	نسبت مؤلفه
composite relationship	۶۹	نسبت متصله
continuous relationship	۶۹	نسبت مساحی
superficial relationship	۶۹	نسبت منفصله
discrete relationship	۹۴	نسبت همانی
identity relation	۶۹	نسبت هندسی
geometrical relationship	۲۹	نسبت دادن
attribute	۱۱	نسبی
relative	۱۶.۹۵	نسبیت
relativism	۱۱	
relativity	۷.۱۵.۸۰.۸۶.۸۷.۱۱۲.۱۱۳	نسخ (قرآنی)
abrogation	۸۵.۸۶	
repeal	۸۰-۴	
act of concellation	۶۴.۸۷.۱۰۰	نسخ کردن
abrogate		نسخه خطی ← مخطوط / مخطوطه
recipe-writing	۳۱	نسخه نویسی
Altair	۳۶	نسر طایر (نج.)
Vega	۳۶	نسر واقع (نج.)
Nestorian; a Christian	۳۱	نسطوری (کل.)

mode; manner; allotment of lands; torture ; punishment	۱۲۰	نَسَق
sacrifice	۷,۱۲۱	نُسُك (قرآنی) (نیز ← مناسك: ۷,۱۲۱ تنسك: ناسك)
offering	۸۷	
ceremonies (of the Pilgrimage)	۱۲۱	
generation	۴	نسل (قرآنی)
stock	۷,۱۰۰	
offspring	۱۵	
women	۱۲۰	نسوان
forgetfulness	۲۴,۸۰,۱۰۳	نسیان [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
forgetting	۹۵	
posponement of a sacred month	۷,۸۴,۸۷	نَسِء (قرآنی)
on credit	۱۲۰	نسیه (مقد. نقد)
breeze	۷۴	نسیم
growth	۷,۸۷,۱۰۰	نشأة (قرآنی)
state of being	۱۲	
creation	۷,۸۷,۱۰۰	
creative breath; growth	۴۰	
leakage	۱۲۹	نشت [= نَشْد]
growth	۱۰۴	نشوء
uprising	۱۰۰	نشور (قرآنی) (نیز ← حشر: بعث: ۱۰۰ قیامت)
resurrection	۸۰-۵	
ill treatment; rebellion	۶۴,۸۷	نشوز (قرآنی)
rebelliousness	۱۰۰	
refractoriness	۴۵	
disobedience	۶۱	

text	۳۱.۳۴.۴۵.۸۰.۸۶.۹۹	نصّ (نیز ← منصوص)
designation	۴۷.۸۰.۱۱۰	
Quranic text	۴۷	
tradition; wording	۳۱	
clear designation	۸۰-۳	نصّ جلی
express statement	۹۹	
implied statement	۹۹	نصّ خفی
clear terms	۲۸	نصّ صریح
the text of Quran	۳۱	نصّ کریم
		نصاب ← حدّ نصاب
Christian	۳۱.۴۵.۸۷.۱۰۹	نصارا (قرآنی) (نیز ← نصرانی)
Nazarenes	۳۱	
to place oneself; to stand	۱۰۷	نصب
installation	۱۲۹	
Help	۷.۸۸.۱۰۰	نصر [سوره]
Succour	۸۷	
Christian	۷.۸۷.۱۰۳	نصرانی (قرآنی) (نیز ← نصارا)
Christianity	۶	نصرانیّت (نیز ← مسیحیت)
assistance	۲۷	نصرت
divine assistance	۲۷	نصرت الہی
half	۷.۸۷	نصف (قرآنی)
meridian	۳۶	نصف النہار
line of longitude	۱۲۹	
celestial meridian	۳۶	نصف سماوی
prime meridian	۷۴	نصف مبدأ
textualism	۱۱	نص گرای (نیز ← نص)
sincere	۷.۸۷	نصوح (قرآنی)
true; constant; sincere	۳۱	
		نصوص ← نص

	۷	نصیب (قرآنی)
portion	۸۷.۹۵	
fortune	۳	
destined share	۲۷	نصیحت [مشتقات این کلمه در ۲۷
counsel		قرآن مجید به کار رفته است.]
proffering good counsel	۸۰	
Helper	۷.۸۷	نصیر [النصیر] (اسم الهی)
		(قرآنی)
elaboration	۹۵	نضج
sperm	۱۱	نطفه (قرآنی)
life-germ	۴۱	
sperm drop	۱۰۰	
drop of seed	۸۷	
speech	۷۹.۱۰۳	نطق (نیز ← ناطق؛ منطق)
beast gored	۱۰۰	نطیحه (قرآنی) [= جانوری که به
		زخم شاخ جانور دیگر مرده
		باشد.]
governance	۲۹	نظارت
control	۷۵	
supervision	پ	
supreme control	۷۵	نظارت عالی
cleanliness	۳۰	نظافت
order	۴.۸۰.۹۲.۹۵	نظام
military service	۱۲۰	
system	۵.۱۱.۷۵.۱۰۴	
ordinance	۸۵	
organization	۶۹	
order of creation	۴	نظام آفرینش
moral order	۴۴	نظام اخلاقی

Islamic system of Economics	٥-١	نظام اقتصادی اسلام
order of the realm	٨٢-٥	نظام مُلك
small holdings system	٧٥	نظام خرده مالکی
system of good	١٠٤	نظام خیر
good universal order; the best	٩٢	نظام خیر کلی
world order		
universal system	١٠٤	نظام کلّ
financial system	٥-٣	نظام مالی
system of being	١١	نظام وجود
rules of procedure	٦٨	نظامنامه
speculation	٤٢.٩٥	نظر [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
view; contemplation	٤٢	
rational speculation; intellectual	٨٠	
observation		
observation	٨٠	
glance	٥٤	
reason	١٠٨	
speculative	١١.٩٥.١١١	نظری
theoretical	٨٠	
discursive	٩٥	
speculation	١٠٤	نظریّه
theory	١١	
order	١١	نظم (نیز ← نظام)
verse	١٢٨	
poetry	١٢٨	نظم
designer	٦٢	نظم دهنده
police (office)	١٢٠	نظمیه [= شهربانی]
homologue	٨٠-٥	نظیر

rival	۲۴	
nadir	۱۲۰	نظير السميت (نجد.) [معادل ۱۲۰ انگلیسی این کلمه، متخذ از اصل عربی است.]
slumber	۸۷، ۱۰۰	نعاس (قرآنی) [= خواب]
quality	۸۰-۵	نعت
description	۷۹، ۹۰	
eulogy	۸۲-۵	
adjective; descriptive epithet	۶۵	نعت (دس.)
eulogize	۵۲	نعت گفتن
bier; coffin	۱۲۰	نعلش
horse shoe	۱۲۰	نعل
clogs	۲۱	نعلین
a pair of slippers	۱۸	
Excellent Protector	۱۰۰	نعم المولی (اسم الهی) (قرآنی)
Most Excellent Patron	۸۷	
Transcendent Helper	۸۷	نعم النصیر (اسم الهی) (قرآنی)
Most Excellent Protector	۷	نعم الوکیل (اسم الهی) (قرآنی)
blessing	۲، ۱۰۰، ۱۱۰	نعمت (قرآنی)
favor	۷	
bounty	۲، ۱۱۸، ۱۱۹	
grace	۸۷، ۵۹	
bliss	۱۰۰	
gracious bounty	۸۰	
the good of the next world	۲۴	نعمت آخرت
everlasting blessing	۶۲	نعمت ابدی
grace of Allah	۸۷	نعمت الله (قرآنی)
favor of Allah	۷	
lasting bliss	۱۰۰	نعمت جاودانی

the good of this world	۲۴	نعمت دنیا
We seek refuge in God	۳۱	نعوذ بالله [صیغه مفرد این عبارت به صورت اعوذ بالله در قرآن مجید به کار رفته است.]
God defend us! God preserve us!	۲۵	
bliss	۱۰۰، ۱۱۳	نعیم (قرآنی)
blessing	۵۶	
melody; song	۱۲۰	نغمه
efficacy	۸۰-۲	نفاذ (فقه.)
childbirth	۱۲۰	نفاس (نیز ← نفساء)
abortion	۲۰	
hypocrisy	۴، ۷، ۸۷، ۱۰۰، ۱۰۳	نفاق (قرآنی) (نیز ← منافق)
sedition	۴	
kerosene; petrol	۱۲۹	نفت [= نفت]
oil; petroleum	۱۲۰	
breathing	۱۰۳	نفح [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
blast	۷	نفحه (قرآنی)
breath	۸۷	
The blast of the Trumpet (at the resurrection)	۱۰۳	نفخ صور [در قرآن مجید بارها عبارت نُفَحَ فِی الصُّور به کار رفته است.]
blowing of Trumpet	۵۶	
blast	۵۲، ۱۰۰	نفحه
company	۸۷، ۱۰۰	نَفَر (قرآنی)
group	۷	
hatred	۴	نفرت
curse	۳۱، ۱۲۰	نفرین (نیز ← لعن)
soul	۷، ۱۱، ۴۵، ۸۷، ۹۵، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۸	نَفْس (قرآنی)

self	۲.۴۵.۱۰۳	
ego	۱۱.۸۰	
mind	۱۰۵	
eternal soul	۱۰۴	نَفْس اَزَلِیَه
soul of spheres	۱۱	نَفْس اَفْلَاک
despotic soul	۱۱	نَفْس اَمَّارَه [در قرآن مجید آمده است: اِنَّ النَّفْسَ لَآمَّارَةٌ بِالسُّوءِ]
carnal soul	۳۷.۱۰۳	
commanding soul	۱۰۳	
soul imperative	۵۲	
soul thad bids to evil	۱۴	
human soul	۱۱	نَفْس اِنْسَانِی
pure ego	۴۶	نَفْس بَسِیْط
beast soul	۱۱	نَفْس بَهِیْمِی
bestial soul	۶۹	
individual soul	۱۱	نَفْس جَزْئِی
finite self	۴۶	
sensation	۷۱	نَفْس حَسَّاس
animal soul	۷۱.۹۵	نَفْس حِیَوَانِی
pure soul	۸۰.۹۹.۱۰۹	نَفْس زَکِیَه
savage soul	۶۹	نَفْس سَبْعِی
appetitive soul	۵۶	نَفْس شَهْوِیَه
intelligent soul	۶۹	نَفْس عَاقِلَه
rational soul	۱۰۴	
soul of the world	۹۵	نَفْس عَالَم [جانِ جِهَان]
irascible soul	۵۶	نَفْس غَضَبِیَه
inactive soul	۱۱	نَفْس غَیْرِ فَعَّال
heavenly soul	۵۹	نَفْس فَلَکِی

sacred soul	۵۹	نَفْسِ قَدْسِی
universal soul	۴۰، ۴۵، ۱۰۳	نَفْسِ کُلّ
universal self	۴۶	
reproaching soul	۶۶	نَفْسِ لَوّامِه (قرآنی)
self-accusing soul	۷	
reproachful soul	۱۰۰	
blaming soul	۲۱	
percipient's soul	۱۰۴	نَفْسِ مُدْرِك
soul at peace	۶۶، ۸۰، ۸۷، ۱۰۰	نَفْسِ مَطْمَئِنَه (قرآنی)
peaceful soul	۶۹	
angelic soul	۱۱	نَفْسِ مَلْکِی
dianoetic soul	۸۰-۳	نَفْسِ مَنْطِقِیَه
fiery soul	۱۰۳	نَفْسِ نَارِی
rational soul	۵۴، ۹۲، ۹۹، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۸	نَفْسِ نَاطِقَه
reasoning soul	۱۱	
reasonable soul	۳۴	
communicative soul	۱۰۴	
vegetable soul	۷۱، ۹۵	نَفْسِ نَبَاتِی
vegetative soul	۵۹	
prophetical soul	۹۹	نَفْسِ نَبَوِیّه
single being	۸۷	نَفْسِ وَاحِدَه (قرآنی)
breath	۵۴، ۹۶	نَفْس
The breath of the Merciful	۹۶	نَفْسِ الرَّحْمَنِ
The breath of the compassionate	۵۴	
woman in labor	۹۹	نَفْسَاء
mental	۱۱۱	نَفْسَانِی
egocentricity	۴۴	نَفْسَانِیّت
sensuality; egoism	۱۲۰	نَفْسِ پَرَسْتِی
egology	۱۱	نَفْسِ شَنَاسِی

psychical	۹۵	نفسی
spirituality	۱۱۱	نفسیت
soulhood	۵۶	
profit	۷	نفع (قرآنی) (نیز ← منفعت)
benefit	۸۱	
maintenance (food, clothing, lodging)	۱۵.۸۰.۸۵	نفقه (قرآنی)
spending	۷.۸۷	
money for expenditure	۶۱	
alms	۶۴	
contribution	۸۷	
necessaries	۶۱	نَفَقَةُ زَوْجِه و اطفال (حق.)
influence	۴	نفوذ
negation	۱۱.۸۰.۱۰۳	نفی
denial	۱۰۴.۱۰۵	
negation of a first beginning	۸۰-۵	نفی اولیه
banishment	۳۷.۸۵	نفی بلد
exile; deportation	۶۱	
incorporeality	۱۰۵	نفی جسمی
joint denial	۹۴	نفی مضاعف
absolute negation	۱۱	نفی مطلق
negate	۲۹	نفی کردن
precious	۱۲۰	نفیس
mask	۱۲۰	نقاب
chieftainship; leadership	۱۲۰	نقابت
critic	۱۱	نقّاد (نیز ← نقد)
drum house	۸۰-۵	نقّارخانه [نقاره خانه]
music house	۴۵	
small kettledrum	۱۱۴	نقّاره
kettledrum	۳۱	

		نقاره خانه ← نقارخانه
painter	۱۲۰، ۱۲۹	نقاش
painting	۱۲۰، ۱۲۹	نقاشی
story-teller; narrator	۱۲۰	نقال
story-telling; narration	۱۲۰	نقالی
pierce	۸۷، ۱۰۰	نقب (قرآنی)
hole	۷	
chief assistants; chiefs	۸۰	نُقبَا (نیز ← نقیب)
criticism; critique	۱۲۰، ۱۱	نقد [= انتقاد]
cash; in cash	۱۲۰	نقد (مق. نسیه)
current fund	۶۱	نقدینه
gout	۳۱، ۱۲۰، ۷۱	نقرس
silver	۱۲۰	نقره
form; image	۱۰۳	نقش
arabesque	۱۱۵	نقش اسلیمی (هند.) (نیز ← ۱۱۵ اسلیمی)
relief decoration	۱۱۵	نقش برجسته (هند.)
geometrical interlacing arabesque	۱۱۵	نقش درهم هندسی (هند.)
pattern; motif; design	۱۲۹	نقش و نگار
map	۷۴	نقشه (جغ.)
imperfection	۱۱، ۱۵، ۵۶، ۱۰۴	نقص (قرآنی)
loss	۷، ۸۷	
defect	۹۵	
deficiency	۱۱	
mutilation	۶۳	نقص عضو (حق.)
refutation	۹۵، ۱۰۷	نقض (قرآنی)
breaking	۷، ۸۷	
violation	۳۱	
violation of agreement; breach of treaty	۳۱	نقض پیمان

breach of promise	۷۵	نقض عهد
breach of rule	۷۵	نقض قانون
breach of clause	۷۵	نقض مفاد قرارداد
breaking covenant	۷، ۸۷	نقض میثاق [در قرآن مجید دو بار عبارت «فبما نقضهم میثاقهم» به کار رفته است]
abjure	۶۱	نقض عهد کردن
turning point	۷۳	نقطه عطف
punctuation	۱۲۰	نقطه گذاری (نیز ← سجاوندی)
tradition	۲۳، ۸۰	نقل
transmission	۱۲، ۸۰	
traditionalism; authority	۴۵	
transmitted doctrine	۶۸	
paraphrase	پ	نقل به معنی
corruption in transmission	۱۲	
correct relation	۳۸	نقل صحیح
traditional	۱۲۰	نقلی
transmitted	۱۲	
chieftain	۱۰۰	نقیب (قرآنی) (نیز ← نقباء)
chief	۱۲	
leader	۸۴	
watchman; guardian	۴۲	
date-spot	۱۰۰	نقیب (قرآنی) [هسته خرما]
defective	۸۰-۳	نقیص
contradictory	۹۴، ۹۷، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۶	نقیض (منط.)
antithesis	۴۴، ۹۵	
contrary	۸۱	
disproof	۴۶	
antinomy	۹۵	نقیضه

marriage	۷.۱۵.۲۲.۳۹.۴۵.۸۵.۸۷	نکاح (قرآنی) (نیز ← ناکح؛ منکوحه)
wedlock	۳۹	
marriage by delegation	۳۹	نکاح تفویض
non-forbidden union	۳۹	نکاح جایز
Shighar marriage (exchange of daughters)	۱۵	نکاح شغار
valid marriage		نکاح صحیح
wed	۶۴.۸۷	نکاح کردن
marry	۶۴	
indeterminate noun	۲۸	نکره (دس.)
undefined noun	۶۵	
refusal (to take the oath , etc.)	۸۵	نکول (فق.)
non- acceptance	۷۵	
refusal of acceptance	۶۱	
reprimand	۱۶	نکوهش کردن (ا.خ.) (نیز ← لومه؛ ملامت)
seal	۹۶	نگین انگشتری (نیز ← خاتم)
bezel	۹۶	نگین دان
facade	۱۱۵	نما (معم.)
mode	۱۲۹	
presentation	۱۱	
exponent ; index	۱۲۹	نما (رض.)
elevation	۱۲۹	نما [بلندی از پی به بالا] (معم.)
prayer	۴.۸۷.۱۰۳	نماز (نیز ← صلاة)
ritual prayer	۱۰۳	
signs prayer	۲۰	نماز آیات
prayer for rain	۹۹	نماز استسقا
mid-day prayer	۳۱	نماز پیشین [= نماز ظهر]

congregation prayer	۴۲	نماز جماعت
congregational prayer	۹	
communal prayer	۴	
community prayer	۲۹	
friday prayer	۴۲، ۱۰۹	نماز جمعه
moon-eclipse prayer	۴۲	نماز خسوف
prayerful	۱۲۰	نماز خوان
prayer of fear	۹	نماز خوف
afternoon prayer	۳۱	نماز دیگر [= نماز عصر]
night prayer	۱۰۹	نماز شب
midnight prayer	۳	
morning prayer	۴۲	نماز صبح [صلوة الفجر]
dawn prayer	۱۰۹	
moontime prayer	۴۲	نماز ظهر
night prayer	۴۲	نماز عشاء
		نماز عصر ← نماز دیگر
festival prayer	۲۰	نماز عید
prayer of the two festivals	۴۲	نماز عیدین
curtail worship	۸۷	نماز قصر [= نماز کوتاه] [در ۸۷
		قرآن مجید آمده است: لیس
		علیکم جناح ان تقصروا
		[من الصلاة]
shorten the prayer	۷	
defaulted prayer	۲۰	نماز قضا
sun-eclipse prayer	۴۲	نماز کسوف
		نماز گزار ← نماز خوان
prayer of the sick	۴۲	نماز مریض
evening prayer; sun-set prayer	۴۲	نماز مغرب
funeral prayer	۴۲، ۱۰۹	نماز میت

prayer for the corpse	۲۰	
burial prayer	۴	
supererogatory prayer	۱۰۹	نماز نافلہ (نیز ۷ نافلہ)
obligatory prayer	۲۰	نماز واجب
statutory prayer	۱۰۹	
odd prayer	۲۳	نماز وتر
statutory prayer	۱۰۹	نماز یومیہ
oratory	۱۲۹	نماز خانہ
recite the prayer	۴	نماز خواندن
curtail worship	۸۷	نماز کوتاہ خواندن [= نماز قصر]
caluminator	۹۹	نَمَام (نیز ۷ نمیم؛ سخن چین؛ سعایت)
deputation	۱۲۰	نمایندگی
agency	۷۷	
felt	۱۲۰، ۱۲۹	نَمَد
type	۹۵	نَمَط
mode; kind	۴۰	
salt	۱۲۰	نَمَک (نیز ۷ ملح)
salt flat	۷۴	نَمَکزار
salina	۱۲۹	
The Ant	۷، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰	نَمَل [سورہ]
growth; development	۱۲۰	نَمَوَ (نیز ۷ نامی؛ نامیہ)
slander	۷، ۸۷	نَمِیم (قرآنی) [= سخن چینی] (نیز ۷، ۸۷)
		۷ سعایت؛ غیبت)
		نواب ۷ نایب
		نوادہ ۷ نوه
supererogatory prayers	۱۰۹	نوافل (نیز ۷ نافلہ؛ ندب؛ مستحب)
supererogatory works	۸۰-۳	
works of supererogation	۸۱	

prohibitions	۱۲۰	نواهی
Noah	۴۳، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰	نوح (ع) (قرآنی) [نیز نام سوره ای از سوره های قرآن مجید است.]
Nuh	۷	
Noe	۴۳	
lamentation [for the dead]	۱۸، ۳۸	نوحه
The Light	۷، ۸۷، ۱۰۰	نور (قرآنی) [نیز نام سوره ای از سوره های قرآن مجید است]
illumination	۱۰۳	
The Light of Ahmad	۱۰۳	نور احمد
signeural light (lordly light)	۱۳	نور اسفهبدی
supreme light	۱۳	نور اعلی
the most proximate light	۱۳	نور اقرب
light of Allah	۷، ۸۷	نور الله (قرآنی)
primal light	۱۱	نور اولی
inner light	۳۴	نور باطنی
everlasting light	۱۰۳	نور باقی
pure light	۱۱	نور بحت
light of spiritual insight	۲۳	نور بصیرت
light of insight	۲۲	
light of God	۱۰۳	نور خدا (نیز ← نور الله)
light of heart	۱۰۳	نور دل
light of spirit	۱۰۳	نور روح
victorial light	۱۳	نور قاهر
eternal light	۱۰۳	نور قدیم
incorporeal light	۱۳	نور مجرد
abstract light	۱۱	
light of Muhammad; Muhammadan light	پ	نور محمدی
Light of the Heavens and the Earth	۷، ۸۷	نور السماوات والارض (اسم)

		الهی (قرآنی)	
luminous; illumined	۱۴	نورانی	
luminosity	۱۳	نورانیت	
light upon light	۶.۷.۸۰.۸۷.۱۰۳	نور علی نور (قرآنی)	
light on light	۸۰		
louvres	۱۲۹	نورگیر	
new-year's day	۳۱	نوروز [در متون عربی این کلمه را به صورت نیروز می نویسند.]	
spring festival	۸۰		
illuminated	۹۰	نوریّه	
write; writing	۱۲۰	نوشتن (نیز ← کتابت؛ خط؛ خطاطی؛ نویسندگی)	
unguent; electuary	۲۵	نوشدارو (قص.)	
species	۱۱.۹۲.۹۵.۹۷.۱۰۵	نوع (منط.)	
relative species	۹۷	نوع اضافی (منط.)	
species specierum	۹۷	نورالانواع (منط.)	
veritable species	۹۷	نوع حقیقی (منط.)	
low species	۹۷	نوع سافل (منط.)	
high species (summa species)	۹۷	نوع عالی (منط.)	
intermediate species	۹۷	نوع متوسط	
singular (solitary) species	۹۷	نوع مفرد	
philanthropy	۲۹	نوع دوستی	
specific	۵۹	نوعی	
generic	۱۶		
specificity	۴۲	نوعیت	
		نوگرایی ← تجدد	
sleep	۷.۸۷	نوم (قرآنی) (نیز ← منام)	
grandchild	۱۲۰	نوه	
writing; authorship	۱۲۰	نویسندگی	

writer; author; scribe	۱۲۰	نویسنده
institution	۱۱	نهاد
nature	۱۲۰	
posture	۱۱، ۹۲	
situation	۹۲، ۱۱۱	
day	۷، ۸۷ ←	نهار (قرآنی) [= روز] (نیز) ← (ناهار)
end	۷۹، ۹۵، ۱۰۵	نهایت
limitation	۵۶	
limit	۹۲	
supreme goal	۵۸	نهایت (تصد.)
ultimate	۱۱	نهایی
rightway; highway; mode; manner	۳۱	نهج
Eridanus	۳۶	نهر (نجد.)
river	۷، ۸۷	نَهْر [تلفظ قرآنی این کلمه به فتح اول و دوم است. نیز جمع مکسر این کلمه به صورت انهار بارها در قرآن مجید به کار رفته است.]
movement	۸، ۷۳	نهضت
rising	۶۱	
The Constitutional Movement	۷۳	نهضت مشروطیت
prohibition	۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۸، ۱۱۹	نهی [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است. نیز ← منهی؛ مناهی؛ امر]
forbidding	۴، ۶، ۱۶، ۸۰، ۱۰۰	
discourage	۸۵	
prohibition admitted of an in- terpretation	۱۰۳	نهی تاویلی
prohibition for the purpose of	۱۰۳	نهی تحریمی

making unlawful (the thing prohibited)		
prohibition admitted a cause of perplexity	۱۰۳	نهی توهیمی
probid to do evil		نهی از منکر [این اصطلاح با افعال ۹۹ و صیغه‌های مختلف از جمله «ینهون عن المنکر» و غیره در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← امر به معروف)
forbid from doing evils	۱۰۹	
forbid indecency	۸۷	
forbid of wrong	۷.۲۰	
forbid; refrain	۶	نهی کردن
vicarate	۱۰۳	نیابت (نیز ← نایب)
deputyship	۴۷	
proxy in worship	۸۵	
indigence	۱۴	نیاز (نیز ← نذر و نیاز)
supplication	۱۰۳	
offering to a saint	۳۸	
needful	۲۹	نیازمند
invocation	۵۷	نیایش (نیز ← عبارت : نماز؛ دعا)
intention	۲۰.۴۵.۸۰.۹۵.۱۰۳	نیت
intent	۸۵	
declare the intention	۸۰-۲	نیت کردن
make intention	۲۰	
luminous	۵۶	نیر
theurgy	۵۹	نیرانیات [طبیعیات] نیرنگ ← مکر نیروز ← نوروز

non-existence	۲۹.۹۲.۱۱۱	نیستی
non-reality	۱۱	
self-naughting	۱۰۳	
		نیقیه ← از نیک [= نیقیه]
right-doer	۸۷	نیکوکار
good doer	۴	
righteous	۸۷	
benevolent	۲۹	
righteousness	۸۷	نیکوکاری
benevolence	۹۲	نیکویی
goodness	۴۲.۹۲	نیکی
right conduct	۶۴	
Nile	۱۲۰	نیل (رود)
semi-cupola	۱۱۵	نیم گنبد (معم.)
half-verse	۱۲۸	نیم مصراع
hemistich	۱۲۸	[نیم] مصراع
Nineveh	۳۱.۸۴	نینوا

و

obligatory	۱۳.۳۱.۸۰.۸۵.۸۶.۹۲.۹۵	واجب
necessary duty; compulsory	۸۰	
obligation	۲	
obligatory proper	۸۳	
		واجب القتل ← مهدور الدم
necessary existent	۱۱.۱۰۵.۱۰۸	واجب الوجود

necessary being	٣٤.٥٦.٨٠	
necessarily existent	٩١	
existent necessary through itself	١٠٥	واجب الوجود بذاته
subsistent	١١	واجب بالذات [قيوم]
necessary by itself	١٠٥	واجب بذاته
obligatory with choice	٤٢	واجب تخيري
absolutely obligatory	٤٢	واجب تعيني [= تعيني]
individual duty	٢٧	واجب عيني [فرض العين]
sufficient necessity	١٢	واجب كفايي [فرض الكفايه]
general obligation	١٥	
collective duty	٢٧	
obligatory for itself	٤٢	واجب نفسي
obligations	٢	واجبات
loose duties	٩٥	واجبات الواسعه
necessary through another	١٠٥	واجباً لغيره
be obligatory	٦	واجب بودن
enjoin	٦.١٢١	واجب کردن
The Inventor	٤٢	واجد [الواجد] (اسم الهی) (غير قرآنی)
Existing	٤٥	
The Opulent	٨٠	
possessing qualifications	٦١	واجد شرایط
eligible; qualified	٧٧	واجد صلاحیت
The One	٧.١١.٤٥.٨٧.٩٥.١٠٣.١٠٤	واحد [الواحد] (اسم الهی) (قرآنی)
unity	٧٥.١١١	واحد
unit	١١.٧٥	
one - eyed	١٢٠	واحد العين [= اعور، يك چشم]
the one existent	٤٥	واحد الوجود

particular unity	۹۲	واحد جزئی
essential unit	۱۱	واحد ذاتی
monism	۹۵	واحدیت
the unity of the multiple	۸۰.۳	
oneness	۶۶	
oasis	۷۴.۱۲۹	واحه
valley	۴.۳۴.۱۲۰	وادی
wadi	۷۴	
vale	۵۵	
right side of the valley	۷.۸۷	وادی ایمن [قرآنی: الواد الایمن]
Guadalajara	۱۲۵	وادی الحجاره [= گواذالاخارا]
		[شهری در اسپانیای دوره اسلامی]
		وادی الرمل
Sand River	۹۹	
Guadalquivir sand River	۱۲۵	وادی الکبیر [= گواذالکیویر]
		[رودی در اندلس]
The Valley of peace	۳۴	
The Inheritor	۱۶.۸۰.۸۷	وارث [الوارث] (اسم الهی)
		(قرآنی)
The Heir	۷.۳۹.۴۵.۸۵	
heir	۳۹.۴۵.۸۵	وارث (نیز ← ارث؛ موروث؛ میراث؛ تراث)
inheritor	۱۶.۸۰	
residuary	۳۹	وارث طبقه دوم
heir at-law	۶۱	وارث قانونی
heir apparent	۶۱	وارث مسلم
hierless	۶۱	بی وارث
accede to	۶۱	وارث شدن
divine contingencies	۵۲	واردات (تصد.)

imports	۱۲۰	واردات (اقتد.)
intermediary	۲۹، ۷۵، ۸۰، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۱۸	واسطه
agent; broker	۳۸، ۷۵	
middle man	۷۵	
intercessor	۲۹	
means	۹۵	
refrain	۸۰	واسطه [در شعر، بند ترکیب یا ترجیع]
All-Embracing	۸۷، ۱۰۰، ۱۰۹	واسع [الواسع] (اسم الهی) (قرآنی)
The Comprehensive	۴۵	
Abounding in Forgiving	پ	واسع المغفرة (اسم الهی) (قرآنی)
describer	۷۹	واصف
united	۳۴، ۱۰۳	واصل (نیز ← وحدت مع الله)
united with God	۱۰۳	
inventor; founder; legislator	۳۱	واضع
preacher	۳۸، ۸۰	واعظ (نیز ← وعظ؛ موعظه)
orator	۲	
The suficient one	۱۱۳	وافیه [سوره فاتحه]
protector	۷	واق [= واقعی] (قرآنی) [= نگهبان]
defender	۸۷، ۱۰۰	
fact	۱۱	واقع
The Event	۸۷، ۸۸	واقعه [سوره]
The Great Event	۷	
The Terror	۱۰۰	
Karbala drama	۲۷	واقعه کربلا
reporter	۸۰	واقعه نویس
real; factual	۱۱	واقعی
reality	۱۱	واقعیت (فلد.)
empirical reality	۱۱	واقعیت تجربی

eternal reality	واقعیت جاویدان [حقیقت ۱۱]	قدیم
external reality	۱۱	واقعیت خارجی
subjective reality	۱۱	واقعیت ذهنی
objective reality	۱۱	واقعیت عینی
absolute reality	۱۱	واقعیت مطلق
ultimate reality	۱۱	واقعیت نهائی
aware; informed; intelligent;	۱۲۰	واقف
bequeather of pious foundation		واقفیه [فرقه]
Wagifites	۴۲	واق واق
the people of Gog and Magog	۵ - ۸۰	والا
exalted	۴	
sublime	۱۱	
sublimity	۱۱	والایی
father	۱۲۰	والد [= پدر]
mother	۷.۸۷	والده (قرآنی)
parents	۷.۳۱.۸۷	والدین (قرآنی)
by God	۳۱.۱۲۰	والله [والله، بالله و تالله سه صیغه]
		رسمی و شرعی قسم در اسلام
		هستند]
The Reigning	۸۰	والی [الوالی] (اسم الهی)
		(غیر قرآنی)
The Governor	۴۵	والی
governor; ruler	۴۲.۴۵.۹۹	والی الجرائم (فق.)
official in charge of crimes	۸۶	وام (نیز ← قرض)
loan	۲۲.۷۵	
debt; accomodation	۶۱	وام اقساطی
installment loan	۷۵	وام تولید
production loan	۷۵	

mortgage loan	٧٥	وام رهنی
debt of honour	٦١	وام شرافتی
call money	٧٥	وام عندالمطالبه
giver	٤٠، ٩٣، ١٠٤	واهب (نیز ← وهاب)
grantor	٦١	
Giver of forms	٤٠، ٩٣، ١٠٤	واهب الصّور [= خداوند]
Giver of souls	١٠٤	واهب النّفوس [= خداوند]
faculty of the estimate	٩٣	واهمه [قوة واهمه] (منط.)
vain; futile	١٢٠	واهی
frail	٧، ٨٧	واهیہ (قرآنی)
cholera; plague	١٢٠	وبا
evil consequence	٨٧	وبال (قرآنی)
mischief	١٠٠	
peg	٢٨	وتد (عز)
stump	٢	
odd [number]	٣٨، ١٠٤	وثر (نیز ← نماز وتر)
uneven [number]	١٠٥	
hypotenuse	١٢٠، ١٢١	وثر (هند.)
life-artery	٨٧	وتین (قرآنی) (نیز ← ورید؛
		شریان)
life-vein	١٠٠	
aorta	٧	
bind	٧، ٨٧، ١٠٠	وثاق (قرآنی)
authority	٤٤	وثاقت
idol; fetish	٤٢	وثن [بُت] (نیز ← صمن؛ اصنام)
idolator; pagan; heathen	٣١	وثنی
fetishism; idolatry	٤٢	وثنیه [وثنیت]
document	٩٥	وثيقه
written document	٨٥	

gage	۶۱	
beauty; comeliness; esteem; respect	۱۲۰	وجاہت
reputation		
spat.	۳۱	وَجَب
ecstasy	۲۹.۹۰.۹۵.۱۰۳.۱۱۳	وَجَد (عرف.)
rapture	۴۶	
bliss	۵۴	
conscience	۱۱	وجدان
inner sense	۱۰۸	
sensibility	۱۰۶	
sensa	۹۷	وجدانیات
pain; ache	۱۲۰.۱۲۱	وَجَع
obligation	۶.۱۱۰	وجوب (نیز ے واجب)
necessity	۴۰.۵۶.۱۰۵	
obligatoriness	۲۷.۸۱	
subsistence	۱۱	وجوب بالذات
necessity of essence	۵۶	وجوب ذات
canonical oligatoriness	۲۷	وجوب شرعی
existence	۱۱.۹۵.۱۰۳.۱۰۵.۱۰۶.۱۰۸	وجود (نیز ے موجود؛ ماہیت)
being	۱۱.۴۵.۸۰.۱۰۳	
entity	۱۶	
infinite primal being	۱۱	وجود اولای لایتناهی
primary being	۱۱	وجود اولی
the being of the creator	۱۰۴	وجود باری
actual entity	۱۱	وجود بالفعل [وجود متحقق]
pure existence	۱۱	وجود بحت
partial existence	۱۱	وجود جزوی
contingent being	۹۶	وجود حادث
real being	۹۶	وجود حقیقی

real existence	۱۱	
external existence	۱۱	وجود خارجی
proper existence	۱۰۸	وجود خاصه
noetic being; mental being;	۵۶	وجود ذهنی
conceptual being		
mental existence	۱۱	
being in consciousness	۵۶	وجود شعوری
ubiquity	۹۵	وجود فی کل مکان
generic existence	۱۱	وجود کلی
material existence	۱۱	وجود مادی
supreme being	۱۱	وجود متعالی
		وجود متحقق ← وجود بالفعل
ideal existence	۱۱	وجود مثالی
abstract existence	۱۱	وجود مجرد
pure existence	۱۱	
pure being	۹۶	وجود محض
absoluteness in existence	۹۲	
continued existence	۱۱	وجود مستمر
absolute existence	۱۱، ۱۰۸	وجود مطلق
absolute being	۱۰۳	
possible being	۴۰	وجود ممکن
potential entity	۱۱	
contingent being	پ	
virtual	۹۵	
necessary being; necessary existence	۱۱	وجود واجب
ultimate necessary existence	۱۱	وجود واجب نهایی
		وجود واقعی ← وجود حقیقی
spatial being	۵۶	وجود وضعی
		وجود گرایی ← اصالت وجود

positive	۶۹	وجودی
existential	۱۱.۹۴.۹۵.۱۰۸	
religious taxes; legal alms	۴۲	وجوه شرعیّه
face	۴۵.۱۱۸.۱۱۹	وجه [صورت]
aspect	۱۱	وجه [جنبه]
mood; manner	۴۰	
mood	۱۲۸	وجه (دسـ.)
indicative mood	۱۲۸	وجه اخباری
subjunctive mood	۱۲۸	وجه التزامی
imperative mood	۱۲۸	وجه امری
focus of the figure	۱۲۸	وجه جامع (بعـ.)
point of resemblance; medium	۱۲۸	وجه شبه (بعـ.)
of comparison; tertium com- partitionis		
debenture; recognizance	۶۱	وجه الضمان
safe pledge	۶۱	وجه الکفاله
Allah's Countenance	۸۷	وجه الله (قرآنی)
The Face of God	۹۹.۱۰۰	
God's Face	۱۰۰	
the passive voice	۶۵	وجه مجهول (دسـ.)
conditional mood	۱۲۸	وجه شرطی
infinitive mood	۱۲۸	وجه مصدری
the active voice	۶۵	وجه معلوم (دسـ.)
direction	۷.۱۰۰.۱۲۰	وجهه (قرآنی)
high honoured	۱۰۰	وجهیه (قرآنی)
esteemed	۸۷	
handsome; beautiful; respectable	۱۲۰	
able		وحدانی
unitarian	۲۱	

oneness	۴۵، ۷۹، ۹۰، ۹۵، ۱۱۸، ۱۹	وحدانیت
unity	۴، ۱۱، ۳۴، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۷	
unicity	۵۶، ۱۰۸	
singleness	۸۰	
Unity of God	۴	وحدانیت خدا
unity	۵۶، ۹۵، ۱۰۳، ۱۰۸	وحدت
oneness	۸۰، ۱۰۴	
eternal unity	۱۱	وحدت ازلی [وحدت قدیم]
Pan- Islamism	۴۳	وحدت اسلامی [= اتحاد اسلام]
unreal unity	۷۹	وحدت اعتباری
primal unity	۱۱	وحدت اولی
graded unity of being	۱۱	وحدت تشکیکی وجود
generic unity	۵۶	وحدت جنسی
existential monism	۱۳	وحدت جوهری وجود
particular unity	۵۶	وحدت شخصی
unity - in - plurality	۹۶	وحدت در کثرت
unity of essence	۱۱۳	وحدت ذاتی
unity of witness	۱۳، ۸۰	وحدت شهود
oneness of witness	۸۰	
pure unity	۱۱	وحدت صرف
identity of opposites	۴۶	وحدت ضدین
		وحدت قدیم ← وحدت ازلی
absolute unity	۱۱	وحدت مطلق
union with God	۴۲	وحدت مع الله (نیز ← واصل)
unity of soul	۵۶	وحدت نفس
specific unity	۵۶	وحدت نوعی
unity of existence	۱۵، ۱۰۲، ۱۱۵	وحدت وجود
unity of being	۱۳، ۹۶، ۱۱۳	

pantheism	۳۴.۸۰.۹۵	
monism of the being	۸۰-۲	
oneness of being; oneness of existence	۸۰	
unity of the real	۱۱۵	
transcendent unity of being	۵۸	
unity and diversity	۱۱	وحدت و کثرت
wild beast	۳۱	وحش
savage, wild	۱۲۰	وحشی
savage beasts	۱۰۰	وحوش (قرآنی)
wild animals	۷	
revelation	۴.۴۵.۹۹.۱۰۹.۱۱۰	وحی (قرآنی)
inspiration	۱۰۳.۱۰۹	
divine revelation	۱۱	
divine inspiration; divine messages	۸۰	
revealed; revelatory	۴۴	وحيانی [= وحی + -انی : منسوب به وحی]
lonely; alone	۷.۱۰۰	وحید (قرآنی)
reveal	۶	وحی کردن
unhealthy; dangerous; fatal	۱۲۰	وخيم
love; friendship	۳۱	وداد
good-bye	۱۲۰	وداع
fare well	۳۱	
All-loving	۱۰۰	وَدود [الودود] (اسم الهی) (قرآنی)
The Loving One	۴۲	
The Benevolent	۸۰	
deposit	۳۸	وديعه
deposited	۴۵	
deposited by God	۱۰۳	وديعه الله

inheritance; heritage	۶۳۱	وراثت (نیز ← ارث)
heredity	۹۵	
succession	۳۹	
paper maker; stationer; copyist	۱۲۱	وَرَّاق
		ورثه ← وارث
heirs of knowledge	۶	ورثة العلم
rose	۳۱، ۱۲۰	وَرْد
invocations; access; arrival	۴۵	وَرْد
litany	۸۰-۵	
exercise	۱۲۰	ورزش
stadium; palestra	۱۲۹	ورزشگاه
trade fallen	۷۵	ورشکست
smash up	۷۵	ورشکست شدن
culpable bankruptcy	۶۱	ورشکستگی
		ورشکسته ← ورشکست
temperance	۳۱، ۵۲	وَرَع
fear of God	۳۱، ۸۲	
piety	۹۳	
scrupulosity; absteniousness	۸۰	
abstinence	۵۷	
abstention	۵۸	
leaf	۷، ۸۷	ورق (قرآنی) [بعضی از محققان ورق را معرب «برگ» فارسی می دانند]
sheet	۱۲۰	ورق کتاب (جلد)
folio	۱۱۶	
swelling; inflammation	۱۲۰	وَرَم
vein	۷۱	وَرِيد (نیز ← حبل الوريد؛ وتین؛ شریان)

	وزارت	۱۲۰	
ministry; viziership		۹۹	
wazirate			
load	وزر (قرآنی) [جمع مکسر این کلمه ۸۷ نیز به صورت اوزار در قرآن مجید به کار رفته است.]		
	وزن (قرآنی)	۸۷.۱۰۰	
weighing		۳۱.۱۲۹	
weight	وزن [در شعر]	۲۶.۸۰	
metre	وزن (عروض)	۱۲۸	
rhythm	وزیر (قرآنی) [این کلمه مقتبس از ۷ ویچیر پهلوی است.]		
aider			
		۸۷.۱۰۰	
minister		۴۲.۸۲-۴	
vizier		۴۸	
minister; chief minister	وساده	۳۱	
cushion; pillow	وساطت (نیز ← واسطه)	۱	
intermediation		۱۱	
instrumentality	وسَط (قرآنی)	۱۰۰	
midmost		۷	
medium	وُسع (قرآنی) (نیز ← واسع)	۸۷.۱۰۰	
capacity		۸۷	
scope	وسنی ← هوو		
	وسواس (قرآنی)	۸۷.۱۰۰	
whisperer		۹۵	
obsession		۲۱	
diabolic suggestions		۷۱	
insania	وسوسه [مشتقات این کلمه در ۱۰۳ قرآن مجید به کار رفته است.]		
evil suggestion; satanic temptation			
		۳۱.۴۲	
temptation of the devil			

suggestion of devil	۲۱	
whisper	۶۴.۸۷.۱۰۰	وسوسه کردن
means (of nearness)	۷.۸.۱۰۳	وسیله (قرآنی)
channel vehicle; mediator	۴۲	
union	۳۴.۱۰۳.۱۱۳	وصال (نیز ← وصل؛ واصل)
union with God	۱۰۳	وصال حق
executorship	۶۱	وصایت (نیز ← وصیت، وصی؛ موصی)
attribute; attributing, attribution	۷.۱۱.۴۵.۸۷	وصف (قرآنی) (نیز ← صفت)
quality	۴۵	
enargia	۱۲۸	وصف (بع.)
description	۱۲۸	وصف
descriptio		وصف (بع.)
affirmative attribute	۱۱	وصف ایجابی
particular characteristics	۹۲	وصف خاص
positive	۹۵	وصفی
union; union with the God	۴۵	وصل (نیز ← وصال؛ واصل؛)
attainment [to the truth]	۲۸.۱۰۳.۱۱۳	وصول (عرف.)
union	۱۱۸.۱۱۹	
collection	۷۵	وصل (اق.)
legatee	۴۷.۸۰.۹۹	وصی (نیز ← وصیت؛ وصایت؛ موصی)
executor of a will	۴۵.۸۰	
executor of testament	۱۲.۸۵	
testamentary guardian	۳۹	
guardian appointed by testament	۸۵	
will	۷	
testament	۱۴.۴۲.۴۵.۱۰۰ ←	وصیت (قرآنی) (نیز وصی؛ موصی؛ وصایت)

last will	۴۲.۴۵.۶۱	
bequest	۴۲.۸۷	
bequeath	۶۴.۸۷	وصیت کردن
make testament	۱۰۰	
give one's last testament	۱۴	
leave will	۲	
testator	۶۴	وصیت کننده (نیز ← موصی)
last will; testament	۶۱	وصیت نامه
testament	۸۰-۲	
situation	۱۱.۹۲.۹۵	وضع (نیز ← واضع)
position	۴۰.۱۰۵	
convention	۴۰	
deposit the burden; childbirth	۳۹.۱۰۰	وضع حمل (فقد.) [در قرآن مجید آمده است: و تضع کل ذات حمل حملها]
deliver	۸۷	
ordain	۱۵	وضع کردن
set balance	۷.۸۷	وضع موازین [در قرآن مجید آمده است: و نضع الموازین القسط لیوم القيامة]
setting up of the scales	۵۶	
status quo	۶۱	وضع موجود (حق.)
conventional	۱۰۵	وضعی
lay hand upon	۶۱	وضع ید (حق.)
ritual ablution	۲۳.۱۰۹	وضو (فقد.)
minor ritual ablution	۴۵	
minor ablution	۸۳	
ablution	۲۰	
splint ablution	۲۰	وضوی جبیره

humble	۱۲۱	وضیع
mean; ignoble	۱۲۰	
country; home	۳۱	وطن
patriotic; patriot	۱۲۰	وطن پرست
patriotism	۱۲۰	وطن پرستی
sexual intercourse	۴۲	وطی (نیز ← جماع؛ دخول؛ مواقعه)
coition; copulation	۱۲۰	
obligation	۶۲	وظیفه
receptacle; container	۱۲۰	وعاء (قرآنی)
preachers	۳۱	وعاظ (نیز ← واعظ)
promise	۴.۷.۱۸.۸۷.۹۰.۹۱.۱۰۳.۱۰۶	وعد [وعدہ] (قرآنی)
religious admonition	۸۰-۵	وعظ [مشتقات این کلمه در قرآن ۸۰-۵ مجید به کار رفته است] (نیز ← واعظ؛ موعظه؛ نصیحت)
admonition	۱۰۳	
sermon; oration	۳۱	
preach	۲۱.۳۱	وعظ کردن
admonish	۲۳	
exhort	۸۷	
sermonize	۳۱	
threat	۷.۳۱.۸۷.۱۰۶	وعید (قرآنی)
threat of punishment	۲۳.۱۱۰	
faithfulness	۹۹.۱۰۳	وفا [مشتقات این کلمه در قرآن ۹۹.۱۰۳ مجید به کار رفته است.]
good faith; fidelity; loyalty; keeping an engagement	۳۱	
death	۴	وفا [مشتقات این کلمه در قرآن ۴ مجید به کار رفته است.]
proportion	۸۷	وفاق (قرآنی)

congruence	۴۴	
corresponding	۷	
keep one's word	۱	وفا کردن به عهد
fulfil the promise	۶	
fulfil the pledge	۲	
company	۸۷	وفد (قرآنی)
delegation	۱۰۹	
adapt	۲۹	وفق دادن
shamelessness	۵۷	وقاحت
impudence; audacity	۲۵	
majesty	۱۰۰	وقار (قرآنی)
dignity	۸۷	
court-appointed news writer	۴۸	وقایع نگار
historiographer	۸۰	وقایع نویس
preserve	۸۷	وقایه [= نگهداری، بازداشتن؛ مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
save	۷	
time	۷، ۸۷، ۱۰۴	وقت (قرآنی)
mystic moment	۱۴	وقت (عرف. و تص.)
spiritual moment	۹۰	
moment; occasion	۹۰	
local time	۳۶	وقت محلی
punctuality	۳۰	وقت شناسی
temporal proposition	۹۷	وقتیّه (منط.)
and so on	۱۳	وقس علی هذا
accident; event	۱۲۰	وقعه (نیز ← واقعه)
pious foundation	۴۵، ۴۷، ۸۰، ۸۵	وقف (نیز ← اوقاف؛ موقوفه)
mortmain	۳۷، ۴۷، ۸۵	

endowment	۳۷، ۴۲، ۴۵	
private endowment	۴۲	وقف خاص
public endowment	۴۲	وقت عام
pause	۸۰-۵	وقف [در قرائت قرآن]
discontinuation	۴۵	
full stop	۴۲	وقف لازم [وقف مطلق]
		وقف مطلق ← وقف لازم
bequeath	۶	وقف کردن
dedicate	۶۱	
act for the establishment of a pious foundation	۸۰-۲	وقف نامه
fuel	۱	وقود (قرآنی)
festival assembly	۴۵	وقوف
halt	۸۰، ۸۴	وقوف [در مراسم حج]
halt at Arafat	۸۴	وقوف در عرفات
pronouncement	۸۰-۴	وقوف (کل-)
representation	۴۵	وکالت (نیز ← توکل؛ توکیل؛ وکیل؛ موکل)
procurator	۸۵	
attorneyship	۶۱	
advocation	۶۱	وکالت کردن
deed of proxy	۶۳	وکالت نامه
The Guardian	۲۲، ۴۵، ۱۰۰	وکیل [الوکیل] (اسم الهی) (قرآنی)
The Trustee	۸۰، ۸۷	
The Protector	۸۰	
agent	۳۸، ۸۰، ۸۵	وکیل (فق-)
proxy	۸۰، ۸۵	
plenipotentiary	۴۵	

		وکیل (حق.)
deputy	۴۷.۸۵	
attorney	۱۵.۸۵	
regent	۴۷	
warden; defender	۸۷	
representative of the people;	۸۰-۴	وکیل الرعايا
regent for the people; lieutenant		
barrister	۶۱	وکیل دعاوی (حق.)
advocate; defending attorney	۶۱	وکیل مدافع (حق.)
friendship	۳۱.۳۸	ولاء [مشتقات این کلمه از جمله تولی و ولی و اولیاء در قرآن مجید به کار رفته است.]
love; kindred; relationship	۳۱	
proximity; kin	۳۸	
relationship of client and patron	۸۵	
friendly love	۴۲	ولاء الموالاة (نیز موالاة)
birth	۶۱	ولادت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
protection	۷.۸۷.۱۰۰	ولایت (قرآنی)
sanctity	۵۸.۸۰	ولایت (تص.)
sainthood	۵۶	
mastership	۶	
guardianship	۱۲.۴۵.۶۱	
authority	۱۰۹	
devotion; love of Imams	۲۴	ولایت ائمه
loyalty or allegiance to the Imams	۱۱۳	
esoteric guidance	۱۲	ولایت باطنی
general guardianship	۱۲	ولایت عامه
jurisdiction	۸۵	ولایت فقیه
guardianship of the jurisconsult	۲۷	

county	۸۰	ولایت [ایالت؛ استان]
province	۱۱۴	
son	۷، ۱۰۰	وَلَد (قرآنی)
child	۸۷	
sons; children	۳۱	وُلْد [= اولاد]
bastard	۳۱	ولد الزنا
children	۷، ۸۷	وُلْدان (قرآنی) [= کودکان]
The Friend; The Protector; The	۸۰، ۱۰۰	ولی [الولی] (اسم الہی) (قرآنی)
Surety; The Patron	۴۵	ولی (قرآنی) (نیز ← اولیاء اللہ)
protecting friend	۸۷	
protector	۸۰، ۱۰۰	
saint	۳۴، ۴۵، ۹۰، ۱۰۳	ولی (تص.)
holymen	۱۰۳	
custodian; master	۶	
friend of God	۸۰	
legal guardian	۸۵	ولی (فقہ) (نیز ← ولایت فقیہ)
guardian	۱۲	
ruler	۱۰۹	
plenipotentiary	۱۱	ولی امر (نیز ← اولوا الامر)
master of the affairs	۱۰۹	
blood-wit	۱۰۹	ولی دم
avenger of blood	۴۵، ۸۰	
next of kin	۴۲	
legal guardian	۴۲	ولی شرعی
The Friend of God	۴۵	ولی اللہ (نیز ← اولیاء اللہ)
Friend of the God fearing	۱۰۰	ولی المتقین (اسم الہی) (قرآنی)
Guardian of Believers	۷	ولی المؤمنین (اسم الہی) (قرآنی)
hier-presumptive	۸۰-۳	ولیعہد
banquet	۳۱، ۴۵	ولیمہ

nuptial feast	۴۲	
benefactor; patron	۲۵	ولینعت
The Giver	۴۵.۱۰۰.۱۰۳	وہاب [الوہاب] (اسم الہی) (قرآنی)
The All-giving	۶.۱۰۰	
The Bestower	۴۲.۸۷	
Wahhabism	۲۷	وہابیگری
Wahhabites	۴۲	وہابیہ [= وہابیان]
imagination	۹۲.۱۰۳.۱۰۴.۱۰۵	وہم (نیز ← واہمہ؛ موہوم)
estimation	۱۰.۹۳.۱۰۸	
estimative faculty	۸۰.۱۰۶	
illusion	۱۱۳	
fancy	۳۴	
fantasy	۱۱	
imagined premisses	۴۰	وہمیات
preconceptions	۹۷	
weakness	۸۷.۱۰۰	وہن (قرآنی)
woe	۷.۸۷	ویل (قرآنی)

ہ

Abel	۷	ہابیل (نیز ← قابیل)
heavenly voice	۲۱.۱۰۳	ہاتف (نیز ← سروش)
supernatural voice	۹۰	
secret voice	۵۲	
inner voice	۱۲۱	ہاتف القلب

Hagar	۴۳.۹۹	هاجر [همسر حضرت ابراهیم (ع)] و مادر اسماعیل (ع)
Agar	۴۳	
thought	۳۸	هاجس (تص.)
The Guide	۴۲.۴۵.۸۰	هادی [الهادی] (اسم الهی) (قرآنی)
guide	۷.۸۷	هادی (قرآنی)
Aaron	۴۳.۴۵.۸۷.۹۹	هارون (قرآنی)
hatched work	۱۱۶	هاشورکاری (جل.)
digestive power	۱۲۰	هاضمه (نیز ← هضم)
margin of a book	۳۱	هامش
mortar	۳۱	هاون
burning fire	۲۴	هاویه (قرآنی)
abyss	۷	
nethermost hell	۳۱	
chaos	۹۵	
Divine essence	۱۳	هاهوت
scattered motes	۸۷	هباء منشوراً (قرآنی) [کنایه از هیچ و پوچ]
descent; declassing	۱۶	هبوط [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]
fall down	۸۷	
process of descent	۱۱	
dejection	۵۹	
Adam's fall	۴۴	هبوط آدم
dejection	۱۲۵	هبوط (نج.) (مق. شرف)
gift	۶۱.۸۰.۸۶	هبه (فق.)
donation	۸۵	
donor	۳۹	هبه کننده

donee	٣٩	هـ ٦٦٨
deed of gift	٦١	هـ ٦٦٨
violation	١٢٠	هـ ٦٦٨
aspersion	٦١	
desecration	٦٣	هـ ٦٦٨
satire	٨٠، ١٢٠	هـ ٦٦٨ (بع) (نیز ← هـ ٦٦٨)
syllable	١٢٠	هـ ٦٦٨ (دست)
syllable	١٢٨	هـ ٦٦٨ (تجو)
poetical invective	١٢٨	هـ ٦٦٨ (عروض)
severance	١٠٣	هـ ٦٦٨ [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
emigration	٤٥، ٨٠، ٩٥	هـ ٦٦٨ [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← مهاجر)
immigration	٢	
migration	٩	
flight	٤٥	
Hegira; Hejra; Hijrah	٤٣	
migrate	٢	هـ ٦٦٨ کردن
suffer exile	٦٤	
A.H. [=anno Hejira]	١٢٠	هـ ٦٦٨ [= بعد از هـ ٦٦٨]
satire	١٢٨	هـ ٦٦٨
invective	٤٠	هـ ٦٦٨ (نیز ← هـ ٦٦٨)
attacking ; invading; assaulting	٣١	هـ ٦٦٨
satire (hajw)	٢٦، ٢	هـ ٦٦٨ [نوعی قصیده]
spelling	١٢٠	هـ ٦٦٨ کردن
guidance	٤، ٤٥، ٨٧، ٩٠، ١٠٣	هـ ٦٦٨ [مشتقات این کلمه از جمله هادی، هدی، مهتدی و اهتدا بارها در قرآن مجید به کار رفته است.]

Divine guidance	۵۷	
general guidance	۵۷	هدایت عامه
guide	۲۲	هدایت کردن
objective	۸	هدف
goal	۴	
destruction	۱۰۴	هَدَم [مشتقی از این کلمه به صورت هَدَمْتُ در قرآن مجید به کار رفته است.]
truce	۴۵	هَدَنه [= صلح، آرامش؛ آتش بس]
peace; armistice	۱۲۱	
hoopoe	۷.۸۷	هدهد (قرآنی)
sacrifice	۶۴	هَدی (قرآنی) [= قربانی]
offering	۱۰۰	
sacrificial (animal)	۱۰۹	
oblation	۸۰-۳	
guidance	۶۴.۸۷.۱۰۰	هَدی (قرآنی) (نیز ← هادی : مهتدون؛ اهتداء مهدی)
right guidance	۸۰.۹۹	
right direction	۸۰	
way of salvation	۳۱	
gift	۸۷	هَدیه (قرآنی)
present	۷.۸۷	
hyperbolic	۳۶	هذلولوی (نجم.)
hyperbola	۱۲۰.۱۲۹	هذلولی (هندسه)
delirium	۷۱	هذیان (پز. قدیم)
anarchy	۹۵	هرج و مرج
disorder and confusion	۱۲	
heresy	۱۲۱	هَرطَقه [= زندقه، بدعت]
heretic	۱۲۳	هَرطوقی

Heraclius	۸۰.۹۹	هرقل
Heracleia	۹۹	هَرَقلَه (جف.) [شهری در آسیای
		صغیر که هارون الرشید فتحش
		کرد. امروزه ایرغلی نامیده
		می شود.]
Pyramid	۱۲۹	هرم
Hermeticists	۱۳	هرمسیان
Herodotus	۲۶-۱	هرودوت [مورخ یونانی]
trotting [= a pace adopted by the	۳۱.۸۴	هَروَله [شتافتن یا آهسته دویدن
pilgrims at Mecca]		هنگام سعی بین صفا و مروه که
		از ارکان حج است.]
going moderately	۳۱	
brickworks; string course;	۱۲۹	هره [= رُخبام؛ آجرکاری] (معم.)
window sill brick		
millenar cycles	۸۰	هزارات (نج.)
ornamental brickwork	۷۸	هزارباف (معم.)
merriment	۱۰۰	هزل (قرآنی)
joke	۷	
jest; jesting; playfulness	۳۱	
pleasantry	۲۱.۸۷	
parody	۱۲۸	
facetious poems	۱۲۸	هزلیات
facetiae	۸۲-۵	هزلیات
flight; defeat	۳۱	هزیمت [مشتقات این کلمه در قرآن
		مجید به کار رفته است]
expenditure	۳۱	هزینه
expense	۷۵.۱۲۹	
existence	۱۱.۲۹.۹۲.۱۰۳.۱۱۱	هستی (نیز ← وجود)
universal being	۹۲	هستی عام

absolute being	۲۹.۹۲	هستی محض
infinite existence	۲۹	هستی نامحدود
octagon	۱۲۹	هشت ضلعی
octangle	۱۲۹	هشت گوشه
octahedron	۱۲۹	هشت وجهی
porch	۱۲۹	هشتی (معم.)
atrium	۱۱۵	
sensible	۱۰۳	هشیار
self-consciousness	۱۰۳	هشیاری (نیز ← هوشیاری)
digestion	۱۲۰	هضم
suppression of passion	۳۱	هضم نفس [= شکسته نفسی]
seventy - two sects of Islam	۳۱	هفتاد و دو ملت
seven spheres	۱۰۳	هفت آسمان [افلاک سبعه، هفت فلک، هفت گردون]
Seven Climes	۱۹	هفت اقلیم (جغ.)
Seven Planets	۱۰۳	هفت انجم
seven members	۱۸	هفت اندام
the seven effigies	۸۰-۵	هفت پیکر
The Seven Sleepers	۳۱	هفت تنان [= اصحاب کهف]
Seven Seas	۱۰۳	هفت دریا
		هفت فلک ← هفت آسمان
		هفت گردون ← هفت آسمان
week	۳۱	هفته
perdition	۲۱	هلاک [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
perish	۷.۸۷	
the crescent	۷۴.۸۰	هلال [جمع مکسر این کلمه به صورت أهله به کار رفته است]
Fertile Crescent	۴۳	هلال خضیب

the new moon	۳۸.۴۵.۸۰	هلال ماه
crescent of the moon	۷۴	
and so on; et cetera	۱۲۶	هَلَمْ جَرّاً [«هَلَمْ» در قرآن مجید به کار رفته است.]
anxious	۸۷	هلوع (قرآنی) [= ناشکیبا]
hasty	۷	
myrobalan	۳۱	هلیله
attention		هلیوپولیس ← بعلبک
care	۹۵	هَمّ [مشتقات این کلمه در قرآن ۱۱۸، ۱۱۹ مجید به کار رفته است.]
backbiter		همّاز (قرآنی) [= بدگوی] (نیز ← ۱۰۰ هُمَزَه)
defamer	۷	
tautology	۱۱	همان گویی [تکرّر معلوم، تحصیل حاصل]
ambition	۱۲۱	همت
spiritual intention	۵۶	
spiritual will	۵۸	
zeal	۹۵.۱۲۱	
determination	۴.۱۲۱	
resolution	۳۸	
the «rabble»	۲۷	هَمَج الرِّعَاع [این ترکیب نخست بار در نهج البلاغه به کار رفته پ است. به معنی دنباله روان بی تمیز، و بی سروپا]
mob		همجنس بازی (نیز ← مساحقه؛ پ لواط)
homosexuality		همچندی
equality	۹۲	

sleeping together	۳۱	همخوابگی
co-religionist	۲۷، ۳۱	همدین
The Backbiter	۸۸، ۱۰۰، ۱۱۲	هُمَزَه [سوره] نیز ← هَمَّاز
The Traducer	۸۷	
The Slanderer	۷	
evil suggestions	۷، ۸۷	هَمَزَات (قرآنی) [وسوسه های شیطانی]
neighbour	۳۱	همسایه
spouse	۱۵	همسر (نیز ← زوج، زوجه؛ ۱۵ منکوحه؛ زن؛ شوهر)
conjugal	۱۵	همسری [زناشویی] (نیز ← نکاح)
fellow-traveller	۳۱	همسفر
alley	۸۴	هم سوگند [= حلیف؛ متحد، ۸۴ هم پیمان]
fellow-citizen	۹۲	همشهری
foster brother or sister	۱۲۰	همشیر
equinumerous; equipotential	۹۴	هم قوه [منط.]
		هم مذهب ← همدین
brethren	۴	هم مسلک
everlasting	۱۱	همیشگی (نیز ← جاوید، مخلد، ابدی)
India	۱۲۰	هند
Indian	۱۲۰	هندی (نیز ← هندوگرانی)
geometry	۹۵، ۱۲۹	هندسه
engineering	۸۰	
laws of measurement	۱۰۶	
Euclidean geometry	۹۴	هندسه اقلیدسی
analytic geometry	۱۲۹	هندسه تحلیلی
descriptive geometry	۱۲۹	هندسه ترسیمی
plane geometry	۱۲۹	هندسه مسطحه
art	۱۲۰	هنر

artist	۳۱، ۱۲۰	هنرمند
with wholesome appetite	۱۰۰	هنیئاً مرثیاً (قرآنی) [نوش و گوارنده]
He	۷، ۸۷، ۱۰۰	هو (قرآنی)
desire	۸۰، ۸۷، ۱۰۳، ۱۰۶	هوا [هوی] (قرآنی)
passion	۵۷، ۸۰، ۸۷، ۹۵، ۱۰۳	
sensuality	۱۰۳	
caprice	۶، ۱۰۰	
sensual	۴	هواپرست
sensualism; sensuality	۱۵	هواپرستی
sensual desire	۱۰۳	هوای نفس
carnal desire	۴۲	
passions	۳	
Hood	۱۰۰	هود (قرآنی) [پیامبر قوم عاد؛ نیز]
Hud	۷، ۸۷، ۸۸	نام سورة یازدهم از قرآن مجید؛ نیز به معنی یهود]
jew	۷، ۸۷	
camel-litter	۱۸	هودج
litter	۸۰-۳	
corps astral	۱۱	هورقلیا [قالب نجمی، قالب مثالی] (کل.) [این کلمه را که احتمالاً اصل عبری دارد نخست بار شیخ اشراق به کار برده سپس شیخ احمد احسانی و حاج ملاهادی سبزواری و دیگران نیز در باره آن بحث کرده اند]
(sensual) desire	۱۶، ۱۰۳	هوس (اخذ.)
promiscuity; capriciousness; sensuality	۱۵	هوسرانی (اخذ.)
spiritual intelligence	۱۰۳	هوشیاری [مق. غفلت] (نیز ← هشیاری)

horror; fright; terror	۳۱	هول
rival wife	۱۲۰	هَوُو
wives of the same husband	پ	
		هوی ← هوا
ipseity	۵۶، ۸۰، ۹۰، ۹۷، ۱۰۸	هویت
identity	۸۰، ۱۰۵	
personal identity; he-ness	۱۱	
essence	۱۶	
itness	۱۰۶	
prime being	۸۰	هویت اولی
substantial ipseity	۵۶	
state; quality; form	۳۱، ۸۰	هیئت (فل.)
configuration; shape; figure, deputation	۸۰	
astronomy	۵۹، ۹۹	هیئت [نجوم]
configuration of elements	۸۰-۳	هیئت ارکان
board of trustees	۷۵	هیئت امنا
psychical affection	۶۹	هیئت نفسانی
awe	۴۴، ۱۰۳	هیبت
reverence	۵۷	
awe of God	۱۰۳	هیبت حق (نیز خشية الله)
temple	۱۳، ۵۸، ۸۰	هیکل
figure, image, statue	۳۱، ۱۲۰	
monument	۹۹	
stature	۳۱	
temple of light	۸۰-۳	هیکل نورانی
subjugating of souls	۵۴	هیمیا [از علوم غریبه]
matter	۵۶، ۸۰، ۱۰۵	هیولا (فل.) (مقد. صورت)
prime matter	۹۲، ۹۳	
materia	۱۳	

eule	۱۱	
hyla	۹۵	
material	۴۰	هیولانی
potential	۹۲	
primary matter of man	۶۹	هیولای انسانی
primary matter	۶۹	هیولای اولی
prima materia	۱۱	
		هیولی ← هیولا
In no way	۱۰۹	هیئات (قرآنی)
begone	۸۷	
away	۱۰۰	
far	۷	
alas!	۲۵	
we and disgrace? How preposterous!	۱۶	هیئات مِنَّا الذَّلَّةُ [سخنی معروف از امام حسین (ع)]

ی

O God	۱۲۰	یا الله (نیز ← اللهم)
O people!	۷	یا ایها الناس (قرآنی)
O mankind!	۸۷	
menopause	۱۵	یانسگی
recollection	۹۵	یاد
memorial	۱۱	یادگار [تذکره]
commemoration volume	۱۳	یادنامه
		یار ← رفیق؛ مصاحب؛ ندیم؛ صحابی

rebellious	۴	یاغی
Japhet	۱۹.۴۵.۹۹	یافت [پسر نوح]
hyacinth; ruby	۳۱.۱۲۱	یاقوت
Gog and Magog	۷.۳۸.۹۹.۱۱۲	یاجوج و ماجوج
despair	۱۱.۹۵	یأس [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
orphan	۷.۳۹.۴۵.۸۷	یتیم (قرآنی) [جمع مکسر این کلمه نیز به صورت یتامی' در قرآن مجید به کار رفته است.]
fatherless minor child	۴۵	
John	۸۷.۱۰۰.۱۱۲	یحیی (ع) (قرآنی) یحیی تعمیددهنده [معمدان] ← یحیی
glacier; ice house; ice pond	۱۲۹	یخچال (معم.)
hand	۷.۸۷	ید (قرآنی) [جمع مکسر این کلمه نیز به صورت ایدی در قرآن مجید به کار رفته است.]
White Hand	۷.۵۵.۸۷	ید بیضا [معجزه حضرت موسی] [در قرآن مجید آمده است: ونزع یده فاذاهی بیضاء للناظرین]
the hand that receives	۲۵	ید سفلی
power; strength; skill	۳۱	ید طولا [= طولی]
the hand that gives	۲۵	ید علیا
jaundice; icterus	۷۱	یرقان (پز.)
Divine	۳۱	یزدان ← الله؛ خدا
Ya Sin	۸۷.۸۸.۱۰۰	یزدانی
Ya Seen	۷	یس [سوره]
harbinger; aide-de-camp	۸۰	یساول

	یُسْر (قرآنی)	۷.۸۷
ease	یُسْر	۱۲۰
black coral	یَسْعَ (قرآنی) [= الیسع]	از ۸۷.۱۰۰
Elisha	پیامبران بنی اسرائیل و شاگرد الیاس)	
	یَشْم	۱۲۰
jasper	یعقوب (ع) (قرآنی) [= اسرائیل]	۷.۱۰۰
Jacob	یعنی	۱۲۰
namely; means; signifies		۳۱
That is to say	یَغْمَا	۱۲
plundering	یَقْظَه	۴۰
awakeness		۱۰۳
time of waking	یقین (قرآنی) (نیز ← حق الیقین؛ ۲۱	
intuitive faith	علم الیقین؛ عین الیقین)	
	۵۸.۸۰.۹۷.۱۰۶.۱۱۸.۱۱۹	
certainty	۷.۸۷	
sure	۹۵.۱۱۱	
certitude	۱۰۹	
certain truth	۱۰۰	
certain	یکتاپرستی (نیز ← توحید؛ وحدت؛ ۱۱	
monotheism	واحد)	
	یکتای ذاتی	۲۹
one by essence	یکتایی	۱۱
oneness		۱۴
singleness	یکتایی بسیط	۱۱
simple oneness	یکتایی مطلق	۱۱
absolute oneness	یکنواختی [مشابهت]	۱۱
uniformity	یکی ← یکتائی؛ یگانگی، وحدت؛ واحد	

one; single; sole; unique; alone	۳۱	یگانه [غالباً صفت خداوند قرار می گیرد]
unity	۳۱، ۹۲	یگانگی (نیز ، یکتائی؛ احدیت، واحد)
unicity; oneness	۵۶	
singularity	۳۱	
homogeneity	۱۶	
sea	۷، ۸۷	یَمّ (قرآنی) [= دریا]
Yemen	۴	یَمَن
blessing; felicity	۲۵	یُمَن
oath	۳۹، ۸۰	یمین، [سوگند] [در قرآن مجید جمع مکسر این کلمه به صورت ایمان به کار رفته است]
right hand	۷، ۸۷	یمین [دست راست] (نیز ے ملک یمین؛ اصحاب الیمین)
oath of repudiation	۸۰-۴	یمین بالطلاق
spring; source; fountain	۳۱	ینبوع
Divine fountain	۱۰۳	ینبوع الهی
Joseph	۷، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰	یوسف (ع) (قرآنی) [از پیامبران بنی اسرائیل، فرزند یعقوب، که سوره ای به نامش و درباره اش در قرآن مجید هست.]
Yusuf	۷	
Joshua	۴۵	یوشع [وصی حضرت موسی (ع)]
day	۶، ۷، ۴۵، ۸۰، ۸۷، ۱۱۳	یوم (قرآنی) [جمع مکسر این کلمه هم به صورت ایام بارها در قرآن مجید به کار رفته است.]
last day	۷، ۸۷	یوم الآخر (قرآنی)
The Day of the Parties	۱۱۳	یوم الاحزاب (قرآنی)

The Day of the Great Sacrifice

۴۵ يوم الاضحى (نيز ← عيد
اضحى (= عيد قربان))

Day of Return

۹۹

يوم الاياب

Day of Resurrection

۷، ۸۷

يوم البعث

Day of Upraising

۶

the Day when the secrets
are tried

۱۰۰ يوم تُبلى السرائر (قرآنى)

Day of Quenching

۱۱۳

يوم الترويه

Day of Watering

۸۰ - ۳

Day of Moistening

۴۵

Day of Mutual Fraud

۱۰۰

يوم التغابن (قرآنى)

Day of Meeting

۷، ۶۴، ۸۷

يوم التلاق (قرآنى)

Day of Summoning

۶۴، ۸۷

يوم التناد (قرآنى)

Day of Uniting

۵۶

يوم الجمع [روز محشر]
(قرآنى)

Day of Gathering

۷، ۱۰۰

Day of Reckoning

۷، ۸۷

يوم الحساب (قرآنى)

Day of Assembly

۳۸

يوم الحشر (قرآنى)

Day of Eternity

۱۰۰

يوم الخلود (قرآنى)

Day of Judgement

۷، ۳۸، ۵۶، ۸۰، ۸۷، ۱۰۰

يوم الدين (قرآنى)

Day of Doom

۱۰۰

Day of Distinction

۷

يوم الفرقان (قرآنى)

Day of Discrimination

۸۷

Day of Decision

۸۷، ۱۰۰

يوم الفصل [روز قيامت]
(قرآنى)

Day of Separating

۵۶

Day of Resurrection

۶، ۷، ۸۰ - ۵، ۸۷

يوم القيامة (قرآنى)

Day of Judgement

۱۰۴

Day of God

يوم الله [در قرآن مجيد جمع
۱۰۰]

این کلمه به صورت ایام الله
به کار رفته است

Day of Great Sacrifice	۴۵	یوم النحر
Day of Slaughter	۱۰۱	
Day of Resurrection	۱۰۳	یوم النشور
daily; quotidian	۱۲۰	یومیہ
Jonah	۷، ۴۵، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰، ۱۱۲	یونس (ع) [= ذوالنون، صاحب الحوت] (قرآنی)
Yunus	۷	
Jews	۴، ۷، ۸۷	یهود [قوم یهود] (قرآنی)
Judah	۴۳، ۹۹	یهودا
Jew	۷، ۴۳، ۸۷	یهودی (قرآنی)
Judaism	۱۱	یهودیت
summer camp	۸۲-۵	ییلای (نیز ← قشلاق)

LIBRARY UNIVERSITY

Iqbal Library

Page No

563745

16-3-09

**A GLOSSARY
OF
ISLAMIC TECHNICAL TERMS
PERSIAN-ENGLISH**

Compiled by:

M.T.Akbari

A.Rezvani

M.T.Monshi Toossi

H.Soltanifar

(Translation Department Islamic Research Foundation)

Edited by:

B. Khorramshahi

IQBAL LIBRARY

Acc. No. 4624

Call No. _____

Author _____

Title Daily
Science



بنیاد پژوهش‌های اسلامی
آشنایان مدرسین



مجلس شورای اسلامی
آستان قدس رضوی

**A GLOSSARY
OF
ISLAMIC TECHNICAL
TERMS
PERSIAN-ENGLISH**

Compiled by

M.T. Akhbari

A. Rezvani

M.T. Monshi Taossi

H. Soltanifar

Islamic Research Foundation

Translation Department

Edited by

B. Khorramshahi

Islamic Research Foundation

Astan Quds Razavi

Mashhad - IRAN

1991